

فرهنگ

گیاهان دارویی کردستان

فه رهه نگی گیاده رمانیه کانی کوردستان
کردی - فارسی

شامل ۳۲۰ عکس رنگی

تألیف و تحقیق: سید شهاب خضری



فرهنگ گیاهان دارویی کردستان

(گیاهان دارویی ، خوراکی ، صنعتی)

فهرههنگی گیادهه رمانیه کانی کوردستان

کردی - فارسی

*A Dictionary of Kurdistan
Medicinal Plants*

تألیف و تحقیق: سید شهاب خضری

سرشناسه	:	خضری، شهاب، - ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ گیاهان دارویی کردستان = فه رهه نگی گیاده رمانیه کانی کوردستان =
	:	Adictionary of Kardistan medicinal plants کردی - فارسی / تالیف و تحقیق شهاب خضری
مشخصات نشر	:	سنندج: شهاب خضری، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۳۳۱ ص، [۲۸۸] ص، تصویر، مصور (رنگی)
شابک	:	978 964-06-2410-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فهرست نویسی قبلی
یادداشت	:	کردی -- فارسی -- انگلیسی
یادداشت	:	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
موضوع	:	گیاهان دارویی -- کردستان -- واژه نامه ها -- چندزبانه
موضوع	:	کردی -- واژه نامه ها -- چندزبانه
رده بندی کنگره	:	۴۳۵۱RS ف ۶/خ
رده بندی دیویی	:	۳۲۰۳/۶۱۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۵۱۳۷-۸۱

مرکز پخش:



انتشارات کردستان

Kurdistan Publication

سنندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

فرهنگ گیاهان دارویی کردستان

نام کتاب:	✓	فرهنگ گیاهان دارویی کردستان
مؤلف:	✓	شهاب خضری
نوبت چاپ:	✓	دوم؛ ۱۳۹۰
تیراژ:	✓	۲۰۰۰ جلد
تعداد صفحه و قطع:	✓	۳۳۲ صفحه‌ی وزیری
ناشر:	✓	مؤلف با همکاری انتشارات کردستان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۶-۲۴۱۰-۴

ISBN: 978 - 964 - 06- 2410 - 4

قیمت:

۶۰۰۰ تومان

راهنمای استفاده از این فرهنگ:

- ۱- نام‌گردی هر گیاه، درختچه و درخت را که به هنگام پژوهش‌ها و گردش‌های علمی در مناطق مختلف کردستان، شناسائی نموده‌ام و یا از فرهنگ‌ها استخراج نموده‌ام، تحت عنوان اصلی و مدخل ثبت گردیده است.
- ۲- پس از نام‌گردی، نام لاتین (نام علمی) گیاهان، درختچه‌ها و درختان را ثبت نموده‌ام.
- ۳- پس از نام علمی، نام یا نام‌های فارسی گیاه، درختچه و درختان را با حروف ایرانیک (خوابیده) ثبت نموده‌ام.
- ۴- در بعضی جاها، پس از عنوان اصلی یا کلمه مدخل، نام لاتین ثبت نگردیده ولی نام یا نام‌های فارسی نوشته شده است.
- ۵- در بعضی جاها، نام فارسی و علمی ثبت نیست و با عبارت، گیاهی است، شرح گیاه آغاز گردیده است و این به جهت گستردگی موضوع گیاهان است.
- ۶- نام یا نام‌های مترادف گیاه در بین گیومه ثبت می‌باشد. به عبارت دیگر در همه جا‌هایی که نام یا نام‌های گردی گیاه، درختچه و درخت بین گیومه نوشته شده است، این نام‌ها مترادف همان نامی است که در عنوان اصلی یا مدخل ثبت گردیده است. (نیوی هر گیایه کم له کاتی لی کولینه وه دا له هر گوندی یا له هر ناوچه یکدا په یدا کردبی ته و ناوهم به عونوانی نیوی ته سلی (واته لیمه، مه دخل) نووسیوه و هاوسه‌نگ و موترادیف و هاوکیش و نیوه کانی دییکه ی ته م گیاهم له زاراه کانی دییکه ی کوردیداو هه روه‌ها له ناوچه کانی دییکه ی کوردستاندا، له نیوان دوو که وانه دا «...» نووسیوه. توضیح اینکه نام‌های مترادف به وسیله خود مؤلف در روستاها و مناطق کردستان شناسایی گردیده و بعضاً از فرهنگ‌ها استخراج شده است.
- ۷- در این فرهنگ، گیاهان دارویی، خوراکی، علفی، درختچه‌ها و درختان ثبت گردیده است و چون تعداد بسیار کمی از گیاهان تاکنون دارویی بودن آنها اعلام نشده و غالب گیاهان ثبت شده دارویی هستند، بدین جهت نام گیاهان دارویی انتخاب گردید.

فوائد فرهنگ حاضر

- ۱- آگاهی و یادگیری نام‌های کردی گیاهان، درختچه‌ها و درختان
- ۲- آگاهی از نام یا نام‌های گیاهان، درختچه‌ها و درختان در گویشهای دیگر کردی (کرمانشاهی، دهلرانی، کلیایی، قصرشیرینی و گویش لکی)
- ۳- آگاهی و یادگیری نام لاتین (نام علمی و جهانی) گیاهان، درختچه‌ها و درختان خودرو و پرورشی موجود در استان کردستان، استان کرمانشاه و دهلران
- ۴- آشنایی پیدا کردن و یاد گرفتن نام و نام‌های فارسی گیاهان، درختچه‌ها و درختان
- ۵- اطلاع و آگاهی یافتن از محل رویش گیاهان دارویی، درختچه‌ها و درختان و بدست آوردن نمونه‌ها مخصوصاً نمونه‌های کم‌یاب و یا در حال نابود شدن به منظور پرورش و کشت انبوه همچنین پژوهشگران در کتابهای گیاهی که در آینده خواهند نوشت می‌توانند از محل‌های رویش گیاهان ثبت شده در این فرهنگ با اطمینان خاطر استفاده نمایند
- ۶- آگاهی از خواص درمانی گیاهان در طب سنتی کردستان، کرمانشاه، دهلران و اطلاع مختصر از مواد معدنی و ویتامین‌های موجود در گیاهان و بعضاً کاربرد آنها در طب نوین
- ۷- آگاهی از گیاهان خوراکی استان کردستان و کرمانشاه و دهلران
- ۸- با استفاده نمودن از نام یا نام‌های فارسی گیاه، می‌توانید جهت آگاهی از ترکیبات شیمیایی و خواص دارویی از نظر پزشکی نوین، به فرهنگ گیاهان دارویی، به زبان فارسی، گردآوری و تحقیق مؤلف، مراجعه نمایید.
- ۹- آگاهی و اطلاع از اهمیت گیاهان موجود در منطقه و توجه و عنایت به حفظ و حراست آنها و جلوگیری از نابودی گیاهان ارزشمند که سرمایه ملی کشور و منطقه هستند.
- ۱۰- آگاهی از تلفظ و نوشتن رسم الخط صحیح کردی نام محل‌های رویش گیاهان و استفاده از آن در فرهنگ‌های لغت کردی که در آینده توسط موسسات و اشخاص تدوین می‌گردد
- ۱۱- استفاده مطمئن از اسامی فارسی گیاهان، درختچه‌ها و درختان توسط فرهنگ نویسان کردی - فارسی یا فارسی - کردی و همچنین استفاده از آن در ویراستاری فرهنگ‌های قدیم
- ۱۲- استفاده محققین و پژوهشگران از این فرهنگ و ادامه و تکمیل آن. ضمناً انتظار دارد توصیه می‌گردد، پژوهشگران، مخصوصاً پژوهشگران جوان که در زمینه‌های گیاهی به تحقیق می‌پردازند، کوشش نمایند مطالب تازه‌ای به دست آورند و اضافه نمایند و از تکرار انجام پژوهش انجام شده به‌پرهیزند. امید است با ادامه این راه، در آینده دهها فرهنگ و کتاب گیاهی داشته باشیم.

تشکر و سپاسگزاری

بدینوسیله وظیفه خود می‌دانم که از همه اهالی روستاهای کردستان، اساتید، پزشکان، صاحب نظران، ارگانها و کتابخانه‌هایی که به نحوی از انحاء در تألیف و تدوین این فرهنگ، همفکری و یا کمک نموده‌اند، به شرح زیر تشکر و سپاسگزاری نمایم:

اهالی محترم و بزرگوار روستاها، شهرها و مناطق مختلف کردستان که به هنگام گردش‌های علمی و مراجعه اینجانب از محبتها و راهنمایی‌های خویش دریغ نورزیده‌اند. (روستاها، شهرها، مناطق و کورهائیکه شخصاً به آنجاها رفته‌ام، در متن کتاب و زیر عنوان محل رویش، به آنها اشاره نموده‌ام)

جناب آقای دکتر ولی‌الله مظفریان که در شناسایی گیاهان اینجانب را یاری داده است
جناب آقای مهندس حسین معروفی که در شناسایی گیاهان اینجانب را یاری داده است
جناب کاک ماجد روحانی که همواره با روی باز اینجانب را می‌پذیرفتند و از راهنمایی‌های استادانه خویش در رابطه با فرهنگ نویسی، دریغ نمی‌ورزیدند.

کارکنان محترم ثبت احوال استان و شهرستانها، دانشگاه کردستان. مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی و منابع طبیعی کردستان. آقای مسعود بالکدری. صوفی صالح اهل روستای بست. حاج عارف ظفری قلقله. حاج شریف قادری. آقای ایرج مشعوف. دکتر محمدرضا بیرجندی. عباس رحیمی. آقای محمدصدیق منقی. آقای سیدبرهان حسینی. آقای سیدعبداله صمدی. آقای ابریکر سعیدیان. آقای فرید عزت‌پور و خانم سه‌پران دانشور که در صفحه‌آرایی و حروف‌چینی فرهنگ دقت زیادی نمودند. کتابخانه‌های عمومی. انتشارات آنها.

با تقدیم احترام سیدشهاب خضری

«ثا»

ثاته شیئی: گلی است سرخ رنگ مایل به بنفش. روهك و كه مال آن را نوعی گل محمدی نامیده اند. فرهنگ کرمانشاهی آن را به صورت «ثاتیشی» ثبت نموده و آن را نوعی گل سرخ نامیده است. در قاموس آمده است كه: «جۆره گولّه باغیكه، رهنگی سووری مه یله و بنه وشه و بۆنی له گولئی گولآو كه متره و گولآویشی لئ ناگیرئی». (او، رو، قاء، کرمانشاهی)

ثاتیشی: (كر): نوعی گل سرخ است. نگا: ثاته شیئی. (كرمانشاهی)

ثاخچه باش: *Chaerophyllum crinitum* جعفری فرنگی كرك آلود. گیاهی است بهاری و از رستنی های كردستان كه در مناطق و كویشهای مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «ثاخچه باش، ثاغجه واش، ثاغچه واش، ثاغه جه واش». در روهك هم «ثاخچه باش» ثبت گردیده است این گیاه شبیه «په له شوانه» است. نگا: ثاغجه واش. (مو)

ثاداروك: گلی است كه اوایل بهار می روید. (هه) ثارتشیو: گیاهی است * دارای ویتامین های A و B و گوگرد، منگنز، فسفر است و برای مرض قند خوب است. (گژ، كه)

ثارج: حیزران. درختی است كه آن را «ثارج، حه یزه ران، دار حه یزه ران» گویند. در قاموس آمده است كه: «قی تو پۆری است كه راست بالا می رود و برگهایش مثل برگ خرما است، در مناطق گرمسیری پرورش می یابد و به

«قامیشی هندی» معروف است كه چوب دستی و عصا از آن درست می كنند. (قا، هه) **Amygdalus** ثارژنگ:

بادام تلخ، ارژن، درخت بادام كوهی. در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «ثارژنگ، ثه رژنگ، ثه رژن، هه رجن، باذمه كیوی تال، باذمه تاله، ثارژنگی، ثارژنگ» * میوه اش تلخ است و خاصیت طبی دارد و آن را برای درمان بكار می برند و از چوب آن چوبدستی درست می كنند و پوستش را بر كمان می پیچند. میوه این درختچه عامل تلخ آمیگدالین را دارد كه نوعی گلیكوزید است و برای بیماریهای چرك گوش و تقویت موی سر مفید است. اگر روغن بادام تلخ را گرفته و هر شب و یا بعد از هر استحمام یک قاشق چای خوری را بر موها بمالید از ریزش مو جلوگیری می كند. اگر روغن بادام تلخ را با شیره گیاه چوبك مخلوط کرده و فتیله ای از آن درست كنیم و داخل گوشی كه چرك و ریم و درد دارد قرار دهیم مفید و مؤثر است. كوییده میوه و برگهای آن برای كاهش فشار خون مفید است. از بادام هم نوعی صمغ بنام زدو یا هه نگوژه به دست می آید كه برای شستشوی سر و جلوگیری از ریزش مو بسیار مفید است. این درختچه در استانهای كردستان، كرماشان و ایلام به فراوانی می روید. (او، هه، مو، رو، دا، ماد، خال، مهر، برهان) ثارو: خیار. آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «ثارو، هاروو، ثاروو، خه یار، هاروی». (هه، علیر، او، كشت، ابرا، رو، كه) ثاروو: (زا): خیار. نگا: ثارو. (ابرا، رو)

ثاروی: خیار. نگا: ثارو

ثاریاری: نگا: هلووژه

ثازیکه: (لهك): گیاهی است صحرایی که از این گیاه و خمیرمایه از قدیم آشپزی تهیه می کردند. (لهك)

ثاسمین - ثاسمین: یاسمن. (هه، ابرا، او) ثاسن دار: درختچه ای است که در روستای خواشت و بعضی جاهای دیگر به این نام نامیده می شود. نگا: دار ثاسن. (مو)

ثاسن شکینه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

ثاسن سه ره: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: په مله. (مو)

ثاغجه باش: نگا: ثاغجه باش. (مو)

ثاغجه واش: *Chaerophyllum crinitum*
= *Ch. gracile*

جعفری فرنگی کرک آلود. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف کردستان، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «ثاغجه واش، ثاغجه واش، ثاغجه باش، ثاغجه باش، ثاغجه واش، ثاغجه باش، پی توکه»

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: دهره ویان خواروو، که که وسان، کتله شین، وی سهر، چل چه مه، هه رمی دژ، موسم ناوا، ماسیده، گه رده نهی سه لواتاوا، ره شنه ش، هه والآن، سولتان نه حمده، سه رشوی مه ریوان، خور خوروی سه قز، قه له بهرد، شیان، ته کیه، هه شه میز، پاوه، سه لواتاوا سنه. این گیاه بهاری است و حدود ۳۵ تا ۸۵ سانتی متر ارتفاع دارد، آن را خرد می کنند و داخل آش دوغ «دوکلینیو» و

آش ماستی که برنج و یا بلغور هم دارد می ریزند و می خورند. نگا: ثاغجه باش. (مو)، هه، او، صوفی صالح اهل روستای بست، مهر، مظ)

ثاغجه باش: نگا: ثاغجه واش. (مو)

ثاغجه واش: *Chaerophyllum crinitum*
= *Ch. gracile*

جعفری فرنگی کرک آلود. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای بست به این نام خوانده می شود. نگا: ثاغجه واش.

ثاغجه واش: نگا: ثاغجه واش. (مو)

ثافرا: نام درختی است. (ماد)

ثاقاقیا: افاقیا. نام درختی است، برخی گویند صمغ خار مغیلان است که اگر به خود گیرند جلو خون رفتن را بگیرد. (او، مهر)

ثاگول: (دیل). درختچه ای است کوتاه قد و با خارهای زیاد. (علیر)

ثالثال: گلی است سرخ رنگ و خوشبو. (هه). در اورنگ: گیاهی است خوشبو. در کشت و کال، به شیوه «ثالثال» و بمعنی: گیاهی است کوهستانی بسیار خوشبو و دارای برگهای ریز. بعضی آن را «په رزه لنگ» می دانند. در رووهك به شیوه «ثالثال» که گیاهی است کوهستانی خوشبو برگهایش آبی یا سبز است و آن را «په رزه لنگ» هم نامیده است. (هه، او، کشت، رو، که)

ثالثال: نگا: ثالثال

ثالث وورچ: علف خرس. (مو)

ثالقه تیز: گیاهی است با شیره مسهل که آن را «ثالقه تیز» هم گویند. (هه ...)

ثالوبالوی کیوی: آلبالوی کوهی. نگا: بلالوکه کتفیه. (هه)

ثالو بخاره: آلو بخارا، آلو زرد، آلو سیاه. در کردی آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «ثالوبوخارا، ثالو بخارا، ثالو بخاره، هه لووچه پاوه یی، هه لووژه زه شه، هه لووچه زه شه». (او، قا، هه، رو، کشت، که) ثالو بوخارا: نگا: ثالو بخاره.

ثالو به لالوک: آلبالو در فرهنگ اورنگ آمده است که درختی است کوهی که میوه اش مانند گیلان ریز است و خوردنش شکم را روان می کند. در کشت و کال آمده است که «به ری داری به لالوک، نه که داره که ی» در رووه که هم بمعنی میوه درخت آلبالو است. در هر صورت هم به درخت آلبالو و هم به میوه آن گفته می شود. (هه، او، کشت، رو) ثالوچه: گوجه، آلوچه. آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «هه لووژه، هه لووژه، هه لوکه، هه لوکه، هه لووچه». (هه، قا، او، کشت، رو)

ثالوچه زه شه: آلوچه سیاه. نوعی آلو سیاه با مزه بسیار ترش. (کرمانشاهی) ثالوچه زه رده: آلو زرد. (هه) ثالوشه: گزنه. نگا: گه زنه. (با، مو) ثالوو: (دید): آلو. (علیر، ابرا) ثالووبالوو: آلبالو. نگا: ثالووبالوو: (ابرا، علیر)

ثالووبالوو: آلبالو. آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «به لالوک، هه له لوک، ثالووبه لالوک، ثالووبالوو». (کشت، علیر، او، قا، هه)

ثالووبه لالوک: آلبالو. نگا: ثالووبالوو. ثالووچه: (زا): آلوچه، آلو، آلو کوچک. آن را «هه لووژه، نه لوچه» هم گویند. (ابرا، رو)

ثالته: فلفل. نام های دیگر آن: «بیهه، ثالته» ذکر شده است. در کردی دهلرانی بمعنی فلفل سیاه است. (لهک، کشت، او، کرمانشاهی، علیر)

ثالته: فلفل. در کردی با نام های زیر خوانده می شود: «بی بار، ثالته، دهرمان گهرم، ئیسوژ، ئیسیوژ، ثالته». کرمانشاهی: ثالته. لهکی: ثالته. (قا، هه، او، دا، کرمانشاهی، کشت)

ثالته: Vitex pseudo - negundo
درخت پاکدامن، بنگرو، بنگله، پنج انگشت.

درختچه ای است پرورش داده شده که در روستای ره شنه آن را «ثالته» گویند. هر یک از ساقه های فرعی آن دارای ۵ برگ شبیه پنج انگشت یک دست انسان است. این درخت در داخل دره و کنار رود خانه پایین شهر سروآباد بطور خودرو موجود است. در اطراف تهران، نواحی مختلف البرز، کرج، خرمشهر، شهبازان در ۵۰۰ متری، بیشه در ۱۱۰۰ متری نیز می روید. (مولف، زرگری) ثالته: گیاهی است که دانه اش مانند ماش بزرگ و سیاه رنگ است ولی بسیار تند است. (گز)

ثالته: فلفل سیاه، فلفل اسود. آن را «بیباری زهش، بیبه ری زهش» نیز گویند. (رو، ابرا، که) ثالته چه رمگ: فلفل سفید. نام درختی است که آن را در فارسی پنج انگشت و دل آشوب گویند، بوته و درخت آن در کنار رودخانه می روید، برگ آن مانند برگ شاه دانه است. (اورنگ)

ثالته فوره نگی: فلفل فرنگی، فلفل سبز. آن را «ثالته فوره نگی، بیبه ری سهوز» نیز گویند. (او ...)

ثالته فوره نگی: **فلفل سبز**، **فلفل فرنگی**.
 نگا: ثالته فوره نگی. (لهك، او، کرمانشاهی)
 ثاله تونی: **فلفل سیاه و خشک**. (کرمانشاهی)
 ثاله تونی: (کول): **فلفل سبز**. کر: ثالته
 فوره نگی. قهس: ثالته توندیدی. (کرمانشاهی)
 ثاله ته سووره: **فلفل قرمز**. (دا)
 ثاله ته فوره نگی: **فلفل سبز**. نگا: ثالته
 فوره نگی. (ابرا)

ثاله ته کیفیله: گیاهی است که در
 روستای کۆل به این نام خوانده می شود. نگا:
 سموره. (مو)
 ثاله ته کیویله: **فلفل کوهی**. (او، قا، کشت)
 ثاله ته گیا: گیاهی است از رستنی های
 کردستان. (مو)
 ثاله کۆک: **Scorzonera**

شنگ اسبی. گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در مناطق و گویشهای کردستان
 با نام های زیر، آن را می نامند و می شناسند:
 «ثاله کۆک، هاله کۆک، هاله کۆک، هه پلۆک،
 هالی کۆک...» «ثاله کۆک پرچنه، چۆز چۆزم
 که وته بنه، چبکه م له و مال و ژنه». (مو)
 ثالیسۆر - ثالییسوور: گلابی و سیبی را
 گویند که نصف یا یک طرف آن سرخ باشد،
 گلابی و سیب نیم سرخ و نیم زرد، گلابی یکسو سرخ.
 نگا: هه رمی لاسووره. (خال، هه، او)
 ثالی سۆرک: نوعی گلابی سرخ رنگ است.
 ثالیۆر: سیبی که نصف آن سرخ باشد. «سیۆه
 لاسووره» عبارت دیگر سیبی که یکسوی آن
 یا نیمی از آن سرخ باشد. نگا: سیۆه لاسووره.
 ابراهیم پور آن را به معنی سیب سرخ ثبت
 نموده است. (اورنگ، خال، رو، ابرا)
 ثامیان په نیتر: **Gallium verum**

علف پنیر، شیر پنیر. به عربی: بقله اللبن،
 خیره. گیاهی است از رستنی های کردستان
 که در خیلی جاها می روید و در بعضی جاها
 به جای مایه پنیر برای انعقاد شیر و درست
 کردن ماست و پنیر، از آن استفاده می کنند.
 چند قطره از شیرۀ این گیاه را داخل شیر
 بریزید کار مایه پنیر و ماست را می کند.
 محل رویش - در محل های زیر می روید و آن
 را مشاهده نموده ام: تا، سه رچی، هه نیمن،
 ریگهی سنه - کهزه سی - هه شه میز، کۆسالان،
 چل چه مه. نگا: رۆنیا سه گیا. (مولف)
 ثامیان ده له مه: گیاهی است که از آن
 می توان به جای مایه پنیر استفاده نمود. نگا:
 ثامیان په نیتر. (مو)

ثاوریزه: **علف گربه**. (مه)
 ثاوشان: (کرماش): آویشن، نوعی رستنی است.
 ثاول: گیاهی است که در روستای بست به
 این نام خوانده می شود. (مو)
 ثاولکه: گیاهی است از رستنی های کردستان
 که در بیجار آن را «ثاولکه» گویند. در قزلباغ
 بیجار آن را مشاهده نمودم. (مو)
 ثاوه نووس: آبنوس، درخت آبنوس، شیز.
 آن را «عه به نووس، داری ثاوه نووس» نیز
 گویند. (او، رو، با، که، ابرا)
 ئسپناخ: **اسفناج**. نگا: ئه سپه ناج. (لهك)
 ئسفه ناج: **اسفناج**. نگا: ئه سپه ناج. (ابرا)
 ئنه شك: گیاهی است وحشی شبیه موسیر
 که به صورت کباب و پخته خورده می شود.
 (رو، که)

ثوخه یچه: **Centaurea**
 گیاهی است از رستنی های کردستان که بر
 روی زمین پهن می شود و در وسط یک خار

بزرگ دارد.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: عهوالآن، له نهریز، ره شنهش، سولتان نه حمه ذ، بهورو پهریشان، ریگهی سنه - قوروه، بلچه سوور. (مر)

ثوکالیتوس: اوکالیتوس. (دا)

ثونجه: یونجه. (ابرا)

ثوکالیتوس: اوکالیتوس. نگا: ثوکالیتوس

ثه بانوس: نگا: ثاوه نووس

ثه به نووس: نگا: ثاوه نووس

ثه تلہ سیی: گل اطلسی. گیاهی است معطر در رنگهای مختلف: سفید، سرخ، آبی، بنفش و ابلق. گلی دارد مانند شیپور. در باغچه ها و پارکها آن را می کارند و پرورش می دهند. (او، قا، مو، ابرا)

ثه ذاله که ره سی:

Peucedanum membranaceum

رازیانه کوهی غشائی. گیاهی است از رستنی های کردستان. این گیاه را در کؤسالان مشاهده نمودم. (ظاهر گیاه شبیه به زهرا است) اهالی اطراف کؤسالان از جمله ژوار آن را «ثه ذاله که ره سن» می نامند. (مو، مظفریان)

ثه داوبابه: گلی است زرد رنگ که در اوایل بهار سبز می شود. (گؤ، که)

ثه ذا و بابہ: گیاهی است از رستنی های کردستان که در شاری هورامان، که مائه، بلبر، ژوار، به این نام خوانده می شود * در طب سنتی کردستان از برگهای این گیاه برای اینکه دمل و زخم زودتر برسد و بهبود یابد، استفاده می کنند. نگا: دایکه و باوکه. (مؤلف) نهرجن: ارژن. درختچه ای از بادامی ها از

تیره گل سرخیان که چوبی سخت و مقاوم دارد. نگا: هرجن. (کرمانشاهی)

نهرجه: (دیل): ارجن، ارژن، درختی است جنگلی مانند درخت زردالو که دارای چوبی سخت و سنگین است. له کی: نهرجین. کرمانشاهی: نهرجین - نهرجن. نگا: هرجن. (علیر، کرمانشاهی، مو)

نهرجه - ارجه: درخت زردالوی کوهی، زردالوی کوهی. (له ک)

نهرجین: نگا: هرجن.

نهرخوان: ارغوان. نگا: نهرخوان

نهرخوان: گیاهی است که در روستاهای هوپه و شیان به این نام خوانده می شود. نگا: گؤل نهرخوان. (مو)

نهرخوان: Cercis

ارغوان. از این جنس دو گونه گیاه درختی یا درختچه ای در ایران می روید. گونه های دیگری از این جنس نیز از دیگر نقاط جهان به ایران وارد شده است. ارغوان ثمری دارد تقریباً عنابی رنگ و باندازه یک آلبالوی کوهی. گونه ای از آن در پشت کوه و پل دختر لرستان و تنگه ملاوی می روید. گونه ای از این درخت به ارتفاع حداکثر ۱۰ متر، تا ارتفاع ۱۵۰۰ متر در کوه های ایلام می روید. این درخت به عنوان زینت نیز کاشته می شود و گونه ای از آن به نام ارغوان آمریکائی در سالهای اخیر به ایران وارد و به عنوان گیاهی زینتی کاشته شده است، این گونه را ارغوان باختری هم گویند و اصل آن از ایالت تگزاس واقع در آمریکای شمالی است.

نهرخوان: Cercis siliquastrum

ارغوان. گونه ای از ارغوان است که در گرگان و

جنگلهای شمال ایران می‌روید. (معر، مظ)

نهرخه وان: *Cercis griffithii*

ارغوان، گونه‌ای درخت ارغوان است که در کردستان رویش دارد.

محل رویش - در مناطق زیادی از کردستان از جمله اطراف رود دیاله (سیروان)، پاوه، هورامان تخت، داریان، سرخیل، هه جیج، ژاوه‌رو، ژیوار، که‌ماله، بل‌بهر، سنه، رویش دارد و همچنین در سلیمانیه کردستان عراق و چون دارای شاخه‌های نرم و قابل انعطاف است اهالی اورامان برای تهیه سبد و آبکش‌های چوبی از آن استفاده می‌نمایند * طبیعت آن سرد و خشک است. اگر از برگهای آن شربت سازند و بخورند رفع خمار کند. چوب آن را بسوزانند و بر ابرو بمالند سیاه برآید. از کوبیده برگهای آن برای گرم‌زدگی و مالاریا به صورت خوابیدن به مدت ۲ ساعت در بستری از ارغوان سود می‌برند. از جوشانده گل و برگهای آن برای جلوگیری از ریزش موی سر استفاده می‌شود. برای گزش رطیل و عقرب، از کوبیده برگهای ارغوان و بومادران که مستقیماً روی محل نیش زدگی می‌گذارند بهره می‌برند. معرب آن ارجوان است. طبیح گل‌های آن متفی گلر و معده است.

«بۆنه‌ژاک» گول له گولشه
بۆچی گه‌ش بی نهرخه‌وان
چۆن له سه‌ر دا دانه‌زیژی
خوینی سه‌وری ئاسمان
«کارژی شهریف ئاوی نه‌ماوه
نهرخه‌وان له‌ق و پسۆی شکاوه»
(وشه، خال، مردوخ، گولاله، معین، عمید، قاموس، برهان قاطع، پیره‌مێرد، مو، مظ،

معر، سیما، دا، ابراه، او، کشت، مظ، ثابتی)

نهرخه وان: *Primula auriculata*

پامچال طبی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در میانه و بست «نهرخه‌وان» در گلپه «گول نهرخه‌وان» در قوره «روچ توتیا» در کۆل «ریخانه» و در بعضی جاها «توتیا، توتیا» گویند. ارتفاع آن از ۴۵ تا ۷۲ سانتی‌متر است. دارای گل‌های بنفش است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوزه میانه، گلپه، کانی که‌له‌کان (از توابع روستای که‌له‌کان دیواندره)، زۆنج، وئ‌سه‌ر، به‌ورو په‌ریشان، چل چه‌مه، سه‌رشوی مه‌ریوان، بلچه‌سور. (مؤلف)

نهرژن: ارزن. آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «نهرژن، هه‌ژن، گال، دیمپله، نهرژن». (کشت، او، ابراه، رو، که)

نهرژنی: نوعی انجیر است.

نهرژنی: نوعی انجیر است، یکجور انجیر است. نگا: نهرژنی. (هه، او، رو)

نهرژن: «دره‌ختیکی بی به‌ره دارده‌ست و کوتیکی باشی لی دروست نه‌کریته». (کشت)
نهرژن - نهرجه‌ن: نوعی بادام کوهی است. این کلمه به مرور زمان تغییری بر آن حادث شده و در حال حاضر در بسیاری از مناطق کردنشین به صورت «هه‌رجن» تلفظ می‌شود. (عباسی، مو)

نهرژنگا: درخت بادام کوهی که میوه‌اش تلخ است، درختی است شبیه ارغوان، درخت ارجن. نگا: هه‌رجن. خال، آن را به صورت «نهرژنگ» نوشته است. (او، هه، خال)
نهرژه‌نگا: درخت بادام کوهی. (خال). در فرهنگ معین این کلمه بصورت ارجنگ

Arjang و به معنی ارجن آمده و در تعریف آن نوشته شده که درختی است از تیره عنابها که دارای گونه‌های متعدد است و بعضی از گونه‌ها به صورت درختچه است. بنظر می‌رسد این واژه به شیوه‌ای که دکتر معین نقل نموده همان واژه «ه‌رجن» کردی است که در جاهای متعددی در کردستان به درختچه بادام تلخ کوهی اطلاق می‌گردد. (خال، معین، مو، عباسی)

نه‌رغوو: درخت یا گل ارغوان. (له‌ک)

نه‌رغه‌وان: ارغوان، درخت ارغوان.

لوژی: نه‌رغو. نگا: نه‌رخه‌وان

نه‌رما: (دیل): بوته خربزه، هندوانه و مانند آن. نگا: یاره‌ما. (علیر، مو)

نه‌زبۆله: گیاهان تیره ازبیه. گیاهی است بیابانی خوشبو که در ماست و دوغ می‌ریزند. نگا: نه‌زین. (هه، قا، که)

نه‌زبوه: *Thymus kotschyanus* آویشن. گیاهی است از رستنی‌های کردستان و کرماشان که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: تساقه‌وسان، سه‌ریتل زه‌هاو، کوندی خه‌رب، شاهۆ. گیاهی است کوهی خودرو که ساقه آن مانند ساقه پر سیاوشان است و برگ آن ریز و معطر و خوشبو است و مصرف دارویی دارد و برای دل درد مفید است. داخل غذا هم می‌ریزند. این گیاه در کرماشان و ده‌لران با همان نام «نه‌زبوه» نامیده می‌شود و لکی آن هم همان است. نگا: هه‌زی کیفیه. (کر، علیر، له‌ک، معص)

نه‌زبوه: *Thymus*

آویشن. گیاهی است که در بعضی از روستاهای قروه از جمله حسین‌آباد کنگره، به

این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - این گیاه در پنجه‌علی قروه و کوه‌های روستای حسین‌آباد می‌روید. این گیاه را «ه‌زی کیفیه، هه‌زی کیفیه، هه‌زوه کیفیه» نیز گویند. نگا: هه‌زی کیفیه. (مو)

نه‌زبوه: *Zizphora cinnabodoides*

کاکوتی کوهی. گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: سنقر، کرند غرب، اسلام‌آباد غرب، ورمنج، کوه شاهو. نگا: مه‌رزه‌ی کیفی. (معص)

نه‌زبوه کیفیه: گیاهی است که در بعضی روستاها به این نام خوانده می‌شود. نگا:

هه‌زی کیفیه. (مو)

نه‌زبوه کیفیه: آویشن کوهی. نگا: هه‌زی

کیفیه. (مو)

نه‌زبی: آویشن. گیاهی است که با نام‌های زیر نامیده می‌شود: «ه‌زی کیفیه، نه‌زیله، نه‌زیله، هه‌زیله، هه‌زیله، هه‌زین، نه‌زی، جاتره». (کشت، رو، گۆ، مو، که)

نه‌زبی: گیاهان تیره ازبیه. نگا: نه‌زبۆله. (قا، هه)

نه‌زبیه کیفیه: مرزه کوهی، نعنای کوهی. (اورنگ)

نه‌زپوزه: اسفرزه

ته‌زوا: ۱- شیار، یکجور گیاه دارویی است که در محل‌های گرم می‌روید و دارای شیرۀ تلخ است در رنگ‌های سیاه و زرد و در عربی آن را (صبر) گویند. ۲- شیرۀ گیاه مزبور است که دارای طعم تلخ است و در طب سنتی برای رفع یبوست و دفع کرم و انگل از آن استفاده نموده و به اندازه یک عدد نخود از آن قورت می‌دادند و می‌خوردند و چون این شیرۀ بیش از حد تلخ است گاهی آن را

شاه اسپرم. آن را «ریحانه، نه سپهرم» نیز گویند. (رو، کشت، او، مهر، که)

نه سپهك: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها آن را «که» خنکینه» گویند * این گیاه را می کوبند و بر روی سر می مالند و می گذارند که درد سر را برطرف نماید، برای سردردی که بر اثر مریضی «گرانه تا» بوجود آمده باشد استفاده می شود. (مو، کشت، که)

نه سپه لك: گیاهی است که از گل و برگ آن (مصرف آن بصورت پودر) برای درمان «گرانه تا» استفاده می شود. (رو)

نه سپه ناخ: *Spinacia oleracea*
اسفناج. گیاهی است که در بسیاری از مناطق ایران و کردستان پرورش می یابد. این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «نه سپه ناخ، نه سپه ناخ، نه سپه ناخ، نه سپی ناخ، سپی ناخ، سپی ناخ، سپی ناخ، سپی ناخ». (مو، هه، گو، نادر، ابرا، او، قا، مند)
نه سپه ناخ: اسفناج. نگا: نه سپه ناخ. (کشت)
نه سپه نند: اسفند، اسپند. نگا: نه سپه نده. (رو، که)

نه سپه نده: *Peganum harmala*
اسپند، سپند، اسفند. عربی: حرمل. گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: قاتگ. (مو، هه، مه، قا)

نه سپیدار: چنار، اسپدار، سپدار. درختی است متوسط یا بزرگ با ارتفاع حدود ۳۰ متر و به قطر یک متر. درختی است صاف. این درخت را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «چنار، سپدار، سپندار، سپه چنار، نه سپندار، نه سپندار، نه سپین، سپندار».

«ژه قنه موت» گویند. «جهوی یا شیرهی گیایه که» ۳- ادویه. «ثالات و نیسوت». (قا، هه، او، که)

نه زوه: آویشن کوهی. گیاهی است که در بیجار و بعضی روستاهای قروه به این نام خوانده می شود. نگا: هه زبی کیفیله. (مو)

نه زوه کیفیله: *Thymus*
گیاهی است از رستنی های کردستان که در اکثر نواحی و کوه های کردستان می روید و آن را با نام های زیر می خوانند و می شناسند: «هه زبی کیفیله، هه زیله، نه زوه، هه زبن». نگا: هه زبی کیفیله. (مو، مظ).

نه سپنگ: سنگ. آن را «نه سپنگ، سنگ، ش» نیز گویند. (هه، قا، ابرا، او، مو)

نه سپون - سپون: گیاهی است از رستنی های کردستان که در قولقوله می رده ای به این نام خوانده می شود و این گیاه غیر از چوبک فارسی است که بعضی از فرهنگها بدان اشاره نموده اند. نگا: سپون

محل رویش - این گیاه در کردستان ایران و عراق و ترکیه می روید. (مو، گو، که)

نه سپون: آشان، چویک. آن را «سپون، شورک» نیز نامیده اند. هه ژار و نویسنده رووهك، نام فارسی این گیاه را (چویک و آشان) نامیده اند. (هه، رو، کشت، قا، او، ابرا، مه)
نه سپه رزه: اسپرزه. (ابرا)

نه سپه ره: ۱- گیاهی است که نخ را با آن رنگ زرد کنند، گیاه رنگریزی و آن را با نام های «گینوو، زهرتک» نیز می نامند. ۲- سرستون ۳- جای پا در بیل. که آن را «نه سپه ره» نیز گویند. (او، هه، قا)

نه سپه ره م: ریحان. اسپرغم، اسپرم، حبث،

(او، كشت، رو، هه، جغكر، قا، كه)

ته سپی ناغ: اسفناج. نگا: ته سپه ناغ.

ته سپیندار: نگا: ته سپیدار

ته سپینگ - ته سپینگ: شنگ * گیاهی

است بهاری و خوردنی كه شیره آن برای رفع

زخم معده مفید است. نگا: ته سپینگ. (هه، قا،

او، مو)

ته ستریلک: سریش. آن را «سریش، چریش،

ته ستریلک» نیز گویند. (او)

ته ستریلک: سریش. نگا: سریش. (ایا، هه، او)

ته ستوخودوس: *Lavandula stoechas*

اسطوخودوس. گیاهی است كه آن را

«شازبحانه ی ژومی» هم گویند. (كه ...)

ته ستریلک: ۱- گیاهی است كه در اغلب

كوه های كردستان می روید و از بیخ آن

بعنوان سریش استفاده می شود ۲- آرد شده

بیخ گیاه فوق الذکر را هم «ته ستریلک» گویند

۳- سریش كه به عنوان چسب در صحافی و

صنایع چوب بكار می رود. نام های دیگر آن:

«چریش، سریش، ته ستریلک، ته ستریلک،

سریش، شریو». (قا، هه، او)

ته سكه ری: انگور اسكری، نوعی انگور

است. (مو، او)

ته شره فی: ۱- اشرفی، گلی است سرخ رنگ.

«كولمی وهك گولی ته شره فی وایه

ته بروی كه وانی تییری به لایه»

۲- در بعضی جاها (ههول) به گوله باغ و

گولی گولاو گویند. كه مال، آن را نوعی گل

شبه گل سرخ می داند ولی بوی آن كمتر از

گل سرخ است. نگا: گولباخی. (هه، قا، او،

چوار، كه)

ته شه د بو: گلی است خوشبو.

«شه بو ی نازنین ته شه د بو ش وه شه ن

سارا و دهرو دهشت كه شو كو ش وه شه ن»

(هه، سهیدی)

ته فرا: درختی است. (لهك)

ته قاقیا: اقامی، اقا قیا. (ابرا)

ته كوئیت: *Aconit*

گیاهی است. (هیوا)

ته گریمونی: غا فت. نگا: گیا جگه ر. (رو)

ته لاله: لاله، آلاله.

«به نه وشه ی جو كه نارن هه فته ی بیی

ته لاله كو هساران هه فته ی بیی»

(بابا تایه ر، معین، عمید)

ته لقه تیز: گیاهی است در فتاح آباد اوباتو با

این نام خوانده می شود.

محل رویش - این گیاه را در كوه های روستای

فتاح آباد مشاهده نمودم. (مو)

ته لقه تیز: گیاهی است كه در بعضی جاها به

این نام خوانده می شود. نگا: خوشیلك. (مو)

ته للو: آلو، آلوچه، آلو سیاه. در لری هم به

همین معنی بكار رفته است. آن را «هه لوژه»

نیز گویند. (رو، او)

ته لوچه: نگا: نالوچه.

ته لوچه: گوجه، آلوچه. آن را در كردستان با

نام های زیر هم می نامند: «ته لوو، ته لووچه،

هه لوژه، نالوچه، ته لوژه، ته للو». (رو ...)

ته لوژه - ته لووژه: آلو، آلوچه، گوجه.

نام های دیگر آن: «نالوچه، ته لوچه، هه لوژه».

(هه، ابرا، رو)

ته لهوله مانی: یک جور انجیر است كه آن

را «هه لهوله مانی» نیز گویند. (او)

ته لی - ته لی: آلو. (او، لهك)

ته لی ته رك: گیاهی است كه در روستای كۆل

به این نام خوانده می شود. (مو)

تهلی سیه - تهلی سیه: آلی سیاه.

نام های دیگر آن: «علی سیه، هه لوچه

زه شه، هه لووژهی زه شه». (لهك، او)

تهلی والی: آلبالو. نگا: نالوبالوو. (او، لهك)

ته مرو: گلای. نگا: هه مرو. (هه)

ته مرو - هه مرو: *Pyrus syriaca*

امرو، گلای وحشی. درختی است از

رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر،

پراکندگی دارد: زوانسر، پاوه، سونقوز،

دالاهو، کرنلی غرب، نیسلام تاوای غرب.

(معص). در استان کردستان نیز می رود.

(مو، معر)

ته نار: انار. دئی لوزانی: ته نار. له کی: ته نار.

نگا: هه نار. (او، ابرا، هه، علیر، لهك)

ته نار فیه رهاد: انار فیه رهاد. درخت اناری

است که در بیستون واقع است. (برهان)

ته نه جهره: گزنه. نگا: گزنه.

ته نجیر - ته نجیر: انجیر. نگا: هه نجیر.

(ابرا، او، مو)

ته نگوور: انگور. نام های دیگر آن:

«هه نگوور، هه نور، توی». (هه، مو، او)

ته نگیر: (دیل - لهك): انگور. در گویش های

دیگر کردی آن را «هه نگوور، هه نور، تری،

ته نوویر» گویند. (علیر، مو، لهك، هه، که)

ته نگیر کشمش: انگور کشمش. (ار)

ته نوویر: انگور. نگا: ته نگوور

ته نیژ: گیاهی است که آن را بوی مادران

گویند و عقب از آن بگریزد. (عباسی)

ته نیسوون: (یو): انیسون، بادیان رومی،

رازیانه ی رومی * تشنگی را فرونشاند و شکم

را ببندد. نگا: رازیانه کیویه. (اورنگ، برهان)

ته نیوور: انگور. نگا: ته نگوور. (هه)

Acantholimon

ته ولیا گه ون:

کلاه میرحسن. گیاهی است از رستنی های

کردستان که در بسیاری از ارتفاعات کردستان

رویش دارد و آن را مشاهده نموده ام.

ثیر قست: درختی است خاردار که برگهایش

ریز و همیشه سبز است. درختی است

جنگلی خاردار. (او، هه، رو)

ثیسه بن: (کرماش): اسفند، اسپند. گیاهی

است که دانه های آن را برای رفع چشم زخم

در آتش می ریزند و دود می کنند.

قصر شیرینی: ثیسه بن. سته یی: قان. نگا:

ته سه ندهر. (کر، مو، او)

ثیسه بن: (قه سر): نگا: ثیسه بن

ثیسوت: فلفل، فلفل سیاه. نام های دیگر آن:

«ثیسیهوت، فلفل، پیبار، ثیسوت». (هه، قا)

ثیسیهوت: ۱- ادویه جات گوناگون ۲- فلفل

سیاه. نام های دیگر آن: «ثیسیهوت، ثالته،

پیبار». (قاموس، اورنگ، هه)

ثینشهك: (دیل): برگ نوعی پیاز کوهی است

که در بهار آن را می چینند و بوی تند زننده ای

دارد و به سبب تندی آن، اشک در چشم

پدید می آید و پخته و بریان کرده آن، خورده

می شود. (علیر)

ثیو: جو. نام های دیگر آن: «جو، جه، یه وی».

(هه، مو)

ثیسیهوت: نگا: ثیسوت. (قا)

« ب »

بابر ده له: گیاهی است از رستنی های

بادجانا زهش، بایمجوه است. (هه، او، رو، ابرا)
 باجانا سور: گوجه فرنگی. «ته ماته، باینجانه
 سوره، تو ماتیز». نگاه: تو ماتیز
 باجانی زهش: بادمجان. نگا: باجان. (قا)
 باجانی سور: گوجه فرنگی. «تو ماتیز،
 ته ماته». (قا)

باچک: (زا): ذرت قرمز رنگ، بلال سرخ
 رنگ. (او، ابرا، که)

باچک: ۱- آلبالوی وحشی، ۲- ذرت قرمز،
 بلال سرخ. (هه، او)

باچییک: (زا): ارزن. «هه زن، گال، زوزاته
 کتویه، گه نمه شامی سووره». (هه، او، رو، ابرا، که)
 باداگ: گیاهی است که به درخت می پیچد،
 پیچه، پیچک، پیچک گیاه. نگا: لاولو. (او،
 ابرا، هه، که)

Amygdalus

بادام:

بادام. (هه، مو، قا، ابرا، که)

بادام نه رزی: گیاهی است. «گیزره مشکانه».
 (گژ)

بادامچه: چقاله بادام، میوه نارسیده بادام.
 «هه ریکه بادام، چه قاله بادام». نوعی بادام
 وحشی است که در کوههای اطراف کرج
 می روید. (هه، او، معین، عمید، ابرا)

بادامه تاله: بادام کوهی تلخ، بادام تلخ. نگا:
 هه رجن. (مو، هه، قا)

بادرخان: گیاهی است. (او، رو، که)

بادروو: گل تاج خروس، گل بستان امروز،
 بادروج، گلی است سرخ رنگ. (هه، او، رو، ابرا)
 بادره نجویه: گیاهی است از تیره نعنائیان و
 دارای خواص دارویی. (کرمانشاهی)

بادر هنگ - بادر هنگ: گیاه بادرنگ،
 بادرنگبویه. «گیاه کی بژن خوشه». (او، رو،

کردستان دارای شاخه های فراوان و گل های
 زیاد سفید و ریز که به طور فراوان در کنار
 جاده ها و دشته ها و داخل گندم ها می روید.
 نگا: مه لۆ شیتینه (مو).

بابر دهله: قاصدک. (مه)

بابن: (زا): گل بابونه، بابونه، گل گاوچشم.
 گلی بسیار خوشبو. (او، ابرا، هه)

بابنه پیچ: گیاهی است بهاری با گل های زرد.
 نگا: بابونه. (قا)

بابونه: گیاهی است. نگا: گوله حاجیانه. (مو)
 بابون: بابونه. نگا: گوله حاجیانه، بابونه.
 (مو)

بابونه: Anthemia

بابونه. گیاهی است از رستنی های کردستان که
 آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند:
 «بابونه، گوله حاجیانه، گوله بابونه، گوله
 چهرمگه». کرمانشاهی: بابونه. لوزی: باوینه *
 این گیاه را در طب سنتی می جوشانند و برای
 خوب شدن زکام و دل درد می آشامند. نگا:
 گوله حاجیانه. (او، رو، ابرا، هه، مو،
 کرمانشاهی، که)

بابونه ی کتفی: بابونه صحرایی. (مو)
 باتس: بالنک. نام های دیگر آن: «بالنگ،
 باتو» است.

باتسکه: نوعی انجیر است. انجیر نرسیده و
 بی مزه. نام های دیگر آن: «باتو، باهه تجیر»
 است. (رو، قا، که)

باتوف - باتوف: گیاهی است با گل قرمز،
 گیاهی است سرخ رنگ. (هه، او، که)

باتینوک: (با): آلاله، لاله. (هه، او، ابرا)
 بساجان: (زا): بادنجان، بادمجان. نام های
 دیگر آن: «باینجان، بادنجان، باینجانه زشه،

ایرا، هه، که)

بادرننگبویه: بادرنجبویه

بادمجان: بادنجان. نگا: باجان. (ایرا)

بادوم: (کرماش): بادم. نگا: بادهم.

بادومجان: (کرماش): بادنجان. نگا: باجان.

بادم: Amygdalus

بادام. در لهجه‌ها و گویشهای کردی آن را با

نام‌های زیر می‌نامند: «بادهم، باویی، بائی،

بانام، به‌هیف، بام، چواله، بادم، بایام، بایم،

وایم، بایف، بایم، به‌هیف، بادوم، به‌هیف،

به‌هیف». (ایرا، او، قا، مو، هه، که)

بادم: Amygdalus communis

بادام تلخ، بادم شیرین. درختانی به ارتفاع تا

۸ متر، بدون خار، شاخه‌های جوان بدون

کرک، در ابتدا سبز رنگ و بعد قهوه‌ای مایل

به قرمز می‌گردد.

محل رویش و پراکندگی - در حوزه سیروان در

ارتفاعات ۱۲۶۰ تا ۱۸۶۰، در روستاهای

تخت زنگی، سرشیلانه، روستای بهرقوزو بر

سر جاده سنندج - مریوان، دزلی، دهره‌کس،

ریگی‌سه‌قز - مریوان. (طرح، مظ)

بادم تالهی کیفی: بادم تلخ کوهی. (مو)

بادم خوه‌شهی کیفی: بادم شیرین (غیر

تلخ) کوهی. (مو) امروزه تعداد زیادی از

روستاهای کردستان بادم را پرورش می‌دهند

از جمله: ساکنه، گرماب، وندرنی علیا

و ندرنی سفلی، خرائی، محمدآباد معروف به

«پیرتال»، بلوجه، اعظم‌آباد در کامیاران،

مریزان در سنندج. (مو)

بادم شامیی: بادم زمینی

بادم شیرین: بادم شیرین، بادم معمولی.

«چه‌قاله، چه‌قاله بادهم، بایم، وایم، باذام

شیرینه». (دا)

بادم کاردوڤک: بادم کاردوک، گرنه‌ای بادم

است. (مو)

بادم کیفی: بادم کوهی. درختچه‌ای است

که در روستای مه‌لکشان و بعضی جاهای

دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگاه: بادهم

کیفیه. (مو)

بادم کیفیه: Amygdalus

بادام وحشی، بادم تلخ. درختچه‌ای است از

رستنی‌های کردستان که آن را در مناطق

مختلف با نام‌های زیر می‌نامند و

می‌شناسند: «بادم کیفیه، بادهم تال، هرجن،

هرجنی، باده‌مه تال، داروام، بادامه تال،

باده‌مه تال، باذام کیتی، بادهم کیفی، بادهم

کیفیه»

محل رویش - گونه‌های متعددی از این

درختچه در محل‌های زیر می‌روید: سولتان

نه‌حمده، عه‌والان، نیاوا، بهرقوزو، ره‌شنه‌ش،

دهره‌ن دزلی، دهره‌کس، حه‌سه‌ناوای سته،

مازی‌بن، ده‌گاگا، کزسالان، مله‌ی سه‌لواتاوا،

گلپه، چه‌م دهره زه‌نجیر، خواشت، نواز، ته‌نگی

سه‌ر، ته‌کیه، وئی‌سه‌ر، گهلین، خانه‌گای گهلین،

نه‌که‌رۆز، پیر عومهران، شاهزی ته‌نگی‌وه‌ر،

ده‌وریشان، ته‌نگی‌وه‌ر، شاره‌کی بیجار،

دۆله‌رش مایین دۆل، دهره‌ویان خواروو،

که‌که‌وسان، گواز، پایگه‌لان، دهره‌ویان فازس،

سلین، بلبر، هه‌ورمان ته‌خت، که‌ماله، ژیوار،

پالنگان، شاهزی پالنگان، کوچک چنار،

سه‌رشویی مریوان، ریگی‌سه‌قز - مریوان،

گه‌رده‌نه‌ی ته‌ته، بلچه‌سور، شیان، ته‌کیه،

هه‌شه‌میز، روانسه‌ر، جوانزۆ، پاوه، ریگی

سه‌قز - بانه، مه‌لکشان. (مو، هه، او)

رستنی‌های کردستان.

محل رویش و پراکنش: پراکنش جهانی آن ایران و ترکیه است. در حوزه سیروان در ارتفاع ۱۵۵۰ تا ۱۷۰۰ متری پراکندگی دارد و در محل‌های زیر می‌روید: ته‌خت زه‌نگی، سه‌رشیلانه، مازی بن، ده‌گاگا، گه‌شکی، کۆله‌ساره، گلینان، پایگلان، بۆزیده‌ر، هه‌ورامان ته‌خت، دزلی، دهره‌کئی، سه‌ردوش، چناره، بایوه، ته‌ینال، قه‌لا شتیخان. همچنین در سردشت و بین ارومیه و نقده و دره قاسملو در ارتفاع ۱۵۹۰ متر از سطح دریا می‌روید. نام محلی آن در سردشت کروس «که‌رۆس» و در پیرانشهر (حاجی بایولک) می‌باشد. (مظ،

طرح، ثابتی)

بادهم کیفیله: *Amygdalus nairica*

درختچه‌ای است به ارتفاع حدود ۱ متر.

محل رویش - در حوزه سیروان پراکنش محدود و در روستای تخت زنگی در ارتفاع ۱۷۱۰ متری حضور دارد. (طرح)

بادهم کیفیله: *Amygdalus arabica*

بادام طاوسی، وامچک. درختچه‌ای است به ارتفاع تا ۲/۵ متر.

محل پراکنش و رویش: پراکنش جهانی آن ترکیه، عراق، ایران، سوریه و لبنان ذکر شده در غرب و جنوب غرب ایران هم یافت می‌شود. در داخل حوزه سیروان در سرشاخه‌های حوزه و خروجی حوزه در ارتفاع ۱۴۵۰ - ۷۵۰ متر در روستای هه‌جیج (آبشار بل و روستای هه‌نگوژان واقع در جاده سنندج - کامیاران یافت می‌شود). (طرح)

بادهم کیفیله: *Amygdalus pabotli*

درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان.

بادهم کیفیله: *Amygdalus kotschyl*

بادام کردستانی. درختچه‌ای است به ارتفاع تا ۵۰ سانتی‌متر، تا حدودی خسار دارد. شاخه‌های جوان در ابتدا دارای کرک‌های پشمی است که بتدریج بدون کرک و صاف می‌شوند. شاخه‌های سال قبل خاکستری متمایل به قهوه‌ای تیره.

محل رویش - پراکندگی این گونه در حوزه سیروان در ارتفاعات ۱۴۰۰ تا ۲۳۰۰ متر است. بانه، سه‌ردوش، دزلی، شاری هه‌ورامان، دهره‌کئی، چناره، نگل، که‌رجو، کانی حه‌ین به‌گ، کۆله‌ساره، تخت زه‌نگی، لاین. (طرح، مظ)

بادهم کیفیله: *Amygdalus carduchorum*

بادام رواندوزی، چغالک. درختچه‌ای است به ارتفاع ۵/۰ تا ۱ متر.

محل رویش - پراکندگی جهانی این درختچه ترکیه و عراق و ایران است. در حوزه سیروان در ارتفاع ۷۵۰ تا ۱۲۶۰ متری از سطح دریا است. دزلی، آبشار بل، مریوان، بانه، چناره، دهره‌کئی، که‌رجو، پایگلان، بۆزیده‌ر، نشور، نگل.

بادهم کیفیله: *Amygdalus hauserknechtii*

بادام زاگرسی، ارچنک. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که در حوزه سیروان پراکنش نسبتاً وسیعی دارد و از ارتفاع ۱۴۲۰ تا ۱۹۰۰ متر از سطح دریا و در روستاهای گهلین، هه‌ناراو، دهره‌یشان و گه‌ده‌نه‌ی ئاریز، یافت می‌گردد. (طرح)

بادهم کیفیله:

Amygdalus trichamygdalus

بادام مخملی. درختچه یا درختی است از

شوينانه‌ی که من شاويان هه يه شين ده‌ين». اورنگ در معرفي اين گياه نوشته است که: گياهي است سبز و سه پر که در کنار چشمه سبز می‌شود * در طب سنتی، از اين گياه برای درمان شاش گرفتگی «ميز گيريان» استفاده می‌شود. «خاله‌زه‌ش، خاله‌زه‌شه». (قا، او، هه)

بافزینکه: گياهي است که در روستاهای رامول و گه‌زگه‌زاره از توابع دئی‌گولان به اين نام خوانده می‌شود. اين گياه را در جوانی «گۆشته به‌رخييله» و در زمان پیری «بافزینکه» گویند. نگا: گۆشت به‌رخييله. (مو)

باقی: (زا): بادام. نگا: بادهم. (هه، او، ابرا) باقلک: یکجور سبزی که برگهایش مانند برگ کاهو است و از آن دلمه درست می‌کنند. (او). که مال، نام دیگر آن را «سلق» نوشته است. (که)

باقله: باقلا، باقلى. گياهي است که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «باقل، باقلا، گرگر، کالوسک، تۆکه پانه». کر: باقيله. له‌ک: باقله. دپله: باقيله - باقله. در له‌کی، بمعنی جالیز باقلا نیز آمده است. (او، کرمانشاهی، له‌ک، هه، قا، من‌ابرا) باقله ملیچکانه: گياهي است. «په‌په‌چه‌وره، کولتیره‌چه‌وره». نگا: په‌په‌چه‌وره. (مو)

باقه‌به‌س: ۱- گياهي است. «چه‌قچه‌قه» ۲- گياه مخصوص بستن گياهان، گياه يا چیزی که دسته‌های درو شده گندم و جو را با آن می‌بندند. «باقه‌به‌ست، باقه‌بين». (قا، هه، مو، او، ابرا)

باقیزو: (دپله): گياهي است خودرو که در بهار می‌روید و آن را خام می‌خورند. (علیر) باقيله: باقلا. در کردی کرمانشان و دهلران هر

محل پراکنش و رویش: در شمال و غرب ایران یافت می‌شود، نمونه تیپ در آذربایجان غربی از گردنه زمزیران بین مهاباد به سردشت حضور دارد و پراکنش گونه در حوزه سیروان در ارتفاع ۱۲۰۰ تا ۱۷۵۰ متر و در روستاهای دزلی، نجار و گلیین وجود دارد. (طرح)

بادهم کیفيله: *Amygdalus orientalis* بادام شرقی، بخورک. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان به ارتفاع ۵/۰ تا ۲ متر. محل رویش - در حوزه سیروان در ارتفاعات ۱۴۰۰ تا ۲۳۰۰ متر پراکندگی دارد، بانه، مریوان، دزلی، دوره‌کن، چناره، کانی‌کوزه‌له، تەینال، قەلاشیخان، کەرچۆ، پایگه‌لان، نگل، بۆزیدەر، کانی حەسەین‌بەگ، گلیان. ثابتي، انتشار این گونه بادام کوهی را در کوه قلاجە (قلعه‌حاجی) بین کرمانشاه و شاه‌آباد (اسلام‌آباد) و همچنین در کوه شاهو در کردستان ذکر نموده است و میوه آن را تخم مرغی یا تخم مرغی کشیده و هسته آن را زرد تا قهوه‌ای روشن نوشته است. (مظ، طرح، ثابتي)

بارونه - بارونه: گياه بادرنگ. نگا: بادرنگ. (هه، ابرا)

بارهنه‌نگ: بارهنگ. نوعی دانه دارویی گياهي است. گياهي است از رستنی‌های کردستان که در بیشتر جاها آن را «رکیشه» گویند و تخم آن را «بارهنه‌نگ» گویند. نگا: رکیشه. (کرمانشاهی، دا، ابرا)

باریزه: گياهي است شبیه کرفس «گياهه‌که لاسکی دریز و زه‌ش باوه، گه‌لای ووردو سن گۆشه‌یه، له که‌ره‌وز ده‌چی، له شاخان له‌و

گویند و معمولاً این واژه با واژه «زولویا» به صورت ترکیب «بامیه و زولویا» به کار می‌رود. این شیرینی در ماه مبارک رمضان مصرف بیشتری دارد. (قا، مو، او، هه، ابر، کرمانشاهی، علیر، که)

باوام: بادم. نگا: بادم. (هه، او)

باوه پیاره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. این گیاه را در کوسالان مشاهده نمودم. در بعضی از روستاهای اطراف این کوه از جمله ده‌گاگا و بۆزیده، آن را «باوه پیاره» می‌نامند. (مو)

باوه‌ینه: (له‌ک): بابونه. «گوله حاجیانه، به‌یون». نگا: گوله حاجیانه. (له‌ک، مو)

باوی - باویی: ۱- بادم. نگا: بادم ۲- مبتلا به رماتیسم، بیماری باددار، رماتیسمی. (قا، او، هه)

باویلکه: قاصدک، گل قاصدک. «بایلکه». (هه، قا، او، ابر)

باوینه - باوینه: بابونه. بحرایی: بابونج. «گوله حاجیانه، به‌یونته». (رو، او، که)

باویلی - باویلی: قاصدک، گل قاصد. نگا: باویلکه. (قا، هه)

باهیف: (زا): بادم. نگا: بادم. (هه، او، ابر)

باهیف: بادم. نگا: بادم. (او، هه)

بایام: بادم. «بادهم، بایهم، بادم، بایم، باوی، وایم. دئی‌لوزانی: بایم. له‌کی: بایم. لوزی: بایم. (او، هه، رو، مو، له‌ک، علیر)

بایجان: بادنجان. نگا: بامجان. (هه، او، مو، ابر)

بایلکه - بایلکه: گل قاصد، قاصدک. گل گیاهی است که در فصل پاییز از گیاه جدا شده باد آن را به این طرف و آن طرف می‌برد. در لهجه‌ها و گویشهای کردی آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «شه‌لمین کهره، باویلکه، پشیلکه

دوبه صورت «باقیله» است. (کرمانشاهی، علیر)

بالنگ: بالنگ، بادرنگ. نوعی از مرکبات است. (هه، او، قا، من، ابر)

بالنگان: گیاهی است شبیه بادرنجبویه، از تیره نعناعیان. (کرمانشاهی)

بالنگو: بالنگو. (من، او)

باله که‌ویله: گیاهی از رستنی‌های کردستان که نوعی «ته‌قله‌ی ریز» است. (مو)

بامبوو: بامبو. نی هندی (یکجور نی خیزران مانند است). (او)

بامجان: بادنجان. «باجان، بامجان، بایجان، بایینجان، باجانا زه‌ش». نگا: باجان. (مو، او، با، هه، قا، من، ابر)

بامجان فره‌نگی - بامجان فره‌نگی: گوجه‌فرنگی. «توماتیز، ته‌ماته، توماته، باجانی سور، باینجانی سور، باژانا سور، باینجانه سور». نگا: توماتیز. (هه، قا، او)

بامجان مه‌رزه‌نگی: گوجه‌فرنگی. (ابر، که)

بامیه: بامیه، بامیا. گیاهی است بلند و فلفل مانند که از میوه آن، خوراک از جمله خورشت بامیه تهیه می‌کنند. در فارسی هم آن را بامیه گویند. کرمانشانی: بامیه * دارای ویتامین‌های A, B, C می‌باشد و برای ناراحتی اعصاب و زیاد کردن قدرت بینایی مفید است. (هه، مو، قا، کرمانشاهی، رو، گز، که)

بامیه گیا: از رستنی‌های کردستان است.

بامیه‌ی کیفی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در قدم چوغه رویش دارد. (مو)

بامی: ۱- بامیه، گیاه بامیه. نگا: بامیه ۲- میوه گیاه بامیه ۳- نوعی شیرینی است به شکل بامیه که در خیلی جاها از جمله کرمانشان، مریوان، سنندج و ده‌لران، آن را «بامیه»

آن استخراج و مورد استفاده قرار می گیرد. کردان، مخصوصاً در منطقه دیاربکر، از این گیاه مانند بخور استفاده می کنند. (که)

براپسل: گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می شود. نگا: پسله که وهله. (مو) براپونه: گیاهی است که در زه نان به این نام خوانده می شود و در صلوات آباد سندیج آن را «گول میخهک» گویند. (مو)

براخوژ: گیاهی است که در روستای زه نان به این نام خوانده می شود. همان گیاهی که برگهای تاشده مثل کاغذ دارد و این گیاه در بعضی جاهای دیگر هم به این نام خوانده می شود و آن را نوعی «قهچی شلاق» به حساب می آورند. (مو)

براسووره ونه: گیاهی از رستنی های کردستان. «برای سووره ونه». (مو)

برالو: درختچه ای است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. «بلالووک کیتیله». (مو) برالوو: آلبالو. «هاله بلالووک، هه لهه لوک، به لالووک، نالو یالو». (ابرا، او، مو، هه)

برالووک: آلبالوی کوهی، آلبالوی وحشی. درختچه ای است از رستنی های کردستان که در بعضی از روستاها از جمله هویه، سالیان، کوله ساره آن را «برالووک» می نامند. در جاهای دیگر این درختچه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بلالووک کیتیله، برالویی، برالو، به لالووک، به لالووک کیتیله، برالوی، بلالووک». کرماشانی: به لالووک. در بعضی جاها این کلمه را برای آلبالوی پرورشی بکار برند. (مولف، او، قا، هه)

برالووک کیتی: آلبالوی کوهی. نگا: بلالووک کیتیله. (مو)

پایزه، باویلن، په پوله پایزه، پشیلوکه». (قا، هه، او)

بایم جان: (کرماش - له ک): بادمجان. نگا: بامجان. (مو، کرمانشاهی)

بایمجو: بادمجان. لکی: بایمجو. دهلرانی: بایمجو. کرماشانی: بایمجان. نگا: بامجان. (له ک، کرمانشاهی، علیر)

باینجان: بادمجان، بادنجان. «باینجان زه شه، باجان، بامجان، بایجان، باینجان». (او، با، هه، قا، مو، که)

باینجان زه شه: بادمجان. «باینجان، باجان». نگا: باینجان. (مو)

باینجانی: گوجه فرنگی. (ابرا) باینجانی زه ش: بادمجان. (قا، مو)

باینجانی سوور: گوجه فرنگی. «توماتیژ». نگا: توماتیژ. (قا، مو)

بایونه: بابونه. «باوینه، به بیوونه». (او) بایه ف - بایه و: نگا: باده مه تاله

بایی: بادم. نگا: باده م. (او) باییم: (له کی - دی لورانی): بادم. «باده م، باویی، وایم، داری باده م». (له ک، علیر، او)

باینجان: بادمجان. «باجان، باینجان زه شه». نگا: باجان. (او)

باینجانی سوور: گوجه فرنگی. «توماتیژ، توماته». (او، قا، مو)

باینجانی فوره نگی: گوجه فرنگی. (او) بته سووره: گیاهی است که در صلوات آباد سندیج، به این نام خوانده می شود. نگا: زه زیتقه. (مو)

بخوردی کوردیی:

Peucedanaum officinalis

رازبانه کوهی. گیاهی است دارویی که روغن

برالووک کیفیله: آلبالوی کوهی. (مو)

برالووک کیفیله: آلبالوی کوهی. درختچه‌ای است که در روستای زه‌نان به این نام خوانده می‌شود. نگا: بلالووک کیفیله. (مو)

برالووک کیفیلی: آلبالوی کوهی. نگا: بلالووک کیفیله. (مو)

برالوی: آلبالوی کوهی. درختچه‌ای است که در ژیوار به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در ارتفاعات ژیوار و بسیاری از کوههای منطقه هورامان سه نوع از این درختچه که دارای میوه‌ای به رنگهای سرخ و زرد و سیاه است رویش دارد. (مو)

برالوی: آلبالو. «برالوی»، برالووک، بلالووک. (هه، مو)

براله - براله: گیاهی است. (او، هه)

براوکه: *Chondrilla juncea*

قندرون. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در غالب مناطق کردستان می‌روید و در روستاهای تا و هه‌نیم از توابع شهرستان کامیاران بنام «براوکه» خوانده می‌شود.

محل رویش - در محل‌های زیر می‌روید و آن را مشاهده نمودم: جاده سنندج - آریز، جاده سقز - بانه، جاده دیواندره - بیجار، جاده بانه - سردشت، سه‌رشیوی مریوان، ریگهی سه‌قز - مریوان، روانسر، جوانرؤ، پاوه، جاده سنندج - دهگلان، جاده دهگلان - قروه و روستاهای رشنش، شیان، تکیه، هشمیز و جاده سنندج - سقز. (مو)

برایم گهنی: گیاهی است. (رو)

برای هه‌لامه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

بزکه: گیاهی از رستنی‌های کردستان دارای

برگهای ریز و دارای شیره هم هست، این گیاه غیرخوردنی است. (مو). گیاهی خوشبو و کوهستانی که برای تغذیه دام خوب است. (که ...)

برگ بو: برگ بو. گیاهی از تیره‌های نزدیک آلاله. (کرمانشاهی)

برنج: برنج. نگا: برینج. (مو، که)

برنج‌داس: گیاهی است که گلش در پزشکی بکار می‌رود. (رو)

برنووتی: گیاه بینی، توتون یا تنباکو مانند است که برای عطسه زدن آن را بو می‌کنند. این واژه در ترکی کوتاه شده (بورون اوتی) می‌باشد که بمعنی گیاه بینی است. به عربی (انفیه). «گیای لووت». (او، قا)

بره‌سووره - بره‌سووره: گیاهی است که برای جارو، درست کردن خانه‌های تابستانی و کپر از آن استفاده می‌شود. (رو)

برینج: *Oryza sativa*

برنج. گیاهی است که در بسیاری از نواحی جهان پرورش می‌یابد. برنج را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های: «برینج، برنج، برینج، مهره‌زه» می‌نامند. در له‌کی: بیرینج گویند. برنج دارای انواعی است از جمله: سه‌دری، گرده، گهرجه، سارده، هه‌مه‌ریو...

برنج در محل‌های زیر پرورش می‌یابد: مریوان، نه‌لوس، در منطقه لاجان، منطقه قصرشیرین، ایلام، آبادانان، مورموری و شیروان چهرداول از توابع ایلام. در شیروان چهرداول نوعی برنج بنام عنبه‌ریو «هه‌مه‌ریو» کشت می‌گردد. (ابرا، او، سیما، مو، قا، له‌ک، هه، دا، من)

بز بزوک: گیاهی است که در منطقه

دوروبر گل دارای خارهای تیز است این گیاه کوتاه است و زیاد بلند نمی شود. در سه هولان و عیسی که ند با نام مزبور نامیده می شود. (مو)

بزَن گه وُن: نوعی از گون است. (مو)

بزَنه ریشه: *Ferulago bernardi*

چویل آناتولی، چویل آذربایجانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بزَنه ریشه، بزَن ریشه، ریشه بزَن، ریش بزَن»

محل رویش - این گیاه در محل های زیر می روید و آن را در این محلها مشاهده نموده ام: چل چمه، سولتان نه حمده، هه زار کانیان، باخان، گازان، کله همرق، بلچه سور، دۆله زهش مایین دۆل، کۆرکۆره، گهلین، خانه گای گهلین، نه ویهنگ، ره شنهش، وئی سر، سوورکه دۆل، نجی، سالیان، ته ته، دهره ویان خواروو، که که وسان، زه نان، سهرشیوی سه قز، سهرشیوی مهریوان، شیان، قازی به کر، ته کیه، هه شه میز، هویه، سهرهویه، روا سهر، جواتر، پاره. قارچیکه در بیخ این گیاه می روید بسیار خوشمزه بوده و از بهترین قارچها است. این گیاه را بهنگام جوانی می پزند و می خورند. (مو)

بزَنه ریشه:

Tripleurospermum disciforme

بابونه کاذب. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای کۆل و دۆزه غره، خه رکه، بلچه سور، زه شنهش و بعضی از روستاهای بیجار از جمله حلوانی آن را «بزَنه ریشه» گویند و در بعضی جاها آن را «لوتوئه وانه» نامند. (مو)

بزئیری: گیاهی است کوهستانی بهاری برای

خورخوره از جمله مولاناوا با این نام خوانده می شود. در هه نپانه آمده است که: گلی است بهاری. این گیاه را در منطقه خورخوره سقز مشاهده نمودم. (مو)

بزیزی: گیاهی است. (هه)

Physalis alkekengi

عروسک پشت پرده، کاکنج،

(E. Winter cherry)

در طب قدیم، این گیاه منوم و مخدر قویتر از خشخاش ذکر شده و یک مثقال آن منوم و خواب آور و بیشتر از آن باعث اختلال عقل و مورث جنون ذکر شده است. نگا: قه یته ران. (رو، هه، من او، که)

بزله ریشمه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

بزَن تَرینه: گیاهی است بهاری که پیاز آن مانند پیاز کوچک می باشد، شبیه کورگ است که بز آن را می خورد به خاطر تندی به تَر زدن می افتد. (او، هه، قا، که)

بزَن تَرینه: گیاهی است که برگهایش شبیه برگهای گول زه مهق است. در بهور و پهریشان رویش دارد و آن را در اطراف این دو کوه «بزَن تَرینه» گویند. (مو)

بزَن ریشه: (کر): گیاهی است بهاری و برگهایش مانند برگهای شبت ریز و شبیه ریش بز است. «بزَنه ریشه». (کرمانشاهی، هه)

Ferulago Bernardi

چویل آناتولی. گیاهی است که در روستای بست و بعضی جاهای دیگر کردستان به این نام خوانده می شود. «بزَنه ریشه». (مو)

بزن گره: گیاهی است از رستنی های کردستان، گلهایش مثل گل قاخلی است،

سوورکهؤل به آلبالوی کوهی گفته می شود.
(مو، ابرا)

بلاآلووک دهیمی: آلبالوی کوهی. نگا:
بلاآلووکه کیفيله. (مو)

بلاآلووک کینفی: آلبالوی کوهی. له کی:
ییلایک. نگا: بلاآلووکه کیفيله. (مو)

بلاآلووکه کینفی: آلبالوی کوهی. نگا: بلاآلووکه
کیفيله. (مو)

بلاآلووکه کیفيله: *Cerasus microcarpa*
آلبالوی دانه ریز، آلبالوی کوهی، راناس.

درختچه ای است از رستنی های کردستان که
در غالب نواحی می روید. این درختچه را در
گویشها و مناطق کردستان با نام های زیر
می نامند و می شناسند: «بلاآلووکه کیفيله،
بلاآلووک کینفی، بلاآلووکه کیویله، بلاآلووکه
کیفيله، برالۆ، بلاآلووک دهیمی، بلاآلووک کینوی،
به لالووک»

محل رویش - این درختچه در محل های زیر
می روید و آن را در این محلها مشاهده
نموده ام: سولتان نه حمده، کۆسالان، گلیه،
شانشین، بهور و پهریشان، خواشت، ته کیه،
تهوریور، شیان، هه شه میژ، سه رهویه، هویه،
وئ سهر، ئهویه نگ، ره شنه ش، که رجۆ،
خانه گای گهلین، دهویشان، گهلین، نجین،
سالیان، چل چهمه، په نجه عه لی قوروه،
سوورکهؤل، زونج، عه والآن، ئاویهر،
سه لواتاواي سنه، زه نان، مه لکشان، زوانسهر،
جوانرۆ، پاوه، ریگهی سهر بناو - ته نگي سهر،
گه رده نه ی که زه سی، دۆله زه ش مایین دۆل،
قولقوله ی میره دی، دهرویان فازس، پالنگان،
شاهۆی پالنگان، شاهۆی ویزیر، حه سه ناوای
سنه، خوزخوزهی سه قز، ده ربه ن دزلی،

تعلیف حیوانات و دام است. (رو، هه، که)

بزو - بزوو: درخت بید. نوعی درخت بید
است. (او، هه، ابرا، که)

بزۆ بزۆ: گیاهی است بهاری و کوهستانی
که سه چهار شاخه دارد و گل سفید میدهد.
(اورنگ)

پسته: پسته. «پسه، فسق». (هه، قا)

بسکۆله: گیاهی است شبیه به ژلف. (هه)

پسه: پسته. نگا: پسته. (مو، ابرا)

بغوردی کوردی:

Peucedanum officinalis

بخور الاکرد، رازیانه کوهی. گیاهی است از
رستنی های کردستان که در عربی آن را (بخور
الاکرد، شمرة الخنازیر، بریطوره) گویند.
مظفریان، آن را (رازیانه کوهی) نامیده است.
نگا: بخوردی کوردی. (رو، که)

بقر: درخت پشه. «دارتوفانه، بووز، داری
بووز». (هه...)

بلاآلک: آلبالو. (مو)

بلاآلو: درختچه ای است که در روستای
هه شه میژ از توابع شهرستان سنندج، به این
نام خوانده می شود. «بلاآلووکه کیفيله». (مو)
بلاآلووک: آلبالو، آلبالوی پرورشی. درختی
است که در بعضی مناطق کردستان از جمله
سنندج و تعدادی از روستاهای تابعه آن، به
این نام خوانده می شود و در جاهای دیگر،
آن را با نام های زیر، می نامند. «ثالۆیالۆ،
برالۆ، به لالۆک، هه له لۆک، برالۆی،
هاله بلاآلووک، هالۆو بلاآلوو». توضیح اینکه در
خیلی جاها دو واژه «بلاآلووک، برالۆوک» برای
هر دو گونه آلبالوی پرورشی و کوهی بکار
برده می شوند. در روستاهای زونج و

دوره‌ویان خواروو، که که‌وسان، کوچک چنار، تنگی‌ور، شاهوی ته‌نگی‌ور، شاهوی لونی سیده‌کان، سرشیوی مریوان، سرشیوی سه‌قز، ته‌ته، بلچه سوور، هه‌ورامان، ژیار، سرده‌شت، ریگی مریوان - سه‌قز، ریگی سرده‌شت - شنو، سرشیوی سه‌قز (مؤلف). در محل‌های زیر هم می‌روید: ده‌زی قاسملو، کرماشان، نیلام، ته‌نگی‌مه‌لاوی، هه‌رسین، بیستون، که‌نگاوهر، سه‌حنه، سونقوز، نیسلام‌ناوای غهرب، مله‌ی قه‌لاجه، دالاهو، ریژاو، کیوی ماکوان. (ثابتی، معص)

بلالوکه کیویله: درختچه‌ای است که در ققله‌ی میرده به این نام خوانده می‌شود. نگا: بلالوکه کیویله. (مو)

بلت: زالزالک. «گویژ، بلچ». (هه، مو)

بلج: زالزالک. «بلج، گویژ»

بلج: *Crataegus*

زالزالک. درختچه و درختی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق و گویشهای مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «بلج، گویژ، گویشک، بلج، گویژ، گویژ، گویج، گویشک، بلجی - گویژ، بلج» * زالزالک برای امراض قلبی مانند سکت قلبی، فشارخون، پری‌زدن قلب، کم‌کاری قلب، مفید و مؤثر است.

محل رویش - در محل‌های زیر، گونه‌هایی از آن را مشاهده نمودم و در اغلب جاها سه نوع (زرد و قرمز و سفید) موجود است: ژیار، کوسالان، مه‌لکشان، سه‌لواتاوای سنه، ناویه‌ر، ناریژ، زه‌شنه‌ش، سولتان نه‌حمده، ته‌کیه، گواز، دوریشان، پالنگان، شاهو، زوانسه‌ر، پاوه، هه‌ورامان، بلچه سوور. نگا: گویژ. (مؤلف).

(مو، ابرا، هه، او، قا، دا، خواص، رو، که) بلج چه‌رمگ: نوعی زالزالک است که اهالی ده‌وریشان آن را به این نام می‌خوانند. «گویژ چه‌رمگ». (مو)

بلچه چه‌رمگه: زالزالک سفید. (مو) بلچه زه‌شه: زالزالک سیاه. در بسیاری از کوه‌های کردستان از جمله بلچه سوور و قه‌له به‌رد ۳ نوع زالزالک سیاه، قرمز، زرد، به چشم می‌خورد. (مو)

بلچه زه‌رده: زالزالک زرد رنگ. «گویژ زه‌رد، گویژ زه‌رده». (مو، قا)

بلچه سووره: زالزالک سرخ. «گویژ سووره». (مو، او، قا)

بلچه کول: نوعی درختچه زالزالک است که در روستای ده‌وریشان از توابع شهرستان سنجلیج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

بلجی: زالزالک. درختچه‌ای است که اهالی روستای ژیار از توابع هه‌ورامان و بعضی جاهای دیگر آن را به این نام می‌خوانند. نگا: بلج. (مو)

بلول: باقلا. نگا: باقلا. (ابرا)

بله‌ت: زالزالک. نگا: بلج. (ابرا)

بله‌تی: زالزالک. نگا: بلج. (هه)

بمبسیک: گیاهی است کوهستانی. (هه)

بمرم بژی: گل لؤلؤ. (او)

بناو: درخت زبان گنجشک. درختی است که در بعضی جاها از جمله زوانسه‌ر به این نام خوانده می‌شود. نگا: بناوچ. (مو، ابرا، قا، هه)

بناوچ: *Fraxinus rotundifolia*

. Subsp. persica = *F. persica*

زبان گنجشک. درختی است از رستنی‌های کردستان که در بسیاری از مناطق می‌روید و

(هرکدام ۱۵۰ گرم) با هم کوبیده و هر روز تا مدت ۵ روز یک قاشق غذاخوری از آن را در ۲ لیوان آب بجوشانید و میل کنید، میل جنسی را دوبرابر می کند. مقدار ۲۲ گرم تخم زبان گنجشک را در یک لیوان آب بجوشانید و صاف کنید و در مدت یک شبانه روز و هر نیم ساعت یک قاشق مرباخوری از آن میل نمائید برای لکنت زبان و باز شدن زبان مفید است. (مو، هه، او، ابراه، رو، هیوا، دا، پنچ، جفگر، من خواص، که)

بناوه: نوعی رستنی است که برگ پهن دارد.

(اورنگ)

Arctium lappa بناوه توم:

بابا آدم. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بناوه توم، هه ویدار، گه لا بناوه توم، چه چه گیره، حه شه گیره، جل گره، به ناوه توم». این گیاه حدود ۲ متر ارتفاع دارد و دارای برگهای بسیار پهن است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: عیسا که ند و سه هوالان، بهینی مه هاباد و بسوکان، هه والان، سوورکه وژ، وئ سه، ره شنهش، بیجار، ریگه ی که له کان - بست، میراوا له بهینی سه ورده شت و پیرانشاردا، سه رشویو مریوان، بلچه سوور، شیان، هه شه میز، ده رویان فازس، کوژ و دوزه غره، نالبلاغ چه تاق، قوژجه، قوژبلاغ، شاره ک. چه خوار بیجار نرسیده به روستای تخت، هویه، شارژچکه ی ته وئله * در طب سنتی: ۱- برگهای این گیاه را مسکن درد زانو و اعصاب می دانند ۲- برگهای این گیاه را کمی می شویند و کمی له می کنند و روی

در داخل شهرها و پارکها نیز پرورش داده می شود. این درخت را در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بناوچ، بناوچ، بناو، بناوی، داربناو، بناوه چ، به ناف، به ناف». درختی است سخت و سفت که از آن چوگان سازند. ضرب المثلی است میان کردان که می گویند: «وه کو گوچان بناوچ زه قه». در عربی آن را (لسان العصفور) گویند.

محل رویش - درخت زبان گنجشک در محل های زیر می روید و آنها را مشاهده نموده ام: چه م ده ره زه نجیر، خواشت، گهلین، خانه گای گهلین، شاری هه ورامان، بلبر، سلین، وه سیان، ژیوار، دوزو، خورخوزی سه قو، سه رشویو مریوان، ته نگه وهر، پالنگان، گلپه، نزاز، روانسر، ره شنهش (در این روستا، محلی است به نام تاله سوار، که درختان تنومند بناوچ در این محل وجود دارد) * برای زبان گنجشک خاصیت هائی بشرح زیر در طب سنتی و بعضی منابع ذکر شده است: چهل گرم پوست شاخه جوان در یک لیتر آب بجوشانید و شیرین کنید و روزی ۳ لیوان (قبل از هر غذا یک لیوان) میل کنید برای ناراحتی های سینه، تب و کم اشتهائی مفید است. برای درمان استسقا، دفع رماتیسسم مفصلی و قلبی، نفرس، سنگ و ورم کلیه، گیر ادرار، دفع طپش و زنش قلب، تقویت قوه جنسی، کم کردن فشار خون مقدار ۳۰ گرم برگهای زبان گنجشک را در یک لیوان آب بجوشانید و آن را با نبات کمی شیرین کنید و روزی ۲ لیوان و به مدت ۷ روز میل نمائید. هرگاه تخم آن را با تخم پیاز

خوانده می شود. نوعی شله جاف است که در بعضی جاها آن را «گویچه که» گویند. (مو) بنوشه: بنفشه. نگا: وه نه وشه

بنۆك: گیاهی است دارویی، برای درمان دام، آن را می کوبند و روی زخم دام و چهارپایان می گذارند تا خوب شود و زخم را التیام می دهد. «گیاه که که بۆ ده رمانی زامی ناژه ل به کار دی». در قاموس نیز آمده است که بنۆك گیاهی است دشتی مانند توسی که ریز شده آن برای درمان زخم حیوانات استفاده می شود. (او، قا، رو، که)

بنه رۆك: گیاه که که بۆ ده رمانی زامی ناژه ل به کار دی. نگا: بنۆك

بنه سۆریه: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. نگا: سووره بنه. (مو)

بنه فش: بنفشه. نگا: وه نه وشه. (رو، که)

بنه فشۆك: گلی است بنفشه مانند. (هه)

بنه گۆزه له: گیاهی است که در حسن آباد سبندج به این نام خوانده می شود. (مو)

بنه له ژینه: گیاهی است. (مو)

پسنه میو: تاک، درخت انگور. تک درخت انگور. (او، قا)

بنه وش: بنفشه. «وه نه وشه». (رو، که)

بنه وشه: بنفشه. لوزی: بنوش. «وه نه وشه». (مو، له، او)

بۆ تره کیته: نوعی قارچ. (هه)

بۆ تسکه: گیاهی است. (رو، که)

بۆ خوشکه - بۆ خواهه شکه: گیاهی است که در بعضی از روستاها به این نام خوانده می شود. «بۆژانه خواهه، بۆژانه خۆشه». (مو) بۆ خوشکه - که نیره: گیاهی است بهاری، ظاهر آن شبیه گیاه (سی پزه) است و خوشبو

محل مارگزیدگی می گذارند و ۳ روز پشت سر هم این برنامه را تکرار می کنند و گزیدگی مار را مداوا می کنند. (مو)

بناوچه: درخت زبان گنجشک. نگا: بناوچ. (ابرا)

بنبه ر: *Cordia myxa* گیاهی است. (رو)

بنبه ردۆك - بن به ردو وگ: گیاهی است یک شاخه ای، بهاری و کوهستانی، برگهایش مانند گل ختمی است، چند گل ریز سفید دارد. (او، هه، رو)

بنبه ردو وگ: نگا: بنبه ردۆك. (رو، که)

بنبه رده قی: گیاهی است خوردنی و کوهستانی، خوش طعم و شبیه ریواس. (او، هه، رو، که)

بنبه رده قی: گیاهی است با مزه ریواس. نگا: بنبه رده قی. (هه)

بنتنائی - بن تاتی: یکجور انگور است. (او، هه) بنچکه ته قه له: گیاهی است که در قلقله میرده به این نام خوانده می شود. «ته قله ی چهرنگ». (مو)

بن دارۆك: گیاهی است. (هه)

بنده و: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو) بن گازران: بوته ای که دم کرده آن تهوع و اسهال می آورد. (کرمانشاهی)

بنگۆزه له: گیاهی است کوهستانی. (هه)

بنگول: گیاهی است بهاری که برگهای ریز دارد و آن را از بیخ می کنند و به چهارپایان بزرگ میدهند. (او، هه، رو، که)

بنگه له ژیهله: گیاهی است. «به نگه ژیهله». (رو، مو، که)

بنله ژیهله: گیاهی است که در گه لنین به این نام

است. (رو، که)

بو خوه شکه: گیاهی از رستنی های کردستان. در روستای خواشت این نام را به گیاه «دایکه و باوکه» می گویند. نگا: دایکه و باوکه. (مو)

بو خوه شه: گیاهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. (مو)

بودینه - بوودینه: ۱- پونه. «پوونگه». (هه)
۲- نعنّا. (او)

بوژ: گیاهی است برگ سوزنی، بیش از نیم متر ارتفاع دارد، برگهای آن شبیه برگ «لّو» و دارای بوی مخصوصی است. این گیاه را در پاییز می دروند و برای مصرف زمستان دامها نگه میدارند. این گیاه را در مسیر زمزیران - مهباد مشاهده و بررسی نمودم. معنی دیگر واژه «بوژ»، چاله ای که میوه را در آن ریزند تا رسیده شود یا جایی است خنک که میوه را در آنجا می گذارند. معنی دیگر آن، بازنده مسابقه است. معنی دیگر آن «گه بیچه» است. (هه، قا، او، مو، مه)

بوژه بنچک: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای بست به این نام خوانده می شود. (مو)

بوژه گه وُن: نوعی از گون است که گل آن شبیه دم روباه است. (مو)

بوژیژانگ: گیاهی با کلهای زرد. نگا: بیژان. (هه)
بویره: ۱- نوعی گیاه نی است ۲- نوعی حصیر است که از نی یاد شده ساخته می شود. (قا)

بوژان: گیاهی است که در روستای باقلاوا، از توابع دیواندره به این نام خوانده می شود. (مو)

بوژان: گیاهی است که در روستای خهرکه به این نام خوانده می شود. «بوژانه خوشه». (مو)
بوژانه: بومادران. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند:
«بوژانه، بوژان، بیژان، بیژان، بوژانه، بیژان، بوماران، بومارانه، گول توپ، گوله مارانی، بیژنه، بوماران، بوژانه»

محل رویش - در محل های زیر گونه هایی از این گیاه را مشاهده نمودم: دۆله زهش مایین دۆل، کوزه میانه، زه رده وان، دهره ویان قازس، ریگهی بیجار - تیکاب، شاره کی بیجار، که رجۆ، هه شه میژ، گه لّین، خانه گای گه لّین، ته وریور، ته کیه، ته خته، شیان، قازی به کر، قزلبچه، چالاب، قزلبلاغ، ئالبلاغ چه تاق، ره شنهش، نجی، سالیان، داذه نهی که مانگر، داذه نهی سنه، کیلانه، کانی مشکان، که زه سی، په نجه هلی قوروه، کۆسالان، رووانسر، جوازۆ، پاهو، بلچه سور، ریگهی کامیاران - رووانسر، قهله بورد، پیازه، خهرکه، مله ی ته ته، ئاره نان، که له کان، ئاریژ، تووار مه لا، مله ی ته یتور، نه وه ژه، وتره زه وی، شه ویه نگ، وئی سر، ئاشقان، ساووسه بی، که وله، کۆل و دوزه خهره، گلیه، نیاوا، به قوزۆ، ده گاگا، بوژیسدر، مازی بن، خواشت، چه م دهره زه نجیر، سه لو اتاوی سنه، کۆرکۆره، دووشان، نایسهر، باوه ریژ، سه راو قامیش، دۆیسه، زیگهی سنه - دیواندره، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی وئی زیهر، شاهوی دیوه زناو، ریگهی بیجار - تیکاب، ریگهی بیجار - کوزانی، به ورو په رشان، حسین ئاوی که نگره، لاله، قاملو، سیلسیله، تاما سبقلی،

کردستان به حد وفور می‌روید و آن را مشاهده نمودیم. «بیژان». (مو، مظفریان)

بوژانه: *Tanacetum polycephalum* subsp.

مینای پرکپهای. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بسیاری از کوههای کردستان می‌روید و در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودیم: سوورکه‌ؤل، بلچه‌سوور، گهلین، کۆسالان، دهره‌ویان فازس، شاره‌کی بیجار، هه‌شه‌میز، سوولتان نه‌حمده، سهرشیوی مهربان. (مو، مظ)

بوژانه: *Achillea vermicularis*
بومادران کوهستانی، چوپان کبریتی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودیم: آبیدر، ارتفاعات صلوات‌آباد و شیشه‌ری، سلطان احمد، آریز، کهله‌مرو، دریله، بنیه‌ر، زونج، باقلاوای شیخ حه‌سین، پیرخه‌یران، گلپه، جاده سربناو - تنگی‌سر، نزاز، تنگی‌سر، محراب، هویه، سهرویه، کوله‌ساره، شانشین، ته‌کیه، اویهنگ، چهل‌چشمه، قلقله‌ی میروده، سهرشیو سقز، خانه‌گای گهلین، گهلین، فطره زمین، وی‌سهر، سهرشیوی مهربان، خوژخوژه‌ی سقز، زیگه‌ی سقز - مهربان، ته‌ته، بلچه‌سوور، شیان، هه‌شه‌میز، زوانسهر، پاوه. (مو)

بوژانه خوښه: *Tanacetum*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان و بسیار خوشبو است. در روستای سوورکه‌ؤل آن را «بوژانه خوښه» گویند. «بوژانه خوښه» هم گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر

سوولتان نه‌حمده، عه‌والان، خوژخوژه‌ی سقز، سهرشیوی سقز، سهرشیوی مهربان، ریگه‌ی میروده‌ی - پیرعومه‌ران، نه‌که‌روژ، قولقوله‌ی میروده‌ی، کیله‌شین، ناربه‌با، گهرده‌نه‌ی خان، ریگه‌ی سقز - بانه، ریگه‌ی بانه - سهرده‌شت، ریگه‌ی سهرده‌شت - شقز، ریگه‌ی مه‌هاباد - بووکان، زه‌نان، مه‌لکشان، کوچک چنار، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، دهره‌بنده. نوعی از این گیاه که دارای بوی تند است در داخل لباس و رختخواب می‌گذارند تا موریا نه آنها را نخورد. ارتفاع بعضی از گونه‌های این گیاه حدود ۹۵ سانتی‌متر است. توضیح اینکه تعدادی از اسامی کردی این گیاه در فرهنگ اورنگ و هه‌نبانه بورینه نیز آمده است *

خواص درمانی بومادران در طب سنتی و گیاهی عبارتست از: درمان گاستریت، سوءهاضمه، نفخ شکم، عامل انعقاد خون است. ضماد آن برای زخمهای چرکی و اگرما بکار می‌رود، ضعف عمومی بدن را برطرف می‌نماید. دستها و پاهای ترک خورده را با شستن بومادران می‌توان به حالت طبیعی درآورد. برای قولنجهای کبدی مفید است. چون قابض است در رفع ترشحات زنان و خونریزیهای بی‌قاعده مفید است. برای بهداشت پوست و ریزش موی سر، بصورت مالیدن بر موضع مفید است. مدر است و برای ناراحتیهای کلیه می‌تواند مفید باشد. داروی زکام است. (مو...)

بوژانه: *Achillea filipendula*

بومادران زاگرسی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در چهل‌چشمه و اغلب مناطق

مشاهده نمودم: سورکه‌زُل، گهلین، عه‌والان، ده‌رویان فازس، که‌رجۆ، هه‌شه‌میز، شاره‌کی بیجار، قه‌له‌بەرد، شیان، قازی به‌بکر، سەرشیوی مەریوان، تەتە، پاوه. (مو)
بۆژانه سیاوه، شابه‌نگ: بومادران. (دا)
بۆژانه گول زه‌رده: در روستای خواشت به گیاه «خوین به‌س» می‌گیرند. نگا: گیاخوین به‌س. (مو)

بۆسه‌لی - بووسه‌لی: نوعی انگور است. (او، هه، که)

بوغاف: گیاهی است که بر صخره‌ها روید. (هه)
بۆگله - بۆگله: گیاهی است که در هه‌ورامان و ژیار به این نام خوانده می‌شود و این نام در هه‌ورامان به گیاهان «بۆژانه، بۆژانه خۆشه، و گاهی به گیاه زه‌زیه‌قه» گفته می‌شود. (مو)
بۆگله‌وکه‌شی: گیاهی است که در هه‌ورامان به این نام نامیده می‌شود. «بۆژانه». (مو)

بۆگوله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستاهای اطراف کۆسالان آن را «بۆگوله» می‌نامند. اهل محل از قول این گیاه شعری سروده‌اند که ذیلاً نقل می‌شود:

ئەوسا مەن بێنی سەوقات و دۆسا
ئیسە کەردیشان هەلآله و پۆسا
این گیاه را در مناطق دیگر کردستان با نام‌های: «بۆژانه، بیژان» می‌نامند و می‌شناسند. این گیاه در سرتاسر کۆسالان رویش دارد. نگا: بۆگله

بۆگه‌نکه: *Datisca cannabina*

گیاهی است که در تاوه‌نیم و سرچی می‌روید و آن را «بۆگه‌نکه» می‌گیرند. این گیاه در کنار آب و محل مرطوب می‌روید. (مو، مظ)
بۆگه‌نکه: گیاهی است بدبو. نگا: بۆگه‌نیوه.

(هه‌ژار، او)

بۆگه‌نیوه: گیاهی است بدبو. نگا: بۆگه‌نکه.

(هه‌ژار)

بۆلاخ ئووتی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان * دارای ید، فلز، مس، گوگرد، آهک، ویتامین A, B, C می‌باشد، میکرب‌کش است. «می‌زی پی‌یاوه‌تی نه‌جۆزێنی، ده‌وام کردن له‌سەر خواردنی هۆی در یۆی ته‌مه‌نه». نگا: کووزه‌له

بۆل بزماره: نوعی انگور است.

بۆل مازوو: نوعی انگور است. انواع دیگر انگور: «مسکی، میخی، زه‌زاقی، گون توله، کلکه زویی، هوشاقی». (او، هه، قا، که)

بۆل مازه: نوعی انگور است. (هه)

بۆماده‌ران: بومادران. «بۆمارانه، برنج‌داس». (قا)

بۆماران: بومادران. نگا: بۆژانه. (مو، ابرا)

بۆمارانه: بومادران. ۱- در بعضی جاها از جمله روستاهای تا، هه‌نیم، گهلین، خانه‌گای گهلین و کۆرکۆره به نوهی بۆژانه‌گویند که همان چوپان کیریتی است. ۲- در بعضی جاها بلکه در اغلب جاها این کلمه را به مطلق «بۆژانه» می‌گیرند که در مناطق دیگر آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «بۆژانه، بوومارانه، بۆماده‌ران، بوومارانه، ژابیژ، بۆژانه کیتیله». در بعضی منابع نیز از جمله (قا) اشاره‌ای به این نام شده است. (مو)

بۆمایران: بومادران. گیاهی است که در

بیجار به این نام خوانده می‌شود. نگا: بۆژانه. (مو)

بۆموتره‌که: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

بۆنخوشکه: ریحان کوهی. در قاموس، این

بووماران: بومادران. کرماشانی: بووماران.
دئولوزانی: بوومارو. نگا: بوژانه. (مو،
کرمانشاهی، علیر)

بوومارو: (دیل): بومادران. گیاهی است
دارای ساقه‌های بلند و برگهای بسیار بریده
و گلهای خوشه‌ای مرکب است، رنگ
گلهای سفید یا صورتی و گلبرگهای ریز و
خوشبو است. برای دل درد مفید است. آن را
با نام‌های زیر هم می‌نامند: «بوومارانه،
بووماران، بوژانه». نگا: بوژانه. (علیر)

بوومه‌ترکه: گیاهی است که در روستای
خواست به این نام و به نام «که‌له» نامیده
می‌شود. این گیاه را «گون که‌له‌گا - بوئتره‌که»
نیز می‌گویند. نگا: کترله‌گا. (مو)

بووه‌وشی: گیاهی است گونه‌ای سالویا
است. (مو)

بووه‌وشی: *Salvia spinosa*
مریم‌گلی‌خاردار. گیاهی است از رستنی‌های
کردستان. (مو، مظ)

بوویژان: گیاهی است کوهستانی که برای
درمان زخم حیران و انسان به کار می‌رود. (رو)
بوویژان: بومادران. نگا: بوژانه. اورنگ آن را
به معنی پونه نوشته است که اشتباه بنظر
می‌رسد. (هه، ار)

بوئیماران - بووی ماران: گیاهی است که
در بیجار به این نام خوانده می‌شود و در
جاهای دیگر آن را «بوژانه» گویند. برگهای
این نوع، مثل کرم است. نگا: بوژانه. (مو)

بوئیماران چه رمگ: *Achillea millefolium*
بومادران، بومادران هزار برگ. گیاهی است از
رستنی‌های کردستان که در بیجار آن را «بوی
ماران چه رمگ» گویند و در دیگر مناطق

گیاه به شرح زیر تعریف شده است: «گیاه کی
بوئخوشه، له زوی بووره ده‌زوی، نیو میتر
به‌رز ده‌بیشه‌وه، لاسکی دریژه‌و لق و پچی
چزوپزه، گولی وه‌کونی بابونه وایه،
شیره‌ییکی لئ ده‌گیوی زور تاله...». (او، هه،
ابرا، قا)

بوئوخوشکهره: گیاهی است کوهستانی
بهاری و خوشبو، حدود نیم متر ارتفاع دارد
گل‌هایی مثل گل بابونه دارد. این گیاه را خشک
کنند و برای خوشبو کردن لباس و پوشاک از
آن استفاده می‌کنند * شیرهای دارد بسیار تلخ
که در طب قدیم برای معالجهٔ «فیفلج، لؤغه،
له‌رزوکی، فیداری، میده، جهرگ، کرمی زگ»
مورد استفاده بوده است. این کلمه بمعنی
خوشبو کننده نیز هست. (هه، رو، او)

بوئکه: گیاهی از رستنی‌های کردستان در
محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: ماسیده‌ر
خورخوزه، کانی سه‌بی، سوورکه‌ؤل، میانه.
(مو)

بوودینه: نعنأ، نوعی گیاه معطر. (ابرا)
بوودییشه: نعنأ. نگا: نه‌عنا. (رو، که)

بووز: درخت پشه، درختی است خودرو که
پشه‌های زیادی روی آن می‌نشینند. آن را با
نام‌های زیر می‌نامند: «به‌وز، یقز، دار توفانه،
دار میشله». رووه‌ک و که‌مال آن را به معنی
(ناره‌وه‌ن) هم نوشته‌اند. (هه، ار، رو، قا)

بووژانه: بومادران. نگا: بوژانه. (مو)

بووسه‌لی: نگا: بووسه‌لی
بووک: (با): ۱- لاله، آلاله. «گولاله سووره،
زه‌به نۆک» ۲- گل مژه. «باپشکینو، چنچکه
سلأه». (ابرا، هه)

بووگه‌نی: گیاهی است بدبو. (رو، که)

کردستان آن را با نام‌های عمومی: «بۆژانه، بۆماران، بیژان، بۆژانه کیویه، گول تۆپ، بۆگله، بۆژانه‌ی چهرنگ» می‌نامند و می‌شناسند. در هورامانی ته‌خت آن را نوعی «بۆگله» می‌نامند.

محل رویش - در بسیاری از مناطق کردستان می‌روید. در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: کوه‌های آلبلاغ چتاق، قزلجه، چالاب، شهرک، تۆلبلاغ و تخت از توابع بیجار، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل و زه‌رده‌وان از توابع سارال. (مولف، مظفریان) به‌ئیث - به‌ئیثف: بادام. «بادهم، به‌ئیث». (او)

به‌رته‌فتاو: (کر): آفتابگردان.

به‌ریه‌ن: ۱- نوعی خرما است ۲- بند، برغاب. (اورنگ) به‌زین: گیاهی است خوراکی. «به‌لپینه، پرپره». (هه‌ژار)

به‌رخيله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای سالیان از توابع ژاورود آن را «به‌رخيله» گویند در جاهای دیگر آن را «گۆشت به‌رخيله» می‌نامند. (مو) به‌رده‌گیا: گیاهی است که در منطقه پینچین زیاد است. (نادر)

به‌رده‌مووکانه: مویزه‌ک. «ده‌مووک، به‌رده مووک». (هه، مو)

به‌رده‌مووک: مویزه‌ک. (Bird lime). «ده‌مووکانه، میوژکه». (رو، هه، مو، که)

به‌رزه‌چره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان، در منطقه کۆسالان آن را مشاهده نمودم و در بعضی از روستاهای اطراف کۆسالان آن را با نام «به‌رزه‌چره» می‌خوانند. (مو)

به‌رزه‌گه‌وه: نی. در نیستان می‌روید. (او) به‌رزه‌گه‌ون: نوعی از گون است. (رو) به‌رزه‌لنگ - به‌رزه‌لنگ: گیاهی است از رستنی‌های کردستان: ۱- عده زیادی از اهالی شاری هورامان و روستای ژوار، این گیاه را همان گیاه «وهرکه‌مه‌ر» می‌دانند. (مو) ۲- عده دیگر آن را جدای از گیاه «وهرکه‌مه‌ر» می‌دانند ۳- نویسنده رووه‌ک آن را «ئال‌ئال» دانسته است ۴- فرهنگ‌های هه‌نبانه بۆرینه، اورنگ، قاموس، این گیاه را چنین تعریف کرده‌اند: گیاهی است خوشبو و کوهستانی که آن را توی لیفه و زیرسری می‌گذارند تا بوی خوش دهد ۵- امینی این گیاه را درمنه دانسته و نام علمی آن را (*Artemisia multellina*) نوشته است. نگا: وهرکه‌مه‌ر. (مو، رو، هه، او، قا، دا، که)

به‌رزه‌وونج: گیاهی است. (رو، که) به‌رسۆلکه: نوعی قارچ خوراکی است. (رو، گۆ، که)

به‌رکه‌مه‌ر: گیاهی است که اهالی روستاهای ژوار و یلبه‌ر آن را با این نام و با نام «وهرکه‌مه‌ر» می‌نامند و می‌شناسند. هه‌ژار و اورنگ آن را (گیاهی است خوشبو) نوشته‌اند. نگا: وهرکه‌مه‌ر. (مو)

به‌رگه‌می: *Nasturtium*

تره‌تیزک‌آبی. گیاهی است که در روستای نیه‌ر از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. «کوزله، گیاکوز، به‌رگه‌می، کوزو». نگا: کوزوله. (مو، هه، ابرا، که)

به‌رگه‌می: گیاهی است «کوزوله، به‌رگه‌می» به‌رو: (کر): بلوط. «به‌زو، به‌ژوار»

به‌زو - به‌زوو: ۱- بلوط، درخت بلوط ۲-

به‌زو. (مو)

Quercus brantii

به‌روو:

بلوط. درختی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: کرماشان، نسیلا ناوای غهرب، ریژاو، گیلانغهرب، کرندی غهرب، گهرده‌نهی قه‌لاجه، قوری قه‌لا، نه‌وسو. نگا: به‌زو. (معص)

به‌زوو: بلوط. «به‌زو، دار به‌زوو، به‌زووار». (مو، قا)

به‌زوو چه‌رمگ: شاه‌بلوط هندی. «به‌زوو بووتانی، به‌لوو چه‌رمه». (دا)

به‌زوودار: درخت بلوط. «به‌زوو، دار به‌زوو، دار به‌لووت»

به‌زووه کوپه: نوعی از بلوط است. (رو، که)

به‌زه‌زا: **Zeravschanica aucheri**

= **Peucedanum aucheri**

رازیانه کوهی صخره‌روی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در اغلب ارتفاعات کردستان می‌روید و در کردستان به این نام خوانده می‌شود. مظفریان آن را، رازیانه کوهی صخره‌روی نامیده است. ارتفاع این گیاه را در چندین جا اندازه گرفتیم، ارتفاع ساقه یا ساقه‌های آن حدود یک متر و ۵۰ سانتیمتر است. این گیاه بسیار معطر و خوشبو است * در طب سنتی، دم‌کرده و یا جوشانده آن را برای ناراحتی‌های کلیه، دفع کرم و رفع درد شکم مفید می‌دانند و دم‌کرده بیخ آن را برای صرع مفید می‌دانند.

محل رویش - این گیاه در محل‌های زیر می‌روید و شخصاً آن را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: دهره‌ویان خواروو، که‌کوسان، نه‌که‌رۆز، پیرعومهران، چل‌چه‌مه،

میوه بلوط ۳- به‌زو، به میوه بلوط یا برودار، میوه‌ی دارمازو و میوه یوول نیز گفته می‌شود، بدین‌توار: «به‌زوی به‌زووار، به‌زوی مازو، به‌زوی ویول». در روستای زونج هم به‌زو را به میوه درخت بلوط می‌گویند * پوسته میوه بلوط (تویکلّی ده‌نکه به‌زوو) در موارد زیر بکار می‌رود: ۱- پودر آن روی هرگونه زخمی بجز سوختنی بریزند مفید است ۲- برای بند آمدن خون بواسیر مفید است ۳- خوردن آن برای درمان شب‌ادراری بچه‌ها مفید است. میوه بلوط به صورت خام، برشته و پخته قابل خوردن است. (مو، قا، هه، هیوا)

به‌زو: **Quercus brantii. var**

بلوط ایرانی، بلوط کردستانی. گونه معروف و فراوان کردستان است که آن را «به‌زو، به‌زووار، دار به‌زو» گویند.

محل رویش - در بسیاری از کوه‌ها - در محل‌های زیر، این گونه از بلوط را مشاهده نمودم: دهره‌بن دزلی، کوچک چنار، سه‌بدلو، ریگه‌ی بانه - سهرده‌شت، میراوا، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، ده‌وریشان، تا، سهرچی، ره‌شنه‌ش، دانیکه‌ش، دزّیل، بنیه‌ر، نگل، خانه‌گای جوجو، باقلاوای شیخ حسه‌بن، زونج، پیرخه‌یوان، گلیه، ریگه‌ی سهرناو - ته‌نگی سهر، کۆله‌ساره، چه‌م دهره‌زنجیر، خواشت، گواز، دوزۆ، پالنگان، نیاوا، قه‌لاجن، ریگه‌ی سه‌ولاوا - مهریوان، به‌رۆزۆ، سهرشیوی مهریوان، روانسهر، جوانزۆ، پاوه، شاری هورامان، که‌ماله، ژیوار. (مو)

Quercus brantii

به‌زووار:

بلوط کردستانی، بلوط ایرانی، برودار. نگا:

کوزه‌میانه، دهر بن دزلی، نه‌ویه‌نگ، وی‌سهر،
ره‌شنه‌ش، زه‌نان، گازان، باخان، به‌ردی سپی،
سه‌لواتاواوی سته، کۆرکۆره، گه‌لین، تا،
سه‌رچی، دۆلۆ، گلیه، عه‌والان، ده‌وری‌شان،
ده‌رویان فازس، کۆل و دۆزه‌غره، کۆسالان:
بۆزیدره، ده‌گاگا، سه‌خناخ، شاری هه‌ورامان،
که‌ماله، ژیار، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل،
هه‌شه‌میز، قازی به‌کر، سه‌یفاوا (از توابع
خورخوره)، شاهوی پالنگان، شاهوی
وی‌زیه‌ر، شاهوی لۆن. (مو، مظ، معر، رر، گز، هه)
به‌زوه خاسه: شاه بلوط. نگا: شابه‌زو

به‌زه‌زا: *Johernia aromatica*

گیاهی است از رستنی‌های کرم‌اشان که در
محل‌های زیر می‌روید: بیستون، ورم‌نجه،
کوه شاهو، روانسر، سنقر، اسلام‌آباد غرب،
دالاهو، کوه نوادر کوند غرب.

به‌زه‌ژه: گیاهی است داروئی. (هه)

به‌زه‌ژه: آتقوزه. دو قسم است سفید و سیاه،
قسم سفید صمغ گلپر است که در (سولان)
مذکور خواهد افتاد و قسم سیاه آن انجدان
سیاه است که بکردی (که‌ما) گویند که با
خاصیت سمیت، قاتل جنین و مخرج آن و
مدر بول و حیض و مهبی و مخرج کرم معده
و درد مفاصل و با زرده تخم‌مرغ جهت سرفه
خشک و درد پهلوی مفید است. (منص ۱۰)

به‌زه‌شک: گیاهی است. (هه)

به‌زی: بلوط، میوه بلوط. (هه)

به‌ری: (هه‌ورام): باقلا. (ابرا)

به‌ی: درخت به، میوه به. (ابرا)

به‌ریژه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

به‌زه‌که: *Linum glaucum*

کتان بین‌النهرینی. در کردی آن را «به‌زه‌که»

به‌زه‌که، که‌تان، گیاه‌تان، گویند * تخم یا دانه
کتان «تۆی گیای که‌تان» را می‌کوبند و با
دوشاب قاطی و مخلوط کرده و آن را کمی
گرم می‌کنند و از آن مرهم یا پماد «هه‌توان،
مه‌لحه‌م» درست می‌کنند و روی دمل‌هایی که
بیخ سخت و سفت دارند می‌گذارند. این
مرهم، دمل را می‌رساند و چرک و هوای آن
را به خارج می‌کشد. روغن تخم کتان که به
عربی آن را (دهن بذرالکتان) گویند در صنایع
رنگ کاری کاربرد دارد بدین‌قرار روغن را کمی
گرم کرده و اشیاء رنگ کردنی را مثل دیوار و
درب و چوب و غیره نخست از این روغن
می‌مالند تا رطوبت آنها گرفته و سپس رنگ
می‌زنند. در گذشته از روغن بزرک مانند
روغن گرچک، روغن چراغ می‌گرفتند. نگا:
گیاه‌تان. (مو، هه، قا)

به‌زه‌رونج: گیاهی است خوشبو.

«به‌زه‌رونج». (او، هه)

به‌زه‌نجوش: گیاهی است که در ژیاوار به این
نام خوانده می‌شود. (مو)

به‌زه‌ره‌که: گیاهی است. «گیاه‌تان، به‌زه‌که»

به‌زه‌ریشه: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)

به‌عیف - به‌عییف: بادام. «بادهم، به‌ئییف،

به‌هیف، باوی، بایه‌ف». (هه، او، رو، ابرا، که)

به‌قه‌م: درختی است

به‌گوله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

به‌لازیر: ۱- گلی است نوروزی به رنگ

آسمانی ۲- گوله گه‌زیه. (هه)

به‌لالووک: *آلبالو*. نگا: *نآلبو* *بآلبو*. (هه)

به‌لالووک: *Cerasus microcarpa*

آلبالوی کوهی، آلبالوی وحشی. در کرمانشاه

هم آن را «به‌لالووک» گویند. نگا: *بآلبو* *که*

این نام می خوانند. در جاهای دیگر، این گیاه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بهله شوانه، بهناشوانه، بهله به شوانه». در منابع (قا، هه، او) نیز به نام این گیاه اشاره شده است. نگا: بهله شوانه. (مو)
بهله شوانه که رانه: نگا: که رتزیئکه.

Glycyrrhiza glabra به لك:

شیرین بیان. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «به لك، شیرین به لك، به لك که شیرینه، میكوك، مه كوك، میكوكه» در زبان فرانسه رگلیس و در عربی سوس نامیده می شود. در شیراز ریشه مهك و در اصفهان مژو گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: قهه چوغه، بیجار، منطقه کرانی، جاده های کرانی - قم چقا، ریگه ی بیجار - کوزانی، ریگه ی بانه - سهرده شت، خورخوزه ی سه قز، تاینه، کامیاران، ریگه ی سنه - کامیاران، ریگه ی کامیاران - کرماشان، ره شنه ش، ژیوار، هه ورامان، ماسیده ر، ریگه ی بیجار - تیکاب، رووانسه ر، پاوه، دئی گولان، قورو، کامیاران، روستاهای خوشمقام و عهلی ثاوا از توابع بیجار، ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی مهاباد، ۲۵ کیلومتری زتجان به سمت بیجار، ۲۵ کیلومتری سنندج به سمت کرمانشاه، کرمانشاه. این گیاه بطور کلی در ایران، ترکیه، عراق، ایتالیا، فرانسه و چین پراکندگی دارد و حدود یک متر یا بیشتر طول دارد. انواع مختلفی دارد * ریشه و ریزوم این گیاه برای درد شکم و محلول آن برای شستن دهان و زخم و سوختن دهان

کیفیه (مو، کرمانشاهی، او، هه، معصه)
به لالووك: آلبالو، آلبالو. «هاله بلالووك، بهلايك». (من، او، هه، قا، مو)

به لالووك: آلبالوی کوهی. در عربی (حب الملوك، قرصیا). «بلالووكه کیفیه، به لالووكه کیفیه، برالوه، برالیک». (رو، قا)

به لالووكه کیویلكه: آلبالوی کوهی. «بلالووكه کیفیه، هه لالك». (هه)
به لالیسك: یکجور گل کوچکی است، گلی است کوهستانی. (او، هه، رو)
به لالیك: آلبالو. «بلالووك». (هه)
به له به شوانه: گیاهی است که در کیله شین و خورخوزه به این نام خوانده می شود. نگا: بهله شوانه. (مو)

به لكه: ۱- گیاهی است ۲- بلكه. (او)
به له مك: گیاهی است. (رو، که)
به له میس: (دیل): نوعی سبزی است که در کنار رودها و چشمه سارها می روید و خوردنی است. (علیر)
به لو - به لوو: بلوط. (ابرا)
به لوجه: گیاهی است که مانند اشنان کف می زند. (هه)

به لوجه: ۱- گیاهی است که لباس را با آن می شویند. (رو، ابرا). از ابزار خیش. (هه)
به له چ: زالزالک. نگا: بلج. (مهه)
به له دون:

Belladonna

بلادن. (هیوا)
به له سان: گیاهی است به شیوه دون. بلسان. (رو، که). درختی است. (او)

به له شوانه - به له شوانه: گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در روستای حسن آباد سنندج (له دئی حه سه ناوای سنه) به

مفید است. (مؤلف، هیوا، گۆ، کرمانشاهی،
با، هه، له‌ک، قا، او، که).

به‌له‌که شیرینه: شیرین بیان. نگا: به‌له‌ک.
(مو)

به‌له‌گوش: (دیل): گیاهی است خودرو که
گل‌هایی به رنگ زرد و قرمز دارد و از آن
استفاده خوراکی می‌شود و مزه آن شیرین
است. (علیر)

به‌لی: (دیل): بلوط. میوه این درخت به
صورت فندقه بیضی شکل کشیده است که
پیااله‌ای تا نیمه آن را فرا گرفته است. نگا:
به‌زو. (علیر)

به‌لی: درختی است که بیخش شیرین و
شاخه‌اش تلخ است. (او)

به‌مبوو: نی هندی. «به‌موو». (او)

به‌ن - وه‌ن: بنه، درخت بنه. پهلوی این واژه
(قه‌ن) است که به معنی (دار، درخت)

می‌باشد. در کهنترین سند کتبی ایران یعنی
اوستا و در گویش‌های گوناگون ایران واژه
«وه‌ن» یا «به‌ن» به معنی درخت است. درخت
وَن یا بنه دارای میوه‌ایست ریز و مغزدار که
مردم آن را می‌خورند و آن را داخل دوغ و
ماست می‌ریزند تا آنها را معطر نماید. میوه
درخت بنه را در عربی (حَبَّةُ الْخَضْرَاءِ) و در
ترکی (چاتلانقوش) گویند و در کردی و
فارسی (وه‌نه‌توق) نامند. نگا: داره وه‌ن،
دارقه‌زوان، وه‌ن. (مو، هه، او، علیر، قا)

به‌نا: *Chaerophyllum macrospermum*

جعفری فرنگی معطر. گیاهی است از
رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن
را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «به‌نا،
مه‌نی، مه‌ندۆک، مه‌ندی، مه‌نی، مه‌ندک، مه‌ند»

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: شاهۆ، باخان، هه‌شه‌میژ،
به‌ردی سپی، پیرعومهران، دهره‌ویان فازم،
گهلین، خانه‌گای گهلین، کۆل و دۆزه‌غهره،
شاره‌ک، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، گلپه، زه‌شنه‌ش،
ته‌کیه، چل چه‌مه، شاری هه‌ورامان، که‌ماله،
رۆوه‌روئی، ژیسوار، تولقوله‌ی میره‌دی،
وئی‌سەر، ئه‌وییه‌نگ، که‌که‌وسان، دهره‌ویان
خواروو، سه‌رشییوی مه‌ریوان، نه‌که‌رۆز،
ژینگه‌ی سه‌قز - مه‌ریوان، ته‌ته، شیان. این گیاه
را به‌نگام جوانی در فصل بهار در کردستان
می‌پزند و می‌خورند. گاهی پس از پختن، آن
را با تخم‌مرغ و روغن سرخ می‌کنند و
می‌خورند. این گیاه را با پنیر و کشک مخلوط
می‌کنند * در طب سنتی این گیاه مدر ادرار
محسوب می‌شود. (مو، قا، هه، مت جعفر،
او، رو، گۆ)

به‌ناشوانه: گیاهی است که در روستاهای:
گهلین، خواشت، نزاز، زه‌نان، بعضی از
روستاهای هه‌ورامان و شاری هه‌ورامان به این
نام خوانده می‌شود. نگا: په‌له‌شوانه. (مو، او،
قا، هه، مه)

به‌ناشوانانه: نگا: په‌له‌شوانه. (مو)

به‌ناف - به‌ناف: درخت زبان گنجشک،
بناو، درخت بناو. درختی است از
رستنی‌های کردستان. «بناوچ، داری بناو،
بناوچه، بناوچ، بناو». (او، هه، رو)
به‌ناف: (زا): ۱- درخت زبان گنجشک. نگا:
بناوچ ۲- درخت قوی و سالم و پابرجا. (ابرا،
او، هه، رو)

به‌ناوه تۆم: گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که در بعضی جاها به این نام نامیده

سبزه‌زارها می‌روید. این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: کانی سه‌یی، سواریان. نگا: به‌نگله ژیله. (مولف، هه‌ژار، اورنگ)

به‌نوش: بنفشه. نگا: وه‌نوشه

به‌نوک: گیاهی است در آب می‌روید. «به‌نوله». (هه)

به‌نوک: گیاهی که ورده له هه‌موو شویتیکا نه‌زوی، گولیکی ووردی سپی دهر له‌کا زور جوان و زه‌ه شیرینه. نگا: به‌نوک. (گز)

به‌نوله: نگا: به‌نوک. گیاهی است. (هه، رو)

به‌نوله: گیاهی است بهاری آبی، شبیه کوزه‌له که آن را با نام‌های زیر هم می‌نامند: «به‌ندوک، به‌نوک، به‌نوله، به‌نوک». نگا: به‌نوک.

(رو، قا)

به‌نله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی جاها از جمله روستاهای دهرکن و ده‌میه با نام فوق خوانده می‌شود و در بعضی جاها از جمله اطراف شاهرخ آن را «جانه جیله» می‌نامند. نوعی از گیاه «شله جاف» است. (مو)

به‌نوشه: گل بنفشه، بنفشه. نگا: وه‌نوشه. (ابرا)

به‌وز: درخت پشه. یکجور درخت بزرگی است مانند درخت توت ولی برگش باریکتر است. نگا: بووز. (هه، او، که)

به‌وز: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو) به‌ویینه: (له‌ک): بابونه، گل بابونه. نگا: گوته حاجیانه

به‌هاروو: گیاهی است پرورش داده شده و شبیه گندم است. (گز، که)

به‌هی: درخت به، میوه به. «به‌ی، بین، هیوه، بیته». (او، ابراه، مو، هه، قا، که)

می‌شود. در روستای سوورکه‌ؤل و بعضی جاهای دیگر آن را «گه‌لا بناوه‌توم» و در مسیر جاده بۆکان - مهاباد آن را «هه‌ویدار» گویند. رووه‌ک و که‌مال نیز آن را به‌ناوه‌توم نامیده‌اند. نگا: بناوه‌توم. (مو)

به‌ند: گیاهی است کوهی، در محل‌های سنگلاخی و در داخل سنگها می‌روید * برای درمان شکم درد و قولنج بکار می‌رود. (رو، که)

به‌ندک: گیاهی است خوردنی که آن را در پتیر و شیراز می‌ریزند. نگا: به‌نا. (که...)

به‌ندوک: گیاهی است کوهستانی. «به‌ندوک». (قا، هه)

به‌ندوک: گیاهی است بهاری کوهستانی برگهایش مانند کرفس است. آن را با ترشی می‌خورند. نگا: به‌ندوک. (او، قا، هه)

به‌ندوله: نگا: به‌ندوک. (قا)

به‌نک: درخت بن یا ون. نگا: داره وه‌ن

به‌نگله: گیاهی است در مرغزارها می‌روید. (هه)

به‌نگله ژیله: گیاهی است. در کانی سه‌یی از توابع خورخوره آن را مشاهده نمودم * بیخ آن در طب سنتی برای درمان زخمها بکار می‌رود. «به‌نله ژیله، به‌نگله لییوه، به‌نگه‌له ژیل». (مو، رو)

به‌نگله لیژ: گیاهی است سبزه‌رنگ، در زمین‌های نزدیک آبادیها می‌روید * بیخ آن برای درمان زخم خوب است. نگا: به‌نگله ژیله. به‌نگوکه: نگا: به‌ندوک. (او، هه)

به‌نگه‌ل - به‌نگه‌ل: نگا: به‌نگله ژیله. (او، رو)

به‌نله ژیله - به‌نله ژیله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که بیشتر در چمنزارها و

به هیف - به هیف: بادام، «بادم»، با هیف،
 باوی». (رو، ابرا، او، هه)
 به هیف نازنگ: بادام تلخ. نگا: بادم تاله.
 (هه، ابرا، او، که)

Cydonia

به ی:

به. درختی است که در تعداد زیادی از
 روستاهای کردستان پرورش داده می شود و
 به روستای تا از توابع کامیاران معروفیت و
 شهرت عمومی دارد. باغهای بارزش به در
 این روستا را شخصاً مشاهده نموده و جا
 دارد تقدیر و تشکر از این مردم زحمتکش
 بشود. (مو)

به پیوون: بابونه، گل بابونه. قاموس آن را به
 معنی «بنابنه پیچ» آورده است. رووهك و
 كه مال، «گوله فقه» را هم یکی از نام های
 کردی بابونه ثبت نموده اند. نگا: گوله
 حاجیانه. (هه، مو، او، رو، قا، که)

به پیوونه: بابونه. گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در خورخوره با نام «به پیوونه» آن
 را می نامند و می شناسند. لوژی: باوینه. نگا:
 گوله حاجیانه. (مو، او، گو، رو، هه، که)

به ی هه مرو: به امروود. نوعی امروود که در
 اورامان و ژاورود پرورش داده می شود و
 بسیار خوش مزه است. نمونه هایی از آن را در
 نه و تهنه نگ، هویه و سهرویه مشاهده نمودم.
 (مو)

Salix

بی - بیی:

بید. درختی است از رستنی های کردستان که
 در اغلب جاها رویش دارد. «داربی، داره بی».

(مو، هه، علیر، او، من ابرا)

بی: (کر): به، میوه به. نگا: به ی

بی: ۱- به (میوه به). نگا: به ی ۲- بید، درخت

بید. در گویش لکی نیز به معنی به یعنی
 «به ی» به کار می رود. (او، هه، مو، مه)

بیبار: ۱- فلفل سیاه ۲- فلفل فرنگی ۳- فلفل
 سبز. «بیبه، ئیسوت، ئالته، ئیسوت،
 ئیسوت، بیبه». (هه، او، با، ابرا)

بیباری زهش: فلفل سیاه. نگا: ئیسوت

بیباری کیتی: فلفل کوهی. (مو)

بیبه - بیبه: فلفل. نگا: بیبار

بیچوگول: نگا: شوالدره. (مو)

بی چه م: نوعی از انواع درخت بید است که
 خودرو است و در کنار رودخانه ها می روید
 این نوع بید خاصیت چندانی ندارد و چوب
 آن قابل استفاده برای ساختمان سازی نیست. (مو)

بیخ: گلی است کوهستانی زیبا. (که)

بیلمشك: بیدمشك. نگا: بی مشك

بی دهس نیا: نوعی بید است که غرس و
 پرورش می گردد. (مو)

پیرالیک: (دی لورانی - له کسی): آلبالو،

درخت آلبالوی کوهی. در گویش لکی

«برالیک» هم گفته می شود. نگا: بلائوکه

کیفیه. (علیر، لهك)

پیرمشك: بیدمشك. در مهاباد بیدمشك را

«پیرمشك» گویند. نگا: بی مشك. (مو، ابرا)

پیروڤ: درختچه ای است جنگلی. (هه)

پیره زا: (دیل): گیاهی است خودرو و پایا که

بر صخره های نمناک می روید. برگهای آن

همانند برگ جعفری ولی کوچکتر از آن

است. گلهای آن به رنگ صورتی یا سفید

نمایان می شوند. (علیر)

بیرینج: (دیل - لهك): ۱- برنج. نگا: برینج

۲- در گویش دهلرانی به معنی (آلیاژ برتن) نیز

آمده است. (علیر، لهك)

کلیه محسوب است. «کوزوله، بهرگه می». (رو، او، هه)

بیژ: *Smyrniopsis aucheri*

پیکل. گیاهی است در استان کرمانشاه پراکندگی دارد. نگا: بیژله هز. (معص)

بیژان: بومادران. گیاهی است از رستنی های کردستان. در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بیژان، بوژانه، بیژانه» این گیاه دارای چند نوع است از جمله: بیژانه پنجه، بیژانه به رزه، بیژانه سپی، بیژانه ده شتی، بیژانه سیاه. این گیاه را در روستاهای بست و کیله شین و بعضی از روستاهای مهاباد و کردستان عراق «بیژان» گویند * در بعضی مناطق، بهنگام شیوع بیماری شبه وبا، بجای اسپند و قانگ از گیاه «بیژان» استفاده می کنند. (مو، هه، او، گز)

بیژان: *Achillea tenuifolia*

بومادران بیابانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که برگهایش شبیه کرم است. در اغلب جاها رویش دارد.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بین زمزیران و مهاباد، خورخوزهی سه قز، بین سه رده شت و شنتق، نه که روز، پیرهومه ران، کیله شین، بست، چل چه مه، ماسی ده، زه نان، مه لکشان، سه رشیوی مریوان، خورخوزهی سه قز، ریگهی سه قز - مریوان، ژالسه، ته ته، بلچه سوور، ته کیه، هه شه میز، شیان، روانسور، جووانزو، پاوه، کانی زه ش از توابع مهاباد. (مو، مظفریان)

بیژان: نگا: بوژانه

بیژانه: گیاهی است از رستنی های کردستان

بیرینج داس: (لهک): بوته گیاهی است که گل ریز و چتری زرد رنگی دارد و این گل در طب سنتی برای تسکین دل درد مصرف خوراکی دارد. در فارسی آن را (برنجاسف) گویند. (لهک)

بیژا - بیژا: بیوه ز، جراه. گیاهی است کوهستانی خوشبو، شبیه کرفس با گل های چتری. در کوهستان های مهاباد و مکریان و کوه های روستای کانی زه ش از توابع مهاباد رویش زیادی دارد. این گیاه برای ترشیجات مورد استفاده قرار می گیرد و آن را داخل ماست و دوغ چکیده (سیراج، شیریز، ژاژی) می ریزند. از امام جعفر صادق (ع) نقل است که فرمود، جراه را همراه آب سرد بخورید معده را تقویت خواهد کرد. مرحوم آیت اله مردوخ می نویسد که بیوه ز دارای اقسام مختلفی است، قسم مسدس آن که در مازندران (رولنگ) گویند و شاخه های آن از ۶ عدد بیشتر نیست بهتر از همه است و اضافه می کند که این گیاه مدر بول و حیض و شیر است، سریع الهضم و تریاق سموم است، آب آن رافع مغص و محلل نفخ است و مقدار خوراکش ۴/۵ گرم است. این گیاه را نمی شناسم و آن را ندیده ام، زیرا زمانی که اینجانب به روستای کانی زه ش مهاباد رسیدم دیر بود و این گیاه خشک شده و از بین رفته بود، لذا موضوع نیاز به بررسی بیشتری دارد. (مؤلف). (مو، او، هه، خواص، من)

بیژ بالوک: درختی است جنگلی. «کیکف»

بیژه رو - بیژه زوو: گیاهی است آبی دارای برگ های ریز و تند مزه و خوردنی است * در طب سنتی، این گیاه بهترین داروی دفع شن

و دارویی است که آن را «بیژان، بیژانه» هم گویند. نگا: بیژانه. (هه، مو، او)
 بیژانه: گیاهی است که در روستاهای دهره‌ویان فازس و کۆل، به این نام خوانده می‌شود. آن را «بیژان، بیژانه» هم گویند. نگا: بیژانه. (مو)

بیژن: نگا: بیژانه. (مو)
 بی‌شه‌که‌ر: بیدمشک. نگا: بی‌مشک
 بی‌شه‌ما: نوعی توتون مرغوب. (هه)
 بی‌شه‌نگ: بید مجنون «شۆزه‌بی، شه‌نگه‌بی».
 نگا: شۆزه‌بی. (هه)

بی‌شیر: گیاهی است شبیه جو
 بی‌ک: بید. «بی، داری». (هه)
 بی‌کۆل - بی‌کۆل: نوعی درخت بید خودرو است. (مو، او، هه)
 بی‌لوز - بی‌لوز: ۱- نوعی گلابی است ۲- گلابی، امرو. (هه، او)

بیله‌هار: گیاهی است. «بیله‌ه‌زه». (رو)
 بیله‌هار: گیاهی است. «بیله‌ه‌زه». (گز، که)
 بیله‌ه‌زه: گیاهی است. «بیله‌ه‌زه». (مو)
 بیله‌ه‌زه: *Smyrniopsis aucheri*

بی‌کل: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «بیله‌ه‌زه، بیله‌ه‌زه، بیله‌ه‌زه، بیله‌هار، بیله‌هار» ارتفاع آن تا حدود ۱۸۵ سانتی‌متر است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: یاخان، به‌ردی، سپی، زونج، بساقل‌اوای شیخ حسین، سوورکه‌ۆل، ره‌شته‌ش، ئاویه‌ر، سه‌لوات‌اوای سنه، عدوالان، سولتان‌ئه‌حمده، گلپه، ریگه‌ی که‌له‌کان، بست، چل‌چمه، قو‌لقو‌له‌ی میره‌دی، شاه‌ۆ، وی‌سهر،

گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، قه‌له‌مان، خورخوزه‌ی سه‌قز، کوچک چنار، زه‌نان، که‌وله، مه‌لکشان، نجی، کیتله‌شین، که‌وبگار، کۆل و دۆزه‌غهره، دهرویان فازس، شاری هه‌ورمان، که‌ماله، بلهر، ژویار، شاه‌ۆی پالنگان، که‌رجۆ، ته‌ته، بلچه‌سوور، شاه‌ۆی وی‌زیهر، شاره‌ک، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل. (مولف) در محل‌های زیر هم می‌روید: ارومیه، سهرشیوی مهریوان، دره قاسملو، بین کیوی و فیروزآباد، بین پیرانشهر و سردشت، بین سردشت و مهاباد، کوه دنا در فارس و نهاوند. (فلور ایران ۱۲۳۱)

بیله‌ه‌زه: گیاهی است. نگا: بیله‌ه‌زه. (مو)
 بیله‌ه‌زه: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستای ته‌کیه از توابع سنندج و بعضی از روستاهای قروه به این نام خوانده می‌شود. نگا: بیله‌ه‌زه. (مو)

بیله‌ه‌زه زه‌شه: گیاهی است که در رشتش با این نام خوانده می‌شود. در صلوات‌آباد آن را «بیله‌ه‌زه گولانه» گویند. (مو)

بیله‌ه‌زه گولانه: *Heptatera anisoptera*
 گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در سلسله جبال زاگرس می‌روید بعلاوه در آذربایجان غربی، آناتولی، عراق، سوریه و لبنان نیز می‌روید.

محل رویش - در استان کردستان در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: رشتش، گردنه ماموخ، گردنه صلوات‌آباد، ریگه‌ی سه‌قز - مهریوان. رنگ برگ‌هایش مثل گیاه «بیله‌زه» معروف، روشن نیست ولی خیلی شباهت به گیاه «بیله‌هر» دارد. در صلوات‌آباد و بعضی جاهای دیگر آن را «بیله‌ه‌زه گولانه» گویند. (مو، مظ، معر)

« پ »

پاپشيله: *Ranunculus sp*

گیاهی است که در روستای رشنش به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ره شنه ش، مه لکشان، زه نان، کوزه میانه، سهرشیوی مهریوان، بلچه سور، کۆسالان، شیان، ته کیه، هه شه میز، روانسه، جوانزۆ، پاوه، ته لای حه سه ناوا، ناویه، ئاریز، زونج. (مو)

پات: گلی است که در گویش دیاربکر به این نام خوانده می شود. «کریزه تین». (هه)
پاتۆف: گیاهی است بُرس مانند که با آن پشت چهارپایان را پاک می کنند. (هه)

پاتونیا: *Petunia*

بطونیا. گلی است زیبا و خوشبو که در کوه های کردستان می روید. پرورشی آن هم زیاد است و بسیاری از مردم، آن را در خانه پرورش می دهند. (رو، گز)

پاچنارن: گیاهی است از رستنی های کردستان از جمله میانه که در بهار پخته آن مصرف دارد. (مو)

پاچه سورخ: *Allium paradoxum*

گیاهی است از رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر پراکندگی دارد: کرمانشاه، سرفیروزآباد، ماهیدشت. (معص)

پاچیک: یکجور ارزن است. (او)
پارپار: خرفه، گیاه خرفه. نگا: په لپینه. (هه)
پارزی: گیاهی است. (رو، که)
پاره زه: گیاهی است. «قه یتهران»

بی مروار: *Salix alba*

بید مسفید، فک. نوعی بید است که در روستاهای هویه و سهرویه آن را «بی مروار» و در روستاهای ته کیه و هه شه میز آن را «مروار» و در روستای زه شنه ش آن را «بی» گویند. محل رویش - در محل های زیر، این درخت را مشاهده نمودم: ته کیه، هه شه میز، هویه، سهرویه، ره شنه ش. (مو، مظ، معر)

بی مشك: *Salix aegyptiaca*

بیدمشک. درختی است که آن را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «بی مشك، بیه مشكه، بی شه کهر، بی می شک، بیرمشك، بیدمشك». (مو، دا، من، مظ، که)
بیمیشك: بیدمشك. نگا: بی مشك. (هه)
بینافتی - بیسینافتی: نوعی انجیر است. «جوری هه نجیره». (او، هه، رو، که)

بینایی: نوعی انجیر است. (هه، او، رو، که)
بین خوشك: گیاهی است. «که نیره». (هه)
پیو: (لهك): درخت به، میوه به.

پیوك: گیاهی است. «گیاه که». (هه)

بیه کووله که: نوعی از بید است که در

میریوان به این نام خوانده می شود بدینجهت که ترد و شکننده است. (مو)

بیه مشكه: نگا: بی مشك. (مو)

بی هه نجیر - بیی هه نجیر: کرچک. نگا: گهرچك. (هه، او)

بیبیاری سور: فلفل قرمز. (او)

بسیویژان - بیتیویژان: گیاهی است کوهستانی، بهاری و خوشبو. نگا: بۆژانه. (او، که)

پاریمهی: گیاهی است خوردنی. (او)

پاغازه: (کر): *Falcaria vulgaris*

غازیاتی. گیاهی است از رستنی‌های کرماشان

که در محل‌های زیر می‌روید: کرماشان،

نیسلام، ساوای غهرب، کمرندی غهرب،

هرسین، سه‌حنه، که‌نگاوه، پاوه. (معص).

این گیاه که آن را قازیای و پاکلاهی نیز

گویند، در بهار می‌روید و آن را هم به

صورت خام و هم در داخل آتش از آن استفاده

می‌کنند. در سنج، مریوان، سنقر و کلیانی

و خیلی از روستاهای کردستان، آن را

«قازیاخه» می‌نامند. برگهای آن شبیه پنجه

کلاغ یا زاغ است. (کرمانشاهی، مؤلف)

پاقلک: گیاهی است پیاز دار و خوردنی که

بیخ آن را می‌پزند یا بصورت کباب

می‌خورند. (پیشۆک، پیشۆک، کیفۆک). (هه)

پاقزو: (لوز): گیاهی است کوهی و

خوردنی که در بهار می‌روید. (او)

پاقلاچکه: گیاهی است که در روستای

ژیوار، به این نام خوانده می‌شود. (مو)

پاقلانچکه: گیاهی است بهاری با برگهای

کنگراهی و دندانه‌دار، دانه‌ها یا میوه‌های آن

سرخ رنگ است مثل «زه‌زله». در میانه و

رشنش و خیلی جاها می‌روید * مسهلی

است قوی. «زه‌وانکه» یکی به‌هیژه. اورنگ،

این گیاه را چنین توصیف کرده است: گیاهی

است بهاری دارای برگهای پهن و دانه‌ها یا

میوه‌های آن سرخ رنگ است. (او، هه، مو،

رو، که)

پاقله: باقلی، باقلا. در بعضی منابع به معنی

«لویا» هم آمده است. نگا: باقله. (هه، ابر،

رو، گز، که)

پاقله‌ی میسری: *Lupinus*

گیاهی است. (رو، که)

پاقلینچکانه: گیاهی است شبیه خرفه و

خوردنی است. (رو، او، هه، که)

پاکوثره: گیاهی است خوردنی مانند

پاقلانچکه. «پن‌چوتله‌که، پن‌میشکه». (هه،

او، رو)

پاکه‌پاکه: سیب‌زمینی. «سپفه‌زه‌مین، په‌تانه،

سپف‌زمینی، ه‌رزیه». (هه، او، رو)

پاکه‌ره‌شپله: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان. بعضی آن را (اسفرزه) فارسی

میدانند. (مو)

پاکه‌له‌شپوره: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در روستای رشنش به این نام

خوانده می‌شود. (مو)

پاکیشکانه: گیاهی است که در نواز به این

نام خوانده می‌شود. در بعضی جاها این گیاه

را «په‌چه‌وره» گویند. (مو)

پاگورگانه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان شبیه هاله‌کۆک و خوردنی است که

به صورت پختنی آن را مصرف می‌کنند،

برگهای شبیه پای‌گرگ است، دارای گل‌های

صورتی زیبا یا بنفشه‌ای رنگ است.

پاگورگانه در روستای که‌رجۆ از توابع سنج

به گیاهی می‌گویند که برگهای شبیه برگ مو

و دارای گل‌های زرد رنگ است. پاگورگانه در

روستای گلپه به گیاه «گول‌ماس» می‌گویند. در

بعضی جاها آن را «پاگوریانه» گویند. (مو)

پاگوریانه: گیاهی است. نگا: پاگورگانه

پالدم: گیاهی است از رستنی‌های کردستان

که در باقلاوای شیخ حسین به این نام

خوانده می‌شود. نگا: پالمه. (مو)

پالدمه: گیاهی است. نگا: پالمه.

پالدومه: گیاهی است. نگا: پالمه. (مو)

پالال: گلی است در کوهساران می‌روید. (هه)

پالمه - پالمه: *Scorzonera*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان، نوعی از شنگ است که برگش پهن‌تر است و آن را با سرکه می‌خورند. این گیاه را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «پالدمه، پالدومه، پالدم، پالمه، پالمه».

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: دووشان، نایی‌سهر، میانه، زه‌شنه‌ش، که‌وبگار، پالنگان، حه‌سه‌ناوای سنه، کۆل و دۆزغره، کۆسالان، که‌رجۆ، باقلاوای شیخ حه‌سین، ناویه‌ره، ثاریز، نه‌وه‌زه، ثاره‌نان، زه‌نان، سه‌رشوی مریوان. (مو، کرمانشاهی، هه، که)

پالمه: *Scorzonera calyculata*

شنگ اسبی بلوری. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشان که در بیستون و سنقر پراکنده‌گی دارد. (معص)

پالده‌وی: گل آفتاب‌گردان. (هه)

پالیموک: گیاهی است که بیخش خوردنی است. (هه)

پاملوچکانه: پنیرک. «په‌په‌چه‌وره، کولیره‌چه‌وره». (مو)

پانه‌گه‌ون: نوعی از گون است. «گه‌ون». (مو)

پاورچ: گیاهی است که در رشنش با این نام خوانده می‌شود. «پاورچه». (مو)

پساورچه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که خوردنی است. «پاورچه، پین‌وورچه». نگا: پاورچ. (مو)

پت پتو: گیاهی است (مو)

پتپتوکه: از گلهای قمرز بهاری است. (هه)

پستیتته: سیب‌زمینی، «سیفه‌زه‌مین،

سیفه‌هه‌زیله، هه‌رزیه، په‌تاته». (هه، مو)

پرپره: خرفه. نگا: په‌لپینه. (هه)

پرپره: خرفه. نگا: په‌لپینه. (رو، گز)

پرپرپیک: خرفه. گیاهی است بهاری،

هه‌بنانه این گیاه را خرفه دانسته است. نگا:

په‌لپینه. (او، هه)

پرپلیک: خرفه. نگا: په‌لپینه. (هه، مو)

پرتقال: *Citrus sinensis*

پرتقال. انگلیسی: Sweet orange. پرتقال

در دره شهر از توابع ایلام پرورش داده

می‌شود. «پرتقال، فلته‌قان». (مو، رو، هه، او،

ابرا، سیما، که)

پرتقال: پرتقال. «پرتقال، فلته‌قان»

پرچه پییره‌ژنه: گیاهی از رستنی‌های

کردستان. (مو)

پردو: نوعی خربزه. (هه)

پریشک: نوعی خار که در گندم‌زار روید. (او)

پزیشکه: نوعی خار است. نگا: په‌ریشکه. (هه)

پسپایک: گیاهی است که آن را «فوه‌پین» هم

گویند. (رو)

پسته: پسته. «فستن». (هه، او)

پسته بادام: بادام مستقا، پسته بادام، بادام

پوست نازک، بادام کاغذی.

پستی: پسته. «پسه، پسه». (هه، او)

پسل: *Allium giganteum*

پیاز غول‌آسا، پیاز غول. گیاهی است از

رستنی‌های کردستان که در روستای شیخ

شریتی از توابع مریوان و در روستاهای کۆل

و دۆزغره و ده‌رویان فازس، آن را «پسل»

گویند و در جاهای دیگر آن را با نام‌های زیر

می نامند و می شناسند: «لووشه، پسله شاخی، پسل، گیادوخهوا، گیادوخوا». این گیاه تا حدود ۷۵ سانتی متر ارتفاع دارد و دارای ۵ - ۶ برگ است و پیاز بزرگ.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سلطان احمد، هشمیز، خورخوره سقز، گردنه صلوات آباد، کوزه میانه، گازان، باخان، چهل چشمه، برده سفید، کوسالان، دهره ویان فازس، کزل و دوزه غره، گلیه، ده گاگا، نيزل، ژيوار، زه نان، سرشیوی مریوان، ژالانه، مله ی تته، قله برد، بلچه سور، پاوه، روانسر * بعضی، این گیاه را برای درمان روماتیسم مفید می دانند. در کردستان این گیاه را داخل دوغبا و آش دوغ می ریزند و می خورند. (مو، مظفریان، رو، هه، او، که)

پسله بووه نکه: گیاهی است که در کهکوسان و دهره ویان خواروو به این نام خوانده می شود. نگا: پسله کهوه له. (مو)

پسله بووه نه: نگا: پسله کهوه له. (مو)

پسله شاخی: نگا: پسل. (رو)

پسله کهوله: گیاهی است. نگا: پسله کهوه له. (مو)

پسله کهوه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای شیخ شهریه تی از توابع مریوان آن را «پسله کهوه» گویند. در فارسی آن را والک گویند. در بعضی جاها به تازگی همان نام فارسی گیاه را به صورت کردی درآورده و آن را «واللهک» گویند، از جمله در روستاهای نسل و شه و تیه نگ. در روستاهای کهکوسان و دهره ویان خواروو، این گیاه را «پسله بووه نکه» گویند. نگا: پسله کهوه له. (مؤلف)

پسله کهوه له: *Allium akaka*

= *Allium latifolium*

والک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای میانه، نيزل و بست آن را «پسله کهوه له» می نامند و در شیخ شهریه تی، آن را «پسله کهوه» می خوانند. حدود ۲۰ سانتی متر ارتفاع دارد و دارای ۲ یا ۳ برگ است.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: شیخ شربتی، سلطان احمد، شهرک بیجار، کوزه میانه، نسل، نيزل، دهره ویان فازس، پالنگان، گلیه، کوسالان، هه شه میز، ناویه، زه شنه ش، باخان، گازان، مازی بن، هه ورامان، بهورو پهریشان، نجح، یوزیده، پیرعومهران، نه کهررز، گهرده نه ی سه لواتاوا، زه نان، کهکوسان، دهره ویان خواروو، چل چه مه، سرشیوی مریوان، مله ی تته، ژالانه، قله برد، بلچه سور، ته کیه، شیان، سهروهیه، هویه، ژوانسر، پاوه. (مو)

پسلی: گیاهی است. نگا: پسل

پسه: پسته. «بسته، دارپسته، پستی، پسته، پسه». (مو، ابرا، او، هه، قا)

پسه ی زه وینی: پسته زمینی یا آراشید * دارای ویستامین های A, B, C و اسیدهای آمینه، می باشد و چون حاوی مواد سلولزی هم میباشد هرگز نباید در خوردن آن افراط شود اعراب آن را بهترین تقویت کننده قوه باه و جماع میدانند. (خواص)

پشپشوکه: ۱- گیاهی است شبیه به دم گریه یا گیاهی است که شاخه های خار مانندش به انگشت گریه می ماند شاید همان (گریه بید) است که بعضی آن را بیدمشک و برخی

گونه‌ای از بیدمشک می‌دانند. در عربی آن را (ذنب القط) گویند. (او، رو، هه، که)
۲- پشپشوک گیاهی است از رستنی‌های کردستان، شبیه گیلاخه، پیازه‌ای دارد شبیه پیازه گیلاخه که شیرین است و خوردنی. (مو)

پشیلوک: گیاه قاصدک. (هه)

پشیله پایزه: قاصدک. (هه)

پلاوسه‌دری: *Cerlinthe minor*

علی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای کۆژ از توابع سارال آن را «پلاوسه‌دری» و در روستای بلچه‌سور آن را «گیا برنجه» گویند و در جاهای دیگر آن را «گیالاولو، گیابرنج، گیا برنجی» گویند.

محل رویش - چل‌چمه، دهره‌ویان فازس، کیله‌شین، کۆژ و دوزه‌غره، قه‌له‌برد، دهره‌ویان خوارو، کۆسالان، پالنگان، شاهق. این گیاه از گیالاولو دیگر بلندتر است و حدود نیم متر ارتفاع دارد و کمتر از گونه دیگر یافت می‌شود. (مو، معر، مظ)

پلاوسه‌دری: *Solenanthus stamineus*

گل عقربی پرچم‌دار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای کۆژ، از توابع سارال آن را «پلاوسه‌دری» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: دهره‌ویان فازس، کۆژ، دۆزه‌غره، نه‌که‌رۆژ، مله‌ی ته‌ته، بلچه‌سوور، قه‌له‌برد، چل‌چمه، شاهق، کۆسالان. (مو، مظفریان)

پلاوته‌نووری: گیاهی است که در ایرانخواه

(ایران‌شاه سابق) به این نام خوانده می‌شود. (مو)

پلپین: خرفه. «په‌لپینه». (مو)

پلپینه: خرفه. «په‌لپینه». (مو، جفکر، او)

پلپینه: خرفه، پریهن. «په‌لپینه». (مو، او)

پله‌سو: گلپر. «سۆلان». (مه)

پنگ: پونه، پودنه. «پونگه». (او، هه، مو)

پنگه: پونه، پودنه. «پونگه». (مو، او، هه)

پنگه ریحانه: اسطوخودس قرمز. (مه)

پنگه کیسه‌له: فراسیون سیاه. (مه)

پۆپه‌که‌له‌شیر: گیاهی است که به صورت

پختنی آن را می‌خورند. (رو، که)

پۆپه‌که‌له‌شیرانه: گیاهی است از

رستنی‌های کردستان.

محل رویش - که‌رجق، هه‌شه‌میز، میانه... نگا:

پۆپه‌که‌له‌شیر. (مو)

پۆپه‌که‌له‌شیر: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که بعضی آن را (گل تاج خروس)

می‌نامند. این گیاه را در روستاهای میانه و

حه‌سه‌ناوای سنه «پۆپه‌که‌له‌شیر» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: میانه، حه‌سه‌ناوای سنه،

که‌رجق، هه‌شه‌میز، پالنگان. نگا: پۆپه‌که‌له‌شیر.

(مو، هه)

پوتیته: سیب‌زمینی. «سیتفه‌زه‌مین». (هه)

پورناشوکه: بادآورد. (مه)

پورنایشه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان. «پورنایش». (مو)

پورنایشی: گیاهی است در خورخوره سقر

به این نام نامیده می‌شود. در خورخوره آن را

مشاهده نمودم. نگا: پورنایشه. (مو)

پوزپنج: نگا: بناوه‌تۆم

پۆلک: یکجور خار است. (او)

پولکه: *Vicia*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در

خیلی جاها می‌روید و دارای چند نوع است،

گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: خورخوزی سه‌تقز، زه‌شنه‌ش. (مو) پولگ: باقلا. نگا: باقله. (ابرا) پوله‌که‌یی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

پونگ: پونه، پودنه. «پوونگه، پولگه». (ار، مو) پونگه - پوونگه: *mentha*

پونه، پودنه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق و گویش‌های مختلف با نام‌های زیر آن را می‌خوانند و می‌شناسند: «پووله، پوونگه، پنگ، پنگه، پونگ، پونگه، پوونینگ، پویننه، پوونینه، پوینه، پویننه، پونه، پوودینه، پوونگ، پوونه، پینه».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کۆله‌ساره، ده‌رویان خواروو، قوروه، که‌که‌وسان، ثاویره، ثاریز، ثاره‌نان، نه‌وه‌زه، گلیه، زه‌شنه‌ش، به‌ته‌ن هه‌شه‌میژ، ته‌کیه، ژیارو، هه‌ورامان. (مو، من، او، هه، دا، رو، ابراه، که)

پونگه: *mentha longifolia*

نوعی پونه است که در جاهای زیادی در کردستان می‌روید از جمله رشنش، میانه، اویهنگ (همان که ظاهر ضعیف و لاغری دارد). (مو، معر)

پونه: *mentha longifolia*

پونه. گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در کنار جویبارهای کلیه نقاط استان پراکندگی دارد. (معص)

پونه: پونه. نگا: پولگه

پونه: گیاهی است که در روستای کۆله‌ساره و قروه به این نام خوانده می‌شود. نگا: پونگه. (مو)

گیاهی است بهاری که بارو برش مانند باقلی است ولی کمی ریزتر از آن. این کلمه در فرهنگ وهبی و مه‌باد یعنی نخود بیابانی است و در فرهنگ هه‌بیانه بۆرینه یعنی خلر «گاگز، گاگروس» می‌باشد. (مو، مظ، معر، هه، او)

پولکه چهوره: گیاهی است.

محل رویش - در خورخوزی سه‌تقز آن را مشاهده نمودم. نگا: په‌په‌چه‌وره. (مو)

پولکه حۆله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در داخل مزارع می‌روید شبیه باقلا است. «وه‌کو باقله وایه» کسی آن را بخورد گیج می‌شود. به کردی «حۆل نه‌بی».

اهالی روستای میانه واقع در دامنه کوزه میانه نیز این گیاه را «پولکه حۆله» گویند. (گز، رو، مو) پولکه خاتونی: نوعی از گیاه «پولکه» است که در زونج به این نام خوانده می‌شود. (مو) پولکه خاسه: نوعی از گیاه «پولکه» است که در روستای میانه به این نام خوانده می‌شود و در کوزه میانه می‌روید. (مو)

پولکه خوه‌شه: نوعی از گیاه «پولکه» است که در روستای زونج از توابع سنتنج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

پولکه زه‌شه: گیاهی است که در داخل مزرعه‌ها و گندم و غیره می‌روید. مانند ماش سیاه است ولی کمی پهن است. طعم آن تلخ است خوردن کال آن آدم را گیج می‌کند. (گز، رو) پولکه گامیشه: نوعی از گیاه «پولکه» است. (مو)

پولکه گنجانه: نوعی از گیاه پولکه است که در زونج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

پولکه مارانه: *Plisum sativum*

پونه زَیویی: نوعی پونه است. (مو)

پوینه: گیاهی است که در روستای نیه از توابع کامیاران و در روستای ژوار از توابع هورامان، به این نام خوانده می شود. نگا: پوئگه. (مو)

پوینه چهرمه: گیاهی است. «پوئگه سپی». (مو)

پوینه: گیاهی است که در روستای ته کیه از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: پوئگه. (مو)

پوینه: پونه، نگا: پوئگه. (مو)

پوینه هه رانه: نوعی پونه است. نگا: خه پوون. (مو)

پووار: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان که در خورخوزه و مه لکشان به این نام خوانده می شود ۲- درخت لخت از برگ. (مو، ابرا)

پسووار داسک دار: گیاهی است که در روستای زه نان به این نام خوانده می شود. (مو)

پوودینه: پونه. نگا: پوئگه. (رو، که)

پووزل: گیاهی است با برگهای پهن و درشت که برای بستن شکستگی استخوان و گاهی زخم به کار می رود. (کرمانشاهی)

پووزل: گیاهی است. نگا: پیوزل. (مو)

پووش عه نته ر: چوبک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای تا، به این نام خوانده می شود. در فارسی آن را چوبک ایرانی می گویند. نگا: سه ونچک. (مو)

پووش کووره: گیاهی است. نگا: گول هه تگ. (مو)

پووش نه وروز: گیاهی است که در خواشت به این نام نامیده می شود. نگا:

سه ونچک. (مو)

پووشه تووتانه: گیاهی است از رستنی های کردستان. «پوشه سه گانه». (مو)

پووشه سووره: *Artemisia aucheri* درمنه کوهی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای نه وپه نگ از توابع سنندج، به این نام خوانده می شود. ساقه های آن به رنگ قهوه ای قرمز است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: چل چهمه، له بهینی ناوایی وتره زه ویی و نه وپه نگ دا (پس جاده)، ره شنهش، نه وپه نگ. (مؤلف)

پووشه سووره: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها از جمله روستای گهلین از توابع سنندج آن را به این نام می خوانند. «گیاخوین بهس، بته سووره». (مو) پووشه که وه: گیاهی است که در روستای گهلین به این نام خوانده می شود و در روستاهای هه شه میز، هویه، سه رهویه آن را «گول نه رخوان» گویند. (مو)

پووشه گوگرده: در روستای تا و بعضی جاهای دیگر این کلمه را به نوعی «بوژانه» گویند و بعلاوه آن را «بو مارانه» نیز گویند. این گیاه همان چوپان کبریتی است که ترکها آن را (چوپان کبریکی) گویند. نگا: بوژانه. (مو)

پووشینه مارانه: گیاهی است از رستنی های کردستان از جمله در کوه آربابا در بانه رویش دارد، از لحاظ برگها شبیه «کاله که مارانه» است. گیاهی است رونده و تا حدود ۱/۵ متر می رود. (مو)

پوونک: پونه، پودنه. نگا: پوونگه. (ابرا)

پوونگه زَیویی: گیاهی است، نوعی پونه

است. «که زه پنگ». بعضی آن را نعناع
صحرائی نامیده اند. (مو، دا)

پوونگه سپیی: گیاهی است. «پوینه چه رمه»
پوونگه کیفیله: پونه کوهی، پودنه کوهی.
(مو، او)

پوونه: گیاهی است که در بعضی جاها از
جمله زه نان و مه لکشان به این نام خوانده
می شود. نگا: پونگه. (مو)

پووینه: پونه، پودنه. نگا: پونگه. (ابرا)
په پکه چه وره: پنیرک، گیاهی است که در
کوله ساره و صلوات آباد سندرچ به این نام
خوانده می شود. نگا: په په چه وره. (مو)
په پکه سلیمانایی: گیاهی است. نگا:
په په چه وره. (مو)

په پکه ملیچکانه: پنیرک. گیاهی است از
رستنی های کردستان که در بعضی از روستاها
از جمله موسم ناوا از توابع سقز به این نام
خوانده می شود. نگا: په په چه وره. (مو، رو)
په پکه مولیچک: پنیرک. گیاهی است که در
بیجار به این نام خوانده می شود. نگا:
په په چه وره. (مو)

په پکه مه لوچک: نگا: په په چه وره. (مو)
په پکه مه لوچکانه: پنیرک. آن را
«په په چه وره، کولیره چه وره، توله که» هم
گویند. در قروه هم «په پکه مه لوچکانه» گویند.
نگا: په په چه وره. (مو)

په پکه مه لیچک: گیاهی است که در
روستای کزل و بعضی جاهای دیگر به این نام
خوانده می شود. نگا: په په چه وره. (مو، ابرا)
په پکه مه لیچکانه: پنیرک. نگا: په په چه وره.
(مو، رو، هه)

په پووله پایزه: گیاهی است. گل قاصد،

قاصدک.

محل رویش - وئ سر، کوزه میانه. (مو)
په پووله پایزه: قاصدک، خارهایی است که
در هنگام پائیز روی یکجور بسته ای پیدا
می شود. «پشیله پایزه». (او، هه)

په په چه وره: *malva neglecta*
پنیرک معمولی. گیاهی است از رستنی های
کردستان که در مناطق مختلف کردستان، آن
را با نام های زیر می خوانند و می شناسند:
«په په چه وره، په پکه چه وره، په پکه مولیچک،
کولیره چه وره، په پکه مه لوچک، توله که،
توله کئی، په نیره، په نیره، په پکه ملیچکانه، په پکه
مه لیچکانه، پاملوچکانه، په پکه مه لوچکانه،
په نیره، گیانانه شان، په تیزوکه، توله که، نان
حاجی لهق لهق، نانی حاجی لهق لهق، نانه
حاجی لهق لهق، تیزوکه، په پکه مه لیچک». در
تکیه و هشمیز، آن را «توله که» گویند.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را
مشاهده نمودم: کزل و دوزه غره، دهره ویان
فازس، موسم ناوا، خورخوره سقز، کوله ساره،
نشور، تهنگی سر، سرچی، نیر، نراز، تا،
دولاو، شاری هورامان، ژیار، رهنه ش،
کهرج، هه شه میز، پالنگان، عدالان، باوریزو،
سلاواوای سنه، سولتان نه حمده، شیخ
شهره تی، ته کیه، شیان، خه نان ناوا، به ورو
په ریشان، مه یهم، وهلی ناوا، دهره قووله،
مسیره دئی، پیروه مهران، جاده سریناو -
تنگی سر، دهستان پنجه علی قروه، بین کرانی و
شهرک، روستای چالاب، قزلبلاغ، سرشیوی
میریوان، بلجه سوور، زوانسر، پاوه، جوانزق،
زونج، میانه، کانی سه بی، کانی زان واقع در کوه
شاهق، (در جلو این چشمه این گیاه می روید)،

دامنه شافو نزدیک روستای لونی سادات،
بیجار * این گیاه را مقوی مغز دانسته و برای
درمان مرض قند هم مفید می دانند. (مو، هه،
رو، گژ، او، دا، معر، که)

په تاته: سیب زمینی. «سیفه زه مینه، پاکه پاکه».
نگا: سیفه زه مینه. (رو، هه، او، گژ، ابرا، که)

په ږیسه: گیاهی است که در ژبواری به این
نام خوانده می شود. (مو)

په ږه ږک: نیلوفر. (هه)

په ږپینه: خرفه. نگا: په لپینه. (مو)

په ږپینه: خرفه. گیاهی است که در میان
سبزه زارها می روید و مانند سبزی، آن را
داخل برخی از پختنی ها می ریزند و
می خورند. «په لپینه، ږږه». (هه، او، رو)

په ږسیاوش: پرسیاوش. نگا: قه یته ران. (ابرا، مو)

په ږسیاوه حش: پرسیاوشان. «قه یته ران».

(مو)

په ږشت: Secale

چاودار گندمی، نوعی غله گندم مانند است،
جو برهنه، برهنه جو. در کردی آن را

«په ږشت، په ږش، په ږشه، په ږشت، په ږش»
گویند. در بعضی از مناطق کردستان از آن

مانند برنج، پلو درست می کنند که خیلی
خوشمزه است * چاودار مولد خلط صالح

است، مطبوخ آن با شیر چاق کننده بدن و
ضماد آن محلل اورام است. آرد چاودار دارای

۶۰ درصد نشاسته، ۱/۵ درصد مواد چربی
است و دارای فسفر، پتاسیم، سیلیس، آهن و

مس می باشد. (جنگر، صا، مو، ابرا، من، او،
هه، رو، که)

په ږشه: ۱- چاودار گندمی. در بعضی از
مناطق کردستان کشت می شود. نگا: په ږشت.

۲- آنچه که از غله یخته دور ریزند. (او، مو، هه)

په رمیشک: گیاهی است. «په رمیشکه». (مو)

په رمیشکه: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در مناطق مختلف آن را با

نمک های زیر می نامند و می شناسند:
«په رمیشکه، په رنیشه، په رمیشکه، نوسنه ک،

حه شه گیره، نووسه که، په رمیشکه، نوسنه که،
په رنیشک، په رنیشک، په رنیشک، په رنیشکه،

نووسه ک، په رنیشکه. گیاهی است خاردار که
اگر خار آن به پوشاک و لباس به چسبید به

دشواری می توان آن را جدا کرد. در بعضی
منابع فارسی آن را سنگک و اجژه نامیده اند.

محل رویش - تقریباً در همه جا - در
محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم:

ره شنه ش، نه وپه نگ، میژو، نیه، نواز،
خوزخوزه، میانه و... (مو، رو، هه، او، که)

په رمیشکه: گیاهی است که در روستای
میژو (محراب) از توابع کامیاران به این نام

خوانده می شود. نگا: په رمیشکه

په رمیشک: نگا: په رمیشکه

په رنیشه: گیاهی است که در روستای
نه وپه نگ به این نام خوانده می شود و در

روستای ره شنه ش آن را «په رمیشکه» گویند.
نگا: په رمیشکه. (مو)

په رپیلیک: (دیل): خرفه. گیاهی است از
رده جدا گلبرگها که خودرو و دارای ساقه های

سرخ است و روی زمین می خوابد * تخم
آن در پزشکی به کار می رود و برای سنگ

کلیه مفید است. (علیر)

په ږه که و: گیاهی است از رستنی های
کردستان، دانه دارد مثل نخود در غلاف. آن را
در کوسالان، مشاهده نمودم. (مو)

په‌ره‌میشکه: نگا: په‌رمیشکه

په‌ره‌نشك: نگا: په‌رمیشکه

په‌ره‌نیشك: نگا: په‌رمیشکه

په‌ره‌نییشك: نگا: په‌رمیشکه

په‌ری‌ره‌ش: ۱- یک جور گندم است

۲-هریمن. (او)

په‌زی‌سیاوشان: *Adiantum*

گیاهی است. نگا: قه‌یته‌ران

په‌زه‌شکه: گیاهی است، دوزه. نگا:

په‌رمیشکه. (هه)

په‌زکوژ - گاوگورال: *Agve legora*

گیاهی از رستنی‌های کردستان که در پاوه و

جوانرود به این نام خوانده می‌شود، چون

این گیاه حیوانات را مسموم کرده سبب

نابینایی موقت آنها می‌گردد. (دا)

په‌زه‌یشکه: گیاهی است. «په‌رمیشکه،

په‌زه‌شکه، نوسه‌که». (هه). نگا: په‌رمیشکه

په‌فك: گیاهی است که پیاز آن خوردنی

است. آن را «پیفوك، کیفوك» هم گویند. نگا:

پیفوك. (او، هه)

په‌قه‌قوشك: گیاهی است که در بعضی

فرهنگها چنین تعریف شده است: «گیاه‌که،

به‌ره‌که‌ی له تروکانلندا ته‌قه‌ی دئی»

په‌قه‌په‌قوژك: گیاهی است. «گیاه‌که». (هه)

په‌لپوونه: خرفه * این گیاه را در طب سنتی

کر مگش می‌دانند. نگا: په‌لپینه. (مو)

په‌لپین: خرفه. نگا: په‌لپینه

په‌لپین: خرفه، گیاه خرفه. گیاهی است که در

ژیوار به این نام خوانده می‌شود. نگا: په‌لپینه.

(مو، هه، او)

په‌لپینه: خرفه، گیاه خرفه. پَر پهن. نگا: په‌لپینه.

(مو، او)

په‌لپینه - په‌لپینه: *Portulaca oleracea*

خرفه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که

در خیلی جاها پراکنش دارد و در هه‌ورامان،

به این نام خوانده می‌شود. در مناطق مختلف

کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند:

«په‌لپینه، په‌لپین، په‌لپینه، په‌لین، پلپین،

پرپره، په‌لپوونه، پلپینه، په‌زپینه، پزپزه،

پرپلیک، پارپار، پلپین». این گیاه را در عربی،

بقلة الحمقى و رجله گویند. در ته‌کیه و

هه‌شه‌میز و هه‌ورامان: «په‌لپینه» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را

مشاهده نمودم: هه‌ورامان، ژیار، ته‌کیه،

هه‌شه‌میز. (مو). لوژی: پرپلیک. له‌کی: پرپلیک،

پیرپلیک. (مو، رو، هه، او، گز، دا)

په‌لک - په‌لک: *Populus euphratica*

پده. درختی است از رستنی‌های کردستان که

در کنار نهرها و رودخانه‌ها دیده می‌شود و

غالباً در خیابانها و پارکها پرورش داده شده

است. این درخت که حدود ۱۵ متر ارتفاع

دارد در مریوان و ستن‌دج «په‌لک» نامیده

می‌شود و در بعضی جاها آن را «دارجه‌وه‌ره»

گویند. در ایلام آن را «په‌لک» و در جاهای

دیگر آن را «جه‌وه‌ره، زه‌رگوز، سووره چنار»

می‌نامند.

محل رویش - این درخت را در محل‌های زیر

مشاهده نمودم: تنگی‌سر، میانه، رشنش،

سردشت، مریوان، پاوه. علاوه بر کردستان در

محل‌های زیر هم می‌روید: تبریز، مرنند،

لرستان، ایلام. (مو، او، هه، ثابتی صص ۴۷،

۵۳۶، ۵۳۷، مظ، که)

په‌لکه شیرینه: شیرین بیان. (مه)

په‌لوش: ۱- یکجور رستنی زرد رنگ بلند

په له سوور - په له سووره:

Andropogon nardus (olivieri)

گورگياه، كاه مكی، سنبل هندی. گياهی است كه در بیشتر نقاط كردستان می روید و بوی شبیه لیمو دارد. در منبع دیگر (نادر) نوشته شده كه گياهی است شبیه جو و حدود ۷۰ سانتی متر ارتفاع دارد و آن را در كردستان «تومام، تمام، سفون» گويند * جوشانده این گياه برای دفع حشرات موزی و كك در محل زندگی حیوانات استفاده می شود. ابوعلی سینا می گوید: كوبیده این گياه با برگ گردو، درمان قطعی خونریزی خارجی است كه مخلوط آندو را بر محل خونریزی میگذارند. در چناره و باخان مریوان از جوشانده این گياه و غلیظ كردن شیرۀ آن نوعی پماد ضد زخم تهیه می کنند كه برای مارگزیدگی هم آن را بكار می برند. (امینی، نادر)

په له سووره: نگا: په له سوور

Chaerophyllum macropodium په له شوانه:

جعفری فرنگی كوهستانی. گياهی است از رستنی های كردستان كه تعداد زیادی از اهالی روستاهای كردستان، آن را «په له شوانه» می گويند و نام های دیگر آن: «به ناشوانه، به له شوانه، به ناشوانانه» است.

محل رویش - در بیشتر جاها می روید. در محل های زیر این گياه را مشاهده نمودم: گردنه ماموخ، گردنه صلوات آباد، شیشه زئی، رشنش، آیدر، آریز، آرندان، هه والآن، سلطان احمد، كهل هه مرق، جاده سربناو - تنگی سر، قروه، دهگلان، جاده سنندج - كره سی - هشمیز، جاده كلكان - بست، چهل چشمه، سرشیو سقز، خورخوره سقز، ریگی میره دی

بالا مانند درختهای كوچك كه همانند دم گاو می باشد و برای سوخت و سوزاندن به كار می رود. ۲- گياهی است كه از ساقه آن پوده سازند ۳- گون، گياه گون ۴- در فرهنگ وهبی يكجور بوته خار است ۵- در بعضی جاها این واژه را برای نوعی گل ماهور «گاذمه» به كار می برند كه بزرگ است و شبیه يك درختچه است. (مؤلف). (او، رو، هه، ایرا، مو، كه) په لوشه - په لوشه - په لوشه: نگا: په لوش په لوک: گياهی است كه بیخش خوردنی است. نگا: ئاله كوك. (هه)

په لووک باغی: گياهی است. نگا: سینه رد. (مو)

په له بی: نوعی بید است

Acanthus dioscoridus په له پسه:

پای خرس. گياهی است از رستنی های كردستان كه در روستاهای خواشت و پالنگان و بعضی از روستاهای هورامان به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گياه را مشاهده نمودم: خواشت، تنگی وهر، دووژق، گهرده نهی خان، قولقولهی میره دی، سرشیوی مریوان، پاوه. (مو، مظ)

په له پسې - په له پسې: نگا: په له پسه. (مو)

په له چناره: گياهی است علفی. (مو)

په له خ: گياهی است. (هه)

په له خو شه - په له خواهه: گياهی است علفی. (مو)

په له خواهه: گياهی است علفی. (مو)

په له زئی: زنبه، گل زنبه. گلی است سفید كه برگهایش دراز و خوشبو میباشد، آن را به زبان عربی برده و بصورت زنبق درآورده اند. (ار)

په‌له‌وشه: گیاهی است که در روستای حسین‌آباد کنگره از توابع شهرستان قروه، به این نام خوانده می‌شود. «کاسه شوره»

په‌له‌وه‌شه: گیاهی است که در روستای نیر به این نام خوانده می‌شود. «لیقه شزه». (مو)
په‌لی سیاوشان: گیاهی است که آن را: «ته‌یتران، په‌لی سیاوشان، چه‌مه سیاوله» نیز گویند. نگا: ته‌یتران. (مو، هه)

په‌لی سیاوه‌شان: گیاهی است. نگا: ته‌یتران. (مو)

په‌م: پنبه. نگا: په‌موو

په‌مبو: پنبه. نگا: په‌موو

په‌مبه: پنبه. نگا: په‌موو

په‌مبی: (زا): پنبه. نگا: په‌موو. (ابرا)

په‌مبی لوک: گیاهی است. (هه)

په‌مگا: پنبه. نگا: په‌موو

په‌مله: *Centaurea*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بسیاری از ارتفاعات می‌روید. «گزیلکه سره». (مو، معر)

په‌مو: پنبه. نگا: په‌موو

په‌موو: *Gossypium herbaceum*

پنبه، پنبه معمولی. گیاهی است که در کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «په‌مو، په‌موو، په‌م، په‌مه، په‌مبه، په‌مبی، په‌مگا، په‌مبو، په‌نبو، وزه، په‌نبی، گیای لووکه، لوکه، په‌مو». البته خود پنبه‌ای که از این گیاه تولید می‌شود با بعضی از نام‌های فوق‌الذکر خوانده می‌شود. دئی‌لوزانی: په‌مه. (مو، هه، او، دا، مت کرمانشاهی، علیر، گز، ابرا، که)

په‌مه: پنبه. نگا: په‌موو

- پیرعومهران، نه‌که‌روز، پیرعومهران، قولقوله‌ی میوه‌دئی، ژالانه، ایستگاه تحقیقات کشاورزی خرکه، فطره زمین، اویهنک، گهلین، خانه‌گای گهلین، که‌وله، جاده‌که‌وله - کۆل، کۆل و دوزه‌غره، ریگه‌ی بانه - سقر، جاده بانه - سردشت، قلعه حسن‌آباد، دادانه، کانی مشکان، کیلانه، هه‌شه‌میز، جاده کرانی - شهرک، په‌نجه عه‌لی قوروه، حه‌سه‌ین ئاوا‌ی که‌نگره، دهره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، حسن‌آباد سنندج، جاده بیجار - تکاب، جاده کرانی - بیجار، گلپه، چه‌م دهره زه‌نجیر، خواشت، ته‌نگی‌وهر، شاره‌ک، دوشان، شاقو، ئاویه‌ر، سه‌رشوی مریوان، زیگه‌ی سه‌قو - مریوان، ته‌ته، خه‌رکه، قه‌له‌بەرد، بلچه‌سور، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، هویه، سه‌رهویه، ژوانسه‌ر، جوانزۆ، پاوه، نه‌وه‌زه، موچه‌ش، زیگه‌ی موچه‌ش - دئی‌گولان، تاینه. در اطراف چهل چشمه این گیاه را اندازه گرفتیم حدود ۲ متر و ۳۲ سانتی‌متر ارتفاع داشت. این گیاه هم بطور خام و هم بطور پختنی قابل خوردن است. (مو)

په‌له‌ك باغی: *Helianthus tuberosus*

سیب‌زمینی ترشی. گیاهی است پرورشی که در بسیاری از مناطق کردستان کاشته می‌شود و در بیجار آن را «په‌له‌ك باغی - په‌لووک باغی» و در غالب مناطق کردستان، آن را «سپی‌ن‌ه‌رد، سپی‌ن‌ه‌رد، سیوی بن‌ه‌رز» گویند. در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: حیاط اداره ثبت احوال بیجار، روستای رشنش، روستای میانه. (مو، معر، مظ)

په‌له‌که‌رگ: بسفایج. «قژی که‌نیشک، باوه‌شین». (دا، رو)

پهنبو: پنبه. نگا: په موو

پهنبی: پنبه. نگا: په موو

پهنجوله ژهن: *Anastatica hierochuntica*

چنگ مریم، کف مریم، گیاهی است. مظفریان آن را (چنگ مریم) نامیده است.

نگا: گیا په نجه. (دا، مظ)

په نجه دال: گیاهی است. «گوله نارام». (نادر)

په نجه روځ: گیاهی است. «په نجه رويسك». (هه)

په نجه رويسك: گیاهی است. نگا: په نجه روځ

په نجه مر: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در قلعه حسن آباد می روید و

اهالی روستای حسن آباد واقع در ۵ کم

سندج آن را «په نجه مر» گویند. (مو)

په نجه مریه م: گیاه بخور مریم، گیاهی است

که برای دارو بکار آید. (هه)

په نجه مریه می: گیاهی است از رستنی های

کردستان. (مو)

په نجه ی مریه م: گیاهی است شبیه پنجه

دست، گیاهی است مانند انگستان دست.

(رو، او، که)

په نر شکه: دوزه، سرواله، (خاری است که به

جامه و گیوه می چسبد). نگا: په رمیشکه. (او)

په نر شك: گیاهی است که آن را «په رمیشکه،

په نریشکه، پنریشك، پریشك، نووسه که،

نووسه ته که» گویند. نگا: په رمیشکه. (مو)

په نریشکه: نگا: په رمیشکه

په نریشکه: گیاهی است از رستنی های

کردستان. در اغلب مزارع می روید و آن را با

نام های زیر می نامند: «په نریشکه، گیای

په نریشکه، نووسه که، په نه زیشك، په نه رشکه،

په نه زیشکه، په نه رشکه، په رمیشکه». گل این گیاه

تبدیل به خاری می شود که هرکس یا هر

حیوانی از کنار او عبور کند به کفش و لباس و

پشم او می چسبد و به سختی می توان آن را جدا کرد.

نگا: په رمیشکه. (مو، هه، رو، گز، که)

په نه زیشك: گیاهی است. «په رمیشکه،

په نریشکه». (گز)

په نه زیشك: گیاهی است که در منطقه

خورخوره سقز به این نام خوانده می شود.

«په رمیشکه، په نه زیشك». (مو)

په نه رشکه: گیاهی است. «په رمیشکه». (رو)

په نر شك: گیاهی است. «په رمیشکه،

په نریشکه». (هه)

په نر شکه: گیاهی است. «په رمیشکه،

په نریشکه، نووسه که». (مو)

په نر وکه: پنیرک. از گیاهان دارویی است. در

گیلکی، لاسگردی و سمنانی آن را (پنیرک)

گویند. نگا: په په چه وره. (او، رو)

په نر وکه - په نیر وکه: پنیرک. گیاهی است

دارویی. «په په چه وره، په نر وکه». (او، هه، رو)

په نر: پنیرک. «په په چه وره، په پکه

مه لیچکانه، په نیره» * ده گرم از گل و برگ آن

را مثل چایی در یک لیوان آب دم کنید و آن

را از صافی بگذرانید و آب آن را بخورید و

تفاله آن را روی مthane بگذارید برای درمان

تقطیر البول «گمیزه چورتکی» مفید خواهد

بود. دم کرده این گیاه ملین طبع، مدر بول و

رابع و مفتاح سده است. ضماد آن جهت

شکستگی اعضا مفید است. معنی دیگر این

کلمه: دانه ای که شیرهاش مانند پنیر شده

باشد، دانه غله نیم رسیده. (مو، رو، من، ص

۲۲، او)

په نیره: پنیرک. «په په چه وره». (هه، مو)

په یز شك: نوعی خار است. «په رمیشکه،

په‌ره‌نیشک». (رو)

په‌ی‌زل: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در خیلی جاها از جمله مریوان می‌روید. (مو)

Tribulus

په‌یکۆل:

خارخسک، سه‌کوهک. خاری است سه‌پهلوی، گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در گویشهای کردی آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «په‌یکۆل، پی‌یکۆل، په‌یکۆل، دزه‌سووجه، قونج‌که، کونج‌ه، په‌یکۆله، په‌یکۆلن، پی‌یکۆل، پی‌یکۆله». دهلرانی: په‌یکۆل.

محل رویش - در غالب دشتهای مناطق کردنشین کشور می‌روید و مؤلف آن را مشاهده نموده است از جمله در محل‌های زیر: گلیه، نواز، پالنگان، هورامان، میانه، ره‌شنه‌ش، بانه، مریوان، کامیاران، بیجار، قروه * در طب سنتی: ثمر این گیاه را در آب می‌جوشانند و آب آن را برای درمان و دفع شن و سنگ کلیه می‌خورند. (مو، هه، او، علیر، مظ، رو، گۆ)

په‌یکۆل: خارخسک. بعضی، نام این گیاه را در فارسی (خار مغیلان) نوشته‌اند،

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور نگا: په‌یکۆل. (مو، رو، گۆ، هه، که)

په‌یکۆل: (دیلد): خار خسک. نگا: په‌یکۆل. (علیر)

په‌یکۆل: خار خسک. گیاهی است که در روستای نواز از توابع کامیاران به این نام خوانده می‌شود. نگا: په‌یکۆل. (مو)

په‌یکۆله: خار خسک. نگا: په‌یکۆل. (او، مو)

په‌یکۆل: خار خسک. گیاهی است. نگا: په‌یکۆل. (مو)

په‌ی‌نومه: (دیلد): گیاهی است که دارای تر و ماده است. نرینه آن ساقه‌اش بلند است و با این تفاوت که پوست آن سیاه‌رنگ است آن را می‌پزند و خالی یا با کره می‌خورند. این گیاه به علت مواد غذایی فراوانی که دارد می‌توان در هنگام گرسنگی تا چند روز از آن خورد. (علیر)

Allium cepa

پیاز:

پیاز، پیاز معمولی، پیاز باغی. گیاهی است که اغلب کشاورزان منطقه کردستان آن را برای استفاده خانگی و شخصی و گاهی برای فروش، پرورش می‌دهند. پیاز را در کردستان با نام‌های زیر: می‌نامند: «پیاز، پیواز، پیقاز». در گویش له‌کی نیز (پیاز) گویند. «خواردنی پیاز هیزی پیاوته‌ی زۆر نه‌کا، خوین پاک نه‌کاته‌وه، یسارمه‌تی فه‌رمانی دل نه‌دات، یارمه‌تی هه‌رسی خواردمه‌نی نه‌دات، هیزی میشک و بینایی چاو فره نه‌کا. ناوی پیازی سپی به میلی چاوژشتن بهینری به چاوا زاخاوی به‌لخی چاو نه‌داته‌وه». (هه، گۆ، مو، او، له‌ک، رو، که)

پیاز باخی: پیاز معمولی، پیاز باغی، پیاز پرورشی. نگا: پیاز. (مو)

پیاز خوگانه: ۱- نوعی پیاز کوهی که غیر قابل خوردن است ۲- نوعی موسیر. (کرمانشاهی)

پیازخوگانه: گیاهی است که آن را «پیازه مشکانه، پیازی ده‌شته‌کی، سه‌لکی کاردوو» هم می‌گویند. در عربی آن را (عنصل، بصل الفار) گویند. (رو)

و اگر آن را بگذارید می ایستد * در طب سنتی پیاز این گیاه را بصورت تازه و خام روی دمل و زخم اعضاء انسان یا حیوان می گذارند و دمل و زخم سریعاً سر را می کند. در بعضی جاها از جمله خورخوره و مولانا باد سقز پیازه این گیاه را کمی می پزند و یا در زیر خاکستر گرم می گذارند تا کمی بصورت کباب برشته شود و سپس آن را در حالیکه هنوز سرد نشده باشد روی زخمهای بدن انسان یا اعضای حیوان به جهت بهبود یافتن قرار می دهند. مظفریان آن را تمشکین برگ آبی نامیده است. (مو، معر)

پیازه خووگانه: *Ungernia flava*

گرمینه زرد، پیاز کوهی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای سالیان، گهلین، دهره کهوله آن را «پیازه خووگانه» و در روستای صلوات آباد سنجندج آن را «گیاشه لاخته» گویند. در روستای زونج، آن را «پیازه مارانه» گویند. در کوچک چنار تاینه هم می روید و در ثاویره گهره، قهقهه مان و نایی سر، سولتان نه حمده و ره شنهش نیز رویش فراوانی دارد. این گیاه دارای پیاز بزرگ و کله قندی شکل است. پیاز آن را توزین نمودم حدود ۱۰۰ گرم بیشتر وزن داشت.

دارای ریشه های متعدد و برگ های زیاد است. (مو)

پیازه خووان: گیاهی است از رستنی های کردستان در منطقه خورخوره با نام فوق خوانده می شود. نگا: پیازه خووگانه. (مو)

پیازه خووانه: نگا: پیازه خووگانه. (مو)

پیازه خویانه: نگا: پیازه خووگانه. (مو)

پیازه خیوانه: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. نگا: پیازه خووگانه. (مو)

پیازه جنانه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای هه ورامان به نوعی از سیر می گویند که برگهایش شبیه برگ پیاز است. «پیاز مار». (مو)

پیازه خووگان: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله خورخوره به این نام خوانده می شود. «پیازه خووگانه، پیازه خووان». (مو)

پیازه خووگانه: *Bellevallia glauca*
= *muscarl glaucum*

تمشکین برگ آبی. گونه معروف پیازه خووگانه (تمشکین) است که در اغلب کوهها و مناطق کردستان می روید و آن را در مناطق و گویشهای کردستان با نام های زیر می خوانند و می شناسند: «پیازه خووانه، پیازه خوگانه، پیازه خویانه، پیازه خووان، پیازه خووگان، پیازه خیوانه»

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خورخوره، مه ولاناوا، کانی سه بی، کوسالان، ریگهی بیجار - تکاب، دۆله زهش مابین دۆل، کهوله - کۆل، کۆل و دوزه غره، ده ویشان، چل چه مه، بست، بناوچان، زونج، باقلاوای شیخ حسین، شیخ شهربتی، سولتان نه حمده، سلواتاوا سنه، کۆرکۆره، نه که رۆز، پیرعومرهان، قوتقوله ی میره دئی، نیه، تهنگی سر، ره شنهش، قه لای حه سه ناوا، ثاویره، ثاریز، گهلین، خانه گای گهلین، کوچک چنار، وه زهرا، دزلی، گازان، باخان. این گیاه را در محل های زیر، «پیازه خووگانه» می نامند: شیخ شهربتی، باقلاوای شیخ حسین، ره شنهش، گهلین، خانه گای گهلین، بست، زه نان، که بیگار. این گیاه دارای پیازه بزرگ است و ته پیاز مثل ته گلدان است

است دائمی، علفی پیازدار و در مناطق جنوبی ایران (خوزستان و فارس) می‌روید و معمولاً در جنگلهای بلوط و گاهی قبرستانها می‌روید و با پیاز بسیار درشت خود کاملاً مشخص است.

پیازه مووشانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

پیازۆك: *Allium schoenoprasum*

پیاز کوهی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در ارتفاعات بالای کوهستانی و در جاهای مرطوب و جلو چشمه‌ها می‌روید. پیازه این گیاه مانند پیاز معمولی نیست بلکه شبیه گونه‌ای سیر است که دارای پیازهای متعدد و کوچک است. این گیاه را در روستای بست واقع در دامنه کوه چهل چشمه، در خورخوره سقز و در کۆل و دوزه‌غره «پیازۆك» می‌نامند. در بانه «پیازۆك» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوه چهل چشمه نرسیده به چشمه معروف «کائی چاوزه‌ش»، چهل چشمه نزدیک آبشار، خورخوزه‌ی سه‌قر، نه‌که‌رۆز، پیره‌مه‌ران، کۆل و دوزه‌غره. در کردستان از این پیاز کوهی برای تهیه نوعی خوراک محلی بنام «که‌لانه» استفاده می‌کنند. (مو، مظ)

پیازۆكه: گیاهی است کوهستانی، پیاز کوهی. (رو، او، هه)

پیپازه: گیاهی است که برگهایش مانند پای از هم باز شده است و یا مثل پای باز شکاری است. (او، هه، رو، که)

پیهر - پیپهر: *فلفل*، *فلفل*، *فلفل* فرنگی. نگا:

پیازه کیفیله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را اولین بار در کوه «وه‌زه‌را» از ارتفاعات روستای ده‌ره‌کئی مشاهده نمودم، این گیاه شبیه گونه سیرکوهی است که برگهایش شبیه برگ پیاز است ولی کوتاه‌تر از آن و حدود ۳۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد. این گیاه را تحویل مرکز تحقیقات منابع طبیعی دادم که آن را کشت کنند. در محل‌های زیر هم این گیاه را مشاهده نمودم: باخان، به‌ردی سپی، سولتان نه‌حمه، ده‌والآن. (مو)

پیازه مارانه: ۱- عده‌ای از اهالی روستای زونج، این نام را به گیاه گرمینه زرد گویند ۲- در بعضی جاها آن را به گیاه «پیازۆك» می‌گویند ۳- در کتاب رووه‌ك آمده است که پیازه مارانه، گیاهی است که پیازش مدر است، برای قلب مفید است و در دامنه کوه‌های هولیر و آمیدی و رواندز به فراوانی می‌روید ۴- در روستای ژیسوار از توابع هه‌ورامان، پیازه مارانه را به نوعی سیر می‌گویند که برگهایش شبیه برگ پیاز است و در بعضی دیگر از روستاهای هه‌ورامان، آن را «پیازه ماره» گویند. (مو، رو)

پیازه ماره: *Allium*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود، نوعی سیرکوهی است که برگهایش شبیه برگ پیاز است. (مو)

پیازه مشکانه: *Urginea maritima*

عنصل: در عربی (بصل العنصل) گویند. (رو). پیاز کوهی (هه). مظفریان این گیاه را (عنصل) نامیده و می‌نویسد که این جنس در ایران یک گونه فوق‌الذکر را دارد که گیاهی

می کنند و پس از چرب کردن با کره حیوانی آن را میخوردند * این گیاه قند خون را پایین می آورد. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: که که وسان، دهره وین خواروو، چل چه مه، کوزه میانه، کوسالان، سولتان نه حمده، ته کیه، پالنگان، شاهق، در دالاهو و گوئیه نیز می روید. رووهک، نام عربی این گیاه را (بصل الذئب) و نام انگلیسی آن را (seno prazo) نوشته است. (مو، رو، گز، نادر، هه، او، من، که)

پیچک: *Allium erlophyllum*
گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر می روید: کرمانشاه، کرد غرب، خسروی، پاتاق، سرپل ذهاب، اسلام آباد غرب، گیلانغرب، پساوه، قصر شیرین، دالاهو. (معص)

پیچک دالاهو: نوعی گیاه با ریشه غده ای که در کوه های دالاهو بسیار می روید. نگا: پیچک. (کرمانشاهی)

پیچکه: این گیاه دو نوع است «پیچکه ژلوقه، پیچکه سوتره» هر دو نوع در کوهستانها می رویند و از هر دو یک نوع خوراک تهیه می شود که آن را در کردی «که لانه» گویند * هر دو نوع این گیاه قند خون را پایین می آورد. «پیچک، پیوچکه». (گز، مو، نادر)

پیچن - پیچن: سداب، گیاه سداب که دارویی است از رستنی های کردستان. (هه، مو)

پیچوله که: گیاهی است بهاری و خوردنی و از رستنی های کردستان، برگهایش مانند برگ کرفس است و گلهایش زرد رنگ است. خود واژه به معنی (پای گنجشک) است. بعضی آن را (علف هفت بند) می دانند. «گیایه کی

بیبار. (هه، او)

پیپنوک: نوعی خشخاش است. نگا: چاره چه قله. (هه)

پی پشيله: گیاهی است. (هه)

پیتک - پیتک: بید مجنون. «شوزه بی، شنگه بی». نگا: شوزه بی. (رو، هه، که)

پیتوکه: *Chaerophyllum crinitum*
گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای رشنش و بعضی جاهای دیگر، آن را «پی توکه» گویند. و در جاهای دیگر آن را با نام های زیر می نامند: «پیتوکه، پیتوکه، پیتوکه، ناخچه واش، ناخچه واش». این گیاه را در بعضی جاها داخل دوغبا می ریزند و می خورند و برای خوراک دام و علوفه نیز از آن استفاده می کنند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هه والان، ره شنهش، سه لواتاوی سته، سولتان نه حمده، قولقوله ی میره دئی، گهلین، خانه گای گهلین، زه نان. (مو، مظ، رو، هه، او، هه، که)

پیچ زه زله: سگ انگور، هزار افشان، برابران، شش بندان، تاک بیابانی است مانند پیچک بر درخت پیچد، میوه آن مانند خوشه انگور است. (او)

پیچک - پیچک: *Allium*

گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر هم می نامند: «پیچکه، پیچک، پیوچکه». برگهای آن سه پهلوی «سن کووزه» است و شبیه برگ خوژه، پیاز آن شبیه پیاز کنی وال است. پیاز و برگهای ترو مانند آن را هم بطور خام می خورند و هم از آن خوراک «که لانه» که بعضی آن را سنسوسه گویند، تهیه

ووردہ ہدروہڪ پڻ چولهڪ، لہ تزیك زہوی و زارہ كانا ٺہڙوئ، گہ لایہ کی شینی کالی ہدیہ، لہ سہرہ تای بہ ہارا سووری ٺہ کہ نہوہ و ٺہی خون». (گڙ، مو، او، ہہ، رو، کہ)

پیچہ - نہرمیلی: سداب، گیاهی است. نگا: پیچن. (امینی)

پیر پیلک: (لہڪ): خرفہ، گیاه خرفہ. بہ صورت (پر پیلک) ہم شاید درست باشد. نگا: پهلینہ. (مو، لہڪ)

پیر گیا - ویشن: اکیر ترکی. (دا)

پیرہ ٺانہ: گیاهی است از رستنی های کردستان کہ در بعضی جاها آن را بہ این نام میخوانند. (مو)

پیزال: گیاه بردی کہ برای درست کردن کاغذ مناسب است. نگا: پیژل. (ہہ، مو)

پیژل - پییزل: *Juncus inflexus*

سازو، سازوی شلاتی. گیاهی است از رستنی های کردستان کہ در کنار آبها و رودخانه ها می روید «گیایہ کی شینہ، بہ زوری لہ گوئی چہم و ٺاوہ کانا ٺہڙوئ». در مناطق مختلف کردستان این گیاه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «پییزل، پییزلک، پیژلک، پیزال، پیژل».

محل رویش - در محل های زیر این گیاه مشاهده نمودم: حسین ٺاوای کہنگرہ، خورخوزہی سہقز، کەرچو، دادہ نہ، کیلانہ، زہشنہش، نہ کەرۆز، پیرعومہران، قولقوٰلہی میڑہ دی، بہورو پەرشان، نزاز، ریگہی کەزەسی - ہہشہ میز، ریگہی سہرناو - تا، میانہ * در طب سنتی، ریشہ های این گیاه را بصورت دمکرده برای درمان شاش گرفنگی مصرف می کنند، بعلاوہ ریشہ ها را می کوبند

و گرم می کنند و روی شرمگاہ می گذارند تا شاش بند باز شود. (مو، گڙ، ہہ، او، رو، معر، مظ، کہ) پیژلک:

Juncus inflexus

سازو، سازوی شلاتی. گیاهی است از رستنی های کردستان کہ در کنار رودخانه ها و آبها می روید «گیایہ کی شینہ، بہ زوری لہ گوئی چہم و ٺاوہ کانا ٺہڙوئ». این گیاه را در روستاهای پیرعومہران و قولقوٰلہی میڑہ دی از توابع سقز «پیژلک» گویند. نگا: پیژل. (مو) پیژلک: گیاهی است. نگا: پیژل. (مو)

پییزوڪ: گیاهی است. «خہنجہرہ». (مو)

پیسیزل: (دیل): پیژر، در عربی: حلفا و حلف. گیاهی است کہ در آب روید و برای پر کردن پالان چہارپایان و ساختن بادبزن از آن استفاده می شود. در زبان فرانسوی پاپیروس گفته می شود. نگا: پیژل. (علیر)

پیژدان: یکجور گیاهی است خوردنی. (او) پیژگ: زیرہ، زیرہ، اسپرگ. گیاهی است بہاری کہ خوردہ می شود. (او)

پیژگ: گیاهی است کہ ریشہ اش خوردنی است. «پیفوڪ». نگا: پیشوڪ. (ہہ)

پیژوٰلہ: گیاهی است کہ در روستای خواشت بہ این نام نامیدہ می شود. (مو)

پیشوڪ: *Crocus*

گیاهی است از رستنی های کردستان کہ در غالب کوهها می روید. پوست قہوہ ای رنگ منتسجی پیاز آن را احاطہ نمودہ است و پس از برداشتن پوست، پیاز سفید آن نمایان می شود. پیاز آن تقریباً دارای مزہ شیرین است و مواد غذایی را در خود جمع کردہ است. خام یا پختہ این پیاز را می خورند. گاهی آن را در شیر می جوشانند و میخورند.

يقول:

نخستی به نام: *C. pallasii* در کردستان می‌روید. این گیاه در استان کرمانشاه نیز رویش دارد و در محل‌های زیر پراکنندگی دارد: مله‌ی قلاجه، نسیلام ناوای غرب، سونقوز، پساوه، گیلانغرب، کوندی غرب، ریژاو، کوماشان، سه‌راو نیلوفر، گه‌واره، کۆزهران و ناوایی (قلعه کھوش). (معصب مو، معر)

Damascus saffron **بيشوك:**

در فارسی این گیاه را: زراوند مدحرج و زراوند طویل، می‌گویند * پیازه آن برای کم خونی مفید است. (عیناً از، رووه و که مال نقل گردیده است)

پیشووک: گیاهی است. نگا: پیشووک. (مو)
پیشووک: گیاهی است که در روستای
ماسی ده از توابع خورخوری سه قزو
بعضی جاهای دیگر، به این نام نامیده
می شود. نگا: پیشووک. (مو)

پیشوکی: گیاهی است که در ژوار به این نام خوانده می شود. نگا: پیشوڭ. (مو)
پیشه مازنی: گیاهی است علفی که در قلعه حسن آباد می روید و آن را در روستای حسن آباد به این نام می شناسند. (مو)

پیفۆك: گیاهی است از رستنی های كردستان
 با پیازه خوردنی. نگا: پیشۆك. (مو، هه)
 پیفۆكه: گیاهی است. نگا: پیشۆك. (گۆ، مو)
 پیشار - پیشار: پیاز، پیاز معمولی. نگا: پیاز.
 (مو، هه، او، ارا)

پیشہ لوگ: گیاهی است با پیازہ خوردنی. نگا:
بشوك. (هه)

پیثیر: گیاهی است. (هه)

پیقل: درخت زهر ماهی. «داری ژارماسی».
(هه)

گاهی آن را به صورت کباب شده می خورند. «منداآن سه لکه که می نه برژینن و ده یخونه». برگهایش باریک و نازک و دراز است. ارتفاع ساقه آن حدود ۱۵ سانت است. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: پیشۆک، پیشۆک، پیڤۆک، کیڤۆک، پیڤۆگ، پیڤۆکه، پیشۆکه، پیشۆکی، هاپلۆک. در گرایش دهلرانی و لکی نیز، این گیاه را «پیشۆک» گویند. این گیاه در سراب و حسن آباد بیجار و شهرک نیز می روید. همچنین در محل های زیر آن را مشاهده نمودیم: ثاریز، ثاویه، قه لای حه سه ناوا، زه شته ش، ئاره نان، گلیه، عه والآن، یه میستان، تایته، دهره ویان نازس، کۆل، هه ورامان، ژیوار، کۆسالان. (مو، او، علیر، لهک، رو، هه، من گۆ)

پیشوڪ: (دیل، ئەك): نڭا: پیشوڪ

Crocus cancellatus **بيشوك:**

زعفران زاگرسى، زعفران وحشى. گياهى است از رستنى‌هاى كردستان كه در اغلب كوهمهاى كردستان مى‌رويد و آن را مشاهده نموده‌ام. اين گياه را در مناطق مختلف كردستان با نام‌هاى : «پيشۆك، پيژوك، پيشۆكى، پيشۆكه، شيوين شۆك» مى‌نامند و مى‌شناسند. اين گونه علاوه بر ايران، در آنااتولى، عراق، قفقاز و جنوب يوسلاوى و يونان نيز مى‌رويد. (مو، معر، دا، مظ)

Crocus haussknechtii **پیشوک:**

زعفران جو قاسم، جو قاسم. گیاهی است از رستنی های کردستان. این گونه علاوه بر ایران در آناتولی، عراق و قفقاز نیز می روید. معروفی، بر این نظر است که زیر گونه هوس

پیقه‌ل: گیاهی است بهاری دارای برگهای پهن، مزه‌اش مانند مزه برگ ثوب است. (او)
پیقه‌له: گیاهی است از رستنی‌های کردستان * این گیاه خوردنی است و در طب سنتی آن را برای ناراحتیهای معده مفید می‌دانند. (مو، هه، او، که)

پی کوثر: گیاهی است. (هه)

پیکول: گیاهی است. نگا: په یكۆل. (لهك)

پیکول: خار خشک، خار سه کوهه. «تونجۆ، کونجۆه». نگا: په یكۆل. (هه، مو)

پیکوله: خار خشک. گیاهی است که در بعضی از روستاهای تابعه شهرستان مهاباد آن را «پیکوله» گویند. نگا: په یكۆل. (مو، مه)
پیکولی: گیاهی است که در ژبوار از توابع هه‌رومان، به این نام خوانده می‌شود. نگا: په یكۆل. (مو)

پیکه - پییکه: نوعی نی است. یکجور نی باریک و سفت است که با آن آلاچینگ درست می‌کنند. «نه یجه، نه یجه‌ل، تهرکه». (رو، او، که)
پیکه‌ر: نوعی نی توپر است. (هه)

پیکه‌ره: پای خر، گیاهی است دارویی.

پیکه فۆک: گیاهی است. (هه)

پیکه‌وک: گیاهی است. (هه)

پیمریشکه: گیاهی است بهاری، شاخه شاخه که مانند چنگال مرغ است، خود واژه بمعنی (پای مرغ) می‌باشد. (هه، او، که)

پینج نه‌نگوست: *Agnus castus*
 گیاهی است به ارتفاع ۱/۵ متر، در اروپا بعد وفور می‌روید. «پینج په‌نجه، ئاله‌ته مارانه، ئاله‌ته کیویه». (رو، که)

پینۆکه: گیاهی است خوشبو که گل سفید دارد. (او)

پینه - پیینه: پونه، پودنه. له‌کی: پیینه. دی‌لۆرانی: پینه. نگا: پونگه. (مو، هه، علیر، لهك)

پیوار - پییوار: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای خه‌رکه از توابع سنج به این نام خوانده می‌شود در قزلبلاغ بیجار و خیلی جاهای دیگر نیز می‌روید. در باقلاوای حسه‌یناوا نیز می‌روید. ساقه و گلش مثل گندم است. (مو)

پیواز - پییواز: پیاز، پیاز معمولی. نگا: پیاز. (هه، او، با، مو، من)

پیوازۆک: گیاهی است که در بانه به این نام خوانده می‌شود. نگا: پیازۆک. (مو)

پیوازه خووگانه: پیاز دشتی، خود واژه بمعنی پیاز خوکی است. نگا: پیازه خووگانه. (او)

پیوازه کیویه: پیاز کوهی، پیاز دشتی. (او)
پیوازه مارانه: *Allium*

گونه‌ای سیر است که حدود ۴۵ سانتیمتر ارتفاع دارد و در کردستان می‌روید. (مو)

پیوچکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان در ارتفاعات میراجی و گولبه‌ن زیاد است. نگا: پیچک. (نادر، مو)

پی وورچه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان، گیاهی است بهاری و کوهستانی برگش مانند کاهو است و چهارپایان آن را می‌خورند، و مانند گیاه شنگ شیره‌دار است. نگا: پاورچه. (مو، او، که)

پیهورچه: گیاهی است پهن برگ و از رستنی‌های کردستان. نگا: پاورچه. (هه)

«ت»

تاتوله: *Datura stramonium*

تاتوره، تاتوره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با

تالیشکی، تالشک

محل رویش - در اغلب جاها و حتی در زمین‌های متروکه و بایر داخل شهرها. در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سنه، باوریز، سه‌راقامیش، دوه‌یسه، شاری هورامان، سلین، بلبر، که‌ماله، روه‌وه‌ری، سه‌روپیری، ژیسوار، تنگی‌وه، پالنگان، دۆله‌زش مابین دۆل، زه‌ده‌وان، کیلان، کانی مشکان، داذنه، حه‌سن ناوای سنه، که‌رجو، هه‌شه‌میز، ته‌کیه، په‌نجه‌عه‌لی قوروه، حه‌سین ناوای که‌نگره، کانی سه‌یی، کانی که‌لی مل، ده‌گاگا، زه‌زای، کۆسالان، مازی بن، که‌زه‌سی، ریگی سنه - که‌زه‌سی، ده‌وریشان، ره‌شنه‌ش، نه‌ویه‌نگ، وی‌سه‌ر، شیان، وتره‌زه‌ویی، قوتقوله‌ی میره‌دی، به‌رقوزو، میانه، زونج، باقلاوای شیخ حه‌سین، هه‌ژگه‌ره، سه‌رشییوی سه‌قز، سه‌لواتاوی سنه، کۆرکۆره، ریگی سنه - دی‌گولان، چم‌ده‌ره‌زه‌نجیر، مه‌لکشان، زه‌نان، تا، سه‌رچی، هه‌نیم، ریگی سنه - سه‌قز، نجین، سالیان، هویه، سه‌رهویه، سه‌رشییوی مه‌ریوان، ریگی سه‌قز - مه‌ریوان، بلچه‌سوور، ژوانسه‌ر، جوانزۆ، پاوه. در نزدیکیهای کانی که‌لی مل این گیاه را اندازه گرفتم دو متر و ۵۰ سانتی‌متر ارتفاع داشت. یک این گیاه را دوست دارد و غذای اصلی و دلخواه او بشمار می‌آید. (مو، مظ)

تالیشک: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. «تالیشک، تالیشکه». نگا: تالشک. (مو)
تالیشکه: گیاهی است. «تالیشک، تالیشکه، تالشک». نگا: تالشک. (مو)

تالک: ۱- گیاهی است که ریشه‌اش را هیزم سازند. «تالگ، تالوو» ۲- برخی گویند خربزه

نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «تاتوله، تاتوله، تاتوره، تاتۆله، تاتیوله، تاتوله». در گویش کرمانشانی آن را «تاتوله» گویند.

محل رویش - در خیلی جاها می‌روید، نمونه آن در رشنش بررسی شد. (مو، کرمانشاهی، او، من‌گۆ، رو، ابرا)

تاتوره: داتوره، تاتوره. نگا: تاتۆله. (مو، رر)
تاتوله: نگا: تاتۆله

تاتوله: داتوره. داتوره، گیاهی است سمی و مضر به حال حیوانات. «تاتوله، تاتیوله، تاتۆله». نگا: تاتۆله. (مو، کرمانشاهی)

تاتیوله: (کر): داتوره. «تاتوله، تاتوله». نگا: تاتۆله. (کرمانشاهی، مو)

تاج خروس: گل بستان‌افروز. گلی است سرخ رنگ که مانند تاج و شانه خروس است. کرمانشانی: تاج خروس. (هه، کر)

تاج خور ووس - تاج خروس: ۱- گل بستان‌افروز که گلی است سرخ رنگ و مانند تاج خروس، بادروج، خوچ، لوزی: تاج خروسی. ۲- یکجور انگور سرخ است که مانند تاج خروس می‌باشد. (او، هه، رو)
تاس‌ئه‌ور: گیاهی است. «تینه‌گیا، خه‌ردل». (دا)

تالبی: طالبی. (ابرا)

تالشاری: گیاهی است. «تالی شاری»

تالشک: *Lactuca serriola*

= *L. scariola*

کاهوی خاردار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «تالیشک، تالیشک، تالیشک، تالیشکه، تالیشک، تالشک، تالشکه، تالیشکی، تالیشکه، تالیشک»

تلخ است که به عربی حنظل خوانند ۳ برخمی کاسنی را گفته‌اند ۴ - نوعی گلابی است ۵ - تلخک. (ابراهیم، او، بر، جغکر، مو)

تالگه: نوعی گرمک. (هه)

تالگ: (کرماشانی): تلخک، گیاهی است.

«تالگ، تالوو». (درو، مو، او، هه)

تالگ: *Centaurea*

گل گندم. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «تالگ، تالگه، تالک، تالوو، تاله، تالی، تالگ، تالی توُس». این گیاه دارای انواع مختلفی است که بعضی از آنها را در کردستان با نام‌های زیر می‌خوانند: تالگه تاله، تالگه خوْشه...

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: چهل چشمه، قلقله‌ی میره‌ده، سرشیو سقز، آبیدر، آریز، نوره، آرنده‌ان، باباریز، سرباقامیش، دویسه، وئی‌سهر، سالیان، نجی، جاده سنندج - قروه، هه‌ورامان، سلطان احمد، کۆسالان، ژبوار، کهل هه‌مرۆ، رشنش، دژیله، بنیهر، خانه‌گای جوو‌جوو، زونج، میانه، کۆزه‌میانه، باقلاوای شیخ حسه‌ین، پیرخه‌یران، جاده سنندج - کره‌سی - هشمیز، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، جاده کلکان - بست، کۆله‌ساره، تا، سهرچی، هه‌نیمن، جاده بانه - سقز، صلوات‌آباد، عه‌والان، جاده سنندج - دیواندره - سقز، کۆرکۆره، ابراهیم‌آباد، شانشین، ناشقان، که‌رجۆ، اویه‌نگ، دربند دزلی، که‌وله، کۆل و دوزه‌ه‌ره، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، پالنگان، ته‌نگی‌وه، ریگای بسیجار - کرانی، زه‌رده‌وان، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، خورخوره سقز، جاده میره‌دی،

پیره‌ومهران، گه‌رده‌ته‌ی سه‌لوات‌اوای سنه، گه‌رده‌ته‌ی مامۆخ، سنندج، حسن‌آباد سنندج، زه‌نان، مه‌لکشان، سهرشیوی مه‌ریوان، ریگی سه‌قز، مه‌ریوان، نه‌که‌رۆز، ژالانه، ته‌ته، قه‌له‌به‌رد، بلچه‌سوور، ته‌کیه، شیان، سهره‌ویه، روانسهر، جوانۆزۆ، پاوه. ارتفاع این گیاه گاهی تا حدود ۱۸۰ سانتی‌متر است. (مو، هه، او، ابراهیم، بر، جغکر)

تال گوشته و زوون: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را برای التیام زخم حیوانات می‌کوبند و روی زخم آنها می‌گذارند. در شاهۆ، کۆزه‌میانه و بعضی جا‌های دیگر می‌روید. (مو)

تالگه: گیاهی است. نگا: تالک. (او، هه)

تالگه: گیاهی است که در حسن‌آباد سنندج به این نام خوانده می‌شود. نگا: تالگ. (مو)

Centaurea behch

تالگه تاله:

گل گندم طلایی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌خوانند: «تالگه تاله، تالوو تاله».

قهرمان، این گیاه را جزو وارته

Kurdica ghahreman بشمار آورده است.

محل رویش - در اغلب جاها - از جمله: روانسهر، جوانۆزۆ، پاوه برای آگاهی از محل‌های رویش این گیاه، به کلمه «تالگ» نگاه و مراجعه کنید. بعضی از اهالی روستای هه‌شه‌میز، تالگه تاله را به گیاه «تالی توُس» می‌گویند. (مو، معر، فلور ایران)

تالگه توْپزه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: تالی توْز. (مو)

تالگه چه‌قه: گیاهی است، نوعی از گیاه «تالگ» است. (مو)

گل گندم زاگرس. گیاهی است از رستنی های کردستان، در هزارکانیان آن را مشاهده نمودم و در هزارکانیان این گیاه را «تالوکه» می نامند. (مو، مظ)

تالوکه: *Coronilla varia*

یونجه باغی، یونجه تاجی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای پست بنام «تالوکه» و در خورخوره سقز «گیاکیسئل» خوانده می شود. نام های دیگر آن: «تالّهك، تالّه که». محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: چل چمه، خورخوره ی سه قز. (مؤلف)

تالوکه: گیاهی است از رستنی های کردستان با گل های بنفش که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. (مو)

تالوّه تالّه: نگا: تالگه تالّه. (مو، که)

تالوّه خوه شه: نگا: تالگه خوه شه. (مو، که)

تالوّه خوه شه: نگا: تالگه خوه شه. (مو)

تالّه: ۱- گیاهی است. «مرور، تالّه که» ۲- نوعی ارزن است

تالّه که: *Coronilla varia*

گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در ارتفاعات روستای گلیه از توابع مریوان و سهرشیوی مریوان و بلچه سور آن را مشاهده نمودم. «تالوکه، تالّهك». (مو، معر)

تالّه که: گیاهی است از رستنی های کردستان و شبیه گیاه «مژیورده» است و حیوانات خیلی کم آن را می خورند. (مو)

تالّه که: گیاهی است از رستنی های کردستان که در داخل گندمزارها و عدسزارها می روید، دارای دانه ایست گرد و سیاه رنگ و

تالگه خوه شه: *Centaurea cf nemecii*

گل گندم سنندجی، گل گندم سنبله ای. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «تالگه خوه شه، تالگه وه شه، تالوّه خوه شه» در هورامان و ژاوه رو آن را «تالگه وه شه» گویند. ساقه این گیاه تلخ نیست و مانند ساقه ریواس قابل خوردن است.

محل رویش - در اغلب جاها: وئ سهر، سالیان، جاده سنندج - قروه، چهل چشمه، قلقله ی میره دئی، سرشیو سقز، موجش، سهرشیوی مریوان، هورامان و... برای آگاهی بیشتر از محل رویش این گیاه به کلمه «تالگ» مراجعه نمایید. (مو، معر)

تالگه زه قه: نوعی از گیاه «تالگ» است. در بعضی جاها آن را به گیاه «تالی توئس» می گویند. (مو)

تالگه سیاه: گیاهی است. نگا: تالئی توئز. (مو)

تالگه وه شه: گیاهی است که در هورامان و بعضی دیگر از مناطقی که با گویش اورامی صحبت می کنند، آن را «تالگه وه شه» گویند.

نگا: تالگه خوه شه. (مو)

تالو - تالو: *Centaurea*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در اغلب مناطق سقز از جمله خورخوره و سرشیو و همچنین در بعضی از روستاهای مهاباد، به این نام خوانده می شود. نام های دیگر آن: «تالگ، تالی، تالگه». در فرهنگ اورنگ، هه نیانه بۆرینه و فرهنگ مهاباد نیز، اشاره ای به این واژه شده است. نگا: تالگ. (مو، او، هه)

تالوکه: *Centaurea aucheri*

پالنگان، شاهوی پالنگان، دۆله زه ش
مايين دۆل. اين گياه را در آربا و كوسالان
اندازه گرفتيم بترتيب ۹۳ سانت و ۲ متر و ۲۸
سانت ارتفاع داشت. (مو، رو، هه، او)

تالی توک: گياهی است. (هه)

تالیشار: گياهی است. «تالی شاری»

تالیشاری: گياهی است. «تالی شاری»

Aloe vera تالی شاری:

صبر زرد طبی. گياهی است که در عربی آن را
صبر گویند. اين گياه را در كردستان با نام های
زیر می نامند: (تالیشاری، تالشاری، تالیشار،
تالیشاری). مظفریان این گونه را در ایران ذکر
نکرده و بوجود آن در ایران معتقد نیست.
هه ژار، این کلمه را به معانی: الوا، صبر،
درمانی است سیاه و تلخ، ثبت نموده است
* روهك برگهای این گياه را مسهل قوی
بحساب آورده است. (رو، گز، مظ، هه، او، که)
تالییشک - تالییشک: گياهی است از
رستنی های كردستان که در روستاهای
مه لکشان، کۆرکۆره، زونج و بعضی از
روستاهای مه هاباد، به این نام خوانده
می شود. نگا: تالیشک. (مو)

تالییشک: نگا: تالیشک

Lactuca scarioloides تالییشک:

= **L. kotschyana**

کاهوی دئانی، کاهوی وحشی. گياهی است از
رستنی های كردستان که در ارتفاعات بالا
می روید. در روستاهای ئی، از توابع مەریوان
و زەنان از توابع سنندج و بعضی جاهای
دیگر، آن را «تالییشک» گویند و در بعضی جاها
آن را «جه واشیر» می نامند.
محل رویش - در محل های زیر، این گياه را

تلخ که اگر داخل گندم بیفتد نان گندم را تلخ و
سیاه می نماید. این گياه را در كردستان: «مورۆ،
تالە» هم می گویند. (اپ، هه، من، مو، رو، که)

تالی - تالیی: نگا: تالگ. (مو)

Centaurea imperialis تالی توژ:

گل گندم اشراقی. گياهی است از رستنی های
كردستان که در مناطق مختلف آن را
«تالی توژ، تالی توژ» گویند. گلهایش در
نهایت سفید رنگ می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گياه را
مشاهده نمودم: کۆسالان، پالنگان، هه شه میژ،
زه نان، سەرشویی مەریوان، ریگه ی سه قز -
مەریوان، پاوه. (مؤلف)

Centaurea nemecii تالی توژ:

گل گندم سنندجی. گياهی است از رستنی های
كردستان که در مناطق مختلف، آن را با
نام های زیر می نامند و می شناسند:
«تالی توژ، تالی توژ، تالگه سیاه، تالگه
توژ، تالی توژ، تالی توژ، تالی توژ، تالی توژ،
تالی توژ». در خیلی جاها از جمله قلقله ی
میره ده، هه شه میژ و بعضی از روستاهای
هەرومان، این گياه را نوعی گياه «تالگ» می دانند.

محل رویش - در محل های زیر، این گياه را
مشاهده نمودم: کۆسالان، کەرچۆ، هه شه میژ،
ناربه با، سەرشویی مەریوان، سولتان ئه حمەد،
کەله مەروۆ، زەشنەش، بلچە سوور، ریگای
کەله کان - بست، وئە سەر، خۆزخۆزە، دەرەبن
دزلی، ریگه ی سە - دیواندەرە، تەکیە، شیان،
سەرویه، گەردەنە ی مامۆخ، گەردەنە ی
سەلواتاوا، کەولە، کۆل، گەلێن، خانە گای
گەلێن، گلیه، کۆرکۆره، تەتە، ئیبرایم ئاوا ی
سەنە، کۆل و دۆزە غەرە، دەرەویان نازس،

تالینتوس: گیاهی است شبیه تالنگ و از رستنی های کردستان. نگا: تالی توُس. (هه، مو)
تالین دوس: گیاهی است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود و این غیر از تالی توُس است. «پیتله هه ز». (مو)
تانتوز: یکجور گیاه است. (او)
تانجی خوروس: تاج خروس، گل بستان افروز. (او)

تاو لک: ۱- درختی است جنگلی (هه) ۲- گنار، میوه باشد سرخ رنگ مانند عتاب ولی از آن بزرگتر است، شیرین و نازک می باشد، بعربی آن را سدر گویند، این درخت جنگلی در هندوستان فراوان است. (او، پر) ۳- عده ای از اهالی روستای عیسی کند و سهولان این نام را به درختچه «کیکف» می گفتند و بعضی آن را به درخت «تایله» می گویند. تاو لک، بیشتر برای درخت «تایله» به کار می رود. نگا: تایله.
۴- خرگاه

تاو که تاله: آسه. (مو)

تاوگ - تاو وگ: درختی است. «تایله، تایلن، تاووت». نگا: تایله. (نادر، که)

تاو له: *Coriandrum*

گشنیز. این جنس در ایران یک گونه گیاه زراعی دارد که در بیشتر نقاط کاشته می گردد و به عنوان سبزی خورشتی، کوکو و پلو به مصرف می رسد. این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «تاو له، تاو لن، گژنیژ، گژنیژ»، در انگلیسی: *Coriander* گویند. (مظ، مو، رو، ابر، او، هه، مپ دا، که)

تاو له کیفيله: گشنیز کوهی، گشنیز وحشی، گشنیز بری. (مو، او)

مشاهده نمودم: پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی لوتی سادات، شاهوی وی زیهر، شاهوی دیوه زناو، شاهوی تهنگی وهر، دۆله زهش مابین دۆل، کانی سهیی، که که وسان، وزمان، ژیوار، کو سالان، خوزخوزهی سه قز، کوزه میانه، هه زار کانیا، دهره ویان نازس، زه نان، سرشیوی مهریوان، میراجی، ژالانه، ته ته، بلچه سوور، قه له بهرد، شیان، هه شه میژ، ته کیه، قازی به کر، سهرویه، پاوه. (مو، مظ، معر)
تالیشک: *Taraxacum cf officinal*
گل قاصد. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای زه شنهش آن را «تالیشک» گویند. (مو)

تالیشک: *Taraxacum palustre*
این گیاه محتوی اینولین و لایتکس است ریشه های خشک کرده آن بصورت دم کرده برای زیاد کردن اشتها و زیاد کردن ادرار مصرف می شود. (هیوا). مظفریان این گونه را در ایران ذکر نکرده است

تالیشکه - تالیشکه: نگا: تالیشک. (مو)
تالیشکی - تالیشکی: گیاهی است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: تالیشک. (مو)

تالیش: *Taraxacum officinale*
گیاهی است که رووهک، آن را: هند باء بریه و خس بری نامیده است. آقای امینی، این گیاه را در فارسی (گل قاصد، کاسنی زرد) و در کردی: «گو له بلاو، گو له که رگ» نامیده است. نویسنده رووهک و که مال، این گیاه را در کردی: «تالیش، تالیشک» نامیده اند. این گیاه را در روستای زه شنهش از توابع سنندج نیز «تالیشک» گویند. (مو، رو، دا، که)

هه ورامان، ژيوار، تهنگي وەر، زه نان، ريگهي
ميره دي - پيرعومهران، بلچه سور، قوري
ته لا، پاوه. (مو، معر، مظ، فلور ايران، هه، او،
نادر، ثابتي، ابرا)

Celtis glabrata

تايله:

= *Celtis tournefortii*

داغداغان بي کرک، تايله گرجستاني.
محل رویش - ايران، شبه جزيره بالکان،
آنا تولى، قفقاز، شمال عراق (کردستان
عراق). (مظ)

تايلي: درختي است. «تايله، تاوگ، تاووک».
(مو). نگا: تايله

تايله في: يکجور انگور درخت و سرخ است.
نگا: تايفي. (او، هه، که)

Raphanus sativus

ترپ:

ترپ، تربچه. گياهي است که در اکثر جاها
پرورش و کشت مي گردد و در کردستان آن را
«ترپ، توور، تقو» مي نامند. (مو، هه، ابرا،
لهک، کرمانشاهي، مظ)

ترپ کيفي: گياهي است از رستني هاي
کردستان، شبيه نوعي ترشک است * در
طب سنتي آن را براي تقويت قلب و
ناراحتي هاي قلبي مفيد ميدانند. «تووري
کيوي، ته توله». (مو...)

ترپوکه: ۱- گياه شلمک که معرب آن شلمق
است و بسيخ آن شبيه به ترب است و از
رستني هاي کردستان * گياه شلمک در طب
سنتي براي خون بند استفاده دارد. مسهلي
است قوي. نگا: شله مه. ۲- شلغم. (او، رو،
هه، من مو، که)

ترتره: ۱- گياه سر، گياهي است که در بيخ
پسنبه سبز مي شود و چهار گوشه اش را

تاووت: درختي است. «تايله، تاوگ، تايلي»
تاووک: درختي است. «تايله، تايلي، تاووت»
تاووک: درختي است که برگ آن مانند
درخت آلوچه است ميوه شيرين و زرد رنگ
دارد که همانند نخود است، و به معني بنگل
و بنگلک هم آمده، بنگل بمعني درخت گل و
بار و پر درخت گل است، نام ميوه هم هست
که به سپستان مي ماند، برخي گويند
ميوه ايست، مغز دار. بنگلک ميوه ايست
مغز دار که آن را ميخورند. (او، بر)

تاوي - تاويي: ۱- درخت مقدسي است،
يکجور درخت است. نگا: تايله. ۲- نان
ساجي. (علير، او)

Celtis caucasica

تاوي:

داغداغان، درخت تا. از رستني هاي کرمانشاهان
است که در محل هاي زير، پراکندگي دارد:
شاهو، ريژاو، کرمانشاهان، کورندي غهرب،
سهرپتل زه هاو، پاوه. (معص). نگا: تايله
تايفي: نوعي انگور سرخ و دراز است.
«تايفي، تايله في». (او، هه)

Celtis caucasica

تايله:

درخت تا، تا دار، چوب نظر، داغداغان.
درختي است از رستني هاي کردستان که در
مناطق مختلف، آن را با نام هاي زير
ميخوانند: «تايله، تايلي، تاوگ، تاووت،
تاووک، ته يلي، تاوي». اين درخت ثمری دارد
گردد و باندازه یک عدد آلبالوی کوهی و کمی
بزرگتر که بهنگام رسيدن متمایل به قرمز می شود.
محل رویش - در محل هاي زير، اين گياه را
مشاهده نمودم: تا، سهرچي، هه نيم،
ره شنهش، گلي، داده نهی که مانگر، ريگاي
سهريناو - تهنگي سهر، دهريشان، شاري

می گیرد. بعبارت دیگر در پنبه زار می روید و سبب خشک شدن گیاه پنبه می شود. (هه، او، که) ۲- گیاه دیگری است که در کردستان می روید. (مو)

ترش: سماق. در بعضی از روستاهای مهربوان و خوزخوزی سه قز سماق را «ترش» گویند. نگا: سماق. (مو)

ترشک: گیاهی است. نگا: تورشکه ترشکه: گیاهی است که در زه شنهش، بست، کرماشان و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می شود. نگا: تورشکه. (مو)

ترشکی: گیاهی است که در روستای نزاز از توابع کامیاران و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می شود. نگا: تورشکه

ترشوک: گیاهی است. نگا: تورشکه ترشوک: گیاهی است. در قولقوله میوه دئی و کینه شین از توابع سقز و بانه و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود.

گسونه ای از این گیاه که آن را در قلقله و پیر عمران مشاهده نمودم برگهایش تقریباً شبیه برگ «کوزوله» است. این گیاه سرشار از ویتامین C است. نگا: تورشکه. (مو، گز)

ترشوک بزنه شه لانه: نوعی از گیاه ترشک است. نگا: تورشکه. (گز، که)

ترشوک گایه: گیاهی از رستنی های کردستان، نوعی از گیاه ترشک است. نگا: تورشکه. (مو، که)

ترشیله: گیاهی است که در روستای هه شه میز، به این نام خوانده می شود. (مو)

ترشینک: گیاهی است. نگا: تورشکه ترقه: نوعی آلوچه است. (او، رو، که)

ترنج: یکجور گیاه برگ پهن است که بویش

مانند بوی نارنج است

ترنجوڤك: گیاهی است که بوی نارنج دارد. (هه) ترۆزی - ترۆزیی:

Cucumis melo. var. flexuosus

خیار چنبر. در کردستان با نام های زیر آن را می نامند و می شناسند: «ترۆزی، ترۆزیی، ترۆزو، چه مهرخه یار». خیار چنبر لطیف تر از خیار است و سریع الهضم است، نارس آن بهتر است. (مو، من هه، او، با، گز، ابرا، که)

تروشکه: گیاهی است. نگا: تورشکه

تره: انگور. «هه نگور». (او). نگا: ترئی

تره و: ترب، تربچه. «ترب، توور». (او، هه)

تره وکه: گیاهی است تند مزه و بهاری دارای برگهای پهن که مانند برگ ترب می باشد. از لحاظ برگ و طعم شبیه ترب است.

mustard. «خهرته له». (او، رو، که)

تری - تریی: انگور. «هه نگور، ترئی». (هه، او). نگا: ترئی

تری:

Vitis انگور، مو، تاک. در کردستان انگور را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «ترئی،

تری، هه نگور، هنگور، هنگه ریر، نه نگور، هه نگیر، هه نور، هه نوویر، هه نور، هه نویر».

انواع انگور در کردستان عبارتند از: بزمارکوت، نه سکه ریی، زه رتک، سه رقوله،

سوراو، سکنه یی، بستانی، بسووسه لی، تری رهشکه، ترئی سپیکه، چافی چیچه کی،

زه شمیری، دله که له شیر، رازقی، زلکه - زیلکه، زووزه، سایانی - سه عدانی، یاقوتی،

سوورشامی، سنجیری، عوششاقی، کشمیشی - کشمیش، کلکه ریوی، کوزانه، گۆشتگا،

گونکه، شاخ سپی، گوتتوله، له قله تی، میخی،

مه يان - مه يدان، مه فهره، مۆرك، مييراني،
مسكى، سهدانى، تايه في - تاي في، پايزه، بۆل
مازوو، ره بوله، مام برايمه، خوشتاو،
دوشاوى، چه ميله، نينۆكى بووكى، زيشى بابە -
زيش باوا، زه شكه، فهرخى، گه زنه يى، كورده
كوژه، ترى گه وره، ترى مهرزونه، ترى زه يتى،
ترى سفنك، ترى دۆ ميله، ترى پاشايى. (مو،
هه، يا، او، ابرا، رو، كه)

ترى بولمازوو: انگور سفيد. خود بولمازوو
يكجور انگور سفيد ريز ترش است. (او، رو)
ترى پاشايى: انگور پاشايى، يكجور انگور
دانه بزرگ است. (او)

ترى پايزه: انگور پائيزى. (او، رو)
تسرى تايه في: انگور سرخ است. خود
تايه في يكجور انگور درشت و سرخ است.
(او، رو)

ترى چه ميله: يكجور انگور است. (او، رو)
ترى خوشتاو: انگور سياه، نوعى انگور
است. (او، رو)

ترى دۆ ميله: انگور دومى. دۆم نام تيره اى
از كردها است. (او)

ترى رهش مييرى: انگور سياه مييرى. (او)
ترى ريوى: در عربى آن را عنب الثعلب
گويند. (رو)

ترى زلكه: انگور دانه درشت، نوعى انگور
است. (او، رو)

ترى زوو: نگا: تروژى
ترى زووره س: انگور زودرس. (او)
ترى زه يتى: يكجور انگور زيتونى رنگ
است. (او)

ترى سادانى: انگور سادانى. (او، رو)
ترى سپيكة: انگور سفيد. (او، رو)

ترى سفنك: يكجور انگور است. (او)

ترى سووراو: انگور سرخ. (او، رو)

ترى سه رقوقوله: انگور سرخ. (او، رو)

ترى كۆخهر: يكجور انگور است

ترى گوندكه: نام يكجور انگور است. (او)

ترى گه وره: يكجور انگور سفيد است.

خود واژه بمعنى (انگور بزرگ است). (او)

ترى مارا: تاجريزى. نگا: ريزه مارانه.

(هه)

ترى مارانه: گياهى از رستنى هاى كردستان. (مو)

ترى مام برايمه: نوعى انگور است. «ترى

مام برايمى». (رو)

ترى مام برايمى: يكجور انگور سفيد

است. نگا: ترى مام برايمه. (او)

ترى مهرزونه: يكجور انگور ترش مزه

است. مهرزونه بمعنى ميخوش و ترش مزه

است. (او)

ترى وورچانه: درختچه يا دهوه نى است

كه ثمرش شبیه انگور است * برگهاى خشك

كرده اش بصورت دمكرده براى شاش چكه

مفيد است. ميوه و برگهايش داراى ماده تانن

است و براى درمان اسهالى بكار مى رود. در

انگليسى (Bear berry). نگا: شيلانه. (رو، هيو)

تسقله گورگانه: گياهى است از رستنى هاى

كردستان. گياهى است ثمرى چون مازوج

دارد. گياهى است مانند غارچ، بيخش تر و

نمناك است هنگاميكه خشك شود مانند

حنا مى شود. در فرهنگ وهبى نام يكجور

غارچ است. «تسله گورگانه، تسله گوريان،

تسقله گورگانه». (هه، او، مو، رو)

تسله گورگانه - تسله گورگانه: گياهى

است از رستنى هاى كردستان. در روستاى

تنز: درخچه ایست از رستنی های کردستان که در بعضی جاها از جمله روستاهای کهوبگار از توابع کامیاران، باقلاوای حسین ثاوا و باقلاوای شیخ حسیه این از توابع سنندج، آن را «تنز» می نامند. نگا: ته نگس. (مؤلف)

تنزه زه شه: *Rhamnus pallasii*
سیاه تنگرس. درختچه ای است از رستنی های کردستان که در بیجار و قه م چوغه از توابع بیجار به این نام خوانده می شود. محل رویش - صلوات آباد بیجار، قم چقا، حمزه عرب. این درختچه در مهاباد، مرگور، عراق، آنا تولی و سوریه نیز می روید. (مو، معر، مظ، قهرمان)

تسنگز: درختچه ای است از رستنی های کردستان که در بعضی از روستاهای کامیاران از جمله «کهوبگار» به این نام نامیده می شود. نگا: ته نگس. (مو)

تنگس: درختچه ای است. نگا: ته نگس. (مو)
تو - توو *morus alba*

توت، توت سفید، توت درختی. درختی است که در اغلب روستاهای کردستان پرورش داده شده است و در مناطق مختلف کردستان، آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «توو، تو، تووی چهرنگ، تووه چهرمه، تووی سپی، تفی، تفی، تفه، تفی». (مو، رو، هه، او، ابرا)

توپال: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای کهله کان از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: توپلاخه
توپاله کیفیله: نوعی از «بوماران» ریز است. در کورکۆره، آن را با این نام می خوانند. (مو)

دهره کن از توابع مریوان، آن را نوعی گهون میدانند که بلند نمی شود و تقریباً دور خود پهن می شود. بعضی آن را با «تسقله گورگانه» یکی می دانند. (مو)

تسله گوریان: گیاهی است. نگا: تسله گورگانه. (مو)

تسلره ورگانه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

تسوئ: گیاهی است خاردار و خوردنی که بیخش چون اشنان کف می کند. (هه، او)

تف ره وهن: شاه توت، توت سرخ. نگا: تووه سووره. (هه، ابرا)

تفسك: انجیر کوهی. (هه، او، که)

تفه: توت. نگا: توو، تو، تفی. (هه، او)

تفه ره وهن: شاه توت. نگا: تووه سووره، گاتوو، شاتوو، تووه ره شه. (هه)

تفه زه وهن: شاه توت، توت سرخ. نگا: تووه سووره. (هه، ابرا، او)

تفه زه وینه: نگا: تووه فره نگیی

تفه سیاوئ: شاه توت. نگا: تووه سووره، گاتوو. (هه، مو).

تفی - تفی: توت، درخت توت. لوژی: تی. (هه، او، ابرا، مو)

تفر: (با): ترپ. «تووری، تروه، ترپ، توور، ترپ». هدرامانی: تفی. دئی لؤراتی: تیرپ. ستهیی: ترپ. یادیانی: تفر. در اورنگ به معنی «تفی» آمده است که ممکن است ناشی از اشتباه باشد. نگا: ترپ. (هه، ابرا، او، مو)

تفی: نگا: توو

تلیاک: تریاک. (مو)

تماته: گوجه فرنگی. نگا: تو ماتیز، ته ماته.

(کرمانشاهی، مو)

توپشك: گیاهی است. (هه)

توپلاخ: گیاهی است که در اغلب نواحی کردستان از جمله کتوی چل چه می‌روید و در روستای بست آن را به این نام می‌خوانند. نگا: توپلاخه. (مو)

توپلاخه: گیاهی است که در روستاهای کۆله‌ساره، ره‌شنه‌ش، زه‌نان و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در اغلب کوههای کردستان رویش دارد. در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: چل چه‌مه، کۆله‌ساره، ره‌شنه‌ش، ریگی سهریناو - تا، که‌رجۆ، هه‌شه‌میز، په‌نجه‌علی قوروه، زه‌نان. (مو)

توپله‌گیا: *Brassica campestris*

کلم صحرائی، خردل بزی. (امینی)
توترک - تووترک: تمشک. نگا: تووژک، تودژی. (مو)

توترک - تووترک: درختچه‌ای است که در بعضی جاها از جمله بعضی از روستاهای مریوان، به این نام خوانده می‌شود * میوه این گیاه سرشار از ویتامین C است. نگا: تووژک، دژی. (مو، او، گۆ، هه)
توترگ - تووترگ: تمشک. نگا: تووژک، توودژک. (مو)

توتسکه: انجیر کوهی. (که)

توتم - تووتم: سماق. «سماق، داری ترش، توتوم». (هه، رو، ابرا)

توتن - تووتن: *Nicotiana*

توتون. گیاهی است. در بعضی از روستاها و مناطق کردستان مخصوصاً در مریوان، سروآباد، مهاباد، ارومیه، سنق، په‌سوئی، منطقه لاجان و سندوس بهترین توتون

کشور ایران پرورش داده می‌شود * دود آن مصلح هوای وبائیست. خاکستر آن جهت زخم دواب و چهارپایان نافع است، توتون برای مار و ماهی سم است، هرگاه مقداری جرم قلیان که در نی جمع شده است در دهان مار بریزید، مار می‌میرد. استعمال توتون و تنباکو تضعیف‌کننده هاضمه و اشتها است. نگا: ته‌ماکۆ. (هه، گۆ، اسلامی ۱/۲۳۵، منص ۲۷، ابرا، رو، او)

توتن کتوی: گیاهی است. «گوشه نه‌وه»

توتنه که‌له: گیاهی است. (مو)

توتیا: *Primula auriculata*

پامچال طناز. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف کردستان آن را «توتیا، روح توتیا، توتیا، گۆل نه‌رخه‌وان» گویند. در بعضی فرهنگها از جمله (اورنگ) آمده است که توتیا، گرد گیاهی است که به چشم می‌کشند (منظور همین گیاه است). در بعضی منابع، توتیا یکی از داروهای معروف و معجزه‌گر و تقویت‌کننده و نیروبخشنده به چشم است و توتیا را دو نوع ذکر نموده یکی معدنی و دیگری گیاهی، معدنی آن در کوره‌های ذوب سرب و روی بدست می‌آید و ۳ قسم است سفید و زرد و کبود که سفید بهترین نوع آنست، کبود آن از همه اقسام شفافتر است، آن را کات کبود و به لفظ کردی «توتیا که‌وه‌له» گویند، استعمال انواع آن بدون شستن جایز نیست، معدنی آن کشنده است، شسته آن مقوی چشم و حافظ سلامت آنست و غالب امراض چشم را نافع است مقدار خوراکش تا ۱۲ نخود است. نوع دوم توتیا کوهی است که از آن سرمه تهیه می‌کنند

توتیائی که خشک شده جمع می شود و باقی می ماند که بعداً آن را داخل سورمه مصرف کرده و مواد لازم برای آن تهیه می کنند این سورمه را سورمه توتیا می نامند و بسیار مفید است ولی توجه شود که توتیای تازه موجود در روی ساقه به مراتب بهتر و قویتر است. اصولاً توتیا و سرمه آن، آنقدر مفید است که حکم کیمیا را دارد. (خواص، من او، مؤلف و نگارنده کتاب)

توخلی باشی: (تور): گیاهی است که در بخش کرانی بیجار رویش دارد. خود واژه به معنی (سهر و کله گوسفند است). (مو)

تودزک - تودوزک: تمشک. نگا: تووزک. (مو)

تودزه - توودزه: تمشک. نگا: تووزک. (مو)

تودزه ی: تمشک. در روستای تا، تمشک را

«تودزه ی» گویند در جاهای دیگر کردستان آن

را «تووزک، تودزک» گویند. نگا: تووزک. (مو)

تودزی: تمشک، درختچه ای است که آن را

«تووزک، تووتزک» نیز گویند. نگا: تووزک. (مو)

تورتور: یکجور انگور سیاه و دانه ریز است. (ار)

تورشکه: *Rumex tuberosus*

ترشک، ترشک غده دار. گیاهی است از

رستنی های کردستان (گونه معروف و

فراوان) در بسیاری از کوهها و مناطق

می روید و آن را در مناطق مختلف با نام های

زیر می نامند و می شناسند: «تورشکه،

ترشوک، تورشینک، ترشک، ترشینک،

تورشیک، ترشکه، ترشوک، ترشکن».

کرماشانی: ترشکه.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: باخان، بهردی سپی، ثاویه،

ناریو، سه لواتاوا ی سنه، ره شنش، سالیان،

و منظور اصلی توتیای گیاهی است که در کوههای الوند همدان می روید و ارتفاع و طول گیاه تقریباً ۱۲ سانتی متر است و اصولاً به توتیای الوند معروف است، اردیبهشت ماه در همدان فصل گل کردن آنست و محل رویش آن در ارتفاعات مرطوب کوه و مساجور چشمه سارها و مرغزارها و نقاط پربرف قبلی است. ابوعلی سینا در کتابهای خود بخوبی از آن نام برده. این گیاه که گلی است زیبا و خوشبو با رنگ بنفش و در انتهای ساقه گل آن قرار گرفته و به ۵ تا ۱۲ و شاید بیشتر گلهای فرعی مجتمع مزین است و بوی گل شبیه عطر نوعی یاس است، اینجانب نویسنده و نگارنده این کتاب به هنگام گردش علمی آن را در جاهای زیادی در کردستان از جمله در «کوزه ی میانه و کوه چهل چشمه کردستان» مشاهده، بررسی و اندازه گرفته ام، دارای ریشه معمولی است و ارتفاع آن تا حدود ۲۵ سانتی متر است در کردستان آن را «گول نه رخه وان، توتیا، توتیا» گویند * قسمت مفید مورد نظر برای تقویت بینائی در توتیا مقدار گرد سفید تقریباً گرمی رنگ موجود در انتهای ساقه نزدیک به گل این گیاه می باشد که اطراف ساقه را در حدود ۲ سانتی متر می پوشاند و برای استفاده ساقه را قطع و این تکه پودردار را مثل میل سورمه بجشم می کشند. طریقه دوم این است که ساقه را قطع و در همانجا داخل شیشه ای که پر از آبغوره است فرو می برند پس از داخل کردن این پودر ساقه ها به داخل آبغوره آن را در مجاورت آفتاب قرار می دهند تا خشک شود، در ته این ظرف آبغوره مخلوط با

میرهده، سهرشیوی مریوان. در محل های زیر هم می روید: سستندج، بین سلماس و ارومیه، دره چالوس، میانه، تبریز، بین کرج و گچسر، قره داغ، اصفهان ... (مو، مظ، فلور ایران شماره ۱۰۸۳)

تورشه ك: *Rumex ephedroides*

گیاهی است به صورت درختچه و به حالت خرابیده در سطح زمین با ارتفاع کم تا یک متر. ساقه بند بند و برگهای تحلیل رفته که در محل های زیر پراکندگی دارد: سرپل ذهاب، پیران، قصر شیرین، گیلانغرب، سومار، نفت شهر. (معصب)

تورشیکه: (دیل): ترشک. در عربی حُمَاض یا حماضه. گیاهی است یکساله به رنگ سبز روشن و دارای ساقه ای به بلندی ۱۵ تا ۳۰ سانتی متر و منشعب به تقسیمات دوتایی است. گل های آن به صورت خوشه هایی در مقابل برگها و در رأس شاخه ظاهر می شود. میوه اش به قطر متجاوز از یک سانتی متر و به رنگ سفید یا صورتی است * قسمتهای مختلف گیاه طعم ترش و اثر ملین و مقوی معده دارد. در رفع یبوست، سکسکه، نفخ شکم و سوء هاضمه می تواند مؤثر باشد. برگ آن اثر ملین دارد. نگا: تورشکه. (علیرضایی به نقل از پزشکی سنتی مردم ایران ص ۱۸۲)

تورشینه ك: گیاهی است. نگا: تورشکه. (او) توزك: پنیرک. «په په چوره، توله كه». (مو، هه) توزكه: پنیرک. «په په چوره، توله كئی» توره كه: پنیرک. نگا: په په چوره

توره نج: ترنج، بادرنگ، میوه ایست. (ابرا، او) توزی: گیاهی است که در صلوات آباد

نجی، نهویه نگ، عهوالان، به ورو پهریشان، دزئله، زونج، باقلاوای شیخ حسین، گلیه، بیتره، تهنگی سر، نهر، نزاز، قولقوله ی میوه دئی، گهرده نهی خان، چل چمه، وتره زهوی، ریگی که له کان - بست، تا، دؤلاو، سهرچی، هه نیمن، وئی سر، کوره میانه، ریگی سته - دئی گولان، ریگی دئی گولان - قورو، دهره قووله، نه که روز، پیرعومه ران، ژالانه، هه ورامان، خورخوری سه قز، په نجه عهلی قورو، ریگی که وله - کؤل، دهره ویان فارس، حه سه ناوای سته، بست، بسناوچان، خورخوری سه قز، ته ته، بلچه سوور، ته له بهرد، شیان، ته کیه، هه شه میز، ژوانسه ر، جوازق، پاوه، زه تان، دهره بن دزلی، ریگی بانه - سهرده شت، ریگی سهرده شت - شنق. (مو، او، علیر، مظ، معر، گز، هه)

تورشکه: *Rumex Ponticus*

ترشک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در بسیاری از مناطق کردستان می روید. (مو، مظ)

تورشکه: *Rumex chalepensis*

ترشک، ترشک ایرانی. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - خیلی جاها - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: قلقله، گردنه خان، چهل چشمه، پنجه علی قروه، حسین آباد کنگره، سهرشیوی مریوان، ته ته. (مو، مظ)

تورشکه: *Rumex scutatus*

ترشک کوهی، ترش خال، ترشک واریزه ای. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: جاده مریوان - سقز، قلقله ی

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: دهره ویان خواروو، که که وسان، حسن آباد سنندج، ده وریشان، آرندان، چه م دهره زهنجیر، خواشت، شاری هه ورامان، ته کیه، شیان، که ماله، سه رهویه، بلهر، هویه، ژیسوار، دۆله زهش مایین دۆل، زهرده وان، که رجق، په نجه عه لی، ره شنهش، ریگی سهریناو، سه رچی، تا، هه نیمن، ریگی سته - کامیاران، کۆله ساره، میوا، باقلاوای شیخ، حه سین، زونج، بنیه، درتله، ئاریز، ئاویه، که زه سی، هه شه میو، زیگی موچهش، سه رشیوی مه ریوان، ژووانسه، جوانزو، پاهو. (مو، او، هه، با، قا، ابرا، معر، گز، که)

توورگ: (کرماشانی): تمشک وحشی. «تووزک، تووتزگ». (کرمانشاهی)

توز - توس: *Betula* غان، توس. از رستنی های کردستان است. در زهواندز بحد وفور می روید. (رو، مظ، که)

توزانه: گیاهی است که در محراب به این نام خوانده می شود، این گیاه نوعی «گاده مه» است و دارای شاخه های متعدد. (مو)

توزاویی: گیاهی است شبیه کاسه شور که در بعضی جاها آن را «گیاکه وله» گویند. (مو) تووزکه: گیاهی است که در روستای شیان از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: تۆزه وکهره. (مو)

توزوکه ره: نگا: تۆزه وکهره. (مو)

تۆزه که: گیاهی است در زنان با این نام خوانده می شود. (مو)

تۆزه وکهره: در روستای وی سهر به گیاه کاسه شور معروف «تۆزه وکهره» گفته می شود و در روستای شیان آن را «تۆزه که» گویند. (مو)

سنندج با این نام خوانده می شود. (مو)

توریشکه: *Rumex elbursensis*

ترشک البرزی. گیاهی است از رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر پراکندگی دارد: کرماشان، سونقوز، که نگاهور، ئیسلا مئاوی غهرب. (معص)

توور: *Raphanus sativus*

تُرب. گیاهی است که در اغلب مناطق کردستان کشت می گردد و در کردستان آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «توور، ترپ، تیرپ، تیرپ، ترپ، تفر، ترو، گؤرر». (مو، گز، رو، هه، مظ)

توورک: *Rubus caesicus*

گونه ای تمشک است که در کرماشان پراکندگی دارد و درختچه ای است کوتاه تا ارتفاع ۵۰ سانتیمتر با گل های سفید و میوه آن کوچکتر از گونه دیگر است. (معص)

توورک: *Rubus sanctus*

تمشک. درختچه ای است به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: ریژاو، ئیسلا مئاوی غهرب، دالاهو، سه ریئل زه هاو (پیران) گیلانغهرب، هه رسین، که نگاهور، پاهو. (معص). نگا: تووزک

تووزک: *Rubus sanctus*

= *R. Anatolicus*

تمشک. درختچه ای است از رستنی های کردستان که آن را در مناطق مختلف با نام های زیر می نامند: «تووتزک، دزی، دروو، تووترگ، توترک، ته مشک، توودزک، تووتزگ، تسوودزه، تسووزگ، تووزک، دزو، تووتزگ، ده زدووک».

توزینه: همان نوع گاذمه است که دارای شاخه‌های متعدد است. (مو)

توژینگ: سرخس نر. (مه)

توس: غان، توس. نگا: توز

تؤس: گیاهی است. نگا: تؤسی، تیسو. (مو)

Eryngium تؤسی:

زول، بوقناق. دارای ۹ گونه گیاه علفی خاردار است که در ایران، آناتولی، ماورای قفقاز عراق، سوریه و لبنان و فلسطین می‌روید. (مظ، مر)

Eryngium pyramidale تؤسی:

زول مخروطی، بوقناق. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که تقریباً در همه جا می‌روید و آن را در کردی: «تؤسی»، توئسی، توئسو، تیسو، تسو، تووس، گیاتیسوئی، تؤس، توس، توووسی» می‌نامند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: آبیدر، آریز، صلوات‌آباد سنندج، گردنه صلوات‌آباد، سلطان احمد، رشنش، عهوالان، گازان، کهل همرؤ، به‌ورو پهریشان، جاده سربناو - تنگی سر، جاده کلکان - بست، هویه، سرهویه، اویهنگ، ویسر، کره‌سی، هشمیز، شیان، شانشین، سالیان، نجی، قلقله‌ی میرده، تا، هنیمن، سرچی، وی‌سهر، گهلین، نه‌که‌رؤز، پیرعومهران، دربند دزلی، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، دهره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، ریگه‌ی بانه - سه‌قز، ریگه‌ی بانه - سه‌رده‌شت، ریگه‌ی سه‌رده‌شت - شنق، دهره‌ویان فازس، ناویه‌ر، ثاریز، ریگه‌ی سنه - دیوانده‌ره، ریگه‌ی دیوانده‌ره - سه‌قز، کتله‌شین، کؤرکؤره، ئیبرایم ناوا، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی وی‌زیه‌ر، شاهوی دیوه‌زناو، ته‌نگی‌وهر، ریگه‌ی بیجار - تیکاب،

شاره‌کی بیجار، زهرده‌وان، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل، کانی مشکان، کیتلانه، داذنه، که‌رجؤ، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مریوان، زیگه‌ی سه‌قز - مریوان، توواره‌لا، که‌له‌کان، ژالانه، ته‌ته، قه‌له‌بهرد، بلچه‌سور، ته‌کیه، شیان، زوانسهر، جوانزؤ، پاوه، کؤرکؤره، قه‌لای حه‌سه‌ناوا * بین خارها و ساقه این گیاه نوعی شیره (صمغ) تولید و در اواخر تابستان از ساقه خارج و خشک می‌شود که در طب سنتی بعضی از مناطق کردستان برای دندان درد از آن استفاده می‌کنند و مقداری از شیره را روی دندان می‌گذارند تا درد را ساکت نماید. بعضیها، تخم بوداده این گیاه را تقویت کننده قوه جماع میدانند. (مو، او، هه، رو، گز، که)

Eryngium thyrsoideum تؤسی:

گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در ریژاو، پاوه، ییستون، تاقه‌وسان، پیرانی کردند، گیلانغه‌رب، و ئیسلام ناوای غهرب می‌روید. (معص)

Eryngium kotschyi تؤسی کهرانه:

بوقناق، زول. گیاهی است که در روستای کانی سه‌یی از توابع خورخوره سقز، به این نام خوانده می‌شود. نگا: تؤسیه کهرانه. (مو) تؤسیه باریکه: گیاهی است. نگا: تؤسی کهرانه. (مو)

Eryngium billardieri تؤسیه کهرانه:

= **E. Kotschyi**

زول، بوقناق. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی جاها آن را «تؤسیه کهرانه» و در روستای کانی سه‌یی از توابع خورخوره سقز آن را «تؤسی کهرانه» گویند. علت و وجه تسمیه این گیاه این است که خر،

پاوه، نهوسو، سه ریئل زه‌هاو، گیتلانغهرب،
ریژاو. (معص)

Malva sylvestris توله - توله که:

پنیرک. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه
که در محل‌های زیر می‌روید: کرماشان،
نیسلام‌ناوای غهرب، سه ریئل زه‌هاو، قه‌سری
شیرین، پاوه، ژووانسهر، سونقوز، جوانزۆ.
(معص)

Tolla: توله (دیل): دستنبو، خربزه کوچک.
نگا: شه‌مامه. (علیر)

توله ترش: گیاهی است ضد انگل. «مام
ریواس». (هه)
توله‌زه‌زه - توله‌زه‌زه:

Atropa belladonna

شاییزک، بلادن. برگ و ریشه‌اش برای شکم
درد و اسهالی مفید است. (هیوا). روه‌ک نام
عربی آن را عنب الثعلب ذکر نموده است و
نام‌های دیگر کردی آن را «زه‌زله، زه‌ه‌روک»
ثبت نموده است و اضافه نموده که گیاهی
است بهاری شبیه گوجه‌فرنگی و ثمری سرخ
وریز دارد که طعمش شبیه طعم گوجه‌فرنگی
است. (رو). هه‌ژار این گیاه را تاجریزی
فارسی دانسته و نام دیگر کردی آن را
«ریژه‌له» نوشته است. (هه). اگر نام علمی آن
درست باشد، مظفریان نام فارسی آن را
شاییزک و بلادن نوشته است. اورنگ، این
گیاه را چنین تعریف نموده است: گیاهی
است تابستانی که یکجور میوه سرخ و ریز
میخوش و ترش مزه نازک دارد. (او)

توله‌ک: پنیرک، گیاهی است. «په‌په‌چه‌وره،
توله‌که». (ابرا). نگا: توله‌که

Malva neglecta

توله که:

آن را دوست دارد و از آن زیاد می‌خورد.
«توسی که‌رانه، توسیه که‌رانه، توسی‌یه که‌رانه،
توسیه که‌رانه».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: نه‌ویته‌نگ، وی‌سهر، په‌نجه
ععلی قوروه، ره‌شنه‌ش، قولقوله‌ی میره‌دی، تا،
سهرچی، ریگای سه‌قو - بانه، ریگای بانه -
سهرده‌شت، ده‌روی‌ان نازس، کۆرکۆره،
سه‌لواتاوی سنه، پالنگان، شاهوی پالنگان،
شاهوی دیوه‌زناو، شاهوی وی‌زیه‌ر، ته‌نگی
وه‌ر، ریگای بیجار - تیکاب، ریگای بیجار -
کوزانی، شاره‌ک، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل،
زه‌رده‌وان، کانی مشکان، کیلانه، دادانه،
که‌رجۆ، هه‌شه‌میژ، زه‌نان، مه‌لکشان،
سهرشیوی مه‌ریوان، که‌له‌کان، توواره‌لا،
ناره‌نان، ژالانه، ته‌ته، ته‌کیه، شیان، ژووانسهر،
جوانزۆ، پاوه. (مو، مظفریان، گۆ)

توق توقيله: گیاهی است، نوعی گیاه
«ته‌قله» است. (هه)

توقيله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)
تولخی: نوعی انگور است. (هه)

تۆلک: پنیرک. نگا: په‌په‌چه‌وره، تۆله‌که، په‌پکه
مه‌لیچکانه. (مو، هه)

تۆلکه: پنیرک. گیاهی است. «په‌په‌چه‌وره،
تۆله‌که، تۆلک، تۆله‌ک، توله، توله، نانی
حاجی له‌گ له‌گ، په‌پکه‌چه‌وره، نانه حاجیله،
سهرین، تۆلکه، توولی». بچه‌ها، میوه این گیاه
را می‌خورند و آن را «کولیره‌چه‌وره» گویند.
نگا: تۆله‌که. (مو، هه، او، دا)

Malva parviflora توله - توله که:

پنیرک گل‌ریز. گیاهی است از رستنی‌های
کرماشان که در محل‌های زیر پراکندگی دارد:

پنیرک، پنیرک معمولی، پنیره. «په په چه وره، په پکه چه وره، تووله، تۆلك، توله که، تۆلكه، نانی حاجی له گ له گ، تۆلك، توله، په نیره». در بعضی منابع فارسی آن را پنیره هم نامیده اند. (معین، مؤلف، برهان قاطع، او، هه، دا، عمید)
Malvav sylvestris توله که:

پنیرک، پنیرک قرمز. گیاهی است از رستنی های کردستان، به علاوه در بعضی جاها از جمله نشور این گیاه را پرورش داده بودند. دارای گل های درشت و بسفش رنگی است. این گونه کمتر است. (مو)

توله که مارانه: گیاهی است. «مار توله کی». (امینی)

توله کی: گیاهی است که در روستای ژیوار از توابع هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: په په چه وره. (مو)

تومات: گوجه فرنگی. نگا: توماتیز. (ابرا)

توماته: گوجه فرنگی. نگا: توماتیز

توماتیز: گوجه فرنگی. نگا: توماتیز

Lycopersicum esculentum توماتیز:

گوجه فرنگی. این گیاه در اغلب روستاهای کردستان کشت می شود و در کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند:

«توماتیز، تهماته، باینجان فیره نگی، باجانا

سۆر، باینجانه سووره، تومات، توماته،

توماتیز، تهماته». * گوجه فرنگی دارای ۱۱/۰

کلسیم، ۲۶/۰ فسفر، ۱۰/۰ منیزیم، ۷۵/۲

پستاسیم، ۲۳/۰ ید و همچنین دارای

ویتامینهای A, B₁, B₂, C, K, PP, E

می باشد. گوجه فرنگی ملین طبع و رافع

یبوست است، مصفی خون است.

توجه: تضعیف کننده معده است. پس از

خوردن گوجه فرنگی آشامیدن دوغ باعث شکم درد است. بهتر است گوجه فرنگی را در آب خودش بپزیم و بعد هنگام مصرف کردن، کره به آن اضافه کنیم تا سنگین نشود. برای کندن پوست گوجه فرنگی، یک دقیقه آن را در آب جوش بیندازید بعد از آب دریاورید و آن را در آب سرد بگذارد بدین ترتیب پوست آن به آسانی کنده می شود. (پزشک صص ۶۸-۷۱، طبیب صص ۱۷۵، مو، هه، من، با)

تومان: نوعی گلایی است. (رو، او، که)

توناولی: گیاهی است. (مو)

تویس: گیاهی است. نگا: تۆسی، تۆس

تویسو: گیاهی است. نگا: تۆسی. (مو)

تویسوو: گیاهی است خاردار. نگا: تۆسی.

(مو، او)

تویسی: گیاهی است که در روستای

کیلهشین و تۆلقۆله میوه دئی، به این نام

خوانده می شود. نگا: تۆسی. (مو، او)

تویسی به که رانه: گیاهی است. نگا: تۆسی

که رانه. (مو)

تویلك - تویلك: نوعی از انواع درخت

توت است. «ززه توه». (هه، رو، او، که)

توو - توت: توت. نگا: تو

تووترك: تمشک. نگا: تووزك

تووتم: سماق. نگا: سماق

تووتن: توتون. نگا: توتن. (که ...)

توودرک: درختچه ای است، تمشک، سه گل.

در روستاهای قلقله و محراب، به این نام

خوانده می شود. نگا: تووزك (مو، او، گز)

توودرک: تمشک. نگا: تووزك

توودره: تمشک. درختچه تمشک. نگا: تووزك

گیاه را بصورت دمکرده برای روان شدن شکم و برطرف نمودن یبوست میخورند. «په‌په‌چه‌وره، توّله‌که» (هه، علیه، مو، له‌ک، او) تووله سه‌وز: گیاهی است بلند که ثمرش شبیه زالزالک است. «توولی سه‌وز» (هه) تووله گزیزی: درختچه‌ای است. نگا: دار ناسن. (مو)

توولی: (له‌ک): پنیرک. گیاهی است با برگ پهن که هم مصرف دارویی و هم غذایی دارد. «په‌په‌چه‌وره، توّله‌که»

توولی سه‌وز: گیاهی است شاخه شاخه ثمری دارد درازتر از کالنج یا آلوی کوهی. خود واژه بمعنی ترکه سبز است. (او)

توونه‌دار: درخت دارچین. نگا: دارچینی
توویی - توویی: توت. (او...)

تووه چهرمه: توت سفید. هم میوه و هم درخت را گویند. «تو، توو، تووی سپیی، تووی چهرمگ» (مو)

تووه زه‌شه: شاه‌توت، توت سیاه. «تووه سووره، گاتوو» (ابرا، هه، او)

تووه سپی: توت سفید، توت درختی سفید. «تو، توو، تووه چهرمه» (رو، مو، او)

تووه سووره: *Morus nigra*

شاه‌توت. درختی است که آن را در کردستان با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «شاتوو، تفره‌وه‌ن، تووی سوور، گاتوو، تووه زه‌شه». در بعضی جاها این درخت پرورش داده شده از جمله در عیسی‌کند و سه‌هولان، درختان تنومند و مرتفع توت وجود دارد و آنها را مشاهده نمودم. این میوه را توت سیاه و توت سرخ، توت قرمز، توت احمر هم گویند. (رو، مو، او، هه، که)

توورچه: تربچه. (رو)

توورکه خاتونی: نوعی از درختچه تمشک است که برخلاف گونه‌های دیگر در زمین پخش می‌شود. این درختچه را در روستاهای زنج و باقلاوای شیخ حسه‌ین از توابع سنندج به این نام می‌خوانند. (مؤلف)
توورکه نهرمه: نوعی از تمشک است که در رشنش به این نام خوانده می‌شود. (مو)

توورگ: تمشک. نگا: توورک

تووره که شوانه: گیاهی است که در عربی آن را (کیس الراعی) گویند، گیاهی است دارویی که در آمیدی و در رواندز و سلیمانی می‌روید. (رو)

تووری زه‌ش: *Raphanus maritimus*
ترب سیاه. (مو)

تووری کیویی: ترب کوهی. گویا ریشه خردل است. (مو)

تووز: ترتیزک آبی. «کوزوله» (هه)
تووزک: ترتیزک. گیاه تندمزه یا تند و تیز. نگا: ته‌زه‌تیزه. (هه، او)

تووزه‌رد: (کرماشانی): نوعی هندوانه که درون آن زرد است

تووزه‌ک: شاهی، ترتیزک. «ته‌زه‌تیزه، تووزک»
تووس: گیاهی است. نگا: تووسی. (هه)

تووسیه که‌رانه: نگا: تووسی که‌رانه. (مو)
تووله: پنیرک. گیاهی است خزنده و پایا با ساقه‌های کرکدار منشعب * این گیاه دارای خواص ضد التهابی و مسهل ملایم است، بعلاوه تسکین دهنده، ضد سرفه و خلط‌آور است و با مخلوطی از برنج و پنیرک، خوراکی به نام «ناش تووله» تهیه می‌کنند * در طب سنتی نیز، سرشاخه‌های گلدار این

تَوَوَه سِی: گیاهی است. نگا: تومی. (مو)
تووه فهرنگی: *Fragaria vesca*

توت فرنگی. گیاهی است که در تعداد زیادی از روستاهای کردستان به منظور استفاده از میوه آن پرورش داده می شود. از جمله محل هاییکه توت فرنگی پرورشی آنها هم از لحاظ کیفی و هم به جهت کمی قابل توجه است و رقمهایی از صادرات این میوه را به خارج از استان تشکیل میدهند می توان محل های زیر را نام برد: هه شه میژ، ته کیه، شیان، روستاهای بخش سروآباد از توابع مریوان، گواز، سهریز، ته وریور. (مو)

تووه فهرنگی: در بعضی جاها از جمله روستای کرجو از توابع شهرستان سنندج به «تووه سووره» می گویند. (مو)
تووه فهره نی: توت فرنگی. نگا: تووه فهرنگی. (مو)

توویر: تَرَب. نگا: تَرَب. (هه)
تسوویرك: (لهك): تمشك. «تسووزك، تووتوگ». (مو، لهك)
توویسیه كه رانه: گیاهی است. نگا: توویسیه كه رانه. (مو)

تویز: ترتیزك آبی، جیرجیر. نگا: کووزه له
تویزه له: ترتیزك آبی، شاهی آبی، بولاغ اوتی. به عربی آن را (قرة العین، كرفس الماء، جرجیر الماء) گویند. این گیاه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «کووزه له، تویزه له، کووز، کووزی، کویز، تویز، کوویز، گیای کووز، کوویز»

ته پله زهش: پای خر. (مه)
ته پله قو: *Spiraea crenata*

اسپیره. درختچه ای است از رستنی های

کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «ته پله قو، ته وله قو، ته پله قو، ته پله قوو». برگهایش تقریباً شبیه برگ انار و رنگ ساقه هایش نیز تقریباً شبیه رنگ ساقه انار است. (مؤلف، او، هه، مظ، که)

ته پله قوو: نگا: ته پله قو

ته پله قو: درختچه ای است که در روستای بست به این نام خوانده می شود. برگهایش شبیه برگ انار و رنگ ساقه هایش تقریباً شبیه رنگ ساقه انار است. نگا: ته پله قو. (مو)

ته پله گه وُن: *A Stragalus paralurgis*

گونه ای گون است که آن را «ته پله گه وُن، ته پله گه وُن، گه وُن ته پله» گویند. وضع ظاهر آن به نحوی است که گیاه دور ساقه پهن گردیده به نحوی که ساقه دیده نمی شود. مثل «نانه شان» پهن شده است.

محل رویش - ژالانه، ته ته، ژوانسهر، جوانزق، پاوه، تا، سهرچی. هه والآن، کوسالآن. در منابع (رو، گز) نیز نام این گیاه آمده است. (مو، که)
ته پله گه وُن: گونه ای از گون است که صمغ یا کتیرای آن بهتر از کتیرای گون سیاه است. نگا: ته پله گه وُن.

ته تا فاك: نعنّا. «ته عنا». (ابرا)

تهتا فاك: نعنّا. «ته متافك»

تهتاوك: نعنّا كوهی. (هه)

ته تهران: *Isatis cappadocica*

وسمه آذربایجانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در زرینه ورمزیار «ته تهران» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر، مشاهده نمودم: باخان، بهردی سپی، زه زینه ی ورمزیار، گهرده نی ماموخ، کانی نیمه روزه،

بلچه سوور، شیان، ته‌کیه، سه‌هویه، کۆسالان.
در روستای گلپه، این گیاه را ۳ نوع میدانند:
۱- ته‌زازه‌ن گۆل که وه ۲- ته‌زازه‌ن گۆل سوور
۳- ته‌زازه‌ن گۆل زهره‌د. (مو)

ته‌ربی: ۱- درختی است کوهستانی همیشه
سبز، میوه‌ای دارد گرد و سرخ رنگ مثل
آلبالوی کوهی که خوردن آن مسهل است.
(رو) ۲- درختی است کوهستانی، دارای
میوه‌ای گرد و سرخ مانند زالزالک که برای
روانی شکم آن را می‌خورند. (او) ۳- در
بعضی از روستاهای مریوان به درختچه
«ته‌زه‌ونه» گویند. نگا: ته‌زه‌ونه. (مو)

ته‌زبی: ۱- درخت آلبالوی کوهی
«داربلالوکه کتوبله». (هه) ۲- درختچه‌ای
است که در بعضی از روستاهای مریوان به
این نام خوانده می‌شود. «ته‌زه‌ونه». (مو)
ته‌رخون: *Artemisia dracunculus*
ترخون. «ریشالۆک، ته‌رخون، ریشالوو».
(هه، با، او، گۆ، رو، مو، مظ، که)

ته‌رزه مارانه: گیاهی است که در روستای
پالنگان، به این نام خوانده می‌شود. نگا: میوه
مارانه. (مو)

ته‌رک: گیاهی است که در ارتفاعات بالای قله
کوهها می‌روید * برای درمان سرفه و
سرم‌خوردگی بکار می‌رود. (رو)
ته‌رکه: نگا: ته‌رک

ته‌رگه‌ز: گونه‌ای از خیزران. (او)
ته‌رله: گیاهی است بهاری و خوردنی که در
میان سنگلاخها می‌روید و مانند سبزی
خورده می‌شود، در میانه رویش دارد. (هه،
او، مو، رو، که)
ته‌رو - ته‌روو: درختچه‌ای است جنگلی.

هه‌وه‌تو، نه‌تاج‌ناوای دیوانده‌ره، زیگه‌ی
میره‌دی - پیرعومهران، سارال، زیگه‌ی که‌وله -
کۆل، خورخوزه‌ی سه‌قز، سه‌رشیوی مریوان،
به‌رقوزو، بلچه سوور، شیان.

«عوومرم ته‌ته‌ران، رۆح‌م ته‌ته‌ران
ته‌ته‌ران ته‌ده‌م باخی یه‌که ته‌ران»
(مو، معر)

ته‌ته‌ران: *Isatis gaubae*
وسمه پل زنگوله‌ای. گونه‌ی دیگر این گیاه است
که عده‌ای از اهالی زه‌زینه آن را «ته‌ته‌ران»
گویند. (مو، معر)

ته‌ته‌ری: سَماق. نگا: سَماق. (هه)
ته‌حلک: نوعی گرمک است. (هه)
ته‌حله سیف: هندوانه‌ی ابوجهل، خربزه
روبه، خربزه‌ی تلخ خودرو. در عربی حنظل
گویند، خود واژه بمعنی تلخه سیب است.
«کاله‌که مارانه، گوژالک، ته‌حله‌سیف». (هه، او)
ته‌حله سیف: نوعی از «کاله‌که مارانه»
است. (رو، که)

ته‌حلی: ۱- گیاهی است تلخ مزه. «تالیشکه،
گیای که‌وان» ۲- گیاهی است که آن را کاسنی هم
گویند ۳- تلخی، مزه‌ی تلخی. (هه، او، رو، که)

ته‌زازه‌ن: *Rhabdoscladium aucheri*
شلیل. گیاهی است از رستنی‌های کردستان
که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و
می‌شناسند: «ته‌زه‌زن، ته‌زه‌زن، ته‌ره‌زن،
ته‌زه‌زن، ته‌زازه‌ن».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: خورخوزه‌ی سه‌قز، کۆرکۆره،
شاره‌ک: سالیان، قوقوله‌ی میره‌دی، زه‌شنه‌ش،
هه‌شه‌میز، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، گلپه،
سه‌رشیوی مریوان، ته‌ته، ژالانه، ته‌له‌به‌رد،

می‌خورد. نگا: ته‌ره‌بنه. (رو، که)

ته‌ره‌په‌نه: گیاهی است. نگا: ته‌ره‌په‌نه. (هه)

ته‌ره‌پیاز: پیازچه، برگ نازک پیاز، پیاز تازه،

پیاز سبز برگ‌دار. «گه‌لا پیازی ناسک، پیازی

شین». کرماشانی: ته‌ره‌پیاز. (کرمانشاهی، او،

هه، ابرا)

ته‌ره‌پیواز: نگا: ته‌ره‌پیاز. (او)

ته‌ره‌تووره: شاهی، ترتیزک. «ته‌ره‌تیژه».

بمعنی پنیرک هم آمده است. (هه، او، رو)

ته‌ره‌توله‌که: ۱- پنیرک، نان کلاغ در هنگام

تری نگا: توله‌که. ۲- چیزی ارزان و کم بها و

فراوان. (او)

Lepidium sativum ته‌ره‌تیژه:

شاهی، ترتیزک، کرماشانی: ته‌ره‌تیژه.

«ته‌ره‌تووره، تووزه‌ک، تووزک، ته‌ره‌تیژه». (هه،

مو، او، مه‌کرمانشاهی، گژ، ابرا، که)

Lepidium pereicum ته‌ره‌تیژه:

تره‌تیزک وحشی. گیاهی است از رستنی‌های

کرماشان که در محل‌های زیر می‌روید:

سونفور، کنگارو، کوه دالاخانی، کوه بیستون. (معص)

Raphanus ته‌ره‌تیژه:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در

کوه «به‌وروپه‌ریشان» قروه می‌روید و در

بعضی از روستاهای قروه آن را «ته‌ره‌تیژه»

گویند و در جوانی آن را می‌خورند. (مو)

ته‌ره‌ژن: گیاهی است که آن را: «ته‌زازه‌ن،

ته‌زه‌زه‌ن» هم گویند. نگا: ته‌زازه‌ن. (هه، مو، او)

ته‌ره‌زه‌ن: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در مناطق مختلف، آن را با

نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند:

«ته‌زازه‌ن، ته‌زه‌زه‌ن، ته‌رازن، ته‌زه‌ژن،

ته‌زه‌ن». در خورخوره سقز و کۆرکۆره‌ی

این درختچه را می‌پیچانند برای دفع زگیل

«بۆ‌بالوکه، بنی‌باده‌دن». اورنگ می‌نویسد که

در فرهنگ مهاباد بمعنی درخت سیسبان و

سرما‌ی سخت آمده است، درخت کوچک

تلخی است که در میان آب روید. «ته‌زه‌ونه،

ته‌زه‌ژن، تیرو، ته‌ری، تیروی». (هه، رو، او، بر)

ته‌روانه: درختچه‌ای است. «ته‌زه‌ونه،

ته‌زه‌بنه، ته‌ره‌بنه، تیرو». (مو)

ته‌روزی: خیار چنبر. «تروزی، چه‌میله،

کالیاری فدریک و کال». (هه، او)

ته‌روژه: درختچه‌ای است که در روستای

بست به این نام خوانده می‌شود. «ته‌زه‌ونه،

ته‌رونه، ته‌زه‌بن، ته‌رونه». (مو)

ته‌روژه: درختچه‌ای است. «ته‌زه‌ونه، ته‌روژه،

تیرو». (مو)

ته‌روزی: خیار چنبر. نگا: تروزی. (او)

ته‌ره: ۱- تره، تره‌فرنگی. نوعی سبزی

خوردنی است. «که‌ور» ۲- میوه جالیزی.

له‌کی: ته‌ره. (او، هه، له‌ک)

ته‌ره‌بن: درختچه‌ای است که در بعضی جاها

از جمله روستاهای خواشت و ته‌کیه، به این

نام خوانده می‌شود. «ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌بنه». (مو)

ته‌زه‌بنه: درختچه‌ای است که در روستای

گلپه از توابع مریوان و در میانه و زنه‌ان از

توابع سنندج و در بعضی از روستاهای

شهرستان سه‌قز، آن را «ته‌زه‌بنه» می‌نامند.

«ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌بن، تیروو، ته‌ره‌بنه». (مو)

ته‌ره‌بنه: درختچه‌ای است * در طب سنتی،

خوردن روزی ۷ عدد از میوه رسیده این

درختچه را برای درمان بواسیر مفید می‌دانند.

«ته‌زه‌ونه، تیرو». (مو)

ته‌ره‌په‌نه: گیاهی است که دام آن را

درختچه‌ای است که سراسر سلسله جبال زاگرس را می‌پوشاند و علاوه بر ایران و کردستان ایران، در کردستان ترکیه، کردستان عراق، ماورای قفقاز، افغانستان و پاکستان نیز می‌روید. در کردستان، این درختچه را با نسام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌ون، ته‌روو، تی‌زیک، تی‌وو، تی‌روئی، ته‌زه‌ون، ته‌زه‌بن، ته‌زیننه، ته‌زیننی، ته‌زه‌بنه، تی‌رو».

محل رویش و مشاهده: در محل‌های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: دریندزلی، ژالانه، وه‌زه‌را، رشنش، گلیه، عه‌والان، جاده سربناو - تنگی‌سر، کۆله‌ساره، جاده سنندج - کره‌سی - هشمیز، جاده کلکان - بست، گردته صلوات‌آباد، کۆره میانه، خورخۆزه، نه‌که‌روژ، پی‌روه‌مه‌ران، ئاویه‌ر، هه‌شه‌میز، دوروق، خواشت، چه‌م ده‌ره‌زه‌نجیر، کۆرکۆره، گواز، ده‌ره‌ویان فازس، کۆژ و دۆزه‌غهره، پالنگان، شاهۆی پالنگان، شاهۆی وی‌زیه‌ر، شاهۆی ته‌نگی‌وه‌ر، ته‌نگی‌وه‌ر، ریگی بیجار - تیکاب، قولقوله‌ی میره‌دی، چل چه‌مه، نه‌ویه‌نگ، سه‌رشوی سه‌قو، ته‌کیه، سولتان نه‌حمه‌د، هه‌ره‌رامان، ژیوار، کۆسالان، گهلین، خانه‌گای گهلین، کوچکه‌سور و مرتفع‌ترین قسمتهای این کوه در لابلای سنگها، که‌وبگار (در ۱۲ کیلومتری شهر کامیاران)، سه‌راو که‌وبگار، سولتان نه‌حمه‌د، باخان، ده‌ره‌ویان فازس، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مه‌ریوان، ته‌ته، ژالانه، پلچه‌سور، ته‌له‌بورد، شیان، ژوانسه‌ر، جوازۆ، پاوه. این درختچه در محل‌های زیر از استان کرمانشاه نیز می‌روید: دالاهو، کرماشان، ئیسلا‌م‌ئاوای غهرب، گیلانغهرب،

سنندج آن را «ته‌زه‌ونه» گویند. وجه تسمیه این گیاه این است که تا نزدیکیهای زمستان سبز و همیشه تر است و بدینجهت آن را «ته‌زه‌ونه» گویند. گیاهی است خوشبو و معطر و علوفه خوبی برای گوسفندها است. نگا: ته‌زازه‌ن. (مو، گۆ، هه، او) ته‌زه‌ونه: نگا: ته‌زازه‌ن. (او)

ته‌زه‌سلیمانه: *Chenopodium album* سلمه‌تره، سلمک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: میانه، کۆسالان، جاده سنندج - هشمیز (جاده پایین)، ده‌ره‌که‌وله، ته‌کیه، سه‌رشوی مه‌ریوان، شیان، پاوه. این گیاه را داخل آتش دوغ و دوغبا می‌ریزند و می‌خورند. بعضی آن را «سه‌لمکه» گویند و بعضی دیگر «ته‌زه سلیمانه» نامند. حدود ۵۰ سانت ارتفاع دارد. (مو، هه، او)

ته‌ره‌وون: درختچه‌ای است. «ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌ون، ته‌رو، ته‌روه‌نه». نگا: ته‌زه‌ونه. (هه، مو) ته‌زه‌وون: درختچه‌ای است که آن را: «ته‌زه‌ونه، ته‌روو، ته‌زیننه، تی‌رو» نیز گویند. میوه‌ای دارد قرمز رنگ شبیه «بلا‌ل‌وکه کیویه» و تقریباً به همان اندازه. ارتفاع این درختچه تا حدود ۱/۵ متر است. نگا: ته‌زه‌ونه. (مو)

ته‌زه‌وون - ته‌ره‌وون: درخت کوچک تلخی است که در میان آب می‌روید. (او)

ته‌زه‌ونه: *Daphne mucronata*

= *D. Angustifolia*

= *D. acuminata*

دافنه، برگ بوئی زاگرسی، خوشک.

شبيه آلبالوی کرهی. (هه)

ته‌قژك: نوعی انجیر است. (هه)

ته‌قژینه: خاری است که در ساختن پرچین

آن را بکار برند. (هه)

Leontice minor

ته‌ق ته‌قه:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در

روستای شیخ شهریه‌تی از توابع مریوان آن را

«ته‌ق ته‌قه»، در صلوات آباد سنندج آن را «گول

ته‌قه» و در بعضی جاها «ته‌قه» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمه، سه‌لواتاوی

سسه، شیخ شهریه‌تی، ئاریزو، ئاویه‌ر،

حه‌سه‌ناوی سسه، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، نیاوا،

به‌رتوزوو، ریگی سسه - مریوان، نگل،

ره‌شنه‌ش، دایک‌کش، پالنگان، شاهزی پالنگان،

شاهزی وی‌زیه‌ر، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین،

مازی‌بن، ده‌گاگا، زه‌زاو، گلپه، کوسالان،

خواست، ریگی که‌له‌کان - بست. علاوه بر

کردستان، در بسیاری از مناطق و کوه‌های

کشور می‌روید. در محل‌های زیر هم آن را

مشاهده نمودم: که‌رجو، هه‌شه‌میژ، ریگی

بیجار - کوزانی، نجن، سالیان، ریگی

دیواندره - بیجار، وتره‌زه‌وی، نه‌ویه‌تگ،

سه‌رشوی مریوان، زوانسه‌ر، پاوه، هوپه،

سه‌روهپه، چه‌م دهره زه‌نجیر، کانی حه‌مین

به‌گ. (مو، معر، فلور ایران)

ته‌قلق‌که: گیاهی است. نگا: ته‌قله. (مو، رو، گژ)

Bongardia

ته‌قله:

نوعی گیاه «ته‌قله» است که در بسیاری از

کوه‌های کردستان رویش دارد.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: شاهق، گه‌لین، خانه‌گای

سوتقوز، ورمنجه و کیوه‌کانی بنی‌گژ و بلخان.

نگا: تیرو. (مو، او، هه، مه‌رو، علیر، بر، معص)

تیره‌وهن: نگا: ته‌زه‌ونه. (مو)

ته‌زینه - ته‌زینه: درختچه‌ای است که در

هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود و در

جا‌های دیگر آن را با نام‌های زیر می‌نامند:

«ته‌زه‌ونه، ته‌رینه، تیپرو، ته‌رینی» * میوه آن

در طب سنتی برای درمان شکم درد بکار

می‌رود. نگا: ته‌زه‌ونه. (مو، او، رو، هه، که)

ته‌ریو - ته‌ریو: درختچه‌ای است. در

روستای دهره‌ویان فآرس و بعضی از

روستاهای مریوان به این نام خوانده

می‌شود. «ته‌زه‌ونه، ته‌ری، ته‌رو». (مو)

ته‌ریوله‌ك: درختچه‌ای است از رستنی‌های

کرمانشاه. نگا: ته‌زه‌ونه. (معص)

ته‌ریی: درختچه‌ای است. «ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌ون،

ته‌زونه، کفر». (رو، مو)

ته‌رینی: درختچه‌ای است که در هه‌ورامان

به این نام خوانده می‌شود. «ته‌زه‌ونه، تیپرو،

ته‌زه‌ونه». (مو)

ته‌شته‌کیی: گیاهی است که گویند برای

درمان سرفه مفید است. (مو)

ته‌شنه‌داریی: گیاهی است از آن پماد

سازند. (هه)

ته‌شه‌نه‌ك: گیاهی است که در سوورکه‌ؤل به

این نام خوانده می‌شود و آن را «گه‌ؤن

جه‌باری» نیز گویند. (مو)

ته‌عژ: ۱- نوعی انگور سیاه ۲- ثقاله سرکه

کشمش. (هه)

ته‌فاره: انجیر، نوعی انجیر

ته‌فاری: یکجور انجیر نایاب است. (او، هه)

ته‌ق‌ری: ۱- گیاهی است ۲- درختی است

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: حه‌والآن، گازان، سولتان نه‌حمه، ره‌شنه‌ش، به‌ورو پهریشان، نه‌ویه‌نگ، ریگای که‌له‌کان - بست، چل‌چه‌مه، گلیه، شاره‌کی بیجار، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل، سهرشیوی مهربوان، بلچه‌سور، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، زوانسر، پاوه. (مو)

ته‌قله‌ی گۆش مشکى: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

ته‌قه: گیاهی است. «ته‌قله، ته‌قلۆکه». (مو)

ته‌قه ئاله‌تیی: گیاهی است، نوعی از گیاه «ته‌قله» است که به این نام خوانده می‌شود. (مو)
ته‌قه‌گه‌ۆن: نوعی از گون است که آن را «ته‌قله‌گه‌ۆن» نیز می‌نامند. در بعضی جاها آن را «نشله‌گه‌ۆن» گویند. (مو)

ته‌قیله: *Leontice leontopetalum*
گیاهی است که در روستای زه‌تان به این نام خوانده می‌شود. همان «ته‌قله‌ی کشمیشی» است. (مؤلف)

ته‌قیله: گیاهی است که در روستاهای گهلین و حه‌سه‌ناوای سنه، به این نام خوانده می‌شود. نگا: ته‌قله. (مو)

ته‌لان تزه: گیاهی است بهاری که در پله‌های کوه و سنگ می‌روید. نگا: ته‌لاته‌تزه. (او، رو، که)
ته‌لاته‌تزه: گیاهی است که در ارتفاعات می‌روید. نگا: ته‌لان تزه. (او، رو، هه)

ته‌لم: *Allium ampeloprasum. var.*
گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر پراکندگی دارد: کرماشان، ره‌حمه‌تاوای پاوه، کړندی غهرب، ئیسلام‌ئاوا، مایی‌ده‌شت. این گیاه را «سیرموکه» نیز گویند. (معص)

گهلین، که‌ل هه‌مرو، سولتان نه‌حمه، ئاویر، ژالانه، ته‌ته، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، نیر.
ته‌قله (ته‌قله‌ی کشمیشی):

Leontice leontopetalum

چاق چاق کک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در اغلب جاها از جمله وئ‌سهر، آن را «ته‌قله» گویند و در جاهای دیگر آن را: «ته‌قیله، گیاه‌ته‌قله، ته‌قلۆکه» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نیاوا، به‌رتوژوو، وئ‌سهر، زه‌شنه‌ش، وتره‌زه‌وی، نه‌ویه‌نگ، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، ریگه‌ی بانه - سه‌تز، گهلین، خانه‌گای گهلین، زه‌نان، مه‌لکشان، سهرشیوی مهربوان، نه‌که‌روژ، ریگه‌ی سه‌تز - مهربوان، قه‌له‌بهرد، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، زوانسر، پاوه، جوانزۆ، کانی حه‌سین به‌گ، نه‌سپهریز، هه‌جیج. (مو، معر، فلور ایران)

ته‌قله‌جنانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

ته‌قله‌گه‌ۆن: *Astragalus poterium*
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در کردی «ته‌قله‌گه‌ۆن» و «ته‌قه‌گه‌ۆن» می‌نامند. محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: حه‌والآن، کۆسالن، ئاویر، سهرشیوی مهربوان، پاوه. (مؤلف)

ته‌قله‌نهرمه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

ته‌قله‌ی چه‌رمگ: *Silene ampullata*
سیلن حبایی، سیلن فانوسی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان دارای شاخه‌های زیاد که در کنار هم می‌رویند و دارای گل‌های سفید زیبا که بصورت ته‌قله و توخالی است.

تەلم: تره کوهی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در ارتفاعات به ورو پەڕێشان قروه نیز می روید و اهالی دور و بر بدر و پریشان آن را با نام «تەلم» می نامند و می شناسند. نگا: کنیوال. (مو)

تەلووک: *Pallurus spina - christi*

= *Rhamnus pallurus*

سیاه تلو. درختچه ای است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «تەلووک، تەلوک، دژکەزی، تەلووک، تەلووکی، دژکەزی». درختچه ای است خاردار که در اغلب نقاط جنگلهای مخروطیه وجود دارد. شبیه دلیق است، خارهایش مانند خار زالزالک است. میوه اش چوبی است. گاهی برای ساختن پرچین از آن استفاده می کنند.

محل رویش - در محل های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: دهره بن دزلی، مه لکشان، نشور، یه میتان، گهرده نهی سه لواتاوا، هه ورامان، دهوریشان، کۆرکۆره، تەنگی وەر، گواز، پالنگان، محراب، ریگه ی سنه - کەزەسی - هه شه میژ، نراز، تەنگی سەر، ریگه ی سەربناو - تەنگی سەر، میراو، کوچک چنار (جزو تاینه)، زەنان، سەرشوو، روانسەر، جوانزۆق، پاوه. (مو، مظ، ثابتی، رو، هه، او، ابرا، گۆ)

تەلووک: نگا: تەلووک

تەلووکە کیفی: درختچه ای است که در روستای کۆرکۆره سەندج به این نام خوانده می شود. نگا: تەلووک (مو)

تەلووکی: درختچه ای است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: تەلووک. (مو) تەله مار: گیاهی است دارویی و از

رستنی های کردستان. (نادر)

تەماتە: گوجه فرنگی. «تۆماتیز، باژانا سۆر، باینجانی سوور». (هه، کرمانشاهی، ابرا، گۆ، لهک، مو، او، که)

تەماتە کیفیله: گیاهی است از رستنی های کردستان از جمله خوزخۆزه ی سه قۆ. «تەماتە مارانه». (مو)

تەماکو: *Nicotiana*

توتون، تنباکو. کرمانشاهی: تەماکوو. لهکی: تەماکوو. در مناطق دیگر کردستان این گیاه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «تەماکو، توتن، توتوتن». (مؤلف، کرمانشاهی، ابرا، او، هه)

تەماکوو: (کرماش - لهک): تنباکو، توتون.

نگا: تەماکو. (درو، هه)

تەمەرهندي: تمبرهندي، درختی است. (ابرا)

تەمەری هندی: خرما ی هندی که ترش مزه است. (او). که مال، آن را «تەمەرهندي» نوشته است.

تەمشک: تمشک. نگا: تووزک. (ابرا، مو)

تەمه له پاکەر: (کرمانشاهی): گل قاصد. تنبل پیدارکن.

تەمیشک: تمشک. «تووزک، تووتۆک،

تەمشک». نگا: تووزک. (ابرا، او، مو)

تەنبەکی: تنباکو. نگا: تەماکو. (او، هه)

تەنس: تنگرس، بادام خارآلود. درختچه ای است. نگا: تەنگس. (مو)

تەنسک: تنگرس. درختچه ای است که در روستای زۆنج از توابع سەندج به این نام خوانده می شود. نگا: تەنگس. (مو)

تەنگر: درختچه ای است. هه ژار آن را چنین تعریف نموده: «داریکی دوهه بهری وهک

مشاهده نمودم: تهویه‌نگ، (بالاترین ارتفاعات کوچکه‌سور)، هویه، سهرویه، ره‌شنه‌ش، دزئله، بنیه، خانه‌گای جوجو، زونج، پیرخه‌یران، باقلاوای شیخ‌حسین، ریگه‌ی سنه - که‌زه‌سی، هه‌شه‌میز، چل‌چمه، داذه‌نه‌ی که‌مانگه‌ر، سهرشیوی سه‌قز، گهلین، خانه‌گای گهلین، خواشت، ده‌وریشان، حه‌سه‌ناوای سنه، چه‌م ده‌ره زه‌نجیر، ئاویره، ته‌نگی‌وهر، که‌رجو، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، هه‌ورامان، ژیوار، هه‌جیج، شاهق، ده‌روبه‌ری ئاوی بل، و در حوزه سیروان، کرماشان و جاهای دیگر هم پراکندگی دارد. بین سنج - کرماشاه، بیستون، تاق‌بستان، زه‌نان، بلچه‌سور، سهرشیوی مه‌ریوان، شیان، هه‌شه‌میز، ته‌کیه، زوانسه‌ر، جوانزق، پاوه.

(مو، مظ، بر، طرح، فلور ایران، هه، دا)

ته‌نگس: *Amygdalus eburnea*

بادام خاکستری، بادام وحشی. درختچه‌ای است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: گیلان‌تغ‌رپ، ته‌سری شیرین، سه‌ریئل زه‌هاو، کرماشان.

ته‌نگه‌ز: تنگرس. نگا: ته‌نگس. (مو)

ته‌نگه‌زه‌کولی: نوعی از درختچه‌ی تنگس «ته‌س» است که در ژیوار به این نام خوانده می‌شود. (مو)

ته‌نگه‌زی: درختچه‌ای است که در روستای ژیوار، به این نام خوانده می‌شود. نگا: ته‌نگس. (مو)

ته‌نگه‌ژی: بادام تلخ. نگا: هه‌رجن. (نادر)

ته‌نگه‌س: درختچه‌ای است. نگا: ته‌نگس. (مو)

ته‌نگیر: درختچه‌ای است. نگا: ته‌نگس

ته‌نگیز: درختی است خاردار که خارهای

به‌ری بادام ده‌چن. با توجه به تعریف فوق بنظر می‌رسد همان «ته‌نگس» باشد. (هه، مو) ته‌نگز: سفیدخار. درختچه‌ای است خاردار. «ته‌نگس، چالووک». (هه، مو)

ته‌نگس: *Amygdalus lycioides*

var. lycioides

تنگرس، بادام خارآلود. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان حدود یک متر و گاهی تا ۲ متر ارتفاع دارد. دارای خار فراوان، شاخه‌های جوان بدون کرک متمایل به قهوه‌ای، شاخه‌های سال قبل خاکستری متمایل به سفید. دارای توان اکولوژیکی بالا و دامنه پراکنش وسیع است، در حوزه سیروان در ارتفاعات ۷۵۰ تا ۱۸۰۰ متر می‌روید. و گاهی تا ۲۹۰۰ متر ارتفاع هم می‌روید. این درختچه را در گوریشها و مناطق کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «ته‌س، ته‌س، ته‌نگه‌ز، ته‌نگه‌زی، ته‌سک، تینگیز، ته‌نگس، چالووک، ته‌نگز، تنگز، تنز، ته‌نگس، چالووک». پیش از دیگر درختان و گیاهان بهار را خبر می‌دهد و گل‌هایش را ظاهر می‌نماید. ته‌نگه‌ز نام یکی از خدایان پیام‌آور در نوبهار است که در کتاب تاریخ اورامان قدیم و در تاریخ هرودوت ته‌س (Tanas) گفته شده است. میرزا عبدالقادر شاعر اورامانی در اشعار خود به این درختچه اشاره نموده است:

«ته‌نگه‌ز دروژن برالووت‌ه‌یار

سیای وشکه‌دار نیشانه‌ی به‌هار

نه‌شکوفه‌ی وش بق‌ته‌نگه‌زان وه‌شن

سه‌یر توول ته‌ز وه‌هاران وه‌شن»

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

بسیار تیز دارد و گل آن مانند کاسنی باشد،
آتش هیزمش خیلی تند و تیز است. نگا:
ته‌نگس. (او، امید)

ته‌نه‌زی: درختچه‌ای است که در هه‌ورامان
به این نام خوانده می‌شود. نگا: ته‌نگس. (مو)
ته‌نه‌س: تنگرس. درختچه‌ای است که در
روستای ته‌کیه از توابع سنندج و بعضی
جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا:
ته‌نگس. (مو)

ته‌وویزی: ۱- نام درخت تبریزی است:
Populus ۲- نوعی انگور است ۳- نام
سنگی است که با آن در ترازو چیزی را
می‌کشند و وزن می‌کنند و آن عبارت از یک
من تبریز است. (او، مو، رو، مظ، هه)

ته‌وله: گیاهی است که در ده‌وریشان با نام
مزبور خوانده می‌شود * آن را روی دمل
می‌گذارند که زودتر برسد. نگا: په‌په‌چوره. (مو)
ته‌وله‌قو: *Spiraea crenata*

اسپییره. درختچه‌ای است از رستنی‌های
کردستان که در فارسی آن را اسپییره و در
گردی «ته‌وله‌قو، ته‌پله‌قو، ته‌وله‌قو»
می‌نامند. در بست آن را ته‌پله‌قو و در میانه و
رشنش و خیلی جاهای دیگر ته‌وله‌قو
می‌نامند. این درختچه را در محل‌های زیر
مشاهده نمودم: چهل چشمه، میانه، رشنش،
خورخوره، کانی سه‌بی. نگا: ته‌پله‌قو. (مو، مظ)
ته‌وله‌قو: درختچه‌ای است. گلهای این
درختچه را دارویی می‌دانند. در بعضی جاها
برای پرچین از آن استفاده می‌کنند. نگا:
ته‌پله‌قو. (مو)

ته‌وله‌که: پنیرک. گیاهی است که در
روستاهای نواز، می‌راو، تا به این نام خوانده

می‌شود. «په‌په‌چوره، ته‌له‌که». (مو)

ته‌وله‌کسی: گیاهی است که در روستای
پالنگان از توابع شهرستان کامیاران به این نام

خوانده می‌شود. نگا: په‌په‌چوره. (مو)

ته‌ووسکه - ته‌وسکه: انجیر کوهی.
درختچه‌ای است. «هه‌نجیره کیویه». نگا:

هه‌نجیر. (رو، هه، او، که)

ته‌وه‌س: نوعی توتون است. (مو)

ته‌هتافک: نعنای کوهی. «پنگه کیویه،

ته‌تافک». (هه، او)

ته‌یلکی: درختی است. «تایله، تاوگ، تاووک».
(مو)

تی: توت. «توو، تفی». نگا: تو - توو. (له‌ک،
مو، علیر، هه)

تیتن: توتون. نگا: توتون. (هه)

تیتۆك: شلغم. «شیلیم، شله‌م». (هه)

تیتلیسك - تیتلیسك: گیاهی است آبزی و
همیشه سبز. (او، رو، هه، که)

تیرپ: (دی‌لورآنی - له‌کسی): ثرب.
گیاهی است از تیره چلیپاییان که سبزی
خوردنی است و ریشه‌اش ضخیم و خوراکی
است. «ترپ، توور، تره‌و، تفر». نگا: ترپ.
(علیر، له‌ک)

Sinapis aucheri تیرپوکه:

خردل زاگرسی. گیاهی است که در استان
کرمانشاه پراکندگی دارد. (معص)

Sinapis arvensis تیرپوکه:

= *Barssica sinapis*

خردل بیابانی. گیاهی است از رستنی‌های
کرمانشاه که در محل‌های زیر پراکندگی دارد:
بیستون، کرمانشاه، نیسلاام‌ناوای غه‌رب،
گیتلان‌غهرب، سه‌پیل‌زه‌او، پاوه. (معص). در

کردستان هم می‌روید. (مو)

Daphne

تیرو - تیروو:

درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان *
از زمانهای قدیم و در طب سنتی مواردی را
به این درختچه نسبت داده‌اند: ۱- اشخاصی
که مرض باد دارند، شاخهٔ این درخت را
می‌پیچانند تا خشک شود و بیماری آنان
بهبود یابد. ۲- در بعضی جاها دختران دم
بخت، شاخه این درخت را پیچ می‌دهند و
نیت می‌کنند که تا سال آینده شوهر کنند و
همراه شوهر به کوه رفته و این درختچه را
دوباره ببینند ۳- در بعضی جاها، شاخه‌های
این درخت را می‌پیچانند که زگیل آنها از بین
برود. ۴- کبک، میوه این درختچه را دوست
دارد و از آن می‌خورد و عطش و تشنگی وی
را تسکین می‌دهد. نگا: ته‌زه‌ونه. (مو، هه، او)
تیرو: درختچه‌ای است که در قلقله‌ی میرده،
به این نام خوانده می‌شود. ته‌زه‌ونه، ته‌زه‌ونه،
ته‌زه‌ونه، ته‌رینه. نگا: ته‌زه‌ونه.

تیرو - تیروو: درختچه‌ای است. ته‌زه‌ونه،
ته‌روانه، ته‌زه‌ونه، تیرو، تیرووی، ته‌رو، داری
تیرو. (مو، هه، او)

تیرووی - تیرووی: درختچه‌ای است که در
بعضی جاها از جمله تعدادی از روستاهای
مهاباد، به این نام خوانده می‌شود. ته‌زه‌ونه،
تیرو. (مو)

تی‌رریک: (دیل): تمشک، درختچهٔ تمشک.
لوزی: تی‌یره. نگا: تووزک. (علیر)
تیره: کندر، گیاه کندر. (او)

تیز: گیاهی است آبزی. «کوزوله، کوز». نگا: کوزوله (هه)

تیز تیزوکه: ترب کوهی. (مه)

تیس: گیاهی است. نگا: تووسی. (هه)

تیسو - تیسوو: گیاهی است. نگا: تووسی.
(مو، هه)

تیسوو: گیاهی است که در بعضی از مناطق
کردستان از جمله بیجار، به این نام خوانده
می‌شود. نگا: تووسی. (مو، هه، او)

تیسوی: گیاهی است. نگا: تووسی. (مو)

تیسوی: گیاهی است. نگا: تووسی. (هه، مو)
تیشکینه: (دیل): گیاهی است علفی و پایا
که برگهای ریز و باریک دارد، ارتفاع این گیاه
تا ۵۰ سانتی‌متر می‌رسد، گلهای آن همانند
دانه فلفل و ناشکرواست. (علیر)

تیشه‌مب: شاه‌توت. «تووه‌سووره، گاتوو،
شاتوو، تووی زه‌ش». (هه)

تیک - تیک: یکجور درخت است. (او)

Centaurea albonitens

تیلگه:

گل‌گندم. گیاهی است از رستنی‌های کردستان
که در بیجار آن را با آن نام می‌نامند. (مو)

Cardaria draba

تيله زه: (کر):

Syn: Lepidium draba

گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در
محل‌های زیر می‌روید: ریژاو، نه‌وسو،
بیستون، سه‌ریژل زه‌هاو، کرماشان،
گیلانفهر، نیکلام‌ئاوای غهرب. (معص)
تسینگیز: (له‌ک): درختچه‌ای است. نگا:
ته‌نگس. (له‌ک)

تینه‌گیا: خردل سفید. (دا)

تیورگ: (قه‌س): تمشک، تمشک وحشی.

نگا: تووزک

تیه‌لگ - تیلگ: Centaurea behen

گل‌گندم. گیاهی است که در بیجار به این نام
خوانده می‌شود.

Satureja جاتره:

گياهی است از رستنی های کردستان که در ارتفاعات پنجه علی و حمزه عرب و قم چقا از توابع بیجار در لابلای سنگها می روید و آن را در محل های فوق مشاهده نموده ام. «جاتره» و عده ای «مهرزه» گویند. (مؤلف)
جاتره به رزه: آویشن شیرازی. (مه)

Thymus جاتره کیویله:

جاتره کیویله: سیسنبر، سوسن عنبر. در انگلیسی: Wild thyme. (رو)

Thyme جاتره کیویله:

= Summer savory

گياهی است کوهی بهاری شبیه جاتره. (رو)
جاتره نزمه: آویشن. نگا: هه زبی کتفیه
جاتره ی ناوی: گياهی است. نگا: هه زبی باخی. (مو)

جاتره ی کتوی: آویشن کوهی. نگا: هه زبی کتفیه. (مؤلف)

جساتیره: (دیلد): گياهی است خودرو و پوته ای که دارای گل هایی زرد رنگ می باشد، آن را خشک می کنند و برای دل درد مفید است. «جاتره». (علیر)

جساجکه: گياهی است که در بعضی از روستاهای کردستان به این نام خوانده می شود. نگا: کۆکلاشک. (مو)

جاسجکه تال: گياهی است که در روستای کۆل و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: کۆکلاشک. (مو)

جاسجکه قسولاجه: گياهی است. نگا: کۆکلاشک. (مو)

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: حمزه عرب بیجار، کرانی، جاده بیجار - تکاب، منطقه سارال.
نگا: تالگه تاله

«ج»

Thymus جاتره:

آویشن. گياهی است که آن را در کردستان «جاتره، هه زبی، هه زییله، نه زییله، نه زبی» گویند در انگلیسی آن را (Common thyme) و در عربی زعتر یا سعتر گویند. گياهی است شبیه ریحانه ولی برگهایش ریزتر است و طعم و عطر خوشی دارد، بهاران در مناطق کوهستانی (شاخاوی) می روید. در جاهای مرطوب حدود نیم متر بلند می شود. برگهای سبز و ریز دارد. عطر بسیار خوبی دارد. این گیاه را داخل غذا می ریزند و می خورند * جوشانده گیاه خشک یا تر را برای تنگی نفس و سینه درد استفاده می کنند. مقوی معده است، برای درمان مرض قند مفید است، مقوی عمومی است، برای درمان شکم درد خوب است. قدرت دید چشم را افزایش می دهد. این گیاه در سلیمانیه و آمدی و رواندز می روید. (رو، گز، مو، که)

Thymus vulgaris جاتره:

گياهی است * گل و برگ این گیاه برای درمان سرفه معمولی و نرم، زیاد کردن و باز کردن اشتها و برای برطرف نمودن نفخ شکم مفید است. (هیوا)

است، پیازه آن مثل پیاز و ریشه هایش مثل ریشه پیاز. در بعضی جاها آن را تحت نام عمومی «شله جاف» می نامند، در بعضی جاها «قمه می شه لاق» و در بعضی جا «گوله تگره» گویند.

محل رویش - در خیلی جاها - در شاهق، پالنگان، هه ورامان، کوزه میانه، کۆسالان و... آن را مشاهده نمودم. نوعی از این گیاه که بلند است و دارای گلهای زیبا و سفید رنگ مایل به توسی است گویا به وسیله شیخ عثمان نقشبندی گلهای آن برای درمان چشم درد و شستشوی آن توصیه شده است. (مو)

جافه جیله: گیاهی است که در صلوات آباد به گیاه «لولوپه ژ» می گویند. (مو)
جانهر: گلی است خوشبو و سفید مایل به خاکستری. (هه، که)

جاو: جو، از غلات است. در قصر شیرین: جیو. در سنقر و کلیانی: جیو. در سنندج و مریوان: جۆ. هه ورامانی: یهوی
جاوه لووکه: گیاهی است که تغذیه خوبی برای گوسفند است. (هه)

جابه وین: گیاهی است. بعضی آن را علف شیر می دانند. (مو)

جعیدوڤک: *germander*
گیاهی است که در دامنه کوهها از جمله در هولیر، کرکوک، آسدی، سنجار، رواندز، سلیمانیه می روید. گیاهی است ضد موریانه. (رو، هه، که)

جگه رثوتی: گیاهی است دارویی که آن را حشیشة الکبد و *Liver wort* گویند *
جوشانده این گیاه برای درمان سرفه و شکم درد مصرف می شود. (رو، هه، که)

جاجکه قولآچکه - جاجکه قولآچکه:
گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها با نام های مذکور خوانده می شود. این گیاه را در چل چمه و که که وسان مشاهده نمودم. نگا: کۆکلاشک. (مو)

جاجکه قولآچکه: گیاهی است که در روستای که که وسان، به این نام خوانده می شود. نگا: کۆکلاشک. (مو)

جهاز: (دیل): گیاهی است که ساقه ها و برگهایش برای سایبان به مصرف می رسد. (علیر)
جاف: گیاهی است آبی با گلهای بنفش. (هه)
جافری: *Petroselinm hortense*

= *P. sativum* = *P. crispum*

جعفری. گیاهی است که به صورت سبزی خورشتی و پلوئی مصرف می گردد و در اغلب نقاط ایران و کردستان کاشته می شود. این گیاه را در کردستان با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «جافری، جه عفری، به قده نوس، شانۆکه باخی». (مو، ابرا، هه)

جافری کینفی: *Pimpinella*

جعفری کوهی، جعفری وحشی. گیاهی است از رستنی های کردستان. گونه ای از آن را در سرشیو سقز مشاهده نمودم. نگا: گیا مایه سیری. (مو)

جافری کینوی: جعفری صحرائی، جعفری وحشی. نگا: جافری کینفی

جافری کینولکه: جعفری وحشی. نگا: جافری کینفی. (مو)

جافه جیله: *Colchicum*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای لون سادات از توابع کامیاران به این نام خوانده می شود، نوعی از گیاه شله جاف

جل قورواغ: (کرماشانی): جل قورباغه، روئیدنیهای خزه مانند که روی آبهای ساکن و راكد جمع می شوند و گاه قورباغه روی آنها می نشینند. قه سرشیرینی: گیسو قورواغ. کولیایی: قوزه قورواق. سنهیی و مهربوانی: قه وزه قورواق گویند. نگا: قه وزه. (کرمانشاهی، مؤلف)

جل گره: گیاهی است. نگا: بناوه تۆم. (مو)
جله: جل وزغ. گیاهی است آبی که روی آب پهن می شود. (هه)
جله شزه: ۱- گیاهی است آبی که روی آب پهن می شود، جل وزغ ۲- گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «لیفه شزه» هم گویند. (رو، هه، مو، که)

جلیق: نسترن کوهی. نگا: شیلان
جنانه گه وُن: نوعی گون است. (مو)
جنسری: گلی است خوشبو. (هه)

جو: *Hordeum*
جو. گیاهی است که آن را با نام های زیر، می نامند: «جه، یه، یه وی، جهه، یه وه». (مو، هه، که)

جوالدزه: گیاهی است. «جواله دزه». (مو)
جواله دزه: *Cousinia calocephala*
هزار خار شیک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در هویه و سرهوی آن را «جواله دزه» و در بعضی جاها «شواله دزه، جوالدزه» گویند. (مو)

جوانه گیا: *Linaria fastigiata*
کثانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای هه زارکانیان آن را «جوانه گیا» گویند. نگا: هه همیشه بهار. (مو)
جوتیاروڤک: گل حسرت. (هه)

جوداس: گیاهی است کوهی که از لحاظ برگ و گل شبیه جو است. «قومام، جویدار». (رو، هه، که)

جوژه ش: جو سیاه، نوعی جو سیاه رنگ. (هه)
جوری: گل خوشبوئی است شبیه شهست پز ولی کورچکتر از آن. (رو، که)
جوز - جوز: گردو. نگا: گوئز. (هه)

جوشامیی: جو دوسر. «یه وه ژومی». (مو)
جوش داری: (دیل): بوته ای است با ریشه قرمز و شاخه های خاردار و دارای برگهای سبز و کوچک. این گیاه بیشتر به صورت خودرو در تپه ها و حاشیه جنگلها می روید. (علیر)

جو کیفیله: گیاهی است که در سوورکه وُل با نام فوک یا «جو په یفه مهره» خوانده می شود. (مو)
جول - جول: گیاهی است بهاری و در مرغزار می روید. (رو). علوفه ایست. «گیای جاوه لَووکه». نگا: جاوه لَووکه. (هه)

جونگ - چونگ: گیاهی است دارای گلهای زرد و خوشبو. (هه)

جوی ورج: گیاهی است از رستنی های کردستان که شبیه جو است. (نادر)

جه به ش: هندوانه. «هه نی، شووتی، زه به ش، شفتی، شامی». ابراهیم پور و که مال آن را به معنی خربزه ثبت نموده اند. (هه، ابرا)
جه حفه ری: جعفری، سبزی جعفری. نگا: جافری

جه داسی: گیاهی است. (هه)
جه عفه ری: جعفری. نگا: جافری. (گز، مو، که)

جه فهری: جعفری (نوعی سبزی خوردن است). «جافری، جه عفه ری». نام نوعی مار نیز هست. (کرمانشاهی)

است که در روستای نشور به این نام خوانده می شود. (مو)

جوهه ره: **Platanus**

چنار، اسپیدار. «دارجوهه ره». (مو)

جوهه ره دار: نوعی درخت چنار است. (هه)

جه هه: جَو. نگا: جَو. (هه)

جه هه داسی: گیاهی است شبیه جَو. (هه)

جیز جیز وَك: گیاهی است بهاری. (رو، که)

جیز - جه و ز: گردو. «گو یز، گو و ز». (هه)

«چ»

چا: ۱- جای ۲- سالم ۳- خوب. (مو، ابراهه)

چارانه چه قيله: نگا: چاره چه قيله.

چار و كه: گیاهی است

چاره چه قيله: **Papaver / Roemeria**

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای حسن آباد سستندج و درویشان و بعضی جاهاى دیگر آن را به این نام می نامند و می شناسند و در جاهاى دیگر با نام های زیر: «شیرین شاته زه، چاره چه قیلن».

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: حسن آباد سستندج، دربند، درویشان، رشنش، میانه، زونج، که و له، کزل، گلین، خاتقای گلین، نزاز، محراب، نیر، تنگی سر، باقلا باد شیخ حسین، زه نان، مه لکشان، کیتلانه، سرشیوی مریوان، بلچه سور، پاهو، زوانسر. (مو، هه)

چاره چه قيله: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها از جمله خانه گای گهلین و گهلین به این نام خوانده می شود.

جه گهن: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

جه لیکه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

جه واشیر: **Lactuca scarioloides**

کاهوی دنائی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در هزارکاتیان و کۆله ساره آن را «جه واشیر» گویند. دارای ساقه سفید و برگهای سبز و متناوب و دراز. عده ای کمی، آن را نوعی کاسنی می دانند. کبک این گیاه را دوست دارد و خوراک کبک است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاهق، خورخوزه ی سه قز، کوزه میانه، هزارکاتیان، سرشیوی مریوان، ته ته، ژالانه، هه شه میز، شیان. (مو، مظ)

جه واشیل: گیاهی است حدود یک متر ارتفاع و گلهای زردی دارد مانند لووته وانه که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. (مو)

جه والوو: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

جه ورنه: **Ephedra major**
ریش بز، ارمک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در بیجار و قم چقا آن را «جه ورنه» گویند. نام قدیم آن افیدرا پروسیرا بوده است. محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: کوه حمزه عرب، قم چقا و صلوات آباد و شهرک از توابع بیجار و روستای گلستانه بیجار. (مؤلف)

جه وشه ن: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله خانه گای گهلین به این نام خوانده می شود، در اغلب جاها این گیاه را «سه ونچک» گویند. نگا: سه ونچک و نام گیاهی

چالیکه: (دیل): گیاهی است خودرو که در چاله‌های آبگیر می‌روید، برگهای آن همانند برگ تربچه ولی مقداری متمایل به سفید است و خوردنی است. (علیر)

چاوبازه: گیاهی است خاردار و قد بلند شبیه که‌رته‌شی در جوانی آن را به صورت پختنی می‌خورند * در طب سنتی مدر ادرار است و در استعمال خارج هم روی زخم حیوان و دام گذاشته می‌شود تا آنها را التیام دهد. «چاوبازه‌له». (رو، هه)

چاوبازه‌له: *Carlina acaulis*
مدر ادرار است. برای زخم دام و حیوانات به صورت استعمال خارجی مفید است. (رو). مظفریان نام فارسی *Carlina* را (سرطلائی) نوشته و بر این باور است که این جنس در ایران یک گونه گیاه علفی دوساله دارد بنام *C. vulgaris* که در مناطق مختلف استانهای آذربایجان و مازندران می‌روید. (مظفریان)
چاوبوره: گیاهی است خاردار. (هه)

چاوپشیل: *Matricaria recutita*
= *M. chamomilla* = *M. vulgaris*
بابونه داروئی، بابونه اروپائی. گیاهی است که گل‌هایش شبیه چشم گربه است. در عربی آن را (عین القط و اقحوان) گویند. در کردستان هم می‌روید *

خواص داروئی: دم‌کرده گل‌های خشک کرده این گیاه درمان استفراغ و قی و شکم درد و نفخ و باد شکم و اسهال است و برای موارد یاد شده مفید است، به علاوه ماده‌ای در این گیاه وجود دارد که ضد قولنج است. (هیوا، رو، مظ، هه، که، معر)
چاوجه رمیله: گیاهی است که در روستای

همان‌گونه گولاله سوره ساق درشت و کوهی است. «شی‌شاته‌زه‌ی کینی». (مو)

چاره چه قیلی - چاره چه قیلی: گیاهی است که در روستاهای نزاز، میواو، تنگی‌سهر و ژویوار به این نام خوانده می‌شود و در روستاهای رشنش، زونج و باقلاوای شیخ حسه‌ین و مریوان آن را «شیرین شاته‌زه» گویند. (مو)

چااف چیچک: نوعی انگور است. (هه)

چااف چیلک: گیاهی است. (هه)

چااف ره شوک: گیاه حُسن یوسف. (هه)

چااف ماسی: گیاهی است. (هه)

چاافه‌گا: گیاهی است. (هه)

چالووک: سفیدخار. هه‌ژار آن را چنین تعریف نموده است: «دارووک‌یه‌کی دژکاوی سپی‌یه بق‌تندورو شاگرد ده کار دئی». بنظر می‌رسد درختچه «ته‌نگس» باشد. نگا: ته‌نگس. (مو، هه)

چالّه چه قیله: گیاهی است. نگا: چاره چه قیله. (هه، مو)

چالنی: *Lycium*
دیوخار، آسه. درختچه‌ای است دارای چند گونه که آن را در سردشت چالّه (چالنی)، در کرج کام تیغ، در شاهدشت گرگ تیغ، در اطراف میانه چالی، ال چالی، آق چالی می‌گویند نام‌های دیگر آن در فارسی و عربی: فیل زهرج، دهیر، زیرک، آسه و عرقه، لوقیون. گونه‌ای از آن با برگ‌های تخم‌مرغی شکل و گل‌های بنفش و کوچک و میوه‌هایش سته کشیده قرمز و مرجانی رنگ و در پاییز چون گوشواره‌های کوچک و زیبائی از شاخه‌های کمائی آویزان می‌گردد. (ثابتی)

حسن آباد ستنج به این نام خوانده می شود.
«چاوپهرمیله». (مو)

چاودار: چاودار گیاهی است مثل گندم و در گندمزار روید. (هه، که)

چاورگ: (کرماش): گیاهی خوشبو که بوی روغن کرمانشاهی از آن است. این گیاه را داخل روغن می ریزند تا خوشبو شود.

چاوروگه: گیاه گاوزبان. «گوزروان». (هه)

چاوزه شکه ره: گیاهی است که در روستای زونج به این نام خوانده می شود. (مو)

چاوزه شکه له: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای میانه از توابع ستنج به این نام خوانده می شود. (مو)

چاو زاغه: نوعی گل خاردار است. (کرمانشاهی)

چاوازاقله: گیاهی است که در روستاهای که کهوسان و دهره ویان خواروو، به این نام خوانده می شود. نگا: چاوازاقه

چاوازاقلی: گیاهی است که در مه لکشان به این نام خوانده می شود. نگا: چاوازاقه. (مو)

چاوازاقه: *Centaurea Iberica*

گول گندم چمن زار: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بیجار و زه شنه ش و زه نان و تووارمه لا آن را «چاوازاقه» گویند. و در جاهای دیگر «چاوازاقله، چاوازاقلی» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: بیجار، آلبلاغ چتاق، جاده ستنج - قرو، دامنه بهورو پهریشان، که کهوسان، دهره ویان خواروو، ثاریز، دزئله، بنیر، باقلاوی شیخ حسین، زونج، میانه، ریگهی سهریناو - تهنگی سر، کوله ساره، ریگهی سنه - که زه سی - هه شه میز، ته کیه، ته خته، ریگهی که له کان - بست، که وله،

سهرشیوی سه قز، کؤل و دوزه هره، ریگهی سنه - دیواندره، ریگهی دیواندره - بیجار، ژالانه، ریگهی دیواندره - سه قز، کؤرکؤره، ریگهی بیجار - تیکاب، چالاب، زهرده وان، دؤله زه ش مایین دؤل، کانی مشکان، کیلانه، دادانسه، هه شه میز، په نجه عه لی قورو، تاماسبقولی، حسین ناوای که نگره، زه نان، مه لکشان، سهرشیوی مهربان، بلچه سوور، ته کیه، شیان، ژوانسه، جوانزؤ، پاوه. این گیاه در محل های زیر هم می روید: ترگور، اشنویه، سراب، نقده، ماکو، ارومیه و... (مو، مظ، فلور ایران)

چاوازه قه: گیاهی از رستنی های کردستان که دارای خار است. (مو)

چاو سپیلکه: گیاهی است. نگا: چاو بازه له. (رو، که)

چاوسپیلکه: گیاهی است خاردار. (هه)

چاو کتکانه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در موسم ناوا از توابع خورخوزی سه قز به این نام خوانده می شود. (مو)

چاوکوتکه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای باخان از توابع مریوان به این نام خوانده می شود. نگا: وله شیر. (مو)

چاوکسکه: نوعی انگور است. (هه)

چاوکوتکه: *Ficaria*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف آن را «چاوکوتکه، وله شیر، خوله شیر، چاوکوتکه، چاوکتکانه» گویند. گیاهی است بهاری با برگهای سبز و گل های زرد رنگ که در اوایل بهار در کنار برف های در حال ذوب شدن نشو و نما می نماید. نویر

بهار با خوردن چاوکو تکه آغاز می گردد. این گیاه را می پزند و سرخ می کنند و کمی مزه ترشی هم به او میدهند و می خورند * این گیاه تصفیه کننده خون، کمک کننده به هضم و دستگاه هاضمه و ضد عفونتهای داخلی است. محل رویش - در اغلب کوهها - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم: باخان، گازان، سولتسان نه حمده، سهرشیوی مریوان، کوسالان، موسم ناوا، کوزه میانه، پاوه، زوانسر، هه شه میز، زه نان، شیان، سهرهویه، زوج، هویه. در روستای نی از توابع مریوان، آن را «چاوکو تکه» گویند. عده ای از اهالی روستای قه بغلو و جعی سه قز، این کلمه را برای گیاه: «گوله حاجیانه» به کار می برند. (مو، رو، گز، هه، که)

چاوکه جیلان: *Bellevalla*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای نشور بالا، به این نام خوانده می شود. محل رویش - در عه والان، این گیاه را مشاهده نمودم. (مو)

چاوکه سکه: بابونه کوچک. (مه)

چاوکه له شیر: گیاهی است که در روستاهای وی سهر و کۆل به این نام خوانده می شود. نگا: وله شیر. (مو)

چاوکه له شیر: *Adonis aestivalls*

چشم خروس، گل خروسک. گیاهی است از رستنی های کردستان. در عربی آن را (عین الدیک) گویند. «چاوکه ره شیر». (رو، که)

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: باقلاوی شیخ حسین، سهرشیوی مریوان، کوزه میانه، ریگه ی موچهش - دئی گولان، سولتسان نه حمده،

زه شنهش. (مو)

چاوگایه: گیاهی است. بعضی آن را نوعی بابونه می دانند. (مو)

چاوه پشیل: گیاهی است. نگا: چاو پشیل

چاوه پۆز: گیاهی است. (هه)

چاوه زه رده: *Cetaurea solstitllals*

گل گندم زرد. گیاهی است از رستنی های کردستان که در کۆله ساره، آن را «چاوه زه رده» گویند.

محل رویش - این گیاه در جاهای زیادی می روید. در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: کۆله ساره، کوسالان، زوانسر، جوانزۆ، قوری قه لا، پاوه، جاده سنندج - کرسی، سنندج - هه شه میز، رشنش، جاده سنندج - سقز، دیواندره - سقز، کانی مشکان، کرجو، حسین آباد کنگره، طهماسبقلی، سهرشیوی مریوان، ته ته، بلچه سور، شیان، هه شه میز. این گیاه در محل های زیر هم می روید: ترگور، ارومیه، بین مهاباد و سردشت، تهران و اطراف آن (رودهن، درکه). (مو، مظ، فلور ایران)

چاوه زه رده: بابونه پرزدار. (مه)

چاوه سووسکه: نگا: چاوه پۆز. (هه)

چاوه سویتسکه: نگا: چاوه پۆز

چاوه گا: گیاهی است. (هه)

چاویار: چاودار. (ابرا)

چاویر: (کرماش): نگا: چاورگ.

چایه ر - هه رز: *Agropyrum repens*

بید گیاه، گور گیاه، قیاق، چمن گندمی رونده. گیاهی است از رستنی های کردستان * خشک کرده دانه هایش را می جوشانند و پس از سرد شدن له شوینی بادر نه درئی بۆ

است. در بعضی جاها و به ندرت چنار را به درخت «په‌لک» هم می‌گویند. بعضی، «چنار و جوه‌هر و سپیدار» را یکی می‌دانند. (مو، هه، خواص، با)

چنار وُک: گیاهی است. (هه)

چناره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان برگهایش شبیه پای گربه است. دارای گل‌های زرد رنگ است. نگا: چناره که‌له. (مو)

چناره که‌له: *Ranunculus sp*

آلاله. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای کیتله‌شین واقع بر سر جاده سقز - بانه و در قوئلوی میره‌دئی و مریوان آن را «چناره که‌له» می‌نامند و در جاهای دیگر، آن را با نام‌های زیر، می‌نامند: «گول ماساوه، سپی چنه، گول ماس، چنار که‌له، چنار که‌له، چناره».

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: کیتله‌شین، کوزه‌میانه، زه‌شنه‌ش، ریگای دیوانده‌ره - بیجار، ریگای بانه - سرده‌شت، که‌وله، کۆل و دوزه‌غره، به‌ورو پهریشان، سرشیوی مریوان، ژالانه، ته‌ته، بلچه سوور، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، ژوانسه‌ر، جوانزۆ، پاوه * در طب سنتی برگ و ساقه این گیاه را کمی می‌کوبند و روی دمل و زخم می‌گذارند و آن را زودتر می‌رساند و دمل سرباز می‌کند. (مو، معر، گۆ، هه)

چناره گه‌وُن: نوعی از گون است که در روستای زنان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود، نوعی گون بلند است. (مو) چنگنه: گیاهی است. (رو، هه)

چنگه مریشک: گیاهی است. نگا: پی مریشکه. (رو، که)

نه‌هیشتنی نازاره‌که‌ی. (مظ، هیوا، رو، که) چایی: چای. «چا، چای». (مو، رو، گۆ، هه) چرچه: نوعی انگور. (هه)

چریش: گیاهی است که آن را: «خوژه» هم گویند. خوژه یا چریش ۲ نوع است یکی که برگهایش نازکتر است. «چریش بۆن» و نوع دیگر که برگهایش کلفتتر است. «چریش مه‌ز» گویند. در بعضی جاها آن را دو نوع خواه‌شه و تاله می‌دانند. نگا: خوژه. (مو)

چل تا بزه‌ن: گیاهی است کوهستانی طعمش مثل طعم شنگ است و متمایل به شیرین. معروف است که هر مردی این گیاه را بخورد در یک شب می‌تواند تا ۴۰ بار با همسرش مجامعت انجام دهد. (گۆ، رو)

چلتوک: شلتوک. «برنجی نه‌کوتراوه». (هه) چل رۆژه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. محل رویش - در محل‌های زیر آن را دیدم: اوپه‌نگ، فطره زمین، جاده بانه - سقز. (مو)

چنار: *Platanus orientalis*

چنار، درخت چنار. درخت معروفی است که بسیاری از کشاورزان کردستان آن را بمنظور استفاده از چوب آن پرورش می‌دهند و رقم قسابل توجهی از درآمد مردم کردستان را تشکیل می‌دهد.

پرسیم چه چنار پاوشای درختان خه‌زان بیه‌ن زه‌رد، فه‌سل چه وه‌خته‌ن» خواص درمانی: ضماد برگ تازه چنار درمان ورم زانو است. برگ سبز چنار را در آبجوش بجوشانید و آن را صاف کنید و آب آن را بر دندان بمالید درد را ساکت می‌کند، مضمضه آب جوشیده آن هم مفید است خود برگ‌های جوشیده را هم بر دندان بمالید مفید

Ferulago angulata چنور:

چویل سه پاره کردستانی. (مولف، مظفریان)

Ferulago tenuisectum چنور:

چویل، گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو، مظ)

چنور: گیاهی است کوهستانی خوشبو. **montara planto**. (رو، که)

چنه پشیل: گیاهی از رستنی‌های کردستان که در خیلی جاها رویش دارد و در روستای میانه از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

چنه مریشکه: گیاهی از رستنی‌های کردستان * گویند برای بهبود زخم و برطرف نمودن باد، مفید است. نگا: چنگه مریشکه. (مو)

چوواله: درختچه‌ای است که در روستاهای بست و کیله‌شین از توابع سقز، به این نام خوانده می‌شود. «بادمه تاله، بادم کیفی، هرجن» ۲- چغاله «چه قاله». ۳- بادام تلخ شیرین شده. (مو، هه، ابرا)

چوواله تاله: درختچه‌ای است که در روستای قولقوله می‌دهد به این نام نامیده می‌شود. «هرجن، بادامه تاله». به میوه بادام تلخ هم گفته می‌شود. (مو)

چوواله خوشه: در قلقله میرده به بادام می‌گویند. نگا: بادم. (مو)

چوخه زه‌شیی: گیاهی است که در روستاهای میانه و زه‌شنه از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

چودان: چاودار. (هه)

Salvia reuterana چوریلگ:

مریم گلی وحشی. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد:

چنگه مریشکه: گیاهی است نگا: پی مریشکه. (هه)

چنگی مریه‌م: (کر): گیاهی است که در قدیم آن را در آب می‌انداختند تا در اثر خیس خوردن و باز شدن آن، زایمان زانو آسان گردد. (کرمانشاهی)

Ferulago چنور:

چویل. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. کوهستانی، معطر و خوشبو.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوسالان، عه‌والان، وی‌سر، کوزه‌میانه، شاق، سرهویه، ته‌کیه، که‌کوسان، دهره‌ویان فازس، گهلین، کول و دوزه‌ره، ده‌گاگا، گلپه، هه‌شه‌میز، سولتان شه‌حمه، هه‌رومان، مله‌ی ته‌ته، قله‌به‌رد، بلچه‌سور، شیان، پساوه، در دالاهو و کیوی پزاو، در کرمانشاه نیز می‌روید. گیاهی است خوشبو و معطر. ارتفاع ساقه آن بیش از یک متر است. برای معطر نمودن روغن کردی از گلهای آن استفاده می‌شود. اهالی منطقه می‌گویند اگر روغن بویاد شود گل چنور را داخل آن بریزند بوی بد روغن را برطرف می‌کند. در بعضی جاها، برای دفع کک، این گیاه را هنگام خواب زیر بغل می‌گذارند. چنور در ادبیات و اشعار کردی بکار رفته است:

۱- خوزگه‌م به هه‌رجن چنور هاوسایه

گوزهرگای که‌لگهل به‌قراوله پایه

۲- چنور باوه‌شین که‌ما که‌نانه

گله‌مه‌رموو واده‌ی فه‌رمانه

۳- چه خاس جای گه‌شته‌ن عبورش وه‌شه‌ن

بوی مه‌تر و مه‌بیر چنور و وه‌شه‌ن

(مو، گز، هه، معص)

چه رس: بنگ، حشیش. (هه)

چه رمه گوون: نوعی از گوَن است که اهالی روستای زیوار از توابع هه ورمان، آن را به این نام می نامند و می شناسند. (مو)

چه سپۆك: نوعی خار که به لباس می چسبد، گیاهی است. نگا: پهر می شکه. (هه)

چه قثر: ۱- گیاهی است ۲- چرب. (هه)

چه قثر چه قثرۆك: گیاهی است که ریشه خوراکی دارد. (هه)

چه قثره بی: نوعی درخت بید. (هه)

چه قاله باذهم: ۱- درختچه بادام ۲- میوه نارس بادام. (مو)

چه قاله تاله: درختچه ای است که در هه ورمان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. «باذهمه تاله، هه رجن»

چه قاله کیئوی: بادام کوهی، پسته کوهی. (مو)
چه قاله کیئویله: گیاهی است که ثمرش شبیه به چقاله بادام است. (هه)

چه قاله هه رجن: در بعضی جاها از جمله روستای زونج به بادام کوهی گفته می شود. نگا: باذهم کیئویله. (مو)

چه قچه قۆك: ۱- گیاهی است بهاری، ثمری دارد مثل گردو ولی کوچکتر از آن ۲- گیاهی کی لك باریکی به رزی بین گه لایه نالی پلنگی پیوه ده نیشی. (مو، هه، که)

Cichorium Intybus

کاسنی. گیاهی است از رستنی های کردستان، کسرماشان، ایلام و در محل های زیر نیز می روید: تهران و اطراف آن، مازندران، گیلان، آذربایجان، بلوچستان، اراک، خراسان، آبادان. در بعضی از نواحی کردستان با توجه به اینکه صرفاً برای بستن دسته های

کرماشان، پاوه، سونقور، سه حنه، ئیسلام ناوای غهرب، کوندی غهرب. در استان کرماشان، گونه های دیگر سالویا به شرح زیر پراکندگی دارد و با همان نام محلی «چوریلگ» نامیده می شوند: *S. syrica*, *s. suffruticosa*. این همان سالویای صلوات آباد است که شبیه کنجد است. (معصب)

چورین: گیاهی است خوشبو. (هه)

چوزین: گیاهی است خوشبو. (هه)

چوزه له: گیاهی است. (رو)

چووزه شوانه: گیاهی است بهاری. (رو، هه، که)
چونه ر: *Beta vulgaris*

چغندر، لبو. «چه و نده ر، چه و نده ر، چه و نده ر، چو و نده ر». (هه، با، من، لك، ابراه، مو)

چو و نده ر: (دیل، لك): چغندر. نگا: چونه ر. (لك، مو، علیرضایی)

چونه رله: گیاهی است. «گزیلکه سه ره». (مو)

چونه له: گیاهی است. (مو)

چویر: (لك): گیاهی است کوهی مانند بوته رازیانه که در ییلاق و در میان برفها می روید و بسوی خوشی مانند بسوی رازیانه دارد. کرماشانی: چویر.

چویله: گونه ای از گلابی است که در سردشت به این نام خوانده می شود. (ثابتی)
چه پ چه پی: گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «چه چه پی» هم گویند. بعضی آن را نوعی آلاله میدانند. (مو)
چه پۆله شیوه: گیاهی است کوهستانی. (رو، هه، که)

چه ده نه: ریحان کوهی. «ریحانه کیئویله». (هه)

چاقه تالگ: به نوعی از گیاه «تالگ» می گویند که برگهای کمی باریکتر است. (مو)

چه قه لؤ: *Ferula*

باریجه، گیاهی است از رستنی های کردستان که در اکثر کوهها می روید و در محل های زیر که این گیاه می روید و آن را مشاهده نمودم، «چه قه لؤ» می نامند: پیرومهران، نه که روز، زه شنهش، قوئقوله ی میره دئی، دهره ویان فازس، ژیوار، زه نان، سهرشیوی مریوان. این گیاه، نوعی از گیاه «لؤ» است. (مو)

چه قه نه: درختچه ای است. (هه)

چه قیلؤک: ۱- گلی است سفید رنگ ۲- چغاله بادام. (هه)

چه قیله: یک نوع خشخاش کوهی است. (هه)

چه کمه زهش: *Ferula oopoda*

کمای غلافدار. گیاهی است از رستنی های کردستان. در قلقله ی میره ده و کتلهشین، آن را «چه کمه زهش»، در لون سادات «که ماکه وهله» و در بعضی جاها «چه کمه شینه» گویند. برگهای این گیاه شبیه برگ چنور و ساقه اش شبیه ساقه که ما می باشد. «گه لای سه وزه وه» چنور، لاسکی نه ستوره وه کو که ما، زهنگی لاسکه که ی زه شه بویه ناو نراوه چه کمه زهش». طبیعت این گیاه گرم است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گردنه خان، کتلهشین، شاهوی لون سادات، شاهوی پالنگان، شاهوی وی زیهر، شاهوی دیوه زناو، قوئقوله ی میره دئی، نه که روز، پیرومهران، ته کیه، هه شه میز، شیان، پاوه. (مو، مظ، گز، که)

چه کمه شینه: نگا: چه کمه زهش. (مو)

چه گهن: گیاهی است از رستنی های

گندم و گیاه از آن استفاده می کنند، آن را «باقه بهس» گویند. در بعضی از مناطق کردستان چه قه قه را سه نوع می دانند: کهرکورژ، مراوی، مه عموئی.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیادی از جمله محل های زیر مشاهده نمودم: توریور، جاده سنندج - دهگلان، جاده دهگلان - قروه، قروه به همدان، جاده سنندج - دیواندره، روستای حسین آباد بر سر راه سنندج - دیواندره، صاحب، قه بغلوجه، پیرومهران، دربندزلی، بلچه سوور، سهرشیوی مریوان، جاده سنندج - کرسی - هشمیز، آریز، آردان، جاده کلکان - بست، رشنش، جاده سنندج - دیواندره و دیواندره - سقز، قلقله، سهرشیو سقز، خورخوره سقز، ته کیه، هه شه میز، شیان، زیگه ی کامیاران - زوانسهر، پاوه، جوازق، زوانسهر، چالاب، په نجه علی قوروه، پالنگان، کهوبگار، لؤنی سه بیه کان، زیگه ی دیواندره - بیجار، زیگه ی دیواندره - سه قو، کانی مشکان، کتیلانه، داذنه، حه سه ناوای سته، شاری هه ورامان، که ماله، بلهر، سلین، ژیوار، زیگه ی کوزانی - بیجار، زیگه ی بیجار - تیکاب * در طب سنتی، ریشه و پوست ریشه این گیاه را در آب می جوشانند تا شیرهایش را بیرون دهد و این جوشانده را برای معالجه زخمهای بدن مورد استفاده قرار می دهند. (مو، علیر، فلور ایران، مظ، معر، که)

چاق چاقه چهرمگه: نوعی از گیاه کاسنی است. (مو)

چه قه بی: نوعی از درخت بید است، بید خودرو. (هه، مو، که)

کردستان. (مو)

چهل‌لی: گیاهی است. (هه)

چهل‌لی - ده‌رزیه: گیاهی است که برگ‌هایش

مثل سوزن «ده‌رزی» باریک و نوک دراز و تیز

است. نگا: چهل‌لی. (مو)

چهل‌لینگ: گیاهی است. (هه)

چه‌ماو: خیار چنبر. نگا: ترۆزی. (هه)

چه‌مچیر: انگور سیاه، نوعی انگور سیاه.

(هه، ابرا)

چه‌مه‌ره خیار: (کر): خیار چنبر. قه‌سر

شیرینی: خیار چه‌مه‌ره

چه‌مه‌سیاواله: *Adiantum*

گیاهی است با ساقه باریک و سیاه. در عربی

آن را: شعربالبنات و در انگلیسی *maiden**hair* گویند * از این گیاه برای درمان شن کلیه

استفاده می‌شود. «قه‌یتهران، پهل‌لی سیاوشان».

(رو، مو، هه، مه)

چه‌میله: خیار چنبر، خیار چنبر نازک. نگا:

ترۆزی. (هه، ابرا)

چه‌نگ قیلا: (دی‌لورانی): چنگ کلاغ،

گلی است خودرو، به رنگ صورتی متمایل

به قرمز و خوردنی است. (علیر)

چه‌نه‌وه: چغندر. نگا: چۆنهر. (هه، که)

چه‌واله: (کرماش): نگا: ته‌نگس

چه‌هوان: گیاهی است شبیه گندم که در

مه‌لکشان و باقلاوای حسه‌یناوا به این نام

خوانده می‌شود. (مو)

چه‌ودار: چاودار

چه‌وده‌ر: چاودار. نگا: چه‌وده‌ن. (ابرا، هه)

چه‌وده‌ن: چاودار. «چه‌ودار، چه‌وده‌ر». (هه)

چه‌وره‌وره‌وره: گیاهی است. نگا:

چه‌وره‌وره. (هه)

چه‌وره‌وره: نگا: چه‌وره‌وره‌وره

Nemarura Frukto چه‌وره‌وره:

گیاهی است بهاری، برگ‌هایش شبیه برگ

تره‌تیزه است. «که‌لک، گلک». (رو)

چه‌وره‌وره: گیاهی است. «می‌شه‌گیره». (مو)

چه‌وره‌وره: گیاهی است شبیه پونه که در

روستای چال (محمودآباد هه‌وه‌تو) با نام فوق

خوانده می‌شود. «گیا چه‌وره‌وره». (مو)

چه‌وره: گیاهی است. (رو)

Beta vulgaris چه‌وه‌نده‌ر:

چغندر. گیاهی است که در غالب مناطق و

روستا‌های کردستان کاشته می‌شود. در اغلب

جاهائیکه به تحقیقات علمی در آنجا

پرداخته‌ام، کشاورزان این گیاه را پرورش

می‌دهند. (مو). چغندر را در کردستان با

نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند:

«چه‌وه‌نده‌ر، چۆنهر، چه‌نه‌وه». نگا: چۆنهر.

(مو، رو، گۆ، هه، که)

چه‌وه‌نده‌ری قه‌ند:

Beta vulgaris, subsp. esculenta

چغندر قند. چغندر قند در محل‌های زیر کاشته

می‌شود: دوروبر ارومیه، دوروبر اسلام‌آباد

(شاه‌آباد غرب)، میانداو، ناوچه‌ی سندوس،

خوی، بۆکان، قوروه، دئی‌گلان. (مو...)

چه‌وه‌نه‌ر: چغندر. «چۆنهر». (ابرا، مو، هه)

Dorema aureum چه‌ویر - چنوور:

گیاه روغن * جوشانده‌ی گل‌های آن مقوی قلب

و خواب‌آور قوی است. (دا)

چه‌ویر: (دی‌لورانی): آویشن کوهی،

مرزنگوش: این گیاه را به منظور استفاده‌های

دارویی آن کشت می‌کنند، ساقه آن راست و

پوشیده از کرک به رنگ مایل به قرمز است.

برگهایش متقابل و بیضوی به رنگ سبز تیره و پوشیده از کرک است. دارای اسانسی است که اثر التیام دهنده و ضد عفونی کننده دارد و دارای بوی مطبوعی است و آن را داخل خیک روغن می ریزند تا آن را خوشبو سازد. (علیر) چیاکه روز: گیاهی است. «گیادازو، چیاکه روزه». (رو، که)

چیا لیک: گیاهی است * بهترین درمان مرض قند است، اشتها را صاف و مغز و دید را یاری می دهد. گفته شده اگر زن چند ساعت قبل از نزدیکی با مرد، از این گیاه بخورد، حملش با احتمال قوی پسر خواهد بود. (گژ، رو، که)

چیت: نی: نگا: قامیش. (هه)

چیچر: گیاهی است که شیر آن لُچ است. (هه) چیچی: گیاهی است. «په په چه وره، توله که». نگا: په په چه وره. (هه)

چیژه گه وُن: گونه ای از گون است. (مو) چیویر: گیاهی کوهی شبیه بوته رازیانه که در ییلاق می روید و بوی خوشی دارد. برای خوشبو کردن روغن کرمانشاهی این گیاه را در آن می ریزند. (کرمانشاهی)

«ح»

حاجی بایف: ۱- نوعی بادام است، نوعی بادام ریز ۲- چغاله

حاجی بایف: ۱- نوعی بادام است ۲- چغاله. «حاجی بایف، حاجی بایه». نگا: حاجی بایف. (هه، رو، ابرا)

حاجی بایه ف: ۱- نوعی بادام ریز

۲- چغاله. نگا: حاجی بایف. (هه)

حاجی بایف: ۱- نوعی بادام ۲- نوعی چغاله است. نگا: حاجی بایف. (رو)

حاجی به یان: ۱- گوله حاجیانه، حاجیله. نگا: گوله حاجیانه ی چه رنگ (سپی) و نرم ۲- ثمر گیاهی که در غلات می روید. (رو، مو، هه)

حاجی لو که: گیاهی است. موقعیکه این گیاه پیر شد در داخل گلش چیزی سفید و نرم مثل پنبه تولید می کند، بهمین خاطر آن را «حاجیلو که» گویند. (رو، گژ، که)

حاجیله: *Anthemis*

گیاهی است از رستنی های کردستان که دور گل آن سفید و داخل گل زرد رنگ است. *E. camomil*. «گوله حاجیانه - گوله حاجیانه ی چه رنگ و نرم». نگا: گوله حاجیانه. (مو، رو، هه، که)

حالت: آلوچه. «هه لوچه». (هه)

حالوک: نوعی از آلوچه است، درختش بلند است. «حولیک، هه لوک، حولیچکه، حولووک، حولیک، حولیچک». (رو، که)

حل: هل. «حیل، حیل». (ابرا)

حله ریزه: گیاهی است دارای دانه های زرد رنگ کوچک. نگا: زه زله. (مو)

حوزه: چوبک. «ئه سپۆن، سپۆن». (هه)

حوسنی خان: گیاهی است که هم بصورت خودرو و هم بصورت پرورشی یافت می شود. (رو، گژ، که)

حوشترالوک: گیاهی است، شترخار. «حوشترخوار»

حوشتر نالوک: شترخار. «وشر خوره». (هه)

Xanthium strumarium :حه شه گیره:

زردینه. گیاهی است از رستنی های کردستان. ظاهر گیاه شبیه بادنجان است و از دور آدم که آن را می بیند فکر می کند که بادمجان است، ثمرش شبیه ثمر گرچک است میوه پاک نشده اش شبیه میوه کرچک است.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: دامنه آیدر، مخروطه ها و زمین های بایر داخل شهر سنندج، زیگی سنه - مریوان، نگل، بهرتوزو، قهلاجن، زیگی سه قز - بانه، زیگی بانه - سردشت، کوسالان، ثاوی که وبگار له دواتزه کیلومتری کامیاراندا، زیگی بانه - نه مه شیر. (مو)

حه شه گیره: بابا آدم. گیاهی است که در روستای کوله ساره از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: بناوه تۆم. (مو)
حه شه لوره: گیاهی است. «حه شه لوره، کوره گۆشه». (مو)

Phlomis :حه شه لوره:

گیاهی است از رستنی های کردستان. در بعضی جاها آن را «کوره گۆشه» گویند. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بین ته کیه و شانشین، کوسالان، تهنگی وهر، پالنگان، شاهوی پالنگان. (مو)

حه شه نووره: ۱- گیاهی است. (رو، که)
۲- گیاهی است از رستنی های کردستان که در چل چمه می روید و در روستای بست به این نام خوانده می شود. (مو) ۳- حه شه نووره گیاهی است که در کوژه میانه رویش دارد و آن را در روستای میانه حه شه نووره و «بناوه تۆم»

خوشرخوار: خار شتر، شترخار. گیاهی است گرمسیری خارتیز. «خوشرالوک، وشر خۆره». (هه، رو، که)

خوشر خۆرکه: خار شتر. (هه)
خوشر خۆره: خار شتر. «وشرخوار». (مو)
خوشر دانه: نوعی گندم. (هه)

حولچه: آلوچه. «هه لوچه». (هه)
حولووک: آلو، آلوچه، گوجه. بعضی آن را نوعی از آلوچه میدانند که درختش بلند است. «هه لوچه، حولووک، هه لووک، هه لووک». (رو، هه)

حولی: آلو بخارا. «هه لوچه زه شه». (هه)
حولیچک: نوعی آلوچه است. «حالووک»
حولیک: آلو. «هه لووژه، حالووک، هه لووک، هه لووک، حولووک». (هه، رو)

حه تحت: گیاهی است معطر، مانند میخک. «حه تحت تۆک». (هه)

حه چه گیره: بابا آدم. نگا: بناوه تۆم. (مو)
حه رامه لو: نوعی از گیاه «لۆ» است که در قروه با این نام خوانده می شود. (مو)
حه رزه گۆ: گیاهی است. (هه)

حه سه نه گی: ۱- مهر گیاه ۲- گیاهی است، لفاح، بیروج. (mandrak). (رو، که)
حه سه نه له به: نام گیاه و درختی است. (رو، گۆ، که)

حه سئو حه سین: گیاهی است که در روستای وی سهر به این نام خوانده می شود. نگا: هه لاله برمه. (مو)
حه سه به گی: مهر گیاه.

حه شه کویر که ره: گیاهی است که در روستای وی سهر به این نام خوانده می شود. نگا: بناوه تۆم. (مو)

حهوت گری: گیاهی است. گیایه که هوت
جومگی هه پیه. (رو، گژ، که)

حهوت گول: نوعی گندم. (هه)

حهوت گوله: نوعی گندم است. (رو)

Trigonella foenum **حهوینج:**

گیاهی است که تخم یا دانه آن مثل رازیانه
معطر است و این تخم را داخل نان می ریزند

* تخم یا دانه این گیاه دارای ماده لزج، آهن و
فسفر است. اشتها آور است. (رو، که)

حهوینجه: گیاهی است * تخم (دانه) آن
برای باز کردن اشتها، رسانیدن دمل و درمان

یبوست بکار می رود. (هیوا)

حه یزه ران: ۱- حیزران، درختی است.
داریکه له شوینی گهرم ده زوی، وهك قامیشی

ناو پژه چی. (هه، ابرا) ۲- گیاهی است. (رو)
حه یزرانی: نوعی گلابی. (هه)

حیل - حیل: هل، دانه ای معطر است. نگا:
حل. (هه، من، دا، رو)

«خ»

خاچك: قارچ. نگا: قارچك. (هه)

خارچك: قارچ. «قارچك، كارك، گوارگ،
كارگ، گوارگ». (رو، هه، که)

خارخسك: (كر): نوعی بوته خار با سه
تیغ که خاصیت داروئی دارد. نگا: په یكۆل

خارسه چك: (كر): خاری با سه پر، خار
سه شاخه

خارکه شهك: (دی لورانی): گیاهی است
خودرو که در کنار جویبارها می روید، فاقد

ساقه است، ریشه آن کوتاه و تقریباً روی

گریند. (مو) ۴- گیاهی است شبیه توتون. (هه)
حه شیشه: گیاهی است، حشیش، بنگ،

چرس. در کردی آن را با نام های زیر می نامند
و می شناسند: «حه شیشه، بهنگ». در انگلیسی

آن را (indian hemp) گویند. (هه، رو، ابرا، که)
حه ققو: گیاهی از رستنی های کردستان.

«حهفت پۆس، ههوت پۆس». (مو)
حه لاله لو: نوعی از گیاه «لو» است که در

قروه با این نام خوانده می شود. (مو)
حه لو: آلوچه. نگا: هه لووژه. (هه)

حه لوچك: آلوچه، گوجه. «هه لووچه». (هه)
حه لو كازهر: آلو زرد. «نالو بوخارا». (هه، مو)

حه لوكه زهر: آلو زرد. «نالوچه زهرده». (هه)
حه لوكه: گوجه، آلوچه. «هه لووچه»

حه لوكه: آلوچه، گوجه. «هه لووچه». (ابرا، هه)
حه ليلك: آلو. نوعی آلوچه است. «حولوك،

حه لوك». (هه)
حه مشين: شلیل، میوه ایست.

«حه مه ده شين». (هه، رو)
حه مه ده شين: شلیل. اجاص اصفر،

میوه ایست بین هه لووژه زهرده و قه یسی
(Yellow plum). «حه مشين». (رو، هه، که)

حه ندوله: نوعی گندم. (هه)
حهوت توک: گیاهی است که در ارتفاعات

باخان و بهردی سپی می روید و در روستای
باخان از توابع مریوان به این نام نامیده

می شود. عده ای از اهالی روستای شیخ
شهریه تی هم این نام را بکار می برند. یک نفر

از اهالی شیخ شهریه تی این نام را به گیاه
«گاگورال» می گفت. (مو)

حهوت جر: گیاهی است * خشک کرده
آن برای دفع کرم خوب است. (رو، که)

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: سولتان نه حمه، نه که روز، پیرعومرهان، چل چه مه، بناری کیتی سه خناخ بهرودی چزنق، خوژخوژهی سه قز، کانی سه یی، گلیه، بست، دۆله زهش مایین دۆل، سه رشیوی ماریوان، بلچه سور. حدود ۸۵ سانتی متر ارتفاع دارد. (مو، هه، لهك، کرمانشاهی، علیر، گز، که)

خاشخاشك: نگا: خاشخاش. (مو)

خاشخاشكه: نگا: خاشخاش

خاشخاشه: گیاهی است که در روستاهای بست و گلیه و کانی سه یی، به این نام خوانده می شود. نگا: خاشخاش. (مو)

خاشه: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای گلیه و میانه به این نام خوانده می شود. اسپرس. این گیاه در روستای میانه از توابع شهرستان سنندج کشت می شود ۲- خس و خاشاک ۳- خراش ۴- خرد و خمیر شده. (مو، هه، جفکر)

خاقر: گیاهی است داروی بواسیر. «درمانی مایه سیری به». (رو، هه، که)

خاکشیر: *Descurainia sophia*

خاکشیر. گیاهی است از رستنی های کردستان که در کردی هم، آن را «خاکشیر» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: مهولاناوا، که که وسان، دهرویان خواروو، خواشت، نواز، میرو، تا، هه نیم، قز بلاخی بیجار، چالای بیجار، ریگهی بیجار - کوزانی، زهردهوان، دۆله زهش مایین دۆل، خوژخوژهی سه قز، باوهریز، شاری هورامان، خهرکه، زوانسر، جوانزق، پاوه * در طب سنتی، دانه خاکشیر را برای

خاک است، برگهای آن همانند برگ تربچه است و روی زمین پخش می شود. (علیر)

خاره زهشه: *Adiantum*

گیاهی است. نگا: قه یتهران

خاره زهره: (دی لوزانی): نوعی خار زرد رنگ است که در نواحی گرمسیر استان ایلام به فراوانی می روید. (علیر)

خاره زرده: (کر): نوعی خار زرد رنگ

خاز: گل شیوری. گیاهی است که در بعضی مناطق و روستاهای کردستان از جمله هورامان و پالنگان به این نام خوانده می شود. «هاز، کاردوو، کاردی، خازی، گوئل خازه. (مو، رو، هه، دا، که)

خازه په له کلی: نوعی از گیاه «هاز» است که در هورامان می روید و در روستای ژیار به این نام خوانده می شود. (مو)

خازه سیاوه: نوعی از گیاه «هاز» است که در هورامان می روید و در ژیار آن را «خازه سیاوه» گویند. (مو)

خازی: گل شیوری. «هاز، خاز». (مو)

خاس: کاهو، گیاهی است. «کاهوو». (هه)

خاسه زهنگ: گیاهی است که در رنگری مورد استفاده است. (رو، که)

خاشخاش: *Papaver orientale*

خشخاش، خشخاش شرقی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «خاشخاش، خاشخاشه، خاشخاشك، خه شخاش، خاشخاشكه، خه شخاشك، خه شخاشكه، گوله خاشخاشه». له کی: خاشخاش. دی لوزانی: خاشخاش. کرمانشاهی: خاشخاش.

رفع یبوست و روان کردن شکم و تصفیه کردن معده داخل آب یا شیر می ریزند و می خورند. در اطراف مهولاناوای سه قزو، این گیاه را اندازه گرفتیم یک متر و ۱۲ سانت ارتفاع داشت. (مو، رو، گژ، هه، که)

خال له مل: گیاهی است از رستنی های کردستان. «حفت گری». (مو)

خال له مله: گیاهی است حدود ۵۵ سانتی متر ارتفاع دارد در وسط همه برگها علامتی مثل قلب یا اثر انگشت وجود دارد. گویند برای ناراحتی کلیه خوب است. در خورخوره سقز می روید و به این نام خوانده می شود. (مو)

خاله زه شه: گیاهی است. در انگلیسی آن را (Maiden hair) گویند و در عربی آن را (کزبرة البئر) گویند * برای دفع شن کلیه مفید است. «قه یته ران، په لی سیاوشان». نگا: قه یته ران (رو، هه، که)

خانالی: گیاهی است در روستای زه نان با نام فوق نامیده می شود. (مو)

خانم مه زنجینه: نوعی گون است که در قلقله میرده به این نام خوانده می شود. (مو) خانه میری: نوعی انگور است. (هه)

خاو: گلی است بسیار خوشبوی. (که ...)

خاوه خاو: گیاهی است. (هه)

خاوین: گیاهی است که آن را «گیا دل ژان» نیز گویند.

خرچ: خریزه نرسیده. «خرچه». (هه، که)

خرچه: خریزه نارس. نگا: خرچ. (هه، مو، ابرا)

خرکه گازووله: سیب زمینی. «سیفه زه مینه، سیفه زه مینی، په تاته». (هه)

خرندال: گیاهی است خوردنی. (رو، هه، که) خرنووک: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان و دارویی است. «مه چه، مه چه چه، پاکه متیار» ۲- نوعی ثمر درخت مازوج است. (هه، رو، گژ، نادر، مو)

خزوک: بسفایج. (مه)

خشخه ش که ره: گیاهی است که در روستای ژیار به این نام خوانده می شود. (مو)

خلووک: گلی است. (هه)

خلیره: گیاهی است. «وولیره». که مال، آن را «زریژانه» هم نامیده است.

خلیره: گیاهی است، خلر. «پولکه، گاکوز». (رو، هه)

خنجرلی: گیاهی است که در روستای ژیار به این نام خوانده می شود. (مو)

خنجره: گیاهی است که در سورکه وُل با این نام خوانده می شود. «لولوپه ژ». (مو)

خنیه: حنا. «خه نه». (هه)

خواخورکه: کیسه کشیش. (مو)

خوجه لی: سپیدار. نگا: نه سپیدار. (هه)

خوخ: هلو، شفتالو. «قوخ، کوخ، هلو، هه شتالو». (ابرا، هه)

خورما: خرما. «قه سپ، خورمه». (هه، که)

خورماسوی لك: *Tulipa cuspidata*

لاله آتشی: گیاهی است از رستنی های کرمانشان که در فارسی آن را لاله آتشی گویند و در محل های زیر پراکندگی دارد: کرمانشاه، روستای قلعه کهوش، کوه دوشاخ، کوه شاهریز هرسین، ارتفاعات شاهق، ریحاب، کرند، دالاخانی. گونه دیگر از این گیاه بنام *T. montana* با همان نام کردی خوانده می شود و در استان کرمانشاه پراکندگی دارد. (معص)

خورمال - خورمال: خرمالو. (رو، که)
خورمالو: نگا: خورمال. (مو، ابراهه)
خورمایله: گیاهی است که ثمرش خوردنی است. (هه، رو)
خورمه: خُرما. نگا: خورما. (هه)
خوروئی: گیاه گاورس. (هه)
خوره شيله: گیاهی است. «وَلَه شیره، خوره شيله». (رو، مو، که)

خوره: *Eremurus spectabilis*
 سریش تماشائی. گونه معروف «خوره» است که در کردستان رویش و پراکنش زیادی دارد و مظفریان آن را (سریش تماشائی) نامیده است. برگهای آن شبیه برگ سیر است ولی سفت است و در وسط برگها یک تاشدگی یا شانه‌ایست که برگ را به دو قسمت تقسیم نموده است، حدود ۱۱ برگ دارد و اندازه طول برگها تا حدود ۳۲ سانتی‌متر است. حدود ۲۰ عدد ریشه دارد، پهنای برگها حدود ۳ سانتی‌متر است. دارای ریشه غده‌ایست. ریشه و بیخ این گیاه به عنوان چسپ به کار می‌رود. برگهایش مصرف خوراکی دارد. ساقه «تیرۆک» این گیاه تا حدود ۱۴۰ سانتی‌متر (در سلطان احمد و سرشیو اندازه گرفتم) ارتفاع دارد. این گیاه را در فارسی (علف سریش) هم گویند. در مناطق مختلف کردستان، این گیاه را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «خوره»، گیاجریش، گیانه‌سریلک، گیاسریش، بۆخۆشه، سریش، سریش، گیادۆخه‌وا.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: شاق، کۆسالان، ریگه‌ی بیجار - کوزانی، هه‌شه‌میز، دهره‌ویانی

خواروو، دهره‌ویانی فازس، که‌که‌وسان، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، کۆل و دۆزه‌غره، شاری هه‌رومان، که‌ماله، ژیوار، پانگان، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، دهره‌کئی، وه‌زه‌را، خۆزخۆزه‌ی سه‌قز، ناویر، گهرده‌نه‌ی سه‌لواتاوا، گلیه، هه‌والان، نیه‌ر، ته‌نگی‌سەر، ته‌کیه، ته‌خته، حه‌لوان، ره‌شهنه‌ش، قو‌لقو‌له‌ی میره‌دئی، سه‌لواتاوا‌ی بیجار، نه‌ویه‌نگ، وئی‌سەر، کۆزه‌میانه، زونج، قه‌له‌مان، دهره‌نه‌ن دۆلی، سه‌لواتاوا‌ی سنه، کۆرکۆزه، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مه‌ریوان، ته‌ته، قه‌له‌به‌رد، بلنچه‌سور، شیان. در محل‌های زیر هم می‌روید: قصرشیرین، کرمانشاه، بین نه‌اوند و کرمانشاه، دماوند، نواحی سنگلاخ دیلمان، ژوانسەر، پاوه، دالاهو، نه‌وسو (مله‌ی دالانی)، هه‌رسین *

خواص دارویی: ۱- در کتاب قانون برای رفع آرتروز و انواع استخوان درد مفید دانسته شده ۲- دم‌کرده آن با گل بابونه و مصرف آن برای دفع کرمهای روده و معده و رفع یبوست مفید دانسته شده ۳- خوردن دم کرده آن را با سیر، برای رفع لقوه یا کجی دهان موثر می‌دانند ۴- ضماد آن برای دمل، قروح و اورام، نافع دانسته شده است.

طریقه مصرف: ۱۰۰ گرم از برگهای گیاه را در یک لیتر آب بجوشانند و یا دم کنند و بمدت ۵ روز آن را مصرف نمایند. (مو، هه، رو، گۆ، جغکر، دا، من، مظ، فلور ایران، معص)

خورمیل: گیاهی است. «خوشیلک». (مو)

خورمیلک: گیاهی است که در روستاهای بست و دهره‌ویان فازس، به این نام خوانده می‌شود. «خوشیلک». (مو، گۆ، هه)

سقز، کانی مشکان، کیلان، دادانه، کهرجو، ایستگاه تحقیقات خرکه، نه که رز، پیرعومهران، آریبا، کۆرکۆره، زه نان، مه لکشان، سه رشویو مهربوان، ته ته، ژالان، بلچه سوور، قه له بهرد، ژوانسه ر، جوائزۆ، پاوه. نوعی از گیاه را گوسفندها می خورند و نوعی از آن را نمی خورند. گونه ای از آن را در آریبا اندازه گرفتم حدود ۷۵ سانت ارتفاع داشت * در طب سنتی شیریه این گیاه را برای دفع «بزمزه ی پا» مفید می دانند. (مو، رو، مظ، هه، که)

خوشیلک: *Euphorbia macroclada*
فرنیون شاخه زخیم، شیرسک. گیاهی است از رستنی های کردستان، آن را در کوه های کردستان مشاهده نمودم: بین اسلام آباد و پاوه، ارومیه، نواحی خشک همدان، دیزج سیاوش، نزدیک پاوه هم می روید. (مو، مظ، فلور ایران)

خوشیلک - خوشییلک: گیاهی است. نگا: خوشیلک. (مو)

خوشوول: نگا: خوشیلک. (مو)

خۆشه تاله: گیاهی است از رستنی های کردستان که در منطقه خوژخۆزه ی سه قز به این نام خوانده می شود. هه ژار، نام فارسی این گیاه را (کاهوی بیابانی) ثبت نموده است. (مو، هه)

خۆشه لق: نوعی از گیاه «لق» است که در شیخ شریه تی به این نام خوانده می شود. (مو)
خۆشه گه وُن: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای قولقوله ی میره دی و پیرعومهران به این نام خوانده می شود. (مو)
خوشیلک: گیاهی است که در روستاهای تا

خوژیلک: گیاهی است * در طب سنتی، درمان یبوست بشمار می آید. یک یا دو حبه قند را با شیریه این گیاه آغشته نموده و میخورند، شکم را روان می کند. نگا: خوشیلک. (مو)

خۆشناو: نوعی انگور سیاه است. (هه، رو، ار، که)
خوشیل - خوشییل: گیاهی است که در بعضی از روستاهای قروه و روستای کۆرکۆره و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می شود. «خوشیلک». (مو)

خوشیلک: *Euphorbia*
فرنیون، شیرسگ، شیرشیرک. گیاهی از رستنی های کردستان و گونه هائی از آن در نقاط مختلف کردستان می روید. این گیاه را در لهجه ها و گویشهای کردی با نام های زیر می نامند: «خوشیلک، شیرخوشیلک، شیرمار، خوشییل، خوشیلکه، شو تکیل، خوشولک، خشیلک، خوژیلک، خوشیلک، شیرشیرۆکه، شیرخوژیلک».

محل رویش - این گیاه را بهنگام گردش علمی در محل های زیر مشاهده نمودم: سلطان احمد، بهورو پەڕێشان، ارتفاعات شیشه زئی، صلوات آباد، رشتش، عه والآن، آبیدر، چل چه مه، آریژ، دریل، بنیه ر، خانه گای جوجو، زۆنج، باقلاوای شیخ حه سین، پیرخه یران، گلپه، جاده سربناو - تنگی سر، جاده کلکان - بست، هویه، سه رویه، اوپهنگ، جاده سنندج - کزه سی، هه شه میژ، سه رشو سه قز، هه رمی دۆل، قلقله، باخان، جاده مریوان - سقز، ۳ گونه در عه والآن، آبیدر، آریز، آرنسان، جاده بیجار - تکاب، حسن آباد سنندج، جاده سنندج - قروه، جاده سنندج -

خه جیجۆك: گیاهی با گل‌های قرمز، خورده می‌شود. «خه جیجۆك». (هه، رو، که)
 خه ربه ن: گیاهی است که در روستاهای نزاز و ته کیه، به این نام خوانده می‌شود. نگا: خه ربه نگ. (مو)

خه ربه ن: گیاهی است. نگا: خه ربه نگ

خه ربه ند: گیاهی است. نگا: خه ربه نگ

خه ربه نگ: **Hyoscyamus**

بذرالبنج، بنگ دانه، بذرالبنگ. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که گونه‌هایی از آن در کردستان می‌روید. (مو)

خه ربه نگ: **Hyoscyamus kurdicus**

بذرالبنج گردی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در گویشها و مناطق مختلف کردستان، آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «خه ربه نگ، خه روه نگ، هه ربه نگ، خه ربه ن، خه ربه ن، خه ربه ند، خه ربه نگ، گیا قاوله مه، هه ربه نگ».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: به‌ورو پهریشان، خندان ثاوا، ریگه‌ی سته - دئی گولان، ریگه‌ی دیگولان - قوروه، ریگه‌ی میره دئی - پیرعومه‌ران، نه‌که‌رۆز، پیرعومه‌ران، ژالانه، عه‌والان، نزاز، ته‌کیه، گلیه، خواشت، چه‌م ده‌ره‌زه‌نجیر، ریگه‌ی سته - دیواندره، ریگه‌ی دیواندره - سه‌قز، هه‌رامان، شاهۆی وئی‌زیه‌ر، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، قۆلبلاخ، کیلانه، داده‌نه، کانی مشکان، که‌رجۆ، هه‌شه‌میژ، دهستان په‌نجه‌عه‌لی، خوژخۆزه‌ی سه‌قز، کانی سه‌یی، میانه، رامۆل، دزیله، بنیه‌ر، زۆنج، باقلاوای شیخ حسین، پیرخه‌یران، ریگه‌ی سه‌ربناو ته‌نگی‌سر، قوروه، دوه‌یسه، سه‌راوقامیش،

و هه‌نیمن و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: خوشیك. (مو)

خولنجان: خولنجان. (مه)

خولوشیر: خاکشیر. (هه)

خوله‌شیره: **Ficaria ficarioides**

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «خوله‌شیره، وله‌شیره، گوله‌شیره، وره‌شیلن، خۆره‌شيله».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کامیاران، سه‌راو که‌وبگار، حه‌سه‌ناوای سته، ثاویه‌ر، ئاریژو، ئاره‌نان، شاهۆ. نگا: وله‌شیره. (مو)

خوئی می: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. «ئامیان په‌نیر، خوین من». (مو)
 خوین پالین: گیاهی است. نگا: شاته‌زه

خوین سیاوشان: **Anoplon coccineum = phelypaea coccinea**

خون سیاوش. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: گول مه‌خه‌لی. (مو)
 خوینه دوپراکه: درختی است که ثمرش قرمز است و مصرف رنگری دارد. (هه)
 خویننی سیاوشان: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: خوین سیاوشان. (مو، که)

خوور: درخت تسبریزی. «ئه‌سپیندار، خۆجه‌لی». (هه)

خه‌تکینه: نوعی گل گندم است. (مو)

خه‌تمی برای بامیه: گیاهی است که خواص درمانی آن مثل بامیه است. (گۆ، که)
 خه‌ج خه‌جک: گیاهی است با گل‌های قرمز پیاله‌ای. (هه)

تازاواي چل گزي، سه رشيوي سه تزه، ريگه ي
سنة - ديواندره، زه تان، مه لکشان، سه رشيوي
مه ويوان، ته ته، شاري هه ورامان، که ماله،
وهيسيان، بلچه سوور، شيان، روانسه ر،
جوانزه، پاوه، بورجگه از توابع بيچار. (مو،
معر، مظ، هه)

خه ربه ننگی کر ماشانی:

Hyoscyamus leptocalyx

بندزالبنج کر ماشاهی. گیاهی است از
رستنی های کرمانشاه. (مو، مظ)
خه ربه ننگی زاگروسی:

Hyoscyamus pojarkovae

بندزالبنج زاگروسی. گیاهی است که در سلسله
جبال زاگرس می روید. (مو، مظ)
خه رپنگ: گیاهی است. «خه رپونه،
خه رپونگ، خه رپونگ»
خه رپنه: (لهک): نوعی از پونه است.
«خه رپونه، خه رپونگ، خه رپنگ». (لهک)
خه رپون: گیاهی است. «خه رپونه،
خه رپونگ». (مو)

خه رپونگ - خه رپونگ: گیاهی است که
بعضی از مردم آن را نوعی پونه وحشی
می دانند. «خه رپونه، خه رپنگ، خه رپونگ،
ززه پنگ». له کی: خه رپنه. (مو، هه)

خه رپونگ: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (Hellebore). «خه رپونه». (رو)
خه رپونگه - خه رپونگه: گیاهی است.
«خه رپونه - خه رپونگ». در (ابرا) این واژه به
معنی پونه درشت آمده است. (مو)

خه رپونه - خه رپونگ: *Lythrum salicaria*
خون نام. گیاهی است از رستنی های کردستان
که در بسیاری از دره های مرطوب و آبدار

کردستان می روید و گلش شبیه گل سالمه
است و زیبا و الاغ آن را دوست دارد. این گیاه
را در روستای زه شنهش از توابع سنندج
«خه رپونه» گویند و در جاهای دیگر آن را با
نام های زیر می نامند و می شناسند:
«خه رپونگه، خه رپونگ، خه رپنگ، خه رپنه،
خه رپون، خه رپون، خه رپونگ، خه رپونگ،
خه رپونه، خه رپونه، خه رپونگ، ززه پنگ،
خه رپونه». (مؤلف)

خه رپونه: گیاهی است از رستنی های
کردستان. نگا: خه رپونه. (مو)

خه رپون: گیاهی است از رستنی های
کردستان. نگا: خه رپونه. (مو)

خه رپونه: گیاهی است که در روستای کؤل
به این نام خوانده می شود. نگا: خه رپونه

خه رتوم: گیاهی است در روستای زه نان
می روید و به این نام خوانده می شود. (مو)

خه رته له: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (mustard). نام های دیگر آن

«خه رده ل، خه رده له، تره وکه» است * برای
درمان مرض قند مفید است و به علاوه

مقوی است و تقویت کننده عمومی بدن
است. (گز، رو، هه، که)

خه رته لی زهش: خردل اسود، خردل سیاه.
(رو، که)

خه رخور: گیاهی است وحشی خاردار با
گل توپی سفید و بتفش که خوراک خر و گاو
است. مغز آن که به اندازه یک فندق است
برای رفع تشنگی در حالت اضطرابی مفید
است. (کرمانشاهی)

خه ردل: *Sinapis alba*
خردل سفید. «تینه گیا». (دا)

خسه لیله: گیاهی است. بهاری قد بلند
(Khella): گیاه خلال. «خه لئانه، دارسیواک،

خه یزران، نگا: خه لئانه. (رو، هه، که)

خه لیلی: نوعی انگور زودرس. (هه)

خه نجه ره: گیاهی است. (هه)

خه نجه لیس: گیاهی است که پیازه اش را

می خورند. «گیاه که بنه کی ده خون». (هه)

خه نو: گیاهی است. (رو)

خه نه: *Lawsonia Inermis*

حنا. درختچه ای است. (مو)

خه نی: (لهک): حنا، ماده رنگی برای رنگ

کردن مو. نگا: خه نه

خه یار: خیار. خیار در اغلب روستاها

پرورش داده می شود و در دره شهر ایلام نیز

بحد و قور پرورش داده می شود. «ثاروو،

هاروو، ثارو، هاروی، ثاروی». (ابرا، گز، هه،

با، او، مو، قا، من، که)

خه یار چه مبه: از گیاهان دارویی است. (هه)

خه یار چه مبه: خیار چنبر. (ابرا)

خه یار چه مبه: *Cassia fistula*

درختی است گرمسیری. این درخت را خه یار

چنه بهر هم گفته اند. (رو، که)

خه یار چه مبه: گیاهی است از گیاهان

دارویی. (رو، گز، هه)

خه یار دیمی: هندوانه ابو جهل. «گوژالک».

نگا: کاله که مارانه. (هه)

خه یار شنگ: از گیاهان دارویی است. (هه)

خه یار کیسه ل: گیاهی است که در روستای

گه لین به این نام و با نام «کالیاره» نامیده

می شود. نگا: کاله که مارانه. (مو)

خه یاره کیویله: گیاهی است

خه یاره مارانه: در خواشت به گیاه «کاله

خهردهل: خردل. «خه رته له، خهردهل». (هه، ابرا)

خه رزه له: (کر): خرزهره، نگا: ژاله

خه رکوز: *Slum sisarolideam DC*

شقایق جویباری. گیاهی است از رستنی های

کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد:

کسرمانشاه، سراب، خضرالیاس، سراب

یاوری، سراب روانسر، سراب نیلوفر.

خه رکول: گیاهی است. نگا: که رکول. (رو،

هه، که)

خه روه نگ: بذربلنج، بنگ دانه. گیاهی

است. نگا: خه ربه نگ

خه رویزه: (لهک): خریزه. نگا: کالهک

خه ربه نگ: گیاهی است. نگا: خه ربه نگ. (مو)

خه ریوگ: نوعی گلابی. (هه)

خه زه روگ: گیاهی است.

خه زه ل: گیاهی است دارویی. (رو، که)

خه زیم: گیاهی است. (رو، که)

خه زیموگ: گیاهی با گل های زرد رنگ. (هه)

خه س: کاهو. نگا: کاهو

خه سک: گیاهی با گل های زرد رنگ. (هه)

خه شخاش: نگا: خاشخاش. (مو)

خه شخاشک: نگا: خاشخاش. (مو)

خه شخاشهک: نگا: خاشخاش. (مو)

خه شیل: نگا: خوشیلك. (هه)

خه لئانه: گیاه خلال. گیاهی است که آن را با

نام های زیر، می نامند: «خه لئانه، خه لیله،

خه یزران، دارسیواک». (هه، رو، که)

خه له ندور: گیاهی است. «گندور، دوریه،

ته له ندور، خه له ندور». نگا: گونوز. (هه، رو)

خه له نگ: گزنه. «گه زگه سک، گه زگه زک».

نگا: گه زنه. (هه)

که مارانه، کالیاره می‌گویند. (مو)

خه‌یزه‌ران: خیزران، نوعی نی است، نی هندی است. (ابراهیم)

خیاره کیوی: گیاهی است

خیلانگ: خاری است که برای سوزاندن مصرف دارد. (هه)

خیلونگ: نگا: خیلانگ. (هه)

خییار شین: (له‌ک): خیار چنبر. نگا: ترۆزی
خییار شینگ: (له‌ک): خیار چنبر. نگا: ترۆزی

« ۵ »

داچکه قولاجکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای ده‌رویان فازس به این نام خوانده می‌شود. نگا: کۆکلّاشک. (مو)

داچکه قولانچه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که شیرهایش را روی چیز پاکیزه‌ای می‌ریزند و پس از سفت شدن، مانند آدامس آن را می‌جویند. نگا: کۆکلّاشک دارازەش: درختی است جنگلی. «داره‌زه‌ش». (هه، رو)

دار ناسن: *Cotoneaster nmmularia*

شیرخشت، سیاه چوب. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان، در جوانی دارای سرشاخه‌های قرمز رنگ است که بتدریج رنگ آن تغییر می‌کند. میوه‌ای دارد شبیه «ناله‌ته کیفیله» ولی قرمز رنگ. در اغلب جاها آن را «دار ناسن» گویند. در قلقله‌ی میره‌ده، آن را «سووره‌چیو» و تعدادی از اهالی روستاهای

باقلاوای شیخ حه‌ین و گلیه، آن را «تووله‌گری» و در بعضی جاها «گۆگه‌توولینه» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: ته‌کیه، هه‌شه‌میژ، زه‌شته‌ش، قولقوله‌ی میره‌ده، نه‌که‌روژ، پیرعومه‌ران، باقلاوای شیخ حه‌ین، گلیه، چه‌م ده‌ره‌زه‌نجیر، خواشت، عه‌والان، ناربه‌با، ده‌رویان فازس، کوزه‌میانه، کۆسالان، ته‌نگی‌ور، نزاز، نشور، چل‌چه‌مه، سه‌رشوی مه‌ریوان، شیان، پاوه. (مو، معر، مظ)

دار نالیینگ: درختی است. (رو، که)

دار نه‌رخه‌وان: درخت ارغوان. از رستنی‌های کردستان است، این درختچه در محل‌های زیر می‌روید: هه‌ورمان، کوسه‌هه‌جیح، کۆسالان، نزاز، گواز، سه‌رویز. نگا: نه‌رخه‌وان. (مو)

دار بنیشت: بنه. نگا: داره‌وه‌ن

دار به‌نک: درخت بنه. «داره‌به‌ن، دارکه‌سکان». نگا: داره‌وه‌ن. (هه)

دار بیی: *Salix*
درخت بید. «داری بی، داره‌بیی». (مو، او، هه، مه)

دار به‌لک: پده. نگا: په‌لک. (مو)

دار پسته: درخت پسته. نگا: بسته

دار توفانه: *Fraxinus ornus*

درختی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «دار توفانه، به‌وز، دار میثوله، بووز، بفز». نام فارسی این درخت را، هه‌ژار (درخت پشه) و ابراهیم‌پور (نارون) ثبت نموده است. که مال، نیز آن را (ناره‌وه‌ن) نامیده است و اگر نام

طول ۸۰ سانت تا ۲ متر، در نواحی گرمسیری کردستان مثل ایلام و اسلام آباد غرب و پاوه و جوانرود و خانشور می‌روید * اسانسهای قوی در برگها و ریشه گیاه فراوان است، و دارای رزین فرار است. جوشانده برگهای آن برای رفع التهاب مخاط ششها مفید است... این درخت را «گیا ژانه» هم گویند. (امینی) در منبع دیگر (نادر) چنین آمده است که: دار ژانوبا درختی است که خواص دارویی زیادی دارد و از رستنی‌های کردستان است، در کوه «هه بیته سولتان» در نزدیکی کوی مشاهده شده است. (نادر) دار سه وزه: کاج. «هه میشه سه وز، کاج». (هه، دا)

دار سوماخ: نگا: سماخ

دار سیواک: چوب مسواک، سندان سفید. (هه، ابرا، مه)

دار شرق: درختچه‌ای است به ارتفاع حدود ۳ متر. «شرق، شهین». (مو)

دار شهین: درختی است. «شهین، شرق». (مو)

دار فشفشه: نشفشه، درختی است

دار قه‌زوان: بنه، درخت بنه. «داره وهن»

دار قه‌سپ: ۱- درخت خرما ۲- درخت خرمای زیتنی. (هه)

دار قسخه‌وان: بنه، پسته وحشی. «داره وهن، وهن». (مت)

دار قه‌سوان: بنه، پسته وحشی. ثمر این درخت را در مریوان «قه‌سوان» گویند. «داره وهن». (مو)

دار قه‌یسی: درخت زردالو. (مو)

دار کارچک: نوعی گلابی وحشی. «داری

علمی آن که رووه‌ک آن را آورده است صحیح باشد، مظفریان نام فارسی آن را (زبان گنجشک گل) نامیده است. (رو، هه، ابرا، مظفریان، که)

دارتوو: درخت توت. قه‌سری: دارتیر. نگا: تو. (کرمانشاهی، هه، مو)

دارتفی: درخت توت. «دارتوو، دارتیو». (هه، مو)

دارتسیو: (قه‌س): درخت توت. «دارتو، دارتوو». نگا: تو. (کرمانشاهی)

دار جاجکه: بنه، پسته وحشی. «داره وهن» دار جه‌وگ - وام کیوی: تنگرس. نگا: ته‌لگس (دا)

دارچین: دارچین. نگا: دارچینی. (مو، هه)

دارچینی: ۱- درخت دارچین. «توونه‌دار،

دارچین». ۲- پودر دارچینی که به عنوان ادویه مورد استفاده است و در عرف آن را (دارچین)

گویند * دارچین تقویت کننده اعضای رئیس بدن (قلب، کبد، مخ (مغز)، بیضه) است و دفع کننده انواع سمها و حافظ قوتهای نفسانی و طبیعی است. ده گرم پودر دارچین را در یک لیتر آب به مدت ۵ دقیقه بجوشانید و روزی یک فنجان از آن بنوشید، درمان ضعف قلب است. (رو، گز، دا، مو، من، هه، که) دار حه‌یزه‌ران: درختی است. (هه)

دار خورما: نخل، درخت خرما. (ابرا، مو) دار دره‌وش: *Catalpa sp*

جوالدوزک، درخت جوالدوزک. این درخت در تعدادی از پارکها از جمله پارک امیریه سنجید پرورش داده شده است. (مؤلف)

دار ژانوبا: *Ephedra intermedia*

ریش بز، آرمک میانه. درختچه‌ای است به

کروزسک». (هه)

دار کنیر: درختی است خوشبو مثل گیاه کنیر، کوهستانی و شبیه درخت بادام است. «کنیره». (رو، که)

دار کۆلک: درختچه جنگلی، گیاه بوته‌ای. (هه)
دار که‌وت: درختچه‌ای است جنگلی از رستنی‌های کردستان. «کینکف، که‌وت، که‌فوت». (مو)

دار گول: درختی است. (رو، که)

Tamarix دار گه‌ز:

درختی است. نگا: گزی چار. (مو، رو، که)

دار گیللاس: درخت گیللاس. (مو)

Quercus infectoria دار مازو:

دار مازو، مازوج، بلوط حلبی. درختی است از رستنی‌های کردستان به ارتفاع متوسط ۶ متر و یا بیشتر دارای پوست تنه خاکستری مایل به سیاه و ترک خورده. میوه آن استوانه‌ای کشیده صاف و براق به رنگ قهوه‌ای روشن. در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲ قطر یک درخت کهن سال دار مازو را در نزدیکی زیارتگاه اصحاب در کوه میراجی مریوان اندازه گرفتم که ۶ متر و ۶۵ سانتی متر بود.

محل رویش - در کوه میراجی واقع در نزدیکیهای شهر مریوان، ده‌ریه‌ن دژلی، سه‌رشیوی مریوان آن را مشاهده نمودم. در سردشت هم می‌روید. از درختان دار مازو فراورده‌های مختلفی بوجود می‌آید که از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت است. میوه‌های این درختان عبارتند از: مازوج، قلقاف، زشکه، مازوروسکا، که دارای مقدار زیادی تانن می‌باشد. قلقاف همان میوه گرد قهوه‌ای رنگ است که به اندازه یک گردوی بزرگ

می‌شود و در بعضی جاهای کردستان، آن را «گلوان» گویند. رنگ قلقاف نخست آسمانی یا آبی است و بدینجهت، آن را در مریوان «مازو که‌وه» گویند، و در پائیز رنگ آن تغییر می‌کند. «سیچک - سیچکه» یکی دیگر از ثمره‌های دار مازو است. این درخت را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «دار مازو، مازوودار، داری مازو» در مریوان آن را «مازووار» گویند. (مو، معر، ثابتی)

دار مه‌له‌م: درختی است از رستنی‌های کردستان. بنا به نوشته ثابتی این درخت را در لرستان «مه‌لحو» و در پشت کوه «مه‌لو» و در سردشت «کنره، کنر» گویند. نگا: دار میله‌و. (مو)
دار میشلوه: درختی است. «دار توفانه، داریکه به‌ریک ده‌گری پزیه له میشلوه»

Cerasus mahaleb دار میله‌و:

= **Prunus mahaleb**

محبب. درختی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف کردستان، آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «دار میله‌و، مه‌له‌م، دار مه‌له‌م، میله‌و».

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: کاللی سهر، ریگه‌ی مریوان - سه‌تو، کۆسالان، ریگه‌ی سه‌ولآوا - خو‌سملی، خو‌سملی، ره‌شنه‌ش، قو‌لقوله‌ی میره‌دی، سه‌رشیوی مریوان، شیان * میوه این درخت برای ناراحتیهای معده مصرف سنتی دارد. (مو، مظفریان، معر، سیما)

دار نارگیل: درخت نارگیل. (مو)

دار نارنج: درخت نارنج. «نارنج، نارنگ» هم می‌گویند. (وشه، دا، هه، مو)

حرارت نرم و ذوب می‌شود. این صمغ در امور پزشکی و صنایع دارویی بکار گرفته می‌شود، و ضمن تجزیه شیمیایی از فراورده‌های حاصله در صنعت کاغذسازی، رنگ سازی، چسب سازی و غیره استفاده می‌شود. میوه این درخت را در اصطلاح کردان «وه‌نه‌ته‌ق، قزقه‌وان، قه‌سوان، قه‌زوان» گویند. هه‌زار، معادل فارسی، داره وه‌ن را درخت پشه‌نورشته است که اشتباه بنظر می‌رسد. (مو، رو، جفکر، هه، مظ، ثابتی)

داري باذه‌مي کيويله: نگا: هه‌رجن
داري بايه‌ف: درخت بادام. نگا: باذه‌م. (رو، مو)

داري بووز: درخت پشه. «به‌وز، بووز». (هه، او)

داري بي: درخت بيد. «دار بي». (مو)

داري په‌لک: پده. نگا: په‌لک

داري تري: نگا: ميو

داري حه‌يزه‌ران: درخت حيزران

داري خه‌نه: درختی است. نگا: خه‌نه. (رو، گز)

داري سنجو: درخت سنجد. نگا: سرينچک

داري سنويه‌ر: صنوبر، درخت صنوبر. (هه)

داري شمشاد: درخت شمشاد. (هه)

داريلانک: گلی است خوشبو. (هه)

داري مازوو: درختی است. نگا: دار مازو

داري هه‌نگوور: نگا: ميو

داش که‌له‌رم: کلم قمری. «داش که‌له‌م». (ابرا، هه)

دالک‌ه پیران: گیاهی است که فقط دو برگ دارد و بر روی زمین پهن می‌شود و فاقد ساقه وسط است. (گز، رو، که)

دارو و جان: گیاهی است قد بلند، بیشتر در میان مرزه می‌روید. (رو، که)

داره‌ه‌نار: درخت انار

داره به‌ن: به، درخت به. «وه‌ن، داره وه‌ن». (مو، رو، که)

داره بي: درخت بيد. «داري بي، داري»

داره زه‌ش: ۱- نگا: بناوچه. (رو، که)

۲- داري ناره وه‌ن. (هه)

داره زيتون: درخت زيتون. نگا: زيتون

داره شينکه: گیاهی است. (رو، که)

داره وه‌ن: *Pistacia atlantica*

Subsp. kurdica

بنه کردستاني، سقز، گلخنگ، پسته وحشی.

درختی است از رستنی‌های کردستان که در

مناطق مختلف کردستان، آن را با نام‌های زیر

می‌نامند و می‌شناسند: «داره وه‌ن،

داره‌ه‌زوان، داره به‌ن، وه‌ن، دار چاچکه...»

محل رویش - در محل‌های زیر، این درخت را

مشاهده نمودم: دهره‌بن دزلی، خورخوره‌ی

سه‌قز، گه‌رده‌ی ماموخ، زه‌شته‌ش، پاوه،

کوسالان، به‌رقوز، نیاوا، گلیه، نزاز،

ئه‌ويه‌نگ، سه‌روه‌یه، ته‌کیه، داذه‌نه‌ی

که‌مانگر، گواز، هه‌جیج، خواشت، چه‌م دهره

زه‌نجیر، سلین، پل‌هر، که‌ماله، شاری

هه‌ورامان، ژيوار، پالنگان، ته‌نگی‌هر، شاهوی

پالنگان، شاهوی ته‌نگی‌هر. این درخت علاوه

بر استان کردستان در محل‌های زیر هم

می‌روید: کرمانشاه، گیلان غرب، اسلام‌آباد

غرب، ایلام، کرد، لرستان، سردشت * از

این درختان صمغی استخراج می‌شود و این

ماده را در زبان کردی «چاچکه تاله - بنیشت»

گویند، این صمغ چسبناک بوده و در مقابل

دالیا: گیاهی است. (گز)

دانا ورد: گیاهی است که در تنگی و در به این نام خوانده می شود. (مو)
دان حاجی لهك لهك: (کرماش):

Bongardia chrysogonum

= *Leontice chrysogonum*

گیاهی است از رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر می روید: هرسین، سونقور، کرماشان، مایی دهشت، کندی غرب.
دان دانوکه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو، هه)

دان مهلوچیک: (کرماشانی):

Hellanthemum ledifolium

گل آفتابی: گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر پراکندگی دارد: کرماشان، کندی غرب، بیستون، ئیسلام ناوای غرب، گیلانغرب، سرپیل زه هاو، نهوسو. (معص)

دانوکه: گیاهی است بهاری و از رستنی های کردستان. «دانوکه، دانه چوله که».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کهوبگار، میانه، زونج، خورخوزی سه قز، قه لای حه سه ناوا. (مو، رو، گز)

Biebersteinia multifida DC دانوکه:

آدمک: گیاهی است از رستنی های کردستان دارای ریزوم بزرگی است شبیه آدم نشسته و پاها را باز کرده. این گیاه را در روستای شیخ شهریه تی از توابع مریوان «دانوکه» گویند و تعدادی از اهالی روستای صلوات آباد سندج آن را «نوکیه» می نامند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: سلطان احمد، شیخ شهریه تی، سه لواتاوی سنه، کورکور، کهل هه مرق، ده گاگا، کوسالان، چه م دهره زه نجیر، خواشت، هه والان، ناویر گه وره، زه شنش، نه ویه نگ، وئی سر، گه لین، ریژاو، کوزه میانه، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی وئی زیهر، سرشیوی مریوان، ته کیه، هه شه میژ، شیان، زوانسر، پاوه. (مؤلف)

دانوکه زه شه: گیاهی است که در روستای ابراهیم آباد واقع در پشت گردنه صلوات آباد به این نام خوانده می شود. (مو)

Alkanna دانوکه قه لا:

شنگار. نام جنس گیاهی است از تیره بوراژیناسه که در بسیاری از ارتفاعات کردستان رویش دارد. این گیاه را در روستای چرمه لی بالا «چه رمه لای ژورو» از توابع سنقر و کلیایی «دانوکه قه لا» گویند و در روستای خه نان ناوا، از توابع قروه، آن را «دوشاو مژه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بهورو پهریشان، گلپه، ریگه ی بیجار - تیکاب، سرشیوی مریوان. (مو)

دانوله - دانووله: ۱- گیاهی است ۲- دانه آب پز، آش حبوبات. «دانه کولانه». (مو، هه)

دانه په نیره: (کرماشانی): نوعی گیاه بهاری که غنچه اش را می خورند

دانه جووجه له: گیاهی است. (رو، گز)

دانه چوله که: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو، هه، که)

دانه قه تی: گیاهی است. (هه)

دانه مریشکه: گیاهی است. «پن چوله که».

(مه)

روانسر، جوازۆ، پاوه، ژالانه، كۆسالان. این گیاه در کرمانشاه، خسروی، دیواندره، سلیمانیه عراق نیز می‌روید. (مو، مظ، معر)

دایه و بابیه: نگا: دایکه و باوکه. (مو)

دایه و گولاله‌ی: گیاهی است که در روستای هشمیز «گوندی هه‌شه‌میز» به این نام نامیده می‌شود. نگا: گاکورال. (مو)

درکۆك: درختچه‌ای است. نگا: تووژك. (مو) دركۆك ئاسن: درختچه‌ای است خاردار و از رستنی‌های کردستان (و این غیر از دارئاسن است).

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: کوزانی، قزلبلاغ، بیجار، دۆه‌سه. (مو) درکه ئاسینه: گیاهی است خاردار و از رستنی‌های کردستان. (مو، هه)

درکه ئالته: گیاهی است. «زوری». (نادر) درکه پووره ئاپشی: گیاهی است. (رو، گز، که) درکه پیره ژنه: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)

درکه زهرده: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که ۲ نوع آن در منطقه کۆسالان وجود دارد. (مو) و نوع معروف آن در ره‌شنه‌ش نیز می‌روید. (مو، رو، که)

درکه زهرده: گیاهی است. «زهرده دركۆك». (مو)

درکه‌زی: گیاهی است که در زمین پخش می‌شود و شبیه ته‌پله‌گه‌ژن است. (گز)

«یا خوا به‌د کاران له به‌دی که‌ون درکسه زی زاخه‌ن به کیوار خه‌ون» درکه‌زی - درکه‌زی: درختچه‌ای است. نگا: ته‌لوک. (رو، که)

درکه ژال: خار شتر. گیاهی است. «کۆله‌وار». نگا: وشرخوار

دانه مه‌لوجك: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای تاینه از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. «دانه مه‌لوچکانه». (مو)

دانه مه‌لوچکانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روانسر به این نام خوانده می‌شود. (مو). نگا: دانه ملوجك

دانه مه‌لوچکه: گیاهی است که در روستای ده‌وریشان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

داودی: گل داودی. (هه)

داویتی: گل داودی. (هه)

دایك گولاسووره: لاله. «گاکورال». (مو)

دایکه و باوکه: *Teucrium polium*

مریم نخودی، کلپوره. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌خوانند و می‌شناسند: «دایکه و باوکه، میم نوخنه، نه‌ذاوبابه، می‌می خونی، می‌می نوخنی، گیا دایکه و باوکه».

محل رویش - در محل‌های زیر آنرا مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمده، که‌ل هه‌مرو، کۆله‌ساره، دژله، بنیهر، باقلاوای شیخ حه‌سین، زونج، سه‌روهیه، هه‌والان، کانی سه‌بی، سوور که‌ژل، خوزخوژه‌ی سه‌قز، مه‌هاباد، ورمی، گلپه، ده‌گاگا، بزژیده‌ر، مازی‌بن، چه‌م دهره زه‌نجیر، خواشت، نجی، سالیان، ره‌شنه‌ش، سه‌لواتاوای بیجار، گهلین، خانه‌گای گهلین، شاری هه‌ورامان، سلین، که‌ماله، وه‌سیان، رووه‌وه‌ری، سه‌رو پیری، بلهر، ژیوار، ته‌ته، دۆله زه‌ش مایین دۆل، زهرده‌وان، کانی مشکان، کیلانه، داده‌نه، سه‌رشوی سه‌قز، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مه‌ریوان، بلچه سوور، هه‌شه‌میز، ته‌کیه، شیان

تمشك. «تووزك، تووتزك». ۲- خار، تبغ. (مو،
هه، ابرا، كه)

درّی: (هه ورام): خار. «دزك». (مو)

درّی خانی: *Capparis spinosa*

= *Capparis ovata*

= *Capparis sicula*

كَبَر، كَوَر، علف مار، لگجی. گیاهی است از
رستنی های كردستان كه در هه ورامان آن را
«دزّی خانی، دزّی خانی» گویند.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده
نمودم: گردنه ژالانه بطرف اورامان، ژیوار،
كه ماله، اورامان تخت (شاری هه ورامان).
داخل روستا و اطراف آن * به گفته مردم
هه ورامان، نظر مرحوم شیخ عثمان نقشبندی
بر این بوده كه میوه این گیاه درمان
مارگزیدگی است. «دزّی خانی». (مؤلف)

درّیله - درّیله: گیاهی است. «دزّیله». (مو)
درّیله: گیاهی است از رستنی های كردستان كه آن
را «دزّیله، درّیله، درّیله، درّیله» گویند. (مو)

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های
زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: میانه، زونج،
زه شنه ش، هه شه میژ، بلچه سور. (مو، رو، كه)
درّی هه رانه: (هه ورام): گیاهی كه در
روستای ئه وپه ننگ از توابع ژاورود به این نام
خوانده می شود و در بعضی جاها آن را
«قاشاخ» گویند. نگا: دزّكه كه رانه. (مو)

درّیلی: گیاهی از رستنی های كردستان كه
خوردنی است. نگا: دزّیله. (مو)
دقّری: گیاهی است. (هه)

دگان تيژكه ر: *Portulaca oleracea*

خرقه. گیاهی است از رستنی های كرمانشاه كه
در محل های زیر پراكندگی دارد: كرمانشاه،

درّكه كه رانه: *Cirsium congestum*

كنگر انبوه، كنگر متراكم. گیاهی است از
رستنی های كردستان كه در بسیاری از
ارتفاعات می روید. حدود ۱۵۰ سانتی متر
ارتفاع دارد.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده
نمودم: گردنه ژالانه واقع بر سر راه دزّی به
اورامان، درین دزّی، سه رشوی مه ریوان،
ته ته، شیان، هه شه میژ، ته کیه، زوانسر،
جوانزّو، پاوه، ئه وپه ننگ، ره شنه ش. (مو)

درّكه كه رانه: گیاهی است. در بعضی جا آن
را به گیاه «كه ركول» گویند. (مو)

درّكه كه له وی: گیاهی است نزدیک نیم متر
ارتفاع دارد و دارای خار تیز است و آن را
«كه له وی» هم گویند. (رو، كه)

درّكه گورزه: گیاهی است. نگا: كه رته شی
درّكه له وی: گیاهی است. «دزّكه ئاسینه».
(هه)

درّو: خار. «دزك»

درّو قاخلی: گیاهی است از رستنی های
كردستان كه آن را «درّو سه ئاسینه» هم
گویند. (مو)

درّوه زه رده: زردخار

درو: تمشك. «تووزك، تووتزك». (مو، ابرا)
درّه با: كنگر فرنگی. (دا)

درّهی: درختچه ای است. نگا: تووزك. (مو)
درّهی: انجیر. نگا: هه نجیر

درّهی زرو: گیاهی است خاردار كه در قدیم
از بیخ آن بجای صابون استفاده می كردند. (مو)
درّهی خانی: (هه ورام): گیاهی است كه در
هه ورامان می روید. نگا: درّی خانی. (مو)
درّی: ۱- درختچه ای است، درختچه

می شناسند: «شیلان، گوله سه گانه، دلیک، دلقی، دلیق، جلیق، دلیق، شییلانه، دلق».

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: هه ورامان، تهنگی وهر، که رجو، بلچه سوور، که که وسان، دهره ویان خواروو، ره شنهش، تا، گهلین، بیجار، زه نان، مه لکشان، سه رشیوی مه ریوان، ته کیه، هه شه میزه، شیان، ریگهی بیجار - تیکاب، حلوائی و سراب بیجار، روانسر، پاهو، ناویر. در محل های زیر هم می روید: کرماشان، ئیسلام ئاوی غهرب، سوتقوز، کوردی غهرب، هه رسین، سه حنه. نگا: شیلان. (مو)

دلیک - دلییک: نسترن کوهی. درختچه ای است که در بیجار و بعضی جاهای دیگر آن را «دلییک» گویند. نگا: دلیق دلیمه: (کرماشانی): نوعی انگل گیاهی که در کنار بوته های خیار و خریزه و هندوانه پیدا می شود.

دم سمۆر: گیاهی است که در قلقله میرده به این نام و با نام «دووسموره» نیز خوانده می شود. نگا: دووسمۆرکه. (مو)

دم سمۆره: گیاهی است که در قلقله میرده به این نام و با نام «دووسموره» نامیده می شود. نگا: دوو سمۆرکه. (مو)

دم کانا - دم کانه: موخور. این دو واژه را در سه ردشت و بعضی جاهای دیگر بکار می برند. نگا: ده مووکه. (مو)

دمکانه: موخور. نگا: ده مووکه.

دمه رواسله: *Grammoscladium*

گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: ارتفاعات دهره کسن، دزلی،

اسلام آباد غرب، بیستون، قصر شیرین، کوزران. (معص)

دگان تیژه وکهره: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای که و بگار از توابع کامیاران به این نام خوانده می شود. (مو)

دلق: نسترن کوهی. ثمر و میوه این درختچه غذای مورد علاقه حیوانی است بنام «ده له ک». میوه نوعی از این درختچه شبیه زیتون است و نوعی دیگر گرد است و شبیه تسقل (ثمر مازوج) است. «شیلان، دلیق». (مو)

دلق: درختچه ای است که در بعضی جاها از جمله شیان به این نام خوانده می شود. نگا: دلیق. (مو)

دلقی: درختچه ای است که در روستاهای تا و گهلین به این نام خوانده می شود. «دلیق، شیلان». (مو)

دله شیر: گیاهی است. در بعضی جاها آن را «گون که له شیر» هم گویند. (رو، گز، که)

دله که له شیر: نوعی انگور است. (رو، هه، که) **دلیغ:** (کرماشانی): درخت و میوه گل سرخ و گل محمدی

دلیق: نسترن وحشی، نسترن کوهی. «دلیق، شیلان». نگا: دلیق. (مو)

دلیق: (کر): *Rosa foetida*

نسترن زرد، گل دورنگ. درختچه ای است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: مایی دهشت، سوتقوز، کوردی غهرب. نگا: وله زهره. (معص)

دلیق: *Rosa canina*

نسترن کوهی، نسترن وحشی. درختچه ای است از رستنی های کردستان که آن را در مناطق و گویشهای مختلف با نام های زیر، می نامند و

دهر بن دزلی، عهوالآن، رهشنهش، نهوینهنگ، گهلین، خانه گای گهلین، سرشیوی مریوان، تهته، قهله بهرد، بلچه سوور، زوانسر، پاوه. «سموره، دمه ریواسله، دوو سموره». (مو)

دمه ریواسله: *Grammosciadium*
گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: دمه زواسله». (مو)

دمه لآن: گیاهی است. «دومه لآن». (رو)
دوای جگهر - دهوای جگهر: غافث. گیاهی است. نگا: گیا جگهر. (مو)
دوبه سهره: گیاهی است دارویی. (هه)
دوچ: گیاهی است که آن را «دووچی» نیز گویند. (مو، هه، که)

دوخواخه سکه ره: گیاهی است که در بعضی از روستاهای منطقه تپله کو از جمله ایرانخواه (ایران شاه سابق) به این نام خوانده می شود. (مو)
دوخلوینکه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

دودکه ره: گیاهی است که در روستای نواز به این نام خوانده می شود. «دودکه ره». (مو)
دودکه ره: *Anchusa strigosa*

گاو زبان خارک دار. گیاهی است از رستنی های کردستان که در رشنش و تا و بعضی جاهای دیگر آن را «دودکه ره» می نامند. در دهره ویان و کوژ، آن را نوعی «گوزروان» می دانند. گونه ای از گیاه «گوزروان» است که خوردنی نیست. نگا: گوزروان

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: صلوات آباد سنندج، ایستگاه تحقیقات کشاورزی خورکه، کوزه میانه، تا، زونج، نه که رور، عهوالآن، پیرعومه ران،

زهشنهش، ثاوهر، قه لای حه سه ناوا، زهرده وان، که رجو، قهله بهرد، دۆله زهش مایین دۆل، هه شه میژ، پهنجه عهلی قوروه، کوژ و دوزه غهره، دهره ویان فازس، گهلین، خانه گای گهلین، سرشیوی مریوان، تهته، بلچه سوور، ته کیه، شیان، دووشان، زوانسر، پاوه، در منابع (هه، رو) نیز فقط نام این گیاه آمده است. «دوکه ره». (مؤلف)

دودوی که ره: گیاهی است. در روستای زهشنهش از توابع سنندج، این نام را به گیاه «گه مالدق» می گویند و عده ای از اهالی همین روستا، آن را «دوو دووکه ره» گویند. نگا: گه مالدق. (مو)

دورزیله: گزنه. نگا: گزنه. (هه)
دورملک: نوعی کدو. (هه)
دوزه ست: گیاهی است. نگا: شه وکه ران. (رو، که)

دوری: گیاهی است. «گونوز، گندوز، دۆریه، قهله ندر». (هه). نگا: گونوز

دوری رشک: درختچای است. نگا: تووزک دۆریه: گیاهی است خوردنی. «گونوز، دۆری، گندوز». نگا: گونوز. (هه).

دوشاوله: *Eremostachys macrophylla*

سنبل بیابانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای صلوات آباد به این نام خوانده می شود و در بعضی جاها آن را نوعی گیاه «کوز پیره ژن» می نامند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سه لواتاوای سته، مله ی سه لواتاو، تهته، قهله بهرد، زهشنهش، سولشان نه حهده، عهوالآن، نجن، سالیان، دۆله زهش مایین دۆل، سرشیوی مریوان، هه شه میژ،

دومبه لآن: گیاهی است. «دومه لآن». (گوز، رو)

Truffle دومه لآن:

گیاهی است. این گیاه را در عربی (نبات الرعد، کماة) گویند. «دومه لآن، دومبه لآن».

(رو، که)

دونگوز: گیاهی است بیخش چوبین و خوشبوی است. (هه)

Loranthus grewinkil دونگی: (کر):

شسیرینک. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: سونقور، سه حنه، کرنندی غهرب، پاوه.

گیاهی است پایا، بدون کرک، سبز متمایل به زرد، انگل روی درختان گلابی، بادام، آلوچه، افرا، با ساقه چوبی، تقریباً بنددار، با انشعابات و شاخه های فراوان و برگ های

مستقابل، باریک، پهن، دراز، تماماً دارای دم برگ بسیار کوتاه می باشد. گلها به رنگ زرد متمایل به سبز مجتمع در خوشه های کوتاه و انتهایی. میوه سته به رنگ شیری. (معصب)

دووپشکه: گیاهی است دارویی و از رستنی های کردستان که در خورخوزه ی سه قز و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. (مو، هه)

دووپه زه: گیاهی است بهاری. «دووپه له». (رو، هه)

دووپه له - دوپه له: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: دووپه زه. (مو، رو، هه)

دووتره کین: گیاهی است که در روستای کۆل از توابع سالال به این نام خوانده می شود. (مو)

دووچسی: گیاهی است از رستنی های کردستان. این گیاه آفت غله است.

زوانسر، پاوه، کۆسالان. (مؤلف)

دوشاوله: گیاهی است از رستنی های کردستان و این غیر از «دوشاوله» دیگر است. (مو)

Alkanna orientalis دوشاومژه:

شنگار زرد، شنگار شرقی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی از روستاهای اطراف کوه بدرو پریشان قروه آن را «دوشاومژه» گویند. این گیاه در ایران و در منطقه کردستان پراکنش قابل توجهی دارد و در ارتفاعات کوهستانی الوند، سهند و گردنه شبلی نیز به فراوانی می روید. در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بهورو پهریشان، کۆسالان، ته ته، قهله بهرد، پاوه. (مؤلف)

دوشاومژه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای زه زینه ی ورمزیار و چال (محمودآباد اوباتو) به این نام خوانده می شود. همان گونه معروف و فراوان گاوزبان است که در کنار جاده های بین شهری و بین روستائی کردستان بحد و فور می روید. نگا: گوزروان

دوشاومژه: گیاهی است از گیاهان کردستان که در اکثر جاها از جمله میانه رویش دارد و در این روستا به این نام خوانده می شود. (مو) دوشاویی: نوعی انگور است. (رو، هه، که) دوشله قینه: گیاهی است از رستنی های کردستان از جمله خورخوره سقز. (مو) دوڤ سورک: نوعی گلابی است. «همرمین لاسوره». (هه)

دوگمه ی خانم: گلی است. (رو، گوز، که) دوگه قه لیش: زنیان. (مه)

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: میانه، رهشنهش، سه لواتاوای سته، هه شه میز، ته کیه، هه ورامان، زونج، نگا: دوج. (مؤلف)
دوودرک: تمشک. نگا: تووزک. (مو)
دوودووکهره: نگا: دودووکهره

دووراخ: شبت. «شویت، دووراخ». (رو)

دووری که ره: گیاهی است از رستنی های کردستان. در بعضی جاها این نام را به گیاه «دودووکهره» می گویند. نگا: دودووکهره. (مو)

دووزیویه: گیاهی است که دو ساقه شبیه دم روباه دارد. (رو، هه، که)

دووسمور: گیاهی است. نگا: دووسمورکه. (مو)

دووسمورکه:

Grammoscladum scabridum

شوید کوهی زیر. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «دووسمورکه»، دوسمور، دم سموره، سموره، دم سمور، شواله دزه، دوو سمور، رازیانه، سموره، دووسموره.

گیاهی است خوردنی شبیه شوید ولی برگهای آن کوتاهتر از برگ شوید، هنگامیکه بزرگ شد دارای شاخه ها و گل های متعددی می شود. در بعضی از روستاهای اطراف بهورو پریشان قروه آن را «رازیانه» گویند. در بعضی جاها، این گیاه هنگامیکه پیر شد آن را «شواله دره» می نامند. در بعضی از مناطق کردستان این گیاه را خشک کرده و کوبیده و داخل غذاها از جمله «دانوله» می ریزند. در جوانی بصورت خام و پخته آن را می خورند. این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم:

ارتفاعات باخان و بهردی سپی، سه والآن، سولتان نه حمده، بهورو پریشان، رهشنهش، نه ویه نگ، قولقوله میره دی، گهرده نهی سه لواتاو، گازان، کوزه میانه، زونج، گلیه، کهل خان، کتله شین، زه نان، سهرشیوی مریوان، مله ی ته ته، قهله بهرد، بلچه سور، شیان، هه شه میز، ته کیه، زوانسر، پاوه. (مؤلف)

دووسموره: گیاهی است. دارای ساقه های زیاد و گل های زیاد حدود ۸۰ سانت ارتفاع دارد. این گیاه در جوانی بطور خام و پخته قابل خوردن است. آن را خشک می کنند و مثل ادویه برای معطر نمودن کوکو، کتلت و غیره استفاده می کنند. نگا: دووسمورکه. (مو)
دووسهر: گیاهی است. در کشتزار روید. (هه)
دووشان - دوشان: گیاهی است.

«گوله جام». (امینی، نادر)

Nonnea persica (کر): دووشاومژه:

گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر می روید: کرماشان، بیستون، سونقور، شاق، دالاهو. (معص)

دوووف روفی: گیاهی است. «کلکه زیوی». (هه)

دووکهره: گیاهی است که در روستای حسن آباد واقع در ۵ کیلومتری شهر سنندج و در دامنه قلعه حسن آباد و نیز در صلوات آباد سنندج، آن را «دوکه ره» گویند. بعضیها این گیاه را دو نوع می دانند و گیاه «مژه» را نوعی از آن بشمار می آورند. نگا: دودووکهره. (مو)

دوگونه: نوعی از بقولات که در کنار کشتزارهای عدس و ماش می روید، دانه های آن گرد و دوتایی به هم چسبیده است. (کر، که)
دوگونه - دوگونه: گیاهی است از

گوشته دار، مدوړ و به قطر ۸ میلی متر است و پس از رسیدن، رنگ آن قرمز میشود. میوه آن «تسی تیکه - titeka» نام دارد. در نواحی مختلف آسیا بویژه نقاط جنوبی آن، از جمله ایران پراکندگی دارد. در استان ایلام به ویژه مهران، دهلران، موسیان و مورموری و در استانهای لرستان، خوزستان، فارس، کرمان، بلوچستان می روید * میوه گیاه طعم شیرین و ترش مزه ای دارد، اشتها آور و مقوی معده است. جوشانده برگهای این درختچه به صورت حمام موضعی برای رفع درد مفاصل به کار می رود، اگر این جوشانده غرغره شود، خونریزی لثه ها و درد گلو را برطرف می کند. (علیر)

دهرره دیسینهك: (دیل): خارهایی است که چون بر جایی بچسبید جدا کردن از آن بسیار دشوار باشد.

ده رزی گیا: علف مرض قند. «دزه یلن». (دا) ده رزیلوک: گیاهی است بهاری، برگش سوزنی است. «ده رزیله». (رو، هه، که)

ده رزیله: *Lathyrus sativus*

خُلر. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: هه رسین، سونقوز، کرماشان، نیسلام ناوای غه رب، گیتلانغهر، ریژاو، پاوه، کړندی غه رب، زوانسهر، جوانزق. (معص). فرهنگ کرمانشاهی چنین آن را تعریف نموده است: نوعی از بقولات غلانی شبیه ماش. (کرمانشاهی) ده رزیله: گیاهی است. «ده رزیلوک». (هه)

ده رزیله: گیاهی است که در صلوات آباد به این نام خوانده می شود. «دووسموره». (مو) ده رزیله: گیاهی است علفی که در روستای زه شنه ش به این نام خوانده می شود.

رستنی های کردستان. بعضی آن را به نوعی از گیاه «قه مچی شلاق» گویند و بعضی آن را به گیاه «گیای دوسهر» گویند.

محل رویش - چل چه مه، کوزه میانه، که و یگار، شاهق. (مو، هه، رو)

دووه گه مال: *Echium italicum*

گل گاوزبان ایتالیائی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای تهنگی وهر از توابع کامیاران آن را «دووه گه مال» گویند. نگا: گه مالدوو.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: وزمان، دهره ویان خوارو، چل چه مه، ره شنه ش، تهنگی وهر، سواریان، تهوریوهر، روانسهر، جوانزق، پاوه، زاموّل، گه زگه زاره. در محل های زیر هم می روید: قصر شیرین، کرمانشاه، ارومیه، همدان، قزوین، گرگان، سلماس، دورود، بروجرد و.... (مو، مظ، فلور ایران، معر)

ده بیه: نوعی از مرکبات است. (هه) ده راز: گیاهی از رستنی های کردستان * آن را به صورت پودر جهت معالجه زخم بدن بکار می برند. برای شکار ماهی نیز از آن استفاده می کنند. (مو)

ده ز دوووک: درختچه ای است. «تووزك»، توووزك». (مو)

دهرره: (دیل): دره، درختچه ای کوچک، دارای شاخه های باریک که عموماً از ناحیه مجاور سطح زمین منشأ می گیرند، برگهای تخم مرغی، منتهی به نوک تیز یا دندانه های ریز و پوشیده از تارهای پنبه ای دارد. گل های آن کوچک و عاری از دمگل و مجتمع به صورت گرز است، میوه آن، کوچک،

محل رویش - كوزه میانه، زه شسته ش، قه لای
حه سه ناوا. (مو)

دهرمانك: فلفل سیاه، ادویه. (ابرا، هه)

دهرمانو ره وانی: (هه ورام): گیاهی از
رستنی های کردستان * در طب سنتی
هه ورامان یک یا دو حبه قند را با شیرۀ این
گیاه آغشته می کنند و می خورند درمان
یبوست شدید است و شکم را روان می کند.
نام های دیگر این گیاه: «خوشیل، خوشیلک،
شوتیله». (مو)

دهرمانه چه رمگ: گیاهی از رستنی های
کردستان که برای زخم «کرمولی» حیوانات
مفید است. (مو)

دهرمانه چه رمو: گیاهی است که در
روستای بست به این نام خوانده می شود. (مو)
دهرمانه چه رمه: گیاهی است که برگهایش
شبییه گیاه «لولوپه ز» است در منطقه
مه ولاناوا رویش دارد. (مو)

دهرمانه دلّه: گل انگشتانه بزرگ. (مه)

دهرمانه گمیز: سنبل خثانی کوهی. (دا)

دهره بولّه: نوعی انگور است. (هه)

ده سامو: دستنبو. میوه آن توپی شکل و
خط دار است. له کی: ده سامو. نگا: شه مامه.
(هه، لهك)

ده ستفانك: گیاهی است. (هه)

ده سخورین: گیاهی است. «گه زنه». (هه)

ده سخورینه: گیاهی است. «گه زنه». (هه)

ده سکیشی زوی: گیاهی است که آن را در
انگلیسی (Fox glove) گویند و در کردی آن
را «گیا زه حه تی، گولّه نه موستیه ی دروومان»
نیز گویند. (رو، که)

ده سه موو: دستنبو. نگا: شه مامه. (ابرا)

ده ثی: بوته درختچه های جنگل. درخت های
کوتاه نزدیک بهم، بوته جنگلی. «ده ون،

ده ون، ده وهند، ده وی». (هه، ابرا)

ده قاق: ۱- گیاهی است. (رو) ۲- آهار. (رو، هه)

ده قده لاف: گیاهی است آبی. (هه)

ده قلوووك: مازو، نوعی مازوج. نگا: مازوو.
(رو، ابرا، هه، که)

ده لاو: نوعی گیاه باتلاقی. (هه)

ده لو بیبه ر: ۱- فلفل سبز که از آن دلمه
درست کنند «بیباری شین که ده کرته دولمه».

(هه) ۲- نگا: بیبار. (گژ، رو)

دهمك: درختی است جنگلی. (هه)

دهمكانه: موخور. هه زار آن را مویزك نامیده

است. نگا: ده مووكانه. (مو، هه)

دهم گه نكه: *Vicia narbonensis*

ماشك برگ پهن. گیاهی است از رستنی های
کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد:
کرماشان، کوندی غرب، نیسلام ناوای غرب،
سه ریئل زه هاو، گیلانغرب، قه سری شیرین،
سونقوز، هه رسین. (معص، درو)

ده مووكانه: موخور. نگا: ده مووكه. (مو، رو، هه)

ده مووكه: *Loranthus europaeus*

موخور، چشم بلبل، مویزك، دبق. موخور
یکی از نباتات نیم انگل درختان بلوط غرب
می باشد که مؤلف بهنگام گردش علمی و
تحقیقات میدانی، آن را در کوه میراجی
مربوان روی گونه ای مازودار که گونه ای از
بلوط است مشاهده نمود. کیفیت پیدایش
این نبات بدینقرار است که روی شاخه یا
شاخه های درخت مازو چیزی به صورت گره
مانند ایجاد می شود و از این گره، شاخه های
این نبات شروع به روئیدن می کنند، برگ

رستنی‌های این نبات با برگهای خود دارمازو تفاوت دارد و میوه آن با میوه دارمازو تفاوت دارد. میوه این نبات به اندازه یک آلبالوی کوهی و کمی بزرگتر از آن است و زرد رنگ است. میوه این نبات را در مریوان «دهموکه» گویند. در کردستان، این نبات را بیشتر با نام میوه آن می‌شناسند و آن را در مریوان «دهموکه»، در سردشت «دم کانا، دم کانه» و در جاهای دیگر: «موخور، دهموکانه، دهمکانه، دمکانه، ده‌نوکه، موخورکه» گویند.

(مو، رو، هه، مظ)

دهمه شیر: گلی است. «گوئیکه». (هه)

ده‌نده‌وکچه: نوعی اتار است. (هه)

ده‌ندوک له‌گ له‌گ: گیاهی است. (هه)

ده‌نده‌لوشک: گیاهی است. (رو)

ده‌نوکه: موخور. نگا: دهموکه

ده‌نوکی حاجی له‌ق له‌ق: گیاهی است. (رو)

ده‌وا چه‌رمو: گیاهی است شبیه «گوئل

به‌یاخ» که آن را در ماسیده‌ر با آن نام

می‌خوانند. (مو)

ده‌وای جگه‌ر: غاث. نگا: گیا جگه‌ر.

ده‌وه قولآخی - ده‌وه قولآغی: گیاهی

است که برای آش دوغ‌با از آن استفاده

می‌کنند. (هه)

دیرک: (له‌ک): ۱- خار، بوته خاردار. «دۆک»

۲- درخت خاردار مانند تمشک

دی‌رکی: نوعی انجیر است. «دی‌ره‌کی»

دی‌ره‌کی: نوعی انجیر است. نگا: دی‌رکی

دیریک: (دیل): درختچه‌ای است. نگا:

ده‌وره. (علیر)

دیزل:

Hibiscus trionum

بستان گلی، گل یک ساعته. گیاهی است از

رستنی‌های کردستان که اغلب در دشته‌ها و داخل مزارع می‌روید و در روستای زه‌شنه‌ش از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. این گیاه را اگر له کنید کف می‌کند، در قدیم هنگامیکه توتون را پاک می‌کردند و برگهای توتون را از ساقه‌ها جدا می‌کردند دستها را با این گیاه تمیز می‌کردند و می‌شستند. (مو)

دیژنک: شاهی، ترتیزه. نگا: ته‌زه‌تیزه. (هه)

دیژنه‌له: زالزالک. «گوئۆ، گفیشک». (هه)

دیسنه‌ک: نگا: پهرمیشکه. (هه)

دیغا: (دیل): گیاهی است خودرو و هرزه که

در کشتزارها می‌روید. (علیر)

دیکانه: موخور. نگا: دهموکانه. (هه)

دیمیله: گیاهی است که آن را «کوزی ته‌نگانه»

هم گویند زیرا بهنگامیکه گندم و جو بر اثر

آفت زراعی از بین می‌روند این گیاه هست و

دانه آن را آرد می‌کنند و از آن نان درست

می‌کنند و می‌خورند. (گۆ) ۲- گلی است. (رو) ۳-

خیار چنبر دیمی ۴- ذرت، ارزن خوشه‌ای. (هه)

دیندار: درختی است. (هه)

دیسیسه‌نه‌ک: (دیل): درختچه‌ای است

خاردار. (علیر)

دیسیسینه‌ک: (له‌ک): نوعی خار است که

هنگام عبور از کشتزار به لباس و جوراب

عابر می‌چسبد. «دیسنه‌ک، نووسه‌که،

نووسه‌نه‌که». نگا: پهرمیشکه

«و»

رازقی: ۱- گیاهی است دارای گل‌های سفید و

خوشبو، برگ‌هایش شبیه برگ بامیه است. ۲-

گل رازقی ۳- نوعی انگور است. (هه، رو، كه)
رازیانك: گشنیز وحشی. «گژیژه كيويله».
(هه)

رازیانه: رازیانه. نام این گیاه در فارسی و
کردی همان رازیانه می‌باشد. در هه‌ورامان
هم «رازیانه» گویند. (هه، مو، گژ)

Peucedanum

رازیانه:

نگا: به‌ززا. (مو، مظ)

رازیانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان
كه در بعضی از روستاهای اطراف به‌ورو
په‌ریشان قروه به این نام خوانده می‌شود. نگا:
دووسمۆركه. گیاه دیگری در كۆره‌میان ریش
دارد كه عده‌ای از اهالی میان آن را «رازیانه»
گویند. (مؤلف)

Pimpinella anisum

رازیانه:

گیاهی است. مظفریان، آن را در فارسی از
خانواده جعفری کوهی و انیسون نامیده است
* هیوا، دم‌كرده تخم آن را برای درمان شكم
درد و نفخ، مفید دانسته است. هیوا و رووهك،
این گیاه را «رازیانه» نامیده‌اند. (رو، هیوا)

Foeniculum vulgare

رازیانه:

رازیانه. گونه‌ای رازیانه است كه پرورشی
است و مركز تحقیقات كردستان و باغ گیاهان
دارویی ابن سینا در همدان، آن را پرورش
داده‌اند. (مو)

رازیانه كيويله: بادیان رومی. (امینی)

رازیانه‌ی به‌راز: گیاهی است. نگا: بغوردی
كوردی

راژانه: گیاهی است. «رازیانه». (هه)

راسقی: ۱- نوعی انگور است. نگا: رازقی
۲ گیاهی است. (رو)

Centaurea aggregata

راواره:

گل گندم انبوه. گیاهی است از رستنی‌های
كردستان كه در اغلب جاها می‌روید. در
رشنش و میانه آن را «ژاواره» گویند. در
رشنش، ژاواره را به آن گیاه «پوش» گویند كه
برای آتش شب نوروز از آن استفاده می‌كنند.
محل ریش - این گیاه را در محل‌های زیر
مشاهده نمودم: میانه، ره‌شنه‌ش، خواشت،
چم دهره‌زنجر، كۆسالان، هویه، سرهویه،
اویهنگ، تچن، سالیان، قلقله‌ی میرده، جاده
سنندج - دیواندره، جاده سنندج - دهگلان -
قروه، سرشیو سقز، سه‌رشیو مه‌ریوان،
ژالانه، ته‌ته، بلچه سور، ته‌کیه، هه‌شه‌میز،
شیان، روانسر، جوانۆز، پاوه. (مؤلف)

ریبۆز: ریواس. نگا: ریواس. (ابرا، هه)

ریبۆس: ریواس. نگا: ریواس. (هه، ابرا)

رتاخ: سیب‌زمینی. نگا: سیفه‌زمینه. (رو، هه، كه)

رحان: ریحان، گیاه ریحان. نگا: ریحان. (هه)

رژکی: نوعی انجیر وحشی. (هه)

رفسه: گیاهی است برگ سوزنی. (هه)

رفیتی: نوعی سماق ممتاز و خوب. (هه)

Plantago

ركيشه:

بارهنگ. گیاهی است از رستنی‌های كردستان
كه در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر،
می‌نامند و می‌شناسند: «ركيشه»، «ركيشه»،
رووكيشه، زی كيشه، ره‌كيشه، ره‌كيشه،
ركيشه. گونه‌هایی از این گیاه در كردستان
می‌روید. (مو، گژ، كه)

ركيشه (ری - بچووك): گیاهی است كه

در روستاهای تا، گه‌لین، كۆل و دۆزه‌ره، به
این نام خوانده می‌شود. نگا: ركيشه. (مؤلف)

Plantago major

ركيشه‌ی گه‌لاپان:

بارهنگ كبییر. گیاهی است از رستنی‌های كردستان.

را «رکیشهی گه‌لا ته‌سک» نامگذاری نمودم تا از گونه‌های دیگر به راحتی قابل تشخیص باشد. (مؤلف)

رمبیز: ریواس. نگا: ریواس. (هه، ابرا، او، که) رهمبیز: ریواس. (هه). نگا: ریواس

رو‌جیار په‌رست: آفتابگردان. دانه‌های آن دارای روغن بسیار است و آن را مانند تخمه هندوانه تفت داده می‌خورند. نگا: گوله به‌ژۆه. (مو، مت‌با، معین)

رو‌جیار په‌رست: گل آفتاب‌گردان. نگا: گوله به‌ژۆه. (هه، مو)

روح‌توتیا: *Primula auriculata*

پامچال‌طناز، پامچال‌جویباری، پامچال‌طبی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در قروه آن را «روح‌توتیا» گویند و در جاهای دیگر، آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گول‌ئه‌رخه‌وان، توتیا، تووتیا، ئه‌رخه‌وان». در روستای کۆل از توابع سارال، آن را «رینحانه» گویند. ارتفاع ساقه «نیرۆک» این گیاه را در چهل چشمه و نزدیک چشمه معروف «کاتی‌چاوژه‌ش» اندازه گرفتم حدود ۷۲ سانتی‌متر بود.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: به‌ورو په‌ریشان، چل‌چمه، کوزه‌میانه، نه‌که‌روژ، پیرعومه‌ران، وی‌سه‌ر، کۆل، دهره‌ویان‌فازس. (مؤلف)

رو‌ریس: گیاهی است. (هه)

روزقه - روزقه: گیاهی است خوردنی. (هه، که)

رو‌زیار په‌رست: آفتابگردان. (مو)

روژان په‌رست: آفتاب‌گردان. نگا: گوله به‌ژۆه. (گۆ)

روژگار په‌رست: گل آفتاب‌گردان. «گوله

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: گنازان، سورکه‌کۆل، رۆنج، باقلاوای شتیخ‌حسین، نشور، عه‌والان، دۆلۆ، گلیه، تنگی‌سر، محراب، خواشت، قلقله‌ی میره‌دئ، تا، سه‌رجی، هه‌نیمن، باوه‌ریژ، نواز، وی‌سه‌ر، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مه‌ریوان، هه‌رومان، بلچه‌سور، شیان، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، پاوه، ره‌شنه‌ش، ته‌کیه، ته‌رویه‌ور. این گیاه را مردم کردستان با نام‌های عمومی: «رکیشه، رو‌کیشه، زه‌کیشه، گه‌لا زه‌کیشه» می‌نامند و می‌شناسند. به خاطر اینکه این گونه گیاه با گونه‌های دیگر متمایز و به راحتی قابل تشخیص باشد، آن را «رکیشهی گه‌لاپان» نامگذاری نمودم. (مؤلف)

رکیشهی گه‌لا ته‌سک:

Plantago lanceolata

بارهنگ سرنیزه‌ای، کاردی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: باخان، محراب، نیر، سورکه‌کۆل، زونج، رشتش، باقلاوای شتیخ‌حسین، صلوات‌آباد سنندج، نشور، سلطان‌احمد، قلقله‌ی میره‌ده، آیدر، آریز، عه‌والان، دۆلۆ، به‌وروپه‌ریشان، گلیه، خواشت، جاده‌سربناو - تنگی‌سر، نواز، تنگی‌سر، تکیه، تا، سه‌رجی، هه‌نیمن، هه‌شه‌میز، باوه‌ریژ، وی‌سه‌ر، خوزخۆزه، که‌رجق، کانی‌مشکان، کیلانته، دادانه، روستای چالاب‌بیجار، کۆل و دوزه‌غره، گهلین، خانه‌گای گهلین، که‌که‌وسان، دهره‌ویان‌خواروو، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشوی مه‌ریوان، هه‌رومان، بلچه‌سور، ته‌کیه، شیان، ژوانسه‌ر، جوانۆ، پاوه. این گیاه

(روناس) و در عربی (عروق الصباغین) گویند. گیاهی است کوهستانی که برای رنگ کردن نخ و ریسمان به کار می رود که در فرشهای دست باف مورد مصرف دارد و بهترین رنگ قالیهای دست باف بحساب می آید. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: چل چمه، قولقولهی میره دی، پیرعومهران، هزار کانیان، کؤسالان. (مو، مظ، روا، ابرا، هه)

Gallium verum

روئیا سه گیا:

شیر پنیر. گیاهی است از رستنی های کردستان که در هزارکانیان به این نام خوانده می شود. محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سارال، هزار کانیان، قولقوله، خورخوزه، چل چمه، کؤسالان، دۆله زهش ماین دۆل، که رجۆ، په نجه علی، حسین ناوای که نگه ره، سه رشیوی مریوان، بلچه سوور، ره شنهش. علاوه بر کردستان این گیاه در محل های زیر هم می روید: مناطق و ارتفاعات البرز، کندوان، فیروزکوه، تبریز، قره داغ، نهاوند، اراک. «روئیا سه، روئاسه گیا». (مو، مظ، فلور ایران ۸۱۳)

رونه ریس: روناس. «روئیا سه». (هه)

رووئک: نوعی برنج است. (هه)

رووزقه: (ری - بچووک): گیاهی است که در هورامان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. این گیاه خوردنی است، آن را می پزند و می خورند. «رووزقه - روسقه». (مو)

رووکیسه (رچ): نگا: رکیشه

رووکیشه: نگا: رکیشه. (مو)

Nerium oleander

روول: (با):

خرزمره. «ژاله، لووز، لووزک». (ابرا، هه)

به ژوزه، ژوژان په رست. (هه، گژ، ابرا، مو)

روژیار په رست: آفتابگردان. (مو)

روژیک: عدس. نگا: نيسك. (هه)

روسقه: گیاهی است بهاری شبیه گیتلاخه. «رووزقه»

روسکه: (کرماش):

Ornithogalum brachystachys

شیر مرغ سرسان. گیاهی است از رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر پراکندگی دارد: سونقور، بیستون، پاوه، شامق، جوانزق، گیتلانغرب. (معص)

Ornithogalum persicum

روسکه:

شیر مرغ ایرانی. گیاهی است از رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر پراکندگی دارد: پاوه، روستای خانقاه، سرمیل، کوه چهار زیر، بیستون، کرمانشاه، مریوان، سندرچ. (معص)

روئاس: گیاهی است. «روئیا سه»

روئاسه گیا: گونه ای کامپانولا است که تعدادی از اهالی روستای حسن آباد واقع در حومه شهر بیجار آن را «روئاسه گیا» می نامند. (مو)

روئاسه گیا: شیر پنیر. گیاهی است از رستنی های کردستان. «روئیا سه گیا». (مو)

روئیا سه: دو نوع گیاه را در کردستان با این نام می نامند یکی گیاه شیرپنیر است و دیگری گیاه روناس است. هژار به یکی از آندو اشاره نموده و چنین می نویسد: «بنی گیاه که بز زهنگی به ن ده کار دیت». (مو)

Rubia humifissum

روئیا سه:

روناس. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «روئیا سه، زوئیا سه، روئیا سه گیا، روئیناس، زوئیناس». این گیاه را در فارسی

«هاز» است ولی خیلی کوچکتر از آن، در بعضی جاها آن را «زه‌له» و در بعضی جاها «میوه مارانه» گویند. از گیاهان و درختچه مجاور بالا می‌رود. (مو)

ره‌له پیچ: تاجریزی پیچ. گیاهی است دارویی. «ریزه‌له مارانه». (هه، مو، صا)

ره‌زووه: (دیل): رز رویاه. درختی است خودرو که در نقاط گرمسیر می‌روید. میوه‌اش مصرف غذائی ندارد و دانه‌های آن از انگور کوچکتر است و آن را له کرده و روی موضعی از بدن که درد می‌کند می‌گذارند تا بهبود یابد.

ره‌ژمیری: نوعی انگور است. (هه)

ره‌سلی رووشی: تاجریزی. نگا: ریزه‌له. (هه)

ره‌شادوگ: ترتیزی. نگا: ته‌ته‌یه. (هه)

زه‌ش دار - سیاوچنار: صنوبر سیاه. (دا)
ره‌شکه: ۱- سیاه دانه. نگا: سیاوگ ۲- انگور سیاه

۳- تور بزرگ حمل کاه و علف ۴- نوعی انگور سیاه. (مو، رو، گز، مه، ابرا، هه، که)

ره‌شکویی: نوعی انگور است. (هه)

ره‌شکی که ره‌کی: گیاهی است بهاری. (رو، که)

ره‌شمیری: نوعی انگور سیاه. (هه)

ره‌ش میو: (با): یاقوتی، انگور زودرس. تاکی است که انگورش زودرس است. (ابرا، هه)

ره‌شه بيار - سیاوئالته: *Piper nigrum*

لفل سیاه * مصرف کوبیده آن دفع کننده سموم خون، رماتیسیم و تخلیه روده است. (روی غذا نصف قاشق چایخوری ریخته و مصرف شود) اگر فلفل سیاه را با دارچین و

روولك: خرزمره. نگا: ژاله. (ابرا، هه، رو، که)

روویل: خرزمره، گیاهی است. «ژاله، روول، ژوولك». نگا: ژاله. (هه، رو)

ره‌بنالوك: سعد هندی. (مه)

ره‌به‌نوگ: لاله. «گوگه میلاته». (هه)

ره‌ز: ۱- تاک ۲- تاکستان، موستان، باغ مو. (هه، ابرا)

ره‌زاقی: نوعی انگور است. (هه)

ره‌زه‌زوگ: تاجریزی. ثمر گیاه تاجریزی. «زه‌له، ریزه‌له، تووله‌زه‌زه». (هه، که)

ره‌زو: نهال بلوط، درخت بلوط که هنوز کوچک است و به صورت چند شاخه پراکنده است. کرماشانی: ره‌زو. (هه، کرماشاهی)

ره‌زه‌له: *Solanum nigrum*

تاجریزی، تاجریزی سیاه، سگ انگور. گیاهی است از تیره سولاناسه (سیب‌زمینی) به ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ و حتی تا ۸۰ سانتی‌متر. در دره‌ای واقع در روستای زه‌شنه‌ش به نام «دول مزگت» آن را اندازه گرفتیم، ۸۵ سانتیمتر ارتفاع داشت. (مؤلف). میوه آن گرد یا کروی است که ابتدا سبز رنگ است و بعد از رسیدن به رنگ قرمز یا نارنجی درمی‌آید و به اندازه یک نخود کوچک و آبدار است. این گیاه را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «زه‌زه‌له، ریزه‌له، تماته سروژه، زه‌زه‌زوگ».

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: میانه، زه‌شنه‌ش، زونج، تا، سه‌رچی، هه‌نیمن، بوژیدره، مازی بن، کزسالان، بیجار، سه‌رشوی مریوان، پاوه، دهره‌که‌وله. (مؤلف، معر، مظ، دا، گز، هه)
ره‌زه‌له: گیاهی است برگ‌هایش شبیه برگ

مشاہدہ نمودم: شاہوی پاننگان، شاہوی وی زہر، شاہوی لونی سادات، زہ نان، زونج، نہ کہ رز، تا، سہرچی، ہہ یمن، زہ شہنش، کڑ سالان. (مو)

رہ شہ گیا: گیاهی است علوفہ ای. (ہہ)

رہ شہ لؤ: نوعی از گیاه «لؤ» است کہ در کردستان می روید.

محل رویش - گلیہ، تولقوئہ ی میرہ دئ، شیان، ہہ شہ میز، (مو)

رہ شہ یونجہ: گیاهی است

رہ قسہ (رچ): گیاهی است از برگ سوزنیہا. (ہہ)

رہ قہ پووان: نوعی از گیاه پووار می باشد. (مو)

رہ قہ گہ وُن: گونه ای گون است کہ در بعضی جاہا از جملہ روستاہای شیخ شہرہ تی و خواشت و لون سادات بہ این نام خواندہ می شود. از این گونه گون کثیرا تہیہ نمی شود. نگا: گہ وُن.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاہدہ نمودم: شاہو، خواشت، سولتان تہ حمہ د، کڑ سالان. (مو)

رہ کیشہ: (کرماشانی): برگ بارہنگ. «گہ لا رکیشہ، زہ کیشہ». حرف راء در اول این کلمہ بہ صورت معمولی یا کوچک تلفظ می شود. نگا: رکیشہ.

رہ کیشہ: بارہنگ. نگا: رکیشہ. (مو)

رہ مانہ: گیاهی است. (گڑ، کہ)

رہ ملس: نوعی ارزن. (ہہ)

رہ ندولک: گیاهی است شبیہ کنگر. «گیایہ کہ لہ کہ نگر دہ کا». (ہہ)

رہ نگہ رژیلہ: گلی است رنگارنگ. (ہہ)

رہ وہ توول: گیاهی از رستنی های کردستان، گونه آسٹراگالوس علفی است.

کبابہ چینی (ہرکدام ۱۰۰ گرم) کوبیدہ و ہر روز یک قاشق غذاخوری از آن در ۵۰۰ CC آب جوشانده و مصرف نمائیم برای تقویت نیروی جنسی و بینایی مفید و مجرب است. (دا) رہ شہ بی: نوعی بید است کہ در بعضی جاہا از جملہ روستای رشنش از توابع سنندج، آن را «رہ شہ بی» گویند. درختی است کہ در مناطق نیم خشک و نیم مرطوب کشور ایران و از جملہ کردستان رویش دارد. (مو، جعفر) رہ شہ دار: ۱- درخت نارون «نارہ و ہند»

۲- درخت پشہ «داری بووز». (ہہ)

رہ شہ دہرمان: درختچہ ای است کوهی. (نادر)

رہ شہ ریحان: سیاہ ریحان. (ابرا)

رہ شہ ریحانہ: (رچ): نوعی ریحان است، ریحان سیاہ. (مو)

رہ شہ ریحانہ - رہ شہ ریحانہ: نوعی ریحان است، ریحان سیاہ. بنا بہ اظہار اہالی میانہ گیاهی بہ این نام در کوزہ میانہ رویش دارد. (ہہ، مو، کہ)

رہ شہ قہ یاخ: گیاهی است از رستنی های کردستان کہ در خورخورہ سقز بہ این نام خواندہ می شود. (مو)

رہ شہ ک: گیاه دارویی. (ہہ)

رہ شہ گہ وُن: *Astragalus*

گونه ای از گون است کہ در کردستان می روید و در روستاہای زہ نان، تا، زہ شہنش، زونج، پیرعومہ ران و بعضی جاہای دیگر بہ این نام خواندہ می شود. گون سیاہ، ہم کثیرا از آن تولید می شود و ہم برای سوخت زمستانی مورد استفادہ قرار می گیرد. در منابع (ہہ، ابرا) نیز بہ نام این گیاه اشارہ شدہ است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: گلپه، سه رشیوی مه ریوان، سولستان نه حمده. (مو)

ره هازره: زردچوبه. نگا: زهرده چو. (هه)
ریان: (رچ): ریحان، گیاه ریحان. نگا: ریحان. (مو)

ریان: ۱- ریحان، گیاه ریحان ۲- گل گوسفند و بز. (هه)

ریحان: گیاهی است. نگا: ریحان
ریحان: ریحان. گیاهی است که آن را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «زَیحان، زَیحان، ریان، ریوون، زَیحانه، زَیحانه، ریحانه، ریحانه». (مو، گز، ابراه، هه، من)

ریحانوک: گیاهی است دارویی. (هه)
ریحانه: (رچ): ریحان، گیاهی است. نگا: ریحان. (مو، هه)
ریحانه: ریحان، گیاهی است. نگا: ریحان. (مو، هه)

ریحانه: ریحان. نگا: ریحان. (مو، گز، ابراه، هه)
ریحانه: گیاهی است که در روستای کول از توابع سارال به این نام خوانده می شود. نگا: رُوح توتیا. (مو)

ریحانه به رزه: گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در پشت کوه زمزیران به سمت مهاباد این گیاه را مشاهده نمودم و اهالی این منطقه این گیاه را «زَیحانه به رزه» می نامیدند. (مو)

ریحانه دیمه: گیاهی است. (مو)
ریحانه کویله: (رچ): گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای ژپوار از

توابع هه ورامان به این نام خوانده می شود. (مو)
ریحانه کیفیله: ریحان کوهی. «ریحانه کیویله». (مو)

ریحانه کیوی: گیاهی است. «پنگه کیسه له». (مه)

ریحانه کیویله: *Achillea fragrantissima*
گیاهی کمی کولکاوای ته من در پژو، پنج ده کات، بالا به رزو بوخوشه گه لاکه ی له گه لای ریحانه ی مالی ووردترو. در فارسی: بادروج. (رو، مو)

ریحانه کیویله: *Achillea erbrota*
تمام گیاه خشک کرده می شود و دم کرده آن برای زیاد کردن اشتها، سرفه خشک و درمان اسهال بکار می رود. (هیوا، که)

ریحانه کیویله: ریحان کوهی، ریحان وحشی. نگا: ریحانه کیفیله. (مو)

ریحانه کیویله: گیاهی از رستنی های کردستان که از گردنه زمزیران تا روستای کانی زهش مهاباد نوع بسیار زیبایی از آن را دیدم و در این منطقه این گیاه را «ریحانه کیویله» می نامیدند. (مو)

ریحانه گیا: *Mellilotus officinalis*
یونجه زرد، اکلیل الملک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای هه زار کانیان از توابع سارال آن را «زَیحانه گیا» و در روستای شیان آن را «یه و نهجه زهرده» می نامند و در روستای زه شنهش «وینجه کیفیله» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هه زار کانیان، سه رشیوی مه ریوان، هه شه میز، ته کیه، شیان، زه شنهش، پاوه. (مؤلف)

ریحانه گیا: گیاهی است که در روستای کۆل از توابع سارال به این نام خوانده می شود. نگا: توتیا. (مو)

ریحانی: نوعی انگور است. (هه)

ریخک: (ری - بچووک): نوعی انجیر نامرغوب است. «ریخکن». (هه)

ریخکن: (رچ): نوعی انجیر نامرغوب است. نگا: ریخک

ریزه له: *Solanum nigrum*

تاجریزی، سگ انگور. گیاهی است از رستنی های کردستان ثمر ریز و قرمزی دارد شبیه آلبالوی کوهی و به اندازه یک نخود کوچک. این گیاه در بیشتر مناطق کردستان از جمله: بوکان، مهاباد، اشنویه، سردشت و... می روید. «زه زله، تووله زه زه». (مو، مه)

ریزه له مارانه: تاجریزی پیچ. نگا: زه زله پیچ. (مه، مو)

ریژاو: نوعی انجیر است. (هه، که)

ریشالۆک - ریشالۆک: ترخون. نگا: ترخون. (هه، ابرا، رو، که)

ریش بابا: نوعی انگور است. «ریش بابا». (هه)

ریش بابا: انگور ریش بابا، نوعی انگور است. نگا: ریش بابا. (هه، ابرا، مو)

ریش بزَن: گیاهی است که در روستاهای حسن آباد و کۆرکۆره از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: بزته ریشه. (مؤلف)

ریشه بزَن: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای گَلیه (گوندی گَلیه) به این نام خوانده می شود. «لووته وانه». (مو)

ریشه بزَن: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای هه زارکانیان به نام

«ریشه بزَن» خوانده می شود، در جاهای دیگر «بزته ریشه» نامیده می شود. (مو)

ریشه به رازه: فاشرا، ماردارو. (مه)

ریشه پیغه مبه رانه: گیاهی است * در طب سنتی کردستان آن را خشک می کنند و ریز

می کنند و روی زخم های تر و خشک می پاشند و آنها را بهبود می بخشد و دم کرده آن که مثل چای مصرف شود شاش بند را

درمان میکند و اگر این گیاه را با خمیر مخلوط کرده روی دمل بگذارند آن را زودتر

می رساند و باز می کنند. طبق بررسی های بعمل آمده، این گیاه ۶٪ آنتی هیستامین

(Anti histamin) دارد که در ساخت بسیاری از پمادهای ضد زخم مورد استفاده

قرار می گیرد. (رو، که)

ریشاس: (رچ): ریواس. «ریواس». (هه)

ریکیشه: (رچ): گیاهی است. نگا: رکیشه. (مو)

ریکیشه: گیاهی است نگا: رکیشه. (مو)

ریکیشه: نگا: رکیشه

ریل: خرزهره، گیاهی است. «ژاله، ژول، لولک، که رکۆژ، لولۆک ژولۆک». (هه، ابرا)

ریلی: ۱- زالزالک. نگا: گویژ. ۲- میوه جنگلی. (رو، هه، ابرا)

ریناس: گیاهی است کوهستانی. (رو)

Rheum ribes ریواس:

ریواس. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در مناطق مختلف کردستان با

نام های زیر می نامند و می شناسند: «زیواس، ریواس، زمبیز، ربیس، ربیز، ریواو،

ریواوی، ژواو، ژواوی». له کی: ریواس. محل رویش - این گیاه را در محل های زیر

مشاهده نمودم: چل چه مه، باخان، بهردی سپی، کۆسالان، ئاویه، سه لواتاوا، سینه، عه والان، بهورو په ریشان، گلیه، ریگهی سه ربناو - تهنگی سه، تهکیه، هه شه میتز، ئاریز، ئاره نان، شاری هه ورامان، که ماله، رۆوه وهری، ژیار، شاهوی وئ زیه، شاره، دۆله زه ش مایین دۆل، په نجه هه لی، حسین ئاوا، کهنگه، گهلین، خانه گای گهلین، ریگهی کهوله - کۆل، ریگهی میره دی - پیرعومهران، گهرده نهی سه لواتاوا، کیتله شین، زه نان، سه رشیوی مریوان، ته ته، ژالنه، قه له بهرد، بلچه سوور، شیان. (مو، هه، ابراه، لهک، رو، معر، که)

ریواس: (رچ): *Rheum ribes*

محل رویش در کرمانشاه: کرماشان، روانسه، پاوه، کیوی پرو، سونقور، کهنگاوهر، ورمنج، نیسلام ئاوا، غه رب، گیلانفهر. (معص)

ریواس پیره ژن: گیاهی است از رستنی های کردستان. «ریواس پیره ژن». (مو) ریواسی: گیاهی است دارویی ضد کرم. «مام ژیواس». (هه)

ریواس: گیاهی است. نگا: ریواس. (مو، هه) ریواس: (رچ): گیاهی است که عده زیادی از مردم هورامان و ژاوه رۆ آن را به این نام میخوانند و تعدادی هم «ژیواس» گویند. نگا: ریواس

ریواس پیره ژن: (رچ): گیاهی است که در ژیار به این نام خوانده می شود. «ریواس پیره ژن، ریواس پیره ژنی». (مو)

ریواس پیره ژنی: (رچ): *Salvia limbata* گیاهی است که در هورامان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گیواس پیره ژن،

گیواس پیره ژنی، ریواس پیره ژن».

محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم: ژیار از توابع هورامان، کوه های نیباد و برقرو، ته ته، قه له بهرد، پاوه. (مو، معر) ریواس: (رچ): گیاهی است که در هورامان به این نام خوانده می شود. نگا: ریواس. (مو) ریوی گره: گیاهی است که در خورخوره سقز به این نام خوانده می شود. «هوادار، ونگه زنه». نگا: بناوه تۆم. (مو)

ریواس: (رچ): ریخان، گیاه ریخان. نگا: ریخان. (مو، هه، رو، که)

ری یۆن: (هه ورام): ریخان. گیاه ریخان. (ابرا). نگا: ریخان

«ز»

زازات: ذرت. «زازات، گهنه شامی». (رو)

زاره گا: گل میمون. (هه)

زافران: زعفران. «زافهران». (هه)

زافهران: زعفران، گیاهی است. «زه عفران،

زافران، زعفران، زعفران، زعفران...». (مو،

هه، دا، من مه)

زافهران کیتی: گیاهی است. «زافهرانی کیوی». (مو)

زافهرانی کیوی: *Crocus*

زعفران وحشی، زعفران کوهی. گیاهی است از

رستنی های کردستان که آن را: «زافهران کیتی،

زعفرانه کیتیله، زعفرانه درق زنه» می نامند.

این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم:

کوه های یمینان، نشور، عه والان، سه رچی، تا،

هسینمن، موسم ئاوا و منطقه خورخوره،

(هه) گياهی است کوهستانی برگهایش شبیه برگ (ته زهونه) است. (که)
 زرو: گياهی برگ سبز. (مجیدی)
 زروانه: گياهی است علفی و از رستنی های کردستان. (مو)
 زروکله: گياهی است از رستنی های کردستان که در تکیه به این نام خوانده می شود. (مو)
 زروه: گياهی است از رستنی های کردستان که در ژيوار و شاری هه ورامان به این نام خوانده می شود. (مو، هه)
 زروی - زرویی: چوبک لباسشویی، اشنان. «زروی، نه سپون، زرویی». (هه، ابراه، که)
 زروی: اشنان. «زروی، نه سپون». (رو، هه)
 زره پیژان: نوعی از گیاه «پیژان» در بعضی جاها آن را «لووته وانه» گویند. (مو)
 زره پنگ: نگا: زړپنگ، خه پوته. (هه)
 زره تالو: گياهی از رستنی های کردستان. (مو)
 زره جاتره: نوعی از گیاه آویشن کوهی است. (مو)
 زره دوودرك: توت روباه، علف نفوای. (مه)
 زره زړیشك: کشمش کولی، کاولی. (مه)
 زره سالمه: کاروان کش. (مه)
 زره مه نند: نوعی از گیاه «بهله شوانه» ی سمنی است. (مو)
 زره وه لې: گياهی است. (رو)
 زره هه لاله: گياهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. (مو)
 زره هه لاهه: گياهی است شبیه گیاه «هه لامه» که در قلقله میرده به این نام خوانده می شود. (مو)
 زره هه مرو: نوعی از گلابی کوهی است که به این نام خوانده می شود. (مو)

شهرستان مریوان. نگا: پيشوك. (مؤلف)
 زامرؤوس: گياهی است خوشبو که مصرف بخور دارد، گیاه مر. (هه)
 زبانه گا: گياهی از رستنی های کردستان. (مو)
 زړپنگ - زره پنگ: گیاه بدل پونه. (هه)
 زرجك: گياهی است. (هه)
 زړنستق: بادام زمینی. «بادام زمینی، بادامه زمینی». (هه)
 زرك - گه رملك: خربزه نرسیده. «زرك». (رو)
 زرك: خربزه نارسیده. «حه نه جوز، خرچه، گندوره ی كال، قه ره خرچه، زركه، زرك». (ابراه، هه)
 زركو: گياهی است. (رو، که)
 زركه - زركه: خربزه كال، خربزه نارسیده. «خرچه، زرك». (هه، مو)
 زركه تال: گياهی است. «كاله که سارانه، گوژالك». (هه)
 زرك: خربزه نرسیده. «كاله کی نه گه ییو». (رو، که)
 زرگويز: درختی گردو سان بی ثمر. (هه)
 زرگه زوك: گیاه گزنه. (هه)
 زرگیزه ر: گياهی است که بیخش شبیه هویج است. (هه)
 زرگیزنووك: گیاه شوکران. (هه)
 زرناتهك: گياهی است. «زه زئيقه، زورناتك، گيا خوین بهس، زرنیق». (مو)
 زرناقه: گياهی است از رستنی های کردستان که ۲ نوع است و نوعی از آن را در بعضی جاها «گيا خوین بهس» گویند. نگا: زه زئيقه. (مو)
 زرنیکه: گياهی است. «زه زئيقه، زرنیق». (مو)
 زرو: گياهی است برگ های باریک دارد.

محل رویش - خوڤخوڤه‌ی سه‌قۆ، مه‌لکشان،
روستای قه‌یسه‌ از توابع بیجار. نگا: زیرسک.
(مو)

زَریشک کێوی: زرشک کوهی. در دره‌ قطور
(مغرب خوری) رویش زیادی دارد. نگا:
زَریشک. (اسلامی ۲۳۲/۱)

زَریه‌وه‌نی: گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که در ژبوار به این نام خوانده
می‌شود. (مو)

زَعفران: گیاهی است. نگا: زافهران
زَعفهرانه‌ کێویله: زعفران وحشی.
«زافهرانی کێوی، زعفرانه‌ درۆژنه». (مؤلف)
زَلَفَنج: گیاهی است که گرد آن درمان و ضد
کرمویی دام است. (هه)
زَلَق - زَلَقاو: نوعی سبزی از تیره‌ چغندر.
(مو، هه)

زَلکه: ۱- نوعی انگور است. «زیلکه» ۲-
گیاهی از تیره‌ چغندر. (هه، او، رو)
زمانگا: گل‌گاوزبان. نگا: گۆزروان
زمانه‌ بووکه: زبان پس قفا. (مهه)

زمانه‌ به‌رخ: *Plantago*
بارهنگ. در عربی آن را (لسان الحَمَل) گویند.
این گیاه در دامنه‌ کوه‌های کردستان بخصوص
آمیدی، رواندوز و سلیمانی می‌روید. (رو،
مو). نگا: رکیشه

زمانه‌ چۆله‌که: گیاهی از رستنی‌های
کردستان. (مو)

زمانه‌ چۆیله‌که: گیاهی است خوراکی.
«زوانه‌ مه‌لییچک». نگا: زمانه‌ چۆله‌که. (هه،
مو)

زمانه‌ گا: گاوزبان، گل‌گاوزبان. به‌ عربی:
(لسان الثور). نگا: گۆزروان. (رو، مو، که)

زَرّه هه‌وئێ‌دار: گیاهی از ارستنی‌های
کردستان. (مو)

زَریانه: نوعی از گیاه خشخاش است. (مو)
زَریز: درختچه‌ای است خاردار. (هه)

زَریزانه: *Vaccaria pyramidata*
صابونک. گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که بیشتر در داخل مزارع گندم و
دشته‌ها و داخل مزارع دیگر می‌روید. بعضی
آن را آفت گندم‌زار می‌دانند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: هه‌رمی دۆل، سارال،
خوڤخوڤه‌ی سه‌قۆ، سه‌یفاوای سه‌قۆ (له)
خوڤخوڤه‌ی دایه، ده‌ره‌ویانی فازس، ژبوار،
دووڤۆ، رینگه‌ی بیجار - تیکاب، دۆله‌زه‌ش
مایین دۆل، زه‌رده‌وان، هه‌شه‌میژ، سه‌لواتاوای
بیجار، گه‌رده‌نه (مله‌ی مامۆخ، خوڤخوڤه‌ی
سه‌قۆ (منطقه‌ خوڤخوڤه‌)، هه‌زارکانیان،
سه‌رشوی مه‌ریوان، شیان، موچه‌ش. (مو،
هه، گۆ، معر)

زَریسک: *Berberis integerrima*

زرشک وحشی. درختچه‌ای است از
رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر،
پراکندگی دارد: سوئقۆڤۆ، که‌نگاوهر،
ئیسلاام‌ئاوای غه‌رب، کوردی غه‌رب. روه‌ک
این درختچه‌ را «زویی، دۆکه‌زویی» نیز نامیده
است. نگا: زَریشک. (مو، معصب، هه، رو)

زَریسک: زرشک. نگا: زَریشک. (ابرا، هه)

زَریسک: *Berberis integerrima*

زرشک زرافشانی. گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که در خیلی جاها از جمله روستای
مه‌لکشان از توابع سنندج به این نام خوانده
می‌شود.

زنگل زاوا: گاودانه. «کژن». (هه)

زؤ: گیاهی است بهاری کوهستانی و خوشبو، برگهایش شبیه برگ چنور است. خوردنی است. (رو)

زؤ: (کرماشانی): *Dorema aucheri* کسندل کوهی. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر می روید: کتوی بیستون، کتوی شاهو، کتوی دالاهو، کندی غارب. (معص). نوعی ریشه خوراکی گیاهی شبیه کنگر اما درشت تر و با خار کمتر. گویند اگر پسر بچه از آن بخورد عقیم خواهد شد. (کرمانشاهی)

زوان: گیاهی است، دانه سیاه در گندمزار. «زریزانه، زیرزان». (هه)

زوان مار: گیاهی است که در بیجار، هویه، سرهویه و هشمیز و تکیه رویش دارد و در هویه بنام «زوان مار» خوانده می شود.

زوان مه لیچک: زبان گنجشک، درخت زبان گنجشک. «بناوچ، داری بناو». (هه)

زوانه خه سوو: زبان مادر شوهر، گیاهی است از رستنی های کردستان که در میانه و خورخوره به این نام خوانده می شود. این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: میانه، خورخوره. (مو)

زوانه گا: گاوزبان. نگا: گوزران زوانه مه لیچک: گیاهی است. نگا: زمانه چوئله که. (رو، مو، که)

زؤتا: گیاهی است بهاری برگهایش شبیه برگ ریحان است، گل های بنفش یا کبود رنگی دارد. «زؤتا». (هه، رو، که)

زورات: (کر): ذرت، بلال. نگا: زورات زورات: ۱- ذرت، بلال. «گه نم شامی، گه نم

شامی» ۲- ارزن خوشه ای. «هه رزنه گه وره». (هه)

زؤرات: (لهک): ذرت. نگا: زورات

زوراته کیوئله: ذرت سرخ. «گه نم شامی سوور، که ردّه». (رو، که)

زورک: جعفری، نوعی سبزی خوردن است. نگا: جافری. (هه)

زورناتک: *Hypericum scabrum*

گل راعی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در قولقوله می رده ای آن را «زورناتک» و در روستای هه شه میژ «زه زئیه» گویند. (مو)

زورناتک: گیاهی است دارویی. «زه زئیه»، زورناتک، گیا خونین به س. نگا: زورناتک. (مو، هه، رو)

زوزت: ذرت. «گه نم شامی، زورات، زوزت». (ابرا، مو، هه)

زؤز - زوز، گیاهی است آبی. (هه، رو)

زؤفا: *Prunella vulgaris*

نعناع چمنی. گیاهی است که عده ای از اهالی ده گاگا و باغبان باغ کانی که لی مل، آن را «زؤفا» می نامند. (کانی که لی مل، بر سر جاده دگاگا به رزاب از توابع مریوان واقع شده).

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: کانی که لی مل، میژ فهرج، کؤسالان، سه رشوی مریوان، پاوه. (مو)

زؤفا: گیاهی است حدود ۳۰ سانتی متر ارتفاع با گل های بنفش کمی از بنفشه کمرنگ تر در باغ شیخ محمد سورکه ول وجود دارد (پرورسی یا خودرو) احتمالاً همان نعناع چمنی باشد. (مو)

زؤفا - زوؤفا: گیاهی است در کردستان می روید حدود ۲۰ سانتی متر ارتفاع دارد و

نگا: گینز.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: چل چه مه، خورخوزه، دهره قووله. هه ژار هم به این گیاه اشاره نموده است. (مو)

زه رتکه: نوعی گندم است نوعی گندم دانه درشت و زرد است. «زه رده که». (هه، رو)

زه رچووه: (کرماشانی): زرد چوبه. قه سری: زهره جووه. نگا: زهره چو.

زه ردالو: آلو زرد. «هه لوچه پایزه، حه لوزکا زه». (هه)

زه ردالی: زردالی. «شلانه، شیلانه». (هه)

زه رده که: نوعی گندم درشت دانه و زرد رنگ است. نگا: زه رتکه. (رو)

زه رده بیبی: نوعی از درخت بید است. نگا: زه ربی. (مو، هه)

زه رده چو: زرد چوبه. نگا: زهره چو. (هه)

زه رده چو: زرد چوبه. «زه رده چیتو، زهره چه وه، زهره چیتو، زهره چه وه،

زه رده چوو، ره هازره». (هه، با، من ابرا)

زه رده چه وه: زرد چوبه. نگا: زهره چو. (گز، مو، رو)

زه رده چیتو: زرد چوبه. نگا: زهره چو. (هه)

زه رده خوشیل: نوعی از گیاه «خوشیلک» است. (مو)

Centaurea زهره درك: گیاهی است از رستنی های کردستان که در اغلب جاها آن را به این نام می خوانند. زردخار. نگا: زهره درك.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: اوپهنگ، جاده سنندج - کرسی - هشمیز، جاده سنندج -

گل های قهوه ای در چهار طرف ساقه نمایان می شود. درمان نفس تنگی است. (رو). امینی هم اشاره به چنین گیاهی نموده و نام کردی آن را: «زوقا، زلقان، پیره ژنه» ثبت نموده و نام علمی آن را به صورت زیر آورده است.

Nepeta bracteata**(Hyssopus officinal)**

رووهك، این واژه را به صورت «زووقا» ثبت نموده است.

زولفا - زوفا: زوفا. «زووقا». (مهب، رو)

زونا: گیاهی با گل كبود. رووهك، آن را همان «زوتا» دانسته است. (هه، رو)

زووه ز: انگور یا قوتی. «توی یا قوتی». (رو) زه به ژ: هندوانه. «هه نی، جه به ش، شووتی، شفتی، زه به ش». (هه)

زه به ش: هندوانه. «هه نی، زه به ژ». (هه، رو، ابرا). نگا: زه به ژ

زه حفه ران: زعفران، گیاهی است. نگا: زافهران. (ابرا، هه، مو)

زه زات: نگا: زوژات. (هه)

زه ربه ش: هندوانه. «هه نی، شووتی». (هه)

زه ربی: نوعی بید است. «زه رده بی». (هه)

زه ربیون: گیاهی است کوهستانی، بیخ آن را خشک می کنند و به صورت پودر روی زخم می پاشند، زخم را هم می آورد و التیام می دهد. (رو)

زه رتک: نوعی انگور است. (هه)

زه رتک: گیاهی است از رستنی های کردستان که در خورخوزه ی سه قزو بست و روستای دهره قووله، به این نام خوانده می شود. گاهی آن را «زه رتک» هم گویند گیاهی است که ریس و نخ را بدان زرد کنند.

دهگلان و دهگلان - قروه، جاده بیجار - کرانی، کانی مشکان، دادانه، کیلان، کهرجق، دهستان پهنجه علی قروه، هشمیز، ته کیه، هویه، سرهویه، خورخوره، زوانسه، جوانزق، پاوه. (مو، رو، هه)

Centaurea

زهرده درئی:

گیاهی است که در هویه، سرهویه، تکیه و هشمیز، به این نام خوانده می شود * در طب سنتی، گل‌های این گیاه را می کوبند و با ماست قاطی می کنند روی زخمها می گذارند. نگا: زهرده دژک. (مو)

زهرده سیری: گیاهی است دارویی. (هه، رو)
زهرده گه وُن: نوعی از گون است که در کردستان می روید و در بعضی جاها از جمله روستای زنان از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. (مو)

زهرده لو: ۱- آلو زرد، آلو طلایی. «هه لووژه» پاییزی زهرده: ۲- زرد آلو. «شیلانه». (هه، ابر، لهک)

زهرده لو: گیاهی است، نوعی از گیاه «لوق» است که در کردستان رویش دارد و آن را در خیلی جاها از جمله روستاهای زیر، به این نام می نامند: دهره ویان فازس، ره شنهش، گلپه، ته کیه * در طب سنتی: شیره تازه این گیاه را برای التیام و بهبود بریدگیهای دست و پا و غیره مفید می دانند. (مو)

زهرده لی: زردالو. دئی لوژانسی: زهرده لی. لهکی: زهرده لی. «شلانه، زهرده لو، شیلانه، شهلانی». (هه، علیر، لهک)

زهرده وه لی: گیاهی است. (رو)

زهردی زیلخا: نوعی انجیر است. (هه)

زهرزّه - زرزّه: گیاهی است. (مو)

زهرسک: درختی است که پوستش خاصیت درمانی دارد. (رو، هه)

زهرژک: ۱- نوعی انگور است ۲- پوست تازه و سبز گردو. (هه، رو)

زهرگوز: ۱- درختی است. «په لک، سووره چنار» ۲- درختی است گردو سان و بی ثمر.

«زژگوز». (هه، که)

زهرناتک: گیاهی است. «زهرنقیقه، گیا خوین بهس، زورناتک». (مو)

زهرنقیقه: **Hypericum scabrum**

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای هه شه میز از توابع سنندج آن را «زهرنقیقه» گویند. نام های دیگر این گیاه در گویشها و مناطق مختلف کردستان عبارتند از: «زورناتک، زرناتک، سرناتک، سورناتک». (مو)

زهره: نوعی انجیر است. (هه)

زهره بی: نوعی بید است. «زهرده بی». (هه)

زهره که: یونجه. نگا: وینجه. (هه)

زهره که ت: گیاهی است. (رو)

زهره ند: گیاهی است دارویی. بعضی آن را

زراوند می دانند. «زهره نگ». (هه، مه، که)

زهرننده: گیاهی است. «کاله که مارانه،

گوژالک، تالکه». (هه)

زهره نگ: گیاهی است دارویی. «کژژالک».

هه ژار، زهره نگ را همان «زهره ند» دانسته

است. (رو، هه)

زهره نهنجیر: نوعی انجیر است. (هه)

زهریوهن - زهریوهن: گیاهی است

دارویی. (هه، رو)

زهر عفران: زعفران. در شهرستان مورموری

از توابع ایلام پرورش داده می شود. نگا:

زافران. (مو، سیما)

زه‌غفرانی می‌رگ:

Colchicum autumnale

این گیاه را در کردی «سورنجان پایزه» هم گویند. در عربی آن را (زعفران المروج، سورنجان الخریف) گویند * «تووه‌که‌ی و شک نه‌کریته‌وه بۆ نه‌هیشتنی ده‌رده‌میران» (هیوا، رو)

زه‌فچه‌ران: زعفران. نگا: زافهران

زه‌فران: (کرماشانی): زعفران. گیاهی است. نگا: زافهران.

زه‌فیرو: (له‌ک): زعفران. نگا: زافهران.

زهل: نی، گیاهی است که در باتلاق روید. به عربی: قصب. گیاهی است از رستنی‌های کردستان، حدود ۳ متر و گاهی بیشتر ارتفاع دارد (در هه‌شه‌میژو آن را اندازه‌گرفتم حدود ۳ متر و ۵۰ سانتی‌متر ارتفاع داشت) این گیاه را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «زهل، قامیش، قه‌میش، لیک، له‌یلک، قامیز، نه‌ی، قامر، پیکه». له‌کی: زهل. محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: هه‌شه‌میژ، زیگی بیجار - کوزانی، تا، سه‌رچی، هه‌نیمن و... (هه، مو، من‌با، رو، له‌ک) زه‌مه‌ق:

Iris

زنبق. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در اغسلب جاها «زه‌مه‌ق» گویند. کرماشانی آن را «زه‌مبه‌ق» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، کۆل، زه‌شه‌ش، سه‌رشینوی مه‌ریوان، شیان، پاوه. (مو، کرمانشاهی، رو)

زه‌مه‌ق چه‌رمگ: زنبق سفید. نگا: زه‌مه‌قی سپی. (دا، مو)

زه‌مه‌ق چه‌رمه: زنبق آلمانی، زنبق باغی یا بنفش گیاهی پایا به بلندی ۴۰ تا ۸۰ سانتیمتر * ریشه آن برای دفع خلط از شش‌ها با پرسیاوشان (هرکدام ۱۰ گرم در ۲ لیوان آب) مفید است. «چه‌رمگ زه‌مه‌ق». (دا) زه‌مه‌ق زه‌رده: زنبق زرد، گونه‌ای از زنبق که دارای گل‌های درشت و زرد و پی‌بو، بریت هم گویند، در عربی سیاف گویند. (معین، دا) زه‌مه‌قه‌که‌وه: زنبق آبی، زنبق آسمانی. «زه‌مه‌ق که‌وگ، شینه زه‌مه‌ق»

زه‌مه‌قی زه‌شیتی: زنبق رشتی، سوسن، سوسن آزاد * ملطف و مقوی دماغ، پیاز آن در افعال مانند پیاز نرگس و در افعال قویتر از آن است. در باغ ابوعلی سینا در همدان پرورش داده شده و آن را مشاهده نمودم. (من ۴۸، معین، مو)

زه‌مه‌قی سپی: زنبق سفید. نگا: زه‌مه‌قی چه‌رمگ. (مو)

زه‌مه‌قی مادی: *Iris meda* زنبق مادی. (مظ)

زه‌مه‌قی یاقویی: زنبق یعقوبی نرگس یعقوبی است. (معین)

زه‌نجه‌فیل: (کرماشانی): زنجبیل، زنجفیل. نگا: زه‌نجه‌فیل.

زه‌نجه‌فیل - زه‌نجه‌فیل: زنجبیل، زنجفیل. کرماشانی: زه‌نجه‌فیل. دی‌لورانی: زه‌نجه‌فیل. له‌کی: زنجفیل، زه‌نجه‌فیل. (مو، هه، له‌ک، کرمانشاهی، علیر)

زه‌نگولکه: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو) زه‌نگوله: گیاهی است. (رو، هه)

زه‌یتون: *Olea* زیتون. درخت زیتون در شهرستان آبدانان و

» ژ «

Verbaacum

ژار ماسی:

گیاهی است از رستنی های کردستان، گونه ای گاذمه است که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. در جاهای دیگر، آن را با نام های زیر، می نامند: «ژهر ماسی، مهرگه ماسی، کچوله».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خورخوزهی سه قز، که کهوسان، دهرهویان خواروو، میانه، هه ورامان، ته نگي وهر، دۆله زهش مایین دۆل، زهردهوان، کانی مشکان، کیلانته، که رجق، داده نه. (مو، گز، هه، رو)

ژاژ: ۱- گیاهی است کوهستانی خوشبو ۲- پی «قامیش». (هه، رو، ابرا)

Nerium oleander

ژاله:

خرزهره. درختچه ای است که به صورت پرورشی و خودرو در کردستان یافت می شود و آن را با نام های زیر می نامند: «ژاله، که رکوز، لویژ، زوولک، لوولک، روول، قرژانک، روولک، لووژک، ژله». این درختچه را در عربی (سم الحمار) گویند. نوعی از آن ماهی گش است. شخصی بنام ملاعلی از شیخ عثمان نقشبندی نقل می کرد که فرمود: برگ های خشک کرده ژاله را بکوبید و به صورت پودر درآورید و با خلال گوش پاک کن آن را داخل بینی قرار دهید و مدتی آن را با دست نگهدارید و یک هفته تکرار کنید، گوشت اضافی داخل بینی را از بین می برد. (مو، هه، رو، علی)

مورموری از توابع ایلام پرورش داده می شود و در کرماشان نیز در سالهای اخیر کشت آن آغاز گردیده است. (مو، رو، ابرا، سیما)
زه يتوون تاله: زیتون وحشی، زیتون بزی، «زه يتوونی کئی».

زی - زیی: زرشک. (هه، رو)

زیرن: کمون، زیره. (رو)

زیره: زیره. (هه، مو)

زیره سه وزه: زیره سبز. «زیره ی سه وز».

زیره ی زهش: زیره سیاه، کمون اسود.

«زیره ی کرمانی». (رو)

زیره ی زهره: کمون شامی. (رو)

زیره ی سه وز: کمون نبی. (رو)

زیریسک: زرشک. نگا: زیرشک.

زیزان: گیاهی است که آن را «زیزانه» هم گویند. (هه)

زیزانه - زیززانه: گیاهی از رستنی های کردستان، آن را در عیسی کند و سه هۆلان مشاهده نمودم. (مو) دانه تلخ در گندمزار. نگا: زیززانه. (هه)

زیزک: موسیر. «موسلی، زیسک». (هه)

زیسک: موسیر. نگا: زیزک. (هه)

زیقان: دانه ای سیاه و تلخ در گندمزار. (هه)
زیل: (کرماش): موسیر.

زیلکه: نوعی انگور است. «زلکه» ۲- گیاهی است. (رو)

زینه: نوعی خاربن. «دزکه زی». (هه)

زیوا - زییوا: ۱- گل زنبق ۲- گیاهی است. (هه، رو، که)

زی یه: نوعی خاربن. «زی، زینه، دزکه زی». (هه)

سابه‌نه: گیاهی است که در روستای ژبوار به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 ساحیبی: انگور صاحبی، نوعی انگور است. (ابرا، مو)

سادانی: یکجور انگور سفید است که آن را «سایانی و سعادانی» هم گویند. (او، هه، رو)
 سادی - گوزروان: (کرمانشانی):

Anchusa italica. var. italica

گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در محل‌های زیر می‌روید: سرپل ذهاب، گیلانغرب، اسلام‌آباد غرب، سنقر، سراب نیلوفر، کنگاور. (معصب)

ساردونیا: گلی است. (هه)

سارده: گیاهی است شبیه گیاه گندم. (هه)

سارمه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: سالمه. (مو، هه)

سالم: نگا: سالمه. (هه، مو)

Dactylorhiza umbrosa: سالمه:

= *Orchis incarnata*

= *O. persica*

= *O. latifolia*

= *O. kotschyl*

ثعلب باتلاقی، غده انگشتی باتلاقی، غده انگشتی سایه پسند. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در اغلب جاها آن را «سالمه» گویند. در بعضی جاها از جمله روستای کۆل، از توابع سارال، آن را «سالمه پهنجه» گویند. نام‌های دیگر این گیاه در مناطق و گویشهای مختلف کردستان عبارتند از: «سارمه، سالم، سه‌علب، سه‌علم، سالمی، ناوی، گیا سالمه، گیا سلمه». این گیاه دارای گل بسیار زیبا و بنفش رنگ است. ریشه غده‌ای

ژاله گه‌وَن: گونه‌ای از گون است که در بعضی جاها از جمله زه‌شنه‌ش به این نام خوانده می‌شود. به مقدار خیلی کم کتیرا دارد. «گه‌وَن». (مو)

ژالهی زهره: نوعی از خرزهره است. (رو، که)
 ژقنه‌مووت: صبر زرد، ازوا. (مهه)
 ژوژالک: نگا: کاله که مارانه. (هه)

ژه‌به‌ژ: هندوانه. «شووتی، جه‌به‌ژ، زه‌به‌ژ». (ابرا، هه)

ژه‌حر ماسیی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. «ژه‌حرو ماساوی». نگا: ژارماسی. (مؤلف)

ژه‌حرو ماساوی: گیاهی است. «ژه‌حر ماسیی». نگا: ژارماسی. (مؤلف)

ژه‌رزووه: (دیل): زردچوبه. نگا: زهرده‌چۆ. (علیر)

ژه‌نگاری: ژه‌نگالی: نوعی انجیر است. (هه)

ژه‌نگالی: نگا: ژه‌نگاری

ژیرتیشگ: گیاهی است که در بعضی از روستاهای بیجار به این نام خوانده می‌شود. نگا: خوشیلك. (مو)

ژیره - ژیره: زیره. گیاهی است از تیره چتریان که علفی و یکساله است و در ایران کشت می‌شود. دئی‌لوژانی: ژیره. له‌کی: ژیره. (هه، علیر، له‌ک)

ژیل: گیاهی است. (رو)

«س»

سابووناقه‌لی: گیاهی است کف می‌کند. (هه)

این گیاه سفید و تقریباً دارای طعم و مزه شیرین است. بوی آن شبیه بوی خمیر ترش است. ارتفاع این گیاه را در اغلب جاها اندازه گرفتم حدود ۷۵ سانتی متر بود، در دره آشقان ۸۵ سانتی متر و در کوههای هه شه میز حدود ۹۵ سانتی متر بود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: چل چه مه، کهوله، کوئل و دوزه غره، عه والآن، ره شنهش، نشووری ژوروو، هه زار کانیان، کوزه میانه (دهشت هه وار کون و هه ساریا)، تولقوله میره دی، گلیه، دهره ویان فازس، هه ورامان، ژیوار، که ماله، زهره وان، دوله زهش مایین دؤل، هه شه میز، که رجو، دؤل ناشقان، شاره کی بیجار، سه لواتاوای سته، به ورو پهریشان، ته نگي سر، میزگه وار، ته کیه، ریگه ی سدریناو - ته نگي سر، نه ویه نگ، وی سر، خوزخوزه ی سه قز، زه نان، سه رشیوی مریوان، بلچه سوور، شیان. این گیاه در سه راو باینچقولی از توابع سندج و رواندوز و سلیمانی، هم رویش زیادی دارد. مظفریان این گیاه را (غده انگشتی باتلاقی) نامیده است. (مو، مظ، گز، رو، هه)

سالمة: Orchis

دو گونه از این گیاه بنامهای ثعلب باتلاقی و ثعلب معطر در کرمانشاه و در محل های زیر پراکندگی دارد: کوه شاهق، جنگلهای پاوه، جواهرود، سرمیل، ریجاب، چهار زیر، دالاهو. (معص)

سالمة په نجه: گیاهی است که آن را در روستای کوئل از توابع سارال و بعضی جاهای دیگر، «سالمة په نجه» گویند. نگا: سالمة. (مو)

سالمة گرده: نوعی ثعلب است که در روستای کوئل و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. (مو)

سالمة ی ثاوی: ثعلب باتلاقی، غده انگشتی باتلاقی. نگا: سالمة. (مو)

سالمة ی ده یمیی: گونه ای ثعلب است که در کردستان به این نام خوانده می شود. و دارای ریشه غده ای شبیه سیب زمینی است. نگا: سالمة گرده.

محل رویش - در محل های زیر می روید: چل چه مه، تولقوله میره دی، هه زار کانیان، خوزخوزه ی سه قز. (مو)

سالمة ی میژگ: گیاهی است که آن را «سالمة په نجه» هم گویند. نگا: سالمة. (مو)

سامیر - سامیر: ۱- نوعی ارزن است ۲- نوعی خرزهره است. (هه، رو، که)

ساوی - ساوی: سیب. نگا: سیف. سایانی: نوعی انگور است. نگا: سادانی.

سبت: گیاهی است خوشبو. (هه)

سپیتر: گیاهی است، گل خنجری، گل مار. (Kakto). (رو)

سسبیله خووگانه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی از روستاهای اطراف کوسالان به این نام خوانده می شود.

محل رویش و مشاهده - کوسالان. (مو)

سپناخ: اسفناج. نگا: نه سپه ناج.

سپندک: گیاهی است خوراکی. (هه)

سپنگ: شنگ. نگا: شنگ. (هه)

سپون: Gypsophila carlicifolia

گچ دوست طوقه ای، گچ دوست برگ جگنی.

گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش و مشاهده - جاده خورخوره -

«ستك، ستگ، سه تهك». (رو، هه)
ستگ: نگا: ستك.

ستری: ۱- تمشك. نگا: تووژك ۲- خار. (هه)
ستری زهرك: زردخار. (هه)
ستری شینك: خار شتر. نگا: وشترخوار.
(هه)

ستری مشك: خار بُنی است. (هه)
سجاوله: گیاهی است علفی. (مو)
سجاوله زهشه: گیاهی است که در روستای
حسن آباد واقع در حومه شهر سنندج و
روستاهای رهشنهش و زهنووری به این نام
خوانده می شود. نگا: زیروانه. (مو)
سداب: اسپند. نگا: تهسپهنده.
سدر: سدر. (مه)

سرق: گیاهی از تیره چغندر. (هه)
سرناتك: گیاهی است دارویی که آن را
«زه زئیتقه، سرناتك، سرناتك، زورناتك»
می نامند. نگا: زه زئیتقه. (مو، رو، هه)
سرناتك: نگا: زه زئیتقه.

سررنجی - سیرینجی: (لهك): سنجد،
درخت سنجد. نگا: سرینجك

سروله: گیاهی است که در روستای نه زان به
این نام خوانده می شود. نگا: دوو سمۆرکه. (مو)
سریش: ۱- گیاهی است. نگا: خوژه
۲- سریش و سریشم که به جای چسب
چوب از آن استفاده می شود. آن را در کردی با
نام های زیر می نامند: «سریش، سریش،
چریش، سترك، نه سرتلك». (گۆ، رو، مو، هه)
سریش: نگا: سریش

سریشمه: آشراش، برواق. گیاهی است
(Asphodel). (رو). سریشه جاز. (هه)

سرینجك: (كر - لهك): سنجد، درخت

سوته در سقزو بین کانی سهیی و قامیشله و
قولقولهی میره دی. (مؤلف)

سپون: گیاهی است، اشنان، چوبك
رختشویی. در عربی آن را (أشنان) گویند.
نگا: نه سپون. (رو، هه)

سپه ناخ: اسفناج. نگا: تهسپه ناخ

سپه ناغ: اسفناج. نگا: تهسپه ناخ.

سپهنده: گیاهی است. نگا: قانگ. (رو)

سپهنده: گیاهی است. نگا: قانگ. (رو، گۆ)
سپی: گیاهی است. (هه)

سپی چن: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در روستای دهره ویان فازس به
این نام خوانده می شود. نگا: گول ماس. (مو)
سپی چنه: گیاهی است که در روستای کۆل
از توابع سارال، به این نام خوانده می شود.
نگا: گول ماس

سپی چنه: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در روستای نیه، از توابع
کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: گول
ماس. (مو)

سپیدار: نگا: تهسپیدار

سپیکه: نوعی انگور است. یکجور انگور
دراز، پوست کلفت و سفید و شیرین است.
(هه، رو، او)

سپیلکه: نوعی مازوج است. (هه، رو)

سپیناخ: اسفناج. نگا: تهسپه ناخ.

سپیناغ: اسفناج. نگا: تهسپه ناخ.

سپیندار: درخت تبریزی، سپیدار. نگا:
تهسپیدار. (هه)

ستانگ: کنگر. نگا: قنگر.

ستك: گیاهی است دارای میوه های گرد و
خوردنی که آن را با نام های زیر می نامند:

سنجد. نگا: سرینچک

سرینجک: (کولیایی): سنجد. نگا: سرینچک.

Elaeagnus

سرینچک:

سنجد، درخت سنجد. درختی است که در اغلب روستاها دیده می شود. آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «سینچک، سرینچک، سهنجو، سهنجیه، سنجو، سنجوک، سنجی، سنجی، سنجو، سنجو، سرینچک، سرنجی، سرینجک». (مو، هه، ابرا، لهک، رو)

سرینچک تاله: سنجد تلخ، نوعی سنجد تلخ است.

سفته: علفی است. (هه)

سفته ک: درختی است جنگلی. (هه)

سفتیچک: گیاهی است علفی که در قلعه حسن آباد و محراب و... می روید و در حسن آباد و محراب به این نام خوانده می شود، نوعی گیاه «خوشیلک» است. نگا: خوشیلک. (مو)

سفوک: سماق. نگا: سماق. (هه)

سفانک: گیاهی است که عرب آن را «گونه زئی» گویند. (هه)

سفوک: سماق. نگا: سماق. (ابرا)

سفیری: گیاهی است جو مانند. (هه)

Amaranthus sp

سلق:

تاج خروس. گیاهی است پرورشی که در بانه و نهمه شیر به این نام خوانده می شود. نوعی تاج خروس است که در خیلی جاها پرورش داده می شود * هاضم است و به نیروی هضم کمک می کند. برگ های آن را برای درست کردن خوراک دلمه بکار می برند. نگا: سرق. (مو، معر، گز، رو)

سلکی سوز: چغندر. این گیاه را

«چه و نده ری خومالی» نیز گویند. نگا: چونه سلماستک: گیاهی است. (هه)

سلموکه: گیاهی است کوهی. (رو)

سلمه مک: گیاهی است خوراکی که در آش دوغ ریزند. (هه، مو)

سلیمانکه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

سلیمانی: نوعی انگور است. (هه)

Rhus corlaria

سماق:

سماق. درختچه ای است که در کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «سماق، تمتم، توتم، سماقی، سماخ، ترش، سقوک، سوماخ». سماق به صورت پرورشی و نیمه پرورشی در بسیاری از مناطق و کوه های کردستان وجود دارد و در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: شاری هه ورامان، که ماله، ژویار، کزسالان، تا، ره شنه ش، گه لین خورخوزه، گلیه، تهنگی سر، ریگه ی سته - که زه سی - هه شه میز، خانه گای گه لین، گواز، ریگه ی سربناو - تهنگه سر، سه لواتاوا ی سته، سه رچی، هه نیم، دهره بیان خواروو، که که وسان، دهره بنده (در خاک روستای دربند واقع در پشت قلعه حسن آباد باغ سماقی را مشاهده نمودم که حدود ۳۰ درختچه سماق پرورشی داشت. (مو، رو، هه، لهک)

سمبه ری: درختی است بی ثمر. (هه)

سمبیلوک: گلی است خوشبو. (هه)

سمسا: گیاهی است خوشبو و معطر که در کوه های بیلاقی می روید. (لهک، هه)

سمکوک: گیاهی است طبی. (هه)

سمل: ۱- گیاه سنبل. (هه) ۲- زنجبیل شامی

که آن را در کردی «سملی» هم گویند. (امینی)
۳- گیاهی است که در دامنه بعضی از کوههای
کردستان می روید و آن را «سویتنکه، سیاو
سهره» نیز می نامند. (رو) ۴- گیاهی است که
در کوهستانها یافت می شود «بۆنیککی خوش و
سهرنج زاکیشه ری هه یه، ئافره تان ئه ی که ن به
ملوانکه له گهر دنی ئه که ن». (گژ) ۵- گیاهی
است که در کوزه میانه می روید و تعدادی از
اهالی روستای میانه، آن را «سمل» می نامند. (مو)

سمله: گیاهی است. (رو)

سمله تیف: سنبل الطیب.

سملی: نگا: سمل

سموره: *Grammosciadium scabridum*

شوید کوهی زیر. گیاهی است از رستنی های
کردستان که در دهره ویان فازس، زه نان و
بعضی جاهای دیگر، آن را «سموره» گویند و
در جاهای دیگر، آن را «دووسموره که،
دووسموره، دم سموره» گویند. این گیاه را در
بعضی جاها در جوانی «سموره» ولی
هنگامیکه پیر شد «شواله دژه» می نامند. در
ره شنش آن را «دووسموره» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: وی سهر، گهلین، خانه گای
گهلین، شاره که، میانه، دهره ویان فازس، کدرجق،
ئاشقان، هه شه میژ، چل چه مه، خورخوژه ی
سه تیز، زه نان، زوتج، قولقوله ی میره دئی،
نه که رۆژ، پیرهمه ران، سهرشیوی مه ریوان،
قله بهرد، بلچه سور، ته کیه، شیان، روانسهر،
پاوه، ره شنش. (مو)

سموورچکه: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (مو)

سمورله: گیاهی است از رستنی های

کردستان. (مو)

سمه وه ج: نوعی گندم است. (هه)

سمه وه ج: نوعی گندم مخصوص منطقه
کوهستانی است. هه ژار آن را نوعی بذر گندم،
نوشته است. (رو، هه)

سممیتک: بوته ای صحرایی است. نگا:
گرالک. (هه)

سنامه کی: سنامکی * گیاهی است مسهل.
نگا: سه نا مه کی

سنبل: سنبل. گلی است با گل های ریز و آبی
رنگ. (هه)

سنپنگ: گیاهی است خوشبو که با شیراز و
پنیر آمیزند. (هه)

سنج: ۱- درخت سنجد. ۲- خرزهره. (هه)

سنجر: سنجد. نگا: سرینچک

سنجرازی - سنجه رازی: درختچه ای
است که در روستاهای تا و هه نیمن با این
نامها خوانده می شود. نگا: عه ناو

سنجوو: سنجد. نگا: سرینچک

سنجه رازی: درختی است که در روستای
تا، از توابع شهرستان کامیاران، «سنجه رازی،
سنجرازی» نامیده می شود. نگا: عه ناو

سنجه ی: ۱- سنجد. نگا: سرینچک ۲-
عئاب. نگا: عه ناو. (رو، هه، مو)

سنجی: ۱- سنجد. نگا: سرینچک ۲- ثمر
درختی است ترش مزه. (هه)

سنجید: (کرماش): سنجد. در سنقور و
کولایی آن را «سرنجگ» گویند. نگا: سرینچک.

سنجیری: نوعی انگور است. (رو، هه)

سنه و بهر: درخت صنوبر. (هه). نگا: سنه و بهر.

سنه و بهر: ۱- صنوبر، درخت صنوبر ۲- کاج.

(هه، رو، مو)

سنه‌ی: نوعی انگور زودرس است. (هه، رو)

سنه‌یی: یا قوتی، انگور زودرس. (ابرا)

سۆ: گیاهی است که در روستای کینه‌شین واقع بر سر جاده سقز - بانه و همچنین در روستای تکیه از توابع سنندج و بعضی جاهای دیگر آن را «سۆ» گویند. نگا: سۆلان. (مو، رو، گۆ، ابرا، هه)

سواله شیوین: *Crambe orientalis*

سپیده. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که غالباً در داخل گندم‌زارها و دشتهای می‌روید، بتهای بزرگ دارد و دارای گلهای سفید و ریز فراوان است. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سواله شیوین، سواله شین‌وینکه، سواله شیوین، سواله شین‌وینه». تعدادی از اهالی روستای خورخوره سقز، آن را «گوشته به‌رخيله» هم می‌گفتند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هه‌وه‌تو، کانی نیمه‌ژۆژه، فەتاح ناوای دیوانده‌ره، ئیران خوا، زه‌شنه‌ش، ئاریز، دزیله، بنهر، زونج، پیرخه‌یران، سارال، ریگه‌ی که‌وله - کۆل و دوزه‌غره، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، جیران مئگه، سه‌لواتاوای بیجار، گه‌رده‌نه‌ی مامۆخ، بست، چل چمه‌مه، خورخوزه‌ی سه‌تۆ، شیان. این گیاه را در بعضی جاها از جمله روستای بست در جوانی «گۆشت به‌رخيله» گویند و زمانی که پیر شد آن را «سواله شین‌وینکه» نامند. (مؤلف)

سواله شیوین: نگا: سواله شیوین. (مو)

سواله شین‌وینکه: نگا: سواله شیوین. (مو)

سواله شین‌وینه: نگا: سواله شیوین. (مو)

سواله شیوینه: عده‌ای از اهالی

خورخوزه‌ی سه‌قز و اهالی زه‌شنه‌ش، این عنوان را برای گیاه «گۆشت به‌رخيله، گوشته به‌رخيله» به کار می‌برند. نگا: گۆشت به‌رخيله. (مؤلف)

سۆتکه: گیاهی است که آن را «زه‌بناوگ، سه‌زه‌شه» نیز گویند. (رو، که)

سۆتکه: گیاه سعد، مشک زمین، نگا: سمل. (هه)

سۆتچکه: ۱- نگا: ثامیان په‌نیر ۲- نگا: خوشیلک. (مو)

سۆرانی: نوعی گلابی است. (هه)

سوراوک: تاج خروس. (مه)

سوربازه‌له: گیاهی است. (هه)

سۆرپاز: ۱- سیرکوهی. «سیره کیویه»

۲- گیاهی است آشی. «گیاه که ده ناش

ده‌کری». (هه، رو)

سسورقون: (کرمانشاهی): گیاهی است

خوراکی که در بهار در کوهها می‌روید و شبیه

تره است اما ته سرخی دارد * از آن بورانی و

آش درست می‌کنند، برای دفع سنگ کلیه

خوب است. (کرمانشاهی)

سورقین: (کرمانشاهی): نوعی گیاه خوردنی

با ریشه سرخ. معنی لغوی کلمه (کون سرخ)

است. نگا: سورتون

سۆر گۆل: گل محمدی. نگا: گۆلباخچی.

(هه)

سورمه سه‌گ: نگا: غاز

سورناتک: گیاهی است. نگا: زه‌زئیتقه.

(مؤلف).

سورناتک: گیاهی است دارویی و از

رستنی‌های کردستان که در روستای بست،

بیجار و خورخوزه‌ی سه‌قز، به این نام خوانده

ریزوم است. ارتفاع ساقه آن حدود ۲ متر است، دارای برگهای پهن و تقریباً شبیه برگ مو ولی خیلی بزرگتر. گلهای چتری سفید. ساقه‌اش کلفت و توخالی است.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: تمولقوله‌ی مییره‌دی، پیرعومهران، نه‌که‌رۆز، وی‌سەر، ره‌شنه‌ش، کۆزه میانه (چاوکه)، نیژۆ، گلیه، ته‌نگی‌سەر، میژگا (محل‌ی است در ارتفاعات تنگی‌سەر)، میژگه‌وار، نیهر، میژاو، کۆله‌ساره، چل‌چه‌مه، گهرده‌نه‌ی خان، کینه‌شین، زه‌نان، دهره‌ویان فازس، نه‌وتیه‌نگ، سهرشیوی مەریوان، بلچه سوور، دامنه قه‌له‌بەرد، شیان، هه‌شه‌میژ * در طب سنتی و عرف کردستان: این گیاه را با پنیر می‌آمیزند، ساقه آن را در جوانی مانند ساقه تۆسی می‌خورند. این گیاه را مدر ادرار، حیض و شیر، مقوی معده، تقویت‌کننده هاضمه، تقویت‌کننده نیروی جنسی می‌دانند و برای سرفه و یرقان و درد سینه هم آن را مفید می‌دانند. بوئیدن آن را هم موثر میدانند. ترشی گلپر، از گلها و ساقه‌ها که با سرکه آن را درست می‌کنند جلا دهنده معده و مقوی هاضمه و محرک اشتها است. گلهای این گیاه دارای چندین پوسته است پوسته‌ها را برمی‌دارند و گلهای سۆلان که مثل گل کلرم است برای تهیه ترشی بکار می‌برند. (مؤلف) سولتان وهرد: گلی است. نگا: شای گولان. (رو، گۆز)

سۆلکی: نگا: سۆله که. (مو)

سۆله: گیاهی که زیر گل اندود بام گذارند. (هه)

سۆله که: *Scandix pecten - veneris* شانه ونوس. گیاهی است از رستنی‌های

می‌شود. نگا: زه‌زیتقه.

سورناتکه: گیاهی است که در پست و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: زه‌زیتقه. (مو)

سۆرننگ: روناس. نگا: رۆتیاس. (هه)

سۆریاز: گیاهی است کوهستانی. نگا: سۆریاز.

سۆریاس: گیاهی است کوهستانی. نگا: سۆریاز.

سۆره: نوعی انجیر قرمز است. (هه)

سۆسن: نگا: سۆسن

سۆسن: سوسن، گل سوسن. گلی است معروف که در کردستان می‌روید و آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سۆسن، گۆل سۆسن، سۆسن، سووسن، سویتسه».

«سۆسن به لا کلاو بۆ خۆی پووو زهره و یساوه له شۆن شه‌رتیارو بئی شه‌رت» «جهم جهم سۆسنه‌ن جه‌تاق ته‌وق وه‌ردان سه‌ردان نه‌ سه‌ردان په‌رئ هام فه‌ردان» نگا: گۆل سۆسن. (مو، رو، هه، ایرا، من مه‌ر)

سۆفیلکه: گیاهی است در کۆزه‌ی میانه رویش دارد و در میانه به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سۆلان: *Heracleum persicum*

= *H. glabrescens*

گلپر. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در گۆیشه‌ها و مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سۆلان، سۆ، سوولان». این گیاه را، گیاه انجدان سفید، انجدان طیب و گیاه حلتیت طیب هم گفته‌اند. گیاهی است معطر و خوشبو دارای ریشه و

کردستان که در روستاهای میانه، رشنش، زونج، باقلاوای شیخ حسین و سوورکهؤل، آن را «سوله که» گویند. در هورامان، هه شه میژ و سالیان آن را «سؤل کئی» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر، مشاهده نمودم: وتره زهوی، شه وینه نگ، وی سر، سالیان، ره شنهش، هه شه میژ، شاری هورامان، زیوار، میانه، زونج، باقلاوای شیخ حسین، سوورکهؤل، ریگهی سه قز - یانه، ریگهی یانه - سه رده شت، دز تله، بینه ر، خانه گای جوجو، کهوله، کؤل و دوزه غه ره، سه رشیوی مه ریوان، بلنچه سوور، شیان، زوانسر، جوانزؤ، پاوه. این گیاه را در جوانی می پزند و می خورند. (مو، مظ)

سوله کئی: گیاهی است که در سالیان به این نام خوانده می شود. (مو). نگا: سوله که.

سوماخ - دارسوماخ: *Rhus coriaria*
سماق. درختچه ای است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: سونقور، به یینی نه وسو و پاوه. (معص). نگا: سماق سومبل تی: (کرماشانی): سنبل الطیب. نگا: سونبوله تیف

سومل تیف: (کرماشانی): سنبل الطیب. نگا: سونبوله تیف

سونبول کیوی: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

سونبوله ته یب: سنبل الطیب. نگا: سونبوله تیف

سونبوله تیف: سنبل الطیب. این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «سومبل تی، سونبوله تیف، سونبوله ته یب، سونبوله تییب، سومل تیف،

سونبوله تیف، سم له تیف، سونبوله تیو». بعضی، گیاه «ئه شه دیو» را هم سنبل الطیب می دانند ولی جای بررسی است. (رو، مه، مو، هه، کرمانشاهی)

سونبوله تیف: نگا: سونبوله تیف

سونبوله تیو: سنبل الطیب. نگا: سونبوله تیف.

سونبوله تییب: سنبل الطیب. نگا: سونبوله تیف

سویره که: نوعی مازوج است. (هه)

سوئسن: سوسن، نام گلی است معروف. (هه)

سوئسنه: گلی است کوهستانی زیبا و معطر، سوسن. (هه، مو)

سووته که: گیاهی است با شیراز آمیزند. (هه)

سووراو: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان، شبیه پونه است، دارای گلهای بنفش رنگ است مثل گل پودنه، حدود یک متر ارتفاع دارد، در عیساکه ند و سه هولان آن را مشاهده نمودم ۲- نوعی انگور قرمز رنگ است ۳- گیاهی است در دوغبا ریزند ۴- گل تاج خروس «سهول» ۵- آب نمک. (مو، رو، او، هه)

سووربله تی: زالالک قرمز. «گژیژی سوور، گژیژه سووره». نگا: گژیژ. (رو، ابرا)

سوورپا: (لهک): سرخ پا، نوعی سبزی بهاری کوهی است که ساقه قرمزی دارد و بدبو است ولی به علت خواصی که برای آن قائلند، آن را بورانی کرده می خورند. یا خشک کرده آن را برای درمان سرماخوردگی در آتش می ریزند. مدر هم هست. (لهک)

سوورسنه ی: نوعی انگور. نگا: سنه ی. (رو)

سوورسنه یی: نوعی انگور است. (هه)

سوور شامی: نوعی انگور است. (هه، رو)

سوور قوون: گیاهی است. نگا: سووره ونه. (مو)
سوورکه: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «لیفه شزه» نیز گویند ۲- ارزن.

سوورگول: ۱- گل محمدی. نگا: گولباخی
۲- نوعی گندم است ۳- کنایه از بسیار زیبا است ۴- گیاهی است بهاری از رستنی های کردستان.

«سوورگول له مسهری لکان رووا پوو تاتای مسو به سهریه کا رژا پوو کچ سوورگولی دهس چنی خودایه کور ژاوی ژیان و ژینی لایه» (هه، مه، مو)
سوورنجان: گیاه سورنجان که دارویی است. (رو، هه)

سوورنجان ه پایزه: گیاهی است که آن را «زعفرانی میزگ» نیز گویند. نگا: زعفرانی میزگ. (رو)

سسوورونه: گیاهی است از رستنی های کردستان، گیاهی است کوهستانی، هنگامیکه سر از خاک درمی آورد مثل چنگ کبک است. (رو، هه)
سووره بله تی: زالزالک قرمز. نگا: گوژ. (رو)

سووره بنه: Allium
گیاهی است از رستنی های کردستان. این گیاه را داخل آتش دوغ ریزند و خورند. گاهی آن را مثل برگهای چغندر می پزند و آب آن را دور می ریزند و با تخم مرغ و روغن سرخ می کنند و می خورند. گاهی این گیاه را با گیاه «هاز» می پزند و کمی نخود و لوبیا و شلغم و پیاز داغ در آن می ریزند و می خورند. گاهی سماق هم به آن اضافه می کنند. نگا: سووره ونه.

(مو، رو، هه)

سووره بنه: درختچه ای است برگهایش شبیه برگ سیب است. در کۆسالان می روید و عده ای از اهالی اطراف کۆسالان آن را به این نام می خوانند. ولی مؤلف آن را مشاهده ننمود. (مؤلف)

سووره بی: نوعی بید است، سرخ بید. (هه، ابر)

سووره چنار: درختی است (Plan tree) در آمدی و سلیمانیه هست * پوست تنه این درخت برای درمان بیماری «نه سکه رپوت» مفید است، ضد رماتیسم است، مقوی است، برگهایش برای ناراحتی چشم بدرد می خورد. هه ژار آن را «چناری جهوه ردار» نامیده است. (هه، رو). نگا: په لک.

سووره چوو: درختچه ای است که در روستای گهلین، به این نام خوانده می شود. و در روستای قولقوله ی میره دی و روستای بست، آن را «سووره چئو» گویند. نگا: دارئاسن سووره چئو: Sorbus persica

بارانک، بارانک ایرانی. درختی است از رستنی های کردستان که در خواشت، تکیه، هویه، باخان و مریوان آن را «سووره چئو» می نامند. این درخت را در محل های زیر مشاهده نمودم: خواشت، ته کیه، سه رهویه، هویه، باخان، میزگ فهرج در ارتفاعات رشنش. ثمرش به اندازه یک زالزالک متوسط بزرگ می شود و مثل زالزالک زرد رنگ است. پشت برگها کرکدار و نقره ای رنگ و سطح فوقانی برگ سبزرنگ و فاقد کرک، به عبارت ساده تر روی برگها سبزرنگ است و پشت آن سفید است. (مو)

Sorbus graeca سورره چیو:

بارانک خاکستری، دیوآلبالو. درختی است از رستنی‌های کردستان که بیشتر در منطقه سه‌دهشت می‌روید. این درخت را در فارسی (تیس) هم گویند. توضیح اینکه، در قلقله میروده از توابع سقز این نام «سورره چیو» را برای درختچه «دار ثاسن» بکار می‌برند. (مؤلف، معر)

سورره زیواس: نوعی از ریواس است که ساقه‌اش قرمز است. (رو)

سورره ساو: سیب سرخ. آن را «سیوه سورره» هم گویند. (هه، مو)

سورره شامی: نوعی انگور است. (هه)

سورره گولی: گل سرخ. «گولی سورره». (هه)

سورره گه‌وُن: گونه‌ای از گون است که در کردستان رویش دارد و در کوزه میانه هم می‌روید و اهالی میانه آن را به این نام می‌خوانند. (مو)

Allium سورره‌ونه:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بهار در کوهستانها می‌روید. برگهای نسبتاً باریک و دراز است و پیازه‌اش شبیه پیاز و ریشه‌هایش مثل ریشه پیاز. رنگ پیازه و قسمت پائینی ساقه تقریباً قرمز است و بدینجهت آن را در کردی «سورره بنه» گویند. در اکثر جاهاکه این گیاه را اندازه گرفتم حدود ۵۴-۵۰ سانتی متر بود، در ئاشقان و کهرجق حدود ۱۰۵ سانتی متر ارتفاع داشت. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سورره ونه»، «سورره بنه»، «سیره بنه»، «سیره ونه»، «سورقون»، «سورره ونه»، «سورقین».

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: چل چه‌مه، ئاشقان، کهرجق، که‌که‌وسان، ده‌ره‌ویان خواروو، ده‌ره‌ویان فازس، کۆل و دۆزه‌ه‌ره، ره‌شنه‌ش، کوزه میانه، گلیه، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، تا، سه‌رچی، هه‌نیم، که‌ماله، شاری هه‌ورامان، ژیار، سلین، کۆسالان، وئی‌سه‌ر، سه‌رشیوی مه‌ریوان، بلچه سورره، قه‌له‌به‌رد، شیان، زوانسه‌ر، جواتزق، پاوه. در منابع (گۆ، هه) به نام این گیاه اشاره شده است. (مؤلف)

Allium noeanum سورره‌ونه: (کر):

گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر می‌روید: کرماشان، پاوه، خانه‌گا، ئاوایی پشته، ئیسلام ئاوای غهرب، کردی غهرب. (معص)

سورره وه‌نه: گیاهی است که صوفی صالح در روستای بست آن را چنان تلفظ می‌کرد. نگا: سورره‌ونه. (مو)

سورره هه‌راله: گیاهی است. نگا: سورره هه‌لاله. (مو)
سورره هه‌لاله:

Hymenocrater longiflorus

گل اروانه اورامانی (هه‌ورامانی). گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «سورره هه‌راله» هم گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: شاهۆ، پالنگان، کۆسالان، بۆزیده‌ر، خواشت، کائی‌سه‌ر، ته‌نگی‌وه‌ر، شاری هه‌ورامان، که‌ماله، ژیار، شاهۆی پالنگان، شاهۆی وئی‌زیه‌ر، شاهۆی ته‌نگی‌وه‌ر، پاوه، زه‌شنه‌ش. این گیاه را در رشنش «شه‌وبۆ» گویند. (مؤلف، مظفریان)

سه بر: صبر

سه بری زهره: صبر زرد

سه پاترینه: گیاهی است از رستنی های کردستان، گلپایش شبیه گل قاخلی است و اطراف غلاف گل دارای خارهای تیز است، ارتفاع آن حدود ۶۰ سانت است. (مو)

سه پان ترینه: قنطریون کوچک. (مه)

سه پر: شبدر چمنی، شبدر قرمز. (جفکر)

سه تک: گیاهی است که ثمرش شبیه نخود است. نگا: سه یدک.

سه تهک: گیاهی است. نگا: ستک.

سه راوی: نوعی کدو است. «کوله که سه راوی». (هه، مو)

سه رثاسینه: **Centaurea**

گیاهی است از رستنی های کردستان برگهای شبیه برگ پالمه و کاسه گل گرد و سفید است. ارتفاع آن حدود ۵۰ سانتی متر است. این گیاه را در روستای قولقوله میوه دئی «سه رثاسینه» گویند و در بعضی جاها آن را «ناسن سه ره» نامند.

محل رویش - در خیلی جاها - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: قولقوله میوه دئی، نه که روز، پیرعومهران، کوسالان. (مو)

سه رپنج: گیاهی از رستنی های کردستان.

(مر). کلاه میرحسن. (مه)

سه رتوپز: نگا: که رکول

سه رته شی: نگا: که رته شی

سه رتیه - گوله پهر:

Heracleum persicum

گلپر. گیاهی است از رستنی های کرمانشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: سوتقوز، کهنگاوهر. (معص). نگا: سولان.

Hymenocrater bituminosus

گل اروانه. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «سوره هه راله» هم گویند. در ارتفاعات بالا می روید و حدود ۷۰ سانتی متر ارتفاع دارد.

محل رویش - کوسالان، هورامان. این گیاه در ادبیات و اشعار کردی زیاد بکار رفته و اغلب در سرودهای کردی بکار می رود:

«سوره هه راله وات ره نگم سوره وارده نسم ورواو هواسام چنوره وچه به ده ریانه لاهه هیشور باوه پووشانه سور هه راله ی سور سوره هه راله ی وات یا گیم خزن هه وهختی به به واده ی کپزن سوره هه لاله ی وات یا گیم خزن وهختی گول کهرون واده ی کپزن سوره هه راله، کون چنوری دیز کون هاژه ی ورواو مه کنی چه زیز سور هه راله ی وات تو چی سوورنه ی زاس په نم وچه باوان دوورنه ی سوره هه راله سووری په ل باریک یا نه وده کم نه کهری تاریک (مو، مظ)

سووسه مبه ره - سووسه نه بر: سینبر.

گیاهی است خوشبو. سوسنبر از خانواده نعناع است که بیش از ۱۸ نوع نعنا تا بحال شناخته شده است. (هه، خواص، کرمانشاهی)

سووش: گیاهی است خوشبو. (هه، رو)

سوولا: گیاهی است دارویی. (هه)

سولان: نگا: سولان.

سه‌کوزه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)
 سه‌گانه: (کرماشانی): نوعی گل رُز وحشی و کم‌برگ.
 سه‌گه‌ران: گیاهی است که در زیوار از توابع هورامان به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 سه‌لپ: نوعی درخت بید. (هه)
 سه‌لثی: درخت سرو. (هه)
 سه‌لکه خره: گیاهی است که در قلقله میرده به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 سه‌لمانه: گیاهی است که در هورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: سه‌لمکه: (مو)
Atriplex nitens سه‌لمکه: (کر): گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در محل‌های زیر می‌روید: کرمانشاه، کنگاور، ماهیدشت، اسلام‌آباد غرب، (معص)
 سه‌لمکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در مناطق مختلف با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سه‌لمکه، سه‌لمه‌که، سه‌لمانه».
 محل رویش - کۆله‌ساره، هورامان، خوزخوزی - سه‌قر، کۆل و دۆزه‌غره، سرشیوی مریوان، جوازۆ، زوانسر، پاوه. این گیاه را در بهار به‌نگام جوانی می‌پزند و سرخ می‌کنند و می‌خورند. (مو، گز)
Chenopodium foliosum سه‌لمه:
= Ch. blitum
 گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر می‌روید: شاهۆ، سونقوز، ییستون. (معص)
Chenopodium murale سه‌لمه:
 سلیمک برگ‌گزنه‌ای. گیاهی است از

Prangos gaubae سه‌رتیکه:
 جاشیر کرجی. پراکندگی در ایران: ارومیه، بیجار به طرف دیواندره. همدان. احتمالاً در کوه دالاخانی سنقر. (معص)
 سه‌رتیکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. میوه آن خوردنی است برگ‌هایش شبیه برگ چنور است. (مو)
 سه‌رچک - زرپسک: زرشک وحشی. (معص). نگا: زرتشک
 سه‌دری: برنج صدری، نوعی برنج است. (هه، مو، ابرا)
 سه‌رقووله - سه‌رقوله: نوعی انگور است، نوعی انگور سرخ و درشت است. (او، ابرا، رو، هه)
 سه‌رکوتیلک: علفی است. (هه)
 سه‌رگاویک: گیاهی است خوردنی. (هه)
 سه‌رگاویلک: گیاهی است، پیازی دارد مثل پیاز پیشۆک. (که)
 سه‌رلق: نوعی اتار است. (هه)
 سه‌رنه‌خوونک: نگا: ده‌لآه‌برمه
 سه‌روو: درخت سرو. (هه)
 سه‌عدانی: نوعی انگور است. نگا: سادانی. (هه)
 سه‌عله‌ب: ثعلب. نگا: سالمه. (هه، ابرا)
 سه‌عله‌م: گیاهی است. نگا: سالمه
 سه‌فراهر - باوه‌شینه‌گیا: سرخس نر. (دا ص ۱۹)
 سه‌ق: بلوط. (رو، که)
 سه‌قله ویتجه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای منطقه خورخوره سقر به این نام خوانده می‌شود. نگا: کرمه‌کۆزه. (مو)
 سه‌کوز: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

سه‌نه‌ل: نگا: سه‌نده‌ل. (رو)

سه‌وزه‌گه‌وُن: نوعی از گیاه گزن است. (مو)

سه‌وزه‌گیواو: *Chenopodium botrys*

سلمک اورشلیمی، درمنه ترکی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در گردنه ژالانه، این گیاه را مشاهده نمودم. در اورامان (ه‌ورامان) آن را «سه‌وزه‌گیواو» گویند. (مؤلف)

سه‌وسنه: گیاهی است که در روستای ماسیدر «ماسی‌یه» از توابع خورخوری سه‌قز به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سه‌ول: *Amaranthus retroflexus*

تاج خروس، زلف عروسان. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در تا و هه‌نیمین و سه‌رجی و رشنش این گیاه را در کنار رودخانه مشاهده نمودم و در این روستاها آن را «سه‌ول» می‌نامند. گیاهی است بلند و با ساقه منشعب و قرمز یا عنابی رنگ و زیبا. گاهی به اندازه قد یک انسان ارتفاع دارد و گل و برگهایش قهوه‌ای مایل به سرخ است. له‌کی: سؤل. این گیاه را «گوله قه‌یفه» هم گویند. (مو، مظ، رو، گز، هه، که)

سه‌ول: درخت سرو. (هه)

سه‌ولان: گیاهی است که در زه‌نان، به این نام خوانده می‌شود. نگا: سؤلان. (مؤلف)

سه‌ونجه: *Noaea mucronata*

خارکو. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که به حد وفور در کوه‌های کردستان می‌روید. این گیاه راد و روستاهای تا و هه‌نیمین «سه‌ونجه» گویند. در رشنش آن را نوعی سه‌ونچک می‌دانند. در خورخوری سه‌قز، آن را «سه‌ونچک دژل‌دار» گویند. شبیه چوبک است و غالباً در همسایگی او

رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر می‌روید: اطراف رودخانه سیروان بین پاوه و نو‌سپود، اطراف رودخانه سیمره و فره‌سو. (معص)

سه‌لمه‌که: نگا: سه‌لمکه. (مو)

سه‌لو: درخت سرو. «داری سرو». (هه)

سه‌لوا زه‌وان: سرو سهی، نوعی درخت سرو که راست و مستقیم بالا می‌رود. (هه)

سه‌لیمکی: *Chenopodium album*

سلمک. گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در نقاط مختلف استان می‌روید و در فارسی آن (سلمه تره - سلمک) گویند. (معص)

سه‌مه‌ن: یاسمن، گل یاسمن. (رو، هه)

سه‌میره: گیاهی است که بیخ‌ش شبیه بیخ «گز» است ولی کوچکتر از آن در سه‌یف تاوا واقع در منطقه خورخوره به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سه‌نا: سنا

سه‌نامه‌کی: سنامکی، سنا. در کردی با نام‌های زیر خوانده می‌شود: «سه‌نا مه‌کی»، «سه‌نا، سینه‌مه‌کی، سینا مه‌کی، سنام مه‌کی». (هه، رو، گز، مه)

سه‌نای مه‌کی: در روستای زونج به گیاهی می‌گویند که ریشه غده‌ای آن را خشک می‌کنند و می‌گویند و روی زخم حیوانات می‌پاشند و زخم را بهبود می‌بخشد. آن را ندیده‌ام. (مو)

سه‌نجر: گلی است. (رو)

سه‌نده‌ل - سه‌نده‌ل: صندل، چوب صندل، درختی است خوشبو. (Sandal wood). (هه، رو)

سه‌نده‌ل: گیاهی است که از آن رنگ زرد گیرند. «گیا زه‌رتک». (هه)

می‌روید. (مؤلف)

سه‌ونچك:

Acanthophyllum microcephalum

چوبك، چوبك ایرانی، چوبك بوته‌ای. گیاهی است از رستنی‌های كردستان که در بسیاری از مناطق می‌روید و در روستاهای صلوات‌آباد و رشنس، تودارملا از توابع شهرستان سنندج، حسین‌آباد که‌نگره از توابع قروه و در بسیاری از روستاها آن را «سه‌ونچك» می‌نامند. محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: ده‌والان، سه‌لوات‌آوای سنه، سه‌لوات‌آوای بیجار، گهرده‌نهی سه‌لوات‌آوا، ره‌شنه‌ش، تا، سرچی، نهر، سولتان‌نه‌حمه‌د، وتره‌زه‌وی، نه‌ویته‌نگ، نه‌که‌روژ، پیرعومه‌ران، شیشه‌زی، که‌رجو، هه‌شه‌میژ، دۆله‌ره‌ش مابین دۆل، نجی، سالیان، په‌نجه‌ه‌لی تنوره، شاره‌کی بیجار، گهرده‌نهی مامۆخ، سه‌خناخ، گلیه، پیازه، گهرده‌نهی که‌زه‌سی، دهره‌قووله، خورخوره سقز، منطقه خورخوره، سه‌روهیه، هویه، میانه، کوزه‌میانه، قه‌م چوغه و حه‌مزه‌ی عه‌ره و از توابع شهرستان بیجار، چه‌م دهره‌زه‌نجیر، خواشت، که‌وله، کۆل و دوزه‌غهره، حسین‌آوای که‌نگره، کوچك چنار، زه‌نان، مه‌لکشان، سه‌رشویی مریوان، که‌له‌کان، تووار مه‌لا، ناره‌نان، قه‌له‌بهرد، شیان، ته‌کیه، ژوانسهر، جوانۆز، پاوه * ریشه این گیاه مدر بوده و برای خرد کردن سنگ مثانه بکار می‌رود و روی زخم اندام و اعضاء می‌مالند و همچنین برای تسکین درد مفاصل بصورت مالیدن روی محل درد بکار می‌رود. در بعضی از مناطق كردستان برای خوشبو کردن مشک از این گیاه استفاده می‌شود، گیاه

را خشک نموده و مثل قانگ (اسپند) آن را آتش زده مشک را روی دود آن می‌گیرند. (مو، مظفریان، سیما)

سه‌ونچك بڼی دړك: گیاهی است که در خورخوره سقز به این نام خوانده می‌شود. نگا: سه‌ونچك. (مو)

سه‌ونچك دړك دار: گیاهی است که در خورخوره سقز به این نام خوانده می‌شود و در طب سنتی آن را برای درمان زخم اسب و الاغ مفید می‌دانند. نگا: سه‌ونجه. (مو)

سه‌ویله خووگانه: گیاهی است از رستنی‌های كردستان که در کۆسالان می‌روید و در بعضی از روستاهای اطراف کۆسالان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سه‌یدك: گیاهی است که ثمری نخود مانند و خوردنی دارد. این گیاه را با نام‌های زیر می‌نامند: «سه‌یدك، سه‌تك، سه‌یدوکه، سه‌یدوکه». (هه، مو)

سه‌یدوکه: نگا: سه‌یدك

سه‌یدوکه: نگا: سه‌یدك

سه‌یرا: گیاهی است کوهی دارای برگهای ریز که شبیه برگ کدو است و گل‌های باریک. در بعضی منابع آمده است که (گلی است). (رو، هه) سه‌یرا: نگا: سه‌یرا

سه‌یران: (کر): **Ficaria ficaroides**

زردمرغک. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در محل‌های زیر می‌روید: کرماشان، کردندی غرب، پاوه، ئیسلا‌م‌آوای غرب، گوران، سوتقوز، ته‌ختگی سورت خانم، دالاهو، کیتی نوا. (معصب)

سیاپوس: گیاهی است که با شیراز آمیزند. (هه) سیاپوس: گیاهی است که در پالنگان به این

نام نامیده می شود. نگا: قه یتران،
په زسیاوه ش.

سیار یحان: نگا: ریخانه زه شه

سیاره: نوعی گندم است. (هه)

سیازاخ: گیاهی است بهاری گرمسیری.
(رو، هه)

سیازاغ: نگا: سیازاخ

سیاسونی: (کر): *Nigella oxypetala*

سیاه دانه ایرانی. گیاهی است از رستنی های
کرماشان که در محل های زیر می روید:
ههرسین، کرماشان، مایی دهشت. (معص)

سیاسه ره: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در روستاهای میانه و زه شنهش به
این نام خوانده می شود. نوعی از گیاه
«باقه وهس» است. نگا: باقه وهس. (مو)

سیاسه نج: نگا: سیاسونی

سیاکووزه: پر سیاوشان. گیاهی است که در
روستای نیاوا، به این نام خوانده می شود.
نگا: قه یتران.

سیانهو: گیاهی است. (هه)

سیاوپووز: پر سیاوشان. نگا: قه یتران

سیاوپووزه: پر سیاوشان. نگا: قه یتران

سیاوداری: درختچه ای است که در

هورامان به این نام خوانده می شود. (مو)

سیاوسه ده: سنبل. (هه)

سیاوگوون: نوعی از گه ژن است که در

هورامان به این نام خوانده می شود. (مو)

نگا: زه شه گه ژن

سیاولو: نوعی گیاه «لوز» است که در

هورامان به این نام نامیده می شود.

محل رویش - که ماله، شاری هورامان، ژیوار،

کۆسالان. (مو)

سیاولو: سیاه دانه، گیاهی است که در بیجار
به این نام خوانده می شود. نگا: سیاولو

سیاولو: *Nigella sativa*

سیاهدانه، شونیز. گیاهی است که در اغلب
مناطق کردستان کشت می شود و در کردی آن
را «سیاولو، سیاولو، زه شکه، ره شکه ی نان»
گویند. (مو، رو، هه، من)

سیاولو ی کیفی: *Nigella oxypetala*

سیاهدانه وحشی، گیاهی است از رستنی های
کردستان.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: مرکز تحقیقات گازان از توابع
مریوان. (مو). در محل های زیر هم می روید:
هورامان نزدیک طویله، قوژل نوزهن، شایین
دژ، ۳۱ کم ورمی، ۱۲ کم شمال سونقور،
رهواندز، هولیر، شه قلاوا، سلیمانی، قه تدیل
(بین شه دیدان و پشت تاشان). (فلور ایرانیکا
تالیف ریشتگر). گونه *vulgaris* نیز در شاهر
می روید. (مو، مظ)

سیاوه حش: گیاهی است که در مناطق
سخت و سنگی هورامان، سؤلاف، قه ندیل و
پینجوین می روید و برای تنظیم قاعدگی
خانمها و درمان «بالوکه» به کار می رود. (رو)

سیاوه ش: *Adiantum*

نگا: قه یتران

سیاوه شان: پر سیاوشان. نگا: قه یتران. (مو)

سیب زه مینی: سیب زمینی. نگا:

سیفه زه مینه

سیب بسکوک: گیاهی است با آتش می پزند.

نگا: گیتلاخه. (هه)

سیب بسکه: نگا: گیتلاخه. (هه)

سیبکوله: نگا: گیتلاخه. (رو)

پاوه. (مو)

سیچک: گیاهی است که در روستاهای پالنگان، گهلین، خانه‌گای گهلین و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. (مو)
نگا: سیچک

سني چوکل: خار سه‌کوهه. نگا: په‌یکۆل
سیچکی: گیاهی است که در هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: سیچک. (مو)
سني دانه - سني ددان: خار سه‌کوهه. نگا: په‌یکۆل

سیر - سیر: Allium
سیر. گیاهی است، گیاه معروف سیر. آن را «سیری» هم گویند. (هه، مو، رو)
سیرباخی: نوعی از سیر است که در روستای صلوات‌آباد سهندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)
سیرپشک: سیرکوهی. آن را «سیرک، سیرمۆک، سیرمۆکه» نیز گویند. (هه)
سیردم: گیاهی است. آن را «سیرمۆک» هم گویند. (هه)

سیر ده‌یمی: سیرکوهی. آن را «سیرکیفی، سیری کیفی، سیری کئیوی» هم گویند. (مو)
سیر ده‌یمی: Allium scabriscapum
گونه‌ای سیر است که در کردستان رویش دارد، پیاز گل‌زرد. گل‌هایش مثل گل قاخلی و زیبا است.

محل رویش - در له‌نگه‌ریز، این گیاه را مشاهده نمودم. (مو)

سیرقن: Allium
۱- گیاهی است که در به‌ورو پهریشان می‌روید و در اطراف این کوه آن را «سیرقن» گویند و در بعضی جاها آن را «سوره‌ونه»

سني پهره‌ی سپی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان در ثامیدی، وه‌واندز و سلیمانی رویش زیادی دارد. گل‌های این گیاه ضد رماتیسم است و بعلاوه مقوی است. (رو)
سني پهره‌ی سوور: Trifolium
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «وینجه‌ی سوور» هم گویند.

محل رویش - در سلیمانی و وه‌واندز، به فراوانی می‌روید * در طب سنتی، گل‌هایش برای درمان شکم درد، دفع بلغم و سیاه‌سرفه به کار می‌رود. (رو)

سپی‌سو: (له‌ک): سپستان، دانه سیاه رنگ درشتی که مصرف دارویی دارد. (له‌ک)
سیت: (له‌کی): سدر. برگ درخت کنار که برای شستن موی سر و همچنین در غسل مردگان بکار می‌رود. (له‌ک)
سني ته‌زازه‌ن: گیاهی است که در کۆرکۆره به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سیچک: Rumex
گیاهی است از رستنی‌های کردستان، گونه‌ای ترشک «تورشکه» است که در روستاهای هه‌شه‌میز، سالیان، زه‌شنه‌ش، آن را «سیچک» گویند. در روستای گهلین و بعضی جاهای دیگر آن را «سیچک» نامند. در هه‌ورامان، آن را «سیچکی» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ریگه‌ی بیجار - تیکاب، هه‌شه‌میز، کهرجۆ، سالیان، زه‌شنه‌ش، نه‌ویه‌نگ، وی‌سەر، شاری هه‌ورامان، ژوار، گهلین، خانه‌گای گهلین، که‌وله، کۆل و دوزه‌هه‌ره، ده‌رویان فازس، سه‌رشوی مه‌ریوان، قه‌له‌بەرد، ته‌کیه، شیان، زوانسەر،

گویند. ۲- نوعی سیر کوهی است که در چهل چشمه و تیلکو می‌روید و در بعضی از روستاهای اطراف چهل چشمه و بعضی از روستاهای تیلکو، آن را «سیر قق» می‌گویند. (مو)

سیر قوراته: Allium stamineum

گیاهی است از رستنی‌های کردستان و کرمانشاه که آن را در کرمانشان «سیر قوراته»، در بیجار «سیره قوزاته» و در تازه‌آباد آصف از توابع سارال «سیره‌ونه» گویند. (معصب مو)
سیرك: سیر کوهی، نوعی سیر است. (رو، هه)
سیر کامارا: گیاهی است بدبو. (هه)

سیر کیفی: سیر کوهی، سیر وحشی. (مو)
سیر کیفی: Allium

نوعی سیر کوهی است که برگهایش شبیه برگ پیاز است. این گیاه را در روستاهای حسن‌آباد ستنج و رشنش «سیر کیفی» و در روستای اوپینگ از توابع ژاورود ستنج «سیره کویله» و در بعضی جاها «سیره کیفیله» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمود: قه‌لای حه‌سه‌ناوا، نه‌ویته‌نگ، وی‌سه‌ر، ره‌شنه‌ش، ناویه‌ر، قه‌له‌مان، هه‌والان، سو‌لتان نه‌حمه‌د، گلیه، نایی‌سه‌ر، به‌روپه‌ریشان، ژوانسه‌ر، پاوه، که‌وبگار، موچه‌ش. (مو)

سیر گه‌نکه: Allium

سیر کوهی، نوعی سیر شبیه سیر معمولی است و از بوی آن مشخص می‌شود. در روستای هه‌زارکانیان از توابع سارال به این نام خوانده می‌شود و در بعضی جاها آن را «سیره گه‌نکه» گویند. (مو)

سیر موک: سیر کوهی. (هه) نگا: سیر کیفی.

سیر موک، سیر موک: سیر کوهی. عربی: ثوم الحية. انگلیسی Water germander گیاهی است بهاری برگهایش شبیه برگ سیر است اما مثل سیر بدبو نیست. این نام در باخان مریوان نیز استعمال می‌شود. (رو، مو، هه)

سیر موکه: (کرماش): نگا: تلم

سسیر وک: موسیر. گیاهی است که آن را «سیری عه‌جه‌م» هم گویند. (مو، که)

سیر وورج: نوعی از گیاه «پسل» است که در بعضی جاها آن را به این نام می‌شناسند. (مو). نگا: پسله‌که‌وله

سیر وورچانه: نوعی سیر کوهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می‌شود. (مو)، نگا: پسله‌که‌وله.

سیره باخی: Allium

نوعی سیر است که در صلوات‌آباد ستنج و کوزکوره به این نام خوانده می‌شود. نگا: سیر باخی
سسیره‌بنه: گیاهی است که در روستای کوزکوره از توابع ستنج به این نام خوانده می‌شود. (مو). نگا: سووره‌ونه

سیره بوگه‌نه: گیاهی است، نوعی سیر است که در دشتها و داخل مزارع می‌روید و در روستای زه‌نان به این نام خوانده می‌شود. گونه‌ای آلیوم است. (مو، گز، رو)

سیره بوئه‌نکه: نوعی سیر است که به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سیره بووه‌نکه: گیاهی است که در روستای نشور از توابع ستنج به این نام خوانده می‌شود. (مو) نگا: سیره بوئه‌نکه. (مو)

سیره خرته: نگا: پسله‌که‌وله. (مو)

سیره دهشتیله: سیر دهشتی. (مو) نگا: سیر باخی

سیره قوزاته:

Allium

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در
 بیجار آن را «سیره قوزاته» و در تازه‌آباد آصف
 از توابع سارال آن را «سیره‌ونه» گویند. (مو)
 سیره قوزوله: نوعی سیر است. (مو)

سسیره قولوله: نوعی سیر است که در
 ایرانخواه (ایران‌شاه سابق) به این نام خوانده
 می‌شود. (مو)

سسیره کلوره: نوعی سیر است که در
 روستاهای عیسی‌کند و سه‌هولان، به این نام
 خوانده می‌شود. (مو)

سیره کیفیله: سیر کوهی. چند نوع از سیر
 کوهی را به این نام می‌خوانند: ۱- نوعی سیر
 کوهی که در رأس ساقه «نیژوک» آن گل
 مجتمع زیبا و بنفش رنگ دارد ۲- نوع دیگر
 که دارای گل‌های صورتی است ۳- نوعی دیگر
 که برگ‌هایش مثل برگ پیاز است. (مو)

سیره کویله: ۱- سیر کوهی. نگا: سیر کیفی
 ۲- نوعی سیر است که برگ‌هایش شبیه برگ
 پیاز است و در اوپهنگ به این نام خوانده
 می‌شود. (مو)

سیره گه‌نکه:

Allium

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در
 روستای هه‌زارکانیان از توابع سارال و
 روستای حسین‌ئاوای که‌نگره از توابع قروه
 و بعضی از روستاهای توابع سنندج آن را به
 این نام می‌خوانند و می‌شناسند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
 مشاهده نمودم: پنجه‌علی قروه، حسین‌آباد
 کنگره، هزارکانیان، آیدر، سرشیو مریوان. (مو)
 سیره ماره: نوعی سیر کوهی است، موسیر. (مو)

سیره موکه: سیر کوهی. (هه)

سیره‌ونه:

Allium

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در
 بیجار آن را «سیره قوزاته» و در تازه‌آباد آصف
 از توابع سارال آن را «سیره‌ونه» گویند. نگا:
 سووره‌بنه. (مو)

سیره وورچ: نوعی سیر کوهی است. (گز، رو)
 سیری پلنگ: نوعی سیر کوهی است. (گز، رو)
 سیری خومانه: نوعی سیر است. (مو، رو)

سیری عه‌جه‌م: نگا: سیروک

سیری کیفی: نگا: سیر کیفی

سیری کتوی: نگا: سیر کیفی

سیسا: نوعی گندم است. (هه)

سیس عومه:

Thymus serpyllum

سیسنبر، آویشن واقعی، سوسن عنبر. گیاهی
 است که در کردستان، آن را با نام‌های زیر
 می‌نامند: «سیس عومه»، سیس عه‌نبر، سیس
 عه‌مر، سیس عه‌مه‌ر، سووسه‌نبر، سیسه‌نبر.

در انگلیسی آن را Wild thyme و
 Creeping thyme گویند. مظفریان بر این
 باور است که این گونه در ایران به صورت
 خودرو نمی‌روید ولی دو وارسته از آن از
 ایران گزارش شده است * گل‌های این گیاه

برای درمان اسهال و محلول گل‌هایش برای
 درمان سوختن و ناراحتی‌های دهان مفید
 است. در بعضی منابع قدیمی آمده است که
 سیسنبر مقوی احشاء، مدر بول و حیض و
 مخرج کرم شکم و محلل ریاخ و دارای قوه
 تریاقیه است. با عسل جهت گزیدن عقرب و
 با سکنجبین جهت گزیدن زنبور مفید است.
 قسمت مورد استفاده: سرشاخه‌های گل‌دار
 خشک شده در سایه است. (مظفریان، هیوا،
 ابرا، هه، من، رو، گز، مو، که)

سیس عه مه ر: سوسنبر، سسینبر. نگا:

سیس عومهر. (هه)

سیس عه نه ر: نگا: سیس عومهر

سی سنه: نگا: گوژ سۆسه ن. (مو)

سی سنه: گلی است در کوهستانهای مرتفع

می روید، برگش آبی است و گلش سفید

است (خهت خه تی مۆر له گه لای گوژله که دا

ده رته که وی) گلی است زیبا و بوی معطری

مثل نرگس دارد. (گژ، رو)

سی سۆ - سی سوو: *Carex sp*

جگن. گیاهی است از رستنی های کردستان که

در خورخوره ی سه قز آن را «سی سۆ» گویند.

گیاهی است بلند و سه گوشه که در باتلاقها و

کنار آنها می روید.

محل رویش - در خورخوره و بعضی جاهای

دیگر آن را مشاهده نمودم. (مو، مظ، هه)

سیسه ری: گیاهی است که بیشتر در مزارع

گندم می روید. (هه)

سی سه مه ر: گیاهی است معطر که به

صورت پخته شده خوردنی است. (مو)

سیسه ن: نگا: سۆسه ن

سیسه نه ر: سوسنبر. نگا: سیس عومهر. (هه)

سیسی: گیاهی است که در دشتها و زمین ها

زیاد می روید، بدور هر گیاهی بیچد آن را

خشک می کند. (گژ، رو، که)

سیف: *Malus domestica*

سیب. این گونه دارای فرمها و نژادهای

اصلاح شده متعدد بوده و بعنوان سیب در

باغبانی کشت می گردد. درخت سیب و میوه

آن را در مناطق مختلف کردستان با نام های

زیر می نامند و می شناسند: «سیف، سیو،

ساوین، سیوی، سیف، سیف، ساوی».

دهلرانی: سیف، کرمانشاهی: سیف. له کی:

سیف * آب سیب گلاب، نقطه های سیاه

روی بدن و لکه های دیگر را از بین می برد.

سیب برای درمان اکزما می مفید است،

مقوی دندان است و برای تصلب شرائین هم

مفید است. در کرمانشاه انواع سیب را چنین

می نامند: ۱- گلاو، شه کره ۲- قپاقه

۳- قره یاس ۴- میرزائی ۵- پاییزه ۶- ترشه

۷- ترشه تاوسانه ۸- ووس. (مو، رو، هه،

ابرا، کرمانشاهی، علیر، له ک)

سیف: (کر، له ک، دیل): سیب، سیب درختی.

نگا: سیف در گویش دی لورانی به معنی

سیب زمینی هم آمده است.

سیف - سیو: *Malus communis*

= *M. pumila*

سیب وحشی. درختی است از رستنی های

کرمانشاه که در یتستون پراکندگی دارد. (معص)

سیف: (دیل): سیب زمینی. نگا: سیفه زمینه

سیف ترشه: (کر): نوعی سیب درختی با

مزه ترش.

سیف خاکسی: (دیل): سیب زمینی. نگا:

سیفه زمینه. (علیر)

سیف زه مینی: سیب زمینی. نگا:

سیفه زمینه

سیف شه کری: نوعی سیب است که در

گواز پرورش داده شده و به این نام خوانده

می شود. (مو)

سیف گولابی: (دیل): سیب درختی. نگا:

سیف. (علیر)

سیفلوکه: گیاهی است که در خورخوره سقز

و تازه آباد آصف از توابع سارال به این نام

خوانده می شود. نگا: سن فوکه. (مو)

سیب جنگلی، سیب ترش. درختی است از رستنی‌های کردستان که در روستای بست، آن را «سیف‌لُوه تال» گویند و در بعضی جاها «سیف‌لُوه توره» و در مریوان «سیف‌لُوه تاله» گویند. نوعی سیب تلخ مزه کوهی است. گل‌های این درخت در اوایل بهار شکفته می‌شود و میوه آن در اواسط تابستان می‌رسد.

محل رویش - این درخت را در چهل چشمه و سرشیو مریوان مشاهده نمودم. در مریوان، هرسین، بیستون نیز رویش دارد. (مو، مظ، ثابتی)

سیف‌لُوه تاله: درختی است از رستنی‌های کردستان که در مریوان، به این نام خوانده می‌شود. (مو). نگا: سیف‌لُوه تال

سیف‌لُوه زئی: گیاهی است که در روستای زیوار از توابع هورامان به این نام نامیده می‌شود. (مو)

سیف‌لُوه زه‌مین: *Solanum tuberosum*

سیب‌زمینی. گیاهی است که در همه و یا اغلب روستاها و مناطق کردستان پرورش و کشت می‌گردد. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «سیف‌لُوه زه‌مین»، سیف زه‌مین، په‌تاته، سیوک، یاره‌لماسی، پوتیته، که‌رتوفل، پتیته، سیو خاکی، سیف خاکی، سیف زه‌مین، که‌رتوفل. له‌کی: سیو خاکی. دهلرانی: سیف خاکی. (مو، هه، رو، علیر، له‌ک، با)

سیف‌لُوه زه‌وینه: سیب‌زمینی. نگا: سیف‌لُوه زه‌مین. (هه)

سیف‌لُوه که - سیف‌لُوه که: ۱- نگا: سیف‌لُوه که ۲- گیاهی است که ثمر خوردنی گرد و سفید و کوچک دارد. در روستاهای که‌که‌وسان و ماسی‌دهر، این گیاه را مشاهده نمودم. (مو)

سیف‌لُوه که: ۱- گیاهی است که در روستای گه‌لین به این نام خوانده می‌شود، نوعی گیاه «کاسه‌شور» است ۲- گیاهی است که در پالنگان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سیف‌لُوه که: *Salvia sylvestris*

مریم‌گلی سوری. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در خورخوره سقز و تازه‌آباد آصف از توابع سارال، آن را «سیف‌لُوه که» گویند. در بیجار آن را «سیف‌لُوه که» نامند. در روستای کانی سه‌یی از توابع سقز آن را «سیف‌لُوه که» گویند. و چون بعضی شباهت‌ها با گیاه کنبج دارد از اینجهت در بعضی جاها آن را «کونجی کینی» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هورامان، خورخوره سقز، کانی سه‌یی، پالنگان، رشنش، بیجار، سارال (منطقه)، جاده سنندج - کره‌سی - هشمیز، کورکوره، که‌رجو، هه‌شه‌میز، شیان، ته‌کیه، جاده بیجار - تکاب، دوله‌زه‌ش مابین دۆل، زه‌رده‌وان، کیلاته، دادانه، کانی مشکان، مه‌لکشان، زه‌نان، سرشیو، پاوه. در روستاهای گلپه و صلوات‌آباد سنندج سیف‌لُوه که را به گیاه «تالی تۆس» می‌گویند. (مو، مظ، رو)

سیف‌لُوه که: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می‌شود. هه‌ژار آن را گیاهی شبیه کنبج ثبت نموده است. نگا: سیف‌لُوه که. (مو)

سیف‌لُوه که: گیاهی است که در روستای زه‌شنه‌ش به این نام خوانده می‌شود. نگا: سیف‌لُوه که. (مو)

سیف‌لُوه که از رستنی‌های کردستان است.

سیف‌لُوه تال: *Malus orientalis*

= *Pyrus malus*

۳- گیاهی است که دارای پیازه‌ای شیرین و خوردنی است ۴- گیاهی است در دشتها می‌روید، دو برگ سبز و پهن دارد، و میان برگها دو دانه سفید تولید می‌شود که هر کدام به اندازه یک گویو است به همین علت آن را «سینه لوزک» گون که له شیر گویند. (رو)

سیف: سیب. نگا: سیف

سیف سیفوک: پیاز دشتی. نگا: پیازه خروگانه. (هه، رو)

سیفوک: نگا: سی بنه‌رد.

سینه روك: سیب زمینی. نگا: سینه‌زه‌مین. (هه)

سی کسوزه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مردابها و جاهای مرطوب می‌روید و در بعضی جاها از جمله روستای زه‌شنه‌ش از توابع سنندج آن را «پیژل» هم گویند. (هه، رو، مو)

سی گری: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (جفکر)

سیمورکه: (کر): ۱- نوعی گیاه بهاری شبیه‌تره اما بلند و نازک با بوئی شبیه سیر ۲- کتایه از افراد بسیار لاغر و باریک

سینامه کی: گیاهی است مسهل. (مو، هه). نگا: سه‌نامه کی

سینان داری: (دیل): داروی سرطان، گیاهی است خودرو که در مناطق سردسیر و در کوهستانهای چون کبیرکوه می‌روید. ساقه‌های آن خزنده و همانند بوته خیار است و مانند نیلوفر به گیاهان اطرافش می‌پیچد و ریشه آن دوکی شکل است و ریشه‌اش در درمان برخی از بیماریها به کار می‌رود. (علیر)

سینجی: درخت سنجید. نگا: سرینچک

سینه مه کی: نگا: سه‌نامه کی

سیو: سیب. نگا: سیف

سیو خاکسی: (لهک): سیب زمینی. نگا: سینه‌زه‌مین.

سیوزه مینی: نگا: سی بنه‌رد.

سیوشه کره: (لهک). سیب قندی. نگا: شه‌کره سیو

سیوک: ۱- سیب زمینی. نگا: سینه‌زه‌مین ۲-

سیب زمینی استانبولی. نگا: سیو بن عهرزله

سیو هه رمی: ۱- نوعی سیب شبیه گلابی است. (رو) ۲- نوعی گلابی است. (هه)

سیوه نه‌رزله: نگا: سینه‌زه‌مین

سیوه بن عهرز: نگا: سی بنه‌رد

سیوه بن عهرزله: نگا: سی بنه‌رد

سیوه تورشه: درختی است از رستنی‌های کردستان. نگا: سیف تال. (مو)

سیوه رمی: نوعی گلابی است. (هه)

سی و هره: گیاهی است دارای برگهای ۳ کوزه و گل زیبا شبیه گل سالمه ولی کوچکتر و باریکتر از آن. (مو)

سیوه‌زه: ۱- گیاهی است که آن را «سی‌په‌زه» هم گویند: نگا: شه‌بدر ۲- گیاهی است از رستنی‌های کردستان که شبیه شبدر است و دارای گل‌های معطر و خوشبو است. (مو، هه، مه)

سیوه‌زه سووره: شبدر قرمز. (مه)

سیوه زه‌مین: سیب زمینی. نگا: سینه‌زه‌مین

سیوه سووره: سیب سرخ. (هه)

سیوه لاسووره: نوعی سیب است، سیب نیمه سرخ. (رو، هه)

سیوی: سیب. نگا: سیف

سیوی بن نه‌رز: نگا: سی بنه‌رد

سیوی بن عهرد: نگا: سی بنه‌رد

سیوی بن عہرز: نگا: سی بہرہ
سییہ ران: گیاهی است. نگا: سہیران،
خولہ شیرہ

« ش »

شابانہ: شابانک، گیاهی است. (ہہ)
شابہ زو: شاہ بلوط. (ہہ)
شابہ لولوت: شاہ بلوط. نگا: شابہ زو
شابہ زووی ئیسپانیایی: شاہ بلوط
اسپانیایی.

شابہ زووی ہندی: شاہ بلوط ہندی.
شاپانہ سہر: *Rhaponticum Insigne*

= *R. froedinii*

= *Centaurea insignis*

خوش نما. گیاهی است از رستنی های
کردستان کہ در روستاهاى شیخ شہر بہ تی و
بست آن را «شاپانہ سہر» گویند.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را
مشاہدہ نمودم: سولتان تہ حمہ، چل چہمہ،
ریگہی میرہ دئ - پیرومہ ران، نہ کہ روز،
پیرومہ ران، سہرشیوی مہریوان،
خوزخوزہی سہ قز. در کتاب (گز) ہم نام این
گیاہ آمدہ است. (مؤلف)

شاپانہ سہرہ: خوش نما. نگا: شاپانہ سہر

شاپنگ: گیاهی است. (مر)

شاپہ زہ: گیاهی است از رستنی های

کردستان برگہایش شبیہ برگ پژانہ است. (مر)

شاپہ سہند: گل شاہ پسند. (ہہ)

شاپہ سہند: گل شاہ پسند. (ہہ)

شاپہ سہن: گل شاہ پسند. در میانہ و سہ قز،

گیاهی بہ این نام نامیدہ می شود. (ہہ، مو، ایر)

شاپہ سہنی ٹاوی: شاہ پسند آبی.

شاپہ سہنی داری: شاہ پسند درختی.

شاپہ لہ: گیاهی است کہ در منطقہ دینور، بہ

این نام خواندہ می شود. قسمتی از آن

خوردنی است. (مر)

شاترنج: گیاهی است. (ہہ)

شاتل: گیاہ روشک کہ درمانی است. (ہہ)

شاتون: نگا: پہ لک. (ہہ)

شاتو: شامتوت، توت قرمز، توت احمر.

نگا: توہ سوورہ. (ہہ، رو)

شاهزہ: *Fumaria vaillantii*

شامتہرہ. گیاهی است از رستنی های کردستان

کہ آن را با نام های زیر می نامند: «شاهزہ،

شامتہرہ، خون پالین، شاهزہ تالہ. بہ عربی:

شاتراج. لہ کی: شامتہرہ. بیجاری: شاهزہ.

گیاهی است دارای شاخہ های باریک و

برگہای ریز و خیلی سبز رنگ * قسمت مورد

استفادہ: کلیہ قسمتہای گیاہ بخصوص

سرشاخہ های گلدار کہ بہ صورت تازہ یا

خشک استفادہ می شود. اعضاء مختلف این

گیاہ دارای آلکالویدی بہ نام فورمارین است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاہ را

مشاہدہ نمودم: سلطان احمد، نزاز، محراب،

رشنش، تکیہ، ہشمیز، صلوات آباد سندنج،

بین زمزیران و مہاباد، فطرہ زمین، اوپہنگ،

خورخورہ، صلوات آباد بیجار. در محل های

زیر ہم می روید: تہران و اطراف آن، دشت

کرج، درہ شہرستانک، دامنہ های ارتفاعات

چالوس، راہ رودبار قزوین، تبریز، گردنہ

قوشچی. در محل های زیر ہم آن را مشاہدہ

نمودم: دوریشان، گہ لین، خانہ گای گہ لین،

که‌وله، کۆل و دوزه‌غهره، هه‌ورامان، قۆلبلاقی
بیجار، زه‌نان، سه‌رشیوی مه‌ریوان، شیان،
زوانسه‌ر، پاوه، جه‌مزه‌ی عه‌روه. (مه‌ر، مه‌ظ،
فلور ایران)

شاته‌ره: (کرماشانی - له‌کی): شاهته‌ره.
نگا: شاته‌زه

شاته‌رره: (له‌ک): شاهته‌ره. نگا: شاته‌زه
شاته‌زه تاله‌: گیاهی است که در صلوات آباد
سندج و ده‌وریشان و بعضی جاهای دیگر به
این نام خوانده می‌شود. نگا: شاته‌زه. (مو)

شاته‌زه ده‌یمی: گیاهی است. (دا)
شاجه‌گه‌ن: اکیر ترکی، قصب الزیره. (مه‌)
شاخ سپی: نوعی انگور است. (رو، هه‌)

شادانه: شاه‌دانه. گیاه شاه‌دانه. این گیاه را با
نام‌های زیر می‌نامند: «شادانه، شاگانه». این
گیاه در بعضی از مناطق کردستان کشت
می‌شود. (رو، مو، هه‌، له‌ک)

شادانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان
که نوعی سالویا است و تقریباً شبیه «گونه
سه‌گانه» است که در بعضی جاها آن را
«شادانه» و در بعضی جاها آن را «دۆشاو مژه»
گویند. (مو)

شارۆخ: ۱- خیار چنبر. (هه‌) ۲- خیار چنبر
بسیار نازک و جوان. (ایرا) ۳- رووه‌ک آن را
«تۆزۆ چه‌میله» ثبت نموده است. (رو)

شارۆق: خیار چنبر. نگا: شارۆخ
شاروتیی: گیاهی از رستنی‌های کردستان،
در میانه رویش دارد و به این نام خوانده
می‌شود. (مو)

شاریعان: بادرنجبویه، بادرنگبویه،
تۆنجان. (مه‌)

شاریعانه‌ی رۆمی: نگا: نه‌ستوخۆدۆس

شاز: نوعی نی باریک. (هه‌)

شاقیز: گیاهی است. (هه‌)

شاقه‌باغی: نگا: کدو بارزانی. (هه‌)

شاگانه: شاه‌دانه. گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که در بیجار به این نام خوانده
می‌شود. (مو)

شاگول به‌ند: گیاهی است که آن را
«بوخۆشکه، بین خۆشکه» نیز گویند. (هه‌)

شالان: گیاهی است (glaiolus) که به عربی
آن را (سیف الغراب) گویند. (رو)

شامی: ۱- هندوانه. نگا: شووتی ۲- فرت،
بلال. نگا: گه‌نم شامی ۳- بوقلمون ۴- نوعی

ماکیان. (کرمانشاهی، مو، رو، هه‌)

شامه‌له‌حم: پنیرک بزرگ. (مه‌)

شامه‌له‌هم: پنیرک بزرگ. (مه‌)

شامۆیی: نوعی توتون. (هه‌)

شانه‌گورگ: گیاهی است شبیه پنجه‌گرگ. (هه‌)

شانۆکی: جعفری، جعفری صحرائی.

شانه‌کۆلی: گیاهی است. (رو، که)

شاوره: گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که در روستای که‌رجۆ و بعضی
جاهای دیگر، به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - که‌رجۆ، ئاربه‌با. (مو)

شاورانه: نگا: شابانه

شاوبو: (کرماش): گل شب‌بو.

شاوره‌ر: (کرماش): شبدر. نگا: شه‌به‌ر

شاهه‌لمه‌له: گونه‌ای ختمی است که در
به‌ورو پهریشان قروه می‌روید و در قروه به
این نام نامیده می‌شود. (مو)

شاهه‌مرو: نوعی گلابی است که در بعضی
از روستاهای کردستان از جمله میانه پرورش

می‌یابد. (مو)

شروه هه لآلی: گلی است شبیه «هه لآله برمه» ولی کوچکتر از آن. (رو، هه)
 شروی: درختچه‌ای است که در هه ورامان، ژیوار، سالیان و نهویته‌نگ، به این نام خوانده می‌شود. نگا: شرو. (مو)
 شروو: درختچه‌ای است. نگا: شرو. (مو)
 شریژ: سریش. نگا: نه‌ستریلک
 شریس: سریش. نگا: نه‌ستریلک
 شعه‌فی: نوعی انگور سیاه. (هه)
 شفتی: هندوانه. نگا: شووتی
 شفتی تالک: نگا: کاله که مارانه
 شفتی تاله: نگا: کاله که مارانه
 شفتیچکه: گیاهی است که در روستای تا به این نام خوانده می‌شود. نگا: خوشیلک
 شفتیچه: گیاهی است. (مو)
 شففسک: چغاله کوهی. (هه)
 شفشینک: درختی که خزان ندارد. (هه)
 شقوق: نوعی گلابی وحشی. (هه)
 شکووک: (زا): گلابی، امرو، نوعی گلابی. نگا: هه‌مرو. (ابرا، هه، رو)
 شکوک: نوعی گلابی جنگلی. (هه)

شلانه: *Prunus armeniaca*

زردالو. در کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «شلانه، شیلانه، قه‌یسی، مؤمژه، زهرده‌له، شیلانه، شیلانی، دار قه‌یسی، شلانه، شلانی، زهردالو، زهرده‌لو، شلانی. (مو، رو، هه، دا، با)
 شلانه‌ی زورزه‌س: نوعی زردالو را گویند که زود می‌رسد. (مو)
 شلانه‌ی گه‌لاویژی: نوعی از زردالو است که دیر می‌رسد. (مو)
 شلانی: زردالو. نگا: شلانه

شای گولان: گلی است که در میان گلها نام «سولتان وهرده» به آن داده شده است. نگا: سولتان وهرده. (رو، گژ)
 شاینه: شاه‌دانه. نگا: شادانه. (هه، له‌ک)
 شبتی: هندوانه. نگا: شووتی
 شترخار: (کر): خار شتری، خاری که شتر آن را بسیار دوست دارد.
 شتو: نوعی گلابی. (هه)
 شتی: هندوانه. نگا: شووتی
 شرب: شین. نگا: شرو. (مو، رو)
 شربی: شین. نگا: شرو. (مو)
 شرب: درختچه‌ای است که در خواشت به این نام نامیده می‌شود. نگا: شرو. (مو)
 شرت: درختچه‌ای است از شاخه آن جارو درست می‌کنند. (هه)

شرو: *Lonicera nummularifolia*

شین. درختچه‌ای است جنگلی، در بسیاری از مناطق کردستان می‌روید. این درختچه را در مریوان، بست، بانه، قلقله‌ی میرده، «شه‌هین» گویند. در خواشت «شرب» در رشنش «شرو» در اوینک و سالیان و هه‌ورامان و ژیوار «شروی» و در بعضی جاها «دار شرو» می‌گویند. این درختچه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: ثاربه‌با، گه‌لین، میانه، هه‌شه‌میژ، کوزسالان، چه‌م دهره‌زنجیر، خواشت، هه‌والان، خانه‌گای گه‌لین، پالنگان، ته‌نگی‌وهر، شاه‌وی ته‌نگی‌وهر، کوچک چنار، سه‌رشوی مریوان، قه‌له‌بهرد، شیان، پاوه، نهویته‌نگ، ره‌شنه‌ش، چل چه‌مه، قولقوله‌ی میره‌دی. ارتفاع این درختچه در بعضی جاها حدود ۳/۵ متر است، در هه‌شه‌میژ آن را اندازه گرفتیم از ۳/۵ متر هم بیشتر بود. (مؤلف)

شلمه: گیاهی است که در گندمزار روید و مزاحم زراعت است. (هه)

شلنگ: خیارچنبر بزرگ. نگا: کالیاره. (هه)

شلور: ۱- میوه ایست ترش شبیه آلوچه،

شلیل. ۲- تروزی زل، کالیاره. (رو، هه)

شله جاف: *Colchicum*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها از جمله میانه، رشنش و بعضی از روستاهای قروه آن را به این نام می خوانند. محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمود: مه لکشان، زه نان، قولقوله ی

میره دی، وی سهر، نه ویه ننگ، وتره زوی،

میانه، زونج، کۆل، دهره ویان فازس، شاره کی

بیجار، سووره بان، ره شنش، یۆزیده، به ورو

په ریشان، هه شه میز، سولتان شه حمده، گلیه،

سالیان، نه که رۆز، پیرعومه ران، ناویه ر،

سه لواتاوا ی سنه، دربه ن دۆلی، دهره کن،

وه زه را، به ردی سپی، باخان، عه والآن،

سوورکه ۆل، گازان، حه سه ناوا ی سنه، ده گاگا،

ریگی بیجار - تیکاب، شاهوی پالنگان،

شاهوی وی زیهر، سه رشوی مه ریوان، بلچه

سوور، ته کیه، شیان، ژوانسه ر، پاوه، جوانزۆ.

توضیح اینکه گیاه پیازه خوگانه را در

رشنش «شله جاف» و بیخ آن را «پپازه

خووانه» گویند. شله جاف دارای انواعی است

که با نام های: «شله جاف، قه مچی شلاق،

گوله تگره، جافه جیلله، گیا شه لاخته، قه مچی

شه لاخته نامیده می شوند. نوعی از آن حدود

۶۵ سانتی متر ارتفاع دارد * نوع دیگر آن

حدود ۸۲ سانتی متر ارتفاع دارد و دارای

گل های زیبای سفید رنگ است که پشت گل

تقریباً سفید مایل به توسی رنگ است

می گویند مرحوم شیخ عثمان نقشبندی

گل های این گیاه را برای درمان چشم درد

توصیه نموده است. نگا: قه مچی شه لاخته. (مو)

شله جاف گول تگرگی: گیاهی از

رستنی های کردستان به ارتفاع حدود ۸۲

سانتی متر دارای گل های سفید و زیبا، گل های

برای درد چشم مفید است. نگا: جافه جیلله. (مو)

شلیر: ۱- لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه

۲- غله ای میان گندم و جو ۳- گیاهی است که

به عربی آن را (اکلیل الملک) گویند. (هه،

ابرا، مو، رو)

شلیره: لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه. (مو،

هه)

شلیک - چیلک: توت نرنکی، توت زمینی.

نگا: تووه نه نگی. (رو، هه)

شلیل: لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه. (هه)

شلیل: نوعی جو است. غله ای میان گندم و

جو. (ابرا، رو، هه)

شمام: دستنبو. نگا: شه مامه. (هه)

شمامۆک: دستنبو. نگا: شه مامه. (هه، ابرا)

شمتن: هندوانه. نگا: شووتی

شمتو: هندوانه. نگا: شووتی

شمتی: هندوانه. نگا: شووتی

شمتی تالک: هندوانه ابو جهل. (هه)

شمستی: هندوانه. نگا: شووتی

شمشاد: درخت شمشاد. نگا: داری شمشاد

شمشال: درخت شمشاد. نگا: داری شمشاد

شمقار: گیاهی است غیر خوردنی که در

بعضی جاها به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در آبدر بزرگ آن را مشاهده

نمودم. (مو)

شملی - شمیلی: ۱- شنبلیله. گیاهی است

شمیلیه: *Trigonella monatha*

شنبلیله تگ گل بابلی. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه. (منعص). در فرهنگ کرمانشاهی به معنی مطلق (شنبلیله) نیز آمده است. (کرمانشاهی)

شن: شنگ. گیاهی است که در فارسی آن را شنگ، کرمانشاهی شنگ، له‌کی شنگ گویند. (مو) شنگ: *Tragopogon*

شنگ. گیاهی است که ۲۵ گونه آن در ایران رویش دارد و گونه‌هایی از آن از جمله شنگ عراقی، شنگ ایرانی، شنگ کوهی، شنگ ارومیه‌ای، شنگ اریلی و شنگ سردشتی، در کردستان رویش دارد. این گیاه را در مناطق و گسایشهای کردستان با نام‌های زیر می‌نامند: «شنگ، شن، شنگی، نه‌سپنگ، نه‌سپینگ، شن». این گیاه را در عربی: لحیه التیس (ریش بز) گویند. ارتفاع ساقه بعضی از آن حدود ۶۵ سانتی‌متر و بعضی دیگر حدود ۹۰ سانتی‌متر است. نوع برگ پهن این گیاه را در کردی «پالمه» گویند * شنگ و پالمه مقوی معده و اشتها آورند، معمولاً شنگ را با سرکه می‌خورند و غالباً بدون سرکه آن را میل می‌کنند. آن را در سپاهان الاله شنگ و در خراسان ریش بز گویند. (مو، رو، گز، هه، او، بر، من، جفکر، مظ)

شنگالی: انجیر

شنگه بهی: (زا): بیدمشک. نگا: بی‌مشک. (ابرا) شنگه مارانه: نوعی از شنگ است که برگهایش باریکتر است. و آن را «شته مارانه، شته مارینه» نیز گویند. (مؤلف، گز) شنگی: گیاهی است که در روستای ژبوار از توابع هورامان به این نام خوانده می‌شود.

که گونه‌ای از آن در مناطق مختلف ایران و کردستان پرورش می‌یابد و گونه‌ای از آن در کردستان بطور خودرو، می‌روید. در کرمانشاه آن را «شمیلیه» گویند. ۲- کاجیره. (هه) ۳- در بعضی از روستاهای هورامان به گیاه «زه‌زیتقه» گفته می‌شود ۴- در بعضی روستاهای هورامان به «بوژانه» و در بعضی به «گول هه‌نگ» گفته می‌شود ۵- دو گردوی بهم چسبیده. (مو، ابرا، هه، کرمانشاهی، رو) شمیلی - شمیلی:

Trigonella foenum - graecum

شنبلیله، نوع پرورشی. (مو، رو، مظ) شمیلی - شمیلی کیفی:

Trigonella elliptica

شنبلیله، شمبلیله. گیاهی است از رستنی‌های کردستان، حدود ۵۸ سانتی‌متر ارتفاع دارد. محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر، مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمده، زه‌شنه‌ش، گولین، خانه‌گای گولین، کهل هه‌موق، گهرده‌ته‌ی ماموخ، ایستگاه تحقیقات کشاورزی خرکه، سه‌رشیوی مهریوان، پاوه. (مو)

شمیلی که‌ژی: گیاهی است که در هورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: ۱- گیا خوین به‌س ۲- شمیلی که‌شی.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کتوه‌کانی شاری هورامان، که‌ماله، بل‌بر، ژبوار. (مو)

شمیلی که‌شی: گیاهی است که در بعضی از روستاهای هورامان از جمله شاری هورامان، که‌ماله، بل‌بر، ژبوار، به این نام خوانده می‌شود. نگا: ۱- شمیلی که‌ژی ۲- گیا خوین به‌س ۳- بوژانه. (مو)

نگا: شنگ. (مؤلف)

شنه شیخانه: نوعی از گیاه شنگ است. (مؤلف)

شنه مارانه: نوعی شنگ است. نگا: شنگه

مارانه. (مو)

شنه مارینه: نوعی شنگ است. نگا: شنگه

مارانه. (مو)

شواش بینك: ۱- نوعی انجیر است

۲- درختی است. (هه)

شواشینگ: درخت بادام تلخ. نگا: باذهم تاله.

(رو)

شوالدر: گیاهی است که در روستای

وئی سر به این نام خوانده می شود. نگا:

شواله دزه. (مو)

شوالدره: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در بعضی از روستاهای اطراف

کوه شاهو به این نام خوانده می شود. نگا:

شواله دزه. (مو)

شوالدره ی ئاویی: گیاهی است که در

روستای سواریان و بعضی جاها ی دیگر

می روید. (مو)

شوالدره ی دهیمی: گیاهی است. (مو)

شواله دزه: Cousinia

گیاهی است از رستنی های کردستان که در

اغلب کوهها و مناطق رویش دارد. در بعضی

جاها آن را «شواله دزه» گویند. در روستای

هویه از توابع سنندج آن را «جواله دزه»، در

روستای وئی سر «شوالدر» و در روستای

کۆرکۆره «شوالدره» گویند. در کوههای

خوات و چم دهره زنجیر هم می روید. (مو)

شواله شره: گیاهی است از رستنی های

کردستان. (مو)

شواله کوله: گیاهی است مسهل که در

بعضی جاها به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در کوههای روستای رامۆل از

توابع قروه، زیاده می روید. (مو). نگا: شهروال

به کۆل

شوانکاره: گیاهی است خوشبو. (هه)

شووتریچکه: نوعی از گیاه «خوشیلک»

است. نگا: خوشیلک. (مو)

شووته ژئی: گیاهی است از رستنی های

کردستان. نگا: خوشیلک. (مو)

شووته ژیه: (هه ورام): نگا: خوشیلک. (مو)

شووتیله: (هه ورام): در روستاهای

هه ورامان از جمله: ژیوار، که لجی، شاری

هه ورامان، واژه شووتیله را برای هر دو گونه

گیاه (Onosma) بشرح زیر بکار می بردند ۱-

آن گونه گیاهی که در اکثر جاها و حتی کنار

جساده های بین شهری و بین روستائی

می روید و در منطقه سقز آن را «گوله گواره»

گویند. نگا: گوله گواره ۲- گونه دیگر آن که

برگهایش کمی سفت تر و دارای رنگ آبی تلخ

است و بیشتر در ارتفاعات بالاتر و در داخل

سنگها می روید و آن را در داخل سنگها در

ارتفاعات ژیوار نزدیک کۆسالان مشاهده

نمودم. گلهای هر دو گونه این گیاه مثل

گوشواره آویزان شده است. (مو) ۳- گیاهی

است شیردار که آن را «خوشیلک» هم گویند و

در بعضی از روستاهای هه ورامان نیز شووتیله

را به گیاه «خوشیلک» گویند ۴- در کتاب

رووهك آمده است که: گیاهی است بهاری

شیره دار شبیه ثعلب ۵- «گیاشیر، شفته ژئی».

(مو، هه، رو)

شووخ: سپیدار، تبریزی. (هه)

شوده: (لهك): شبدر. نگا: شه بده

Citrullus vulgaris شووتی:

= **C. lanatus**

هندوانه. در کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «شووتی، هه‌نی، شمتن، شمتو، شمتی، شامی، شمستی، زبه‌ش، شومی». (هه، مو، گژ، له‌ک، علیر، ابرا)

شووتی که‌وله: هندوانه نارس. (ابرا)

شووتیه که‌وله: هندوانه کوچک رسیده. (هه)

شووتیه ماره: گیاهی است. نگا: کاله‌که مارانه. (مو)

شووشینکه: درختی است کوهی شبیه درخت ارغوان. (رو)

شوول: نخودفرنگی. نگا: پۆلکه

شووله: گیاهی است. (هه)

شوه شینه: گیاهی است از تیره گزنه. (هه)

شویت - شویت: شوید، شبت. گیاهی است که در کردستان آن را با نام‌های زیر

می‌نامند و می‌شناسند: «شویت، شویت، شویت، شویت، شیت». کرماشانی: شویت. کولیایی:

شویت. (مو، هه، کرمانشاهی، من با)

شویت کیفی: گیاهی است که در روستای حلوائی بیجار رویش دارد. (مو)

شویت: شوید. گیاهی است که در بعضی از مناطق کردستان و سنقر و کولیایی، به این

نام خوانده می‌شود. نگا: شویت. (مو، نادر)

شویت گوله: گیاهی است که در هه‌ورامان می‌روید و به این نام خوانده می‌شود. (مو)

شویت کیفیه: شوید صحرائی. در کره شنه جار و نائف لفس روستای پایگلان رویش

نسباً زیادی دارد و همچنین در شاهر. (مو)

Scorzonera papposa شویرتک:

شنگ اسپی کاکلی. گیاهی است از رستنی‌های

شوره: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)

Salix babylonica شوره‌بی:

بید مجنون. درختی است با شاخه‌های باریک و بلند و آویزان به سوی زمین، لطافت و زیبایی خاصی به باغ و چمن می‌دهد.

معمولاً بر روی بیدهای دیگر خصوصاً سیاه بید پیوند می‌شود. فرانسویان آن را بهشت

بساغبانان نام داده‌اند. این درخت را در شهرستان‌های مریوان و سنندج «شوره‌بی»

گویند. و در بعضی جاها «شه‌نگه‌بی» نامند *

ریشه و پوست تنه این درخت مقوی، ضدکرم و پاک‌کننده است. (مو، معین، رو)

شوره‌تو: توت مجنون، توتیکه شاخه‌هایش رو به پائین است. (هه)

شوره‌گه‌ون: نوعی از گون است. (مو)

شوشینه: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)

شوقل - شوقل: ۱- خلر، گیاه خلر. نگا: پۆلکه ۲- تاول. «بلۆق، پۆرگ» ۳- ابراهیم‌پور

آن را به معنی لوبیا ثبت نموده است. نگا: لؤیا. (هه، رو، ابرا)

شوگ: گیاهی است. نگا: خزنوک. (هه)

شوگ: ماش. (هه)

شو‌ماله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان، شبیه گندم است و حدود ۶۰

سانتی متر ارتفاع دارد. در کۆسالان رویش دارد. (مو)

شومی - شوومی: هندوانه. در گرایش دی‌لورانی و له‌کی نیز «شوومی» گویند. نگا: شووتی. (مو، علیر، له‌ک، هه)

شومی شه‌یتونی - شوومی شه‌یتونی: هندوانه ابوچهل، حنظل، هندوانه شیطان. نگا: کاله‌که مارانه. (هه، له‌ک، علیر)

کرماشان.

محل رویش - در محل های زیر می روید:
نیسلام ناوای غهرب، شاهق، کردندی غهرب،
قه سری شیرین، کیتی پزه. (معصب)

Trifolium

شهبدهر:

شیدر. این جنس در ایران ۴۹ گونه گیاه علفی
یکساله و چندساله دارد که از نظر علوفه ای
بازرزش می باشند. گونه های چندی نیز در
ایران برای تهیه علوفه کاشته می شوند. دو
گونه آن در کردستان به حد وفور کشت
می شوند که در عرف، آندو را: «شهوره یک
چینی، شهور دووچینی» گویند. شبدر را در
کردستان با نام های زیر می نامند و
می شناسند: «شهبدهر، شهور، شهوژ،
شهدهر، شهورگ، شور، سن پزه، سیوهزه،
شهدهر، شادوهر». (مو، هه)

شهبلوک: شلتوک. نگا: چهل توك

شهبه ز: هندوانه. نگا: شووتی

شهبه ژ: هندوانه. نگا: شووتی

شهبه ش: هندوانه. نگا: شووتی

شهبلوخ: درختی است گرمسیری.

شبه ته زه: شاهتره. نگا: شاهتره. (هه)

شبه دانك: شاهدانه. نگا: شادانه

شبه دانه: شاهدانه. نگا: شادانه

شهرمین: گیاهی است پرورشی که آن را
«گوله زنگ» هم گویند. (نادر)

شهرمینوک: گل ناز، گل قهر، گلی است زیبا
و رنگارنگ. (هه)

شهروال به کؤل: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در کرهستانها می روید تا حدود
یک متر ارتفاع دارد، شبیه گیاه کؤکلاشک و
هاله کؤک است و بیخش هم شبیه بیخ هاله کؤک

است و طعمش مثل شلغم است. این گیاه
مسهلی است بسیار قوی و هرکس از آن
بخورد به حدی او را اسهال می نماید که
فرصت کنند و درآوردن شلوارش را ندارد و
ناگزیر باید شلوارش را درآورد و روی
دوشش بگذارد و بدین جهت آن را «شهروال»
به کؤل گویند. این گیاه را در مناطق مختلف
کردستان با نام های زیر می نامند و
می شناسند: «شهروال به کؤل، شهروال به
کؤل، شهرواله کؤل، شهرواله کؤن، شهرواله
کؤل، ترپؤکه، شله مه، شهواله سووره، شهوال
به کؤل» * برای روان شدن شکم و رفع
یبوست، شیره این گیاه را با قند آغشته کرده و
می خورند. یا یک قاشق چایخوری از شیره گیاه یا
کمی از پیازه و برگ گیاه همگی مهل هستند.

محل رویش - چل چه مه، کؤل، دهره ویان
فازس، خورخوره، مهولاناوا، موسم ناوا،
سهلواتاواي سنه له بهینی سهلواتاوا و نیبرایم
ناوا. (مو، گز، رو، هه)

شهروال به کؤل: نگا: شهروال به کؤل.
(مو)

شهرواله دره: گیاهی است که در روستای
دره قووله به این نام خوانده می شود. (مو)
شهرواله کؤل: گیاهی است که در بست و
موسم ناوا به این نام خوانده می شود. نگا:
شهروال به کؤل. (مو)

شهرواله کؤن: گیاهی است که در بعضی
جاها از جمله روستای کؤل از توابع سارال و
مهولاناوا و خورخوره، به این نام خوانده
می شود. نگا: شهروال به کؤل. (مو)

شهریب: (دیلک): گیاهی است که چهارپایان
از آن تغذیه می شوند. (علیر)

شه سپهر: گلی است به صورت درختچه و گلپاشش شبیه گل سرخ است. در کردی آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «شه سپهر، شه سپهر، شه ست پهر» (مو، هه، رو، گژ)

شه سپهر: نگا: شه سپهر

شه ست پهر: نگا: شه سپهر

شه ش پهر: ۱- نوعی جو است ۲- گل شصت پر ۳- گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای میانه به این نام خوانده می شود. (هه، رو، مو)

شه ش پهر: گیاهی است از رستنی های کردستان * در طب سنتی آن را برای درمان باژنگ (جوشهای ریزی است که در بدن پیدا می شود) مفید میدانند و از کوبیده برگهای تازه آن با شکر استفاده می نمایند. (مو)

شه ش پهری بچووك: سوسن، زنبق دره، بلسان هندی. (مه)

شه فتالو: هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو. (هه)

شه فتالی: هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو. (هه)

شه فته لو: (لهك): هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو

شه فته لی: هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو. (هه)

شه فته له: ۱- دهوهنی است خاردار گرمسیری. Caper. در کردستان آن را با نام های زیر

می نامند: «شه فته له، شفلح، شه فلاح،

شه فله للاح، شیفته له، شیفته ته، مارگیره،

شه پهلوح». (رو، هه) ۲- مارچوبه. نگا:

مارچیتوه. (هه)

شه ف بشكیك: گلی است که در شب می شکند. (هه)

شه ف بیهن: گلی است. (هه)

شه فخشست: خیار چنبر بزرگ. (هه)

شه فخشك: خیار چنبر تخم، خیار چنبر

بزرگ. (ابرا، هه)

شه فدهر: شبدر. نگا: شه بدهر

شه فگه ش: گلی است که در شبها می شکند. (هه)

شه قاقیل: گیاهی است که آن را «زیشه بز»

هم گویند. (رو، گژ)

شه قال: *Rhamnus persica*

= *Rh. kurdica. var. persica*

سیاه تنگرس. درختچه ای است از رستنی های کرمانشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: کرمانشان، سهراب گیلان، کینوی سونقوز، کینوی شاهق، کیوی کشت، قه سری شیرین، سهریل زه هاو، بیستون، بهینی مه لاوی و پردی که لهوز، خه سروهی، ئیسلام ناوی، هارب، حمیل، نیمام زاده حه سن، دیزگران، به علاوه در ایلام و لرستان هم می روید. (معص)

شه قشه قه: گیاهی است علفی که در روستای حسن آباد سنج به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در «قه لای حه سن ناوا» آن را

مشاهده نمودم. (مو)

شه قلیل: لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه. (رو،

گژ)

شه قوق: نوعی بوته درخت. (هه)

شه قوق: گلای کوهی. (مو)

شه قه لور: درختی است جنگلی. (هه)

شه قیله: نگا: ته قه

شه کروك: (كس): نوعی خار گلدار به

صورت توپ، با رنگ های بنفش و سفید.

قه سری: خه رخور. کولیایی: که رخور. نگا:

که رته شی

شه کروك: ۱- نگا: که رته شی ۲- نوعی خریده

است. نگا: کالهك ۳- خشکیده گیاهی است

شیرین مزه. (هه)

Leontice armeniacae شه کروکه:

= L. minor

گياهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر می روید: که نگاهور، سه حنه، سونقور. (معص)

شه کروکه: ۱- گياهی است. نگا: که رته شی
۲- نوعی شیره است که از گياه «که رته شی»
تولید می شود ۳- آب نبات ۴- نگا: شه کروک.
(رو، هه، مو)

شه کره: ۱- نگا: شه کروکه ۲- گون کتیرا. نگا:
گهون جه باری. (هه، رو)

شه کره تو سی: گياهی است، نوعی گياه
«تو سی» است. نگا: تو سی. (مو)

شه کره سیو: سیب قندی، نوعی از سیب
شیرین است. (مو، رو، هه)

شه کره شوانه: شکر تیغال. نگا: که رته شی. (مه)
شه کره باوی: چفاله بادام شیرین. «چواله،
فهریکه باده م». (هه، رو)

شه کوک: نوعی گلابی. (هه)
شه که ره بهی: نوعی از په که در کردستان
پرورش داده شده است. (مو)

شه که ره تو سی: نوعی از گياه «تو سی»
معروف است که آن را «شه کره تو سی» هم
گویند. ساقه این گياه کلفت تر از نوع دیگر
است و خوردنی است، مثل ریواس پوسته و
خارهایش را بر میدارند و می خورند * شیر
این گياه (که از ساقه تولید می شود) در طب
سستی برای تسکین دندان درد بکار می رود،
کمی از شیر را داخل دندان قرار می دهند تا
درد ساکت شود. نگا: تو سی. (مو)

شه کیی: درختی است جنگلی که از برگهای
آن برای تغذیه دام استفاده می کنند شنبه

وئی ول: میاشد. (مو)

شه لاخ: گياهی است، نوعی کولشیکوم
است با برگهای دراز و باریک که در روستای
زه نان به این نام خوانده می شود. نگا: قه مچی
شه لاخ. (مو)

شه لاخه گیا: گياهی است که در روستای
زه نان از توابع سنندج به این نام خوانده
می شود. (مو)

Ungernia شه لاقه:

گياهی است از رستنی های کردستان که در
خیلی جاها می روید و بعضی از اهالی
اطراف کوسالان آن را «شه لاقه» گویند. نگا:
قه مچی شه لاق.

شه لانه: زردالو. نگا: شلانه. (هه، مو)

شه لانی: زردالو. نگا: شلانه

شه لغم م: شلغم. نگا: شه له م. (مو، هه)

شه لق: نوعی گلابی وحشی است. (هه)

شه لم: شلغم. نگا: شه له م. (هه)

شه لمکه: گياهی است خوردنی. برگهایش
شبیه برگ چغندر است آن را مثل برگ چغندر
می پزند و می خورند. نگا: سه لمکه. (مو، هه)
شه لمکه: نگا: سه لمکه

شه له م: گياهی است که در گندمزار روید و
دانه اش با دانه های گندم قاطی می شود. (هه)
شه له گه فری: گياهی است. (هه)

Brassica rapa شه له م:

شلغم. گياهی است که در خیلی جاها پرورش
می یابد و در کردستان آن را با نام های زیر
می نامند و می شناسند: «شه له م، شه لم،
شیلهم، شه له من، تیتوو، شه لغم م». در فرهنگ
له کی به صورت «شه لهم» ثبت گردیده است.
(مو، من با، هه، کرماتشاهی، له ک)

شه‌له‌م ده‌شتی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در گلیه با این نام خوانده می‌شود. (مو)

شه‌له‌مه: گیاهی است مسهل که در هورمان، میانه، خواشت، ته‌کیه، کۆرکۆره به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در محل‌های فوق و در کوهی واقع در مرز بین ابراهیم‌آباد و صلوات‌آباد سنندج رویش زیادی دارد و به جهت اینکه در این کوه گیاه «شه‌له‌مه» زیاد می‌روید، آن را «کائی شه‌له‌مان» و «کائی چۆنه‌ران» گویند * در طب سنتی: این گیاه مسهل و کرمکش است و باید به مقدار خیلی کم از بیخ آن مصرف شود، چون خیلی قوی است. در خیلی جاها این گیاه را «شه‌روال به کۆل» گویند. نگا: شه‌روال به کۆل. (مو، گۆ، رو، هه)

شه‌له‌مه باخیی: *Brassica campestris* خردل برّی، کلم صحرائی. گیاهی است که آن را «توپله‌گیا» هم گویند. (دا)

شه‌له‌مه باخیی: گیاهی است که در روستاهای ته‌کیه و میانه از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

شه‌له‌مه که‌ره: نگا: شه‌له‌مین که‌ره

شه‌له‌مین که‌ره: *Taraxacum* گل قاصد، قاصدک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «شه‌له‌مین که‌ره»، «شه‌له‌مه که‌ره»، «په‌پوله پایزه»، «پشی پایزه».

محل رویش - در خیلی جاها از جمله در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: نه‌که‌رۆز، پیرهومه‌ران، گهلّین، خانه‌گای گهلّین، زه‌شنه‌ش، دهره‌کن، سه‌رشوی مریوان، بلچه

سور، شیان، هه‌شه‌میژ، ژوانسه‌ر، جوانۆق، پاوه. به گل گیاه شنگ هم می‌گویند. (مو، صا، هه، رو)

شه‌لی: چنار، درخت تبریزی. (هه)

شه‌لیک - شلیک: توت زمینی. (هه)

شه‌لیل: (له‌ك): شفتالو، نگا: هه‌شتالو

شه‌لیل: شلیل. میوه شلیل، درخت شلیل. در بعضی از روستاهای کردستان از جمله میانه از توابع سنندج، پرورش داده می‌شود. (مو) شه‌مام: دستنبو. نگا: شه‌مامه.

شه‌مامۆ: دستنبو. نگا: شه‌مامه

شه‌مامۆك: دستنبو. نگا: شه‌مامه

شه‌مامۆكه: دستنبو. نگا: شه‌مامه

شه‌مامه: دستنبو. در کردی آن را با نام‌های زیر، می‌نامند: «شه‌مومه، شه‌مام، شه‌مامۆك...».

«هه‌لای هه‌ی ماچی گیره‌ت نه‌وه‌رده‌ن» بۆی شه‌مامه‌ی نیّش هه‌شقت نه‌که‌رده‌ن»

«دوو لیمۆی وه‌ش بۆش، ته‌رحی شه‌مامه جهمه‌جهمشانا، نه‌یه‌خه‌ی جامه»

له‌کی: شه‌مامه. کرمانشاهی: شه‌مامه. (له‌ك، هه، با، مو، من، رو، گۆ، کرمانشاهی، سه‌یدی)

شه‌مال گیر: انجدان رومی. (دا)

شه‌مانی: شمعدانی، گل شمعدانی. (هه، مو، ابرا) شه‌مبلیک: سنبله، گیاهی است که در

کشتزار روید. نگا: شمّلی.

شه‌مبه‌لووت: شاه بلوط، نگا: شاه‌بۆ.

شه‌مبه‌لوولك: گیاهی است. (هه)

شه‌مبی: «جۆره تویه سپی درێژ کۆ له‌ی که‌م ناوکه». (رو)

شه‌مدانی: شمعدانی، گل شمعدانی. نگا: شه‌مانی. (کرمانشاهی، هه، ابرا)

شه‌موومه: دستنبو. نگا: شه‌مامه. (له‌ك، هه)

شه‌میله: شنبلیله، نگا: شملی. (مو)
 شه‌میله: نوعی حبوب که به گاو میدهند. (هه)
 شه‌نگه‌بی: نوعی درخت بید است. نگا:
 شۆزه‌بی. (هه، ابرا)

شه‌واشینک: ثمری است بادام مانند که آن
 را جو شانیده می‌خورند. (هه)
 شه‌واشینگ: درخت بادام تلخ. نگا:
 هه‌رجن. (رو، ابرا)

شه‌وال: گیاهی است. (رو)
 شه‌وال به کوئل: نگا: شه‌روال به کوئل. (مو،
 هه)

شه‌واله سووره: گیاهی است. (هه)
 شه‌واله مؤر: گیاهی است. (هه)

شه‌وانده‌ر: چغندر. نگا: چۆنه‌ر. (ابرا)

شه‌ویو: چند نوع گیاه را در کردستان «شه‌ویو»
 می‌نامند و یکی از آنها بمعنای فارسی
 (شب‌بو، گل شب‌بو) است.

«شه‌ویو» سوره هه‌لاله نیشاره له یه‌ک نه‌که‌ن
 سه‌روو و چنار و په‌لکه سوچه له یه‌ک نه‌به‌ن
 شه‌ویویه که خوش بویه له بن دهره‌نی سه‌ختا
 لاولاو که پیچراوه به قه‌د شاخی دره‌ختا»
 (گولاله‌ی مەریوان)

«شه‌ویو» سهری سونبولی زولفت له سهری دام
 ئیستش سهره‌که‌م مه‌سته له به‌ر نه‌شه‌یی شه‌ویو،
 شه‌ویو: *Hesperis kurdica* (Kurdica)

شب‌بوی کردی، شب‌بوی ایرانی. گیاهی است
 از رستنی‌های کردستان که در بسیاری از
 کوه‌های کردستان می‌روید و در روستای
 سه‌بدلو، از توابع بانه و بعضی از روستاهای
 اطراف کۆسالان بنام «شه‌ویو» نامیده می‌شود.
 محل رویش - نه‌که‌رۆز، پیرومه‌ران،
 کۆسالان، پالنگان، شاه‌وی پالنگان، شاه‌وی

وئ‌زیهر، شاه‌وی دیوه‌زناو، ژیاوار،
 سه‌رشوی مەریوان، ریگه‌ی خوژخوژه -
 مەریوان، گهرده‌نی خان، ته‌له‌به‌رد، بلچه
 سوور، شیان، پاوه. (مؤلف)

شه‌ویو: *Matthiola longipetala*

چلیپا، چلیپائی. گیاهی است از رستنی‌های
 کردستان که بسیار معطر و خوشبو است و در
 روستای صلوات‌آباد از توابع شهرستان
 سنندج، آن را «شه‌ویو» می‌نامند. در تاینه هم
 رویش دارد. در بیستون کرمانشاه نیز
 می‌روید. بوی آن شبیه بوی یاس است و
 حدود ۳۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و دارای
 گل‌های ریزی است. (مؤلف)

شه‌ویو: *Hymenocrater longiflorus*

گل اروانه اورامانی (هه‌ورامانی). گیاهی است
 از رستنی‌های کردستان که در روستای
 زه‌شنه‌ش از توابع شهرستان سنندج آن را
 «شه‌ویو» گویند و در جاهای دیگر آن را
 «سووره هه‌لاله» گویند. (مؤلف)

شه‌ویو: *Salvia multicaulis*

مریم‌گلی پرساقه، مریم‌گلی ارغوانی. گیاهی
 است از رستنی‌های کردستان که در
 روستاهای زونج، باقلاوا و سوورکه‌وئل، آن را
 «شه‌ویو» گویند. نگا: لیغه‌شه.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
 مشاهده نمودم: هه‌والان، ناریژ، ناویه‌ر،
 سوورکه‌وئل، باقلاوا، شیخ حسین، زونج،
 دره‌ن دزلی، ریگه‌ی میره‌دئی - پیرومه‌ران،
 ره‌شنه‌ش، سه‌لواتاوا، سنه، سه‌لواتاوا،
 بیجار، گهرده‌نی ماموخ، خوژخوژه‌ی سه‌ته‌ز،
 که‌وله، کوئل و دوزه‌هره، گه‌لین، خانه‌گای
 گه‌لین، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، شاره‌کی بیجار،

عده‌ای از اهالی ژیوار آن را «شه‌وبو» گویند. محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کُزسالان، هورامان، ژیوار،

کوچک چنار، شیان، پاوه. (مو)

شه‌وبو: گیاه دیگری است که در بیجار به این نام خوانده می‌شود. در حه‌مزه‌ی عه‌ره‌و می‌روید. (مو)

شه‌وبو‌ی زهره: گیاهی است * تخم (دانه) اش برای جلوگیری از انداختن قاعدگی خوب است، مقوی قلب است، تصفیه‌کننده خون است، توجه: چون این گیاه سمی است باید با نظر و تجویز پزشک مصرف شود. (رو)

شه‌وده‌ر: نگا: شه‌بده‌ر.

شه‌وده‌ر: *Trifolium repens*

.Var. *macrorrhizum*

شبدر سفید. گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در محل‌های زیر پراکندگی دارد: کرمانشان، ریژوار، سه‌ریژل زه‌ه‌وار، پاوه، زوانسر، سونقوز. (معص).

نگا: شه‌بده‌ر

شه‌ووک: (دیل): درختچه‌ای است خاردار و بی‌ثمر که در مناطق گرمسیری استان ایلام به ویژه منطقه دهلران به فراوانی می‌روید. (علیر)

شه‌وکه‌ران: *Conium maculatum*

شوکران، شوکران کبیر. گیاهی است که آن را «دوره‌ست» هم گویند و در استان سلیمانیه عراق می‌روید * از گیاه و دانه گیاه، دارویی می‌سازند برای مداوای نفس تنگی و قولنج. (رو)

شه‌ونم: گیاهی است ریز و سبز شبیه گیاه «سینه‌زه». (رو)

شه‌وه‌ر: شبدر. در منطقه سونقوز و کولیایی نیز «شه‌وه‌ر» گویند. نگا: شه‌بده‌ر

شه‌وه‌ر چه‌مه‌نی: شبدر چمنی. گیاهی

زهره‌دان، دژله‌زه‌ش مابین دژل، هه‌شه‌میز، سه‌رشوی مریوان، بلچه‌سور، شیان، ته‌کیه. (مؤلف)

شه‌وبو: *Nepeta*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستاهای گلپه و بلچه‌سور، آن را «شه‌وبو» می‌نامند. (مو)

شه‌وبو: *Nepeta racemosa*

پسونه‌سای خوشه‌ای. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای بست آن را «شه‌وبو» گویند. گیاهی است ساقه‌های راست و بلند مثل پسونه دارد و دارای گل خوشه‌ای بنفش رنگ و برگهای شبیه برگ پونه است.

محل رویش - در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: چل چه‌مه، که‌رجو، پهنجه‌ه‌لی بیجار، شاره‌کی بیجار. (مو)

شه‌وبو: *Aethlonem grandiflorum*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستاهای خواشت و تنگی‌سر آن را «شه‌وبو» گویند و در تکیه و هشمیز و هویه و شیان آن را «گول‌ئه‌رخوان، ئه‌رخوان» می‌نامند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: خواشت، جاده فطره زمین - اویهنک، تنگی‌سر، ته‌کیه، هشمیز، هویه، سه‌وهیه، چهل چشمه، سه‌رشوی مریوان، پاوه. (مؤلف)

شه‌بو: *Dianthus orientalis*

میخک شرقی، میخک وحشی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در ارتفاعات بالا و داخل سنگها و محل‌های سنگلاخی می‌روید.

است که در بیجار به این نام خوانده می‌شود.

نگا: شه‌بدەر. (مو)

شه‌وه‌رگ: (سند): شېدر. نگا: شه‌بدەر

شه‌هین: *Lonicera nummularifolia*

شین. درختچه‌ای است جنگلی که در مریوان،

بانه، بست و قلقله‌ی میره‌دی به این نام

خوانده می‌شود. نگا: شرۆ. (مو)

شه‌ه‌فی: نوعی انگور دیررس. (هه)

شه‌ه‌ینی: نوعی انگور سفید زودرس. (هه)

شه‌یدانك: گیاهی است. نگا: کونجی

شیافیک: گیاهی است مسهل. (هه)

شیراز: درختی است شبیه آلبالو.

شیرازی: نوعی انگور است. (هه)

شیرامه: گیاهی است. (هه)

شیر خوشتر: خارشتر. گیاهی است که آن را

«خوشتر خۆرکه» هم گویند. نگا: وشرخوار. (هه)

شیرخشت: شیرخشت، سیاه چوب.

شیرخشت: شیرخشت. مسهل است.

(کرمانشاهی، هه، مو)

شیرخوژیلک: نگا: خوشیلک. (مو)

شیر خوشیلک: شیر سنگ. گیاهی است که

در بعضی جاها از جمله روستای خه‌نان تاوا

از توابع قروه به این نام خوانده می‌شود. نگا:

خوشیلک. بمعنی شیر گیاه «خوشیلک» نیز

آمده است. (مو، هه)

شیر شیرۆکه: نگا: خوشیلک. (مو، هه)

شیرگیا: (کر): فریون. گیاهی است علفی که

اگر ساقه‌اش را بشکنی شیرابه‌ای سفیدرنگ

از آن بیرون می‌آید که سمی و قی‌آور است و

دانه‌هایش را به عنوان مسهل مصرف

می‌کنند. نگا: خوشیلک

شیرمار: گیاهی است که کبک آن را دوست

دارد. نگا: تآلیشك. (هه)

شیرمار: نگا: خوشیلک. (رو)

شیرمل: گیاهی است شیردار. (هه)

شیری شیرینه‌ك: (دیل): بوته‌ای است

که پس از بریدن آن، شیرهای سفید رنگ از آن

تراوش می‌کند که با شکر و قند خورده

می‌شود و مسهلی قوی است. (علیر)

شیرین به‌له‌ك: شیرین بیان. گیاهی است که

در بیجار و قم چقا، به این نام خوانده

می‌شود. نگا: به‌له‌ك. (مؤلف)

شیرین به‌یان: نگا: به‌له‌ك. (مو، رو)

شیرین شاتریله: نوعی از «گولآله سووره‌ی

ده‌شت» است که در روستای میانه از توابع

سنندج به این نام خوانده می‌شود. نگا:

شیرین شاته‌زه

شیرین شاته‌زه: گیاهی است که در

روستای هه‌شه‌میز از توابع سنندج، به این نام

خوانده می‌شود و در بسیاری از مناطق کردستان

آن را «شاته‌زه» گویند. نگا: شاته‌زه. (مو)

شیرین شاته‌زه: *Roemeria refracta*

گل عروسک. گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در مریوان، نئ، زۆنج، زه‌شنه‌ش،

سالیان، سوورکه‌ۆل، به این نام خوانده

می‌شود. این گیاه را در اوایل فصل بهار به

صورت پختنی می‌خورند. در روستای میانه،

آن را «شیرین شاتریله» گویند. باید توجه

داشت که در کنار این گیاه، گیاه دیگری

می‌روید و گونه‌ای *Papaver* است و

شباهت بسیار زیاد به گیاه فوق‌الذکر دارد به

اندازه‌ای که اکثر مردم معمولی نمی‌توانند آن

را تشخیص دهند و حتی تشخیص آن برای

متخصصین هم کار ساده‌ای نیست. و به‌همین

کردستان که در باخان، از توابع مریوان به این نام نامیده می‌شود، نوعی گولاله سووره است. (مو)

شیره دار: افرای سفید. (دا)

شیره مار: گیاهی است با شیرۀ مسهل. نگا: نالقه تیز.

شیری هه‌رال: گلی است بهاری و معطر و زیبا که در پیارئ می‌روید. (رو، گز)
شی شاته‌زه‌ی کیفی:

Glaucium grandiflorum

شقایق گل درشت. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «شیرین شاته‌زه‌ی ده‌یمی، شیرین شاته‌زه‌ی کیفی». در بعضی جاها از جمله خورخوزه‌ی سقر آن را «گولاله سووره» گویند. در هه‌ورامان، آن را «گوراله سووره» نامند و عده‌ای از اهالی روستای هویه از توابع سنجندج آن را «شی شاته‌زه‌ی کیفی» نامند. این گیاه همان گولاله سووره‌ای است که دارای بته‌ای بزرگ و گل‌های قرمز درشت است و در کنار اغلب جاده‌های بین شهری و بین روستایی می‌روید.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: کنار جاده سقر - بانه، جاده سنندج - دیواندره نرسیده به روستای حسین‌آباد، زیگه‌ی بیجار - تیکاب، ته‌که‌روژ، بناری پیرهومه‌ران، بلچه‌سوور، سه‌رشویو، مریوان، خورخوزه، زیگه‌ی هویه - ته‌ویسه‌نگ، ژالانه، خورخوزه‌ی سه‌قز، سه‌رشویو سه‌قز، شاری هه‌ورامان، که‌ماله، بلهر، زیگه‌ی بیجار - کوژانی، ره‌شنه‌ش، کیلانه، داده‌نه، کانی مشکان، که‌رجنو،

جهت مردم منطقه نیز اغلب و شاید بتوان گفت اکثر قریب به اتفاق، آندو گیاه را با یک نام می‌شناسند، در بعضی روستاها و مناطق آنها را «شیرین شاته‌زه»، شیرین شاتریله و در بعضی جاها «چاره چه‌قیله» گویند. این گیاهان در اوایل بهار در اغلب دشتها و مزارع می‌روید و با گل‌های قرمز و زیبای خود طبیعت را زیباتر می‌نمایانند. در بعضی جاها، نوعی از این گیاه که خوردنی است «شیرین شاته‌زه‌ی خوارده‌مته‌ی» گویند.

محل رویش و مشاهده - زونج، میانه، ره‌شنه‌ش، سالیان، خورخوزه‌ی سه‌قز، ریگه‌ی سنه - قروه، حه‌سه‌ناوای سنه، ریگه‌ی سنه - کیلانه، سه‌لواتاوای سنه، ئاریز، نشور، دۆلار، ژالانه، سه‌رشویو سه‌قز، سه‌رشویو مریوان، هه‌والان، بلچه سوور، نیه‌ر، می‌راو، روانسر، پاوه، جوازوژ، هویه، سه‌رهویه. (مو)
شیرین شاته‌زه: (کر):

Capsella bursa - pastoris

گیاهی است از رستنی‌های کرماشان که در محل‌های زیر می‌روید: سه‌راو نیلوفر، سونقوز، بیستون، پاوه، کرماشان، ئیسلام‌ناوای غه‌رب، کۆزه‌ران، سه‌ریتل زه‌هاو. (معص)
شیرین شاته‌زه‌ی ده‌یمی: نگا: شی شاته‌زه‌ی کیفی

شیرین شاته‌زه‌ی کیفی: نگا: شی شاته‌زه‌ی کیفی

شیرین شۆك: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در قلقله‌ی میرده به این نام خوانده می‌شود. در خیلی جاها آن را «پیشۆك» می‌گویند. نگا: پیشۆك. (مو، رو)
شیرین شه‌وق: گیاهی است از رستنی‌های

سدرده شت. (مؤلف)

شیشان: گیاهی است خوشبو. (هه، رو)

شیلاف: ۱- گلی است بی بو ۲- شیلافه. (هه)

شیلاق: گیاهی است علوفه دام و حیوانات. (هه)

شیلان: *Rosa canina*

نسترن وحشی، نسترن کوهی، گل سگ.

درختچه ای است از رستنی های کردستان که

در سرشیو سقر، خورخوره سقر، بست،

هرم دۆل، مریوان، شیخ شهربه تی،

پیرعومهران و بعضی از روستاهای بانه و

مهاباد، آن را «شیلان» گویند و در جاهای

دیگر، آن را: «دلیق، دلیک» می نامند.

محل رویش - در محل های زیر، این درختچه

را مشاهده نمودم: چل چه مه، سرشیوی

سه قز، خورخوره ی سه قز، باخان، مریوان،

شیخ شهربه تی، ره شهش، سولتان نه حمده، تا،

هه نیم، سرچی، وترو زهوی، شهویه نگ،

وی سهر، دۆله زهش مایین دۆل، نه که رۆز،

پیرعومهران، گلیه، تاریز، ناویه، بنیه،

خانه گای جوجو، باقلاوای شیخ حه سین،

زۆنج، پیرخه یران، دزیله، تا، هرم دۆل،

سرشیوی مریوان، هه شه میز، شیان. این

درختچه در کرمانشاه، گیلانغرب، قطور،

زنوز، زوانسهر، جوانزۆق، پاوه و حلوانی و

سراب بیجار هم می روید. (مو، مظ، رو، قهرمان)

شیلان کیفی: نسترن کوهی. نگا: شیلان. (مو)

شیلاننه: زردآلو. نگا: شلان

شیلانن: زردآلو. نگا: شلان

شیلیم: شلیم. نگا: شهلم. (مو، گز، ابرا، هه)

شیلیمۆك: گیاه خردل. (هه)

شیلیمی: (هه ورام): گیاهی است که در

ژیوار به این نام خوانده می شود. (مؤلف)

شیلهك: توت فرنگی. نگا: توهه فدرهنگی

شینلهم: شلیم. نگا: شهلم

شیمی: ۱- شلیم. نگا: شهلم ۲- آتش شلیم.

(هه)

شیمی: (زا): شاتوت، توت سرخ. نگا: توهه

سووره. (رو، ابرا)

شیمی: ۱- تربچه قرمز ۲- تمشک. (هه)

شین: (کر): *Scorzonera rigidia*

شنگ اسبی شکنده. گیاهی است از

رستنی های کرمانشاه که در محل های زیر

می روید: دالاهو، ورمنج، بیستون،

هرسین، کوه شاهو. (معص)

شینك: درختی است جنگلی. (هه)

شینگ - شین: (لهك): شنگ، گیاه شنگ.

نگا: شنگ

شینۆك: نوعی چاتلاقوش. (هه)

شینه بی: بید مجنون. نگا: شۆزه بی

شینه شاتهزه: *Fumaria*

گیاهی است که در عربی آن را (بقلة الملک)

گویند. نگا: شاتهزه. (رو)

شیۆت: شوید، شبت. نگا: شویت. (هه، رو، گز)

شی وه ران: خاکشیر. نگا: خاکشیر. (مو، هه، مه)

شی ویت: شوید. نگا: شویت. (مو، رو)

«ع»

عاقیرقه رحا: *Pellitory spain*

عاقیرقرا. (رو)

عوشاقی: نوعی انگور است. (هه، رو)

عوشاقی: نگا: عوشاقی

عه به نووس: آبئوس، درختی است. نگا:

ئاوە نووس. (ابرا، ھە)

عەترە نوألە: گیاهی است. نگا: پنگە زىحانە. (مە)

عەرزىلە: ۱- نگا: سىن بىنەرد ۲- نگا: سىقەزە مینە. (مو)

عەرەەر - عەزەز: درخت عرعر، سرو کوهی است که از بستانی کوتاھتر است و ثمرش بە اندازە فندقی است کمی شیرین * خواص دارویی: دارای قوۂ قابضه است، جهت سرفه و درد سینه و گزیدن هوام و مقاومت سموم موثر است. مقدار خوراکش تا یک مثقال است. (مت ابرا، ھە)

عەزروکە: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها از جمله روستای زونج، بە این نام خوانده می شود. بیخ این گیاه را تمیز می کنند و می خورند. (مؤلف)
عەزوا: صبر، الوا. نگا، ئەزوا.
عەسکەرایی: انگور عسکری، نوعی انگور است. (ھە، ابرا، مو)

عەلووکە: آلوچە، گوجە. نگا: ھەلووچە

عەلووکە زەشە: نگا: ئالو بخارە

عەلوکی زەرد: آلو زرد. نگا: ئالو بخارە

عەلەولەمانی: ۱- نوعی انجیر است ۲ گیاهی است. (ھە، رو، کە)

عەمبەرپۆ: نوعی برنج معطر است. این نوع برنج در استان ایلام کشت می شود. «عەنبەرپۆ». (مو، ھە)

عەمرۆکە: muscaria

کلاغک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در جاهای زیادی می روید و در خورخوره و قلقلە میردە و بعضی جاهاى دیگر بە نام «عەمرۆکە» نامیدە می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خورخوزەى سەقز، کێلەشین، قەلاى حەسەن ئاوا، پالنگان، نەکەرۆز، پیرەمەرەان، بانە، نەمە شیر، میانە، سەرشیوی مەریوان، بلجە سوور، نیاوا، ھەشەمێز، شیان، زوانسەر، پاوہ. (مو، معر، رو، گز، مظ، ھە)
عەمە: انبە. (ابرا، ھە)

عەئاب: عئاب. نگا: عەناو. (مو، گز، ابرا)

عەناو: Ziziphus vulgaris

= Z. Jujuba

عئاب، درختی است از رستنی های کردستان که آن را بە نام های: «عەناو، عەئاب، عەنەب، عەئاب، سنجرازی، عەنەو» می نامند و می شناسند.

محل رویش - در محل های زیر، این درخت را مشاهده نمودم: روستاهای تا، رەشەنش. (مو، مظ، رو، گز، ابرا، مە، ھە)

عەنبەرپۆ: نوعی برنج است که در شهرستان شیروان چەرداول از توابع ایلام کشت و پرورش می یابد. نگا: عەمبەرپۆ. (سیما)

عەئتەر توولک: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

عەنزە رووت: انزروت. گیاهی است. (رو). شیرە درختی است برای درمان مورد استفاده است. (ھە). نگا: ئەنزووت

عەئئاب: عئاب. نگا: عەناو. (ھە)

عەئەب: عئاب. نگا: عەناو. (رو، مو، مە)

عیسادیەم: گیاهی است. (رو، گز)

«غ»

غارچك: قارچ. نگا: قارچك. (علیر)

بور يا سپاه رنگ. (ابرا، رو، هه)

فاتمه بۆره: نگا: فاتمه بۆر

فاتمه زهش: نوعی کدوی تقریباً سپاه رنگ است. (رو)

فاسولیا - فاسولیا: لوبیا، گیاهی است. (هه، رو)

فترك: (زا): قارچ. نگا: قارچك. (رو، ابرا، هه)
فجیل: (كر): تریچه، برگ تریچه.

Polypodium فره پی:

بسفایج. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «پسپایك» هم گویند. نگا: پسپایك. (رو، مظ)

فریزوو: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

فریسك: گلی است صحرایی که در بهار می روید. (هه)

فسكا گورئ: گیاهی است بدبو. (هه، رو)

فسكا گوری: نگا: فسكا گورئ

فشفشه: فشفشه. درختی است. نگا: دار فشفشه

فشله گه وُن: گونه ای گون است که در

روستاهای زه نان و حه سه ناوا از توابع سنندج

و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده

می شود و در بعضی جاها آن را «گه وُن

جهباری» گویند. (مو)

فشنه: آلو بخارا. نگا: هه لووژه زه شه. (هه)

فشنی: گیاهی است که در روستای ژوار به

این نام خوانده می شود. (مو)

فلته قان: پرتقال. نگا: پرتقال.

فلقل: (زا): فلقل. نگا: بیبار. (ابرا، هه)

فلفه لهك: (كرماش): مرزه، نوعی سبزی

خوردنی. (كرمانشاهی)

Arum conophalloides غاز - هاز:

گیاهی است از رستنی های کرمانشان که در محل های زیر می روید: کرمانشاه، کوه شاهو، کوه بنی گز، کوه بلخان، پاوه، بیستون، گردنه قلاجه. (معصم)

غهر به نگ: گیاهی است. نگا: خهر به نگ. (مو)

غهر به نگ زهش: خریق سپاه. در فارسی آن را خریق سپاه، سینه دارو، سفید دارو، شش گیاه گویند. (مو)

غهر داره: گیاهی است. (رو)

غهر دهل: خردل. نگا: خهر دهل. (هه)

غهر ریوئك: نوعی گلابی، نوعی امرود است. (هه، رو)

غهر یز: گیاه مرزه. (هه)

غهر زیمه کیویله:

Lavandula coronopifolia

اسطوخودوس * برای درد شکم و ضد نفخ بکار می رود. نگا: نه ستوخودوس. (رو، که)

«ف»

فاتمه دارو و باخیی: بادرنجبویه،

بادرنجبویه. (دا)

فاتمه شوال کهن: (كر): گیاهی است

خاردار با میوه ای خوردنی. (كرمانشاهی)

فاتمه هاروو: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

فاتمه باره: گیاهی است از رستنی های

کردستان که آن را با نام های زیر می نامند:

«فاتمه باره، واژنه». (گز، رو، مو)

فاتمه بۆر: نوعی خربزه است، نوعی خربزه

فلوس: (کرماش): دارویی گیاهی که خاصیت مسهل دارد.

فلوس: فلوس، درختی از تیره سبزی آسها به ارتفاع ۱۰-۱۵ متر. (ابرا)

فندق: فندق. درختی است از تیره پیاله داران و از دسته فندقها. میوه فندق. این درخت و میوه آن را با نام های زیر می نامند: «فتق، فندeq، فنوق، فهنوق». در عربی بُنْدُق گویند. (با، من ابرا، هه، مو)

فتق: فندق. میوه فندق، درخت فندق. نگا: فندق

فهرخی: انگور فرخی، نوعی انگور است. (مو، ابرا، هه)

فهنوق: (کرماش): فندق. نگا: فندق

فیاله: گیاهی است معطر، گیاهی است کوهی معطر که در ماست می ریزند. (هه، له، ک)

فیچقه: گیاهی سافه کارک. «گیای مؤسک». (هه) فیزوگ: دُم اسب. (مه)

فشینکا: گیاهی است که در آن ماده ضد سرطان وجود دارد. (رو، که)

«ق»

قاپ: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای خواشت به این نام نامیده می شود. (مو)

قاپکزینه: ۱- گیاهی است بهاری که به صورت پختنی خورده می شود ۲- نوعی سبزی آتش است. (رو، هه)

قاپه شینکه: گیاهی است دارویی. «گوله بزوزی چویتی». (رو، که)

قاپه که وله: گیاهی است دارویی.

محل رویش - آن را در منطقه کوسالان و خوزخوزه مشاهده نمودم. نگا: قاپی که وله. (مو، هه)

قاپی که وله: گیاهی است دارویی. نگا: قاپه که وله

قاتر داشاخی: آلو بخارا. نگا: نالوویخارا. (هه)

قاتورك: ۱- پیچک، لبلاب، نگا: لاولاو ۲- جوانه بسیار نازک درخت. (هه)

قاج: درخت کاج، درختی است. نگا: کاک. (رو، هه)

قاج: درخت خاردار. (هه)

قاجک: ۱- قارچ ۲- قندرون.

قاجمووک: *Hesperis kurdica*

شب بوی کردی. گیاهی است از رستنی های کردستان. در عربی آن را (زهرة المساء) گویند. نگا: شهویو. (رو، که)

قچه کولله: گیاهی است شبیه گیاه «هاریز» و در کنار آب و چمن می روید. (رو، گز)

قاخلی: *Carthamus tinctorius*

گلرنگ، کاجیره، کافشه. این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند:

«قاخلی، قاخلی، کاخلی، کاژیله» * گل کافشه شبیه زعفران است، منضج و قابض و محرک باه و خواب آور است. ضمد آن با عسل جهت قویا، بهق، برص و قلاع اطفال مفید دانسته شده و با سرکه جهت خارش بدن و باد سرخ نافع شمرده اند.

توجه: مفسد معده است و مصلحش عسل است. مقدار خوراکش تا یک مثقال است. در بیشتر نقاط کشور و اغلب روستاهای

کردستان کاشته می شود. (مو، رو، هه، ابرا،
با، من فلور ایران، مظ)

قاخلی: گلرنگ. نگا: تاخلی

قارچ: قارچ. نگا: قارچک. (هه)

قارچک: قارچ. در کردی آن را با نام های زیر
می نامند و می شناسند: «قارچک، قارچ،
کارگ، کوارگ، هه لچ، فترک، هه لچی، کفارک،
کفارگ، کافیرک، کافیک، کدارک، خارچک،
خاچک، کوارک، قیشاز، کوولافک، کارک،
چیلووکا، کشارک، کشارگ، کولافک،
کومبلوک». کرماشانی: قارچک.

محل رویش - در بسیاری از کوهها از جمله:
کۆسالان، کوههای هورامان، کوههای سارال،
کوههای باته، کوههای مریوان * قارچ سمی
سیاه و سرخ و سفید و لزج است و بیشتر در
بین درختهای گردو، بید، زیتون، انجیر، زبان
گنجشک و خم سرکه و شراب و زمین های
کثیف و مزبله و یا از سرگین و فضلہ گاو و
پهن و غیره می روید. در کردستان، نوعی از
انواع کشنده و سمی آن را «قارچکه گولانه»
گویند. اسراف در خوردن قارچ خوب نیست.
بنظر بعضی ها، در صورت مسموم شدن بر
اثر خوردن قارچ سمی، نوع سفید و خوراکی
آن درمان اصلی این مسمومیت است *
خواص قارچ خوراکی: سرد چکاندن آب آن
در چشم جهت تقویت بینائی و ناراحتی های
پلک مفید است و مانع آبریزش چشم
می شود. بخصوص اگر از آن سرمه ای تهیه
کنند. سائیده و پودر خشک آن بوطرف کننده
اسهال و ناراحتی معده است. ضماد
مخلوطی از آن با سریشم ماهی تسکین
دهنده فتق و ورم ناف است. هرگاه بطور

مداوم و مرتب خورده شود درمان کننده سل
و زیاد کننده منی است. بهترین روش خوردن
قارچ، پخته آن با نمک و شبت و خردل و
پونه و روغن کنجد و فلفل است. (مو،
خوردنیها صص ۹۷، ۹۸، خواص، معین،
منه کرمانشاهی، رو، با، هه، ابرا)

قارچکه چه رمگه: نوعی قارچ است که در
بین گیاهان بخصوص لؤ سبز می شود. (مو)
قارچکه زه شه: نوعی قارچ است که از
چنار تولید می شود. (مو)

قارچکه سووره: نوعی قارچ است که در
خاک سبز می شود. (مو)

قارچکه گولانه: قارچ سمی، نوعی از قارچ
سمی است، قارچ غیر خوراکی. «قارچکه
مارانه». (مو، رو، ابرا، هه)

قارچکه مارانه: قارچ سمی، قارچ
غیر خوراکی. نگا: قارچکه گولانه. (ابرا، هه)

قارقومه: گیاهی است خوردنی. (هه)

قاروش: گیاهی است. (هه)

قازمانه: آلوچه، گوجه. نوعی آلو است. نگا:
هه لؤوژه. (رو، ابرا، هه)

قازه خوره: گیاهی است. (مو)

قازیاخه: *Falcaria vulgaris*

غازیاغی، قازیاغی. گیاهی است از
رستنی های کردستان که معمولاً به صورت
علف هرز در اراضی زراعی، حاشیه مزارع و
باغها می روید و گاهی به صورت سبزی
صحرائی مصرف می گردد. این گیاه را در
کردستان با نام های زیر می نامند و
می شناسند: «قازیاخه، قازیاغ، قازیاغی،
غازیاغی، قازیاغ، قازی ناغا، قازیاخه
خو شه». در بیجار آن را «قازیاغ، قازیاغی»

قاشاخ: *Cirsium congestum*

گیاهی است شبیه کنگر دارای برگهای دراز و خاردار. ارتفاع آن حدود ۲ متر است. این گیاه را در کردستان با نامهای زیر می نامند و می شناسند: «قاشاخ، دژکه که رانه، قاشاخ، قنره که رانه».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه می روید و آن را مشاهده نمود: دوریشان، گهلین، خانه گای گهلین، ریگهی سنه - دیواندهره، پنجه علی قوروه، ریگهی بانه - سدره شت، ریگهی سقز - بانه، نوپه نگ، ره شنه ش، سرشیوی سقز، که رجق، ریگهی که لکان - بست، ریگهی سنه - که زه سی - هه شه میز، ژالانه، ده رهن دزلی، رامول، وتره زوی، هویه، سهرویه، شیان، شانشین، ته کیه، زه نان، مه لکشان، سرشیوی مریوان، بلچه سوور، هه شه میز، شیان، ژواتسه، جوانزق، پاوه. (مو). نگا: دژکه که رانه

قاشم: گیاهی است خوشبو. (رو، هه)

قالقی: گلرنگ، کاجیره. نگا: قاخلی. (هه)

قافه رهش: نوعی کدو. (هه)

قاهره ش: نوعی کدو است. (هه)

قالقی به هاره: انجدان رومی، گلپر رومی. (دا)

قالا: گیاهی است بهاری سرخ رنگ.

«نقوزیلین». (رو، که)

قالاوقن: نگا: قالاوقن

قالاوقن: نیل گوش، پیل گوشک. ساقه های برگ ریواس را که مثل خود ریواس است «قالاوقن» گویند و در کردستان آن را با نامهای زیر می نامند و می شناسند: «قالاوقن، کلاوبن، قالاوقن، کلاوبنه، باسکلاو، قاله تنگ،

گویند. در روستاهای ته کیه و هه شه میز از توابع سنج آن را «قازیاخه خوه شه» گویند. توضیح اینکه در این دو روستا مطلق کلمه «قازیاخه» را به نوعی شله جاف یا پیازه خو و گانه می گویند.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر می روید و آن را مشاهده نمود: ریگهی بیجار - تیکاب، روستای قزلبلاغ از توابع بیجار، دامنه های کوه ناویر از جمله کانی ماماتکه، سه لواتاوای سنه، شاریز، شاره نان، ره شنه ش، دزلیه، زونج، باقلاوای شیخ حه سین، بنیره، پیرخه یوان، بلچه سوور، بیجار، نواز، ته نگهی سر، چل چه مه، بست، هه ورامان، ده رویان فازس، که کهوسان، گهلین، خانه گای گهلین، ده وریشان، خورخوژه ی سقز، مه لاناوا، کورکوره، حه سه ناوای سنه، زه نان، مه لکشان، موچه ش، ریگهی موچه ش - دی گولان.

«قازیاخه قازم هه که

له ناو زه فیتیق وازم هه که»

* غازیاغی برای برص و ناراحتیهای پوستی و کلیه مفید است. (مو، هه، رو، گز)

قازیاخه خوه شه: گیاهی است که در روستاهای ته کیه و هه شه میز به این نام خوانده می شود، در غالب مناطق، این گیاه «قازیاخه» نامیده می شود. نگا: قازیاخه. (مو)

قازیاغه: قازیاغی. نگا: قازیاخه. (مو)

قازی ناغا: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: قازیاخه. (رو، گز، که)

قازیانه: گیاهی است بهاری. نگا: قازیاخه. (رو، هه)

قاسک: ساقه گیاه. (هه). تنه درخت. (ابرا)

قالاوتنگ، قالاوتن، قاله قنگ. بنا به تجربه مردم، خرس بیخ این گیاه را دوست دارد و آن را از زیر خاک بیرون می آورد و می خورد. (رو، هه، مؤلف)

قالاوتنگ: نگا: قالاوتن

قاله قنگ: نگا: قالاوتن.

قاله قنگ: فیل گوش، پیل گوشک. نگا: قالاوتن

قامر: نوعی نی باریک که از آن قلم سازند. (هه)

قامیش - قامیش: نی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند: «زهل، نهی، تهیجه، کامر، چیتک». (ابرا، مو، گژ، هه، رو)

قامیشی شه کر: نی شکر، نیشکر. «قامیشی شه کهر». (رو، گژ، ابرا)

قانگ: *Peganum harmala*

اسپند، اسفند، سپند. عربی: حرمل. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمود: بر سر راه بیجار به کوه حمزه عرب، روستای کهوله از توابع دیواندره، جاده بیجار - کرانی، صلوات آباد بیجار، تنگی وهر، روستای قدیسه از توابع بیجار. کرماشانی: قانگ. نگا: ته سپه ندهر. (مو، کرمانشاهی، ابرا، هه) قاون: خریزه. نگا: کاله ک. (هه)

قاوه: تهوه. «تهوه». (مو، ابرا، کرمانشاهی، هه) قایش قران: *Salvia hydrangea*

مریم گلی تماشائی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در قه چوغه از توابع بیجار به این نام خوانده می شود و در جاهای دیگر آن را «گاهو سن شکینه، بیرقه ته شکینه» نامند.

محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمود: قه چوغه، سه لواتاوای بیجار، گهرده نهی ماموخ، زنگی که له کان - بست، هزارکانیان، ناوچی سارال، کهوله، کؤل و دوزه غره، ریگی بیجار - تیکاب، ریگی کوزانی - شاره ک، کیوه کانی شاره ک بیجار، کورکوره، ره شنش، جیران منگه، فه تاح ناوا، تازه ناوای ثاسف. (مؤلف)

قتک: نوعی خیار است. (هه)

قتی: خیار چنبر. نگا: تروزی. (هه)

قجی - قجی: گیاهی است داروئی و از رستنی های کردستان که در روستای موسم ناوا از توابع خوزخوزی سه قو و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود * در طب سنتی این گیاه را به صورت تریا خشک داخل ماست می ریزند و به حیوانات می خوراندند و کرم شکم آنها را می کشد. بعضی این گیاه را کیسه کشیش فارسی میدانند. (مو، هه، رو، مه)

قرا: گیاهی است الیافی. (هه)

قریجه: گیاهی است صحرایی. (هه)

قرژانک: خرزهره. نگا: ژاله

قریاشان - قریاشان: گیاهی است از رستنی های کردستان که به حد وفور رویش دارد و در بعضی جاها آن را «گیا چل رژه» گویند. تقریباً شبیه گندم است. نگا: گیا چل رژه. (مو)

قریژه بهرد: گل سنگ. (هه)

قزل په نچه ره: گیاهی است. (مو)

قزمه مه سبی: (تور): گیاهی است که در کوزانی (حسه ناوای یاسوکه ند) به این نام خوانده می شود. ترجمه این واژه به فارسی

گیاهی است علفی که بیشتر به صورت علف هرز در اراضی زراعی و باغها و کنار جاده‌ها می‌روید. ارتفاع آن حدود ۷۰ سانتی‌متر است. محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ثاویهر، سه‌لواتاوی سته، ره‌شنه‌ش، نشوور، به‌ورو پهریشان، ثاریز، دزئله، زؤنچ، باقلاواي شینگ حسه‌ین، پیرخه‌یران، نواز، می‌راو، نیر، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، چل‌چمه، قولقوله‌ی میره‌دی، سه‌رشیوی سه‌قز، ریگه‌ی سته - قورو، خورخوزی سه‌قز، ژالنه، مەلکشان، زه‌نان، سه‌رشیوی مەریوان، بلچه‌سور، ته‌کیه، شیان، حه‌سه‌ناوای سته، ده‌ره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، کؤسالان، ریگه‌ی سه‌قز - پانه - سه‌رده‌شت، گه‌لین، ریگه‌ی که‌وله - کؤل و دوزه‌فهره، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، روستاهای قوئجه، نالبلاغی چه‌تاق و قزلبلاغ از توابع بیجار، روستاهای کیتلانه، کانی مشکان، داده‌ته، که‌رجو از توابع سنندج، هه‌شه‌میز، روانسه‌ر، جوانزو، پاوه. این گیاه را در اغلب جاها از جمله ره‌شنه‌ش «قناوله» گویند. این گیاه را در جوانی می‌پزند و می‌خورند. (مو)

قناولئ: گیاهی است که در روستای نواز به این نام خوانده می‌شود. نگا: قناوله. (مو)

قنچه زه‌رد: گیاهی است. (هه)

قنر: کنگر. نگا: قنکر

قنگاله: گیاهی است دارای شیرۀ مسهل. نگا: خوشیلك. (هه)

قنگاوله - دووپه‌له: گیاهی است بهاری، برگهایش شبیه بید است. (رو، گز)

Cirsium قنکر:

کنگر. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که

(پستان دختر است). (مو)

قزوی که نیشک: **Polypodium vulgare** بسفایج * دم‌کرده یا جوشانده ریشه‌هایش برای درمان اسهال شدید و دفع بلغم به کار می‌رود. (هیوا، مظ)

قسکه: نوعی پیاز است که قبل از اینکه پیاز معمولی برسد، این پیاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. و طرز کاشت آن بقرار زیر است: تعدادی پیازه پیاز را در داخل سبدهای کوچک یا در داخل باغچه‌ها می‌کارند و از برگ پیاز استفاده می‌کنند و پیازه آن قابل استفاده نیست. (مو)

قشقهره: گیاهی است که در روستای گه‌لین به این نام خوانده می‌شود. (مو)

قشقهره: **Salvia verticillata** گیاهی است که در روستای شیان به این نام خوانده می‌شود. (تقریباً شبیه سالویانموروزا است). (مو، معر)

قشلك: گیاهی است. (هه)

قلانقوزان: گیاهی است آبی. نگا: کاردور. (هه)

قلخان: خاری است که به مصرف سوخت می‌رسد. (هه)

قلقله‌بازی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در ته‌کیه، هه‌شه‌میز و پاوه به این نام خوانده می‌شود و عده‌ای از اهالی روستاهای ته‌کیه و هه‌شه‌میز، آن را «ته‌قله‌بازی» گویند. نگا: هه‌لاله برمه. (مو)

قلینچه: گیاهی است بهاری. (هه، رو)

قلی: گیاه شور. «قلیه». (رو، که)

قناوله: **Cardaria draba** = **Lepidium draba** آزمک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

قوشيلك: نڭا: خوشيلك. (مو)

قۇقميش: گياھى است آشى. (هه)

قولتيك: نوعى خريزه زرد رنگ است. (هه)

قولهك: گياھى است پهن برگ كه روى زمين پهن مى شود. (رو، هه)

قوليجان: گياھى است كه طعمش بسيار تند است * براى قولنج و سرماخوردگى و رماتيسم مفيد است و دمكرده آن مصرف مى شود. «قوليجان». (رو، گز)

قومام: *Hordeum bulbosum*

جو پيازدار، كتو. گياھى است از رستنى هاى كردستان كه در اغلب جاها مى رويد و در روستاى كه له كان از توابع سنندج آن را «قومام» گويند و در شارى هه ورامان و ژيوار آن را «قومامه» گويند. در منابع (هه، رو، گز) نيز به نام اين گياه (قومام) اشاره شده است. بطور كلى اين گياه را در كردستان با نام هاى زير مى نامند و مى شناسند: «قومام، قه مامه، قومامه، قه مامه گياه».

محل رويش - اين گياه را در محل هاى زير مشاهده نمودم: چل چهمه، شاهق، كۇسالان، كه له كان، تووارمه لا، ته كيه، هه شه ميژ، شيان، نارەنان، ناريز، پاه، ژوانسر. (مؤلف)

قومام: *Secale cereale*

چاودار. گياھى است از رستنى هاى كردستان كه در بعضى جاها آن را «قومام» گويند. (مو، مظفریان)

قومام: *Agropyron*

عسلف گندمى. گياھى است از رستنى هاى كردستان. (مو)

قومامه: گياھى است از رستنى هاى كردستان كه در روستاهاى شارى هه ورامان و ژيوار، به

اين نام خوانده مى شود. نڭا: قومام. (مو)

قوناوله: گياھى است. (رو)

قونجى: خارخسك، خار سه كومه. نڭا: په يكوئل. (هه، مو)

قونجى كه: خارخسك، خار سه كومه. نڭا: په يكوئل. (هه، مو، كه)

قونجى: كنجد. نڭا: كونجى

قوونچى: گياھى است كه در زمين پهن مى شود. (هه)

قوندك - قوندك: كدو، كدو تنبل. نڭا: كوله كه

قونسور: گياھى است آشى كه آن را در دوغبا ريزند. (هه)

قه باخ: نوعى سپيدار است. (هه)

قه باغ: كدو. نڭا: كوله كه. (هه)

قه بزه: خزه. (ابرا، هه)

قه بقه بۆك: گياھى است كه ثمرش ريز و سرخ رنگ و گرد است. (رو، كه)

قه تران: پر سياوشان. نڭا: قه يتران. (مو)

قه تىك: (زا): خيار ديم، خيار ديمى. (ابرا، رو، هه)

قه ده قه دوک: گياھى است دارويى. (هه)

قه ديفه: گلى است. (هه)

قه راج: درختى است جنگلى.

قه ردال: نوعى انگور است. (رو)

قه رغو: نوعى نى كه نى ليك از آن مى سازند. (هه)

قه زنابيت: گياھى است داراى برگهاى پهن. (رو، گز)

قه ره: گياھى است كه در انگليسى آن را

marigold گويند. نڭا: قۇز. (رو)

قه ره دار: درختى است از گروه كاجيان. (هه)

قه ره س: گيلاس. نڭا: گيلاس. (هه)

قه‌ره قاج: درختچه‌ای است کوهی که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «قه‌ره قاج، قه‌ره قاج، قه‌زک» این درختچه بوته مانند است و از شاخه‌های آن برای سبذبافی استفاده می‌کنند.
(ابرا، هه، رو)

قه‌ره قاج: نگا: قه‌ره قاج

قه‌ره لو: آلو بخارا. نگا: ئالو بخاره. (هه)

قه‌ره لی: آلو بخارا. نگا: ئالو بخاره. (هه)

قه‌ره نفول: قرنفل. (ابرا)

قه‌ره م: گیاهی است از نوع نی. (رو، که)

قه‌ره وونجه: گیاهی است که در روستای کول از توابع سارال به این نام خوانده می‌شود. (مو)

قه‌ره ویی: نوعی خربزه است. نگا: قه‌ره ویی. (رو، هه)

قه‌ره ویی: نگا: قه‌ره ویی. (هه)

قه‌زه خوان: نانکش، چاتلاقوش. ثمر درخت بنه. (هه)

قه‌زه قوآن: نگا: قه‌زه خوان.

قه‌زه قه‌وان: نگا: قه‌زه خوان

قه‌زه ک: نگا: قه‌ره قاج

قه‌زه کوان: نگا: قه‌زه خوان

قه‌زه وان: ۱- درختچه‌ای است که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. نگا: داره وهن ۲- نگا: قه‌زه خوان. (مو، هه)

قه‌سپ: نوعی خرمای نامرغوب، خرمای خشک. (هه، رو، ابرا)

قه‌سپه توو: توت سفید درشت دانه، نوعی توت شیرین و بزرگ دانه است. (هه، رو، ابرا)

قه‌سه خوان، ۱- نانکش، چاتلاقوش. (هه، رو، با) ۲- درخت ون. (ابرا)

قه‌سقان: درخت بنه. نگا: داره وهن. (ابرا)

قه‌سوان: ۱- نانکش، چاتلاقوش ۲- درخت بنه. (هه، ابرا)

قه‌فقه فوکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

قه‌فقه فه: ۱- نگا: فیزوک ۲- گیاه دیگری است از رستنی‌های کردستان. (مهب مو)

قه‌قله بازی: لاله سرنگون. گیاهی است که در روستای هه‌شه‌میز و پاوه به این نام خوانده می‌شود. نگا: هه‌لاله برمه. (مو)

قه‌لاس - قه‌للاس: ۱- گیاهی است. «که‌رخنینه» ۲- پرز خوشه غله مثل گندم و جو و برنج. (گژ، رو، هه)

قه‌لئاس: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. محل رویش و مشاهده - خوزخوزه‌ی سه‌قز، روستای میانه از توابع سنندج. (مو)

قه‌لداس: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

قه‌لقه‌له بازی: گیاهی است که در هشمیز به این نام خوانده می‌شود. نگا: هه‌لاله برمه. (مو)

قه‌لوخان: گیاهی است. (رو، که)

قه‌لوکه: ۱- لوبیا. (ابرا) ۲- گیاهی است شبیه «پولکه» که خوردنی است. (هه)

قه‌له: گیاهی است. (هه)

قه‌له‌خان: خاربنی است، گیاهی است خاردار. (هه)

قه‌له‌شوئ: نگا: خوشیلك. (مو)

قه‌له‌شوئی: گیاهی است که در روستای هه‌شه‌میز از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. نوعی از گیاه «خوشیلك» است. (مو). نگا: خوشیلك

قه‌له‌م توژ: اکالیتوس. نگا: نوکالیتوس. (رو)

قه‌له‌ندور: نگا: گونوز

و غالباً در کنار گونه فوق‌الذکر می‌روید و در بعضی جاها، این نوع را هم «قه‌مچی شه‌لاخ» گویند. در زنهان آن را «شه‌لاخ» گویند. در بعضی جاها، هر دو گونه (برگ کوتاه و برگ دراز) را «قه‌مچی شه‌لاخ» گویند. نگا: شله‌جاف. (مؤلف)

قه‌مچی شه‌لاق: *Colchicum*
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای کتله‌شین واقع بر سر جاده سقز - بانه، به این نام خوانده می‌شود. در روستای وی‌سهر از توابع سنندج آن را «گویچه‌که‌هر» و در باخان «گونه که‌له‌شیره» و در بعضی جاها «شله‌جاف» گویند.

محل رویش - در اغلب جاها از جمله محل‌های زیر می‌روید و آن را مشاهده نمودم: کتله‌شین، گهرده‌نی خان، ناویه‌ر، سه‌لواتاوی سته، کؤرکؤره، ئیبرایم ئاوا، وی‌سهر، ئه‌ویه‌نگ، ره‌شهنش و... (مو)

قه‌مچی شه‌لاق: *Colchicum*
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که برگهای دراز است و شبیه برگ «سوره‌ونه» است و در جاهای مرطوب می‌روید. این گیاه را در روستاهای قولقوله‌ی میره‌دئی و بست «قه‌مچی شه‌لاق» گویند. در روستای لؤنی سادات آن را «جافه جیبله» نامند.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: چله‌چمه، قولقوله‌ی میره‌دئی، کؤره‌میانه، پیازه، سولتان نه‌حمده، گلپه، بلچه‌سور، ناویه‌ر، وی‌سهر، شاهق. (مو)

قه‌مچی شه‌لاق: *Ungernia flava*
گرمینه زرد، پیاز کوهی. گیاهی است از

قه‌مام: گیاهی است از رستنی‌های کردستان و شبیه گندم که پیازه‌اش خوردنی است. این گیاه را در روستای که‌ویگار از توابع کامیاران و بعضی جاهای دیگر «قه‌مام» گویند. نگا: قومام. (مو)

قه‌مامه: گیاهی است. نگا: قومام. (هه، مو)
قه‌مامه‌گیا: گیاهی است. نگا: قومام. (مو)
قه‌مچی خوشیل: از رستنی‌های کردستان است. (جغفر)

قه‌مچی شه‌لاخ: *Colchicum*
دو گونه از این گیاه بحد وفور در کردستان می‌روید، گونه‌ای از آن دارای برگهای نسبتاً کوتاه‌تر است و برگهای سبز و براق است و در اکثر جاها از جمله شیخ‌شهره‌تی و گلپه آن را «قه‌مچی شه‌لاخ - قه‌مچی شه‌لاق» گویند و در بعضی جاها از جمله میانه، رشنش و تعدادی از روستاهای دوروبر به‌ورو پهریشان آن را «شله‌جاف» گویند. در روستای وی‌سهر آن را «گویچه‌که‌هر» گویند. در بعضی جاها آن را «گیاشه‌لاخ» نامند. در روستای هه‌شه‌میز آن را «قازیاخه» گویند. و چون در وسط این گیاه چیزهای تولید می‌شود که شبیه بیضه خروس یا گربه است به این جهت آن را در باخان «گونه که‌له‌شیره» گویند. این گیاه دارای پیازه است. حدود ۵۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و در جاهای مرطوب زیر سایه گردوها، داخل بیشه‌ها و جنگلها می‌روید. بنا به تجربه مردم، خرس، پیازه این گیاه را دوست دارد و آن را از زیر زمین بیرون می‌آورد و می‌خورد * در طب سنتی بیخ (پیاز) آن را برای مداوای صرع مفید می‌دانند. گونه دیگر این گیاه دارای برگهای درازتر و باریکتر است

رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «قه‌مچی شه‌لاق، قه‌مچی شه‌لاخ، شه‌لاقه، گيا شه‌لاخه». (مؤلف)
Centaurea
 قه‌مچيله گيا:
 گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی از روستاهای بیجار آن را «قه‌مچيله گيا» گویند.

محل رویش - این گیاه را در بیجار و سارال و تازه‌آباد آصف مشاهده نمودم. (مو)
 قه‌میش: نی. «قامیش، چیت، چیتک». (هه)
 قه‌نجه‌یسک: گیاهی است که بیخ آن خورندنی است، چرب است و طعم جوز هندی دارد. (هه)

قه‌ندر خه - قه‌ندر غه: گیاهی است شبیه گندم. (هه)

قه‌نده‌هاری: نوعی گندم است. (هه، رو)
 قه‌ن شه‌کروک: نگا: که‌رته‌شی
 قه‌ن شه‌کیر ووک: (دیل): شکر تیغال. نگا: که‌رته‌شی. (علیر، مو)

قه‌نه‌فل: میخک، قرنفل. در کردی آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «قه‌نه‌فل، میخکه‌ک، قه‌زه‌نفول». (هه، رو)

قه‌نه‌هاری: نگا: قه‌نده‌هاری

قه‌وان: بابونه‌گا و چشمی. (هه)

قه‌وزه: ۱- خزه، جل وزغ، آگ ۲- گل سنگ. نگا: قزیزه‌برد. (هه، ابرا)

قه‌وزه به‌رد: گل سنگ. نگا: قه‌وزه. (ابرا)
 قه‌وزه قور وواق: جل وزغ، خزه. در کردی آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «قه‌وزه، قه‌وزه قور وواق، لییم، قه‌وزه قور وواق، کهز، کهوز، کهزی، گاه‌که، که‌قزه». در عربی آن را (طحلب) گویند * ضماد آن با آرد جو

جهت باد سرخ و نقرس و اورام، نافع است و چون در روغن زیتون بجوشانند در تبلین اعصاب، قوی‌الآثر است. (من ابرا، هه، با)
 قه‌وزه‌ی سه‌ر به‌رد: گل سنگ. نگا: قه‌وزه
 قه‌ومک: نوعی کدر است. نگا: کروه‌که سه‌راوی
 قه‌وه: قهوه. نگا: قاوه

قه‌یاخ: گیاهی است مانند گندم سبز و بلند و از رستنی‌های کردستان گیاهی است شبیه قروم و بعضی آن را نوعی قروم می‌دانند. (رو، گز، مو، هه)

قه‌یاغ: نگا: قه‌یاخ
 قه‌يته‌ران:

Adiantum capillus - veneris

پر سیاوشان، پر سیاوش. گیاهی است از رستنی‌های کردستان دارای ساقه‌های سیاه و باریک و برگهائی شبیه جعفری. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌خوانند و می‌شناسند: «قه‌يته‌ران، قه‌تران، پهل‌ی سیاوشان، چه‌مه سیاو‌له، پهل‌ی سیاو‌ه‌شان، پهر سیاوش، پهر سیاو‌ه‌حش، سیاو‌ه‌ش، پهری سیاوشان، پاره‌زه، خاره‌زه‌شه، سیاو‌ه‌شان، گياقه‌تران، پهر سیاو‌ه‌ش، ره‌ش ده‌رمان». این گیاه را در انگلیسی: *maiden hair* و

black maiden hair گویند و در عربی: کزبرة البشر و کرفس البشر گویند. در شهر اورامان آن را «قه‌يته‌ران» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بوزیدره، ره‌شنه‌ش، میانه، نیاوا، دزیله، قه‌لو‌ه‌زی سه‌نگین‌ئاوی قروه، زونج، سوورکه‌ؤل، گلیه، نیه‌ر، شاری هورامان، ده‌وربه‌ری تانگه‌ی بل، ژیار، بین زمزیوان و روستای کانی‌زه‌ش. (مو، ابرا، هه،

گلرنگ، کاجیره. گیاهی است پرورشی که اغلب کشاورزان آن را پرورش می دهند. در گویشها و مناطق مختلف کردستان، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «قاخلی، قاخلی، کاژیله، کاخلی». نگا: قاخلی. (مو، هه، رو، گژ، ابرا، مه)

کارژاد: تیره، تیره فرنگی. (هه)

Avena fatua

کارژام:

یولاف پوچ. جو دوسر پوچ، گندم کاهو. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای ره شه نش آن را «کارژان» و در روستای سراب قامیش آن را «گیا له رزانه» و در میانه و بۆزیده ر «کارژام» گویند.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: ره شه نش، سه راو قامیش، کانی مشکان، کیلانه، داذه نه، که رجۆ، بۆزیده ر، میانه، سه رشیوی مه ریوان، بلچه سوور، پاوه. (مو)

کاراس - کاروش: گیاهی است. (هه)

کارژان: گیاهی است که در روستای ره شه نش از توابع سنتنج، به این نام خوانده می شود. نگا: کارژام. (مو)

کارتموک: گیاهی است. نگا: چاوه گا. (رو، هه)

کارتموژ: بابونه گا و چشم. (هه)

کارتوژ: سیب زمینی. نگا: سیفه ره مینه

کارتیموک: نگا: کارتموژ

کارتیموژ: نگا: کارتموژ

کارچک: گلابی. نگا: هه مرۆ. (هه)

کارچین - کارچین: نوعی گلابی است.

(رو، هه)

Arum

کاردووه:

شیپوری. نگا: هاز

Arum

کاردووه ره شه:

رو، او، من صا، مه مظ، دا، گژ، که)

قه پته ران: *Physalis alkekengi*

عروسک پشت پرده، کاکنج. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای تا و هه نیمن به نام «قه پته ران» نامیده می شود. محل رویش - این گیاه را در تا و هه نیمن مشاهده نمودم. (مؤلف)

قه یسی: زردالو، درخت زردالو. نگا: شلاته

قه یفه: گیاهی است. نگا: گوله قه یفه. (رو، گژ)

قه یناخ: گیاهی است. (هه)

قیزه گیا: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

قیزک: درختی است جنگلی. (هه)

قیست: گیاهی است. (هه)

قیفار: خاشرینی است سفید که خر او را

دوست دارد. (هه، رو)

قیفار: نگا: قیفار

قین بنه: گیاهی است بهاری و خوردنی. (هه)

قین سوور: (لهک): نوعی پیاز کوهی است

که ساقه قرمز دارد و دارای بوی بد تند. در

بهار در بالای کوه می روید. آن را می چینند و

خشک می کنند * دم کرده آن برای دفع سنگ

کلیه مفید است. آن را در آش آماج می ریزند و

برای رفع سرماخوردگی می خورند. این کلمه

در لغت به معنی (کون قرمز) است. (لهک)

قینگه ر: (کر): کنگر. نگا: قنگر.

قیفار: نگا: قیفار

«ک»

کاج: کاج، درخت کاج. نگا: کار. (هه، وشه)

Carthamus

کاخلی:

غیرخوراکی است * در کتاب داود انتاکی آمده است اگر آن را با پودر استخوان سوخته و سرکه کوبیده روی محل رماتیسم و استخوان درد بمالیم دفع مرض می‌کند. (دا)
کارگه گولانه: قارچ سمی. (مو، هه)
کارگه گوله: قارچ سمی. برای آگاهی بیشتر به «قارچک» مراجعه فرمائید. (مو، هه)

Atraphaxis

کاروان کوش:

کاروان کُش. درختچه‌ای است که اگراد منجیل آن را «کارکوش، کاروان کوش» می‌نامند. نگا:
کاروان کوش در فرهنگ فارسی
کاروش: ۱- گیاهی است از رستنی‌های کردستان ۲- ساقهٔ سبز پیاز و سیر. (مو، هه)
کاروڤک: قارچ. نگا: قارچک. (هه، مو)
کارووس: گیاهی است که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «کارووس، کاروس، کاروش، کاریس». گیاهی است خوشبو که آن را با پنیر آمیخته می‌کنند به جهت معطر نمودن آن. (رو، هه)

کارووش: گیاهی است از رستنی‌های کردستان و شبیه ارزن. نگا: کاروش. (رو، مو، گز)
کارووش: گیاهی است. نگا: هلتیرگ. (رو)
کارهک: خربزه. نگا: کالهک.

کاری: ۱- نگا: کاردوو ۲- گیاهی است سمی ۳- کاشته، کشت. (هه)

کاریس: نگا: کارووس

Pinus sylvestris

کاژ:

کاج جنگلی، درخت کاج * «سه‌لکه سه‌وزه کانی له به‌ه‌اردا ماده‌ی ریژین وزو هه‌لمینی تیایه» بعد از خشک کردن آنها (سه‌لکه کانی) مثل چای، دم‌کرده آن برای موارد زیر بکار می‌رود: ۱- برای آسان نمودن

نوعی گیاه کاردوو «هاز» پهن برگ است که یاپراخ (دلمه) از آن درست می‌کنند و در انگلیسی آن را (Black arum) گویند. (رو، که، هه)

کاردوو کوزانه: نوعی گیاه «کاردوو» است. (هه)

کاردوو مارانه: نوعی از «هاز» است. نگا: هاز. (رو، هه)

Arum

کاردیی:

شیپوری. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. مظفریان آن را شیپوری نامیده است. در دشت هه‌ولیر دو نوع کاردیی می‌روید بنام‌های زیر: ۱- کاردی به زیخه ۲- کاردی به گوئی به زیشوئه. نگا: کاردور. (رو، هه)
کاردی به زیخه: گیاهی است. نوعی گیاه «کاردوو» است.

کاردی به گوئی به زیشوئه: نوعی از گیاه «کاردوو» است.

کارس: ۱- گاوس، ذرت ۲- ارزن. (هه، رو، ابرا)

کارک: قارچ. نگا: قارچک

کارگ: قارچ. نگا: قارچک

کارگه شیتته: قارچ آمانیت. دامها و انسان را مسموم می‌کند، علامت آن داشتن رنگ سیاه در کناره‌های کلاهک آنست و خطوط سیاه رنگ دارد. علامت مسمومیت از این قارچ این است که دفع ادرار و مدفوع شخص مسموم بسیار دردناک است.

کارگه شیر ی - هه‌لچه شوئی: قارچ آغاریقون. دارای کلاهک سیاه و سفید و قهوه‌ای و در جاهای پُر کود رویش دارد و در روی تنه پوسیده درختان هم می‌روید،

است از رستنی‌های کردستان که در غالب نواحی آن را تحت همان نام عمومی «کاسه شوره» می‌شناسند. ولی به جهت امتیاز از گونه‌های دیگر، آن را «کاسه‌شوری گول فواره‌یی» نامگذاری نمودم زیرا ساقه آن دارای گل‌هایی است مثل فواره طبقه بالا رفته است.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: کوسالان، هزارکاینان، جاده سئندج - کروه‌سی - هشمیز، همرمن‌دول، خورخوزه، دووژ، تنگی‌ور، حسین‌ناوای کهنگره، زه‌نان، شیان، زوانسر، پاوه. (مو، مظ)

کاسه شوره: *Phlomis pungens*

= *Phlomis polloxantha*

گوش بره عراقی، گوش بره صخره روی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بیجار آن را «کاسه شوره» گویند. نوعی از گیاه «کاسه شوره» است.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: بیجار: گهرده‌نی ماموخ، پسیرعومهران، نه‌کهرؤز، شاهق، هه‌شه‌میز، که‌رجق، کیلان، داذنه، په‌نجه‌علی، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، بیجار - کوزانی، زیگی بیجار - تیکاب، زیگی بیجار - کوزانی، زیگی کوزانی - شاره‌ک، سرشیوی مریوان، شیان، قازی به‌کر. (مو، مظفریان)

کاسه گول: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (نادر)

کاشمه: *Heracleum lasiopetalum*

= *Tetrataenium lasiopetalum*

گلپر کوهستانی، گلپر برقی، کرسوم. گیاهی

دفع بلغم ۲- مدر ادرار است. کرم‌اشانی: کاژ. له‌کی: کاژ. (مو، مظ، هیوا، رو، له‌ک، ابرا) کاژاو: نوعی انگور است.

کاژاوی: ۱- نوعی انگور سیاه ۲- کاجستان. (هه)

کاژیله: گلرنگ، کاجیره. نگا: قاخلی.

کاسنی: گیاهی است. نگا: چه‌چه‌ته. (هه، ابرا)

کاسه شوره: *Phlomis*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که دارای چند گونه است. (مو)

کاسه شوره: *Phlomis olivieri*

گوش بره، چالمه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که به حد وفور در کوه‌ها و دامنه کوه‌ها می‌روید. و آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «کاسه شوره، تۆزه‌وکه‌ره، گاگی، سی‌پالینه». در ترکی آن را (که‌کیره) گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: بیجار، کرانی، کۆله‌ساره، جاده سئندج - کروه‌سی - هشمیز، سارال، تازه‌آباد آصف، جاده کلکان - بست، رشنش، آرین، دریل، بنیه، باقلاوای شیخ حسین، زونج، پیرخه‌یران، نه‌ویه‌نگ، وی‌سهر، خورخوزه‌ی سه‌قز، دربند دزلی، کۆرکۆره، گهرده‌نی سه‌لواتاوا، که‌وله، کۆل و دوزه‌هه‌ره، دووژ، پالنگان، تنگی‌ور، زهرده‌وان، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، کانی مشکان، کیلان، داذنه، که‌رجق، سالیان، نسج، په‌نجه‌علی، زه‌نان، مه‌لکشان، سرشیوی مریوان، بلچه‌سوور، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، زوانسر، جوانزق، پاوه. (مو) کاسه‌شوره گول فواره‌یی:

Phlomis rigida

گوش بره طناز، گوش بره تماشائی. گیاهی

کاکول: نوعی گندم است. (هه)

کاکووتی: *Ziziphora clinopodioides*

کاکوتی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «هرزه‌ی کیفی» هم گویند. نگا: هرزه‌ی کیفی.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کۆسالان، پالنگان، شاهوی پالنگان، زینگه‌ی بیجار - تیکاب، زهرده‌وان، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل، پهنجه‌ه‌لی، سرشیوی مهریوان، بلچه سوور، قه‌له‌به‌رد، که‌رجۆ، پهنجه‌ه‌لی، سرشیوی مهریوان، بلچه سوور، قه‌له‌به‌رد، ته‌کیه، هه‌شه‌میژ، شیان، پاوه، بیجار، قازی به‌کر، سه‌روه‌یه * این گیاه دارای آهن زیاد است. قندخون را پایین می‌آورد.

توجه: کسانی که ناراحتی معده و کلیه دارند، از این گیاه نخورند. (مو، ابراه، رو، گۆ، که) کاکه‌ئوو: کاکائو. نگا: کاکائو

کاکیف: درختی است جنگلی. نگا: کینف

کاله‌ک: (کرماش): ۱- نوعی گرمک

۲- هندوانه نارس

کاله‌ک: *Cucumis*

خریژه. گیاهی است که در بعضی از مناطق کردستان پرورش داده می‌شود. خریژه را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: کاله‌ک، کاره‌ک، گندۆزه، قه‌ره‌پوزه.

خریژه دارای انواعی است از قبیل: قه‌ره‌ویی، قه‌ره‌یی، فاته‌پۆزه، ئالتی ئای، لاقۆزه * خریژه مقوی فکر و مغذ و معده (گه‌ده) است. برای مرض قند مضر است. (مو، هه، گۆ، رو)

کاله‌ک: خریژه نارس. نگا: خرچه

کاله که ماران: (کرماش): گیاهی است.

نگا: کاله که مارانه

است از تیره اومبلی فیره و از رستنی‌های کردستان. دارای برگ پهنی است و تقریباً گرد است و دور برگ حدود ۸۰ سانتی‌متر است و در دهره‌ویان فازس آن را اندازه گرفتم حدود ۱۰۰ سانتی‌متر بود. این گیاه دارای عطر مخصوصی است و در فصل بهار مانند گیلاخه آن را می‌پزند و می‌خورند. در منابع (هه، گۆ، مند) نیز نام این گیاه همان «کاشمه» ثبت گردیده است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: دهره‌ویان فازس، چل چه‌مه، کۆل و دۆزه‌غهره، دهره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، هه‌ورمان، کۆزه میانه، سرشیوی مهریوان، شاهۆ. این گیاه در زواتسه‌ر هم می‌روید و در بعضی از روستاهای کرماشان، آن را «که‌له‌مه کاشی» هم گویند. (مو، مظ، معص) کاشوور: گیاهی است خوردنی با برگ‌های دندانه‌دار. (هه)

کافری: نوعی انار است. (هه)

کافیرک: قارچ. نگا: قارچک

کافیلک: قارچ. نگا: قارچک

کاکائوو: کاکائو. آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «کاکائوو، کاکاو، کاکه‌ئو، کاک‌ئو» (ابراه، هه)

کاکاو: کاکائو، نگا: کاکائوو. (هه)

کاک‌ئو: کاکائو. نگا: کاکائوو

کاک چۆنه‌ری: گیاهی است که در روستای ماسیده‌ر، از توابع سقز به این نام خوانده می‌شود. (مو)

کاکل: ریحان کوهی. (هه)

کاکلی: گردو. نگا: گویۆ. (هه، رو)

کاکنج: گیاه کاکنج. (هه)

کاله که ماران: گیاهی است که در منطقه خورخوزی سه قز به این نام خوانده می شود.
نگا: کاله که مارانه

کاله که مارانه: *Aristolochia bottae*
زراوند، چپک، گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «کاله که مارانه، کاله که ماران، کالیاره، کاله که ماران».

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سولتان شه حمده، ناریز، سه لواتاوای سته، خورخوزی سه قز، کانی سیهی، ماسیده، مه ولاناوا، سه یقاوا، لونی سیه کسان، شاهق، ناویر، وتره زهوی، نه ویه نگ، قه لای حه سه ناوا، چم دهره زه نجیر، خواشت، ته نگی وهر، بوزیده، مازی بن، بلچه سوور، ته کیه، هه شه میز، شیان، زوانسر، جوانزق، پاوه، بابا قیه بیجار، سه رهویه * در طب سنتی: ۱- میوه این گیاه را برای مداوای زخم حیوانات بکار می برند ۲- بعضی بیخ آن را نیز داروئی میدانند و برای درمان زخم حیوانات «کرمولی» بکار می برند ۳- ریشه این گیاه را خشک کرده و بصورت پودر روی دنبه «دوگ» بریده یا زخمی شده گوسفند می پاشند آن را درمان می کنند ۴- تخم (دانه) داخل میوه را مسقط و کشنده جنین می دانند ۵- پاشیدن آب طبیح آن را در خانه باعث کشتن و از بین بردن کک می دانند ۶- بیخ این گیاه را جهت استسقاء و داءالقیل (گنده و غلیظ شدن پاها) بکار می برند. توجه در اغلب فرهنگ لغتهای کردی معنی فارسی این گیاه را هندوانه ابو جهل نوشته اند. (مو، معر، من با، هه، گز)

کالیار: خیارچنبر پیر که برای تخم گیری نگهداری می شود. خیار چنبری را گویند که زیاد رسیده و پیر و زرد شده باشد، خیارچنبر تخم. (رو، هه، گز، ابرا، که)

کالیاره: خیارچنبر بزرگ. نگا: شلنگ. (هه)
کالیاره: گیاهی است که در ته نگی سهر و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: کاله که مارانه

کالیاره تاله: گیاهی است که در روستای نزاز از توابع کامیاران و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می شود. نگا: کاله که مارانه
کام: *Linum*

۱- نگا: گیا کام (گیا کامی گول سپی) ۲- نگا: گیا که تان. (مو)

کامر: نی. نگا: قامیش

کانیژه: گیاه قنطاریون. (هه)

کاوییر - کاویر: خارشتر، شترخار. نگا: وشرخوار. (رو، هه)

کاهو - کاهوو: *Lactuca*

کاهو: گیاهی است پرورشی. در کردستان آن را با نام های زیر می نامند: «کاهوو، کیور، خاس، کیور، کوور، گاسنه». له کی: کیور، کوور. (مو، گز، ابرا، هه، لهک، رو، مه)

کاهه زانی: نوعی انجیر است. انجیر سیاه و بزرگ. (هه، رو، ابرا)

کای مه ککه: گیاهی است از رستنی های کردستان که تقریباً در تمام دامنه کوه های کردستان از جمله در کرکوک، رواندز، سلیمانی می روید * ریشه و برگ های این گیاه ضد درد شکم است، نفخ را برطرف می کند و مقوی است. (رو)

کای ووشتر: نگا: کای مه ککه

کتابخانه: گیاهی است کوهستانی. (رو)

کتاب: کنجد. نگا: کونجی

کدارک: قارچ. نگا: قارچک

کدو - کدوو: کدو. نگا: کدوله که

کدو بارزانی: کدو حلوائی، نوعی کدو است

که آن را «کوندری میرانی، مقهور» نیز گویند.

(هه)

کرانت - کوزاده: گیاهی است تندمزه شبیه

تره پياز. (هه) نگا: کنیوال

کراوی: *Echinophora platyloba*

خوشاریزه. گیاهی است از رستنی های

کرماشان که در محل های زیر می رویند:

کرماشان، سونقوز، کدناوهر، شاهق. (معص).

نگا: کوشندهر

کراوی: گیاهی است خوشبو. نگا: کراویه. (هه)

کراویه: *Grammoscladium scabridum*

= *Grammoscladium longilobum*

شوید کومی زیر. گیاهی است از رستنی های

کردستان که در روستاهای اطراف کۆسالان از

جمله روستای ژیار، آن را «کراویه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده

نمودم: کۆسالان و ارتفاعات ژیار، پالنگان،

شاهوی پالنگان، تهنگی وهر، پاوه. (مؤلف)

کر توپل: سیب زمینی. نگا: سیفزه مینه. (هه)

کر توغل: سیب زمینی. نگا: سیفزه مینه

کر توو - کر تو: گیاهی است باریک و محکم

که دسته های گیاه و گل را با آن می بندند.

گیاهی که بسته های گیاه را با آن می بندند.

(رو، هه)

کر ژله: گیاهی است سنبل تلخی، به زیاد

تلخ بودن معروف است. نگا: که کره

کر سب: کرفس. نگا: که رهوز

کر سنه - کزن: گاودانه. کرماشانی: گاوانه.

بیجاری: گاوانه. (هه، رو، مو) نگا: گادانه

کر کزوک: ۱- گیاهی است شبیه کلم ۲-

سیب زمینی استانبولی. (هه)

کر کره: نوعی انگور است. (رو، هه)

کر کم: زردچوبه. نگا: زهرده چو

کر مکوزه: ۱- گیاهی است داروی کرم شکم.

(هه) ۲- نگا: زیواس. (رو)

کر مه کوژه: *Lotus gebella*

آموماش (یونجه پاکلاغی). گیاهی است از

رستنی های کردستان که در بعضی جاها از

جمله خورخوره سقز آن را «کر مه کوژه»

گویند. گل های این گیاه مثل گل یونجه است و

بهمین مناسبت در بعضی جاها از جمله

صلوات آباد سسندج آن را «ویتجه کیفیه»

گویند. در بعضی جاها آن را «گیا کر مه» نامند.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را

مشاهده نمودم: روستای خورخوره ی سه قز

(و تقریباً همه کوه های منطقه خورخوره)، کۆل

و دۆزه غره، که وله، ثاریز، ثاره نان، خواشت،

چدم دهره زهنجیر، تهنگی وهر، ریگی بیجار -

تیکاب، زهرده وان، دۆله زهش مایین دۆل،

که رجق، هه شه میز، سه رشوی سه قز،

قولقوله ی میره دی، ره شنهش، ریگی سه ربناو

- تهنگی سه ر، زه نان، سه لواتاوای سنه، چل

چه مه، در یله، بنیه ر، زونج، باقلاوای شیخ

حسین، پیرخه یران، ریگی که له کان - بست،

نه که رۆز، پیرعومره ران، مه لکشان، کۆرکۆره،

ئیبرایم ناوای سنه، کوژه میانه، که ویگار،

شاهق، سه رهویه، ریگی سه رده شت - شنو *

در طب سنتی، دم کرده سرشاخه های گلدار

این گیاه را برای مداوای زخم، بریدگی

اعضاء، بند آوردن خون، (به صورت مالیدن و کمپرس) مفید می دانند و پودر خشک کرده این گیاه را روی زخم حیوانات می پاشند، زخم را بهبود و التیام می بخشد. همچنین برای از بین بردن کرم زدگی حیوانات به صورت شستشو استفاده می کنند. (مؤلف)

کر مه کوژه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای تا از توابع کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: زه زئقه. (مو)

کر نك: کرچک. نگا: گهرچهك. (مو)

کر ننگ: کرچک، گیاه کرچک. نگا: گهرچهك. (مو، هه)

کرنو: (کر): کرچک. نگا: گهرچهك

کر نوو: کرچک. نگا: گهرچهك. (مو)

کر نه: کرچک. نگا: گهرچهك. (مو)

کر نی: کرچک. نگا: گهرچهك. (مو)

کرو ت: نوع گلابی است. (هه)

کر و زرو: نگا: توسی. (هه، رو)

کر و سك: ۱- گلابی وحشی، گلابی کوهی، امروود خودرو ۲- نوعی امروود کوهی است که میوه اش سخت و سبز و دیررس است. «هه مر و کئیفله، کورسك، کور و سك، هه رمی کئویله، گیرسك». (هه، ابرا، که)

کر و کس: گلابی خودرو. نگا: کر و سك. (هه)

کر ه گو شه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای هورامان به این نام خوانده می شود. نگا: سئ فو که. (مو)

کر ه گو شه: گیاهی است که در روستای هویه از توابع سندج، به این نام خوانده می شود. (مو)

کر یزه نئین: گلی است صحرایی. در گویش دیاربکر آن را «پات» گویند. نگا: پات

کر یژه به رد: گل سنگ. نگا: قه وزه

کر ن: ۱- گیاهی است پرورش داده شده که خوراکی مقوی برای دام و حیوان است. نگا: گلینشه. (رو، گژ، که) ۲- ارزن درشت. نگا: گارس ۳- کرسنه، یکی از حبوبات است. (هه)

کر نهك: گزنه. نگا: گه زنه. (مو)

کر نلیك سه ره: بابا آدم. گیاهی است که در روستای حلوائی بیجار می روید و به این نام خوانده می شود. نگا: پناوه تۆم. (مو)

کر نیکه: نگا: گه زنه

کر پلوك: گیاهی است با پیازه خوردنی که بیخ آن را پاک می کنند و پوست آن را می گیرند و بعد آن را می خورند. (رو، هه)

کشمش کاو لی: (کر ماش): نوعی داروی گیاهی که برای باز شدن سر دمل و جوش روی آن می گذارند.

کشمیشی: نوعی انگور است، انگور بی دانه، کشمشی. (رو، هه)

کشمیشی کاو لیان: نگا: ده مو و کانه

کشینژ: کشینژ. نگا: گژنیژ. (هه)

کشینژه: کشینژ. نگا: گژنیژ. (رو)

کفر: ۱- درختچه یا دهنی است که در کنار رودخانه ها می روید، میوه ای دارد سیاه و ریز. ۲- نگا: ته زه ونه. (هه، رو، که)

کفکی: درختچه ای است. نگا: ته زه ونه

کفارك: قارچ. نگا: قارچك. (ابرا)

کفارگ: قارچ. نگا: قارچك

ککه و: درختچه ای است جنگلی. نگا: کیکف. (مو)

کلاوبن: نگا: قالاوقن

کلاوبنه: ۱- در اکثر جاها از جمله روستای تولقوله می رده دی از توابع سقز به «قالاوقن»

کردستان که آن را «کولالاش» نیز گویند. (رو)
 کم بهر: گلی است بهاری. (هه)
 کنار: درختی است. (هه)
 کناری: خاربنی است. (هه)
 کندر: کنگر. نگا: قنگر
 کندردزک: خاربنی است. (هه)
 کندره: نگا: قنگر
 کندیله: نگا: قنگر
 کنر: نگا: قنگر
 کنگاوله: نگا: تنگاوه
 کنگاولی: نگا: تنگاوه
 کنگر: نگا: قنگر
 کنگر: (ههورام): گیاهی است که اهالی
 روستای ژوار در هورامان، آن را به این نام
 می خوانند. نگا: قنگر. (مو)
 کنیر: ۱- گیاهی است با گل‌های زیبا ۲- نام دو
 درخت خاردار و بی خار ۳- دُم‌لی که در ناحیه
 مقعد می باشد. (هه)
 کنیرۆک: گیاهی است. (هه)
 کنیره: ۱- درخت کنیر بی خار ۲- گیاه کنیر.
 (هه)
کنیوال: *Allium cf ampeloprasum*
subsp Iranicum
 تره کوهی، طلم، پیاز کلاغ، تره وحشی. گیاهی
 است از رستنی‌های کردستان که در گویشها و
 مناطق مختلف کردستان، با نام‌های زیر، آن
 را می نامند و می شناسند: «کنیوال، کنیوالی،
 کوزاده، کهوه‌ری کیوی، کنیواله هدریله،
 کوزاده. در (گژ، رو) نام انگلیسی این گیاه را
 (Karda mino) نوشته اند. و مظفریان آن را
 sumer leek, Sweet leek نوشته است.
 محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

می گویند. نگا: قالاوقن ۲- گیاه که له
 رووه که کانی کوردستان ۳- گه‌لای بنکی
 زَیواس. (گژ، رو، مو)
 کلاوزره: برنجاسف، درمنه. (مه)
 کلاوسوور: گیاهی است آشی، گیاهی است
 بهاری که بیخ‌ش سرخ است. (هه، رو)
 کلاوسووره: نگا: کلاوسوور
 کلپازک: ۱- گلی است از گل‌های بهاری. نگا:
 گوئه نه ورززه ۲- سمنی، سبزه شب عید. (هه)
 کلچیکوکه گورگانه: گیاهی است. (هه)
 کلسم: گیاهی است صحرائی. (هه)
 کلسین: گیاه کُنف. (هه)
 کلکه ته‌سپ: گیاهی است. که در انگلیسی
 آن را (Tail - corn horse) گویند * «بۆ
 هه‌لامت باشه، گیسرکه‌رو، میز پیکه‌رو،
 باده‌رکه‌ره». در رواندوز از توابع کردستان
 عراق بحد و فور می روید. (رو)
 کلکه تاؤسه: تاج الملوک. (مه)
 کلکه زَیوی: گیاهی است از رستنی‌های
 کردستان که در قلقله‌ی میرده به این نام
 خوانده می شود ولی در محل‌های زیادی این
 گیاه را «بزنه زیشه» گویند. در منابع (رو، گژ)
 آمده است که گیاهی است از خانواده هه‌لۆ و
 که ما و به احتمال قوی منظور همان گیاه «بزنه
 زیشه» است. نگا: بزنه زیشه. (مو، رو، گژ)
 کلکه زَیوی: چای کوهی. نگا: گول که‌وو.
 (مه)
 کلکه زَیوی: ۱- نوعی انگور است ۲- ثمر
 گیاهی است. (هه)
 کلکه گه‌وَن: گیاهی است که در روستای
 گه‌لین به این نام خوانده می شود. (مو)
 کَلولاش: گیاهی است از رستنی‌های

مجبرب است. این گیاه هم به صورت خام قابل خوردن است و هم از آن نوعی نان روغنی تهیه می کنند که در فارسی آن را سنپوسه و در کردی که لانه گویند. دارای پیازه سفید شبیه پیازه (پیچک) است. (مو، گژ، رو، هه، دا، مظ)

کنیواله ههر دیله: تره کومی. نگا: کنیوال. (مو)

کنیوالی: (هه ورام): تره کومی. نگا: کنیوال. (مو)

کوارگ: قارچ. نگا: قارچک.

کوتکه سه رئا سنیته: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای نیه، با این نام خوانده می شود. (مو)

کوتهری: نوعی خربزه شیرین است. (هه)
کوجیله: نوعی از جتیانا که تمام سمی است. (مو)

کوجیله به رزه: جتیانا. (مه)

کوچگه چوره: *Chrozophora obliqua*

گل عقری: گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: کرماشان، سه ریئل زه او، زوانسهر، که نگاوه.

این گیاه را «گوله کهو» هم گویند. (معص)

کوچوله - کوچوله: ۱- گیاه زهرامی. نگا:

ژارماسی ۲- گیاه بسته بندی. (هه)

کوچه: نوعی انجیر ریز است. (رو، هه)

کوچه کاو: نوعی انجیر است. (رو، هه)

کوجیله: گیاهی است. (هه)

کوخ: هلو. نگا: هه شتالوو. (مو)

کودو: کدو. نگا: کوله که

کودوو: کدو. نگا: کوله که

کودوو: کدو. نگا: کوله که

مشاهده نمودم: سه والآن، چل چه مه، ره شتهش، گلیه، تهنگی سهر، نیه، تهکیه، هه شه میژ، ژالانه، سلین، بلهر، که ماله، شاری هه ورامان، ژیوار، ناویه، ئاریژ، وی سهر، نهوینهنگ، پالنگان، شاهوی پالنگان، زمزیران، ئاریه با، گهرده نهی خان، سه لواتاوای سته، سولتان نه حمده، به ورو پهریشان، دهره ویسان فاسز، دهره ویسان خواروو، که کهوسان، کؤل و دۆزه غهره، میانه، گهلین، خانه گای گهلین، شاره کی بیجار، سه رشیوی سه ریوان، تهله بهرد، شیان، سه رچی، تا، هه نیم، دۆلاو، وتره زهوی، کۆسالان، بۆزیده، ده گگا، کوزه میانه، نه که رۆز، پیرعومهران، زه نان، زوانسهر، پاوه. ارتفاع این گیاه را در بعضی جاها از جمله کۆسالان اندازه گرفتم تا حدود ۹۶ سانتی متر بود و در چهل چشمه حدود ۸۴ سانتی متر بود * خوردن آن با روغن حیوانی برای دفع کرمهای معده (که علامت آن گویا تهوع بی مورد است) بی نهایت مفید است. رازی می فرماید اگر آب تره کوهی را با آب نعناع مخلوط کرده و به مدت ۳ روز ناشتا یک استکان از آن بنوشیم تمام بادهای بدن را دفع کرده ورم پلک چشم را برطرف می کند. جوشانده تره کوهی مخصوصاً ریشه آن با گل پامچال (هر کدام ۱۰۰ گرم) به مدت ۵ روز برای فراموشکاری و مرض نسیان بی نهایت مفید است و اگر تره کوهی را با گل بنفشه و گل شقایق (هر کدام ۱۰۰ گرم) کوبیده و مخلوط کرده و هر بار یک قاشق غذاخوری را در ۵۰۰ cc آب جوشانده و تا ۳ روز مصرف نمائیم برای امراض قلبی و بی خوابی نافع و

کودی: کدی. نگا: کوله که

کودی: کدی. نگا: کوله که

کوودوو: کدی. نگا: کوله که

کوزاد: تره کومی. نگا: کنیوال

کوراده: تره کومی. نگا: کنیوال

کوزاده: تره کومی، تره وحشی. گیاهی است

که در روستای کتلهشین واقع بر سر جاده سقز

- بانه، و در بانه، به این نام خوانده می شود.

این گیاه را «کوزاد، کوراده» نیز گویند. نگا:

کنیوال. (مؤلف)

کوراگ: قارچ. نگا: قارچک. (هه)

کورالاش: گیاهی است که در روستای هویه

به این نام خوانده می شود. نگا: کوکلاشک. (مو)

کورد کوزه: ۱- نوعی انگور ۲- نوعی

خرمای نامرغوب. (هه)

کورده کوزه: نوعی از زالزالک است که در

مهلکشان و رشنش و مریوان به این نام

خوانده می شود، دارای میوه های درشت

است. (مو، هه)

کورسک: گلایی خودرو. نگا: کروسک

کورکه نیسان: نوعی خشخاش بی غوزه

است که آن را «گولآه سووره، چاره چه قیله»

نیز گویند. (هه، رو). نگا: چاره چه قیله

کورکه نیسان: شقایق. (ابرا)

کورگ: تره. نگا: کهور. (رو)

کوزنوو: کرچک. نگا: گهرچهک. (ابرا)

کوزنوش: کرچک. نگا: گهرچهک. (ابرا)

کوروجهله: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در روستای «دهره کئی» با نام

فوق الذکر خوانده می شود. (مو)

کوروسک - کوروسک: گلایی وحشی،

گلایی کومی، گلایی خودرو. نگا: کروسک.

(هه، ابرا)

کوره: ذرت. نگا: گهنم شامی

کوره توسی: گیاهی است که دارای یک

شاخه اصلی است و مثل توسی بالا رفته و

دارای شاخه های فرعی نیز می باشد. ارتفاع

آن حدود ۲/۵ متر است. خیلی جاها هم

می روید در روستای هه شه میز به این نام

خوانده می شود. (مو)

کوره شن: نوعی شنگ است که در روستای

زه نان به این نام خوانده می شود. (مو)

کوره ک: ارزن. نگا: هه رزن

کوره گوشه: *Phlomis anisdonta*

گوش بره کوهستانی. گیاهی است از

رستنی های کردستان که در بسیاری از

ارتفاعات بالا می روید و آن را با نام های

«کوره گوشه، حه شه لووره، حه شه لوره»

می نامند و می شناسند. این گیاه شبیه گیاه

«کاسه شور گول فواره یی» است. این گیاه را

اهالی روستای ژیوار از توابع هه ورامان،

«کوره گوشه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: به ینی ته کیه و شانشین، شیان،

هه شه میز، شانشین، سه رهویه، کزسالان، پاوه،

ژیوار. (مو)

کوره گوشه: گیاهی از رستنی های کردستان

که ساقه و برگهای طوسی رنگ است مایل

به سفید در کنار جاده ها زیاد می روید. (مو)

کوره گوشه: گیاهی است که در نیر، به این

نام خوانده می شود. گیاهی است که گرد و

خاک زیاد بخود می گیرد. نگا: کاسه شور. (مو)

کوره گوشه: گیاهی است که در بعضی از

روستاهای مریوان به این نام خوانده

پیرعومهران، عهوالآن، سولتان نهحمده، بهورو
پوریشان، کهرجو، ههشه میژ، ئاریز، رهشنهش،
وئ سهر، نهو پهنهنگ، خواشت، دزیله، بنیه،
زونج، باقلاوای شیخ حسهین، پیرخهیران،
زیگی سهریناو - تنگی سهر، ریگی سسته -
کهزه سی - ههشه میژ، ریگی کهلهکان - بستی،
سهرشیوی سهقز، گهرده نهی سهلواتاوا،
سهرشیوی مهربوان، قهله بهرد، بلچه سور،
تهکیه، شیان، زوانسهر، جوانزق، پاوه، کوژ،
چهم دهره زنجیر، دهگاگا، مازی بن، ریگی
سهقز - بانه، ریگی بانه - سهردهشت، ریگی
میراوا - شنق، ریگی سهردهشت - مههاباد.
(مو)

کوز پیره ژن: گیاهی است که در بعضی
جاها به این نام خوانده می شود و در خیلی جاها آن را
«سن فوکه» گویند. نگا: سن فوکه. (مو)

Salvia sclarea کوز پیره ژن:
مریم گلی. گیاهی است از رستنی های
کردستان که در بعضی جاها آن را به این نام
می نامند. (مو، مظفریان)

کوز پیره ژن: گیاهی است از رستنی های
کردستان، دارای گل های سفید شبیه شادانه
است * در طب سنتی برگ های این گیاه را
برای بهبود و التیام زخمها مفید می دانند.

محل رویش - کوسالان و بسیاری جاها
دیگر. (مو)

کوزه ماسه:

Veronica anagallis - aquatica

سیزاب آبی جویباری. گیاهی است از تیره گل
میمون و از رستنی های کردستان که در
مناطق مختلف آن را با نام های زیر، می نامند
و می شناسند: «کوزه ماسه، ماکوز،

می شود. نوعی گاده مه (ویرباسکوم) است که
دارای شاخه های منشعب و متعدد است. (مو)
کوره گوشه: گیاهی است از رستنی های
کردستان و شبیه پونه * در طب سنتی
کردستان برای درمان اسهال از آن استفاده
می کنند. (مو)

کوره لاش: گیاهی است. (هه، رو)

کوره لوس: گیاهی است که در بعضی جاها
از جمله روستای زهنا از توابع سنندج به این
نام خوانده می شود. نگا: تالی توژ. (مو)
کوزه یوشه: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در هورامان به این نام خوانده
می شود. گونه ای سالویا است.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده
نمودم: گهرده نهی سهلواتاوا، هورامان،
که ماله، بلهر، ژیار، ژالانه. (مو)

کوریت: گیاهی است. (هه)

کوزی ته نگانه: نگا: دیمیله. (گز)

کوریک: نوعی ارزن. (هه)

کورینگان: از گیاهان مناسب برای خوراک
دام. (هه)

کوزارک: نگا: گوژالک. (هه)

کوزانه: نوعی انگور است. (هه)

Salvia cf atropatana کوز پیره ژن:
گیاهی است از رستنی های کردستان که در
بعضی از روستاها و مناطق کردستان از جمله
روستا های کهرجو، وئ سهر، رهشنهش آن را
«کوز پیره ژن» گویند. و در سارال «کوسه
پیره ژن» گویند. این گیاه را در جوانی می پزند
و می خورند.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را
مشاهده نمودم: کوزه میانه، نه کهروژ،

ماكوس». اين گياه شبيه كووزه له است و در همسايگي او مي رويد ولي غير خورديني است. به كسي كه گياه «كووزه له» مي چيند و مي خورد، مي گويند. مواظب باش كه به جاي كووزه له، كوزه ماسه نخوريد، يا كوزه ماسه نچينيد.

محل رويش - در محل هاي زير، اين گياه را مشاهده نمودم: باقلاوي شيخ حسين، چل چه مه، خورخوزه ي سه قز، ميژاو، نيه ر، ته كيه، هه شه ميژ، سه رويه، هويه، چه م دهره زه نجير، ره شنه ش، رنگه ي كه له كان - بست، نشوور، زنسان، سه رشيوي سه ريوان، بلچه سوور، شيان، پاوه، روانسه ر، جواترؤ، كؤل، دهره ويان فازس، گليه، كاني مشكان، كي لانه، داده نه، كه رچؤ، حسين ناوي كه رنگه ره. (مؤلف)
كوژالك: هندوانه ابوجهل. نگا: كاله كه مارانه. (هه)

كوژره ره - كووزه ره: انزروت. نگا: هه زه رووت. (رو، هه)

كوسه پيره ژن: گياهي است كه در بعضي از روستاهاي سارال، به اين نام خوانده مي شود. همان گونه معروف و فراوان است. نگا: كوز پيره ژن. (مو)

كؤشكه: نوعي گلابي است. (هه، رو)
كوشن: كرسنه، يكي از حبوبات است كه براي چاق شدن گاو مفيد است. نگا: كؤن

كوشنده ر: *Echinophora platyloba*
خوشا ريزه. گياهي است از رستني هاي كردستان كه آن را «كوشه ندر، كوشه نهر، كوشنده ر» گويند. اين گياه معطر است رنگ و برگهايش تقريباً شبيه رنگ و برگهاي نوعي «تؤسي» است بهنگام جواني. (مو)

كوشنه: نگا: كوشن

كوشه ندر: نگا: كوشنده ر

كوشه نهر: نگا: كوشنده ر. (مو، ابرا)

كوفكارك: قارچ دشتي. (هه)

كوفيؤري: درختچه اي است جنگلي. نگا: كفر. (هه)

كوفارك: قارچ. نگا: قارخك. (ابرا)

كؤؤرك: گياهي است در داخل مرغزار رويد. (هه)
Scorzonera
كوكلاش:

سنگ اسبي. گياهي است از رستني هاي كردستان كه آن را با نام هاي زير مي نامند و مي شناسند: «كؤكلاشك، كؤكلاشكه، كورالاش، جاجكه تال، كؤكلاش، جاجكه قولاچكه، وه شه لاش». گونه هائي از اين گياه در كردستان مي رويد * در طب سنتي، شيره اين گياه راكرم كش ميدانند و نيز براي درمان گري «گه زؤلي» از شيره آن استفاده مي كنند. در عرف مردم ريشه (ريزوم) اين گياه را از زير خاك بيرون مي آورند و شيره آن را روي يك تكه سنگ پاكيزه و تميز مي چكانند تا كمي سفت شود و بعد آن را مانند آدامس مي جوئند.

محل رويش - در محل هاي زير، اين گياه را مشاهده نمودم: هزار كانيان، كؤل و دؤزه خه ره، دهره ويان فازس، دؤله زه ش مابين دؤل، سولتان شه حمه د، هه والآن، قولقوله ي ميره دي، پيرعومره ان، نه كه رؤز، ره شنه ش، نه ويه نك، خؤرخوزه ي سه قز (روستا و منطقه) سه يفاوي سه قز، كه كه وسان، چل چه مه، كؤسالآن، شاهوي وي زيه ر، شاره كي بيجار، شاهوي ته نكي وه ر، هه شه ميژ، په نجه عه لي قوروه، ژيوار، سه رشيوي سه ريوان. در

منبع (گز) نیز نام این گیاه مذکور است. (مؤلف)

کوکلاشک: نگا: کوکلاش

کوکلاشک: *Scorzonera latifolia*

شنگ اسبی برگ پهن. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در کوه‌های کردستان می‌روید و آن را مشاهده نموده‌ام. نگا: کوکلاش. (مو، مظ)

کوکلاشک: *Scorzonera cinaria*

شنگ اسبی رفیع، شنگ اسبی رگه‌دار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. آن را در کوه‌های کردستان مشاهده نموده‌ام. نگا: کوکلاش. (مو، مظ)

کوکلاشک: نگا: کوکلاش

کوک: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: پسل. (مو، رو)

کولافک: قارچ. نگا: قارچک

کولالاش: نگا: کللاش

کولیزک: گلی است بهاری. نگا: گوله‌نوروزه کولکنک: (کرماش): گیاهی کرکدار که مصرف دارویی دارد.

کولکنینه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

کولنجان: خولنجان، گیاهی است دارویی. (هه، رو). نگا: خولنجان

کولند - کولند: کدو. نگا: کوله‌که

کولندر: کدو. نگا: کوله‌که. (هه)

کولندهر: کدو. نگا: کوله‌که

کولنگ: میوه‌ایست جنگلی. (هه)

کولنو: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

کولوزبانه: گیاهی است بهاری و دارویی دارای گل‌های زرد رنگ * جوشانده این گیاه در طب سنتی برای درمان شکم درد نوشیده

می‌شود. (رو، هه)

کولولاس: گیاهی است که در روستای

کوله‌ساره به این نام خوانده می‌شود. (مو)

کوله‌بونه: نگا: پسل‌که‌وله. (مو)

کوله‌بی: ۱- نوعی درخت بید است. نگا:

پیکول ۲- «دره‌ختی کوزوز». (هه، رو)

کوله‌زوانه: گیاهی است. (رو)

کوله‌سوور: گیاهی از رستنی‌های کردستان

که شبیه گیاه «ریحانه پهره» است. (مو)

کوله‌شین: نوعی از گیاه «کول» است. (رو).

نگا: پسل

کوله‌ند: کدو. نگا: کوله‌که. (هه)

کوله‌ندهر: کدو. نگا: کوله‌که. (هه)

کوله‌نگ: (ئیلان): درخت بینه، نگا: داره

وهن. (علیر، مو)

کوله‌نگ نهرمه: (دیل): خنچک. درختی

است. (علیر)

کوله‌وار - کوله‌وار: خارشتر. نگا:

وشرخوار

کولنی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان

که در ارتفاعات به‌وروپه‌یشان هم می‌روید و

در روستای چهرمه‌له (چرمه‌بالا) از توابع

سنقر و کلیانی با این نام خوانده می‌شود. در

مناطق دیگر کردستان با نام‌های «کول»، «پسل»

خوانده می‌شود. نگا: پسل. (مو)

کولیره چه‌وره: ۱- گیاهی است که در

بعضی از روستاهای سه‌قز و کامیاران، به این

نام خوانده می‌شود. نگا: په‌په چه‌وره ۲- میوه

و ثمر گیاه پنیرک. میوه این گیاه کمی که پیر

شد شبیه کولیره چه‌وره است و بدینجهت آن

را «کولیره چه‌وره» گویند. (مو، رو، گز)

کولیک: گیاهی است از رستنی‌های کردستان

که دو نوع آن در دشت هه ولیر می روید:
 «کولیک ناگرو، کولیک نیسان» * این گیاه را
 برای درمان روماتیسم مفید می دانند. (رو)
 کولیک ناگرو: گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در دشت هه ولیر، می روید. نگا: کولیک
 کولیکا نیسانی: لاله. نگا: گوئه میلاقه
 کولیک نیسان: گیاهی است که در دشت
 هه ولیر می روید. نگا: کولیک
 کولیندک: کدو. نگا: کووله که. (هه)
 کولینگ - کولین: (لهک): بنه، پسته
 جنگلی. نگا: داره وهن
 کومکی شقان: گیاهی است دشتی. (هه)
 کومیزه: (کرماش): کمبوزه، خربزه کوچک و
 نارس. نگا: خرچه
 کومین: زیره. نگا: زیره. (هه)
 کونار: ۱- درخت سدر. (ابرا) ۲- درخت
 کنار، کونار، درختی است ثمری دارد مانند
 زالزالک زرد رنگ. (هه) ۳- «کونار - زهرک -
 مه لحه م». (رو، که)
 کونار: *Ziziphus spina - christi*
 کنار، سدر. گیاهی است از رستنی های
 کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد:
 نفت شهر، سومار. (معص)
 کونجرکه: گیاهی است بهاری، ثمری دارد
 مثل ثمر (په یکوئل) ولی خارهای این گیاه
 ریزترند. (رو)
 کسونجره: گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در کتله شین به این نام خوانده
 می شود. روههک این گیاه را «کونجرکه» هم
 نامیده است.
 محل رویش - در کتله شین این گیاه را مشاهده
 نمودم. (مو)

کونجره: خار سه کومه. نگا: په یکوئل
 کونجه: کنجد. نگا: کونجی
Sesamum indicum
= S. orientale
 کنجد. گیاهی است که در مناطق مختلف
 کاشته می شود. آن را با نام های زیر می نامند
 و می شناسند: «کونجی، کونجه، کونجیت،
 قونجی، کتاف». در گویش کرماشانی، له کی و
 دی لوزانی، نیز «کونجی» گویند * کنجد،
 گیاهی است بسیار بالارزش که دانه های آن
 جهت تهیه روغن کنجد و گاهی نیز همراه با
 شیرینیجات مختلف به مصرف می رسد.
 روغن کنجد در تهیه حلوا ارده بکار می رود و
 دانه آن نیز به صورت خام و یا گاهی بوداده
 به صورت آجیل و همراه با خرما مصرف
 می گردد. (مو، مظ، هه، لهک، علیر،
 کرماشاهی، دا، با، گو، رو)
 کونجیت: نگا: کونجی
 کونجی خوژسک: کنجد خودرو، کنجد
 وحشی، کنجد کوهی. آن را در کردی با نام های
 زیر می نامند. «کونجی دهیمی، کونجی که رک،
 کونجی خوژسک، کونجیه کیویله، کونجی
 کیتی». (مو، هه)
 کونجی دهیمی: نگا: کونجی خوژسک.
 (مو)
 کونجی که رک: نگا: کونجی خوژسک.
 کونجی کیتی: کنجد کوهی، گیاهی است. در
 روستای مه لکشان با نام فوق خوانده
 می شود. (مو).
 کونجی کیوی: گیاهی است با ظاهری شبیه
 کنجد ولی گونه ای (لاله ماتیا) است که در
 سرشیو مریوان و بعضی جاهاى دیگر

خۆرخۆزەى سەقز، دەرەویان فازس، کۆژ و در
کردستان عراق در سلیمانیه، کرکوک، آمدی و
رواندز هم می‌روید. در کرماشان، ئیسلاام
ئاوای غەرب، کۆزەوان، هەرسین، سونقوز،
سەراو زوانسەر، پیزان سەرپیتل زەهاو، نیز
می‌روید * کۆزەلە برای درمان یرقان، شکم
درد، شاش بند و تب مفید است. زردی رنگ
صورت را سرخ و قرمز می‌گرداند. خوردن آن
سبب شستشوی کلیه و شکستن سنگ مثانه
و کلیه می‌شود. مدر ادرار است، مقوی مغز و
فکر است، تصفیه کننده خون است، قاعدگی
را جلو می‌اندازد. برای زن حامله خوب
نیست. (مو، خواص، رو، گۆ، مظ، ابراه، هه،
معصب کرمانشاهی)
کۆزەلە: (کرماش): علف چشمه. نگا:
کۆزەلە
کۆزى: ترتیزک آبی. نگا: کۆزەلە
کول: نگا: پسل. (معصب)

Cucurbita

کوله که:

کدو. گیاهی است که انواع آن در کردستان
پرورش داده می‌شود و آن را در گویشها و
مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر
می‌نامند و می‌شناسند: «کوله که، کودی،
کودوو، کۆدوو، کوندلر، کوندک، کدوو، کۆدی،
کدو، کۆندک، قۆندک، کۆلند، کوله‌ندەر، کوله‌ند،
کودو». (مو، رو، ابراه، هه، گۆ، کرمانشاهی، که)
کوله که ئاویی: نوعی از کدو است. (رو)
کوله که بالقه‌باغی: نوعی از کدو است. (رو)
کوله که ترشی: نوعی از کدو است. (رو)
کوله که ترشیانه: نوعی از کدو است. (رو)
کوله که خانمی: نوعی از کدو است. (رو)
کوله که دمه: نوعی انجیر که شبیه امرو

می‌روید و در بعضی از روستاها از جمله نی،
آن را «کونجی کئی» گویند. (مو)
کوندلر: کدو. نگا: کوله که. (ابراه، هه، که)
کوندلری میرانی: کدو حلوائی. نگا: کدو
بارزانی
کوندک: کدو. نگا: کوله که. (ابراه، هه، که)
کوندکی ئاوی: کدو تنبل. نگا: کوله که
سراوی
کوندکی کۆسه: کدوی دلمه. (هه)

کوندور: کندر. (مه)

کۆنکۆل: درختی است جنگلی ثمری مثل
پنبه دارد. (هه)

کوو: کدو. نگا: کوله که

کوان: نگا: گه‌لاکوان. (مو)

کووته: نوعی خیار است.

کوز: ترتیزک آبی. نگا: کۆزەلە. (مو)

کۆزەلە: Nasturtium officinal

= Rorippa nasturtium

علف چشمه، بولاغ اوتی، ترتیزک آبی، آب
تره، شاهی آبی. گیاهی است از رستنی‌های
کردستان که آنرا با نام‌های زیر می‌نامند:
«کۆزەلە، بیزەر، به‌رگه‌می، کوز». در عربی
آن را «کرفس الماء، قرة العين، حب الرشاد و
جیرجیر الماء» گویند. برگ‌های آن شانهای و
گل‌های آن سفیدرنگ است (تفاوت آن با سیزاب)
محل رویش - در اغلب مناطق کردستان
می‌روید - در محل‌های زیر این گیاه را
مشاهده نمودم: گلیه، سوورکه‌ژل، کۆله‌ساره،
ره‌شەش، به‌رو پەرتشان، چل چه‌مه، دادەنه،
دەرەویان خواروو، که‌که‌وسان، حەسەن ئاوی
سەنه، کانی مشکان، کیلا‌نه، سەرشویی
سەریوان، بلچه سوور، شیان، پاوه،

است. (رو)

کوله که دوشاویی: نوعی از کدو است که بزرگ و سرخ و شیرین است و از آن غذا درست می کنند. (رو)

کوله که دهرویشی: نوعی از کدو است. نگا: کوله که بالقه باغی

کوله که سه راوی: نوعی از کدو است که در کردستان پرورش داده می شود، کدو حلوائی. (مو، ابرا)

کوله که سه نده لی: نوعی از کدو است. (رو) کوله که شامیی: نوعی از کدو است، کدو حلوائی. (ابرا)

کوله که گیا: گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می شود. نگا: گه لامیران. (مو)

کوله که ی بوتلی: نوعی از کدو است. (رو) کوله که ی چیشت: نوعی از کدو است. (رو) کوله که ی سپی: نوعی کدو است که تخم و روغنش ضد کرم است و آن را در انگلیسی (White gourd) گویند. (رو)

کوله که ی سوور: نوعی کدو است که دارویی است و در انگلیسی آن را (Red gourd) گویند. (رو)

کوله که ی شیرین: نوعی از کدو است. (رو) کووه: (لهك): درخت سپیدار یا تبریزی. نگا: نه سپیدار

کویخا حمه دی: نوعی انگور. (هه) کویز: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. نگا: کووزه له

کویز: ترتیزک آبی. نگا: کووزه له کویز روک: گیاهی است. نگا: گوزروان. (هه) کویزه له: (له یل): علف چشمه. گیاهی است

که در منطقه له یلاخ و در روستای باقلاوای حسین ثاوا از توابع سنندج، به این نام خوانده می شود. نگا: کووزه له کویه: گیاهی از رستنی های کردستان که در اورامان آن را کویه گویند. (مو) که باباه: کبابه دارویی. (هه)

که باباه چینی: کبابه چینی. (هه) که بات: ۱- ترنج ۲- نوعی نارنج است. (رو، هه) که بر: درختی است خاردار که میوه آن شبیه خردل است. نگا: که بهر

که بوژ: درختی است جنگلی. (هه) که بهر: ۱- درختچه ای است خاردار. نگا: که بر ۲- مارچوبه ۳- شهبه لاج، شهفه له. در انگلیسی (Kaper bush). (هه، رو) ۴- که مال، معادل و نام های دیگر این گیاه را «شهفه له، مارگیره، شیفه له» ثبت نموده است. (که)

که پی پان: نوعی انار است. (هه) که ت: (زا): ۱- یونجه. نگا: وینجه ۲- پرنده ای حلال گوشت. (هه، ابرا)

که تان: *Linum glaucum*

کتان بین النهرینی. گیاهی است از رستنی های کردستان دارای گل های آبی مایل به بنفش (داخل گل سفید، پشت گل آبی). این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گیا که تان، که تان، به زره ک، به زره ک، و در سه یف ثاوا و بست، آن را گیاکام». صوفی صالح اهل روستای بست که از افراد با سن و سال و باایمان و خیرخواه است، این گیاه را «گیاکام» می نامید. همچنین کاک حسین قادرپور اهل روستای سه یف ثاوا ی سه قز، این گیاه را «گیاکام» می نامید. این گیاه حدود ۶۰ سانتی متر ارتفاع دارد

استفاده می شود * تخم یا دانه این گیاه برای درد و ناراحتیهای معده خوب است، ضد نفخ است. (رو)

که ربه ش: خا ربنی است. (هه)

که رتال: گیاهی است شبیه کنگر. (هه)
که رترینه:

Trigonoscladium viscidulum

گلپرک. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می خوانند: «که رترینه»، «که رترینه»، «که رترینه». دارای گل های چتری سفید است.

محل رویش - در غالب کوه ها و کنار جاده های استان کردستان می روید. در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: صلوات آباد بیجار، صلوات آباد سنندج، جاده سنندج - دیواندره، خورخوره سقز، رشنش، آریز، تنگی سر، کوسالان، جاده سقز - بانه، قلقله می میرده، قلعه حسن آباد، دهره ویان فارس، که که وسان، جاده سقز - بانه، آبیدر، جاده کرانی - شهرک، کانی مشکان، شهرک بیجار، کیلا، دادانه، کرجو، که و، کول و دوزه غره، گهلین، خانه گای گهلین، هورامان، ده گاگا، هوالان، دادنه ی که مانگر، گلپه، پیازه، سرشیوی مریوان، قله برد، ته کیه، شیان، زوانسر، جوانز، پاوه * در بعضی جاها، از این گیاه برای درمان تب و لرز استفاده می کنند. ارتفاع ساقه این گیاه تا حدود ۷۵ سانتی متر است. (مو)

که رترینه: نگا: که رترینه. (مو)

که رترینه ی زهره: گیاهی است شبیه که رترینه چرمگ ولی گل های زرد رنگ است و در بعضی جاها آن را «که رترینه ی زهره» گویند.

برگ های در جوانی شبیه برگ ترتیزک است * خوردن آن برای حیوانات خوب نیست. تخم کتان (دانه ها) را می کوبند و با شیر (دوشاب) مخلوط می کنند و از آن ملهمی می سازند و روی زخم و دمل می گذارند آن را زود می رساند و بهبود می بخشد. ضماد دانه های این گیاه فرو نشاننده ورمها است. جوشانده یا دم کرده ۱۵ تا ۳۰ گرم دانه های کتان در یک لیتر آب برای ورم اعضاء و عضلات معده مصرف می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سه یقاوی سه قز، خورخوره ی سه قز، حه سه ناوی سنه، سولتان نه حه د، ایستگاه تحقیقات خرکه، ریگی سنه - توروه، گهلین، زهان، بین میرو و نهر، چل چمه، گهرده نه ی سه لواتاوا، گلپه، بلچه سوور، ره شنش، ته کیه، هه شه میز، شیان، هوالان، قولقوله ی میره دی، روانسر، پاوه، خرکه، ریگی بانه - سرده شت، ریگی سرده شت - شنز، ریگی سرده شت - مه آباد، ریگی مه آباد - بوکان، زمزیران، ناریز، کول و دوزه غره، که و، سه لواتاوی بیجار. (مو، خواص، او، هه، قا، ابر، مظ، معر)
که تانی: بادام پوست کاغذی، بادام کاغذی. (ابرا، هه)

که چوله: گیاه زهرمائی. (هه)

که دوو: کدو: نگا: کوله که

که راوی: در بعضی روستاهای قروه به گیاه «کوشه ندر» می گویند. نگا: کوشنده

که راویه: Caraway

گیاهی است که آن را «زیره ی رومی» هم گویند. به صورت ادویه از دانه های آن

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گهرده نهی، سولواتاوا، زه شنهش، قولقوله ی میره دئی، شاره کی بیجار، نه که رز، پیرعومه ران، سهرشیوی مریوان، سهرشیوی سقز. (مو)

که رتزینکه: نگا: که رتزینه. (مو)

که رتوپه - که رتوپه: نگا: سیفزه مینه.

که رتول: سیب زمینی. نگا: سیفزه مینه

که رته ز: نوعی خیار کوهی تلخ، ثمر گیاهی است تلخ و شبیه خیار. (هه)

که رته شی: *Echinops*

شکر تیغال. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «که رته شی، سهرته شی، شه کروک، شه کروک، دژ که گورزه، شه کروه. در ملایر آن را (شه کروه) گویند.

محل رویش - تقریباً در همه جا - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: نه وپه نگ، ناریز، ناویه ر، هوپه، سهرهوپه، سهرچی، تا، هه نیمن، سالیان، نجی، چدم دهره زه نجیر، خواشت، قولقوله ی میره دئی، سهرشیوی سقز، سولتان نه حمه د، سهر او قسامیش، سولواتاوا ی سنه، نشور، هه والآن، دولا، ره شنهش، داذه نهی که مانگر، دژیل، بنهر، خانه گای جوجو، خانه گای گهلین، باقلاوا ی شیخ حهین، پیرخهیران، گه لیه، بلچه سور، ریگه ی سهر بناو - تهنگی سهر، پیازه، کوژه میانه، زنج، ریگه ی سقز - بانه، په نجه هلی قوروه، ریگه ی بانه - سهردهشت، ریگه ی سهردهشت - شنو، وئی سهر، تا، هه نیمن، سهرچی، ریگه ی سنه - دیواندره، ریگه ی سنه - دئی گولآن، که ول، کوژ

و دوزه هره، پالنگان، شاهوی پالنگان، تهنگی وهر، دژله زهش مایین دژل، زهردهوان، که رجز، ته کیه، هه شه میز، ته وریور، که زه سی، زه نان، مه لکشان، شیان، سهرشیوی مریوان و سقز، قله بهرد، ریگه ی کامیاران - روانسر، جوانزق، پاوه، ریگه ی کامیاران - کرماشان، ریگه ی کرماشان - قه سری شیرین، ریژاو. (مؤلف) در هه بانه و فرهنگ کرمانشاهی نیز به نام این گیاه اشاره شده است.

که رته شی: *Echinops haussknechtii*

شکر تیغال کردستانی. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: نه وپه نگ، ناریز، وئی سهر. (مظ، مو)

که رته شی: *Echinops kurdicus*

شکر تیغال کردی. گیاهی است از رستنی های کردستان. (مظ)

که رته شی: *Echinops bithynicus*

شکر تیغال، شکر تیغال ترکیه ای. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در محل های زیر آن را مشاهده نمودم: جاده سروآباد - مریوان، جاده مریوان - سقز، سرشیو مریوان. (مو، مظ)

که رته شی: *Echinops ritrodes*

شکر تیغال. گونه شکر تیغال است به ارتفاع ۶۰ - ۳۰ سانتیمتر با ساقه متعدد یا از قاعده منشعب با شاخه های منشعب در بخش فوقانی و رنگ گلها بنفش. این گیاه در کردستان و کرمانشاهان به حد وفور می روید. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نه وپه نگ، ره شنهش، وتره زوهی، ویتسر، دهره بند دژلی، ژالانه، هه جیج،

ئه‌وئه‌نگ، وئی‌سر. (مو)

که‌رته‌وئ: گیاهی است بلند و شبیه «گۆ‌گه‌م». (هه)

که‌رچیچه‌ک: درختی است جنگلی. (هه)

که‌رخ‌کینه: گیاهی است که در روستای

قولقوله‌ی میره‌دئی، به این نام خوانده

می‌شود. نگا: گۆل ئه‌سپه‌ک. (مو)

که‌رخ‌کینه: *Taenlatherum crinitum*

گیسو چمن. گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه مشاهده

نمودم: خوژخوژه، ته‌نگی‌وه‌ر، بیجار. (مو)

که‌رخ‌کینه: گیاهی است که در روستای

خه‌رکه، به این نام خوانده می‌شود. نوعی جو

یا شبیه جو است. این گیاه را «که‌ردز»

که‌رکوژه» نیز گویند. (مو)

که‌رخ‌کینه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که گلپایش شبیه «گۆله‌وورژه» و

برگپایش شبیه برگ سیر است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: پالنگان، شاهۆ، پاوه. (مو)

که‌رخو: نوعی نی کلفت. (هه)

که‌ردز: نگا: که‌رخ‌کینه

که‌ردز: گیاهی است که آن را: «ه‌رزن، گال»

هم گویند. نگا: ه‌رزن. (رو)

که‌ردو: نگا: کاردو

که‌رره: (دئیل - له‌ک) انجیر کوهی. نگا:

ه‌نجیره کیتفه

که‌رسه‌پ: نگا: که‌ره‌وز

که‌رکرووژه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان، این گیاه شبیه (چه‌ق چه‌قه) است و

بعضی از مردم له‌یلاخ آن را نوعی (چه‌ق

چه‌قه) میدانند. (مو)

که‌رکرووژه: گیاهی است که در روستای

ه‌ه‌ورمان، له‌به‌ینی ئاوایی ته‌کیه و ئاوایی

ئه‌وئه‌نگ، ریگی سه‌تۆ - بانه، ریگی بانه -

سه‌رده‌شت، خوژخوژه‌ی سه‌تۆ. (مؤلف). در

محل‌های زیر در استان کرمانشاه نیز

می‌روید: کرمانشان، کتوی دالاخانی، سه‌راوی

کردی غه‌رب، تاقه‌وسان، کتوی به‌موو، کتوی

نوا، کتوی شاهو. (معص)

که‌رته‌شی: *Echinops mosulenis*

شکر تیغال موصلی، شکر تیغال قصر شیرینی.

گونه شکر تیغال است که در کردستان

می‌روید و علائم مشخصه آن، این است که

روی برگپایش یک چیزی مانند تاول وجود دارد.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: چه‌م ده‌ره زه‌نجیر، خواشت،

گه‌رده‌ن‌ی ئاریزۆ، ئه‌وئه‌نگ. (مو)

که‌رته‌شی: *Echinops tournefortii*

شکر تیغال آزارانی. (مظ)

که‌رته‌شی: *Echinops ritro*

شکر تیغال.

محل رویش - کرمانشاه، ارومیه، جاجرود و

کرج، اراک، الوند، بروجرد. (فلور ایران)

که‌رته‌شی توپ‌دار: نوعی از گیاه شکر

تیغال است که در روستای زه‌نان به این نام

خوانده می‌شود. (مو)

که‌رته‌شی ما: نوعی از گیاه شکر تیغال

است که در زه‌نان به این نام خوانده می‌شود،

گونه دیگر این گیاه را در همین روستا

«که‌رته‌شی توپ‌دار» گویند. (مو)

که‌رته‌شیه چه‌رمه: شکر تیغال. گونه‌ای

«که‌رته‌شی» است که در روستاهای هویه و

سه‌رهویه، به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش و مشاهده - هویه، سه‌رهویه،

نشور با این نام خوانده می شود. (مو)

که رکوژ: نگا: ژاله

که رکوژ: نگا: که رخنکینه

که رکوژ: *Onopordon acanthium*

خار پسیرزن، خارپنبه. گیاهی است از رستنی های کردستان. آن را «که رکوژ»، دز که کرانه، که رکولی، که رکول» گویند. گیاهی است به ارتفاع حدود ۱۶۰ سانتی متر و حتی ۲ متر و دارای گل های بنفش بزرگ.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: ره شنه ش، وتره زهوی، نهویته نگ، دهر بن دزلی، خواشت، چهم دهره زهنجیر، ثاریز، ثارنه نان، پالنگان، شاهوی پالنگان، عه والآن، دزینله، بنیه، زونج، باقلاوای شیخ حهین، سرشیوی سهقز، سرشیوی مهریوان، بلچه سوور، پیرخهیران، سرچی، تا، هه نیمن، دوزو، خوزخوزهی سهقز، ریگی سته - دئی گولان، ریگی سته - دیواندره و دیواندره - سهقز، کوژ و دوزه غره، ریگی بیجار - تیکاب، که رجو، شیان، په نجه هلی، حسین ناوای که نگه ره. (مؤلف)

که رکوژ: *Onopordon carduchorum*

خار پنبه شاهوئی. گیاهی است از رستنی های کردستان. (مظ)

که رکوژ: *Cirsium hygrophillum*

کنگر توجالی، کنگر رطوبت پسند. گیاهی است از رستنی های کردستان که در زه شنه ش آن را «که رکوژ» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ره شنه ش، که رجو، هه شه میتز، سرشیوی مهریوان، بلچه سوور، شیان، پاوه. (مو، مظ)

که رکول: نگا: که رکول

که رکولی: نگا: که رکول

که رکووش: نوعی انگور نامرغوب است. (هه)

که رمخ: گیاهی است برگ سوزنی. (هه)

که روز: کرفس. نگا: که ره وز. (رو)

که رویشکه گهون: نوعی از گون است که

آن را «که رویشکه گهون» نیز گویند. (مو)

که زه پو - که زه پوو: ۱- اکیر ترکی، لوئی. در

مهرآباد بیجار رویش دارد ۲- بوته ای از جنس

نی که در کنار نیزارها می روید و گل آن نرم و

پنبه ای است، آن را در خاک سفید و آهک

می زنند تا از ترک خوردن آنها پس از

سفیدکاری جلوگیری کند ۳- نوعی نی که

ثمرش به ریزه پنبه می ماند. * جوشانده

میوه آن برای درمان و رفع خارش مفید

است. (ابرا، مو، کرمانشاهی، هه)

که زه پو: نگا: که زه پو

که زه پوه: نگا: که زه پو

که زه پوی: نگا: که زه پو

که ره پی: (لهك): پنبه کوهی

که ره تاو: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در روستاهای زونج و زه شنه ش به

این نام خوانده می شود. (مو)

که ره ز: کرفس. نگا: که ره وز. (مو) گیاهی

است که آب آن شیرین است. (هه)

که ره س: رازیانه. گیاهی است از رستنی های

کردستان که در هورامان به این نام خوانده

می شود. نگا: که ره وز. (مو)

که ره سا: تره، تره فرنگی. نگا: که وه

که ره سب: کرفس. نگا: که ره وز. (مو، هه، با)

که ره سه پ: کرفس. نگا: که ره وز

که ره سه پ: کرفس. نگا: که ره وز

کهزه فو: نوعی انجیر است. نگا: هه نجیر. (هه)

کهزه وز: *Aplum graveolens. var. dulce*

کرفس. گیاهی است پرورش داده شده که به عنوان سبزی خوردنی و خورشتی مورد استفاده قرار می گیرد. این گیاه را در گویشها و مناطق کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «کهزه وز، کهزه سب، کهزه ز، کهزه سب، کرسب، کرسپ، کهزه وس، کهزه س، کهزه سب». (مؤلف، گۆ، رو، ابراه، هه)

کهزه وز: *Peucedanum membranacea = Zeravschanica membranacea*

رازیانه کوهی غشائی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در کردی با نام های زیر می نامند و می شناسند: «کهزه وز، کهزه ز، کهزه س، کهزه وس، کهزه سب، کهزه ز، کهزه س».

محل رویش - این گیاه در کۆسالان می روید و در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱ ه. ش، آن را بین دووزۆ و ژوبار مشاهده و جمع آوری نمودم * در طب سنتی، دم کرده برگهای این گیاه را برای رفع ناراحتیهای کلیه به کار می برند. (مؤلف، مظ)

کهزه وزان: تره، تره فرنگی. نگا: کهوه ر

کهزه وس: ۱- گیاهی است که در موسم ثاوا، از توابع سقز به این نام خوانده می شود. نگا: کهزه وز ۲- کرفس. (مو)

کهزه ه: نوعی گیاه شنگ است. (هه)

کهزه یم کاشۆل: سنبل خطائی ایران. (مو)

کهزه لۆق: گیاهی است. (هه)

کهزه لۆك: نگا: کهزه لۆق

کهزه زان: درختچه ای است کوهستانی شبیه درخت (کهزه، گزی چار) ولی شاخه هایش قابل انعطاف بوده به راحتی خم

می شود. (رو، هه)

کهزه نك: گز نه. نگا: کهزه نه

کهزه ی: گیاهی است.

کهزه يك: گیاهی است صحرایی. (هه)

کهزه او: خزه. نگا: کهزه وه

کهزه سه ر: گیاهی است. (هه)

کهزه وه: (دیل): جلبک. دسته بزرگی از گیاهان کلروفیل دار هستند که بیشتر در آبهای

راکد دیده می شوند. (علیر)

کهزه تانه: شاه بلوط. نگا: شاه بزو

کهزه نه زان: *Sambucus nigra*

آقسطی، پسلم. بته یا درختچه ای است از رستنی های کردستان که در یکی از

روستاهای بسین دیواندره و سقز، آن را «کهزه نزان» گویند. (معر).

نگا: کهزه نزان

کهزه کۆل: نارگیل دریائی. (دا)

کهزه کۆل: *Silene conoldea*

کوزه قلیانی. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد:

کرماشان، نیسلام ثاوا، غهرب، کۆزه ران، کهنگاوه، کرنندی غهرب، سه ریئل زه هاو، جوانزۆ، پاوه، سه حنه. (معص).

این گیاه در اغلب کوه های کردستان رویش دارد و در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم:

ئهو پیه نگ، هوپه، سه رهویه، ره شنه ش، کۆزه میانه، کۆسالان. (مو)

کهزه شیمیش: گونه ای انگور است. (مو)

کهزه شۆل: (زا): ۱- باقلای کوهی، باقلای وحشی که آن را در کردی «پاقله ی ده یمی» نیز

گویند. (رو، ابرا) ۲- نخود فرنگی که آن را در کردی «گاگۆز، شۆقل، پۆلکه» نیز گویند. (هه)

کهزه فز: خزه، جل و زغ. نگا: کهزه وه. (ابراه، رو، هه)

که فکه فوک: نگا: نه سپون. (رو، هه)

که فکه فکه: افنان سر. (مه)

که فکه شوره: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

که فکارک: قارچ. نگا: قارچک

که فز: خزه، جل وزع. نگا: قهوزه

که فووت: درختی است جنگلی. نگا: کیکف.

(مو، هه)

که فهر: تره. نگا: که وهر

که فشی: گیاهی است. (هه)

که کره - گیاتاله: *Acroptilon repens*

تلخه، تلخه گیچه. گیاهی است از رستنی های

کردستان. گیاهی است سنبل تلخی. در

محل های زیر آن را مشاهده نمودم: جاده

ستندج - سقز، جاده بیجار - کرانی، جاده

ستندج - کرمانشاه، رشنش، سرشیو سقز،

صلوات آباد بیجار، موسم ناوا، محمود آباد

اوباتو، فتاح آباد، اوباتو، خورخوره سقز،

جیران منگه، روانسر، پاوه، بین مهاباد و

ارومیه. در گردنه قوشچی نیز می روید. (مو)

مظ، فلور ایران، هه، گز)

که کهو: (هه ورام): درختی است جنگلی که

در هه ورامان و روستای گهلین به این نام

خوانده می شود. این درختچه در اغلب

کوه های اورامان از جمله کوه های شاری

هه ورامان، سلین، بلبر، که ماله، ژویار،

که لچی، نوین می روید. همچنین در گهلین و

خانه گای گهلین هم می روید. نگا: کیکف. (مو)

که کهوی: (هه ورام): درختی است که در

هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا:

کیکف. (مو)

که ل: (له ک): اولین دسته گندم درو شده که

پر یک دست است «که ل» گویند و چند دسته

«که ل» رویهم می گذارند و آن را «باقه» گویند

و چند «باقه» را که رویهم می گذارند آن را

«کورکه» گویند و پس از اینکه همه گندم را در

محل خرمن جمع آوری کردند آن را

«خهرمان» گویند. (مؤلف)

که لال: کرچک. نگا: کهرچهک

که لدر: علفی است. (هه)

که لکوم: *Capparis spinosa*

کوز، کبار. میوه آن «باکه» نام دارد. (علین) نگا:

دزی خانی

که لوال: گیاهی است بهاری با پیازه

خوردنی. (هه، رو)

که لوالک: نگا: که لوال

که لوو - که لو: گیاهی است از رستنی های

کردستان. (مو)

که لووز - که لوز: نگا: فندق

که له: گیاهی است که در قولقوله میوه دنی و

خورخوزهی سه قز به این نام خوانده می شود.

نگا: کپز که له گا. (مو)

که له دزک: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در کهرچق و کوله ساره به این نام

خوانده می شود. (مو)

Brassica

که له رم:

کلم. این گیاه را در کردی «که له رم، که له م،

که له بی» می نامند. در گویش کرمانشانی و

له کی هم «که له رم» گویند. کلم دارای انواعی

است از جمله: که له م پیچ، که له م بهرگ،

که له می شیلمی، که له می سوور، که له می فندقی،

که له م گولی * همه انواع کلم دارای

ویتامین های A، B، C، D می باشند،

همچنین کلم حاوی کلسیم، پتاسیم و گوگرد

می باشد. کلم مقوی بینائی چشم است، ورم

گویند. (رو) ۲- گیاهی است خاردار. (هه) ۳- گیاهی است برگ پهنی دارد که روی زمین پهن می شود. (گژ) ۴- گیاهی است که آن را «دژ که که له وی» نیز گویند.

که له یی: نگا: که له رم. (که)

که ما: *Ferula haussknechtii*

که ما. گیاهی است از رستنی های کردستان. گیاهی است علفی که تغذیه خوبی برای حیوانات است. ارتفاع ساقه که حدود ۱/۵ متر است. قارچی که از گیاه که می روید خوردنی و بی خطر است.

محل رویش - در اغلب مناطق و کوهها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نه که رۆژ، پیرعومهران، تا، سه رچی، دۆلۆ، سه لواتاوا، سنه، گه رده ی سه لواتاوا، ناویر، ئاریژ، ره شنه ش، سولتان نه حمه، گلپه، په ورو په ریشان، ته کیه، رینگه ی که له کان - بست، ژالانه، سلین، بلهر، که ماله، هه ورامان، ژیوار، ئاره نان، خواشت، کۆرکۆره، هه والآن، که وله، کۆل و دۆزه ره، گواز، دۆله زه ش مابین دۆل، په نجه عه لی، حسین ئاوا ی که نگه ره، زه نان، سه رشیوی مه ریوان، که له به رد، شیان، روانسهر، پاوه. (مو، رو، کرمانشاهی، هه، من گژ، مه)

که ما زه نگ: نوعی از گیاه «که ما» است. (رو، گژ)

که ما شینه: نگا: چه که زه ش. (مو)

که ما که وگ: گیاهی است که عده ای از اهالی روستای ته کیه از توابع سنندج، آن را به این نام می خوانند. نگا: چه که زه ش. (مو)

که ما که وه: گیاهی است که در تکیه، به این نام خوانده می شود. نگا: چه که زه ش. (مو)

که ما که وه له: *Ferula oopoda*

حلق و روده را برطرف می کند، برای درمان نقرس و رماتیسم مفید است، برای پیران که مزاج آنان سرد باشد بسیار مفید است و برای درمان مرض قند نیز مفید است. (رو، گژ، کرمانشاهی، هه، له، ابر، مو)

که له شیشه: گیاهی است که در روستای حسن آباد از توابع شهرستان سنندج به این نام خوانده می شود. (مو)

که له م: کلم. نگا: که له رم. (هه، مو)

که له موک: کلم قمری. نگا: داش که له م

که له مه کاشی: *Turgenia latifolia*

گیس چسبک، گیس میماسی. گیاهی است از رستنی های کردستان که تعدادی از اهالی صلوات آباد، آن را با این نام می خوانند. برگهای شبیه برگ قازیاخه است. دارای گلهای زرد است، شبیه که ترینه ی زرد.

محل رویش و مشاهده - سه لواتاوا، هه والآن، ره شنه ش، که لای حه سه ناوا، ئاریژ، که وله، کۆل، سه رشیوی مه ریوان، نه که رۆژ، رینگه ی خۆزخۆزه - مه ریوان، روانسهر، پاوه، زه نان، مه لکشان، کۆسالان. (مو)

که له می: گیاهی است که برگهای خشک آن شبیه توتون است. (هه)

که له می: گیاهی است. نگا: چاوازه. (مو)

که له نگ: کنگر. نگا: قنگر.

که له وی: گیاهی است که در قلعه میرده به این نام و بنام «دژ که زه رده» خوانده می شود. (مو) که له وی: ۱- گیاهی است بهاری که آن را به صورت پختنی و سرخ کرده می خورند. این گیاه هنگامیکه پیر شد خارهای پیدا می کند. در کردستان بحد و فور می روید. خون غلیظ را رقیق می کند. آن را «گژ گاز و له، گژ گاز و له» نیز

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای هشمیز و لون سادات آن را «که ما کهوله» و در هویه و سرهویه آن را «که میر» می نامند. در ته کیه آن را «که ما کهوله» گویند. ارتفاع این گیاه در بعضی جاها حدود ۱۶۰ سانتی متر است، در شیان آن را اندازه گرفتیم حدود ۲ متر و ۵۰ سانتی متر بود. (مؤلف) نگا: چه کمه زهش.

که ما مروچه: نوعی از گیاه «که ما» است. سالخوردگان و باتجربه گان کردستان بر این باورند که ۶ نوع گیاه «که ما» وجود دارد و یکی از آنها را «که ما مروچه» گویند. (مو) که ما هه ورامیانه: گیاهی است که در روستای هویه از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: چه کمه زهش. (مو)

که مبه ر: گلی است صحرایی. (هه)

که مبه روک: خارینی است میوه دار. (هه)

که مبه لوک: قارچ. نگا: قارچک. (هه)

که مکول: گیاهی است خاردار. (هه)

که مو: دستنبو. نگا: شه مامه. (ابرا)

که می: گیاهی است که در روستای تهنگی وهر به این نام خوانده می شود. نگا: که ما کهوله. (مو)

که میر: *Ferula*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در هویه و سرهویه، آن را «که میر» که ما هه ورامیانه می نامند. برگهایش شبیه برگ چنور و ساقه اش شبیه ساقه که ما است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هویه، سرهویه، ته کیه، شیان، تهنگی وهر، هه شه میز، شاهوی پالنگان، شاهوی وئی زیهر، شاهوی تهنگی وهر، شاهوی لونی

سیده کان. نگا: چه کمه زهش. (مو)

که میر: گیاهی است که در هه ورامان به این

نام خوانده می شود. نگا: چه کمه زهش. (مو)

که میر که رانه: گیاهی است از رستنی های

کردستان. نگا: که رتوتنکه. (مو)

که نار: ۱- درخت کنار ۲- درختچه ای است

خوشبو. (هه)

که ندر: کنگر. نگا: قنگر

که ندیل: کنگر. نگا: قنگر

که نر: کنگر. نگا: قنگر

که نر: گیاهی است که در قروه و بیجار به این

نام خوانده می شود. نگا: قنگر. (مو)

که نگر: کنگر. نگا: قنگر

که نگه ر: کنگر. نگا: قنگر

که نگه ر که رانه - که رکوول:

Onopordon heteracantum

کنگر زن بابا. گیاهی است از رستنی های

کرماشان که در محل های زیر می روید:

کرماشان، سرپیل زه هاو، ئیسلام ئاوی غهرب.

نگا: که رکول. (معص)

که نهر: *Gundella tournefortii*

کنگر. گیاهی است از رستنی های کرماشان که

در محل های زیر می روید: کرماشان، پاوه،

سونقوز، ئیسلام ئاوی غهرب، مایی دهشت،

کوزهران، سه ریئل زه هاو، قه سری شیرین،

گه هواره. این گیاه را در کرماشان «قنگر» هم

گویند. (معص)

که نیر: درختی است کوستانی، برگهایش

شبیه برگ درخت «کیکف» است. بهنگام آتش

زدن بوی معطری دارد. (رو)

که نیر: گیاهی است از رستنی های کردستان.

ئیستی مه ندوک و گیاخاوو که نیر

ساختن سبد و غیره نیست. (مو)

که‌وهر: *Allium porrum*

تره، تره فرنگی، گندنا. گیاهی است که در اکثر مناطق کردستان پرورش داده می‌شود و در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «که‌وهر»، که‌وهرگ، ته‌زه، کا‌زاد، که‌ره‌سا، کورگ، که‌ره‌وزان، کرماشانی: که‌وهر. (مو، نادر، هه، دا، مظ، رو)

که‌وهرگ: (سند): تره. نگا: که‌وهر

که‌وهره کیویله: تره‌کومی. نگا: کنیوال. (مو)

که‌وهری کیوی: تره‌کومی. نگا: کنیوال. (مو)

که‌وه‌لۆ: نوعی از گیاه «لۆ» است که در خیلی از روستاهای کردستان به این نام خوانده می‌شود، از جمله در روستاهای ته‌کیه و

ده‌ره‌ویان فازس، به این نام خوانده می‌شود. (مو)

که‌ویره: (دیل): گیاهی است خودرو که در بیابانها می‌روید. (علیر)

که‌یارک: قارچ. نگا: قارچک. (ابرا، هه)

که‌یکف: درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که در ته‌نگی‌سه‌ر، گۆله‌ساره، نشور، خانه‌گای گهلین و مه‌لکشان به این نام خوانده می‌شود. (مو). نگا: کینکف

که‌ی کو - که‌ی کوم: (کرماش): درختی است جنگلی با چوبی رگه‌دار که از چوب آن سیگار و چپق می‌سازند، با ساییدن آن رگه‌هایی با نقش و نگار روی چوب ظاهر می‌شود. گویند هر موجودی در بهار از کنار این درخت بگذرد نقشش روی آن می‌افتد. نگا: کینکف

که‌ییر - که‌ییر: مورد. درختچه‌ای است در فارسی آن را مورد گویند و در انگلیسی *Myrtle* و در کردی آن را «مۆرد» هم گویند.

سوئسن و به‌ییون و شه‌ویژ و شلیژ
که‌نیره: *Meillotus officinalis*

اکلیل الملک، یونجه زرد. گیاهی است از رستنی‌های کردستان با گل‌های زرد رنگ. آن را «کنیز» هم گویند * این گیاه حاوی مقداری کومارین (Cumarine) است. تمام گیاه را خشک می‌کنند و برای دفع بلغم و برای استفرغ بعد از مسمویت آن را به کار می‌برند. (گژ، رو، هیوا، مؤلف)

که‌نیره: گیاهی است با گل‌های زیبا و کوچک به ارتفاع حدود ۱۰ سانت که در قلعه حسن‌آباد می‌روید و اهالی روستای حسن‌آباد آن را «که‌نیره» می‌نامند. (مو)

که‌وات: نوعی نارنج است. (هه)

که‌وت - که‌وت: درختی است جنگلی که در مهاباد و سقز و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: کینکف. (مو، هه، رو)

که‌ورک: نوعی امرو است، نوعی گلابی است. (رو، هه)

که‌ورنگان: نوعی دانه «دانه ویله» است که به‌نگام قحطی، با گندم مخلوط کرده و آسیاب می‌کنند و می‌خورند. (رو) گندم آمیخته با ارزن. (هه)

که‌وریشکه گه‌ون: نگا: که‌وریشکه گه‌ون که‌وه‌قۆک: قاصدک. نگا: پشیله پایزه.

که‌وله پیر: گلی است زردرنگ. (هه)

که‌وه‌بی: نوعی بید است. (مو)

که‌وه‌ت: نگا: کینکف. (مو، هه)

که‌وه‌توول: نوعی بید است که در بعضی جاها از جمله رشنش به این نام و به نام «که‌وه‌بی» نامیده می‌شود. چوب این درخت سخت و سفت است و قابل استفاده برای

نگا: مؤرد. (رو، ابراهه)

کیرات: درختچه ای است. (هه)

کیردی: گیاهی است آشی. نگا: کاردوو

کیرف: (لهک): گیاهی است که برگ آن

مانند برگ بید است و برای درمان

کوتهگی های عضله و ضرب دیدگی نقاط بدن، آن

را می کوبند و بر روی آن محلها می گذارند.

کیرقازی: گیاهی است پهن برگ بنفش

رنگ. (هه)

کیرکه خه رانه: (کرماش): گیاهی است

شبیه گنور و غیرخوراکی است.

کیرکه له: نگا: کیرکه له گا. (هه، مو)

کیرکه له گا: *Orobanch*

گل جالیز، گلک. گیاهی است از رستنی های

کردستان که آن را با نام های زیر می نامند:

«کیرکه له گا، که له، گوئل، گوئهک، گیا که له،

کیرکه له». این گیاه آفت زراعت و پالیز و

توتون است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: مه لکشان، عه والآن،

سه لواتاواي سته، ره شنهش، سولتان نه حمده،

شاریز، چل چه مه، زمزیران، قولقوله ی

میره دی، کورکوره، ئیبرایم ناواي سته،

خورخوزه ی سه قز، شاره کی بیجار، رامول،

کوره میانه، گه زگه زاره، ده گاگا، مازی بن،

بوزیده، گلپه، هه ورامان، زیگی بیجار -

تیکاب، سه رشیوی مریوان، بلچه سوور،

قه له بهرد، شیان، هه شه میز، ژوانسه ر، پاوه،

کوسالان، زیگی سه رده شت - شتق، باقلاواي

حسین ناوا. (مو)

کیر سه گانه: گیاهی است که در روستای کول

به این نام خوانده می شود. نگا: گیتق. (مو)

کیر ه که له گا: گیاهی است که در روستای

کول از توابع سارال به این نام خوانده

می شود. نگا: کیر که له گا. (مو)

کیر ه که: تریزک آبی. نگا: کوز له

کیفار: *Cirsium arvense*

کنگر هرز. گیاهی است که آن را «کیوار،

کی مار، کیفار، کیفار» می نامند. گیاهی است

خاردار و سفید رنگ و از خانواده کنگر.

ارتفاع آن تا حدود ۱۸۰ سانتی متر است.

شیره ای دارد سفید رنگ که آن را مانند سقز

می چوند. در فولکلور کردی آمده است:

«ره بی بی به دکاران له به دی که ون

دز که زی زاخن به کیوار خه ون»

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را

مشاهده نمودم: به ورو پهریشان، پهنجه عه لی،

شاره کی بیجار، زیگی سته - قورو، زیگی

بیجار - تیکاب، زه نان، زیگی بیجار -

کوزانی، زیگی کوزانی - شاره ک، دوله زهش

مایین دول، زه رده وان، که رجق، زه نان،

هه شه میز، زیگی سه ریناو - ته نگه سه ر، چل

چه مه، قولقوله ی میره دی، خواشت، زیگی

سته - دی گولان، شاره ک، کول و دوزه غره، تا،

سه رچی، وی سه ر، خورخوزه، نه که روزه،

سه رشیوی مریوان، بلچه سوور، شیان،

ته وریور، ته کیه، هه شه میز، ژوانسه ر، پاوه،

زیگی سه رده شت - شتق. (مو، رو، معر، ابراهه،

هه، گز، لهک)

کیفار: *Cirsium haussknechtii*

کنگر زاگرسی، کنگر سهندی. گونه ای از گیاه

«کیوار» که در کردستان می روید و آن را مشاهده نمودم.

محل رویش - در بین روستای فطره زمین و

اویهنک آن را مشاهده نمودم و در جاهای

زیادی رویش دارد که در گونه دیگر مذکورند.
(مو، مظفریان)

کیفار: گیاهی است خاردار. نگا: کیفار.

کیفؤك - کییفؤك: گیاهی است با پیازه خوردنی که در بوکان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: پیشؤك. (مو، رو، هه)

کیكف:

Acer

افرا، این جنس در ایران ۶ گونه دارد که آنها را در فارسی، افرا، کیکم، کرکف می نامند. (مظ)

کیكف: Acer monspessulanum

= Acer assyriacum

کیکم کردستانی. درخت یا درختچه ای است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «کیكف، کیکؤ، که یكف، کاکیف، بیتؤ بالوک، ککهو، که قؤت، که ووت، که وؤت، که ووت، کیکوو، که ووت، دارکه کهو، کیکم، که کهو، دارکه ووت، که ی کو، که ی کوم». این درخت گونه ای از افراس و تنه آن سفید است و در منطقه غرب ایران خصوصاً کردستان و کرمانشاه رویش فراوانی دارد و غالباً با درختان بلوط و «شوق» همسایه است. چوب این درخت سخت و مقاوم است و برای تهیه ملاقه و قاشق استفاده می شود. گره های آن دارای نقوش زیبا است و در نجاری و نازک کاری و صنایع ظریفه برای تهیه قوطی سیگار و جعبه های زینتی مورد استفاده قرار می گیرد. در روستاهای هورامان، از چوب این درخت قندان، شانه، دوک (تهشی)، انواع قاشق، چنگال، چوب سیگار، قلیان، چپق و در و پنجره می سازند

* خواص دارویی در طب سنتی: در تحفه الملوک آمده است که طبیعت سرد این درخت دافع امراض گرم و عفونی است. از جوشانده برگ های آن با برگ بید و کاسنی و عتاب و اکلیل کوهی برای دفع یرقان و عوارض کسبدی و تصفیه خون استفاده می کنند (از هر کدام ۱۰ گرم مخلوط کرده و کوبیده و هر روز یک قاشق غذاخوری در یک تا ۲ لیوان آب جوشانیده و مصرف نمایند) همچنین برای دفع سرخک و آبله، پوست و برگ های این گیاه را با مریم گلی و تخم خرفه در بیشتر نقاط کردستان بکار می برند (از هر کدام ۵ گرم مخلوط کرده و جوشانیده و مصرف کنند، روزی یک قاشق غذاخوری).

محل رویش - این درخت را در محل های زیر مشاهده نمودم: سولتان نه حمه ذ، دهره ن دزلی، وهزه را، ره شنهش، گهلین، خانه گای گهلین، زمزیران، مه لکشان، نشور، دؤلاؤ، عه والآن، کؤله ساره، تهنگی سر، چه م دهره زه نجیر، خواشت، گواز، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی وی زیه، شاهوی تهنگی وهر، تهنگی وهر، نجی، سالیان، بؤزیده، کؤسالآن، ژیوار، هورامان، باخان، میراجی، سرشیوی مهریوان، شیان، ته وریوهر، زوانسهر، پاوه، جوانزؤق، میراوا، زنگی سهردهشت - شنق. (مو، معر، مظ، سیما، رو، هه، دا، صا، معین، کرمانشاهی)

کیکم: (له که - دیل): درختی است جنگلی که چوب آن دارای رگه هایی است که پس از تبدیل شدن به اشیایی مانند چوب سیگار یا چپق و سایش دادن آنها این رگه ها ظاهر می شود که گوئی نقشبندی شده است *

گاتوسی: نوعی از تومی که خارهایش بزرگتر و سخت‌تر است. در شاهو می‌روید و در لئون آن را به این نام می‌خوانند. (مو)
گاتوو - گاتو: شاهتوت، توت سرخ. نگا:

تووه سووره. (ابرا، هه)

گاخوشیل: نوعی از گیاه (خوشیلک) است که از انواع دیگر آن بزرگتر است و از رستنی‌های کردستان است. (مو)

گادانه: گاودانه. گیاهی است که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «گاوانه، گاینه، گادانه، گاودانه، کزن، گایانه، کرسته». (رو، هه)

گادمه: گاوزبان. نگا: گوزروان. (هه)

گادومه: گاوزبان. گیاهی است شبیه دنب گاو. نگا: گوزروان. (هه، رو)

گاده‌مه: **Verbascum**

گل ماهور. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در مناطق مختلف با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گاده‌مه، گاومه، گاورمه، گاولمه، گاودمه، گوگم، ژه‌حرماسی، ژارماسی». بیش از ۷ گونه از این گیاه در کردستان رویش دارد. سرشاخه‌های گلدار این گیاه مخصوصاً گونه‌ای از آن که به نام «ژار ماسی، ژه‌حرماسی» معروف است را با برگ پید مخلوط کرده و می‌کوبند و به عنوان «ژارماسی» برای شکار ماهی از آن استفاده می‌کنند. گونه‌ای از آن را که در بعضی جاها «ژار ماسی» گویند در دره تنگی‌ور اندازه گرفتن ۱۹۵ سانتی متر ارتفاع داشت و این گونه بیشتر در دره‌های مرطوب می‌روید. محل رویش - گونه‌های زیادی از گل ماهور را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: سرشیو سقز، حسن آباد یاسوکند، گردنه طیطاخ، جاده

شیره‌ای از آن بنام «ژویی» می‌گیرند برای شستن موی سر استفاده می‌کنند. (لهک).
درخت کوچکی است که برگهای آن از سایر گونه‌ها کوچکتر است. (علیر)

کیکو: درختی است. نگا: کیکف. (مو)

کیکوو: درختی است جنگلی. نگا: کیکف. (مو)
کی مار: گیاهی است که اهالی روستای هه‌شه‌میز آن را به این نام می‌نامند و می‌شناسند. نگا: کیفار. (مو)

کینگه‌ر: کنگر. نگا: قنگر. (علیر، مو)

کیوار: نگا: کیفار. (مو)

کی وال: (کرماشانی): گیاهی است شیره‌دار که شیره‌اش پس از تیغ زدن گیاه خشک شده و آن را مثل سقز می‌جویند.

کیور: کاهو. نگا: کاهوو

کینوله: گلای و حشی، گلای کوهی. (ثابتی)

کییور: کاهو. نگا: کاهو

کییه‌ووه: (دیلد): درخت تبریزی، درخت سپیدار. نگا: نه‌سپیدار. (علیر)

«گ»

گابره: گیاهی از رستنی‌های کردستان که در مرداب روید. (مو، هه)

گابره سه‌وزه: گیاهی است آبی. (رو)

گاپلوک: گیاهی است. (هه)

گاپه‌رچوک: گیاهی است که گاو آن را دوست دارد. آن را «گاپه‌رچیفک، گاپه‌رچینکه» نیز گویند. (هه ...)

گاپه‌رچیفک: نگا: گاپه‌رچوک

گاپه‌رچینکه: نگا: گاپه‌رچوک

رویش در کلمه ماقبل ثبت گردیده است. (مو)
گاذمه: *Verbascum alceoides*

گونه‌ای گل ماهور است که در بسیاری از ارتفاعات کردستان می‌روید. و دارای شاخه منشعب است.

محل رویش - در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: ره‌شنه‌ش، چشم دهره زه‌نجیر، خواشت، ریگهی سهریناو - ته‌نگی سهر، نه‌ویته‌نگ، ریگهی که‌له‌کان - بست، کۆل و دوزه‌هره، سه‌والان، ژالانه، سلین، بلهر، ژیوار، پالنگان، شاری هه‌ورامان، که‌ماله، کوسه‌ی هه‌جیح، شاهوی پالنگان، شاهوی وی‌زیه‌ر، شاهوی دیوه‌زن‌او، که‌رجو، هه‌شه‌میژ، به‌رقوزو، کوزه میانه، کۆسالان، سولتان نه‌حمه‌د، ته‌ته، سهرشیوی سه‌قو، زه‌نان، ریگهی سهرده‌شت - شتق، سهره‌ویه، کانی حه‌سین به‌گ. (مو)

گاذمه: *Verbascum*

گونه‌ای دیگر از این گیاه دارای تک ساقه‌ایست که مستقیماً بالا می‌رود و در انتها کمی رو به پایین متمایل می‌شود و گل‌هایش به رنگ گل کدو است.

محل رویش - در چل‌چمه و کۆسالان، آن را مشاهده نمودم. (مو)

گاذمه: گاوزبان. نگا: گۆزروان. (هه)

گارس: گاورس، ارزن. «جۆرئ هه‌رزنی درشته به هیشو ده‌بن، زوزات». (هه، ابرا)
 گارنگان: گیاهی است که شیرهاش مسهل است. (هه)

گازروان: گاوزبان. نگا: گۆزروان. (مو)

گازوان: گاوزبان، گیاهی است که در روستای گلیه و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده

تازه سنندج - مریوان، جاده سقز - بانه، آریز، آرندان، کۆرکۆره، جاده سنندج - دهگلان، قروه، جاده سنندج - دیواندره - سقز، جاده بیجار - تکاب، جاده بیجار - کرانی، شهرک بیجار، زهرده‌وان، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل، دره تنگی‌ور، ره‌شنه‌ش، سه‌والان، دۆله، زۆنج، باقلا‌باد شیخ حسین، سلطان احمد، جاده سهریناو - تنگی‌سرو، اوپه‌نگ، جاده سنندج - کهره‌سی - هشمیز، جاده کلکان - بست، پنجه‌علی قروه، آبیدر، گردنه صلوات‌آباد، به‌ورو پهریشان، خورخوره سقز، کرجو، هشمیز، کیله‌شین، گردنه خان، قلعه حسن‌آباد، دهره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، وزمان، مه‌ولاناوا، سه‌یفاوا، کوزه میانه، ژالانه، شاری هه‌ورامان، که‌ماله، سلین، بلهر، ژیوار، کۆسالان، که‌وله، کۆل و دۆزه‌هره، خواشت، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی وی‌زیه‌ر، شاهوی لۆنی سادات، بان شاهوی زم‌زیران، ته‌که‌رۆز، پیرهومه‌ران، ئاویره، زه‌نان، بلچه‌سوور، قه‌له‌بەرد، ته‌کیه، ته‌وریوه‌ر، شیان، روانسەر، جوانۆز، پاوه، کوزه میانه، ریگهی سه‌قز - بانه، ریگهی بانه - سهرده‌شت، وی‌سهر، چشم دهره زه‌نجیر، ریگهی سهرده‌شت - شتق، ریگهی سهرده‌شت - مه‌هاباد، کانی حه‌سین به‌گ. (مؤلف). در منابع (رو، هه) نیز، نام این گیاه مذکور است.

گاذمه: *Verbascum cf speciosum*

گل ماهور. گونه‌ای گل ماهور است که بزرگ است و شبیه درختچه‌است و دارای برگ‌های بزرگ است.

محل رویش - به حد وفور در کردستان می‌روید و آن را مشاهده نموده‌ام. محل‌های

Medicago rigidula :گاگلینکه:

یونجه سخت. گیاهی است از رستنی های کردستان که در لنگریز (له‌توریز) آن را به این نام می‌نامند و در بعضی جاها آن را «یونجه دزکینه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم: به ینی دووا وان و له‌نگریز، عه‌والان،

ره‌شنه‌ش، به ینی ته‌کیه و شانشین. (مؤلف)

گاگلینکه: گیاهی است که در روستای میانه

به این نام خوانده می‌شود و در میانه و زونج

و کوسالان می‌روید و بنا به تجربه اهالی

منطقه، چنانکه گاو این گیاه را بخورد او را

گیج می‌کند و می‌افتد. (مو)

Tulipa montana :گاگورال:

لاله. گیاهی است از رستنی های کردستان که

در بعضی جاها به این نام خوانده می‌شود و

در جاهای دیگر آن را با نام های زیر می‌نامند

و می‌شناسند: «گاگولاله، گولاله سوور، دایه

و گولاله‌ی، گولّه میلاق، گولّه میلاق».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: دهره‌کن، وه‌زه‌را، باخان،

گازان، کهل هموق، کانی حسین به‌گ، دهره‌بن

دزلی، سه‌لواتاواى سته، ناویه‌ر، گهلین،

خانه‌گای گهلین، هه‌شه‌میز، کهرجۆ، عه‌والان،

سولتان نه‌حمده، شیان، به‌ورو پهریشان،

دزله، زولج، کوزه میانه، باقلاواى شیخ

حسین، خواشت، نسل، نه‌ویه‌نگ، وتره

زه‌وی، وی‌سهر، زیگه‌ی سه‌قز - بانه، زیگه‌ی

بانه - سهرده‌شت، کوچک چنار، بلچه سوور،

قه‌له‌برد، ته‌وریوهر، ته‌کیه، زوانسهر، پاوه،

ره‌شنه‌ش، کوزه میانه. (مو) در قه‌سری شیرین

و تويسرکان هم می‌روید.

می‌شود. در (ابرا) نیز به این نام اشاره شده

است. نگا: گوزروان. (مو)

گازوانکه: گاوزبان، گیاهی است که در

جه‌یران منگه به این نام خوانده می‌شود. نگا:

گوزروان. (مو)

گاسنه‌ی کینوی: کاهوی وحشی. نگا: تالشک.

(رو)

گاسوس: گیاهی است که با کتخ (ژازی)

آمیزند. (هه)

گاگوزه: شوکران آبی. (دا)

گاگویرکه‌ره: گیاهی است که در روستای

بلچه‌سوور به این نام خوانده می‌شود. نگا:

کاسه شۆر. (مو)

گاگروس: خلر، گیاه خلر. آن را «پۆلکه،

گاگوز» نیز گویند. (هه)

Papaver cylindricum :گاگلینکه:

خشخاش استوانه‌ای. گیاهی است از

رستنی های کردستان که در روستاهای

خواشت، هه‌شه‌میز، زه‌نان و بلچه سوور از

توابع سهندج، آن را «گاگلینکه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: خواشت، هه‌شه‌میز، ژالانه،

دهره‌بن دزلی، ریگه‌ی سهریناو - ته‌نگی‌سهر،

ناویه‌ر، گهرده‌نهی (مله) سه‌لواتاوا، کوسالان،

ره‌شنه‌ش، کوچک سوور، په‌نجه‌هلی، حسین

ناوای کنگهره، پالنگان، شاهۆ، ته‌نگی‌وهر،

ریگه‌ی بیجار - تیکاب، ریگه‌ی بیجار -

کوزانی، زهرده‌وان، دۆله زه‌ش مایین دۆل،

شاری هه‌ورامان، که‌ماله، ژیوار، دهره‌ویان

فازس، که‌وله، کۆل و دۆزه‌غهره، ته‌وریوهر،

شیان، روانسهر، پاوه، بلچه سوور، کانی

حسین به‌گ. (مو)

است هرکس آن را بخورد دچار گيجی و سرگیجه می شود. (هه، رو)

گاوالو: نوعی آلوی درشت است. (کرمانشاهی)
گاوانه: *Vicia ervilla*

گاودانه، ماشک گاودانه‌ای. گیاهی است که در کردستان یا نام‌های زیر نامیده می شود: «گاوانه، گادانه، گاینه، گیانه». کرمانشاهی: گیایانه، له‌کی: گاینه * گاودانه دارای ویتامین‌های آ و ب و مقوی نیروی بینایی و اعصاب است. (کرمانشاهی، هه، صا، له‌ک، ابرا)
 گاوانه: گیاهی است. نگا: گلینه. (رو)

گاوچه: (کرماش): گوجه

گاودانه: نگا: گادانه. (هه)

گاو دومه: گیاهی است که بیخش به جای هیزم به کار آید. (هه)

گاورمه: گیاهی است که در روستای کپله‌شین واقع بر سر جاده سقر - بانه و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. (مو). نگا: گاذمه

گاورمه: گیاهی است. (هه، که)

گاوز: (کرماش): گردو. کولیایی: گرده‌کان. نگا: گویز

گاوزبان: گاوزبان، گل گاوزبان. نگا: گوزروان. (هه، که)

گاوزمان: گاوزبان. نگا: گوزروان

گاوزوان: گاوزبان. نگا: گوزروان. (هه، مو، رو، که)

گاوسن شکینه: نگا: قایش قران. (مو)

گاوگوزال: گیاهی است که در بعضی از روستای هه‌ورامان به این نام خوانده

می شود. نگا: خاشخاش. (مو)

گاؤلمه: گیاهی است. نگا: گاذمه. (مو)

گاگورال: شوکران آبی. نگا: گاکوزه. (دا)

گاگوز: نوعی لوبیا است. (ابرا). گیاه خلر. (هه)

گاگولاله: گیاهی است که در روستای میانه از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. (مو). نگا: گاگورال

گاگوله‌ک: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (جفکر)

گاگوی: گیاهی است که در روستای باخان از توابع مهریوان به این نام خوانده می شود. محل رویش و مشاهده: پاخان، به‌ردی سپی. (مو)

گاگه‌ون: گونه‌ای از گون است که ارتفاع ساقه‌های آن حدود یک متر و ۶۰ سانتی‌متر است. این گیاه را در روستاهای لؤزی سادات، گواز، ره‌شنه‌ش، زه‌نان به این نام می خوانند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاهو، پالنگان، گواز، ره‌شنه‌ش، قه‌له‌به‌رد، بلچه سوور، پاوه، کۆسالان، کانی حه‌ین به‌گ، هه‌جیج. (مو)

گاگی: گیاهی است. نگا: کاسه شۆر

محل رویش - ریگه‌ی که‌له‌کان - بست. (مو)

گاگیله: (دیل): گیاهی است خودرو و شورمه که در شوره‌زارها می‌روید. (علیر)

گال: ارزن، ارزن تلخ. گیاهی است که آن را

«هه‌رزن، هه‌رزنه تاله، گال» گویند. به عربی آن

را (دخن) گویند * مطبوخ مقشر آن با شیر و

روغن تازه (کره تازه) مولد منی و ملین سینه

و غذای صالحی است. (هه، رو، گۆ، من ابرا)

گال: زنبق. نگا: زه‌مه‌ق. (هه)

گالمه: نگا: گاذمه. (مو)

گالووف: گیاهی است صحرایی. (هه)

گاله به‌نگ: گیاه گال بنگ، قنطاریون. گیاهی

گساومه: گیاهی است که در بیجار و در روستاهای حهسه‌ناوای سته، دهره‌ویان خواروو، که‌کوسان و زه‌شنه‌ش، به این نام خوانده می‌شود. نگا: گاذمه. (مو)
گاوان: گون. نگا: گه‌ژن. (هه، له‌ک)
گاوهدمه: گیاهی است که گل‌هایش شبیه گوله گواره است و برگ‌های ضخیمی دارد و در خورخوره رویش دارد. (مو)

گاوهدسپووک - گاوهدسپووک: گیاهی است با پیازه خوردنی، گیاهی است کوهی، پیازه سفید مثل «پیشووک» دارد. برگ‌های آن دراز و شبیه «پیشک» است ولی «چوار سووچه» است. (رو، هه)

گاوهدسن شکینه: نگا: قایش قران.

گاوهدسن شکینه: نگا: قایش قران

گایانه: گاودانه. نگا: گادانه. (هه، کر)

گاینه: (له‌ک): گاودانه. نگا: گادانه.

گتوز: گیاهی است. نگا: گونوز. (هه)

گزالک: *Centaurea aggregata*

گل گندم انبوه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «گزالک، گزالک، گزالک» گویند. در منابع (ابرا، هه) نیز به نام این گیاه اشاره شده است.

محل رویش - تقریباً در همه کوه‌های کردستان - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کانی سه‌یی، قولقوله‌ی میره‌دی، ره‌شنه‌ش، تا، سه‌رچی، هه‌یمن، ریگه‌ی سته - دیوانده‌ره، کانی مشکان، کیلان، داذه‌ته، که‌رجو، هه‌شه‌میز، بلچه سوور، ته‌کیه، ته‌وریور، شیان، روانسر، جوانزق، پاوه، هویه، سه‌روهیه، کانی حه‌سین به‌گ، کوسه‌ی هه‌جیح، ریگه‌ی کامیاران - مهریوان. (مو)

گرته‌کان: گردو، گردکان. نگا: گوینو. (هه، که)
گرده: برنج کرده، نوعی برنج است. (مو)
گرده‌کان: گردو. نگا: گوینو. (کر، ابرا)
گرسک: گلای وحشی. نگا: گروسک
گرکه: (کر): نوعی گرمک است.

گزه: ۱- طالی ۲- خربزه کوچک سبز
گرکه‌ی ده‌یم: (کرماش): گرمکی که با کشت دیم به عمل آمده باشد.

گرگاز: گیاهی است که آن را «گرگازوله»، «گرگازه». نیز گویند. (هه)

گرگازوله: نگا: گرگاز

گرگازه: نگا: گرگاز

گزرگز: نوعی باقلا است، نوعی گیاه باقلی است. «جوزی باقله‌یه». (هه، رو)

گرگه تاله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

گرنووک: نگا: تزق توقله

گروچه‌لی: گیاهی است کوهی. (رو)

گروسک: گلای وحشی. (هه)

گریشک: گیاهی است. (مو)

گز: *Tamarix ramosissima*

گز، گز پرشاخه. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گز، گزی چار، دارگزه، گزچار، گزم، گزگه‌چار، گزک چار».

محل رویش - در محل‌های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: گهلین، خانه‌گای گهلین، که‌وله، کؤل، شاره‌نان، خواشت، مله‌ی سه‌لواتاوا، کۆسالان، دوزق، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، ریگه‌ی بیجار - کوزانی، کیلان، داذه‌ته، کانی مشکان، هه‌شه‌میز، که‌رجو،

ته‌وریور، شیان، ریگی موچه‌ش - دنی‌گولان، پاره، سولتان نه‌حمده، میانه، ره‌شنه‌ش، کوزه میانه، ناریز، دریله، بنیر، خانه‌گای جوجو، زونج، باقلاوای شیخ حه‌سین، پی‌رخه‌یران، گلیه، تا، هه‌نیمن، سهرچی، دولاو، عه‌والان، نزاز، خوز‌خوزه‌ی سه‌قز، ریگی سه‌قز - بانه، ریگی بانه - سه‌رده‌شت، ریگی سنه - دیواندره، ریگی سنه - که‌زه‌سی، هه‌شه‌میژ، ته‌کیه، سهرشیوی سه‌قز، سهرشیوی مهریوان، ریگی سه‌رده‌شت - شنق، کردستان عراق، مسیر زم‌یران به مه‌هاباد. در کرماشان و ئیلام هم می‌روید * خواص دارویی این درختچه مشابه گونه‌ی دیگر آن است که در فرهنگ فارسی، شرح داده شده است به آن گونه مراجعه فرمائید. در طب سنتی، شاخه‌های این درخت را آتش می‌زنند و آن را روی ظرفی نگه‌میدارند تا روغن آن داخل ظرف بریزد و از این روغن برای مداوای قارچ و زخمهای روی دست و پا و صورت که در بعضی جاها آن را «بیرۆ» گویند، استفاده می‌کنند. (مؤلف، مظفریان، ثابتی، هه)

گزار: درختچه گز. نگا: گز

گزر: هویج. نگا: گزر. (هه)

گزرکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای نیر و هه‌ورمان به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نیر، هه‌شه‌میژ، هه‌ورمان.

گزرۆکه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای هه‌ورمان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گزره کیفیله: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان. (مو)

گزرک تاله: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «گزرگه تاله» هم گویند. (مو)

گزرک چار: درختچه گز. نگا: گز

گزرگه سپی: *Lactuca orientalis*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در اغلب جاها از جمله ساراال گزرگ: درختچه‌ای است که در فارسی آن را جارو گویند، ارتفاع آن گاهی به ۱ متر می‌رسد.

آن را «گزرک، جازو» نیز گویند. (هه، جغکر)

گزرگه: ۱- گزنه، گیاه گزنه. نگا: گه‌زنه

۲- گیاهی است که بیخ آن برای سوخت به کار می‌رود. (رو، هه)

گزرگسک: گزنه. نگا: گه‌زنه

گزرگه پووشینه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در روستاهای باقلاوای شیخ

حسه‌ین و گلیه به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گزرگه تال: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در بعضی جاها از جمله

روستاهای کۆرکۆره و دۆه‌یسه از توابع

سندج به این نام خوانده می‌شود. نگا: گزرک

تاله. (مو)

گزرگه تاله: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در اغلب کوه‌ها می‌روید.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: روستاهای نیر، دۆه‌یسه،

کۆرکۆره، کوه‌های هه‌ورمان. نگا: گزرگه تال

گزرگه تسوولینه: درختچه‌ای است که در

روستای سوورکه‌ؤل، به این نام خوانده

می‌شود. نگا: تووله‌گری. (مو)

گزرگه چار: گیاهی است که در روستای گلیه

از توابع سندج به این نام خوانده می‌شود.

- نگا: گز. (مو)
 گزگه قوٰله: گیاهی از رستی‌های کردستان. (مو)
 گزم: درختچه گز. نگا: گز
 گزهر: *Daucus*
 مویج. گیاهی است که در تعداد زیادی از روستاهای کردستان کاشته می‌گردد. این گیاه را در مناطق کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گزر، گه‌زهر، گزر، گیزهر، گزهرکی، گیزهر». له‌کی: گزر. (مو، ابرا، هه، له‌ک، رو، کرمانشاهی، با)
 گزهر: در روستای خواشت به گیاه «تالیسی توزه» می‌گویند. نگا: تالی توزه. (مو)
 گزهرکه: گیاهی است خورده‌نی و از رستی‌های کردستان. نگا: کراوی. (مو)
 گزهرکی: مویج. نگا: گزهر. (ابرا)
 گزی - گزی: گیاهی است که در روستای هه‌شه‌میز از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 گزی چار: *Tamarix ramosissima*
 گز، درختچه گز. نگا: گز
 گزی چارکینفی: گیاهی از رستی‌های کردستان. (مو)
 گزیچکه سهره: گیاهی است. (مو)
 گزی خوشه: گیاهی است. (مو)
 گزیلکه سهره: *Centaurea*
 گیاهی است از رستی‌های کردستان که در روستای خهرکه و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می‌شود و در بعضی جاها آن را «ناسن سهره» گویند. هم خود گل و هم رنگ گل شبیه گل قاقلی است. نگا: ناسن سهره. (مو)
 گزینکه: نگا: گه‌زنه
- گزیه توولینه: درختچه‌ای است. نگا: تووله گزی. (مو)
 گژنیز: (کرماش): کشنیز. نگا: گوژیو
Coriandrum sativum
 گژنیز: کشنیز. گیاهی است که کاشته می‌گردد و بعنوان سبزی خورشتی، کوکو و پلو به مصرف می‌رسد. این گیاه را در کردستان «گوژیو، گوژیوه، گژنیز، گژنیز، تاووله، تاوولن» می‌نامند. (مو، رو، ابرا، کرمانشاهی)
 گژنیز: نگا: گوژیو
 گژنیزه: نگا: گوژیو
 گژنیزه کیویله: گیاهی است، بعضی آن را (انیس) می‌دانند. (مه)
 گژول: درختی است جنگلی. (هه)
 گسکه شاری: گیاهی است پرورش داده شده که برای جارو زدن از آن استفاده می‌برند. (رو، گز)
 گفیش: زالزالک. نگا: گوژیو
 گفیشک: زالزالک. نگا: گوژیو
 گفژونه‌ک: گیاهی است صحرائی. (هه)
 گفیشک: زالزالک. نگا: گوژیو. (مو، هه)
 گفیش: زالزالک. نگا: گوژیو
 گلادمه‌ل: بارهنگ. نگا: رکیشه. (مو، دا)
 گلاری کیشه: بارهنگ. نگا: رکیشه
 گلار: آلوی قرمز. (هه)
 گلدان: نوعی انگور زودرس. (هه)
 گلک: ۱- گیاهی است ۲- ساقه بی‌دانه بلال. (هه)
 گلگل - گلگل: ۱- گارس. نگا: هه‌رزنه
 که‌وره ۲- گیاه جبارو. نگا: گیاه‌که‌سک
 ۳- بوجاری. (هه ...)
 گله‌وه‌ز: گل سنگ. (هه)
 گلیاز: ۱- گیلاس ۲- آلبالو کومی. (هه)

کرماشان، پاره، نیسلام ناوای غهرب. (معص)
گوچانه گیا: اکلیل الملک، ناخنک. نگا:
گوچانه گیا

گورال: گیاهی است که در بعضی از
روستاهای هورامان به این نام خوانده
می شود. (مو). نگا: لولپه ز

گوراله جنانه: Papver cylindrica

گیاهی است از رستنی های کردستان که در
روستای که لچی و بعضی دیگر از روستاهای
هورامان به این نام خوانده می شود. در
روستای خواشت و هه شه میوز از توابع سنندج
آن را «گاگلینکه» گویند. نگا: گاگلینکه. (مو)
گوراله چه رمگ: گیاهی است که در پالنگان
به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)
گوراله چه رمی: بابونه سفید، گل مینا. تمام
گیاه بابونه سفید و ریشه های آن مصرف
درمانی دارد * رازی در کتاب الحاوی بخور
بابونه سفید با بومادران و برگ اوکالیپتوس را
بهترین دفع کننده سینوزیت می دانند.
ابوریحان در کتاب صیدنه خواص داروئی
بابونه را چنین توصیف نموده است: ۱- دافع
بخارات معده ۲- دافع صفرا و نفخ شکم ۳-
مقوی دستگاه گوارش. در ذخیره
خوارزمشاهیان، جوشانده این گیاه با تخم
شلغم (هر کدام ۵ گرم تا ۱۰ گرم) بهترین
درمان برای دفع کرمک و کرمهای آسکاریس
عنوان شده است. طریقه مصرف: دم کرده ۵
گرم ریشه یا ۵ تا ۱۰ گرم گلهای در یک لیوان
آب و تکرار مصرف آن. (دا)

گوراله چه میثالی: گیاهی است که در
بعضی از روستاهای هورامان به این نام
خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گیلاس: نگا: گلیاز

گلیخه: ۱- گیاهی است آشی. نگا: گلیاخه ۲.

گیاهی است خوردنی. نگا: گپله. (هه، رو)

گلینکه: گیاهی از رستنی های کردستان.

گلینته: گیاهی است که در اکثر جاها از جمله
کردستان پرورش داده می شود و علوفه و
تغذیه خوبی برای دام و حیوانات است و از
خانواده «ولیره گاوی» است. بعضی آن را
«گادانه، گاودانه» میدانند. (مو، رو، هه، که)

گلینته ی کیفی: **Lens orientalis**

= **Vicia orientalis**

عدس، عدس کوهی، عدس شرقی. گیاهی
است از رستنی های کردستان.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: ره شنهش، کوسالان، سولتان
نه حمده، کانی حهین به گ، کوزه ی هه جیج.
گندور - گندور: ۱- نگا: گونوز ۲- نگا:
کالهک. (گز، هه، رو، ابرا)

گندوره: ۱- نگا: گندور ۲- خریزه کوچک.
(هه، ابرا)

گندور: نگا: گندور

گندوور: خریزه. نگا: کالهک. (ابرا)

گنوز: گیاهی است که در روستاهای بست و
قولقوله ی میوه دئی و بعضی جاهای دیگر به
این نام خوانده می شود. نگا: گونوز. (مو).

گنهوور: گیاهی است شلغم مانند. (هه)

گهیشک: زالزالک. نگا: گوپژ. (ابرا)

گوترگه: گیاهی است خاردار. «گیاهه کی
لاسک نه ستوری سه پز له دژکه». (هه)

گوچانه گیا: **Astragalus hamosus**

ناخنک. گیاهی است از رستنی های کرماشان
که در محل های زیر، پراکندگی دارد: سونقوز،

هنگ. (مؤلف)

گورزه گیا: گیاهی است. نگا: گول هنگ. (نادر)

گورک کوژه: گیاهی است سمنی. (هه)

گورگاو: تلخک گندم‌زار. (هه)

گورگه: ۱- گیاه انگل پالیز و توتون ۲- نگا:

گورگاو. (هه)

گورگه کوژه: گیاهی است.

گورگه مزه: گیاهی است. (هه)

گورگه‌و: (له‌ك): دانه سیاهی است که در

میان گندم‌زارها می‌روید و بسیار تلخ است و

اگر با گندم مخلوط و آرد شود، نانی که

بدست آید تلخ است. نگا: گورگاو

گورمز: گیاهی است که آن را «خمرده‌له

کئوبله» نیز گویند. (هه)

گورمزه: گیاهی است خوردرنی شبیه

اسفناج، خردل کوهی. نگا: گورمز. (هه)

گوزنووک: درختچه‌ای است خاردار. (هه)

گوزنی: درختچه‌ای است. (هه)

گورده: تره، گندنا. نگا: که‌وهر. (هه)

گوریواو: *Cephalaria sylaca*

سردار سرشکافته، گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در هه‌زارکانیان، آن را «گوریواو»

می‌نامند. (مو)

گوریز: پونه نامرغوب. نگا: ززه‌پنگ. (هه)

گوز: گردو. نگا: گوئز. (ابرا، هه)

گوزربان: گاوزبان. نگا: گوزروان. (مو)

گوزربان: *Anchusa italica*

گونه معروف گاوزبان است که به

حد وفور در کردستان و کنار جاده‌های بین

شهری و بین روستایی می‌روید. این گیاه را

در روستای گهلین، خانه‌گای گهلین، سواریان،

گوراله چه می‌شانه: بابونه. گیاهی است از

رستنی‌های کردستان که در روستاهای نهر و

گهلین به این نام خوانده می‌شود. نگا: گوله

حاجیانه. (مو)

گوراله حاجیانه: بابونه. گیاهی است که در

هه‌ورامان و بعضی جاهای دیگر به این نام

خوانده می‌شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوراله زهردی - گوله زهرده: بابونه زرد،

بابونه صحرايي. (دا)

گوراله سووره: گیاهی است که در روستای

گهلین و بعضی از روستاهای هه‌ورامان به این

نام خوانده می‌شود. نگا: گاگورال

گوراله سووره:

Glaucium grandiflorum

شقایق گل درشت. گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در بعضی از روستاهای

هه‌ورامان آن را «گوراله سووره» و در

خوزخوزی سه‌قز، آن را «گولاله سووره»

گویند. نگا: شی‌شاته زه‌ی کئیفی. (مو)

گوراله شیخانه: گیاهی است که در

هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود و در

کوه‌های هه‌ورامان می‌روید. (مو)

گوراله مشکيله: در روستای خواشت، گل

گیاه شیرین شاته‌زه و خود گیاه را «گوراله

مشکيله» گویند. این گیاه را «گولاله مشکيله»

نیز گویند. (مو)

گوزاله می‌رگن: بابونه رومی، بابونه شیرازی.

آن را «گولئی کانی» نیز گویند. (دا)

گوراله نه‌وروزی: گیاهی است بهاری. نگا:

گوله نه‌وروزه. (مو)

گوراله هه‌نانی: گیاهی است که در روستای

گهلین به این نام خوانده می‌شود. نگا: گول

می شود. نگا: گوزروان. (مو)

گوزروان: گاوزبان. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق و گویشها، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گوزروان، گوزوانه، گوزریان، گوزربانه، گوزریان، گازروان، گازوان، گول گاوه زوان، گول گهوزروان، گول گاوزوان، زوانه گا». (مو)

(او، هه، با)

گوزروان: *Anchusa italica*

گاوزبان. گونه معروف گاو زبان است که به حد وفور در کردستان و حتی کنار جاده های بین شهری استان رویش دارد. در اغلب جاها آن را «گوزروان» گویند، در بعضی جاها آن را «مژمه» نامند. ارتفاع آن را کنار جاده توریور - درویشان، اندازه گرفتم حدود ۱۶۰ سانتی متر بود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بناری کیتی به ورو پهریشان، سه لواتاواي سنه، دووشان، سولتان نه حمده، کهل هموق، رهشنهش، ئاریز، ئاویه، دزیله، بنیه، زونج، باقلاواي شیخ حسه، ین، پیرخه یران، گلیه، نزار، ئهویه نگ، هویه، سه رهویه، هه شه میز، که زه سی، ریگی که له کان - بست، چل چه مه، قولقوله، سه رشوی سه قز، تا، سه رچی، هه نیم، ریگی سنه - دیوانده ره، خورخوردی سه قز، ژالانه، هه ورامان، بهرقوز، خه رکه، بلچه سور، ته وریور، شیان. نگا: گوزربان. (مو)

گوزروان: *Anchusa strigosa*

گاوزبان. گونه ای گاو زبان است که در کردستان می روید و مظفریان آن را گاوزبان خارک دار نامیده است.

نزار، تهنگی سر، تا، قورو، ده رویان فازس، سووره بان، کهوله «گوزربان» گویند و در مناطق مختلف کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گوزربانه، گوزروان، گوزروانه، گوزریان، گازوان، گازروان، گول گاوه زوان، گول گهوزروان».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سواریان، دهویشان، بین ته وریور و دهویشان، سولتان نه حمده، تا، سه رچی، هه نیم، هه والان، کهوله، کول و دوزه ره، گلیه، ئاریز، ئاره نان، چه م دهو زه نجیر، کسور کوره، ئیبرایم ئاوا، حه سه ئاواي سنه، ریگی سنه - دیوانده ره، تهنگی وهر، ریگی کوزانی - شاره ک، شاره کی بیجار، زه رده وان، دوله زهش مابین دؤل، کانی مشکان، کیلانه، داده نه، هه شه میز، نزار، تهنگی سر، په نجه هلی قسوره، گهلین، خانه گای گهلین، دووشان، قه له مان، باوه ریز، زه نان، مه لکشان، به ورو پهریشان، ده رویان فازس، ریگی سنه - کامیاران، ریگی کامیاران - کرماشان، ریگی کرماشان - پاوه، بلچه سور، لاویسان، گلان، ته وریور، شیان، ته کیه، ریگی کامیاران - روانسر، جوانزق، پاوه، کوسه ی هه جیج، کانی حسه ین به گ. (مو)

گژ، او، هه، با، صا، رو، مظ)

گوزربان: *Echium italicum*

گیاهی است از رستنی های کردستان که در خیلی جاها رویش دارد و در روستای تا از توابع سنه، آن را گوزربان گویند. نگا: گه مالدق. (مو)

گوزربانه: گیاهی است که در روستاهای خواشت و میراو، هویه به این نام خوانده

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سولٲان نه‌حمه‌د، چل‌چمه‌مه، گلیه، قه‌له‌به‌رد، نه‌که‌روز، هه‌جیج، ته‌ته، کانی حه‌سین به‌گ. (مؤلف)

گوزروان گورگيي: نوعی گاوزبان است که در روستای حسن‌آباد سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گوزروانه: گاوزبان. گیاهی است که در هورمان و روستای نیه‌ز از توابع کامیاران آن را «گوزروانه» گویند. نگا: گوزروان. (مو)

گوزریان: گاوزبان. نگا: گوزروان. (مو)
گوزه‌زه‌بک: گیاهی است خوردنی. (هه)
گوزه‌له‌گه‌ون: نوعی گرن است که در قلقله‌میره‌مه به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: تولقوله‌ی میره‌دی، نه‌که‌روز، پیره‌مه‌ران. (مو)

گوزیر: درخت گردو. نگا: گویر. (هه)
گوژالک - گوژالک: گیاهی است. در منابع (رو، گز، هه) نام فارسی این گیاه (حنظل، هندوانه‌ ابو جهل) ثبت گردیده است. نگا: کاله‌که‌مارانه. (مو)

گوژه - گوژه: انزروت، دارویی است. نگا: هه‌زه‌روت. (رو، هه)

گوژه‌ه‌ره‌بیی: *Accacia arabica*

صمغ عربی. شیرابه‌ درخت آکاسیای آفریقایی و عربستان و یمن را که در مجاورت هوا سفت می‌شود و به رنگهای زرد و سفید و قرمز دیده می‌شود، صمغ عربی گویند * اگر صمغ عربی را با کتیرا (صمغ گون) ترکیب کرده و هر روز یک قاشق غذاخوری از آن مصرف کنیم برای درد معده و روده و رفع

یبوست مؤثر است. (دا)

گوساره: گل ستاره‌ای. (ابرا)

گوسان: گیاهی است صحرایی. (هه)

گوستیر: نگا: گوساره

گوسنج: ۱- سنجد (میوه سنجد) ۲- درخت

سنجد. نگا: سرینچک. (هه)

گوشٲ بهرخوٲک: گیاهی است خوردنی.

نگا: گوشٲ بهرخیله. (هه)

گوشٲ بهرخیله: *Gypsophila bicolor*

= *Gypsophila paniculata*

گچ دوست مزرعه روی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «گوشٲ بهرخیله، بهرخیله، گوشٲ بهرخیله، بهرخیله، گوشٲ بهرخیله، گوئی بهرخه، گوشٲ بهرخوٲک. در روستای بست، این گیاه را در جوانی گوشٲ بهرخیله و در پیری «سواله‌شٲ وینکه» گویند و در زه‌شنه‌ش هم عده‌ای آن را «سواله‌شٲوین» گویند. این گیاه در جوانی قابل خوردن است، آن را می‌پزند و می‌خورند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سالیان، ره‌شنه‌ش، چل‌چمه‌مه، کورکوره، ئیبرایم‌ئاوای‌سته، ریگه‌ی‌سته - سه‌تو، دۆله‌زه‌ش‌مساین‌دۆل، زه‌رده‌وان، که‌رجو، کیلانه، دادنه، نجن، ریگه‌ی‌تاماسبقولی - په‌تجه‌ه‌لی، رامۆل، گه‌زگه‌زاره، بیجار، ریگه‌ی‌بیجار - تیکاب، ریگه‌ی‌کوزانی - شاره‌ک، بلچه‌سور، قه‌له‌به‌رد، ته‌وریوه‌ر، شیان، هه‌شه‌میز، زوانسهر، پاهو، ئاره‌با، سارال، سه‌رشٲوی‌سه‌تو، هه‌رمی‌دۆل از توابع سقز، کۆسه‌ی‌هه‌جیج، ته‌ته، کانی حه‌سین به‌گ. (مؤلف)

مه). گیاهی است، جوجم. (هه). گیاهی است که بیشتر در داخل گندم و جو می‌روید و در اوایل تابستان گل زرد رنگ او ظاهر می‌گردد. (رو). در هه‌نیانه (هه) آمده است که گل‌های این گیاه برای زنبور عسل ضرر دارد. گوگه‌مه: گیاهی است. نگا: گاده‌مه. (مو).

گول: گیاهی است که در روستاهای نزاز، نهر، تنگی‌سهر، و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: کپک‌له‌گا. (مو) گول: گل محمدی. نگا: گول‌باخی

گولابه‌ره‌روژکی: آفتاب‌گردان. نگا: گوئه به‌زژه. (هه)

گولاپایزی: گل حسرت. آن را «گوئه پایزه» نیز گویند. (هه)

گولا پینخه‌مبه‌ر: گل سرنگون. نگا: هه‌لاله برمه. (هه)

گولا چاویشه: بابونه‌گاوچشم. (هه)

گولا حاجیانه: گیاهی است. در سه‌یفای سیه‌قز و خیلی جاهای دیگر می‌روید. نگا: گوئه حاجیانه. (مو)

گولا زهر: نوعی گل گلاب زرد رنگ. آن را «گوئه زهره» هم گویند. (هه)

گولا سۆز: گل محمدی. نگا: گول‌باخی. (هه، مو)

گولاسووره: لاله. گیاهی است که در پست به این نام خوانده می‌شود. نگا: گاکورال. (مو) گولا شینست پهن: گل کوکب. (هه)

گولاله: (کر): گل سرخ.

گولاله: ۱- لاله. آن را با نام‌های زیر هم می‌نامند: «زه‌به‌تۆك، میتلاق، میتلاقه، گوئه میتلاقه».

«کوردی هه‌شق دل هه‌ر یه‌ند جۆش وهرده‌ن

گوشت بهرغیله: گیاهی است که در روستای حسن‌آباد واقع در ۵ کیلومتری سئندج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: گوشت بهرغیله. (مو) گوشتگا: ۱- نوعی انگور است ۲- گوشت گاو. (رو، هه)

گوشته بهرغیله: گیاهی است خوردنی و از رستنی‌های کردستان که در منطقه له‌یلاخ از جمله رامۆل و گه‌زگه‌زاره این گیاه را در جوانی «گوشته بهرغیله» و بهنگام پیری و خشک شدن «یافزینکه» می‌گویند. نگا:

گوشت بهرغیله. (مو)

گوشته بهرغیله: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستای خه‌رکه به این نام خوانده می‌شود. نگا: گوشت بهرغیله. (مو)

گوئشگه‌لوو: آلو. (ابرا). نگا: ئالوو

گوئشه‌مله: نگا: مه‌رزنجۆش

گوئاشگه: معصره، محل آب میوه‌گیری. آن را «گشینگه» هم گویند. (هه)

گوئیشك: زالزالک. نگا: گوئۆ.

گوئك باخان: آفتابگردان. نگا: گوئه به‌زژه گوگجه: ۱- آلو زرد، آلوبخارا، آلو سلطانی. آن را با نام‌های زیر نامند: «ئالوزهر، هه‌لووژه

زهرده، هه‌لوکه زهر، ئالوچه زهرده». نگا: ئالوو بخاره ۲- گوجه، گوجه سبز، آلوچه. در بعضی

جاها از جمله روستای نزاز به میوه و درخت آلوچه گویند. نگا: هه‌لووچه. (هه، رو، مو،

ابرا، مئ که)

گوگم: گل ماهور. نگا: گاده‌مه. (مه)

گوگه‌م: گل ماهور. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. زنبور عسل از گل‌های آن استفاده زیادی می‌کند. نگا: گاده‌مه. (مو،

گولاله چۆن ویم نه راموش کرده نه

۲- در بعضی جاها به گیاه «چاره چه قیله، چارانه چه قیله» می گویند. (ابرا، هه، مو)

گولاله بهاره: گیاهی است که در روستای سوورکهۆل به این نام خوانده می شود. نگا: گاکورال

گولاله چاویشانه: بابونه. نگا: گوئه حاجیانه. (مو)

گولاله چاویشه: گیاهی است که در چل چه مه، بست، دهره ویان خواروو، که که وسان، ته لای سه تاوا و... می روید. نگا: گوئه حاجیانه. (مو)

گولاله چه میشه: گیاهی است. نگا: گوئه حاجیانه. (مو)

گولاله حاجیانه: بابونه. گونه ای بابونه است که دور گلهايش سفید و داخل آنها زرد رنگ است. نگا: گوئه حاجیانه

گولاله سوورکه: لاله قرمز. (هه)

گولاله سووره: ۱- گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می شود و در روستای زوج و ره شنهش آن را «شیرین شاته زه» گویند. (مو). نگا: شیرین شاته زه ۲- لاله قرمز «گولاله، میلاته». هه ژار معادل فارسی آن را «آلاله قرمز» نوشته است که بنظر می رسد (لاله قرمز) صحیح تر باشد. (هه، مو) ۳- نگا: شی شاته زه کیفی

گولاله سووره: *Tulipa montana*

لاله، لاله واقعی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای نسل، ره شنهش، سه لواتاوا، سوورکهۆل آن را «گولاله سووره» گویند.

«گولاله سووره کیتفان داییلن

جا هیلی خوه شه و نه لهك ناییلن»

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه می روید: کوزه میانه، نسل، ره شنهش، زه نان، روانسر، پاوه، کانی حسه یی به گ، هه جیج.

بلچه سوور، نگا: گاکورال

گولاله سووره که: گلی است. نگا: گولاله سووره

گولاله عه زیزه: گیاهی است که در باخان با این نام و با نام «گولاله نه ورۆزه» خوانده می شود. (مو)

گولاله گورگانه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

گولاله گه زیزه: گیاهی است که در روستاهای کانی سه یی، پیروهمه ران و خورخوزهی سه قز، به این نام خوانده می شود. نگا: لولوپه ز

گولاله مشکیه: نگا: گوراله مشکیه.

گولاله نه ورۆزه: *Iris reticulata*

زنبق، زنبق مشبک. گیاهی است از تیره ایری داسه که به حد وفور در مناطق مختلف کردستان رویش دارد و آن را در کردی: «گولاله نه ورۆزه، گوئه نه ورۆزه» می نامند. این گیاه در بسیاری از مناطق قبل از شروع سال نو گلهای زیبای آبی رنگ خویش را ظاهر و نمایان می سازد. در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۶ که از کوه

آبیدر سندنچ بازدید نمودم این گیاه گل کرده بود و در واقع می توان گفت که اولین گلی است که قبل از همه گلها گل میکند. (مؤلف)

گولاله نه ورۆزه: گیاهی است در روستای بست به این نام خوانده می شود. نگا: لولوپه ز

گولاله هه نان: گیاهی است که در روستای خواشت با این نام خوانده می شود. نگا: گوئ

گولاله هه نان: گیاهی است که در روستای خواشت با این نام خوانده می شود. نگا: گوئ

گولاله هه نان: گیاهی است که در روستای خواشت با این نام خوانده می شود. نگا: گوئ

گولاله هه نان: گیاهی است که در روستای خواشت با این نام خوانده می شود. نگا: گوئ

گولاله هه نان: گیاهی است که در روستای خواشت با این نام خوانده می شود. نگا: گوئ

هه ټنگ. (مو)

گولانه: قارچ سمی. «کارگی ژمراوی».

گولآویی: نوعی گلابی است. (مو، هه)

گول ناشقان: گیاهی است که در روستای زه‌نان از توابع سمنج به این نام خوانده می‌شود. نگا: گول مه‌خملی. (مو)

گول ناشقانی: گیاهی است که در روستاهای مه‌لکشان و زه‌نان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گول ناشقان، گول ناشقانی، گول ناشقانی». نگا: گول مه‌خملی. (مو)

گول ناشقانی: نگا: گول مه‌خملی

گول ټاوات: گل میمون. گونه‌های زیادی از این گیاه علفی در کردستان رویش دارد که نوع وحشی آن گل‌های رنگی دارد * در نواحی سردشت و بانه گل‌های وحشی آن را جمع‌آوری نموده و بنام گول شفا برای دفع بیماری آبله و یرقان بکار می‌برند. در منطقه ژاوه‌رو و مریوان و بیساران نوعی گل میمون زرد را خشک کرده که آن را گل کاژه گویند و برای دفع بیماری عصبانیت و جنون رفتاری با بتفشه مخلوط کرده و می‌جوشانند. در اطراف کامیاران این گل را برای رفع سردرد عصبی به صورت جوشانده استفاده می‌کنند. (دا)

گول ته رخه وان:

Aethlonema grandiflorum

آتشین. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در ته‌کیه و هه‌شه‌میز «گول ته رخه وان» در هویه و شیان و سهرویه «ته رخه وان، ته رخه وان» و در خواشت و ته‌نگی‌سهر «شه‌بو» می‌نامند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: ته‌کیه، هه‌شه‌میز، سهرویه، هویه، شیان، ته‌ویه‌نگ، ریگی و تره زه‌وی - ته‌ویه‌نگ، خواشت، ته‌نگی‌سهر، نهر، گه‌رده‌نی ماموخ، گهلین، خانه‌گای گهلین، شاهوی پالنگان، شاهوی وی‌زیه‌ر، دزلی، دهره‌کئی، پاوه، هه‌جیج، کانی حه‌سین به‌گ. در محل‌های زیر هم می‌روید: سوریه، کردستان عراق، کردستان ترکیه، ارمنستان، قفقاز، آسیا، ارومیه، کرمانشاه، کرد، پاوه. (مؤلف، مظفریان، فلور ایران)

گول ته رخه وان: *Primula*

پامچال. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در روستای گلپه «گول ته رخه وان»، در روستای میانه «ته رخه وان» و در قروه «روح ټوتیا» می‌نامند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گلپه، کوزه میانه، به‌ورو پهریشان، دهره‌ویان فازس، کول و دوزه‌غهره، شاره‌کی بیجار. (مؤلف). نگا: ټوتیا

گول ته رخه وان: گیاهی است که آن را «گول ته‌روانه» نیز گویند. نگا: گول ته‌روانه. (مو).

گول ته رخه وان ده یمې:

Campanula involucreta

گل استکانی برگه‌دار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی جاها آن را «گول ته رخه وان ده یمې» و تعدادی از اهالی روستای حسن‌آباد بیجار آن را «رو‌تاسه‌گیا» می‌نامند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: حمزه عرب، شهرک بیجار، حسن‌آباد واقع در حومه بیجار، تازه‌آباد آصف، هزارکانیان، کهل هه‌مرو، کوسالان،

زرد رنگ است.

گولباخی: (کرماش): گل سرخ، نگا:

گولباخی

Rosa damascena

گولباخی:

گل سرخ، گل محمدی. درختچه‌ای است که به صورت نیمه خودرو و پرورشی در کردستان می‌روید و بسیاری از باغداران تعدادی از این درختچه را در باغهای خویش پرورش می‌دهند. گلسرخ را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گولباخی، گولاسور، گوله باغ، گولباخی، گوله باخ، گوله زه، گول مسحه مدی، گولگول، گولی گول، وله عمه لیه، نه شرفی». در عربی آن را (ورد احمر) گویند. (مؤلف، هه، با، مند دا، قا)

گول باوه زه زو: (کرماش): گیاهی است با خاصیت دارویی، گل باد، آن را «گول باوه زه زو» نیز گویند.

گول باوه زه زو: نگا: گول باوه زو

گول بایی نه: (دیل): گل بابونه، گیاهی

است کوچک، پرپشت، به ارتفاع ۱۰-۳۰ سانتی متر و دارای بوی معطر و قوی که در چمنزارها، زمینهای شنی و کنار استخرهای طبیعی می‌روید. (علیر)

گولبزا: گلی است زرد رنگ که اول بهار می‌شکند. (هه)

گولبزا: نگا: گولبزا

گول بز: گلی است شبیه گل محمدی. (هه)

گولبوری: گل اطلسی. آن را «گولی شیبوری» هم گویند. (هه)

گول بووینه: گل بابونه. نگا: گوله حاجیانه. (لهک)

سارال، دوله زهش مابین دۆل، هه شه میز، گلیه، تولقوله‌ی میره دئی، گهرده نه‌ی خان، چل چمه، ره شنهش، شیان، روانسر، پاوه، خوژخوژه‌ی سه تو، قازی به کر، سه رهویه، کانی حه‌ین به‌گ، کۆسه‌ی هه‌جیج. (مؤلف)

گول نه روانه: *Salvia hydrangea*

مریم گلی تماشائی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی از روستاهای بیجار آن را «گول نه روانه، گول نه رخه‌وان» گویند. در قدم چوغه از توابع بیجار آن را «قایش قران» و در صلوات آباد سندیج آن را نوعی «کاسه شور» می‌نامند. (مؤلف) گول نه زوه: آویشن. گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گول نه سپهک: *Gladiolus atroviolaceus*

گلایول سیاه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «گول نه سپهک، گوله خنجره، گوله خنجرئی، گیاخورما». دارای گل‌های بنفش پررنگ است که در یک طرف ساقه جمع می‌شوند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: به‌وروپه‌ریشان، ثاریز، رینگه‌ی که‌له‌کان - بست، تولقوله‌ی میره دئی، رینگه‌ی سنه - قورو، ره شنهش، سه‌لواتاوا‌ی سنه، رینگه‌ی میره دئی - پیره‌ومه‌ران، کانی حه‌ین به‌گ، هه‌جیج، نه‌که‌رۆز، پیره‌ومه‌ران، گهلین، خانه‌گای گهلین، رینگه‌ی بیجار - تیکاب، زۆنج، نایده‌ر، حه‌سن شاوای سنه. رینگه‌ی موچه‌ش - دئی گولان، رینگه‌ی کامیاران - سنه، زه‌نان، مه‌لکشان، شیان، ته‌وریوه‌ر، روانسر، جوانزۆ، پاوه، سه‌رهویه. (مو)

گول نه‌لما: (کرماش): نوعی گل وحشی

می شود. نگا: گولّه حاجیانه. (مو)

گولّ ته قه: گیاهی است در اوایل بهار می روید دارای گل‌های زیبایی است و ریشه غده‌ای بزرگ دارد. این گیاه را در اوایل بهار سال ۷۶ در آیدر سندیج و دشتهای روستای حسن آباد که پشت آیدر واقع شده‌اند بررسی نمودم. این گیاه را در صلوات آباد سندیج «گولّ ته قه» گویند. در بعضی جاها آن را با همان نام عمومی «ته قله» می شناسند و آن را نوعی از گیاه «ته قله» می دانند. در بعضی جا «ته قه» و در شیخ شهریه تی «ته ق ته قه» گویند. (مو)

گولّ چا: گیاهی است. نگا: گولّ که وو. (مو)

گولّ چاوزه ش: گلی است خوشبو با ارتفاع حدود ۲۰ سانتی متر که در میانه رویش دارد و در این روستا به این نام خوانده می شود. «گولّه کانی سن پهل یا چوار پهلین» هه یه. (مو)

گولّ چاویشه: گیاهی است که در روستاهای: تا، حه سه ناوا، زه نان و در گویش له کی به این نام خوانده می شود. نگا: گولّه حاجیانه

گولّ چایی: گیاهی است. نگا: گولّ که وو. (مو)

گولّ چه رمگه: نگا: گولّه حاجیانه. (مو)

گولّ چه رمه: نگا: گولّه حاجیانه. (مو)

گولّ چه رمی: (کر): بابونه سفید. نگا: گولّه حاجیانه

گولّ چیت: گلی است صحرایی. (هه)

گول حیرو: گیاهی است که در کرماشان و بیجار و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود نگا: هه لمه له، گولّ هیرو. (علیر، مو)

گولّ خاز: شیوری. نگا: هاز. (مو)

گول خاینه: (کرماش): نوعی گل بهاری

گول بهار: گل ماهوتی. (هه)

گولّ بهرثافتاو: آفتاب گردان. گیاهی است که در کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: گولّه بهرژژه. (مو)

گول به ناوشه: (کرماش): گل بنفشه. آن را «گولّ وه نه وشه» هم گویند.

گولّ به ندووشکی: گل دکمه یی، گیاهی است از دسته گل تاج خروس و از تیره اسفناجیان. (ابرا)

گول به وی: (کرماش): شقایق.

گولّ به هار: گل صحرایی. «چیچه کی دهشت». (هه)

گولّ به یاخ: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. نگا: لولو بهر ۲- نوعی زنبق است به این نام خوانده می شود ۳- نوعی «گولاله نه ورژزی» است که در روستای کژوکژره از توابع سندیج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. (مو)

«گولّ به یاخ نیژی من به یاخ دارم له ناو گولانا تسپ تسپ سوارم» گولّ بینوشه: گل بنفشه. نگا: گول به ناوشه. (له ک)

گولّ توپ: ۱- در بعضی جاها به گیاه «گولّ هه نگ» گویند. در باقلاوای حه سه ناوا به این معنی است. نگا: گولّ هه نگ ۲- در بعضی جاهای دیگر به گیاه «خزین بهس» گویند. نگا: زه زئیقه ۳- درختچه ای است که در قولقوله ی میره دی از توابع سقز می روید و در این روستا آن را «گولّ توپ» گویند. (مو)

گولّ توو تک: گیاهی است که در صلوات آباد سندیج به این نام خوانده

است که با آن کوکو و خاکینه درست می کنند.
گول خنجره: گیاهی است که در بیجار به
این نام خوانده می شود.

محل رویش و مشاهده: بیجار، جاده بیجار -
تکاب. (مو)

گول خوین به س: نگا: زهر نیتقه
گول خه نده ران: نوعی گل است، گیاهی
است. (هه، رو)

گول خه نه: گل حنا. (درو، ابرا)
گول خه نه: نگا: گول خه نه
گول خه نی: ۱- گیاهی است دارویی، گیاه
بسم ۲- آتش بلغور ریز. (هه)

گول خه وان: گیاهی است که برگهایش شبیه
برگ «کاسه شوره» است ولی این ریزتر است.
در رنگهای بنفش و زرد و سفید کم رنگ
است. نگا: گاوه سن شکینه

گول خه یار: گیاهی است که در بیجار و
بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در بیجار و نزدیکیهای قم چقا
رویش دارد. نگا: گوله نه ورژه. (مو)

گول خه یاره ک: گیاهی است که آن را
«گه زیزه» هم گویند. نگا: گه زیزه. (مو)

گول زنه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)
گول زووت: نوعی گندم است. (هه)

گول زهش: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (مو)

گول زنیانه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)
گول زهرد: (کرماش): گل زرد

گول زه مهق: *Iris lycotis*

= *Iris iberica. sp. lycotis*

زنبق. گیاهی است از رستنی های کردستان.
محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: شاق، هه ورامان، گه لنین،
ره شنهش، سه لواتاواي سنه، گلیه، باقلاواي
شیخ حسین، نه که روزه، پیرعومه ران، بلچه
سور، هه جیج، کانی حسین به گ، نه سپه ریز.
(مؤلف)

گول سوّسه ن: *Tulipa*

لاله. گیاهی است از رستنی های کردستان که
در فارسی آن را لاله گویند. دارای گلهای
معطر در رنگهای سفید و زرد و سرخ
می باشد. همه انواع آن دارای پیازه است.
نوعی از آن را که دارای برگهای سفید رنگ و
بسیار معطر و خوشبو است و حدود ۳۰
سانتی متر ارتفاع دارد، در شاق مشاهده
نمودم. نوع دیگر آن را که دارای رنگ قرمز یا
بنفشه ای متمایل به قرمز است در ارتفاعات
به ورو پهریشان قروه مشاهده نمودم.

محل رویش - این گیاه در کوزه ی میانه، ته کیه،
هه شه میتز، گلیه، سالیان، زه شنهش، رویش
دارد، در محل های فوق الذکر آن را مشاهده
نمودم. این گیاه به علت زیبایی و معطر بودن
آن در ادبیات کردی و ترانه های کردی جای
خاصی پیدا کرده است. (مو)

«گول سوّسه ن ماچو یا گم ن ساره ن
مه ر وه ختن ده ریم نه وه ل وه هاره ن
گول سوّسه ن و اچو یا گم ن ساره ن
وه ختن بهر یوئی نه وه ل وه هاره ن»

گول سوّسه ن: *Tulipa heterochroma*
لاله. گیاهی است از رستنی های کردستان که
در روستاهای میانه، رشنش، ییره به این نام
خوانده می شود.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را
مشاهده نمودم: کوزه میانه، زونج، خواشت،

باخان، رەشەش، عەوالان، دەرەکی، نشور، سەلواتاواي سە، بەورو پەريشان، نيەر، تراز، ميژاو، هەشەميژ، سەرھويە، کانی حەسەين بەگ، کۆسەي هەجيج، نزيکی ئاوەکەي بـلـ (مو)

گول قەني: بابونە، بابونە سفید. گیاهی است که در صلوات آباد سنندج با این نام خوانده می شود. نگا: گولە حاجیانە. (مو)
گول کاژە: نگا: گول ئاوات. (دا)
گول کالانە: گیاهی است کوهی. (رو)
گول کفتە: گیاهی است که در صلوات آباد سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: گول کەوو. (مو)

گول کوچک: گل سنگ. نگا: قەوزە. (هه)
گولکە: نوعی انگور است. (هه)
گول کەڤرۆک: گل سنگ. نگا: قەوزە
گولکە ماسە: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

گول کەو: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. نگا: گول کەوو. (مو)
گول کەواو: ۱- گل گیاه «کاسە شۆر» راگویند ۲- «گول سۆرخ کێڤی». (مو)

Stachys lavandulifolia گول کەوو:
چای کوهی، چای علفی، سنبه ای زیبا. گیاهی است از رستنی های کردستان به ارتفاع حدود ۲۵ سانتی متر و گل های صورتی - ارغوانی. در فروردین تا خرداد ماه گل می دهد. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گول کەوو، گیاکول کەوو، گول کەو، گیاپایی، گیابۆنخۆشە، گیاکۆلکەنە، گول کەو، گیای بـرک و ژان، کلکە زیویی، چای کتویی، گولە چای، گول چایی،

سولتان ئەحمەد، نسل، رەشەش، ئەکەرۆز، پاو، کۆسەي هەجيج، کانی حەسەين بەگ. (مو)
مظفريان

Tulipa biflora گول سوّسەن:
لالە هفت رنگ.

محل رویش - در ئەکەرۆز، میانە، نسل، رەشەش آن را مشاهده نمودم. (مو، معر)
گول سوّسەن:
لالە. گونه ای لاله است که در بەورو پەريشان قوروه می روید و در اطراف این کوه، آن را «گول سوّسەن» می نامند. گل های قرمز رنگ است. (مو)

گول سەگ: نسترن کوهی. نگا: شیلان
گول سەگانە: (کرماش): نوعی گل وحشی کم پر و خاردار.
گول شفا: نگا: گول ئاوات. (دا)
گولشەيتان: گیاه بلاد. نگا: قورسی کەمەر. (هه)

گول عەزەرەتي: گولی است از رستنی های کردستان که در باخان و بعضی جاهای دیگر به این نام نامیده می شود. (مو)
گول قاخلیي: گیاهی است به ارتفاع حدود یک متر و دارای گل های زیبا مثل گل قاخلی که در مەلکشان به این نام خوانده می شود. نگا: گزیلکە سەرە. (مو)

گول قازان: گیاهی است که در صلوات آباد به «گول زەمەق» می گویند. نگا: گول زەمەق. (مو)

Taraxacum montanum گول قاسید:
گل قاصدکوهی. گیاهی است از رستنی های کردستان. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: وزمان، دەرەویان، کەکەوسان،

گیا که وو، گول که وگ: ترک زبانان روستاهای شهرک و قزلباغ بیجار آن را (توکلیجه) گویند.
محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاهوی وئ زیهر، شاهوی پالنگان، شاهوی لونی سادات، ریگهی بیجار - تیکاب، قزلباغ و قزلبه بیجار، شاره کی بیجار، کورکوره، زه دهوان، دۆله زهش مابین دۆل، که رجو، هه شه میز، کۆسالان، گهلین، خانه گای گهلین، تهوریور، شیان، که وله، کۆل و دۆزه غره، ده رویان نازس، گلیه، ئاریز، چل چه مه، ناره نان، ئاویهر، خواشت، ئاشقان، وئ سر، نهوییه نگ، چه م ده رزه نجیر، بلچه سوور، کانی حسین به گ، هه جیج، سالیان، نجی، په نجه عدلی قوروه، زونج، باقلاوی شیخ حسین، کوزه میانه، نسل، سوورکه دۆل، خورخوزهی سه قز، نه که رۆز، پیرهومه ران، ره شنش، تا، سه رچی، تنگی سر، تیه ر، سه لواتاوی سنه، عه والآن، سولتان نه حمده، کهل هه مرۆ، به ورو پهریشان، نواز، وتره زه ویی، ریگهی که له کان - بست، هه نیم، قوروه، زه نان، سه لواتاوی بیجار، زمزیران، ورمی، مه هاباد، شنو، میرئاو، پیازه، ته کیه، زوانسر، جوانزۆ، پاوه، حمزه ی عه ره و * در طب سنتی برای درمان شکم درد، دل پیچه و گلو درد و سی نوزیت دم کرده آن را می نوشند و برای سی نوزیت تفاله آن را هم روی پیشانی قرار می دهند. طریقه مصرف: تمام گیاه را با گل های آن با چای (یک قسمت چای و دو قسمت گیاه) دم کرده و پس از صاف کردن می نوشند. این گیاه در ستقر، کوه پر و کوه ورمنج کرمانشاه نیز می روید. (مؤلف)

گول که وه: گیاهی است که در قروه و

باقلاوی حسه بناوا، به این نام خوانده می شود. نگا: گول که وو. (مو)
گول کیسه ل: گیاهی است که در روستای نشوور به این نام خوانده می شود. نگا: گولآله سووری دهشت
گول گاذه مه: گیاهی است که آن را در روستای بست «ژه هر ماسی» نیز گویند. نگا: گاذه مه. (مو)
گول گاوزوان: گل گاوزبان. نگا: گوزروان. (مو، هه)
گول گاوه زوان: گاوزبان. در بعضی جاها آن را «مژمه» گویند. نگا: گوزروان
گول گواره: گیاهی است از رستنی های کردستان دارای گل های شبیه به گوشواره است، این گیاه دارای ارتفاع حدود ۶۰ سانت است. نگا: گول گواره. (مو)
گول گوشه: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: دوودو و کهره. (مو)
گولگولآو: گل سرخ، گل محمدی. نگا: گولیاخی. (مو، رو)
گول گه نم: گل گندم. (هه)
گول گه وزروان: گاوزبان. نگا: گوزروان
گول گه و ن: گیاهی است که در بعضی روستاها به این نام خوانده می شود. (مو)
گول گه وه ند: گیاهی است. (مو)
گول مارانه: گیاهی است که در روستای خه رکه به گونه ای «بوژانه» می گویند که برگ های شبیه کرم است. نگا: بوژانه.
گول مارانه: گیاهی است. نگا: گول هه نگ. (مو)
گول ماس: *Ranunculus*
آلاله. گیاهی است از رستنی های کردستان که

گول ماسه: نگا: گول ماس. (مو)

گول ماسه وا: گیاهی است از رستنی های کردستان. دارای انواعی است. بعضی در داخل چمنزارهای پر آب و در داخل «زلقاو» ها می روید و بعضی در دشتها و در کنار جاده ها می روید. دارای گل های زرد رنگ است. حالت سوزندگی دارد. نگا: گول ماس. (مو)

گول ماسیی: گیاهی است. (مو)

گول محه مه دی: گل سرخ. نگا: گول باخیی.
گول مه خمور: گل تاج خروس. نگا: پوپه کهله شیره. (هه)

گول مه خمه له: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: گول مه خمه لی. (مو)

گول مه خمه لی: *Phelypaea coccinea*
= *Anoplon coccineum*

خون سیاوش. این جنس گیاه همین یک گونه را در ایران دارد که حالت انگلی داشته به رنگ قرمز خونی است. این گیاه را در صلوات آباد سنندج «گول مه خمه لی، گول مه خمه ل» گویند و در جاهای دیگر آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «خوین سیاوشان، خوینی سیاوشان، گول مه خمه له، گوله مه خمه له، گول ناشقان، گول ناشقانی».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: دۆله زئی له سه لواتای سنه، سولتان نه حمده، گهلین، خانه گای گهلین، نه که رۆز، زه نان، مه لکشان، کوچه زهش مه لکشان. این گیاه علاوه بر ایران و کردستان ایران در قفقاز، ارمنستان، آناتولی و سوریه نیز می روید. (مو، مظ)

گول مه شك: گیاه رجل الغراب. گیاهی است که آن را «پن قهله، گیای پن قهله» نیز

در مناطق مختلف، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: ۱- در روستای کۆل از توابع سارال «سپی چنه» ۲- در روستای کینله شین و بعضی از روستاهای یانه «چناره که له» ۳- در بعضی از روستاهای سقر «گول ماساو» ۴- در دهره ویان فازس از توابع سارال «سپی چن» ۵- در روستای نیه ر از توابع شهرستان کامیاران «سپی چنه» ۶- در روستای وئی سهر، از توابع سنندج و تعداد دیگری از روستاها «گول ماس» ۷- در بعضی از روستاهای دور و بر کوه های بهر و بهریشان قروه «گوله زهرده».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بهر و بهریشان، سولتان نه حمده، شیخ شریه تی، سه لواتای سنه، ره شنش، عه والآن، ئاریز، نشووری ژوروو، ریگهی سهر بناو - تهنگی سهر، کۆله ساره، ریگهی که له کان - بست، وتره زهوی، نه ویه نگ، وئی سهر، کۆزه میانه، زۆنج، ریگهی میره دی - پیرومه ران، نه که رۆز، پیرومه ران، چل چمه مه، که وله، کۆل و دوزه غره، گلیه، بلجه سور، ریگهی بیجار - تیکاب، ریگهی کوزانی - شاره ک، شاره کی بیجار، زهرده وان، دۆله زهش مایین دۆل، که رجۆ، زه نان، مه لکشان، ته کیه، هه شه میز، شیان، ته وریوهر، جوانزۆق، پاوه، خواشت، هه شلی، نیه ر، تهنگی سهر، دهره ویان فازس، سهرشیوی مه ریوان، کانی حسه ین به گ، کۆسه ی هه جیج. (مؤلف)

گول ماساو: نگا: گول ماس. (مو)

گول ماساو: گیاهی است که در بست به این نام خوانده می شود. نگا: گول ماس. (مو)

گويند. نگا: پتقهله. (هه)

گول مه شكه: گياهي است از رستني هاي كردستان. نگا: گول ههنگ. (مو)

گول مه غمهل: گياهي است از رستني هاي كردستان. نگا: گول مه خمهلي. (مو)

گول ميخهك: *Nepeta helleotrofolia*

پونه ساي خوش رنگ، پونه ساي آفتاب پرست. گياهي است از رستني هاي كردستان كه در صلوات آباد سندنج آن را «گول ميخهك» و در روستاي زه نان آن را «براپوته» مي گويند.

محل رويش - در محل هاي زير، اين گياه را مشاهده نمودم: سه لواتاوي سنه، بلچه سوور، ره شنه ش، سولتان نه حمده، قهله بورد، گليه، كوسالان، زه نان، كوسه ي هه جيچ، كاني حه مين به گ، شاهو، قوري قهلا. (مو)

گول ميخهك: ۱- گياهي است از رستني هاي كردستان داراي گلهاي زيبا در رنگهاي قرمز پررنگ و قرمز كم رنگ. نگا: ليفه شزه. (مو)
۲- گل ميخك. (هه) ۳- سنبل. قسمتي از رياحين است، به جهت اينكه شكل گلش شبیه به شكل ميخك است، آن را گل ميخك گويند. (من)

گول ميز: گياهي است كه در روستاهاي بلچه سوور و سووركه وئ به اين نام خوانده مي شود. نگا: گول ههنگ. (مو)

گول مينا: بابونه سفيد. نگا: گوله حاجيانه. (دا)

گولميو: گياهي است خوراكي. (هه)

گولناز: گلي است. «گولي نازناز». (هه)

گولنكه سپيكه: گياهي است. (رو)

گول نه وروزي: *Iris hymenospata*
گياهي است از رستني هاي كرماشان. گوندهاي

زنيق است و در محل هاي زير پراكندي دارد: كرمانشاه، كوه پراو، اسلام آباد غرب، ريجاب، گيلانغرب، ارتفاعات قصرشيرين. اين گياه را «گوله زه مهق» نيز گويند. (معص)
گول ووك: گل درختي است بلند كه قبل از اينكه برگهاي درخت روبيده شود گلهايش ظاهر مي شود. آن را «شاگول» نيز گويند. (رو)
گول ووكه فه قيانه: ريحان كومي. آن را «ريحانه كتيوله» نيز گويند. (هه، رو)

گول ووكه فه قتي يانه: نگا: گول ووكه فه قيانه
گول ووهني: نگا: گول ههنگ. (مو)

گوله ناخ: گل ميمون. (دا)

گوله ناسو: *Aster amellus*

گل ستاره اي. «گوله نه ستيره». (نادر، اميني)
گوله ناگرين: گياهي است. «گوله هه رهه». (نادر)

گوله ناوات - گوله ميمون: گياهي است كه در منطقه سردشت آن را «گوله شفا» گويند. (نادر)

گوله ناوه نيا: گياهي است از رستني هاي كردستان. «گوله جوتياره». (مو)
گوله نه سته مبولي: گل كوكب. نگا: گولا شيت پهز.

گوله نه ستيره: گياهي است از رستني هاي كردستان. در كوه ميراجي واقع در شهرستان مريوان رويش زيادي دارد. نگا: گوله ناسو. (نادر)

گوله نه موستيله ي دروومان: گياهي است. نگا: ده سكيتشي زيوي.

گوله بابرده له: گياهي است. (مو)

گوله بابونه: گل بابونه. نگا: گوله حاجيانه. (هه)

گوله باخ: گل سرخ، گل محمدی. نگا:
گولباخی. (مو، گز، مه، هه)

گوله باخی: گل سرخ، گل محمدی. نگا:
گولباخی. (مو)

گوله باخی نه سل: نگا: گولباخی
گوله باغ: گل سرخ، گل محمدی. نگا:
گولباخی. (مو، هه)

گوله باونه: بابونه کردستانی. (مه)
گوله بسم الله: روبینا. در فارسی آن را اقاچیا
گویند. (مو)

گوله بئل: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (مو)

گوله بؤره: گیاهی است که در فتاب آباد
دیواندره با این نام خوانده می شود. در روستای
بست این گیاه را «گیا گول بؤره» گویند.

محل رویش و مشاهده: چل چه مه، فتاباواي
دیواندره، جهیران مئگه. (مو)

گوله به به شه: گلی است صحرایی. (هه)
گوله به زؤژ: گل آفتاب گردان. نگا: گوله
به زؤژه. (ابرا)

گوله به زؤژه: *Helianthus annuus*
آفتاب گردان. گیاهی است که آن را در کردستان

با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گوله
به زؤژه، رؤژگار په زست، گولا بهر به زؤژکن،
گوله به زؤژه. در عربی آن را عباد الشمس و در
انگلیسی (Sunflower) گویند. آفتاب گردان
را بسیاری از کشاورزان کردستان به منظور
استفاده شخصی و خانگی کشت می کنند و
در بعضی جاها از جمله سقز و مهاباد،
پرورش و کشت آن زیاد و حالت تجاری دارد
و به صورت خام یا بوداده، به خارج از منطقه
نیز صادر می گردد. (مؤلف، اسلامی ۱/۲۳۵،

هه، گز، رو، مظ)

گوله به زؤنه: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در قلقله می رده، بانه، دور و بر
گردنه خان و بعضی جاهای دیگر به این نام
خوانده می شود. دارای گلهای زرد رنگ و
خوشبو است. آن را به مشک دوغ و ماست
آویزان می کنند تا کره و روغن آن زیاد شود.
در هه بانه نیز به این گیاه اشاره شده. نگا: گول
هه تگ. (مؤلف)

گوله به نه نی: گیاهی است که در روستای زؤنج
به این نام خوانده می شود. نگا: توتیا. (مو)
گوله به هاری: گیاهی است که تازه آن دارای
ماده آیمونل است «بو نازاری یاداری باشه»
ریشه های بزرگ (ریزوم) آن برای درمان
بواسیر بکار می رود. (رو)

گوله به هاری: گیاهی است. نگا: بابره له. (مه)
گوله به بیوون: گلی است خوشبو. (هه، گز)
گوله به بیوونه: گلی است خوشبو. (هه، گز)
گوله پاییزه: ۱- نگا: گولا پاییزی ۲- گیاهی
است از رستنی های کردستان که در کوژه میانه
می روید و در روستای میانه، به این نام
خوانده می شود. (مو)

گوله پژمین: *Arnica montana*
گیاهی است با بوی تند که برای درمان شکم
درد و اضافه کردن ادرار و به عطسه درآوردن
شخص بکار می رود * گلهایش برای رفع
شکم درد، اضافه نمودن ادرار و به عطسه
درآوردن بکار می رود. (رو، هه، هیوا، که)

گوله پلاوی: گیاهی است که عده ای از اهالی
روستای خه رکه آن را به این نام می نامند و
تعدادی از اهالی روستای زرينه ورمزبان آن را
«ته تهران» گویند. نگا: ته تهران. (مو)

گوله په ژمینه: کلی است. (مو)

گوله په یغه مبه ره: ذرت. نگا: گه نم شامی. (هه)

گوله پیاله: گیاهی است دارویی و از رستنی های کردستان.

محل رویش - در ارتفاعات: به مو، سهرتک، جوانزو. (نادر)

گوله پیغه مبه ره: ذرت، بلال، نگا: گه نم شامی

گوله تاله: گیاهی است که مثل ملهم برای درمان زخمهای چرکین مورد استفاده قرار می گیرد. (نادر)

گوله تگره: نوعی از گیاه شله جاف است. نگا: جافه جيله. (مو)

گوله توپ: گیاهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. نگا: زه زیتقه. (مو)
Anagallis arvensis گوله جام:

آناگالس. گیاهی است که آن را «دووشان، دوشان» نیز گویند. (امینی، نادر). در منبع (نادر) دووشان به صورت دوشان، ثبت گردیده است.

گوله جوتیاره: کلی است صحرایی که در اوایل پاییز می شکند. نگا: گوله ناوه نیا. (هه)
گوله جوتیره: سورنجان، کلشیک. (مه)
گوله چاویشه: بابونه. نگا: گوله حاجیانه. (رو، که)

گوله چاویشانه: بابونه. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چاویشه: بابونه. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چاویشه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای گلپه به این نام

خوانده می شود. نگا: هه لمه له. (مو)

گوله چاویشه: بابونه، گل بابونه. گیاهی است که در خوزخوزه ی سه قز به این نام و با نام «گوله چاویشه» نامیده می شود. در روستای قه بغلو وجه از توابع سقز نیز این گیاه را «گوله چاویشه» و «چاو کوتکه» گویند. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چای: گیاهی است. در کرماشان نیز این واژه به کار می رود. نگا: گول کهوو. (مو، معص)

گوله چه رمگ: بابونه سفید. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چه رمگه: بابونه. گیاهی است که در روستای خانه گای گه لین از توابع سنندج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چه رمو: بابونه. گیاهی است از رستنی های کردستان. در روستای حسین آباد واقع بر سر جاده سنندج - دیواندره، این گیاه را «گوله چه رمو» می نامند. نگا: گوله حاجیانه. (مو).

گوله چه رمووه: گیاهی است که در روستای تهرخان ناوا از توابع مریوان و روستاهای نشور و تایی نه از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله چه رمه له: گیاهی است که در روستاهای میژاو و کوله ساره و تهنگی وهر از توابع کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله حاجی: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستای گلپه به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)

گوله حاجیانه: - گوله حاجیانه‌ی چهرمگ و نرم:

Anthemis sp

بابونه، بابونه سفید. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در کنار اغلب جاده‌های روستایی، دشتها، دامنه کوهها، و تا قسمتی از کوههای کردستان به حد وفور می‌روید. دارای گل‌های سفید است دور گل سفید و داخل آن زرد رنگ است و حدود ۲۰ سانتی‌متر و گاهی بیشتر ارتفاع دارد. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گوله حاجیانه، گولاله چه‌میشه، گولاله حاجیانه، گولاله چاویشه، گول قه‌نی، گول چاویشه، به‌بیونه، گول چهرمی، گوراله چهرمن، گوراله حاجیانه، گوراله چه‌میشانه، حاجیله، گوله حاجیانه‌ی ده‌شت، بابونه، به‌بیونه».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: دشتهای دور و بر روستای صاحب، ایستگاه تحقیقات کشاورزی خرکه، صلوات آباد سنندج، صلوات آباد بیجار، قطره زمین، اویهنگ، وی‌سهر، زه‌شنه‌ش، میانه، جاده سقز - بانه، جاده بانه - سردشت، جاده سنندج - قروه، جاده سنندج - دیواندره، روستای حسین آباد واقع بر سر جاده سنندج - دیواندره، گه‌لین، توریور، خورخوره سقز (روستا و منطقه)، جاده میرده - پیرعومهران، نه‌که‌روز، پیرعومهران، قه‌بغلووجه، دهرین دزلی، سولتان نه‌حمه، کهل هم‌روز، سوورکه‌ول، ناویه، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، دهره‌ویان خواروو، که‌که‌وسان، مه‌ولاناوا، سه‌یقاوا، چل چه‌مه، حه‌سه‌ناوای سنه، ریگه‌ی موچش - دئی‌گولان، زه‌نان،

مه‌لکشان، کینلته، کانی مشکان، بلچه سوور، هه‌شه‌میز، شیان، روانسهر، جوانزق، پاوه، داذه‌نه‌ی سنه، داذه‌نه‌ی که‌مانگر، روستای دورود روبروی شهر سروآباد، دور و بر شهر سروآباد، خانه‌گای گه‌لین، شیان، ده‌وریشان، ژالانه، سلین، بلهر، که‌ماله، شاری هه‌ورامان، ژویار، دهره‌ویان فازس، پالنگان، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، شاره‌کی بیجار، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، زهرده‌وان، هه‌والان، ناریز، دامنه به‌ورو پهریشان، دزله، بنهر، زونج، خانه‌گای جوجو، باقلاوای شیخ حسین، پیرخه‌یران، نهر، میروا، تا، سه‌رچی، هه‌تیمن، تاینه، ریگه‌ی سه‌رده‌شت - مه‌هاباد، ریگه‌ی سه‌رده‌شت - شنۆ، ریگه‌ی مه‌هاباد - بوکان - کانی حسین به‌گ، کۆسه‌ی هه‌جیج، نه‌سپه‌ریز، بووک و مارانی نوعی از این بابونه سفید تا حدود ۹۵ سانتی‌متر ارتفاع پیدا می‌کند. در هه‌تانه و اورنگ نیز به نام این گیاه اشاره شده است.

گوله حاجیانه‌ی چهرمگ و بالا بهرز:

Tanacetum parthenium

بابونه گاوی، مخلصه، بابونه بزرگ. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که تا حدود ۱۴۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد، در کنار جویبارها و داخل دره‌ها می‌روید. به‌خاطر اینکه از گونه‌های دیگر قابل تشخیص باشد و مردم به راحتی بتوانند آن را بشناسند، نام «گوله حاجیانه‌ی چهرمگ و بالا بهرز» برای آن قرار دادم. گل‌هایش سفید و مثل گل‌های گونه (چهرمگ و نرم) است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نه‌ویه‌نگ، نهر، ته‌نگی‌سهر،

ته کیه، هه شه میز، هویه، سهروهویه، ره شنهش، بلچه سوور، گهلین، خانه گای گهلین، تهوریور، شیان، چه دم دهره زه نجیر، میروا، میانه، دۆله زهش مابین دۆل از توابع سارال، جوانزۆ، پاوه. این گیاه در کردستان عراق و آناتولی و ارمنستان و آسیای میانه و هیمالیا نیز می روید. (مو، مظ)

گوله حاجیانهای دهشت: بابونه. نگا: گوله حاجیان. (مو)

گوله حاجیانهای زهرد و بالابهرد:

Anthemis tinctoria

بابونه زرد. گیاهی است از رستنی های کردستان با گل های زرد، دور گل و داخل گل زرد رنگ است و حدود ۷۵ سانتی متر ارتفاع دارد.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: چل چه مه، هه زار کانیان، سوولتان نه حمده، سهوشیوی مه ریوان، سهوشیوی سه قز، ره شنهش، ریگهی میره دئی - پیره مهران، نه که رۆز، بهینی ناوایی دووژۆ و قهلائی مه حموناوا، پاوه، کۆله ساره، نیهر، میروا، نواز، تهنگی سهر، تا، دۆلۆ، سه رچی، دهره ویسان خواروو، که که وسان، هه والآن، خوژخوژهی سه قز، که رجۆ، تهنگی وهر، کانی حه سین بهگ، نه سپه رۆز، کۆسه ی هه جیج، توری قهلا، روانسر. (مؤلف)

گوله حاجیانهای ناو بهرد:

Anthemis odontostephana

بابونه کوهی. گیاهی است از رستنی های کردستان به ارتفاع ۲۵ - ۸ سانتی متر که در ارتفاعات بالا و در لابلای سنگها رویش دارد، دارای گل های سفید است و شبیه همان گونه بابونه است که در دشتها می روید.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: پالنگان، شاهوی پالنگان، هه شه میز، نه که رۆز، کۆسالآن، هه جیج. (مو، مظ)

گوله حوسه ینه: نگا: هه لاله بومه. (رو، که)

گوله خاشخاشك: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: خاشخاش. (مو)

گوله خاشخاشه: گیاهی است که در روستای بلچه سوور به این نام خوانده می شود. نگا: خاشخاش. (مو)

گوله خنجه ره: گیاهی است. نگا: گول نه سپهك. (مو)

گوله خنجه ری: گیاهی است از رستنی های کردستان با گل های زیبای شیپوری قرمز رنگ در هه میز آن را مشاهده نمود. نگا: گول نه سپهك. (مو)

گوله خونچه: گل سرخ. نگا: گولباخی. (مو)

گوله خه نه: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو، هه)

گوله خیاره: (کر): *lxilirion tataricum* = *lx. montanum*

خیارک. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر می روید: کرماشان، سه حنه، کردی غه رب، وژاوا، پاوه، نه وسو. (معص)

گوله خه یاری: گیاهی است از رستنی های کردستان که ساقه اش تقریباً شبیه ساقه گول نه سپهك است، دارای گل های شیپوری و تقریباً بنفش رنگ و زیبا ارتفاع آن حدود ۳۰ سانتی متر است و در کۆسالآن می روید. (مو)

گوله داروو: گیاهی است که در مناطق سنگلاخی و کوهستانی می روید و از این گیاه دارویی برای دفع کرم تهیه می شود. (رو)

گوله زهرد: گیاهی است از رستنی های کردستان در روستای حسن آباد سنندج به این نام خوانده می شود. این گیاه سوزنده است. «گوله زهرد ئیژی من فه ژ باخام چل شهو له بهار هه چراخام» نگا: گول ماس. (مو)

Rosa foetida گوله زهرد: درختچه ای است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «گوله زهرد، گوله زهرد، وله زهرد، زهرد ولی، زهرد وه لی». در بعضی از روستاهای قروه نیز، این درختچه را «گوله زهرد» گویند. این درختچه دارای گل های زرد رنگ است و از آن حلوا و مربا درست می کنند.

محل رویش - ریگی مریوان، له بهینی دایکش و بهر قورودا، هه شه میژ، ره شه نش، ریگی هه چیج. (مو، رو، که)

گوله زهرد: ۱- در بعضی از روستاهای قروه از جمله روستای خه نان ناوا نزدیک کوه به ورو پهریشان و روستای حسه ین ناوای که نگه زه نزدیک کوه په نجه عه لی و همچنین در روستای خواشت از توابع سنندج، این نام را برای گیاه «گول ماس» به کار می برند. نگا: گول ماس ۲- در روستاهای تهنگی سهرو نیه ر از توابع کامیاران به گیاه «زه ژیتقه» می گویند. نگا: زه ژیتقه ۳- گل درختچه ای است که حلوا و مربا از آن درست کنند. نگا: وله زهرد ۴- در روستای کوله ساره از توابع کامیاران به گیاه «گول هه نگ» می گویند. نگا: گول هه نگ ۵- هه ژار آن را به معنی: (تیغ کوهی، خاری است) ثبت نموده است. (مو)

گوله زهق: گیاهی است. (رو)

گوله دومه: گلی است صحرایی زرد رنگ و درشت، گیاهی است. (هه، رو)

گوله ده وری: عاقر قرحا. نگا: ده رمانه نازار گوله ژنه: گیاهی است که شکل ظاهری آن شبیه بادنجان است و غیر از ته زه سلیمانیه است که در تکیه به این نام خوانده می شود. (مو)

گوله ژومی: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای میانه، ره شه نش، توو ارمله، داذنه ی که مانگر و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. زنبور عسل گل های این گیاه را دوست دارد و زنبورداران غالباً چند شاخه از گل های این گیاه را جلو کندوی عسل قرار می دهند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوزه میانه، زونج، ره شه نش، داذنه ی که مانگر، گهلین، خانه گای گهلین، ته یتور. نگا: گول هه نگ. (مو)

گوله ژومینه: نگا: گول هه نگ. (مو)

گوله ژون: نگا: گول هه نگ. (مو)

گوله ژونه: نگا: گول هه نگ. (مو)

گوله ژونینه: نگا: گول هه نگ. (هه، مو)

گوله ژونیی: نگا: گول هه نگ. (مو)

گوله ژووته: نوعی گندم است. نگا: گول ژووت

گوله زه ز: گل سرخ. نگا: گول باخی. (مو)

گوله ریحانه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

گوله ریزان: گیاهی است که در روستاهای بست، ماسی ده و مهولا ناوا از توابع سقز، به این نام خوانده می شود. نگا: گول هه نگ. در بعضی جاها این نام را برای گیاه «زه ژیتقه» به کار می برند. (مو)

گوله سپی: گیاهی است که در بعضی از روستاهای مریوان به این نام خوانده می شود. نگا: گوله حاجانه. (مو)

گوله سوسنه: نگا: گول سوسنه. (مو)

گوله سووره: ۱- در بعضی جاها به گیاه «شیرین شاته زه» گولاله سووره ی دهشت گفته می شود ۲- در خورخوزه ی سه قز و بعضی جاهای دیگر به گیاه «شی شاته زه ی کیفی» گفته می شود. (مو، گز)

گوله سه عاتی: گیاهی است که گل و گیاه آن درمان شکم درد است، خواب آور است، برای قاعدگی و صرع و اسهال مفید است. (رو)
Rosa canina
گوله سه گانه:

نسترن کوهی، گل سگ، نسترن وحشی. درختچه ای است از رستنی های کردستان. در کردی آن را «گوله سه گانه» شیلان، گول سگ، دلیق می نامند * قسمت مورد استفاده دارویی میوه رسیده آن است که دارای اسیدسیتریک، اسیدمالیک، سی درصد قند و موسیلاژ است. (مو، صا، دا، مظ، که)

گوله سه گانه: ۱- گیاهی است شبیه «گول که ووه» ولی عطر ندارد و گلهايش مثل «گوله گواره» است حاجی شریف این گیاه را گوله سه گانه می نامید و بر این باور است که هیچ جانوری بجز یک نوع کرم روی این گیاه نمی نشیند ۲- گیاه دیگری است که در کردستان می روید و در بعضی جاها به این نام خوانده می شود ۳- هژار آن را به معنی (گلی) ثبت نموده است. ۳- که مال، به معنی «دلیق» آن را ثبت نموده است. (مو)

گوله سه نگ: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

گوله سینو: سیب زمینی استانبولی. (هه)

گوله شفا: نگا: گوله ثاوات. (نادر)

گوله شلیتره: نگا: هه لاله برمه

گوله شلیتره: لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه.

(مو، هه)

گوله شیر: گیاهی از رستنی های کردستان است، آن را «خوله شیر» و «له شیر» هم گویند.

«صومرت و صومری گوله شیر» وی «پتواره درت» شه و سق پیرنه وی. نگا: خوله شیر. (مو)

گوله شیلان: نسترن. نگا: شیلان. (رو)

گوله عه رعه ر: گیاهی است. نگا: گوله ناگرین. (نادر)

گوله فهرهاد: گیاهی است. آن را «گوله کاویان» نیز گویند. (نادر)

گوله فه قی - گوله فه قی: ۱- بابونه. نگا:

گوله حاجانه ۲- گاهی برای گیاه «کرمه کوژه»

نیز، به کار می رود. (مو، رو، گز، ابرا، هه، که)

گوله قه وان: گیاهی است * جوشانده برگ و گل این گیاه را با شیر مخلوط نموده آن را روی چشم آماسیده می گذارند، ورم چشم از بین می رود. (رو)

گوله کابه: ذرت، بلال. نگا: گه نم شامی. (هه، رو، ابرا)

گوله کالانه: گیاهی است. (رو)

گوله کاویان: نگا: گوله فهرهاد

گولهك: گیاهی است که موجب ایجاد نفخ و باد کردن حیوانات می شود و هر دام و حیوانی که آن را بخورد دچار نفخ و باد می شود. (هه)

گولهك: ۱- گیاه «کیر که له گا» که در اغلب کوههای کردستان می روید و حدود ۵۰

نشور، ناریزو، كهل هه‌مرو، سولتان نه‌حمه‌د،
 ريگه‌ي مه‌ريوان - سه‌قز، به‌ورو په‌ريشان،
 دزله، بنهر، كوزه‌ميانه، زونج، پيرخه‌يران،
 ريگه‌ي سه‌ربناو - ته‌نگي سه‌ر، ته‌كه‌ي،
 هه‌شه‌ميژو، شانشين، سه‌رهويه، هويه،
 نه‌ويه‌نگ، وي سه‌ر، وتره‌زه‌وي، ريگه‌ي
 كه‌له‌كان - بست، ژالانه، كه‌رجو، گه‌لن،
 خانه‌گاي گه‌لن، كوژ و دوزه‌هه‌ر، كه‌وله،
 هه‌رومان، ناره‌نان، پالنگان، شاهزي پالنگان،
 شاهزي وي زيه‌ر، شاهوي لوني سادات،
 ته‌نگي وه، ريگه‌ي بيجار - تيكاب، ريگه‌ي
 كوژاني - شاره‌ك، په‌نجه‌ه‌لي قورو، شاره‌كي
 بيجار، قه‌له‌به‌رد، بلجه‌سوور، ره‌شه‌ش، شيان،
 روانسه‌ر، جوانزو، پاوه، نه‌سپه‌ريز، كاني
 حه‌سين به‌گ، هه‌جيچ، قوري قه‌لا. در منبع (گز)
 نيز، واژه «گوله‌گواره» آمده است. (مؤلف)
 گوله‌گورگه: گلي است پائيزي به رنگ
 قرمز. (هه)

گوله‌گوچيله: نگا: گوله‌گه‌نم

گوله‌گه‌زيره: *Iris aucheri*

گياهي است كه در روستاي كاني سه‌يي و
 خوژخوزه‌ي سه‌قز آن را «گوله‌گه‌زيره» گويند.
 حدود ۶۰ سانتي متر ارتفاع دارد. نگا: لولوپه‌ژ.
 (مؤلف)

گوله‌گه‌نم: ذرت، بلال. نگا: گه‌نم شامي.
 (هه)

گوله‌گه‌نم: *Centaurea cyanus*
 گل گندم، قنطورين. به رنگهاي آبي و قرمز و
 صورتی دیده می‌شود * بهترين دارو برای
 دفع صفراسـت. ۱- جوشانده گل گندم و
 شاتره و اكليل كوهي (هر كدام ۱۰ گرم كوبيده
 و هر شب يك قاشق غذاخوري در ۲ ليوان

سانتي متر ارتفاع دارد. اين گياه آفت زراعت و
 صيفي‌كاري است. نگا: كيركه‌له‌گا ۲- گياهي
 است علفي و از رستني‌هاي كردستان كه
 حيوانات آن را بسيار دوست دارند ۳- هه‌ژار
 آن را به معني گلزار يعني «گولجـاز، گولزار»
 ثبت نموده است. (مو)

گوله‌ك: *Orobanch kurdica*

گل جاليز كردي، گل جاليز شاهوني. گياهي
 است از رستني‌هاي كردستان.

محل رویش - شاهو. (مظ، مو)

گوله‌ك: *Orobanch anatolica*

گل جاليز آناطولي. گياهي است از رستني‌هاي
 كردستان. (مظ، مو)

گوله‌كوه: گياهي است كه در بعضي از
 روستاهاي قروه از جمله حسين‌آباد كنگره به
 اين نام خوانده مي‌شود. نگا: گول كه‌وو. (مو)
 گوله‌كه‌وگ: گياهي است. نگا: گول كه‌وو. (مو)
 گوله‌كه‌وه: گياهي است كه تعدادي از اهالي
 روستاي حسين‌آباد كنگره (كه‌نگه‌ره) از توابع
 قروه، آن را گوله‌كه‌وه مي‌خوانند. نگا:
 كاسه‌شور گول فواره‌يي. (مو)

گوله‌گواره: *Onosma microcarpum* DC
 زنگوله‌اي زرد، زنگوله‌اي دانه‌ريز. گياهي
 است از رستني‌هاي كردستان و از تيره‌بوژيانه‌س.
 گلهاي آن مثل گوشواره است و آويزان شده و
 بهمين جهت آن را «گوله‌گواره» گويند.

محل رویش - در بیشتر نقاط - در محل‌های
 زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خوژخوزه‌ي
 سه‌قز، ريگه‌ي ميره‌دي - سپيره‌مه‌ران،
 قولقوله‌ي ميره‌دي، سه‌رشوي سه‌قز، ده‌ريه‌ن
 دزلي، ناويه‌ر، سووركه‌ول، باخان، به‌ردي
 سه‌ي، گه‌رده‌هي سه‌لواتاوا، هه‌والان، دولاو،

آب جوشانده و مصرف شود). درمان قطعی تصفیه خون و دفع کننده اوره و صفراست ۲- ۲۰۰ گرم گل گندم کوبیده هر روز یک قاشق غذاخوری در ۲ لیوان آب جوشانده و مصرف شود برای ضعف اعصاب مفید است ۳- جوشانده آن با بابونه هر کدام ۱۰۰ گرم در ۲ لیوان آب برای تنظیم قاعدگی زنان مؤثر است. این گیاه را «گوله گزچيله» هم گویند. (دا)

گوله گه‌وَن: نوعی از گیاه گون است. نگا: گه‌وَن گوله گيا: اقونيطون * در اورامان و اطراف مهاباد این گیاه را با پودر آهن کوبیده با ماست مخلوط کرده و بر محل های زخم های جذام و عفونی می بندند که شفا دهنده قوی است و به همین جهت این گیاه به «گوله گيا، گوله» در کردی معروف شده یعنی گیاهی که ضد جذام است. چون این گیاه سمی و خطرناک است نباید بیش از یک گرم آن مصرف گردد. (دا)

گوله ليوه: گیاهی است. (نادر)

گوله مارانه: نگا: گول مه‌نگ

گوله مارانی: گیاهی است که مار بوی آن را دوست دارد. نگا: بوماران. (مو)

گوله ماساوه: گلی است زرد و بدبو و از رستنی های کردستان. نگا: گول ماس. (مو)

گوله ماسه: گیاهی است که در روستای زه‌نان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. این گیاه سوزنده است. نگا: گول ماس. (مو)

گوله مزانی: گیاهی است بهاری و از رستنی های کردستان. آن را «گوله مزانی، گولاله سوره، گولاله سوره‌ی به‌هاری» گویند. (نادر)

گوله مزانی: *Anemone coronaria* شقایق نعمانی، آنمون تاجدار. (مظ) * امینی

خواص دارویی آن را بشرح زیر نقل نموده است: «پرفسور ایتالیائی کارلوس جیائینی در مورد شقایق نعمانی می گوید به علت داشتن منگنز فراوان علاج قطعی آفت دهان یا قارچهای دهان است که باید هر بار ۵ گرم در یک لیتر آب جوشانده و با کمی نمک مخلوط کرده و روزی ۳ بار غرغره نمائیم به مدت ۴ روز...». (دا)

گوله مه‌خمه‌له: گیاهی است. نگا: گول مه‌خمه‌لی. (مو)

گوله مه‌مکیشه: بابونه سفید. نگا: گوله حاجیانه. (مه)

گوله مه‌نگوله: گل انگشتانه. (مه)

گوله مه‌نیجه: گلی است که در کردستان آن را پرورش میدهند. (مو)

گوله میژ: گیاهی است که در روستای سوورکه‌وَل به این نام خوانده می شود. نگا: گول مه‌نگ. (مو)

گوله میش: گیاهی است دارویی ضد کرم. (مه)

گوله میلاق: لاله. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند: «گوله میلاق، گوله میلاقه، زه‌به‌توک، میلاق، میلاقه»

گوله میلاقه: *Tulipa montana*

گیاهی است از رستنی های کردستان، گونه‌ای لاله است که در بعضی جاها از جمله روستای کتله‌شین واقع بر سر جاده سقز - بانه، به این نام خوانده می شود. این گیاه در فدری شیرین و توسکان نیز رویش دارد. (مو)

گوله میمون: گیاهی است. نگا: گوله ناوات. (نادر)

گوله نار: گلنار، گیاهی است دشتی که گلش

شبه گل انار است. (هه)

گوله نهرمه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در صلوات آباد به گیاه «گول کهوو» می گویند. نگا: گول کهوو. (مو)

گوله نه سرین: *Rosa canina*

نسترن وحشی، گل سگ. نگا: شیلان. (هیاو، مو)

گوله نه ورۆزانه: گیاهی است از رستنی های کردستان حدود ۳۰ سانت ارتفاع دارد دارای رنگهای قرمز و سفید است و آن را «گوله وهاره» نیز گویند. نگا: گولآله نه ورۆزه. (نادر)

Iris reticulata

گوله نه ورۆزه: زنبق مشبک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در اغلب کوهها رویش دارد و ظاهرش شبیه زعفران است. پیش از گلهای دیگر می روید و با گلهای زیبای خود طبیعت را زینت بخشیده و بهار را مژده می دهد. در تاریخ هفتم اسفند ماه ۱۳۸۱ که از ارتفاعات کوه آبیدر ستنج بالا رفتم این گیاه گلهای زیبای خود را نمایان کرده بود. این گیاه را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گوله نه ورۆزه»، گولآله نه ورۆزه، گورآله نه ورۆزی، گولآله هه زیزه. نگا: گولآله نه ورۆزه. (مو)

گوله نه ورۆزه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای بست واقع در دامنه کوه چهل چشمه و روستای کتله شین واقع بر سر جاده سقز - بانه به این نام خوانده می شود. نگا: لولوپهژ. (مو)

گوله نیسان: نوعی خشخاش است. نگا: چاره چه قیله. (هه). ابراهیم پور آن را (لاله) نامیده است. (ابرا)

گوله واژ: گیاهی است، نوعی پیچک است

که از درختان بالا رود. (رو، هه)

گوله وه: گل سنگ. (ابرا)

گوله وه هاره: *Adonis*

چشم قرقاول، آدونیس پاییزه. (دا)

گوله وه هاره: نگا: گولآله نه ورۆزه

گول هرچ: گلی است بنفش رنگ، برگ پهن. (هه)

گول هه رمه له: نگا: گول هیرۆ، هه لمه له.

(مو)

گول هه سیل: گلی است که آن را «بیشیژان»

نیز گویند. (هه)

گولآله نه: گیاهی است که در روستای

ئه وپهنگ به این نام خوانده می شود. نگا:

گول ههنگ. (مو)

گولآله نه: گیاهی است. نگا: گول ههنگ. (مو)

گول هه ناریی: گیاهی است که در بعضی از

روستاهای قروه به این نام خوانده می شود. (مو)

گول ههنگ: *Helichrysum armenium*

گل بسی برگ ارمنستانی. گیاهی است از

رستنی های کردستان. این گیاه را در ستنج و

اوپهنگ و زه نان و مه لکشان «گول ههنگ» در

بست و ماسیده و مه ولاتاوا «گوله ریژان» در

بانه «گوله به زۆنه» در رشنش و میانه

وتودارملا و دادانه کمانگر «گوله زۆمی»

گویند. در بعضی جاها «گورزه گیاه» نامند و در

بعضی جاها «گوله زۆنه، گوله مارانه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: سولتان ئهحمده، کهل هه مرق،

کۆسالان، ره شنهش، بهورو پهریشان، دزیله،

بنیه، زونج، باقلاوای شیخ حسهین، نواز،

تهنگی سدر، نیهر، سه رچی، تا، هه نیمن،

ریگه کی که له کان - بست، چل چه مه، قولقوله ی

میره دئی، ئاویه، سه لواتاوا، هه شه میز،

که رچۆ، سەر هویه، هویه، نهوێهنگ، وێ سەر، نه که رۆژ، پیر عومەران، گەردە نهی خان، ئاریه با، ئاره نان، توواریه لا، که له کان، قەله بەرد، بلچە سوور، ته که به، هه شه میژ، شیان، تهویریوه، ریگهی مەریوان - سه قز، روانسەر، جوانزۆ، پاوه، هه ورومان، ژ یوار، کۆسالان، بیجار، کانی حسین بەگ، نه سپه ریز، هه جیج، قوری قە لا، سالیان، نهجی، په نهجه علی قورو، حسین ناوای که نگه ره، کۆر کۆره، دهره ویان فازس، دهره ویان خواروو، پالنگان، شاهۆی پالنگان، دۆله زهش مایین دۆل از توابع سارال، مهولاناوا، سه یفاوا و ماسیده ره از توابع خوڤخوڤه ی سه قز. (مؤلف)

گول هه یرو: ختمی، گیاهی است که در روستای حسین آباد کنگره (که نگه ره) از توابع دهستان پنجه علی قروه آن را «گول هه یرو» می نامند. نگا: گول هه یرو. (مو)

گول هه یرو: *Althaea*

ختمی، خطمی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گول هه یرو، گول هه یرو، هه یرو، هه یرو، شاهه لمه له، گول هه یرو».

محل رویش - گونه های زیادی از این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: چل چه مه، کۆسالان، حه مزه ی عرب، سه لواتاوا ی بیجار و سته، به ورو په ریشان، قوتقوله میره دئی، خوڤخوڤه، سهرشیوی سه قز، ئیبرایم ناوای سته، سوئتان نه حه مد. (مو)

گول هه یرو: (لهك): ختمی، گل ختمی. نگا: گول هه یرو

گول هه یرو: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. در گویش له کی آن را

«گول هه یرو» و در روستای ابراهیم آباد سندرچ هم مرز روستای صلوات آباد آن را «گول هه یرو» گویند. نگا: گول هه یرو. (مو)

گول هه ژار: گیاهی است. (نادر)

گول هه نگ: نگا: گول هه نگ. (نادر، مو)

گول هه نگه: نگا: گول هه نگ. (مو)

گول هه یرو: گل ختمی. ختمی. نگا: گول هه یرو. (هه، مو)

گولی نه رخه وان: گل انگشته سیاه. (مه)

گولی سنی کووزه: گیاهی است. (مو)

گولی شازده خان: نوعی هوفاریقون است.

گولی شلیره: نگا: هه لاله برمه

گولیفک: گلی است بسیار زیبا. (هه)

گولی کاسه شکینه: (کرماش): گل شقایق وحشی.

گولی کانی: بابونه شیرازی. (دا)

گولی گولاو: گل سرخ. نگا: گولباخی. (مو)

گولی گیوه: (کرماش): گلی است سفید رنگ

که در قدیم برای سفید کردن گیوه از آن استفاده می شده، امروزه در رنگ سازی و بنایی مصرف بسیار دارد.

گولی مریمه: گل مریم. گل کلپوره. (مه)

گولی مریمه: مریم گلی. (مو)

گولی مه رو: گیاهی است با گل های شیپوری زرد رنگ (مو)

گولینه: (کرماش): نوعی گل وحشی با رنگ زرد کم رنگ

گولی وه نه وشه: گل بنفشه. (مه)

گومش: زالزالک. نگا: گوژو. (مو، هه)

گون پسلیک: گیاهی است که ثمرش مانند

بیضه گربه است. (هه)

گونتوله - گونتوله: نوعی انگور است.

(رو، هه)

گون حاجی له ق له ق: گیاهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود.

محل رویش - دووشان، سه لواتاوا، نایی سهر از توابع سنندج و خیلی جاها دیگر. نگا: شله جاف. (مو)

گوندک: ۱- گیاهی است سمّ دام ۲- چانه خمیر. (هه، ابرا)

گوندور: کدو. نگا: کوله که. (هه)

گوندور: ۱- خربزه، خربزه کوچک. نگا: کاله ۲- آوندول. نگا: گونور. (هه، ابرا)

گوندوور: نگا: گونور. (هه، رو، مو)
گوندوره: خربزه، خربزه کوچک. نگا: کاله. (هه، ابرا)

گون شه پتان: نگا: قورسی که مهر. (رو)
گون قه لا: *Fritillaria persica*

لاله واژگون ایرانی. گیاهی است که در بعضی از روستاهای له یلاخ از توابع دهگلان به این نام خوانده می شود. این گیاه گلهای آویزان شده ای دارد.

محل رویش - در جاده کامیاران - سنندج و کامیاران - دهگلان آن را مشاهده نمودم. (مو)

گون قه لاخ: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می شود. نگا: شله جاف. (مو)

گون کاوزه: گیاهی است علفی بارتفاع حدود ۵۵ سانت و از رستنی های کردستان.

در جوانی قابل خوردن است. (مؤلف)
گون کاوزیله: نگا: گون کاوزه

گونکه: نوعی انگور درشت است. (هه)
گونکه سه گانه: گیاهی است که در خوزخوزی سه قز به این نام خوانده

می شود. (مو)

گون که له شیر: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای دووشان و کوه قه له مان و نایی سهر می روید. (مو)

گون که له کا: گیاهی است که در روستای خواشت به این نام خوانده می شود. نگا: کیزکه له گا. (مو)

گون که له گایینه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای کردستان به این نام خوانده می شود. نگا: کیزکه له گا. (مو)

گونگلوک: نگا: گوله میلاق. (هه)

گونگونوک: گیاه زرند. (هه)

گونگونه سه گانه: گیاهی است. نگا: گونه سه گانه. (مو)

گونگونه سه گانه: پیاز موشی، گیاهی است که برای رنگ نخ بکار می برند. (هه)

گونگیلک: نگا: گوله میلاق. (هه)

گونور: *Smyrnlum cordifolium*

آوندول. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را در گویشها و مناطق مختلف کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گونور، گندور، نی نور، گنور، نی نور، نسور، تینور، گونور، دوزیه، قه له ندور». ریشه غده ای این گیاه شبیه سیب زمینی روسی است این ریشه غده ای را به مدت یک شبانه روز در آب زائد دوغ «سزگ» می ریزند و بعد آن را بیرون می آورند و می پزند و می خورند. تخم یا دانه این گیاه تقریباً سیاه رنگ است و بقول کردها «زهش کال» است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاهق، سولتان شه حمده، گازان، ره شنش، چل چه مه، قولقوله

میره دئی، خورخوزهی سه قز، سه لواتاواى سنه،
 دهره توله، نه که رز، پیرعومهران، ریژاو،
 سه رده شت، بین مهاباد و سه رده شت، پیرانشهر.
 گهرده نهی سه لواتاوا، گهلین، که وله، کزل و
 دوزه غره، ژیوار، شاری هورامان، که ماله،
 بلهر، دهره ویان فازس، خورخوزهی سه قز،
 کوسالان، دووز، تهنگی وهر، شاهوی
 تهنگی وهر. در عراق و آنا تولی نیز می روید و
 در محل های زیر هم می روید: کیتی ماکوان،
 ریژاو، قه سری شیرین، مله ی قه لاجه، دالانی
 نه وسو، کیتی پژاو، بیستون، بنی گز، کړندی
 غرب، کانی حه سین به گ، هه جیج * در طب
 سنتی: ۱- خوردن ساقه این گیاه را برای
 تقویت چشم مفید می دانند. ۲- تخم (دانه)
 این گیاه را برای رفع شاش گرفتگی (شاش
 بند) مفید می دانند (دمکرده یک قاشق تخم
 آن در یک لیوان آب) و تکرار نوشیدن این
 دمکرده. (مو، گز، رو، هه، معص)

گونور: (کرماش): گیاهی است کوهی با
 ساقه آبدار و ترد. نگا: گونوز
 گونه توله: آلو زرد. نگا: هه لوکی زهره
 گونه سووره: گوجه فرنگی. نگا: تو ماتیژ.
 (ابراهه)

گونه سه گانه: *Astragalus caryolobus*
 گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را
 در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر
 می نامند و می شناسند. «گونه سه گانه، گونه له
 سه گانه، گونه له سه گان، گونگونه سه گانه»

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
 مشاهده نمودم: میانه، ره شنه ش، ناویه ر،
 دزیله، زونج، باقلاواى شیخ حه سین،
 پیرخه یران، سوورکه زل، کانی حه سین به گ،

هه جیج، نه سپه ریز، سه لواتاواى سنه، ریگه ی
 که له کان - بست، تولقوله ی میره دئی،
 سه رشیوی سه قز، ژالانه، هورامان، وتره
 زهوی، نه ویه ننگ، وی سهر، خورخوزه،
 سه یفاوا، سه لواتاوا، ماسیده ر، کانی سه یی،
 کوچک چنار، زه نان، مه لکشان، سه رشیوی
 سه ریوان، قه له به رد، بلجه سوور، که رجز،
 هه شه میز، شیان، گهلین، روانسهر، جوانزق،
 پاوه، ریگه ی سه قز - بانه، خانه گای گهلین،
 حه سه ناواى سنه، شاره کی بیجار. (مو)

گونه سه گانه: در بعضی جاها این نام را
 برای نوعی گیاه «شله جاف» بکار می برند. (مو)
 گونه قالاو: گیاهی است شبیه (شله جاف)
 که آن را «گونه قه لا» هم گویند. (مو)
 گونه قه لا: نگا: گونه قالاو

گونه کاورکه: نگا: گون کاوره
 گونه که له باب: نوعی گیاه «شله جاف» است
 که در روستاهای باخان از توابع مریوان و
 کانی سه یی از توابع خورخوزهی سه قز و
 بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده
 می شود. (مؤلف)

گونه که له باب: نگا: گونه که له باب
 گونه که له شیر: نگا: گونه که له باب
 گونه له سه گان: گیاهی است که در
 خورخوزهی سه قز، به این نام خوانده
 می شود. نگا: گونه سه گانه. (مو)

گونه له سه گانه: گیاهی است از رستنی های
 کردستان با ارتفاع حدود ۸۰ سانتی متر. نگا:
 گونه سه گانه. (مو)

گونی: گون. نگا: گه ون. (هه)

گوو یوق: نگا: ته وزه

گووتک: گیاهی است خوردنی. (هه)

میرهده به این نام خوانده می شود. نگا: گوشت به رخیله. (مو)

گوی به رخوئه: نگا: گوشت به رخیله
گوی به رخه: گیاهی است از رستنی های
کردستان که در هرمین دۆل از توابع سقز و
بعضی از روستاهای اطراف ثاربه با، به این
نام خوانده می شود. در هرمین دۆل آن را
«میلوه» نیز گویند. در اطراف ثاربه با، آن را
«گیا مه زانه» هم گویند. در منابع (رو، گز، هه)
نیز به نام این گیاه اشاره شده است. نگا:
گوشت به رخیله. (مؤلف). توضیح اینکه این
کلمه و دو کلمه پیش از آن، نام گیاه دیگری
هستند که غیر از گیاه گوشت به رخیله است
بلکه شبیه نوعی مه شه گیره است که فاصله
ساقه هایش حالت چسبندگی دارد. (مو)

گوی به رخیله: نگا: گوشت به رخیله. (مو)
گویج: (کرماشانی): زالزالک. نگا: گوینو.
(مو، کرمانشاهی)

گوینج: زالزالک. نگا: گوینو
گوی جمجمه کی: نوعی انگور است. (هه)
گویچکه به رخیله: نگا: گوشت به رخیله.
(مو)

گویچکه به رخیله: گیاهی است که در
روستای حسین ثاوی که نگه ره (حسین آباد
کنگره) از توابع قروه به این نام خوانده
می شود. نگا: گوشت به رخیله. (مو)

گویچکه کر: Colchicum

گل حسرت. گیاهی است از رستنی های
کردستان که در روستای وئی سر به این نام
خوانده می شود. نگا: قه مچی شه لاخ. (مو)
گویچکه مشک: گیاهی از رستنی های
کردستان. نگا: مهرزنجوش. (مو)

گوووز: گیاهی است صحرایی. (هه)

گوووز: گردو. نگا: گوینو. (ابرا، هه)

گوووزهك: فلفل سیاه. نگا: نیسوت. (هه)

گوووزهك: گیاهی است با طعم تلخ. (رو)

گوووز: زالزالک. نگا: گوینو

گوووزال: گیاهی است. نگا: کاله که مارانه

گوووز زه رده: زالزالک زرد رنگ. نگا: گوینو
زه رده

گوووزه: نگا: گوووزه

گوولك: ۱- گیاه سریش ۲- گل صحرایی. (هه)

گووونی: گون. نگا: گهون. (ابرا)

گووویز: گردو. نگا: گوینو. (هه)

گووین: (لهك): گون، نگا: گهون

گوهبزن: گیاهی است علفی. (هه)

گوهبه ران: گیاهی است خوراکی. نگا:

گوشت به رخیله

گوو پسیك: گیاهی است. نگا: کارگه گولانه.

(هه)

گوو هكتك: گیاهی تلخ دارویی ضد کرم. (هه)

گوو هكه زك: گیاهی است دارویی که برای

درمان بواسیر خوب است. (هه)

گوو هكه روك: نگا: گوو هكه زك

گوو هم شك: نگا: مهرزنجوش

گوو هوو شك: زالزالک، نگا: گوینو

گوو هیژ - گوو هیژ: زالزالک. نگا: گوینو

گوو هیش: نگا: حه یزه ران

گوو هیشك: زالزالک. نگا: گوینو

گوو هنی شه یتانك: نگا: کاله که مارانه.

گوی بز نه: Plantago

گیاهی است که آن را «زمانه به رخ» هم گویند.

نگا: رکیشه. (رو، که)

گوی به رخوئه: گیاهی است که در قلقله

گویچه مشکه: گیاهی از رستنی های

کردستان. نگا: مهرزنجوش. (مو)

گویچه مله: نگا: مهرزنجوش

گویچه ی گورگ: از رستنی های کردستان

است. (مو)

گویرج: (لهك): زالزالک. نگا: گویژ

Juglans regia گویژ:

گردد. این درخت و میوه آن را در کردستان با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گویژ، گۆز، گووز، قۆز، قووز، گرته کان، دارگویژ، گیژ، جیز، دار گرده کان، وهز، گوویژ، وهزی، گۆزهك، گه رده كان». درخت گردد از زمانهای قدیم در بسیاری از روستاهای کردستان پرورش داده شده ولی اخیراً پرورش آن گسترش یافته است. گردد، یکی از رقمهای درآمد مردم کردستان است * پودر پوست سبز گردد با نمک طعام را برای سفید کردن دندان مؤثر می دانند. (مو، روا، ابراه، هه، با)

Myristica fragrans گویژبو:

درختی است که در عربی آن را (جوز الطیب) گویند. (رو، که)

گویژ به له: گیاهی است خوردنی. (هه)

گویژ کیوی: گردوی وحشی. بنا به اظهار مردم مریوان، گردوی وحشی در جنگلهای روستاهای نین و وله ژیر، یافت می شود. (مو)

گویژه ر: گیاهی است. نگا: سن بنه زرد

گویژه زهش: درختی است که آن را «په لك، سووره چنار» نیز گویند. نگا: په لك. (رو، که)

گویژ هیند: نارگیل. (هه)

گویژی عه رهب: نوعی رستنی است که در دامنه کوههای کردستان می روید. در کوههای موصل نیز رویش دارد * پودر ریشه این

رستنی را برای درمان سرفه مفید می دانند.

«هه ناره کتویله». (رو)

Crataegus گویژ - گویژ:

زالزالک، ولیک. درخت یا درختچه ای است که ۱۷ گونه آن در ایران و گونه های زیادی در کردستان ایران و عراق و ترکیه و سوریه و ارمنستان و آسیای مرکزی می رویند. نوعی از آن درختچه ای است خاردار به ارتفاع ۳ متر و شاخه های جوان آن صاف. نوعی دیگر از آن که در استان ایلام می روید ارتفاع آن تا ۷ متر می رسد و در شمالی ترین نقاط استان و مناطق میان بند کبیرکوه بیشتر است. این درخت و میوه آن را در کردستان با نام های عمومی زیر می نامند و می شناسند: «گویژ، بلچ، گۆیژ، گویج، گۆنج، گئیژ، گوهمیژ، گفیشك گئیوژ، گۆیژ»

محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم: خواشت، چهم دهره زنجیر، ثاریز، ثاره نان، ثاویره، پالنگان، شاهوی پالنگان، که رجیو، مه لکشان، دهره ویسان فازس، که که وسان، ره شنهش، میانه، تا، حه سه ناوای سسنه، ته نگی وهر، دۆله زهش مایین دۆل، کۆسالان، ریگهی بانه - سهردهشت، ریگهی سهردهشت - شق، خوزخوزی سه قز، دزئله، زونج، بنیه، باقلاوای شیخ حه سین، پیرخه یران، نه ویه نگ، ریگهی سنه - که زه سی - هه شه میژ، چل چه مه، سهرچی، گهلین، خانه گای گهلین، کوچك چنار، روانسهر، جوانزۆ، پاوه، قوری قه لا، هه جیج، نه سپهریز، کانی حه سین به گ. (مو، سیما، هه، ابراه، رو، کرمانشاهی، با، من، که)

Crataegus pontica گویژ - بیلچ:

بعضی از مناطق کردستان از جمله مریوان رویش زیادی دارد. (مو)

گویش: زالزالک. نگا: گویش

گویش: جنانه: نوعی زالزالک نامرغوب و سیاه رنگ است که آن را «گویش زهشه» هم می‌گویند. این نوع زالزالک را در نشور بنام «گویش جنانه» می‌نامند. (مو)

گویش: سووره: نوعی از زالزالک است که سرخ پررنگ است. نگا: بلچه سووره

گویش: زهرده: *Crataegus pontica*

زالزالک. گونه‌ای زالزالک است با میوه‌های زردرنگ، زرد نارنجی که در کوه‌های کردستان می‌روید و در محل‌های زیادی آن را مشاهده نمودم. آن را «بلچه زهرده» نیز گویند. نگا: بلچه زهرده. (مو، مظ، معر)

گویش: قرمز:

Crataegus pseudoheterophylla

زالزالک قرمز. میوه‌ها بسیار اندک (کمتر از ۵) ارغوانی تیره، بیضوی یا واژ تخم‌مرغی و محتوی یک دانه می‌باشد. در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: کهنگاوهر، سوتقوز، سه‌حنه. (معص)

گویش: مام برایمه: ازگیل. (مه)

گویش: زهره: نگا: گویش زهره

گویش: سوور: نگا: گویش سووره

گویی کار: گیاهی است. نگا: گوشت پرخیده گویی گا: گیاهی است دارای گل‌های زرد که در ماسیده از توابع سقز به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گویی گا: گیاهی است. نگا: گاکوئی. (رو، مو)

گویی مشک: نگا: مهرنچوش

گویی مشکه: ۱- گیاهی است که در عربی آن را (أذن الفار) گویند و در کردی آن را

زالزالک معمولی. میوه تقریباً کروی، به رنگ زرد طلایی. پراکندگی در استان کرمانشاه: کرماشان، ارتفاعات بنی‌گز، اسلام‌آباد غرب، سهرینل زهاب، کندوله، سنقر، کوه شاهو، گردنه قلاج. (معص).

نگا: گویش زهره
گویش: زالزالک. به عربی: زعرور. نگا: گویش (مو، هه، رو)

گویش: نگا: گویش

گویش: *Crataegus monogyna*

= *Crataegus microphylla*

= *Crataegus lagenaria*

سرخه ولیک، زالزالک برگ ریز. درخت یا درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که علاوه بر ایران، در عراق، آناتولی، سوریه، ارمنستان و قفقاز می‌روید * گول و بهره‌ک‌ی به ته‌زی و ووشکی به کار دیت بۆ: ۱-

گوشراوه‌ی گول و بهره‌ک‌ی بۆ لایردنی دلّه ژواکی و هینمن بوونه ۲- بۆ لایردنی خه‌مباری ئافره‌تی به سالّا چوو. (مو، مظ، هیوا)

گویش: سووره: *Crataegus meyeri*

زالزالک، گونه زالزالک است که در بسیاری از کوه‌های کردستان می‌روید و آن را مشاهده نمودم. (مو، مظ)

گویش - کورده کوژه:

Crataegus atrosanguinea

زالزالک. درختی است از رستنی‌های کردستان دارای ثمری درشت و سیاه رنگ مسوقی که کاملاً میوه رسیده سیاه رنگ می‌شود. در رشنش و مه‌لکش این نوع گویش را «کورده کوژه» می‌نامند. (مو، مظ)

گویش: کول: نوعی درختچه زالزالک است که در رشنش به این نام خوانده می‌شود و در

«مرزنجوش، بزرنگوش» گویند. (رو، که) نگا:
مهرزنجوش ۲- برگ تازه دمیده. (هه) ۳-
فراسیون سفید. (مه)

گوی مله: نگا: مهرزنجوش

گوینو - گوینو: گون. نگا: گهؤن. (هه، مو)

گوینی: گون. نگا: گهؤن. (مو، هه)

گوینی جه باری: نوعی از گون است، گون

کتیرا. نگا: گهؤن جه باری. (مو، هه)

گوینی زه شه: نوعی از گون است. نگا:

زه شه گهؤن. (مو)

گوینی زه شه: گون سیاه، نوعی از گون

است. نگا: زه شه گهؤن. (هه، مو)

گوینی زه رده: گونه ای گون است، گون

کتیرا. (هه، مو)

گوی ورچه: *Verbascum*

در عربی: آذان الدب. گیاهی است که در کردی

آن را «چهز» هم گویند. (رو)

گویش: درختی است که در مهربان، به این

نام خوانده می شود. نگا: گویش. (مو)

گه پله: گیاهی است. (رو)

گه پله: ۱- گیاهی است از رستنی های

کردستان که پیاز آن خوردنی است. ۲-

آذریون. (مو، هه، مه)

گه راس: آلو زرد. نگا: ئالو بخاره. (ابرا، هه)

گه زالك: گیاهی است. نگا: گرالک. (رو، گز)

گه رچک: نگا: گه رچهک.

گه رچهک: *Ricinus communis*

کزچک. گیاهی است که در بعضی از مناطق

کردستان پرورش داده می شود. این گیاه را در

مناطق مختلف کردستان با نام های زیر

می نامند و می شناسند. «گه رچهک، کزنک،

کزنگ، کرنو، کزینی، بنی شیر، کزنه، کزنی،

کزنو» * روغن کرچک مسهل است قوی و

بی خطر. (مو، من با، هه، ابرا، رو،

کرمانشاهی)

گه رچه: گیاهی است. نگا: گه رچهک. (مو، هه)

گه رده کان: نگا: گویش

گه رمک: ۱- طالی، گرمک ۲- نوعی برنج است

گه رمله: گیاهی است کوهی. (رو)

گه رمه: نوعی برنج است. نگا: گه رمک

گه رمه شامی: ذرت. نگا: گه رمه شامی. (هه)

گه رمله: گیاهی است کوهی.

گه رنگ: گیاهی است. (رو، هه)

گه زه گویش: نوعی از زالزالک کوهی است که

در کوه بکار آن را مشاهده نمودم و آن را به

این نام می خوانند. (مو)

گه ز: *Tamarix*

گز، درختچه یا درختی است از رستنی های

کردستان که در روستای کوله ساره از توابع

کامیاران و دی لوزان و کردستان عراق به این

نام خوانده می شود. در بسیاری از مناطق

کردستان می روید. در شوره زارهای جنوب

دهلران نیز می روید. برگهای آن شبیه برگ

سرو است و چوب آن متمایل به سرخی

است. چوب آن به وقت سوختن بویی زننده

دارد. در مناطق دیگر کردستان آن را با نام های

زیر می نامند و می شناسند. «گزی چار،

دارگز، داری گزی چار». نگا: گزی چار. (مو،

رو، هه، علیر، ابرا)

گه زروکه: *Bunium paucifolium*

زیره هرز زراعی. گیاهی است از رستنی های

کردستان.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: مسیر گلیه به پیر خضران، بین

قروه و روستای دهره قووله از توابع سقز و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود، مضافاً اینکه در قروه این گیاه را «گزینکه» هم می‌گویند. نگا: گه‌زنه. (مو)

گه‌زنه‌ی کیفی: ۱- گزنه کوهی ۲- گیاهی است که در کوزه میانه می‌روید و در روستای

میانه به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گه‌زنه‌یی: نوعی انگور است. (مو، هه)

گه‌زنی: گزنه. نگا: گه‌زنه. (مو)

گه‌زوڤك: گزنه. نگا: گه‌زنه. (هه)

گه‌زوڤك - گزگیله: عروس پس پرده. (مه)

گه‌زه‌ر: هویج، زردک، نوعی هویج. نگا: گزه‌ر

گه‌زه‌ر - چه‌پوله: *Malabaila secacui*

شقال صحرایی. گیاهی است از رستنی‌های

کرمانشاه که در محل‌های زیر می‌روید:

که‌نگاوه‌ر، سه‌حنه، کرماشان، سونقوز، کرنی

غهرب، ئیسلام ناوای غهرب. (معص)

گه‌زه‌ر: گیاهی است با ساقه‌ شیرین که

مکیده می‌شود. (هه)

گه‌زه‌نه: ۱- گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در روستای ژیوار از توابع

هورامان مریوان و روستای کۆله‌ساره از

توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. نگا:

گه‌زنه. (مو) ۲- هه‌ژار آن را به معنی (گیاهی

خوردنی) ثبت نموده است. (مو، ابراه، هه)

گه‌زه‌نه‌ك: گزنه. نگا: گه‌زنه

گه‌زه‌نه‌ی: (هه‌ورام): گیاهی است که در

هورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا:

گه‌زنه. (مو)

گه‌زی چار: درختچه گز. نگا: گزی چار.

(مو، ابراه، هه)

گه‌زیزه - گه‌زیزه: گیاهی است از

پیرخضران و گلیه، دامنه سلطان احمد،

نزدیک روستای شیخ شربتی، جاده بلچه

سوور، چه‌م دهره‌نجر، ریگه‌ی که‌له‌کان -

بست، خوزخوزه‌ی سه‌قز، سه‌رشویی سه‌قز.

(مو)

گه‌زگسك: گزنه. نگا: گه‌زنه

گه‌زگه‌زك: گزنه. نگا: گه‌زنه. (هه، رو)

گه‌زگه‌زكه: گزنه. نگا: گه‌زنه. (هه)

گه‌زگه‌زوڤك: گزنه. نگا: گه‌زنه. (ابراه، مو، هه)

گه‌زگه‌زه: گزنه. نگا: گه‌زنه. (رو)

گه‌زگه‌سك: گزنه. نگا: گه‌زنه. (هه)

گه‌زنك: ۱- گزنه. نگا: گه‌زنه ۲- گیاه جارو.

(هه)

گه‌زنه:

Urtica dioica, subsp. *kurdistanica*

گزنه دویسایه کردستانی. گیاهی است از

رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر

می‌نامند و می‌شناسند: «گه‌زنه، گه‌زه‌نه،

گه‌زنه‌ك، گه‌زگسك، گه‌زگه‌زوڤك، گه‌زگه‌زك،

گه‌زگه‌سك، گزینکه، ئالۆشه، گزگزه.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر

مشاهده نمودم: که‌رجق، هه‌شه‌میژ، حسین

ناوای که‌نگره، کتله‌شین، ژیوار، هه‌ورامان،

دهره‌ویان فازس، ره‌شنه‌ش، وی‌سه‌ر،

خوزخوزه‌ی سه‌قز، تا، هه‌تیمن، سه‌رجی،

زه‌نان، بلچه سوور، ته‌کیه، شیان، چل چه‌مه،

گلیه، کۆله‌ساره، پاوه، به‌ورو پهریشان *

محققین اعلام نمودند که مالیدن برگهای تازه

گزنه روی زخمهای بدن، علیرغم سوزشی که

دارد موجب التیام و بهبود زخمها می‌شود.

(مو، مظ، سیما، هه، با، ابراه، رو)

گه‌زنه‌ك: گزنه. گیاهی است که در شهرستان

رستنیهای کردستان در اوایل بهار میروید و در فروردین ماه گل هایش ظاهر می شود. این گیاه را «گوله گه زیزه، بلازیز» نیز گویند. نگا: گوله گه زیزه. (هه، مو، رو)

گه زینک: گزنه. نگا: گه زنه. (مو)

گه ژم: درخت پشه. نگا: دار توفانه. (هه)

گه سکه سپیکه: گیاهی است خوشبو. از خشک شده آن جارو درست کنند. (هه)

گه سکه شاری: نوعی گیاه جارو است. (هه)
گه سکه فه قیله: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

گه سکه کیویی: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

گه فه ز: روناس، گیاهی از تیره روناسیان. دارای برگهای نک تیز. (ابرا) گیاهی است که رنگ قرمز از آن گیرند. (هه)

گه فه س: گیاهی است که اشیاء را با آن رنگ می کنند. (رو، که)

گه لا بارام: گیاهی است که در منطقه خورخوزهی سه قز می روید و در روستای مهولاناوا از توابع خورخوزه آن را «گه لا بارام» گویند * در طب سنتی برای درمان زخم به کار می رود. (مو)

گه لا بناواتوم: گیاهی است که در روستای گهلین به این نام خوانده می شود. نگا: بناوه توم. (مو)

گه لا بناوه توم: بابا آدم * در طب سنتی برگهای تازه این گیاه را له کرده و روی محل مار گزیدگی می گذارند مفید واقع می شود. این موضوع را اهالی روستای کوئل و دۆزه غره و اهالی بعضی از روستاهای مسیر بوکان - مه هاباد تجربه کرده اند. نگا: بناوه توم. (مو)

گه لا را کیشه: نگا: رکیشه. (مو)

گه لا رکیشه: (رچ): ۱- گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستای هه شه میز از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: رکیشه ۲- برگ ختمی که آن را «گه لای رکیشه» نیز گویند. (مو)

گه لا رکیشه: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستای قه بفلووجهی سه قز به این نام خوانده می شود. نگا: رکیشه. (مو)

گه لا زیکیشه: گیاهی است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: رکیشه. (مو)
گه لا زیواسه: گیاهی است خوردنی و از رستنیهای کردستان برگ آن شبیه برگ مو است «وه کوو گه لا میو وایه» * در طب سنتی بعنوان داروی ضد انگل بکار می رود. در بندۆل مریوان رویش دارد. (مو)

گه لا زیواسیی: گیاهی است که در مریوان به این نام خوانده می شود. نگا: گه لا زیواسه. (مو)
گه لا ز: ۱- نگا: گه لاس. (هه) ۲- گوجه سبز، آلوجه. (ابرا)

گه لاس: گیلان. (ابرا)

گه لاس: ۱- آلو سرخ ۲- آلو زرد ۳- گیلان. (هه)

گه لا کووان: کووان گیاهی است از رستنی های کردستان و چون برگهای آن جهت مداوای سیاه زخم بکار می رود بدین جهت به «گه لا کووان» معروف گشته.

نگا: کووان. (مو)

گه لا کووله که: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای میانه از توابع سنندج و همچنین روستای بلجه سوور به این نام خوانده می شود. نگا: گه لا میران. (مو)

روستای تهنگی و هر از توابع کامیاران آن را «دوه گه مال» نامند. عده‌ای از اهالی زه‌شنه‌ش از توابع سندیج آن را «گه مالدو» - «گه مالدو» و عده‌ای دیگر «دودی کهره» - «دودو کهره» گویند. در روستای هویه نیز آن را «دودو کهره» گویند. محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: رامول، سوچه‌ش، قورو، گه‌زگه‌زاره، زه‌شنه‌ش، به‌رتوز، تهنگی و هر، ریگ‌های کامیاران - مریوان، زه‌نان، مه‌لکشان، سوریان، روانسر، جوانرؤ، پاوه، وزمان، بناوچان، هویه، سهرویه، شیان، چم دهره زه‌نجیر. (مو)
گه مالدو - «گه مالدو» گیاهی است. نگا:
گه مالدو. (مو، هه)

گه‌ن: گیاهی است. نگا: گه‌رچه‌ك. (هه)

گه‌ناو: داتوره. نگا: تاتوله

گه‌ندم: گندم. نگا: گه‌نم. (ابرا، هه)

گه‌ندمی: نوعی انگور سیاه است. (هه)

گه‌نده‌لو: گه‌نه‌لو: گیاهی است سمی. (هه)

گه‌نکه زهرده: گیاهی است بدبو که آن را

«گیا بؤگه‌نه» یا «بؤگه‌نیوه» نیز می‌نامند. (هه)

گه‌نم: *Triticum*

گندم، به عربی حنطه. گندم را در کردی با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گه‌نم، گه‌ندم، گه‌نم، خله». دانه گندم دارای ۰/۴۴ کلسیم، ۴/۲۳ فسفر، ۱/۲۸ منیزیم، ۴/۳۱ پتاسیم، گندم خوب تا ۱۵/۸ درصد پروتئین دارد، گندم حاوی ویتامین B_۲ است. انواع گندم عبارتند از: ۱- گه‌نم به‌ه‌اره ۲- گه‌نم حوله ۳- گه‌نم زه‌رتکه - هه‌ویدی ۴- گه‌نم قه‌نده‌هاری ۵- گه‌نم کویتانی ۶- گه‌نم سه‌حرایی - گه‌نم خورده ۸- گه‌نم زورده

گه‌لا گاده‌مه: گیاهی است که در روستای گلیه، به این نام خوانده می‌شود. نگا: بناوه‌توم. (مو)

گه‌لامیران: *Valerianella alliartifolia*

شیرینک، سمته. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در هه‌شه‌میز، سهرویه و نه‌ویه‌نگ آن را «گه‌لامیران» گویند. در روستای میانه واقع در دامنه کوزه میانه، آن را «گه‌لاکوله‌که» نامند. در روستای بست واقع در دامنه کوه چل‌چمه، آن را «کوله‌که‌گیا، گیا کوله‌که» گویند. در روستای هه‌زارکانیان از توابع سالال، آن را «گیاه‌توله» نامند * در طب سنتی برگ‌های این گیاه را می‌کوبند و روی دمل و زخم می‌گذارند، چرک زخم را می‌کشد و از له شده برگ‌های تازه آن بیشتر استفاده می‌کنند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هه‌شه‌میز، سهرویه، نه‌ویه‌نگ، کوزه میانه، چل‌چمه، وی‌سهر، نه‌که‌رتز، پیرهومه‌ران، بلچه‌سور، شیان، دهره‌ویسان فازس، هه‌زارکانیان، قولقوله‌ی میره‌دی. (مو)

گه‌لا وارنه: گیاهی است که در روستای

قه‌بغلوجه‌ی سقز به این نام خوانده

می‌شود. (مو)

گه‌لاوه‌زه‌نه: گیاهی است که در خورخوزی

سه‌تو به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گه‌لوالک: گیاهی است کوهستانی، گیاهی

است با پیازه‌خوردنی. (رو، هه)

گه‌مالدو: *Echium italicum*

گل گاوزبان ایتالیائی. گیاهی است از

رستنی‌های کردستان که در روستای رامول از

توابع دی‌گولان آن را «گه‌مالدو» گویند، در

گندم بسیار مرغوبی به دست می‌آید.
(اسلامی ۲۳۵/۱، سرزمین ص ۱۰۲۶، صا،
مو، درك، پرورش گاو شیری، رو، هه، با،
او، من)

گه‌نم شام: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی.

Zea mays

گه‌نم شامیی:

ذرت، بلال. گیاهی است که در بسیاری از
روستاها کشت می‌شود و در گویشها و
مناطق کردستان، آن را با نام‌های زیر
می‌نامند و می‌شناسند: «گه‌نم شامیی،
زوزات، گه‌نم شام، گه‌نم پیغه‌مبه‌رانه، زه‌زات،
گلگل، گولّه پیغه‌مبه‌ره، گارس، گهرمه‌شامی،
گه‌نم شامیی، گه‌نم کابه، گه‌نم کابی، گولّه
کابه، گه‌نم پیغه‌مبه‌ره، سهرداری، شامیی،
گه‌نم شام، گه‌نم پیغه‌مبه‌ره» (مو، وشه، هه،
منه، با، دا، جفکر، رو، ابرا)

گه‌نم گیاه: گیاهی است از رستنی‌های
کردستان. (مو)

گه‌نم گیاه:

Melica

ملیکا. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که
در روستای هویه آن را «گه‌نم گیاه» گویند. و
در بعضی جاها آن را «پووار» می‌نامند. (مو)
گه‌نمۆك: ۱- ذرت، بلال. نگا: گه‌نم شامیی
۲- گیاهی است آشی. (هه)
گه‌نم وه‌هاره: (کرماشانی): گندمی که در
بهار کشت شده باشد.

گه‌نم: گیاهی است که در جوانی شبیه گندم
است. (مو، رو)

گه‌نم به‌هارو: گندم بهاره. (هه)

گه‌نم به‌هاره: گندم بهاره. (مو، هه)

گه‌نم پیغه‌مبه‌ره: نگا: گه‌نم شامیی

گه‌نم پیغه‌مبه‌رانه: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی

۹- گه‌نم ده‌یمی ۱۰- تارگان ۱۱- هوشتردانه
۱۲- گه‌نم زه‌زایی ۱۳- گه‌نم حه‌وت گولّه
۱۴- گه‌نم زه‌ش گول ۱۵- گه‌نم گول زووته
۱۶- گه‌نم کوردی ۱۷- گه‌نم زه‌قی ۱۸- گه‌نم
سپیکه * فواید دارویی گندم: ۱- اگر به‌نگام
پرشتن گندم کسی که سردرد دارد، سر خود را
روی آن بگیرد و بخار آن را استشمام نماید
برای درمان سردرد مفید است ۲- جوشانده
پوست گندم برای خارش بدن خوب است
۳- پوسته جوشانده گندم را روی پوست و
سر و صورت می‌مالند پوست را زیبا و براق
می‌نماید ۴- گندم کوبیده را با ماست روی
دمل زیر ران می‌گذارند جراحات آن را
می‌کشد ۵- خمیر گندم را روی دمل
می‌گذارند آب و جراحات آن را می‌کشد
۶- خمیر گندم را روی محل گزیدگی سگ‌ها
می‌گذارند آن را درمان می‌کند ۷- گندم
صالحترین غذای بشر است، مقوی و چاق
کننده است. خوردن آب بر روی گندم پخته یا
برشته خوب نیست. گندم در مناطق
کردنشین کشت و برداشت فراوانی دارد تا
جائیکه میزان گندم مازاد بر مصرف
روستائیان در سال ۱۳۶۵ ه. ش که توسط
شرکتهای تعاونی روستائی سازمان تعاون
روستائی استان کردستان خریداری شده بالغ
بر ۲۲۰۰۰۰ تن بوده است. مهمترین مناطق
تولید گندم در آذربایجان غربی عبارتست از:
خوی، ارومیه، مهاباد، در جلگه اربیل به
مقدار زیادی گندم کاشته می‌شود: در استان
کردستان کشت گندم در منطقه «له‌یلاخ»،
«دئی گسولان»، «توروه»، «کانی نیمه‌روژه»،
«هده‌وتوه». در دشت اربیل کردستان عراق

شتر است ۲- نوعی گلایی است. (هه)

گه‌وله: نوعی جو است. (هه)

گه‌وله جو: نگا: گه‌وله

گه‌وُن: *Astragalus*

گَوُن. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را در گویشها و مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «گه‌وُن، گوئینوو، گوئینی، گاوُن، گوئینو، گوئینه».

گونه‌های زیادی از این گیاه در کوه‌های کردستان می‌روید و مردم فهیم و باتجربه روستاهای کردستان آنها را با مشخصات و نام مخصوص می‌شناسند از جمله آنها است: گه‌وُن جه‌باری، ره‌شه گه‌وُن، ژاله گه‌وُن، گاکه‌وُن، و شتر گه‌وُن... بلندترین گونه‌های این گیاه عبارتند از: ژاله گه‌وُن، رشه گه‌وُن، گاکه‌وُن.

محل رویش - در بسیاری از ارتفاعات - در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: نه‌که‌روژ، پیر عومهران، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، که‌رجو، هه‌شه‌میز، ره‌شته‌ش، سالیان، نجی، عه‌والآن، شاره‌کی بیجار، په‌نجه‌عه‌لی قوروه، شاه‌وی وی‌زیره، شاه‌وی پالنگان، ناویر، خواشت، چهم‌ده‌ره‌نجه‌یر، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، نه‌ویه‌تگ، هویه، سه‌رهویه، ریگه‌ی سنه - که‌زه‌سی - هه‌شه‌میز، ئاریز، ئاره‌نان، ریگه‌ی سنه - سه‌قز، سه‌لواتاوای سنه، سولتان نه‌حمده، که‌ل هه‌مرو، شیخ شه‌ریه‌تی، چل چهمه، دزیتله، باقلاوای شیخ حسین، زۆنج، بنیه‌ر، سه‌رشوی سه‌قز، بلچه‌سوور، قه‌له‌برد، شیان، ته‌کیه، روانسر، جوانزۆ، پاوه.

(مو، رو، هه، له‌ک، مند یا)

گه‌وُن: *Astragalus muchlanus*

گونه‌ای گون است که در کردستان به حد وفور می‌روید.

گه‌نمه پیغه‌مبه‌ره: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی. (هه)

گه‌نمه حوْله: نوعی گندم دانه درشت. (هه، ابرا)

گه‌نمه زرتکه: گندم ریز سخت دانه. (ابرا)

گه‌نمه زه‌رده: نوعی گندم است. (هه)

گه‌نمه شام: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی

گه‌نمه شامی: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی. (کَژ، هه)

گه‌نمه قه‌نده‌هاری: نوعی گندم ویژه

مناطق گرم. (ابرا، هه)

گه‌نمه کابی: ذرت. نگا: گه‌نم شامیی.

گه‌نمه کویستانی: نوعی گندم است. (هه)

گه‌نۆ: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که

در بعضی از روستاهای هه‌ورامان به این نام

خوانده می‌شود. (مو)

گه‌نه‌دار: ۱- درختی است ۲- گیاهی است.

بعضی آن را (آقطی) فارسی میدانند. (هه، مه)

گه‌نه‌ک: گیاهی است. نگا: گه‌رچه‌ک. (هه)

گه‌نه‌لۆ: نوعی از گیاه «لۆ» است که در چهل

چشمه رویش دارد و در روستای بست،

بعضی از روستاهای بانه و بعضی جاهای

دیگر به این نام معروف است. دو نوع دیگر

از گیاه «لۆ» بنامهای «چه‌قه‌لۆ، که‌وه‌لۆ» در این

کوه می‌روید. هه‌ژار آن را گیاهی سمی نامیده

است. (مو)

گه‌نم: گندم. نگا: گه‌نم. (هه)

گه‌نه‌مه: گیاهی است که ثمرش را به گاو

میدهند. (هه)

گه‌نه‌ی: گیاهی است. نگا: گه‌رچه‌ک

گه‌نیم: گندم. نگا: گه‌نم. (علیر، مو، له‌ک)

گه‌وجه: گوجه سبز. (هه)

گه‌ورز: گیاهی است. (هه)

گه‌وزک: ۱- گیاهی است که علف خوبی برای

Astragalus macrophyllum گه‌وُن: گونه‌ای گون است که در کردستان می‌روید و در روستاهای شیخ شهربه‌تی و ره‌شنه‌ش آن را «وشر گه‌وُن» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمه‌د، ره‌شنه‌ش، چل‌چمه، سه‌رشیوی سه‌قو، سه‌رشیوی مهربان، ریگی سه‌رده‌شت - شنق، زمزیران، هوالان، گرده‌نه‌ی سه‌لواتاوا، شاره‌کی بیجار، ره‌شنه‌ش، کله‌همرو، ناریز، دزله، باقلاوی شیخ حسین، بنیر، زونج، کوزه میانه. (مؤلف، مظفریان)

Astragalus tawlicus گه‌وُن: گونه‌ای گون علفی است که در کردستان می‌روید. محل رویش و مشاهده: بیجار. (مو)

Astragalus onobrychium گه‌وُن: گونه‌ای آستراگالوس علفی است با گل‌های زیبا و بنفش رنگ که در بسیاری از مناطق از جمله گردنه ماموخ، صلوات‌آباد سنندج، صلوات‌آباد بیجار و روستای خه‌رکه می‌روید و عده‌ای از اهالی روستای خه‌رکه «خه‌رکه» آن را «گوله‌ک» گویند. (مؤلف)

Astragalus michauxianus گه‌وُن: گونه‌ای گون است که در ارتفاعات بین کرمانشاه و صحنه، ارتفاعات الوند، نوآکوبین کرمانشاه و کرد، ارومیه، کوه دشته نزدیک کرج و... می‌روید. (فلور ایران) و به قراوانی در کردستان می‌روید. (مو)

Astragalus obtusifolius گه‌وُن: گون. گونه‌ای گون است که در جاهای زیادی از کشور ایران رویش دارد. از جمله در محل‌های زیر می‌روید: ارتفاعات

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: هوالان، کوسالان، ره‌شنه‌ش، نه‌ویه‌نگ، که‌رجو، سالیان، هه‌شه‌میز، نجین، خواشت، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل. (مو)

Astragalus poterium گه‌وُن:

گونه‌ای از گون است که در کردستان می‌روید (گل‌هایش مثل ته‌قله ولی سفید است). (مو)

Astragalus tuortuosus گه‌وُن:

گونه‌ای گون است که در اغلب کوه‌های کردستان می‌روید و آن را مشاهده نموده‌ام.

Astragalus chrysosachys گه‌وُن:

گونه‌ای گون است که در بسیاری از کوه‌های کردستان می‌روید و آن را مشاهده نموده‌ام.

Astragalus cyclophyllon گه‌وُن:

گونه‌ای گون علفی است که در بسیاری از کوه‌ها و مرکز تحقیقات خرکه می‌روید. (مو)

Astragalus echinops گه‌وُن:

گونه‌ای گون علفی که در کردستان می‌روید.

Astragalus kermanshahanicus گه‌وُن:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش و مشاهده: سولتان نه‌حمه‌د. (مو)

Astragalus rhacophorus گه‌وُن:

گونه‌ای گون است که در کردستان رویش دارد.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: هوالان، سولتان نه‌حمه‌د، ثاویر، کله‌همرو، ره‌شنه‌ش، به‌ورو پیریشان، مله‌ی که‌زه‌سی، ریگی که‌له‌کان - بست، چل‌چمه، شاره‌کی بیجار، پهنجه علی قوروه، خواشت، چشم‌دوره زنجیر، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، که‌رجو، هه‌شه‌میز. عده‌ای از اهالی روستای شیخ شهربه‌تی از توابع مریوان، آن را «ره‌قه گه‌وُن» گویند. (مو)

به این نام خوانده می‌شود. بهترین نوع کتیرا از این گیاه تولید می‌شود.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاه‌وی وی‌زیر، نه‌که‌روژ، پیرعومهران، شاه‌وی پالنگان، تا، ره‌شنه‌س.

گه‌وُن که تیره: گونه‌ای از گون است که در هورامان و روستای زهان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گه‌وُن که تیره‌ی جه‌باری: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای زهان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گه‌ونه خوْشه: نوعی از گون است. (رو)

گه‌وون: گیاهی است. نگا: گه‌وُن. (مو)

گه‌وه‌ن: گون. نگا: گه‌وُن. (هه)

گیا ناده‌مه: Ginseng

مردم گیاه، مهر‌گیا، استرنک. گیاهی است که ریشه‌هایش شبیه انسان است. (رو، هه، که)

گیا نه‌رخه‌وان: گیاهی است که تعدادی از اهالی بست آن را «گیا نه‌رخه‌وانه» گویند. نگا: توتیا. (مو)

گیا نه‌سر‌نلک: سریش. نگا: خوْژه

گیا نه‌شکه‌وت: شنگال. (دا)

گیا بارزانی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که عده‌ای از مردم بۆکان آن را به این نام می‌نامند و می‌شناسند.

محل رویش - بۆگه‌به‌سی نزدیک بۆکان و باخی میراوا در نزدیکی شهر بۆکان. در طب سنتی، این گیاه را برای درمان زخمها، مخصوصاً زخم بستر به کار می‌برند. (معر، مو) گیا باریکه: گیاهی است که در کوه‌های کۆرکۆره می‌روید و به این نام خوانده می‌شود. (مو)

سس‌یزوشان، پرسپولیس، اطراف دریاچه مهارلو و در کردستان: شاهو و مناطق دیگر. (فلورایران قهرمان ۱۱۴۹، مو)

گه‌وُن: *Astragalus hohenackeri*
گون، گونه‌ای گون است.

محل رویش - وینه‌سار بین همدان و سنندج، سنندج و مریوان. (مو، فلور ایران ۱۱۴۷)

گه‌وُن: *Astragalus candolleanus*
گونه‌ای گون است.

محل رویش - کرمانشاه، همدان، الوند، بین قزوین و همدان. (فلور ایران). و در کردستان در (بیجار، صلوات آباد بیجار) می‌روید و آن را مشاهده نموده‌ام. (مو)

گه‌وُن: *Astragalus carduchorum*
گونه‌ای گون است که در کردستان رویش دارد. (مو)

گه‌وُن: *Astragalus aegobronus*
گونه‌ای گون علفی است که در کردستان رویش دارد و آن را مشاهده نموده‌ام. بنظرم همان «وْژه تووَل» است. (مو، مظفریان)

گه‌وُن: *Astragalus kahircicus*
گون شنی، گون کهیری. گیاهی است که در کردستان رویش دارد و آن را در چندین جا دیده‌ام. (مو، مظ)

گه‌وُن ته‌پله: گیاهی است که در روستای وی‌زیر به این نام خوانده می‌شود، نوعی گون است. نگا: ته‌پله‌گه‌وُن

گه‌وُن ته‌شه‌نه‌ک: نوعی از گون است که آن را «گه‌وُن جه‌باری» هم گویند. (مو)

گه‌وُن ته‌قه: نوعی از گون است. (مو) گه‌وُن جه‌باری: گونه‌ای گون است که در بعضی جاها از جمله آبادیهای تا و ره‌شنه‌ش

گیا بالووک: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در میانه و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود، دارای ساقه‌های سیاه رنگ و خیلی باریک مثل نخ باریک و برگهایش شبیه برگ جعفری است * در طب سنتی: برگهای آن را خشک می‌کنند و بصورت دم کرده میل می‌کنند و برای باد و یبوست مفید می‌دانند. نگا: قه‌یته‌ران، پە‌زی‌یاو‌ه‌ش. (مو)

گیا بالووک: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)
گیا بـزـه: بزرگ. گیاهی است که در صلوات‌آباد سنج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: که‌تان. (مو)
گیا بـزـه: گیاهی است که در قلعه حسن‌آباد می‌روید و اهالی روستای حسن‌آباد سنج، آن را به این نام می‌نامند و بنا به تجاربی که سالیان دراز آن را کسب کرده‌اند بر این باورند که اگر حیوانات این گیاه را بخورند آنها را می‌کشد. (مو)

گیا برژاو: گیاهی است. (رو)
گیا برژوک: گیاهی است که برای معده خوب است. (رو)
گیا بزک: گیاهی است از رستنی‌های چهل چشمه که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گیا برنج: گیاهی است که در بعضی جاها آن را به این نام می‌خوانند. این گیاه موقعی که برسد گل‌هایش بوی برنج و پلو می‌دهد و برگ‌هایش هم بوی برنج می‌دهد. نگا: گیا پلاو. (مو)

گیا برنجی: گیاهی است که در بعضی از مناطق کردستان به این نام خوانده می‌شود. نگا: گیا پلاو. (مو)

گیا برنجه: گیاهی است که در روستای بلچه سورر به این نام خوانده می‌شود. نگا: گیا پلاو. (مو)

گیا برینجه: نگا: گیا پلاو
گیا برین: گیاهی است دارویی، بهاری با گل زرد * خشک کرده آن روی زخم پاشیده می‌شود. (رو، هه)

گیا بوخه‌شه: گیاهی است که در روستای خواشت به این نام خوانده می‌شود. نگا: دایکه و پاوکه. (مو)

گیا بوگه‌نه: در کردستان گیاهان زیادی به این نام، نامیده می‌شوند. مثلاً در روستاهای اطراف کۆسلاان، ره‌شنه‌ش، میانه و... گیاهانی را با این نام می‌نامند. (مو)

Datura گیا بوگه‌نه:

داتوره * تخم (دانه) آن را در طب سنتی درمان آسم و تنگی نفس می‌دانند. نگا: تاتوره، تاتووله. (رو، مو، که)

گیا بوگه‌نه: گیاهی است که در قلقله میره‌ده به این نام خوانده می‌شود. در بعضی جاها آن را «بیره‌ژانه» گویند. (مو)

گیا بوگه‌نه: گیاهی است که در گردنه گاران «گه‌رده‌نی گازان» از توابع مریوان می‌روید و بعضیها آن را «گیا بوگه‌نه» گویند. بعضی آن را نوعی آقطی میدانند. (مو)

گیا بوگه‌نه: گیاهی است بدبو. نگا: گه‌نکه زه‌ده.
گیا بوگه‌نیوه: در مناطق مختلف کردستان گیاهان متعددی را با این نام می‌نامند: ۱- از نظر لغوی، این کلمه همان «گیا بوگه‌نه» است ۲- نگا: تاتووله ۳- نگا: گیا بوگه‌نیوه (گه‌نکه زه‌ده). (مو، هه)

گیا بونکه: نگا: تاتووله

در بعضی جاها آن را «گیا برنجی، گیا برنج، گیا سهدری» گویند.

محل رویش - این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: ده‌گاگا، کوسالان، ثاویسی خوزخوزه، ناوچی خوزخوزه‌ی سه‌قز، گهلین، خانه‌گای گهلین، نه‌که‌روژ، کوزه میانه، پیرعومهران، کیله‌شین، گهرده‌نی خان، که‌که‌وسان، دهره‌ویان سفلی، چل‌چمه‌مه، رشنه‌ش، عه‌والان، شیشه‌زی، سه‌لوات‌ثاوی سته، سولتان‌ئه‌حمده، به‌ورو پرتشانی قورو، که‌وله، کؤل و دوزه‌غره، قه‌له‌برد، بلچه سوور، پاوه. (مو)

گیاه پلاو: *Solenanthes stamineus*
گل عقری پرچم‌دار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گیاپلاو، پلاو سهدری، گیا برنج، گیا برنجه، گیا برنجی».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: چل‌چمه‌مه، دهره‌ویان فازس، کیله‌شین، قه‌له‌برد، بلچه سوور، پالنگان، شاهوی پالنگان. (مؤلف)

گیاه پولنگه: *Lathyrus aphaca*
خُلر بی‌برگ. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «ولیره» نیز گویند. (مو)

گیابووله‌نکه: *Fibigia macrocarpa*
گیاهی است از رستنی‌های کردستان، برگ‌هایش شبیه «پووله‌که» است که زنان برای زینت لباس از آن استفاده می‌نمایند، البته براق نیست. این گیاه را در بعضی جاها از جمله روستای نهر از توابع سنندج «گیا پووله‌که» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، آن را مشاهده

گیابوونه‌نکه: نگا: تاتووله. (مو)

گیابه‌رانه: گیاهی است محکم و قدبلند که در ساختن چپخ از آن استفاده می‌کنند. (هه)
گیابه‌رانه: گیاهی است. آن را «کلاوزره» نیز گویند. (مه)

گیابه‌رک: گیاه درمنه. گیاهی است دارای ساقه بلند و توخالی و گل زردرنگ و خوشبو است. (هه)

گیابه‌زره‌ک: نگا: که‌تان

گیابه‌ن: گیاهی است خوشبوی. نگا: گیابه‌ند. عده‌ای آن را (درمنه، برنجاسف معطر) و بعضی آن را گیاه «وهرکه‌مه‌ر» می‌دانند. (هه، رو، مه)

گیابه‌ن: گیاهی است که در بعضی از روستاهای کردستان به این نام خوانده می‌شود و در بعضی دیگر «خه‌ربه‌نگ، خه‌روه‌نگ» نامیده می‌شود. نگا: خه‌ربه‌نگ. (مو)

گیابه‌ند: گیاهی است خوشبوی. نگا: گیابه‌ن. (هه، رو، که)

گیابه‌نیش: ۱- گیاه قندرون. «گیاه‌قه»

۲- شیره گیاهی است. (هه)

گیا پرچ: گیاهی است. (هه)

گیا پزگ: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. اهالی محل می‌گویند آویزان کردن ساقه (تیرۆک) آن به گردن گوسفندان سبب خواهد شد که بینی گرفتگی «مشه کردن» گوسفند برطرف گردد. آن را در شاهو مشاهده نمودم. (مو)

گیاه پلاو: *Solenanthes circinnatus*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای بست از توابع شهرستان دیواندره و بعضی جاهای دیگر آن را «گیاپلاو» گویند و

گیاه ته‌قله: نگا: ته‌قله. (مو)

گیاه ته‌ماکو: گیاهی است که در روستای خواشت به این نام خوانده می‌شود و موقعی که برگهای این گیاه خشک می‌شود عین برگهای خشک شده توتون است، بدینجهت آن را «گیاه ته‌ماکو» گویند. (مو)

گیاه جاجکه: گیاهی است که در روستاهای ده‌هویان خواروو، که‌که‌وسان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا:

کو‌کلاش. (مو)

گیاه جگهر: *Agrimonia eupatoria*
غافث. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «گیاه جگهر، نه‌گرمونی، دواى جگهر، ده‌وای جگهر» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: چهل‌چشمه، ره‌شنه‌ش، هه‌شه‌میز، شیان * گیاه غافث، تصفیه‌کننده خون، مدر ادرار و ضد نفخ است و برای درمان یرقان و آمدن بی‌مورد ادرار مفید است. (مو، رو)

گیاه‌چا: گیاهی است. نگا: گول‌که‌وو. (مو)
گیاه‌چا: گیاه دیگری است که در عیسی‌کند و سه‌هولان به این نام خوانده می‌شود و این غیر از گیاه «گول‌که‌وو» است. این گیاه بجای چای مصرف می‌شده است. (مو، هه)

گیاه چاوانه: گیاهی است دارویی و از رستنی‌های کردستان. (نادر)

گیاه چاو‌ئیشه: نگا: وه‌ردینه

گیاه‌چای: گیاهی است که در روستای گهلین و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: گول‌که‌وو. (مو)

گیاجایی: گیاهی است که در روستای بست

نمودم: شاهو، کوسالان، نیه‌ر، ته‌نگی‌سه‌ر، نواز، رینگه‌ی سه‌ربناو - ته‌نگی‌سه‌ر، تاینه، هه‌والان، رینگه‌ی سه‌رده‌شت - شنو، خواشت، چه‌م ده‌ره زه‌نجیر، ره‌شنه‌ش، زه‌نان. (مؤلف).

علاوه بر استان کردستان در محل‌های زیر هم می‌روید: سلماس، دیلمان، ماهیدشت، کرم‌اشان، کوه رنو در ایلام، کوه پارو، اشترانکوه، بروجرذ، شیراز، فیروزآباد و کازرون. (فلور ایران)

گیاه‌په‌رۆ: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)
گیاه په‌مگ: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی از روستاهای سنندج به این نام خوانده می‌شود. نگا: گینقۆ. (مو)
گیاه‌په‌نیر: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «ئامیان په‌نیر، خوئی من» هم گویند. نگا: ئامیان په‌نیر. (مو)

گیاه پیره‌ژنه: *Salvia*
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای بست از توابع دیواندره آن را «گیاه پیره‌ژنه» گویند.

محل رویش - در چهل چشمه و گلیه آن را مشاهده نمودم. (مو)

گیاه پی‌کول: گیاهی است که در هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: په‌یکۆل. (مو)

گیاه‌تاله: *Acroptilon repens*

تلخه، تلخه‌گیجه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: که‌کوه. (مو، مظ، فلور ایران)
گیاه ترکه: گیاهی است آشی. (هه)

گیاه تره‌قه: گیاهی است علفی که در شاهو می‌روید. (مو)

گیاه ته‌زه‌نه: گیاهی است که در هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: ته‌زاه‌ن. (مو)

می گرداند. (هه)

گیا خورما: گیاهی است از رستنی های کردستان. برگهایش شبیه برگ نوعی خرما است. دارای گلهای بنفش منظم تقریباً شیپوری است که در یک طرف ساقه قرار گرفته اند. ارتفاع ساقه آن تا حدود ۷۰ سانتی متر است. دارای پیازه ای است شبیه پیازه پیشوک ولی حالت مخروطی شکل دارد. نگا: گوئل نه سپهک. (مو)

گیا خوهشکه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در رشنش و میانه و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. (مو)
گیا خوین بهس: *Hypericum scabrum*
گل راعی دیهیمی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در مناطق مختلف کردستان، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «گیا خوین بهس، خسوین لووت، زورناتک، سرناتک، بته سووره، زه زیتقه، زورناتک».

محل رویش - این گیاه را در محل های زیر مشاهده نمودم: عه والآن، نشوور، دۆلّو، سولتان نه حمده، کهل هه مرق، به ورو پهریشان، کۆله ساره، تا، هه نیمن، سه رچی، ارومیه، مهاباد، زمزیران به مهاباد، مریوان، سنندج، بلچه سوور، ریزاو، قصر شیرین، ارتفاعات شاهق، خواشت، صلوات آباد بیجار، ۵ کیلومتری جاده سنندج بیجار تا داخل شهر بیجار، ایستگاه تحقیقات کشاورزی خرکه، نیه، تهنگی سر، میرگه وار، ثاربه با، خوزخوزه، ریگهی میره دی - پیرعومهران، نه که روژ، پیرعومهران، گهلین، خانه گای گهلین، کوزه میانه، هه شه میژ، که رجو، ساووسه عی، تولقوله می میره دی، وی سر، نه وینه نگ،

و خوزخوزه ی سه قو به این نام خوانده می شود. نگا: گوئل که وو.

گیا چریش: سریش. نگا: خوزه

گیا چه رمه: گیاهی است که در بعضی از روستاهای کامیاران و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: گوئل حاجیانه. (مو)

گیا چه رمه له: گیاهی است که در روستای میژاو از توابع کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: گوئل حاجیانه. (مو)

گیا چه قه: *Chondrilla juncea*

قندرون، گیاه قندرون. نگا: براوکه. (مو، هه)

گیا چه قه قه قه: گیاهی است که در بعضی روستاها از جمله بلچه سوور به این نام خوانده می شود. نگا: چه قه قه. (مو)

گیا چل روژه: نگا: چل روژه

گیا چناره: نگا: گوئل ماس. (مو، رو)

گیا چناره: گیاهی است دارویی که زخم را التیام می دهد. (هه)

گیاجته: گیاهی است از رستنی های کردستان. (مو)

گیا چه ووره: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای باقلاوای شیخ حسین از توابع سنندج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: په په چه ووره. (مو)

گیا چه ووره: گیاهی است از رستنی های کردستان. نگا: چه ووره که.

گیا حه کیم: بادرنجبویه. نگا: شازیحان. (مه)

گیا خاو: انستین رومی. (مه)

گیا خوون: گیاهی است با شیرۀ سرخ که خوردن آن دام و حیوان را زیاد چاق

هویه، سهرهویه، میزراو، نواز، گهرده نهی خان، کینه شین، سه بدلو، ریگهی سه قز - بانه، ریگهی بانه - سه رده شت - مه هاباد، ریگهی مه هاباد - بۆکان، ده گاگا، بۆزیده، مازی بن، ناریز، ناره نان، کۆسالان، زه نان، مه لکشان، ته کیه، شانشین، قازی به کیر، ته خته، پاره، روانسر، ریگهی کامیاران - روانسر، ریگهی کرماشان - پاره، جوانرق، قوری قلا، ریگهی کامیاران - مهربوان، دهره بن دزلی، ژالانه، دهره کن، وه زهرا، دهره ویان نازس، ریگهی کهوله - کۆل، ریگهی سهراوقامیش - سالال، هه والان، شاری هه ورامان، که ماله، وه سیان، کانی حه سین به گ، رۆوه وه ری، سه رو پیری، سلین، بلهر، هه جیج، ژیوار، خوئی سملی، پالنگان، شاهوی پالنگان، شاهوی ویزیهر، شاهوی لونی سه یده کان، ریگهی بیجار - تیکاب، به ینی کوزانی و شاره، دۆله زهش مایین دۆل، زهرده وان، دۆیسه، نجین، سالیان، خواشت، په نجه هلی قوروه، حه سین ناوای که نگه ره، حه مزهی عه ره، قهه چوغه، جه یران مئگه، فه تاح ناوا، ریگهی مهربوان - سه قز، میراجی، سه رشوی سه قز، حاجی نهۆل، چل چه مه، ریگهی که له کان - بست، که که وسان، وزمان، دهره ویان خوارو، ئالی جان، مه ولاناوا، سه یقاوا، زه زاو، نیاوا، سه ولاناوا، ریگهی موچهش - دئی گولان، رامۆل، پیازه، ته ته، ره شنهش، ئاویهر، سه لواتاواي سنه. علاوه بر کردستان، در محل های زیر هم می روید: اطراف تهران، پس قلعه، دربند، دره هفت حوض، ارتفاعات دماوند، تخت سلیمان، سلماس (قهرمان) * در طب سنتی: عدهای دمکرده سرشاخه های گلدار آن را برای درد

شکم مفید می دانند، عدهای بر این باورند که اگر کسی این گیاه را ببوید خون دماغ او بند می آید و بهمین جهت آن را «گیا خوین بهس، خوین لووت» گویند. در کوه ثاربه با این گیاه را اندازه گرفتم حدود ۷۵ سانتی متر بود. (مؤلف)
گیا داروؤک: گیاهی است دارویی برای روان کردن ادرار مفید است، مدر ادرار است. (هه)
گیا دانو: گیاهی است از تیره نعناعیها و بوی آن شبیه بوی «هه زی» است * دمکرده آن در طب سنتی برای درمان شکم درد بکار می رود. (رو، هه)
گیادانه: گیاهی است که آن را «گیندال، گیندهل» هم گویند. دارای گلهای آبی و علوفه خوبی است. (هه)
گیا دایکه و باوکه: نگا: دایکه و باوکه. (مو)
گیا دراویلکه: گیاهی است مسهل. (رو)
گیا دل ژان: ۱- دم رویاهی چمن زاری ۲- گیاهی است به نام «خاوین». (دا)
گیا دماره کۆل: گیاهی است که در مریوان به این نام خوانده می شود. (آنکه گیاه خالخال، یا شبیه آنست). (مو)
گیادو: گیاهی است که در روستای کۆل می روید و به این نام خوانده می شود. (مو)
گیادوپشک: گیاهی است داروی عقبرب گزیدگی. (هه)
گیادوخوا: ۱- نگا: پسل ۲- نگا: سووره بنه (سووره ونه). (مؤلف)
گیادوخهوا: گیاهی است که آن را «پسل، لووشه» نیز گویند. نگا: پسل. گاهی برای گیاه «خوژه» نیز استعمال می شود. (مو)
گیادومه: گیاه مگرین. (مه)
گیا دهرزیله: گیاهی است از رستنی های

کردستان. (مو)

گیا ده رمانه: گل شاپسند، شاپسند آبی. (مه)
 گیا ده له مه: گیاهی است که در بعضی از
 روستاهای اطراف کۆسالان و همچنین در
 روستای بست واقع در دامنه کوه چل چمه،
 به این نام خوانده می شود. نگا: نامیان په نیر.
 (مؤلف)

گیا رکیشه: گیاهی است که در روستای
 بست، به این نام خوانده می شود. نگا: رکیشه.
 (مو)

گیا رۆنیاس: گیاهی است که در قلقله ی
 میرده به این نام خوانده می شود.
 محل رویش - قووقولوی میژده دی و
 خوزخوزی سه تیز. (مو)

گیا رۆنیاسی: نگا: گیا رۆنیاس. (مو)
 گیا زه حه تی: گیاهی است. نگا: ده سکیشی
 ژبوی

گیا زه نج: گیاهی است. (رو)
 گیا زه نگ: گیاهی است دراز عمر شبیه نی،
 برگهایی شبیه برگ «سیس هه مبه» دارد. برای
 رنگ کردن پارچه از آن استفاده می شود،
 گیاهی است که رنگ زرد کم رنگ از آن گیرند.
 (رو، هه)

گیا ریحانه: گیاهی است که در روستای
 بست به این نام خوانده می شود. این گیاه
 شبیه ریحانه است. (مو)

گیا ریزه له: نگا: ره زله. (مو)

گیا زیش: گیاهی است. (هه)

گیا زیشالۆك: گیاهی است علفی. (هه)

گیا ریفك: جارو. آن را «گهسك، گزگ» نیز
 گویند. (هه)

گیا زیقینگ: نوعی بنفشه. (هه)

گیا ری کیشه: گیاهی است که آن را «زمانه
 به رخ» هم گویند. نگا: رکیشه. (رو)
 گیا زافا: گیاهی است. (هه)
 گیا زرافك: گیاهی است. (هه)
 گیا زربه: گیاهی است از رستنی های
 کردستان. از جمله میانه، هه ورامان.

محل رویش - کوزه میانه، هه ورامان. (مو)

گیازروه: ۱- گیاهی است علفی بسیار خوب
 و از رستنی های کردستان، از لحاظ برگهایش
 شبیه مرزه است. در شاهر و کوزه میانه
 می روید ۲- گیاه دیگری نیز به این نام خوانده
 می شود که شبیه گوزروان است ولی برگهای
 کم عرض تر و کوچکتری دارد ۳- گیاه دیگری
 است که در فارسی آن را (گل چاک) گویند. (مو)

گیازروه: *Aayneuma*
 گل چاک. گیاهی است از رستنی های کردستان
 که در کۆسالان رویش دارد و آن را مشاهده
 نمودم. در روستای ژبوار از توابع هه ورامان،
 آن را «گیا زروه» گویند. (مو)

گیا زوفا: گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در هه ورامان به این نام خوانده
 می شود. (مو)

گیا زه رتک: گیاهی است که از آن رنگ زرد
 تهیه کنند. نگا: گیتۆ. (مو، رو، هه)

گیا زه رد: گیاهی است که در ابراهیم آباد از
 توابع سنندج، به این نام خوانده می شود.
 نگا: گیا خوین بهس. (مو)

گیا زه ردگ: در بعضی از روستاهای منطقه
 خورخوره، به این نام خوانده می شود. نگا:
 گیتۆ. (مو)

گیا زه رده: گیاهی است که در روستای
 کرجۆ از توابع سنندج، به این نام خوانده

می‌شو. نگا: گیا خون بهس. (مو)

گیا زهرده‌له: *Lotus corniculatus*

آهوماش زرد، یونجه زرد، یونجه پاکلاغی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در خورخوره سقز، آن را «گیا زهرده‌له» می‌نامند. محل رویش - در خورخوره، آن را مشاهده نمودم. (مو، مظفریان)

گیا زهرکه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

گیا زه‌نگلۆك: گیاهی است ثمرش شبیه زنگوله کوچک است. (هه)

گیاژار: اقونیطون. (دا)

گیاژان: *Anthemis tinctoria*

بابونه زرد. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در خورخوره سقز آن را «گیاژان» گویند. نگا: گوله حاجانه‌ی زهره و بالا‌برز. (مو)

گیاژان: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در گلیه به این نام خوانده می‌شود * در طب سنتی: این گیاه را برای درمان شکم درد مفید می‌دانند. (مو)

گیا ژانه: نگا: که‌تان. (مو)

گیا سارمه: نگا: سالمه. (مو، هه)

گیا سالم: گیاهی است. این گیاه را در دهره‌ویان سفلی و که‌هوسان مشاهده نمودم. نگا: سالمه. (مو)

گیا سالمه: نگا: سالمه. (مو، رو، هه)

گیا سپل: گیاهی است که برای ناراحتی‌های سینه و دفع کرم مفید است. (رو)

گیا سپی: گیاهی است داروی زخم. گیاهی است بهاری و پیازه‌دار * پیاز آن را کمی له می‌کنند و آن را روی زخم می‌گذارند، زخم را بهم می‌آورد و آن را بهبود بخشد. (رو، هه)

گیا سریش: نگا: خوزه

گیا سلمه: نگا: سالمه

گیا سمل: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

گیا سق: نگا: سولان. (مو)

گیا سۆسه‌نه: گیاهی است که در خواشت به این نام نامیده می‌شود. نگا: گول که‌وو. (مو)

گیا سه‌در: گیاهی از رستنی‌های کردستان، گیاهی است صحرایی. (مو، هه)

گیا سه‌دری: گیاهی است که عده‌ای از اهالی روستای بلچه سورر آن را به این نام می‌خوانند. نگا: گیاپلاو. (مو)

گیا سه‌ودا: *Melissa officinalis*

بادرنجبویه، بادرنگبویه، وارنگ بو. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستاهای تا، هه‌نیمن، میانه، سرچی، ده‌گاگا، آن را «گیا سه‌ودا» گویند. باغبان باغ کانی که‌لی‌مل، نیز آن را «گیا سه‌ودا» می‌نامید. برگهایش شبیه برگ نعنا است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: باغیکه در جلو کانی که‌لی‌مل واقع بر سر راه ده‌گاگا - رزاب است. کوزه میانه، کوسالان، تا، سرچی، هه‌نیمن، سنان سر واقع در بین نزاز و ته‌نگی‌سر. بین نه‌ویه‌نگ و سالیان، چند دهره‌زنجیر، که‌رجق، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، زه‌شسه‌ش، په‌نجه‌ه‌لی. در محل‌های زیر هم می‌روید: ریزاو، کرماشان، پیشه‌ی لۆرستان، روستای گلستانه‌ی بیجار * در طب سنتی: شستن بدن را با دمکرده این گیاه و همچنین نوشیدن دمکرده آن را برای درمان جوشهای خشک، خارش و کهیر «لیرگ» مفید می‌دانند. این گیاه

کردستان که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. نگا: گول نه‌سپهک. (مو)
گیا شمشیره: گیاهی است که در خورخوره سقز به این نام خوانده می‌شود. نگا: لولوپه‌ز. (مو)

گیا شه‌قاق: گیاهی است که در کوه‌های تا می‌روید و به این نام خوانده می‌شود. (مو)
گیا شه‌لاخه: *Ungernia flava*

گرمینه زرد، پیاز کوهی، گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای صلوات‌آباد سنندج آن را «گیا شه‌لاخه» و در روستای سالیان از توابع ژاورود آن را «پیازه خووغانه» گویند. در روستای گهلین هم آن را جزو پیازه خووغانه می‌دانند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمه‌د، سالیان، ره‌شنه‌ش، نجین، ناریز، ناویه‌ر، عه‌والآن، دریله، زونج، میانه، سه‌لواتاوا، سته، کوزه میانه، گهرده‌نی سه‌لواتاوا، وتره زوی، نه‌ویته‌تگ، گهلین، خانه‌گای گهلین، که‌وله، کؤل و دۆزه‌غره، کۆسالآن، هه‌شه‌میز، شیان، روانسهر، پاوه، ریگه‌ی کرماشان - پاوه، ریگه‌ی کامیاران - روانسهر، ریگه‌ی میرئاوا - شنۆ، ریگه‌ی سرده‌شت - مه‌هاباد، گهرده‌نی زمزیران، سرشیوی سه‌تۆ، هویه، سرهویه، قازی به‌کر، شانشین. (مو، معر، فلور ایران)

گیا شه‌لاخه: نوعی «جافه جیبله» است. نگا: قه‌مچی شه‌لاخ. (مو)

گیا شیره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که مصرف شیرۀ آن با یک یا دو حبه قند برای رفع یبوست خوب است. گیاه دیگری نیز در کردستان می‌روید و با همین

را خشک می‌کنند و داخل غذاهای آبکی می‌ریزند و می‌خورند و بر این باورند که همان خاصیت را دارد. این گیاه را در کردی «بادره‌نگبویه، فاته‌دارو و باخی» هم گویند. نام گیاه دیگری هم هست. قهرمان و مظفریان این گیاه را (فرنجمشک) نامیده‌اند که نام گیاه دیگری هم هست. (مو، مظ، قهرمان ۱۰۶۴، زرگری)
گیا سه‌ودای دهیمی:

Salvia macrochlamys

مریم‌گلی گل درشت. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای ژوار به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - کوه‌های ژوار، کۆسالآن، قه‌له‌بهرد، بلچه سوور، ره‌شنه‌ش، گهلین، خانه‌گای گهلین، ته‌وریور، شیان، سرشیوی مهریوان، ریگه‌ی سرده‌شت - شنۆ. (مو، مظفریان)

گیا سه‌وزه: *Chenopodium botrys*

درمنه ترکی، سلمک اورشلیمی. گیاهی است که در کۆله‌ساره به این نام خوانده می‌شود. در هورامان این گیاه را «سه‌وزه گیواو» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ژالانه، کۆله‌ساره، هورامان. نگا: سه‌وزه گیواو. (مو)

گیا سبینگ ئیشه: /سفرزه. (مه)

گیا شاوهر: گیاهی است علفی و از رستنی‌های کردستان که از جمله در آریبا آن را مشاهده نمودم و عده‌ای از اهالی بانه آن را به این نام می‌خوانند. (مو)

گیا شله: گیاهی است که بر روی زمین می‌خوابد. آن را «گیا گیله» هم گویند. (هه)

گیا شمشیره: گیاهی است از رستنی‌های

نام خوانده می شود. (مو)

گیا شیرینی:

گیاهی است شبیه «گوله گواره» و تقریباً طوسی رنگ که در روستای نهر به این نام خوانده می شود. در بعضی جاها آن را «مژمه» گویند. (مو)

گیا فیکته: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بیجار به این نام خوانده می شود. بعضی آن را (گیاه هپاتیک) میدانند. (مو)

گیا قاپووشک: گیاهی است ثمرش شبیه حلزون است. (هه)

گیا قاخلی: نگا: گزلیکه سهره

گیا قاغلی: نگا: گزلیکه سهره. (مو)

گیا قاوله مه: گیاهی است که در روستای رامول از توابع دهگلان به این نام خوانده می شو. نگا: خه ربه نگ. (مو)

گیا قجی: کیسه کشیش. (مه)

گیا قشقه زه: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله روستاهای گهلین و خانه گای گهلین به این نام خوانده می شود. نگا: لیفه شزه. (مو)

گیا قشقه زه: گیاهی است که در روستاهای نهر و شیان با این نام خوانده می شود. نگا: قشقه ره. (مو)

گیا قشقه زه: گیاهی است از رستنی های کردستان از جمله کوزه میانه و زونج، دارای برگهای نسبتاً پهن، ساقه اش مثل پهل شوانه خورده می شود، ساده است و شاخه ندارد، گلهايش كبود يا آبی است. (مو)

گیا قوزه دره: گیاهی است از رستنی های کردستان که در هوزامان به این نام خوانده می شود. (مو)

گیا قوزی: گیاهی است که در سنجار

رویش دارد. (رو، که)

گیا قولوره:

Lamium album

. subsp. *crinitum*

گزنه سفید کرکی، گزنه سا. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای میانه از توابع سنندج به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوزه میانه، بلچه سوور، قله برد، باخان، کوسالان، ته کیه، هه شه میز، شیان، گهلین، خانه گای گهلین، شاره کی بیجار. (مؤلف) این گیاه، علاوه بر کردستان، در محل های زیر هم می روید: کوه های شمال تهران، کرج، کندوان، آستارا، ارسباران. (فلورایران - قهرمان).

گیا قه تران:

Adiantum capillus - veneris

پرسیاوشان، پرسیاوش. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای زه شنش، سوورکه ول و زونج آن را «گیا قه تران» گویند و در هوزامان و گلپه آن را «قه یتران» می نامند. نگا: قه یتران * در طب سنتی، دم کرده این گیاه را برای دفع سنگ کلیه به کار می برند. (مؤلف)

گیا قه یتران: پرسیاوش. نگا: گیاه قه تران.

گیاکام (گول سپی):

Linum album

کشان سفید. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را «کام» هم گویند. ارتفاع آن حدود ۴۵ سانتی متر است.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: میهم، مجید آباد، نعمت آباد، ولی آباد، بدر و پریشان (از توابع قروه هستند)، آریز، جاده سربناو تنگی سر، نزاز،

گیاه کر مه: نگا: کر مه کوژه. (مو)
 گیاه کزینک: گیاهی است که سوزنده است. (مو)
 گیاه کلکه وانه: گیاهی است که در روستای
 خواشت از توابع سندج، به این نام خوانده
 می شود. نگا: گوله حاجیانه. (مو)
 گیاه کندر: کنف، کنب. گیاهی است. (رو، هه)
 گیاه کوریشک: گیاهی است. (هه)
 گیاه کول: گیاهی است که در روستای نراز با
 این نام نامیده می شود. نگا: پسله که و له
 گیاه کولکنه: گیاهی است. نگا: گول که وو.
 (مو)

گیاه کولکنه: گیاهی است دارویی. (هه)
 گیاه کولکنه: گیاهی است از رستنی های
 کردستان که در زوانسر به این نام خوانده
 می شود * در طب سنتی تمام گیاه را خرد
 کرده و در آب پخته و آنقدر روی حرارت نگه
 میدارند تا کمی سفت شود بعد آن را روی
 «والامنه» می مالند تا آن را مداوا نماید. (مو)
 گیاه کولیه: گیاهی است که در روستای
 قه بغلو وجه می روید و در این روستا آن را «گیا
 کولیه» گویند. (مو)

گیاه کوهله که: *Valerianella alliarifolia*
 نگا: گه لا میوان. (مو)
 گیاه که تان: کتان وحشی، بزرک. نگا: که تان. (مو)
 گیاه که تک: نگا: گیا کتک
 گیاه که فه: گیاهی است دارای برگهای ریز
 روی زمین پهن می شود و مثل صابون کف
 می کند. (رو)

گیاه که فه: نگا: نه سپون. (هه)
 گیاه که لکه وانه: گیاهی است که در روستای
 خواشت به این نام خوانده می شود. نگا: گوله
 حاجیانه

تکیه، هشمیز، خورخوره سقز، کرجو،
 صلوات آباد سندج، زه نان، سه یف ناوای
 سه قز، گهلین، خانه گای گهلین، ناویر، ناره نان،
 نه چه فاوا، کوله ساره، کورکوره، که و له، کول و
 دوزه هره، ته نگی وهر، چالابی بیجار،
 دوله زهش مابین دول، زهره و ان، سه لواتاوای
 بیجار، سه رشیوی سه قز، زه شنهش،
 نه و ته نگ، هه شه میز، شیان، ته وریوهر،
 زوانسر، پاوه، کول، سه رشیوی مریوان،
 گهرده تهی خان، زینگه ی بانه - سه ردهشت،
 زینگه ی سه ردهشت - شنق، زینگه ی سه ردهشت
 - مه هاباد، زینگه ی بووکان - مه هاباد، شاره کی
 بیجار، هویه، سه رهویه * در طب سنتی تمام
 گیاه و گل آن را می کوبند و تخم مرغ با آن
 مخلوط می کنند و آن را روی پارچه ای تمیز
 می مالند و روی محل شکسته شده اعضا
 بدن می گذارند، آن را بهبود و التیام
 می بخشد. (مو)

گیاکام (گول زهره):

Linum mucronatum

کتان زرد. گیاهی است از رستنی های کردستان.
 محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
 مشاهده نمودم: بیجار، کوه های نیر، گهلین،
 خانه گای گهلین، سنان سه ر به ره و نیر، به ینی
 میراو و نیر. (مو، مظفریان)
 گیاه کام: کتان وحشی. گیاهی است از
 رستنی های کردستان که در روستاهای
 دهره قووله و سه یفاوا از توابع سقز به این نام
 خوانده می شود. نگا: که تان. (مو)
 گیاه کتک: علف گریه، سنبل الطیب. گیاهی
 است که گریه بوی آن را دوست دارد. (هه)
 گیاه کر مولا: گیاهی است علفی. (هه)

گیا که لوه: گیاهی از رستنی‌های کردستان. (مو)

گیا که له: نگا: کتیر که له‌گا

گیا که له شیر: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان دارای گل‌هایی در رنگ‌های زرد، سرخ

و سفید. (مو)

گیا که واویی: گیاهی است. (مو)

گیا که وگه: نگا: گول کوو

گیا که وله: ۱- گیاهی است که قبل از تمام

گیاهان سبز می‌شود و قبل از همه زرد

می‌شود. (هه) ۲- گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که بعضاً آن را «گیا چل روزه» هم

گویند. (مو) ۳- گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در طب سنتی دانه‌های آن را مثل

شاف استفاده می‌کنند و شخص را اسهال

نموده و به او لیت مزاج می‌دهد. (مو)

گیا که وله‌ی دانداز: گیاهی است دارویی

که برای درمان بواسیر مفید است، از

رستنی‌های کردستان است. (مو)

گیا که وله‌ی گولدار: گیاهی است دارویی

و از رستنی‌های کردستان. (مو)

گیا که وو: نگا: گول که وو

گیا که وه: نگا: گول که وو

گیا گرده: گیاهی است که در روستای

که که وسان، به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گیا گیلنکه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان، حیوانات که آن را بخورند دچار

سرگیجه می‌شوند و تا چند ساعتی این

سرگیجه را دارند. (مو)

گیا گرینچک: گیاه هفت بند. (هه)

گیا گوپال: تاتوره. نگا: تاتوله

گیا گول بوزه: گیاهی است که در چهل

چشمه و بعضی جاهای دیگر رویش دارد. (مو)

گیا گول زهرد: گیاهی است که در کۆرکۆره

به این نام خوانده می‌شود. نگا: زه زنیقه. (مو)

گیا گول شویت: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان. (مو)

گیا گول که وو: نگا: گول که وو. (مو)

گیا گوله‌ک: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان. (مو)

گیا گه زوک: گهنه. نگا: گهنه

گیا گه سک: گیاه جارو. آن را «گیا گیزک، گیا

گزگ» هم گویند. (هه، مو)

گیا گه ناو: داتوره. گیاهی است که آن را

«تاتوله، گه ناو، گیابۆه‌نکه، گیابۆه‌گه‌نه» نیز

گویند. نگا: تاتوله. (مه، مو)

گیا گه نم: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که اهالی روستای حسن آباد واقع در

حومه سنندج آن را به این نام می‌نامند. در

بعضی جاها آن را «گه نم گیا» گویند. (مو)

گیا گه نمه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که آن را «گه نمه» هم گویند. نگا:

گهنه

گیا گه نمینه: گیاهی است که در روستای

کۆرکۆره، به این نام خوانده می‌شود. (مو)

گیا گه ون: *Astragalus mollis*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان. آن را

مشاهده نمودم. (مو، مظفریان)

گیا گیزک: گیاه جارو. (هه)

گیا گیسک: گیاهی است. (هه)

گیا گیلنه: گیاهی است. نگا: گیا شله

گیا لاڤا: نگا: به زه‌زا

گیا لاوه: نگا: به زه‌زا. (رو، هه)

گیا لیلوق: *Muscari*

گونه‌ای موسکاریا است که در اغلب جاها

گیاه مامیله: نگا: گیاه ده‌رمانه. (مه)
 گیاه مانگه: ناخنک. (مه)
 گیاه مایه‌سیری:

Pimpinella tragium. sp

جعفری کسوی زاگرسی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای حاجی‌ثه‌ول از توابع منطقه سرشیو سقز، آن را «گیاه مایه‌سیری» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: حاجی‌ثه‌ول، هه‌رمی دۆل. (مؤلف)

گیاه مسک: گیاهی است خوشبو. (هه)
 گیاه مه‌زانه: گیاهی است در اطراف ثاربه‌با، آن را با این نام و با نام «گوئی به‌رخه» می‌شناسند. نگا: گوشت به‌رخیه. (مو)

Scrophularia CF گیاه مه‌لهم:

مخلصه، ورک دشتی. گیاهی پایا و شبه‌بوته * جوشانده آن بقول شیخ‌الرئیس، با برگ‌بُنه و برگ بلوط و بارهنگ بطوریکه مثل رب غلیظ شود تولید ملهم سیاه‌رنگی می‌کند که مالیدن آن برای هر نوع زخم چه عفونی و چه عادی مفید و مجرب است. مخلصه را با تاجریزی جوشانده و با سرکه مخلوط کرده تا غلیظ شود و با مالیدن آن به محل استخوان درد و محل ورم ساق پا، درد و ورم مرتفع می‌گردد. جوشانده آن با تاجریزی علاج ورم و خونریزی معده می‌نماید و برای تقویت عمومی بدن هم به‌کار می‌رود. (دا)

گیاه مه‌لهم: گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 گیاه مه‌له‌گه‌وی: گیاهی است که در شاری هه‌ورامان، به این نام خوانده می‌شود. نگا:

می‌روید و در روستای ره‌شته‌ش، آن را «گیاه لیلق، گیاه لیلقه» گویند. (مو)
 گیاه لیلقه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. نگا: گیاه لیلق. (مو)

گیاه لیمو: گیاهی است خوشبو که بوی شبیه بوی لیمو است. نگا: ترنجۆك. (رو)
 گیاه مار: گیاهی است پادزهر نیش‌مار. (هه)
Polygonum گیاه مارانه:

هفت بند، علف هفت بند. گیاهی است از تیره پولی‌گوناسه.

محل رویش - این گیاه را در باغی که پشت خانه شیخ محمد در روستای سوورکه‌دۆل واقع است مشاهده نمودم * در طب سنتی، این گیاه را برای درمان مارگزیدگی بکار می‌برند، نخست گیاه را با گلهای آن می‌کوبند و کمی گرم می‌کنند و روی محل مارگزیدگی می‌گذارند. (مو)

گیاه ماست: گیاهی است * برای درمان سنگ کلیه و ناراحتی‌های کلیه مفید است. این گیاه در سلیمانیه واقع در کردستان عراق می‌روید. (رو)

Ranunculus گیاه ماسه:
 آلاله. نگا: گۆل ماس. (مو)

گیاه مافه‌ته: گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 گیاه مافه‌زکه: گیاهی است که در کوه‌های به‌ورو پهریشان قروه می‌روید و در قروه و دور و بر این کوه‌ها با نام «گیاه مافه‌زکه» خوانده می‌شود. این گیاه معطر است و شبیه پونه است. (مو). این گیاه در کانی شاه‌سه‌سند قروه رویش فراوانی دارد. «مافه‌زه» هم گویند. نگا: مافه‌زه

گیا وه ردینه: قدومه دیواری. نگا: وه ردینه.
 گیا وه ردینه کیفی: نگا: وه ردینه کیفی.
 گیا وه زربه: (هه ورام): نگا: گیا زربه. (مو)
 گیا هووینک: گیاهی است دارویی. (هه)
 گیا هه لاهه: گیاهی است. نگا: هه لاهه. (مو)
 گیا هه لاهه: که تان، گیا که تان. (دا)
 گیا هه وین: علف شیر، علف پنیر. آن را
 «گیای ماست، رونیاس کیتی» هم گویند. نگا:
 نامیان په نیر. (مهه مو)
 گیای بیژان: نگا: بیژان
 گیای چه قچه قه: نگا: چه قچه قه. (مو)
 گیای حه سن و حوسه یین: نگا: هه لاله
 برمه. (مو)
 گیای کاردوو: نگا: کاردوو
 گیای کنیر: نگا: کنیرۆک
 گیای کووز: علف چشمه، ترتیزک آبی. نگا:
 کووزله
 گیای گوت گوت: گیاهی است از
 رستنی های کردستان. (مو)
 گیای لۆکه: نگا: په موو
 گیای ماست: نگا: گیا هه وین
 گیرچ - گیسچ: زالزالک. نگا: گوپۆ. (علیر)
 گیراز: آلبالوی کومی. نگا: بلالوکه کیتفیه.
 (مو، هه)
 گیرچ: زالزالک. نگا: گوپۆ. (هه، له ک)
 گیرسک: گلای و حشی. نگا: کورۆسک
 گیز: گردو. نگا: گوپۆ. (هه، ابرا)
 گیز: گردو. نگا: گوپۆ. (هه)
 گیز به لۆک: نوعی شنگ است. (هه)
 گیز به له: گیاهی است. نگا: ئاله کۆک. (هه)
 گیزرکه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)
 گیزک: لفل. نگا: بیبار. (هه)

مالۆچه، مه له گهوه. (مو)
 گیا مه لیچک: گیاهی است. (مو)
 گیا میرووله: کتان. نگا: که تان. (دا)
 گیامیش: ۱- گیاهی است از رستنی های
 کردستان. (مو، هه) ۲- گل داودی. (هه)
 گیا میشووله: گیاهی است که برای
 بسته بندی علف به کار می رود. (هه)
 گیا نانه شان: پنیرک. گیاهی است که در
 روستای خواشت از توابع سنندج به این نام
 خوانده می شود. نگا: په په چه ووه. (مو)
گیانگیر: Aethusa cynapium
 شوکران صغیر. گیاهی سمی و دافع حشرات
 مزاحم که خوردن آن توسط انسان یا جانوران
 دیگر باعث مرگ زودرس می گردد *
 جالینوس میگوید اگر گیاه شوکران را با گل
 ارمنی جوشانده و بر محل گاز حیوانات و
 مار گزیده بمالیم دفع سم و ورم می نماید. در
 کتاب تقویم الابدان آمده است که اگر این گیاه
 را با موی بُز و گیاه تاجریزی بجوشانیم تا
 غلیظ شده و مثل رُب گردد و بر محل سودا
 (اکزما) بمالیم بی نهایت مفید و نافع است.
 این گیاه را «کرمه کوژ» نیز گویند. (دا)
 گیانوشته: کیسه کشیش. نگا: قجی. (مهه)
 گیا نه وروژه: گونه ای زنبق است.
 محل رویش - چهل چشمه. (مو)
 گیا و آله مه ن: گیاهی است از رستنی های
 کردستان که آن را خشک می کنند و با ماست
 مخلوط کرده روی زخم می مالند. (مو)
 گیاوه په ترۆکه: گیاهی است از رستنی های
 کردستان. (مو)
 گیاوه حه شانه: (هه ورام): جای کومی.
 نگا: گول که وو. (مو)

که در بسیاری از کوههای کردستان می‌روید و آن را «گیلاخه، گیلخه، گیلخ» می‌نامند. محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: وه‌زورا، کوزه میانه، دهره‌ن دزلی، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، حه‌سه‌ناوای سته، سه‌لواتاوا، کوزکوره، نیبرایم ناوای سته، ره‌شسته‌ش. گونه‌ای دیگر این گیاه که گل‌هایش تقریباً شبیه گل گیلاخه است در بسیاری جاها از جمله رشنش، میانه، زونج، زه‌نان، کوزسالان، چل‌چه‌مه، رویش دارد. این گیاه را می‌پزند و با روغن و تخم‌مرغ سرخ می‌کنند و می‌خورند. از این گیاه خورش هم درست می‌کنند. توجه: خوردن آب پس از خوردن گیلاخه یا خورش آن خوب نیست * این گیاه ملین طبع، سریع‌الضم و کم‌نفخ است، آب پخته آن مسهل اخلاط سوداوی است و خارج‌کننده کرم معده است. طبع آن را با ماست و فلفل و نمک می‌خورند. مقوی دل و جگر است. در بعضی منابع، معنی و معادل فارسی آن را «گل آقا - گلاخه» نوشته‌اند. (مو، رو، معر، من جفکر)

گیلاخه: گیاهی است خورشی. نگا: گیلاخه. (مو، هه، گژ)

گیلاس: *Cerasus avium*

گیلاس. درختی است که آن را در کردی با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گیلاس، گیللاس، گه‌لازه». له‌کی: گیللاس. میوه و درخت را با این نام‌ها می‌خوانند. (مو، هه، له‌ک)

گیلاس: گیللاس. نگا: گیللاس

گیلاسی کیفی: گیللاس وحشی

گیلانه: نوعی گندم است. (رو)

گیلبرانه: گیاهی است که در بهاران پیش از

گیزره: هویج. نگا: گوزه. (علیر)

گیزره: ۱- هویج. نگا: گوزه ۲- گیاهی است با ساقه سپید و گل بنفش و از رستنی‌های کردستان ۳- در بعضی جاها به گیاه «سینه‌د» هم گفته می‌شود. نگا: سینه‌د.

(رو، هه، مو، ابراه، گژ، مه، نادر)

گیزیر: هویج. نگا: گیزره. (له‌ک)

گیزه‌ره: گیاهی است مسهل. (هه)

گیزوگوئلن: گیاهی است که در شامو می‌روید و در لون سادات به این نام خوانده می‌شود. بنظرم یا کاله‌که مارانه است یا میوه مارانه. (مو)

گیزره مشکانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان، در داخل مزارع، زمین‌ها و دشتها می‌روید «گیایه‌که له‌ناو زه‌وی و زاره‌کانا نه‌زوی» گلش سفید است، نیم متر از زمین بلند می‌شود، پیازش به اندازه حدود یک مازو است. در روستای قوئلوی سه‌قز، آن را «گیزره مشکانه» گویند. در بعضی جاها آن را «گه‌زروه»، باده‌می ژیره‌رزه» گویند. در قوئلوی میره‌دی و مه‌لبه‌ندی خورخوزه می‌روید. (مو، گژ، رو)

گیزلوك: گیاهی است. (هه)

گیزنوك: کلی است. (هه)

گیزوك: ۱- زالزالک ۲- درخت زالزالک. نگا: گوژ. (هه)

گیزه‌گه‌ون: نوعی از گون است که آن را «گه‌ون جه‌باری» هم گویند.

محل رویش - در شامو می‌روید. (مو)

گیزه‌له: زالزالک. نگا: گوژ. (هه)

گیلاخه: *Ornithogalum*

شیرمرغ. گیاهی است از رستنی‌های کردستان

هر گیاه دیگر می‌روید. (هه)

گیلک: گیاهی است دارای ماده چسبنده.

گینه‌خ: گیاهی است خورشی. نگا: گیلاخه

گینه‌دل: نگا: گیادانه

گینه‌ل: نگا: گیادانه

گینۆ: *Eremostachys lacinata*

سنبل بیابانی پاره برگ. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که تقریباً به حد وفور یافت می‌شود. برگهایش دارای بریدگی عمیق است و ارتفاع ساقه‌اش حدود ۱۴۳ سانتی‌متر است. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «گینۆ، گینۆ، گینۆ، زه‌رتک، گیاره‌رتک»

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاره‌کی بیجار، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، ریگه‌ی قورو - بیجار، ره‌شنه‌ش، گهلین، خانه‌گای گهلین، ته‌خته، گهرده‌نه‌ی سه‌لواتاوا، ویره، کوزه‌میانه، ریگه‌ی سنه - دیوانده‌ره، خوزخوزه‌ی سه‌قز، ریگه‌ی میره‌دئی - پیرعومهران، نه‌که‌رۆز، پیرعومهران، ژالانه، قه‌لای حه‌سه‌ناوا، ریگه‌ی سه‌قز - بانه، ریگه‌ی بانه - سهرده‌شت، ریگه‌ی سهرده‌شت - پیرانشار، ناویر، ته‌نگی‌وه‌ر، ریگه‌ی بیجار - کوزانی، که‌رجۆ، هه‌شه‌میز، په‌نجه‌عه‌لی، که‌وبگار، ناریز، دزله، زۆنج، بنیر، باقلاوا، شیخ‌حسین، ریگه‌ی سهرناو - ته‌نگی‌سهر، ریگه‌ی سنه - که‌زه‌سی - هه‌شه‌میز، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، چل‌چه‌مه، قه‌لقوله‌ی میره‌دئی، هه‌والان، که‌وله، کۆل، دهره‌ویان، فازس، گلپه، ناره‌نان، کۆرکۆره، ئیبرایم‌ئاوا، سنه، شاهۆ، کۆسالان، که‌وبگار، هه‌والان،

سولتان‌نه‌حمه‌د، زه‌نان، بلچه‌سوور، قه‌له‌به‌رد، هه‌شه‌میز، شیان، ته‌کیه، سه‌لواتاوا، سنه، نیاوا، چه‌م دهره‌زه‌نجیر، سالیان، روانسهر، پاوه، به‌ینی نه‌سحابو‌که‌وله، ریگه‌ی مه‌هاباد - بووکان، کۆرکۆره و ئیبرایم‌ئاوا از توابع سنندج. (مو، معر، له‌ک، هه)

گینۆ: *Eremostachys macrophylla*

سنبل بیابانی. گونه‌ای دیگر است که در کردستان رویش دارد. دارای برگهای دنداندار و برگهای میانی تقریباً گرد است. نگا: گونه دیگر این گیاه که شرح داده شده است. (مو، معر، مظ)

گینۆ: (له‌ک): سنبل بیابانی. نگا: گینۆ

گینۆ - گینۆ: گیاهی است که در روستای حسن‌آباد واقع در ۵ کیلومتری سنندج به این نام خوانده می‌شود. هه‌ژار آن را به صورت «گینۆ» ثبت نموده است. نگا: گینۆ

گینۆ: گیاهی است. نگا: گینۆ

گینگۆ: گیاهی است. نگا: گینۆ

گینه: کرچک. نگا: گهرچه‌ک

گینی: گۆن. نگا: گه‌ؤن

گیواو پیره‌ژن: *Salvia sp*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - آن را در کۆسالان، دهره‌بن دزلی و بین نگل و قه‌لاجی مشاهده نمودم. این گیاه را اهالی روستای ژیار «گیواو پیره‌ژن» گویند و بعضیها آن را «ریواو پیره‌ژنی» می‌نامند. (مو) گیواو واشیزه: (هه‌ورام): گیاهی است که در هه‌ورامان به این نام خوانده می‌شود. نگا: واشیزه. (مو)

گیواوه سه‌هوزی: گیاهی است از رستنی‌های کردستان که معطر است آن را در

«ل»

لادهن: لادن، گل لادن. (رو)

لاره: ۱- گیاهی است ۲- نوعی گندم است
لازوویت: ۱- بلال، ذرت. نگا: گهنم شامی
۲- ساقه ذرت که در کردی آن را «لاسکی گهنم»
شامی، هم گویند. (هه)

لاس: درختی است جنگلی شبیه درخت سنجدل.

لافلافوک: لبلاب. نگا: لاولاو. (هه)

لافلاف: لبلاب، پیچک. نگا: لاولاو. (هه)

لافلافک: پیچک، لبلاب. نگا: لاولاو. (هه)

لافلافک: (زا): نیلوفر. (ابرا)

لاقوزه: نوعی خربزه است

لاله: گیاهی است. نگا: ره به نۆک. (هه)

لاله عباس: لاله عباسی، گل لاله عباسی. این
گیاه را در کردستان، با نام های زیر، می نامند
و می شناسند: «لاله عباس، لاله عباسی، لاله
عباسی، لاله عباسی، لاله عباسی، لاله
عباسی». (رو، مو، هه، ابرا)

لاله عباسی: گل لاله عباسی. نگا: لاله عباس

لاله عباس: گلی است پرورش داده شده که اغلب

در باغچه و پارکها کاشته می شود. نگا: لاله عباس

لاله عباسی: نگا: لاله عباس

لاله عباس: گل لاله عباسی. نگا: لاله عباس

لاله نگی: نارنگی، میوه است. (هه)

لانه: کلم. نگا: کله رم. (هه)

لاولاو: پیچک، لولو، گل شیپوری، لبلاب. به

عربی: عشقه. این واژه، در منابع ادبی کردی و

فرهنگها، هم به معنی پیچک، لبلاب و هم به

معنی نیلوفر به کار رفته است ولی غالباً به

معنی پیچک و لبلاب است. این گیاه را در

گردنه ژالانه و دیگر جاهای هه ورامان
مشاهده نمودم و در هه ورامان با نام های
«گیواوه سه وزی، ده رمانه سه وزه، سه وزه گیا»
آن را می نامند و می شناسند * در طب سنتی
هه ورامان آن را می کوبند و روی محل
گزیدگی کژدم «دماره کۆل» می گذارند و موثر
و مفید خواهد بود. (مو)

گیواوه کهوله: گیاهی است از رستنی های
کردستان. نگا: گیا کهوله

گیواوه مروچه: کتان وحشی. نگا: که تان.
(دا)

گیواوه نانه شان - گلاپه ژم:

Rosmarinus officinalis

رزماري، اکلیل الجبل. گیاهی است
درختچه ای با برگ های سوزنی و گل های آبی و
خوشبو. بومی مدیترانه. نیم تا یک متر
ارتفاع دارد * این گیاه حاوی تانن و اسانس
است. جوشانده گلها و برگ های آن (هر بار ۵ گرم
در ۲ لیوان آب) و خوردن آب آن ادراآور قوی
است، اشتهاآور و دافع صفرا است و برای دفع
میگرن و رماتیسم و تقویت حافظه و بیماری های
عصبی و درد معده و روده مفید دانسته شده است
همچنین این جوشانده برای شستشو و
ضد عفونی کردن زخمها استفاده می شود. (دا)

گیوج: (قه سری): زالزالک، نگا: گویژ

گینوژ: زالزالک. نگا: گویژ

گینوژه: زالزالک. نگا: گویژ

گینوژه زه رده: زالزالک زرد. نگا: گویژه

زه رده

گینوژه سووره: زالزالک قرمز. نگا: گویژه

سووره

گینووژ: زالزالک. نگا: گویژ.

کردی با نام های زیر، می نامند و می شناسند:
«لاولار، لهولار، لافلافك، لافلافك، لافلافك،
لافلافك، لافلافك، گولی سهرکیش».

«پیچیان بسو له یه كه وه كو دوو لاوولو
جوت بوونو به تاق ده هاتنه بهرچاو»
(کر، رو، مو، مەم، گز، ابرا، من با، هه)

Convolvulus

لاولار:

پیچک. این جنس در ایران نزدیک به ۴۵ گونه
دارد. (مظ، مو)

لاولار: گیاهی است که در قلقله میرده به
این نام خوانده می شود. نگا: مالوچ. (مو)

لاولاره: پیچک. نگا: لاوولو

لاوه: گیاهی است خودرو. (علیر)

لاوین: درختی است شبیه نوعی بید که آن را
در عیسی کند و سه مؤلان بدان نام می خوانند.
از آن سبد و غیره تهیه می کنند. بعضی آن را
نوعی بید می دانند. (مو)

لز: گیاهی است ستمی. (هه)

لفکه شامی: گیاهی است به جای لیف
حمام به کار آید. (هه، رو)

لفلف: گیاهی است با پیازه خوردنی. (هه)

لفد: خاثرینی است بوته ای. (هه)

لفلقی: نوعی انگور است. (هه)

لنه بهرزه: گیاهی است. (مو)

لو: (کرماشانی): جاشیر. نگا: لو

Prangos

لو:

جاشیر. گیاهی است از رستنی های کردستان
که در اکثر کوه ها می روید. دارای انواعی
است از جمله: چه قه لو، زهرده لو، که وه لو،
زه شه لو، خواه شه لو. (مو، هه، من جفکر)

Prangos ferulacea

لو:

جاشیر. گونه معروف و فراوان کردستان است

که بیشتر برای علوفه از آن استفاده می گردد.
بعضی بر این باورند که اگر اسب و مادیان آن
را بخورند چشمشان کبود و نابینا می شود،
مصلح و خنثی کننده آن کف عسل با آب پیاز
است. ارتفاع این گیاه را در کوسالان اندازه
گرفتیم حدود ۱۶۵ سانتی متر بود.

محل رویش - در اکثر جاها - در محل های
زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ناویر، ناریز،
کوسالان، بهورو پدیشان، ریگی که له کان -
بست، نه که رز، پیرعومه ران، گهرده نهی
سهلواتاوا، ره شه نش، سه والان، سولتان
نه حمده، چل چه مه، ژالانه، سلین، بلبر،
که ماله، ژیار، شاری هه ورامان، دۆله زه ش
مایین دۆل، که رجو، هه شه میز، نجی، سالیان،
شه ویه نگ، په تچه عه لی، که وه، کۆل و
دۆزه غهره، خواشت، گواز، کۆرکۆره، بلچه
سور، قه له بهرد، ته کیه، شیان، ته وریوه،
روانسه، پاوه. در ریژاو و نزدیک قصر شیرین
هم می روید. (مو، معر)

Prangos scabra

لو:

جاشیر کردی. (مظ)

Phaseolus

لویا:

لویا. این جنس دارای گونه ها و فرم های
اصلاح شده چندی است که به عنوان یکی از
حبوبات باارزش غذایی و مهم در نقاط
مختلف جهان از جمله ایران و کردستان
کاشته می شوند. این گیاه را در کردستان با
نام های زیر می نامند و می شناسند: «لویا،

لویک، لۆوک، لوبوبی». (مو، هه، ابرا)

لۆپک: لویا. نگا: لویا

لۆتاله: نوعی گیاه «لۆ» است. (گز)

لۆخوه شه: نوعی از گیاه «لۆ» است. (مو)

جراحات و مانع آبله زدن سوختگی آتش است. نگا: په موو

لوكه تاله - گوله شله: گل ابري. (دا)

لوكه كيوي: كنان. نگا: كه تان. (دا)

لوكه نه: گياهي است از رستني هاي كردستان

است، نوعي از انواع «لوك» است كه در بعضي

جاها از جمله روستاي كوركوزده ي سنه و

بعضي از روستاهاي بانه اين گياه را «لوكه نه»

گويند. هه ژاو آن را «لوك سورده» نيز ناميده

است. (مو، گژ، هه)

لولپه: (كر): نيلوفر. نگا: ليلوپه ژ

لولفه: (كر): نيلوفر. نگا: ليلوپه ژ

لولو: گلي است. «گولنيكه». (هه)

لولو - هه لاله: گياهي است خوشبو. (هه)

لولوپه: *iris aucheri*

زنبق كماني. گياهي است از رستنيهاي

كردستان كه در روستاي دهره كئي و زه نان آن را

«لولوپه ژ» گويند و در بست «گوله ته ورژه» و

در بعضي جاها آن را «گول به ياخ» نامند و در

كاني سبي و خورخوزه آن را «گوله گه زيه»

گويند.

محل رويش - در محل هاي زير، اين گياه را

مشاهده نمودم: دهره كئي، بوزيدهر، كوسالان،

چل چمه، نجني، زه شنش، گهرده نه ي

سه لواتاو، كاني سبي، كوزه ميانه، نه كه روزه،

پيرعوميران، سولتان نه حمه، گهرده نه ي

ماموخ، خورخوزه ي سه قز، وي سهر، سليين،

بلبهر، كه ماله، شاري هه ورامان، ژيوار،

پالنگان، شاهزي وي زيره، ته نكي وه، كه رجو،

هه شه ميتو، دوله زهش مابين دول، قهله بورد،

بلچه سور، پاوه، دهره ويان قازس، كوچك

چنار، شيان. (مؤلف) در محل هاي زير هم

لور: درختي است كه در كنار رودخانه ها

مي رويد. ريشه هاي آن دارويي است. (رو، كه)

لوراسي: ۱- هندوانه دراز، نوعي هندوانه

دراز ۲- نوعي كدوي دراز. (رو، ابر، هه)

لورك: خرزمره. نگا: ژاله

لوركوژ: نوعي انگور است. آن را «لوركوژ»

هم گويند. (هه)

لوركوژ: نوعي انگور سياه رنگ و با هسته

و كم آب است. نگا: لوركوژ. (لهك، هه)

لورياسي: هندوانه دراز. نگا: لوراسي. (هه)

لوس: گياهي است كه در هه ورامان و ژيوار،

به اين نام خوانده مي شود. نگا: تالي توز. (مو)

لوسوره: گياهي برگ سوزني و سمي. (هه)

لوسور: نوعي گياه «لوك» است كه در قلقله

ميره ده، به اين نام خوانده مي شود. (مو)

لوسه كه: گياهي است كه بيخ آن مثل بيخ

(هه لهك) است و بيخ آن خوردني است.

(رو، هه)

لوسي: گياهي است كه در روستاي ژيوار از

توابع هه ورامان به اين نام خوانده مي شود.

نگا: تالي توز. (مو)

لوش: گياهي است خوشبو.

لوشمه: گياهي است از رستني هاي

كردستان. آن را «لوشمه» هم گويند. (هه، رو)

لوشه: گياهي است. نگا: پس، لوشه

لوشه كره: نوعي از گياه «لوك» است. (گژ)

لوشين: نوعي از گياه «لوك» است كه در قلقله

ميره ده به اين نام خوانده مي شود. (مو)

لوشينه: گياهي از رستني هاي كردستان.

لوك: پنبه. نگا: په موو

لوكه: پنبه. در عربي آن را قطن گويند *

سوخته آن محلل اورام و قاطع خون

می‌روید: دره قاسملو، شاهین دژ، بین همدان و سنندج. (فلور ایران)

لولوفه: گیاهی است که در دهره‌ویان فارس به این نام خوانده می‌شود. (مو)

لولوبی: لوبیا. نگا: لوبیا

لولوته‌وانه:

Tripleurospermum disciforme

بابونه کاذب. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی جاها آن را «لولوته‌وانه»، در روستای کۆل و بعضی از روستاهای بیجار و روستای خهرکه و ره‌شنه‌ش و بلچه‌سور آن را «بزنه ریشه» گویند. آن را «زَره بیژان» هم گویند. این گیاه در جاهای مرطوب و کنار آبها می‌روید و تا حدود ۱۷۵ سانتی‌متر ارتفاع دارد.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: رامۆل، خورخوزه‌ی سه‌قز، ریگه‌ی میره‌دی - پیرهمه‌ران، کۆل و دۆزه‌غره، شاره‌کی بیجار، ریگه‌ی که‌وله - کۆل، ریگه‌ی بیجار - تیکاب، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، زه‌رده‌وان، ره‌شنه‌ش، به‌ورو پهریشان، ناریز، گلپه، دزله، زۆنج، باتلاوی شیخ‌حسین، خواشت، ریگه‌ی که‌له‌کان، بست، خهرکه، سرشیوی مریوان، بلچه‌سور، هه‌زار کانیان، سولتان‌ئه‌حمده، هه‌والان، کۆله‌ساره، پاره. (مؤلف)

Anchusa لولوته‌وانه:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستای رشنش بنام «لولوته‌وانه» خوانده می‌شود. این گیاه نوعی «گۆزروان» است. نگا: گۆزروان. (مو)

لوور: خرزهره. درختچه‌ای است که در

کردستان، آن را با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «لوور، ژاله، لووژک، روول، قوژانک، لویز، لۆژک، که‌رکۆژ، روولک، ریل». نگا: ژاله. (هه، رو، ابرا)

لووژک: (با): خرزهره. نگا: ژاله

لووشکه: گیاهی است که در روستای ژیوار از توابع هه‌ورمان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

لووشمه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو). نگا: لۆشمه. (رو)

Allium لولوشه:

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «لولوشه، پسل، کۆل، گیا دۆخوا، گیا‌دۆخه‌وا، لۆشه، کوول». در مریوان آن را «پسل» و در خورخوزه‌ی سه‌قز و سه‌قز آن را «لولوشه» گویند. لولوشه چند نوع است از جمله: لولوشه‌خاسه، لولوشه‌کوره، لولوشه‌شینه، لولوشه‌گوزگانه. این گیاه را بیشتر در داخل آش می‌ریزند و می‌خورند، آن را قطعه قطعه کرده و داخل دوغبا «دۆکلیتو» می‌ریزند و پس از آماده شدن آن را می‌خورند.

محل رویش - این گیاه در بسیاری از کوه‌های کردستان می‌روید از جمله: کوه‌های سقز، بانه، مریوان، قه‌لآته زه‌ش، تۆسی‌واره، روستای بایی‌دهر، سولتان‌ئه‌حمده، کوچکه‌سور، کۆسالان، چل‌چه‌مه، کۆل و دۆزه‌غره، ره‌شنه‌ش، پاره. (مو، رو، گۆ، هه)

Allium haemanthoides لولوشه:

گیاهی است که آن را «پسل، لوش، کۆل» هم گویند. گونه‌ای از گیاه «پسل» است. (رو، که)

Allium colchicifolium لولوشه:

گیاهی است از رستنی‌های کرمانشاه که در

محل های زیر می روید: کرمانشاه، هرسین،
کوه شاهریز هرسین، ارتفاعات باباجیران،
کوه ماکوان، کوه شاهر. (معص)
لووشه گورگانه: گیاهی است که در قلقله
میرهده به این نام خوانده می شود. در جاهای
دیگر آن را «پسله که وه له» گویند. در بعضی
جاها آن را «سیری کیتی» نامند. در سقز این
گیاه را «لووشه گورگانه» گویند. نوعی از گیاه
لووشه است. (مو)

لوؤك: لوبیا. نگا: لوبیا

لووکه: (لهك): پنبه. نگا: لؤكه

لوولك: خرزهره. نگا: ژاله

لوویشك: گیاهی است. نگا: لووشه

لؤه بؤگه نه: گیاهی است که در قلقله میرهده
به این نام خوانده می شود. نوعی از گیاه «لؤ»
است که به این نام خوانده می شود. (مو)

لوویر: خرزهره. نگا: ژاله

له باده گهؤن: نوعی از گهؤن است که در
رشنش به این نام خوانده می شود. (مو)

له بان: لهوان: گیاهی است که حصیر از آن
درست می کنند، نوعی از نی است، گیاه
حصیر. (رو، هه، که)

له بهن: نی. نگا: قامیش. (هه)

له رزانکه: گیاهی است. (مو)

له قهن: نوعی نی باریک. (هه)

له قهل: نی. نگا: قامیش. (هه)

لهق لهقه: نوعی ریواس. (هه)

لهقلهقی: نوعی انگور است. (رو، هه)

له واده گهؤن: نوعی از گون است. نگا:

له باده گهؤن. (مو)

لهوان: جگن. گیاهی است از رستنی های
کردستان. «جهگن، گیایه کی لاسک سن سوچه

له زه لکاواده ژوی». (مو، هه)

له ولالو: پیچک، لبلاب. عشقه. نگا: لالوالو

له ولالو کیفی: گیاهی است از رستنی های
کردستان که خرگوش آن را دوست دارد و در
بعضی جاها آن را به نام خوراک خرگوش
می شناسند. (مو)

له ولالوی داریسی: پیچک دیواری. نگا:
دارچه سپ. (امینی)

له ولالوی کیفی: نگا: له ولالو کیفی

له ولالوی کیتی: نگا: له ولالو کیفی. (مو)

له وهن: ۱- نی ۲- نی نازک. (هه)

له وهنده: گیاهی است خوشبو. (هه)

له هانه: کلم. نگا: که لهرم

له ههن: کلم. نگا: که لهرم

له یلاق: درختچه ای است. (هه)

له یلانك: زنبق. نگا: زه مهق

له یلانؤك: گلی است به رنگ صورتی تیره. (هه)

له یلوویره: نیلوفر. نگا: لیلوپه ژ. (ابراهیم)

لیرا: شاه تره. نگا: شاته ژ. (هه)

لیشری: (هه ورام): نگا: قازیاخه. (ابراهیم)

لیشری: گیاهی است آبی. نگا: قازیاخه. (هه)

لیفه شره: *Salvia multicaulis*

= *Salvia bodeana*

= *Salvia acetabulosa*

مریم گلی ارغوانی، مریم گلی پرساقه. گیاهی
است از رستنی های کردستان که آن را در ریشه شش
و بعضی جاها دیگر «لیفه شره» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: ههوالان، سهلواتاوای سته،
بهورو پهریشان، ره شنه ش، گهلین، خانه گای
گهلین، ناویره، نشور، دؤلاو، سولتان نه حمده،
کدل هه مرو، ناریز، دژله، زونج، باقلاوای

Citrus

لیمو:

لیمو، درختی است. در دهره شهر از توابع ایلام پرورش داده می شود. (مو، رو، ابرا) لیموی ترش:

Citrus medica.var.cedrata

لیموترش. (مظ)

Citrus aurantifolia

لیموی ترش:

لیموترش، لیموعمانی. «لیموترش». (مو، رو، ابرا)

Citrus limon

لیموی شیرین:

= Citrus medica.var.lumia

لیمو شیرین. (مو، رو، مظ)

« م »

مار پی چووک: بهمن پیچ. (مه)

مارجو: عدس. نگا: نیسک

Asparagus

مارچیتوه:

مارچوبه. این گیاه را «گیامارانه، گهوله زه، ماره گیره» نیز گویند. که مال، لاتین آن را (Asparagus) نوشته است. (هه، دا، رو، که)

ماردوس: رازیانه

مارژی: عدس. نگا: مارجو. (هه)

مارکووز: گیاهی است شبیه «کوزله» و غالباً با آن سبز می شود، این گیاه خوردنی نیست. نگا: کوزه ماسه. (مو)

مارکوژه - هه لای هه ل: شوکران کبیر. (دا)

مارگره: نگا: مارچیتوه. (هه)

Capparis spinosa

مارگیر:

کبیر، کبور، علف مار. گیاهی است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر،

شیخ حسین، بنیر، ریگهی سهرناو - تهنگی سر، نزاز، سهرشیوی سه قز، وتره زهوی، شهویه نگ، زه نان، مه لکشان، تووارمه لا، که له کان، مله ی تهیتور، بلچه سوور، شیان، ته کیه، هه شه میز، روانسر، پاره، روستای قه یسه از توابع بیجار. (مؤلف)

لیفه شمره: گیاهی است که حدود ۹۲ سانتی متر ارتفاع دارد، گلهایش بنفش کم رنگ است و در روستای مه لکشان به این نام خوانده می شود. نگا: کاسه شور گول فواره یی. (مو)

لیلاقلک: پیچک، لبلاب. نگا: لاولو

لیلاقلک: (با): نیلوفر، لبلاب. (ابرا)

لیلاقلک: نگا: لاولو. (که)

لیلاک: نوعی نی مخصوص قلم. (هه)

Ipomea

لیلویه ز:

نیلوفر، نیلوفر زینتی. این جنس حدود ۴۰۰ گونه دارد که در اغلب نقاط جهان پراکنده اند. نیلوفر را در کردستان با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «لیلویه ز، له یلویه ز، لولفه ز، لیلوفه ز، لیلویه ز، لیلویه ز، لولپه ز، لیلوفه ز» * مقدار ۸۰۰ گرم از گل های تازه نیلوفر را با ۳ کیلو شکر بجوشانند و صاف کنند و به عنوان شربت به تواتر میل کنند، درمان سردردهای حرارتی، تب های صفراوی، سرفه، سینه پهلو و ذات الریه است. نیلوفر خواب آور است، مانع احتلام و مضر جماع است، مصلحش لبوب است. (رو، هه، من، ابرا، خواص، له ک، کرمانشاهی، مظفریان)

لیلویه ز: نیلوفر. نگا: لیلویه ز. (رو)

لیلوفه ز: نیلوفر. نگا: لیلویه ز

لیلوفه ز: نیلوفر. نگا: لیلویه ز

محل رویش - در کیوی میراجی و در به نه
دزلی آن را مشاهده نمودم. نگا: دار مازو.
(مو، من، هه، صا)

مازی دار: درختی است که در شاری
هه و رامن به این نام خوانده می شود. نگا:
مازوودار. (مو)

مازیو: درخت بلوط بزرگ. «دار به زوی
نه ستور». (هه)

ماساوه: گیاهی است تند مزه. (هه)
ماسریشمه: گیاه سریش. نگا: گیا چریش.
(هه)

ماسی کوژ: گیاهی است که در روستای
نشور به این نام خوانده می شود. (مو)

ماش: ماش، دانه آشی ماش. به عربی میج *
خوردن ماش پخته برای لک و پیسی مفید
است، ماش را با برگش کوبند و شیر هاش را بر
لک و پیسی بمالند مفید است. ضما د آرد آن
برای رفع التهابات سطحی بدن بخصوص
لک و پیسی بکار می رود. ماش کم نفخ،
مولد خلط صالح، قابض و مقوی عصب
است، برای تب زدگان بهترین غذا است،
جهت سرفه، ورم لهای و درد سر مفید است،
قاطع باه و دیر هضم است و مصلح آن در
ضرر باه روغن بادام است. ماش، در دژه شهر
از توابع ایلام کشت می شود. (خوردنیها ص
۱۲۰، من ۹۵، با، هه، لهک، سیما)

ماشک: *Vicia*

۱- ماش ۲- لویا چشم بلبل ۳- نگا: پوژکه.
(مو، معر، ابراه، هه)

ماشه سپی: لویا سفید. (هه)

ماشه سپیلکه: لویا سفید. نگا: ماشه سپی
مافه ته: گیاهی است از رستنی های کردستان

پراکنندگی دارد: سه ریئل زه هاو، گیلانغرب،
قه سری شیرین. (معص) این گیاه را «مارگیره،
شده فله، که بهر» نیز گویند. ثمر و میوه ای دارد
که آن را «شیغه» گویند. (هه، رو)

مارگیره - مارگیره: نگا: مارگیر. (هه، رو)
مارماروشک: گیاهی است که شیر هاش
سمی است. (هه)

مارول: کاهو. نگا: کاهو

مارووه: گیاهی است خوردنی که آن را
«مارپوژک، ماریوه» نیز گویند. (هه)

ماره گیره: نگا: مارچیوه

مارپوژک: نگا: مارووه

ماریوه: نگا: مارووه

مارین: گیاهی است. (هه)

مازو - مازوو: ۱- درخت مازوج. نگا: دار
مازو ۲- یکی از میوه ها و ثمرهای درخت
مازوج است. (مو)

مازوودار: *Quercus infectoria*

درخت مازوج، بلوط حلبی. درختی است از
رستنی های کردستان که آن را «مازوودار،
دارمازو، مازووار، مازوو، داری مازوو، مازی
دار» گویند. این درخت دارای ثمر و میوه
متنوع و زیادی است و بدین جهت در منابع
مختلف بعضی ۱۴ و بعضی ۳۲ نوع ثمر و
میوه برای آن قائلند از جمله: مازوج، ده نوکه
یعنی کشمش گاولیان، سیچکه، قلقات، زشکه،
روسکا یا مازو روسکا، خرنوک، کلکاف،
برامازگ، گله شینگه، همزه به گی، تسقل که آن
را تسقل هم گویند، کول، پانکه، قرکه، پووزه
خووه، قرژاله، نوعی گزانگبین که بر درخت
مازو تولید می شود، مازوتسکه. (البته ممکن
است بعضی از این نامها تکراری باشد).

که در روستای خواشت به این نام نامیده می‌شود. (مو)

مافه‌زه: *Nepeta crispa*

مفرح، پسونه سای مواج. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در «کانی شاه‌سهند» واقع در کوه به‌وروپه‌ریشان می‌روید و در قروه آن را «مافه‌زه» گویند. (مؤلف)

ماکووز: گیاهی است آبزی، شبیه «کوزوله» که در کنار گیاه «کوزوله» می‌روید و در روستای بست، به این نام خوانده می‌شود. نگا: کوزه ماسه. (مو، هه)

ماکوس - ماکوس: نگا: کوزه ماسه. (مو، گز)

ماگه‌ون: نوعی گون است که در روستای زه‌نان به این نام خوانده می‌شود. (مو)

مالوچ: *Convolvulus*

پیچک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در گویشها و مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «مالوچه، مده‌گه‌وه، مالوینچه، مده‌گه‌وی، ماله‌وینچه، ماله‌وینچه، مالوینچه، مالوینچه، مالوچ، مالونچه، مالونچه، مده‌گه‌وی». این گیاه در اغلب جاها در داخل مزارع و دشتها می‌روید و مثل گیاه «لاولاولو» رونده است و گلهایش سفید است. تا حدود ۸۲ سانتی متر ارتفاع دارد. محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: ته‌کیه، هه‌شه‌میو، که‌رجو، تا، سه‌رچی، هه‌نیمن، نیه‌ر، ته‌نگی‌سه‌ر، ریگه‌ی سه‌ربناو - ته‌نگی‌سه‌ر، نزار، کۆله‌ساره، ره‌شنه‌ش، پیرخه‌یران. مه‌ولاناوا، کانی‌سه‌یی، خورخوزه، سه‌یفاوا. (مؤلف، رو، گز، هه، که)

مالوچه: نگا: مالوچ

مالونچه: نگا: مالوچ

مالونچه: نگا: مالوچ

مالونچه: نگا: مالوچ

مالونچه: نگا: مالوچ

ماله‌وینچه: نگا: مالوچ

ماله‌وینچه: نگا: مالوچ

مام برایمه: نوعی انگور است. (رو، هه)

مامجه ژنه: گیاهی است بهاری، برگهایش

شبیه برگ شبت است، دارای گل‌های ریز با

رنگهای زرد و سفید است. (رو، هه، که)

مام جیژنه: گیاهی است خوراکی و از

رستنی‌های کردستان. (مو)

مام زیواس: گیاهی است بهاری و دارویی.

برای دفع کرم و یبوست، یک یا دو دسته از

این گیاه در فصل بهار و در حال ناشتا خورده

می‌شود. (رو، هه)

مام سارمه: نوعی گلابی است. (هه)

ماموته: ۱- نگا: خوشیلك ۲- شیرۀ گیاه

«خوشیلك». (هه)

مامیران: مامیران، گیاه مامیران.

محل رویش - در ایلاتی بیجار رویش دارد.

(هه، مو)

مامیلان - مامیلان: گیاهی است آبزی.

(رو، هه)

ماودار: (کر): درخت مو. نگا: میو

ماوه‌رد: گل سرخ. نگا: گولباخی

مایه میو: نوعی انگور است. (هه)

مایه گه‌ون: نوعی گون است. (مو)

مجیفی: نوعی انجیر است. (رو، هه)

مچقاسه: خاری است بر پشم می‌چسبد.

نگا: پرمیشك. (هه)

مچه سه گانه: گیاهی است از رستنی‌های

مرور را بشویند و در آب بجوشانند و هر روز یک استکان از آن بنوشند برای درمان بیماری قند مفید است.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: روستای کهوگاز از توابع کامیاران، شاهق، زهشنهش، کول و دوزه هره. (مو، گز، رو، هه، ابرا)

مرور: گیاهی از رستنی های کردستان دارای برگهای شبیه برگ تورشکه. (مو)

مروشی: نوعی گندم. (هه)

مروئ: گلایی، امرود. نگا: مرو. (ابرا، هه)

مروئ: گلایی. نگا: مرو. (هه)

مره کوژه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در زوانسر به این نام خوانده می شود. (مو)

مره کول: درختچه ای است. (مو)

مره کوله: درختچه ای است. نگا: مره کول. (مو)

مریس مریسوک: گیاهی است کوهی که بوی ریحان دارد، ریحان کوهی. (هه)

مریسوک: گیاهی است. (هه)

مریشی: نوعی گندم نامرغوب. (هه)

مریهم گوله: مریم گلی، گیاهی است. (مو)

Stachys Inflat مریهم مه توره:

سنبله ای ارفوانی، سنبله ای بادکنکی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در خورخوره سقز بنام «مریهم مه توره» خوانده می شود * در طب سنتی از دم کرده این گیاه برای شستشوی بدن برای رفع خارش و ناراحتیهای پوستی بزرگسالان بخصوص بچه های ۱ تا ۱۰ ساله استفاده می شود.

محل رویش - در اغلب کوهها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خورخوره

کردستان که در بعضی جاها به این نام خوانده می شود. انتهای ساقه مثل گردو، گرد و سفت است.

محل رویش - صلوات آباد. (مو)

Cornus australis مر:

ذغال اخته، سیاه ال. درخت یا درختچه ای است از رستنی های کردستان. ثمر ریزی دارد مثل دانه سماق یا مانند (تاله ته کیفیله) که سیاه می شود و می ریزد.

محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودم: باخان، گلیه، رهشنهش، میانه، مریوان، خانه گای گهلین، ته وریور، شیان، کوسالان. (مو)

مران: درختچه ای است از رستنی های کردستان. (مو)

مراوکه - مراوکه: گیاهی است از رستنی های کردستان. گاهی آن را «باقه بهس» هم گویند. (رو، هه، مو)

مرج: نوعی گندم است. (هه)

مرمک: نوعی انگور است. (هه)

مرو: گلایی. آن را با نام های زیر، می نامند:

«هه مرو، هه رم، مروئ، مروئ». (هه، مو)

مروار: نگا: بی مروار. (مو)

مرور: گیاهی است از رستنی های کردستان که در بعضی جاها آن را «تاله که، تاله» هم گویند. این گیاه بیشتر در داخل مزارع گندم و جو می روید و دارای دانه سیاه رنگ تلخی است که سبب سیاه و تلخ نمودن آرد گندم و جو می شود. هه ژار آن را تلخک گندمزار نامیده است. بعضی منابع (که) نام های دیگر این گیاه را «زیوانه، زریوانه» نامیده است * عده ای از شیخ سراج الدین (رض) نقل کرده اند که فرموده است اگر ۲ قاشق چایخوری از دانه

سه قز، قولقوله ی سه قز، سه لواتاوا ی بیجار، ره شنه ش، روانسر، جوانزۆ، پاوه. (مو)

مریهم مه توره: گیاهی است که در خورخوره سقز به این نام خوانده می شود. نگا: دایکوه باوکه. (مو)

مریهم نو خودی: گیاهی است که در بعضی از روستاهای منطقه خورخوره سقز به این نام خوانده می شود. نگا: دایکوه باوکه. (مو) مژ مژ وک: گیاهی است که گل آن را می کنند. مژ مژ وک: ۱- در بعضی جاها به خود گیاه «گوزروان» می گویند. نگا: گوزروان ۲- در بعضی جاها به گل گیاه «گوزروان» گفته می شود. (مو)

مژ مژ ووک: نگا: مژ مژ وک

مژ مژه: (زا): زردالو. نگا: شلانه. (ابرا، هه) مژ مژه:

Anchusa

گاوزبان: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای که کهوسان، دهره ویان خواروو، مهولاناوا و سه یقاوا از توابع سقز و فەتاح ئاوا از توابع دیواندره و کۆل و دوزه غره از توابع سالآ و دووشان و سه لواتاوا از توابع سنندج و بعضی جاهای دیگر آن را «مژ مژه» گویند. نوعی گوزروان است. در کتاب (گز) هم به نام این گیاه اشاره شده است.

محل رویش - این گیاه را در محل های فوق الذکر مشاهده نمود. نگا: گوزروان. (مو)

Onosma

مژ مژه:

زنگوله ای: گیاهی است از رستنی های کردستان و شبیه گیاه «گوله گواره» ی معروف است. در روستای کانی سیدی از توابع سقز و در روستای ژیار در هه ورامان «مژ مژه» نامیده می شود. در بعضی جاهای دیگر هم

آن را به همین نام می شناسند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: کۆسالان، کوه های ژیار واقع در پشت روستا و چسبیده به کۆسالان، دهره بن دزلی، مله ی ته ته، مله ی ژالانه، روستای کانی سیدی از توابع سقز. (مؤلف)

مژ وک: گلی است سفید بی بو، بهاری خاردار. (رو)

مژ وویلی: گیاهی است. «گیاه که». (هه)

Vicia variabilis

مژ یوه:

ماشک گوناگون، ماشک متنوع، کالو. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نسام های زیر می نامند و می شناسند: «می ژوهره، مژی وهرد، مژی یوه، می ژوهره».

دارای گل های زیبا بنفش یا صورتی و ارتفاع آن حدود ۵۸ سانتی متر است. این گیاه تغذیه خوبی برای دام و حیوانات است.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: هه والآن، سه لواتاوا ی سنه، ره شنه ش، نشور، دۆلۆ، کهل هه مرق، ریگی سهریناو - ته نگی سهر، لیهه، ریگی سنه - کامیاران، ریگی که له کان - بست، دۆ یسه، سه راو قامیش، چل چه مه، خورخوزه ی سه قز (در منطقه و روستا)، ریگی میره دی - پیرومه ران، ریگی بیجار - تیکاب، گه لئین، خانه گای گه لئین، خواشت، چه مه دهره زه نیجر، زه نان، مه لکشان، شیان، ته کیه، هه شه میز، روانسر، پاوه. (مو، گز، هه) مژ یوهرد: نگا: مژ یوه. (مو)

مسکی: ۱- لیموترش ۲- نوعی انگور. (هه، رو، ابرا)

مشك ته رامشیح: کاکوتی، گیاه کاکوتی. نگا: کاکوتی

موخه للهسه: گیاهی است که در روستای
بست به این نام خوانده می شود. (مو)
موز: صبر، الوا، نگا: تالی شاری. (هه)
مؤرتك: درختچه مورد. (هه)

Myrtus communis مؤرد:

مورد. این گیاه در ایران همین یک گونه گیاه
درختچه ای همیشه سبز و معطر و با گل های
سفید و زیبا دارد که در طب سنتی ایران
مصرف می گردد. این درختچه را در کردستان
با نام های زیر می نامند: «مؤرد، میوت،
که یتر، که بیر» «دهه نیکی هه همیشه سه وه
گونه کدی سپی و بونخوشه». (رو، دا، مظ، ابرا، هه)
مؤرك: نوعی انگور است. (رو، هه)

مسوریزان: گیاهی است که مار از آن
می گریزد. (هه)

مؤریژانك: نگا: مؤریژان

موریش: گندم بهاره. آن را «موریشی» هم
گویند. (هه)

موریشی: (با): گندم بهاره. (ابرا). نگا: موریش
موریه: گلایی. نگا: هه مری.

Musa مؤز:

مؤز. آن را در کردی: «ههنجیر باوا» هم گویند.
انواعی از آن امروزه در یلوچستان ایران کاشته
شده است. (رو، ابرا، هه، مظ)

مؤز: گل اختر. (هه)

موزووه رد: نگا: مژیوه. (مو)

مؤسك: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (مو، هه)

مؤسكه: گیاهی از رستنی های کردستان. (مو)

مؤ: مو، تاک. آن را «مؤ، زه، داری تری»

هم گویند. نگا: مؤ. (هه، لهك)

موثك: نگا: مؤرد. (هه)

مشك زه مینی: گیاهی است. (رو)

مش مشیر: درخت زردالو. آن را با نام های
زیر، می نامند و می شناسند: «مش مشیر،
دارشیلانه، داره قه یسی، دارشیلانی، دار
شیلانی، مش مشیری». نگا: شلاته. (هه)
مقه ور: کدو حلوائی. نگا: کدو بارزانی. (هه)
ملوور: گیاهی است از رستنی های کردستان.
(مو)

مله گه وی: گیاهی است که در بعضی از
روستاهای هه ورامان به این نام خوانده
می شود. در بعضی جاها آن را «مله گه وه»
گویند. نگا: مالموچ. (مو)

مله گه وی: گیاهی است که در روستای ژیار
از توابع هه ورامان و بعضی جاهای دیگر به
این نام خوانده می شود. نگا: مالموچ.

مله ویچه: نگا: مالموچ

منه قا: نوعی انگور. (هه)

منه وشه: بنفشه، گل بنفشه. نگا: وه نه وشه.
(هه)

مؤچه - مؤچه: گیاهی است شبیه اسفناج.
مسوخلیسه: گیاهی است از رستنی های
کردستان. (هه، رو، مو)

موخور: موخور. نگا: ده مووکه. (مو)

موخه للهسه: **Scrophularia pruinosa**

= **Scrophularia haematantha**

گل میمونی مومی. گیاهی است از رستنی های
کردستان که تعدادی از اهالی روستای
حسن آباد واقع در حومه شهر بیجار آن را به
این نام می شناسند. در بعضی جا آن را
«بالوکه گیا» گویند.

محل رویش - کوه حمزه عرب بیجار، روستای
گلستانه از توابع بیجار، تا، سه رچی. (مو)

موو خوږکه: موخور، چشم بلبلی. نگا:
ده‌مووکه

موورت: مورد (په: موورت). نگا: مؤرد.
(علیر)

مووروو: کلابی. نگا: هه‌مرو

مووسلّی: موسیر، گیاه موسیر. (هه)

مووسه‌که: گیاهی است. نگا: په‌رمیشکه.
(مو، هه)

مووسه‌نه‌ک: نگا: په‌رمیشکه

مووسیر: موسیر. نوعی سیر که حدود ۷۰
سانت ارتفاع و گل توپ زیبایی دارد. گونه‌ای
از آن را در روستای زامول از توابع قروه،
مشاهده نمودم. (مو، ابرا)

مووینه‌که: بوته‌ ارزن. (هه)

مؤه‌خوږکه: گیاهی است که در بعضی جاها
به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: کۆرکۆره، ئیبرایم ئاوا. (مو)
موینه: گیاهی است که در داخل ارزن زارها
رویش زیادی دارد. (هه)

مه‌جیدی - مه‌جییدی: نوعی انجیر
است. (هه، رو)

مه‌حچه: خرنوب. گیاهی است که آن را
«خزنووک» هم گویند. (هه، ابرا)

مه‌خلّی: گیاهی است که در روستای
هه‌شه‌میز از توابع سنندج، به این نام خوانده
می‌شود. (مو)

مه‌ده‌نؤس: جعفری. نوعی سبزی است.
نگا: جافری

مه‌زان: درخت یاسمن. نگا: ئاسمین

مه‌ران: درختی است (مَزان - دردار - Ash).
(رو، که)

مه‌رجانووک: گیاهی است دارای گل‌های قرمز
و ریز. (هه)

مه‌رجو: عدس. نگا: نیسک

مه‌رجی: عدس. نگا: نیسک

مه‌رخ: سروکومی. آن را «سه‌ولی کتوی» هم
گویند.

مه‌رزن‌جوش: *Origanum vulgare*

مرزن‌گوش وحشی، مرزن‌جوش، مرزن‌گوش.
گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را
در گویشها و مناطق کردستان، با نام‌های زیر،
می‌نامند و می‌شناسند: «مه‌رزن‌جوش، هه‌زیی
باخی، هه‌زیه باخی، هه‌زوی باخی، هه‌زوی
ئساوی، مه‌رزن‌گوش، گویچه‌که مله،
مه‌رزن‌جوش، مه‌رزن‌جوش، مه‌رزه‌نجوش،
مه‌رزن‌گوش، گوئی مشک، گوشه‌مله». ارتفاع آن
از ۴۵ تا ۸۵ سانتی‌متر است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: هه‌شه‌میز، ره‌شنه‌ش،
سوورکه‌وُل، ته‌نگی سر، ته‌کیه، نیه‌ر، کۆله
ساره، میانه، زونج، خوږخۆزه‌ی سه‌قۆ، چل
چه‌مه، قولقۆله‌ی میره‌دی، کۆل و دۆزه‌غهره،
سولتان نه‌حمه‌د، بلچه سوور، شیان، پناوه.
(مو، رو، هه، دا، ابرا)

مه‌رزن‌جوش: نگا: مه‌رزن‌جوش

مه‌رزن‌گوش: نگا: مه‌رزن‌جوش

مه‌رزنه جوش: نگا: مه‌رزن‌جوش. (مو)

مه‌رزه: *Satureja*

مرزه. این جنس در ایران ۱۲ گونه گیاه علفی
یکساله و چند ساله دارد. (مظ)

مه‌رزه: *Satureja hortensis*

= *Satureja laxiflora*

مرزه. در گویش له‌کی نیز، «مه‌رزه» گویند. این

خورخوره سقز نیز مه‌رزه‌ی کیفی نامیده می‌شود. در «زه‌نان» از توابع سنندج آن را «مه‌رزه کیفیله» می‌نامند و در بعضی جاها آن را نوعی آویشن (ه‌زبی) می‌دانند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: اوپه‌نگ، قلقله‌ی میره‌ده، تنگی‌سر، رشنش، ارتفاعات کوچک سوور، زه‌نان، مه‌لکشان، وئی‌سهر، نه‌که‌روژ، پیره‌ومهران، سه‌لواتاوا، کۆله‌ساره، ته‌نگی‌سهر، نیهر، میژاو، نواز، بلچه سوور، قه‌له به‌رد، ته‌کیه، شیان، هه‌شه‌میز، ژوانسهر، پاوه، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، دهره‌ویان فازس، گل‌یه، کۆزکۆره، نییرایم ناوای سنه، شاره‌کی بیجار، عدوالان، مهرآباد بیجار. (مؤلف)

مه‌روژی: عدس. نگا: نیسک. (هه)

مه‌رگه‌ماسی: گیاه زهرماهی، گیاه مرگ ماهی، کجوله. نگا: ژارماسی. (هه، ابرا)

مه‌رمه‌ند: گیاهی است طبی. (هه)

مه‌رو - مه‌روو: (له‌ك): گلایی کوهی یا باغی. نگا: هه‌مرۆ

مه‌روآله: نگا: پهرمیشکه

مه‌رو کۆوی: (له‌ك): امرود کوهی، امرود

وحشی. نگا: هه‌مرۆ کیفیله

مه‌روه: گلایی. نگا: هه‌مرۆ

مه‌رووی: گلایی. نگا: هه‌مرۆ

مه‌ره‌ندی: نوعی خربزه. (هه)

مه‌ریسۆك: گیاهی است. (هه)

مه‌زرن‌گۆش: نگا: مه‌زرن‌جۆش

مه‌زرن‌گۆشه کیویله: مزرن‌جۆش جبلی،

ریحان جبلی. نگا: مه‌زرن‌جۆش. (رو)

مه‌زره: مرزه. نگا: مه‌رزه

مه‌زلاق: گیاهی است. (هه)

نام، در بعضی جاها، برای مرزه‌کوهی نیز، به کار می‌رود. (مو، ابرا، له‌ك، هه)

مه‌رزه:

مرزه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بیجار آن را «مه‌رزه» گویند و عده‌ای از اهالی روستای حسن‌آباد واقع در حومه بیجار، آن را «جاتره» هم گویند. این گیاه در ارتفاعات بالا و در لابلاهی سنگها می‌روید و بسیار معطر است. اهالی منطقه آن را خشک می‌کنند و داخل بعضی غذاها می‌ریزند و استفاده می‌کنند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: قَم چُقا، پنجه علی، حمزه عرب. هر سه محل در شهرستان بیجار واقع‌اند و کردهای بیجار آنها را چنین تلفظ می‌کنند. قه‌م چو‌غه، حه‌مه‌زوی عه‌رو، پنجه‌ی عه‌لی. (مو)

مه‌رزه کیفیله: گیاهی است که در روستای زه‌نان از توابع سنندج، به این نام خوانده می‌شود. نگا: مه‌رزه‌ی کیفی.

مه‌رزه‌نجۆش: نگا: مه‌زرن‌جۆش

مه‌رزه‌نه‌گۆش: مرزن‌جۆش. نگا: مه‌زرن‌جۆش

مه‌رزه‌ی به‌راو: ۱- در بعضی جاها به همان

مرزه معمولی گفته می‌شود. نگا: مه‌رزه ۲- در

بعضی جاها به گیاه «ه‌زبی باخی» می‌گویند.

نگا: مه‌زرن‌جۆش

مه‌رزه‌ی کیفی:

Ziziphora clinopodioides

کاکوتی کوهی، مشک طرامشک. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در سنندج و تعدادی از روستاهای شهرستان سنندج بنام «مه‌رزه‌ی کیفی» خوانده می‌شود. در موسم آوا از توابع

مه ژگله: گیاهی است سبز شبیه بزنه رییشه که به صورت خام قابل خوردن است. (هه، رو)
 مه ژگینلی: گیاهی است خوردنی و از رستنی های کردستان. (مو)

مه سه ته کی: *Pistacia lentiscus*

مصطکی. درختی است که آن را «مه سه کی» هم گویند. در ایران و کردستان ایران نمی روید. (مظ، من هه)

مه شه گیره: *Silene*

گیاهی است از رستنی های کردستان و دارای انواعی است که آنها را با نام های عمومی زیر، می نامند و می شناسند: «مه شه گیره»، میش گره، میشه گره، میشه گیره، چه روژکه». این گیاه حالت چسبندگی دارد. نوعی از آن را داخل ظرفی قرار می دهند، مگسها را جذب و گرفتار می نمایند.

مه شه گیره: *Silene swertifolia*

سیلین. گونه ای سیلین است که در کردستان می روید و در هورامان و زنجان و بعضی جاهای دیگر، به این نام خوانده می شود. این گیاه حالت چسبندگی دارد و اگر به آن دست بزنید، بدست شما می چسبد.

محل رویش - در اغلب کوهها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کۆسالان، کوچکه سوور، ره شنه ش، زه نان، مه لکشان، مله ی سه لواتاوا، عه والان، سولتان نه حمده، به ورو پهریشان، پاهو، روانسه، ریگه ی کامیاران - روانسه، دۆله زهش مابین دۆل، ده وویان فازس، کۆرکۆره، هه شه میز، هویه، سه رهویه، که رجۆ، نه وپه نگ، وئی سه، چل چه مه، سه رشوی سه قز، سه رشوی مه ریوان، ریگه ی سه ربناو - ته نگه سه، نیهر،

ته نگه سه، تا، سه رجی، ته کیه، شیان، نه که روژ، پیر عومهران، قوئقوله ی میره دی، ریگه ی سه ده شت - شنۆ، سیور زمیریان به کانی زهش، گلیه، ده گاگا، مازی بن، بۆزیده، کالی سه. (مؤلف)

مه شه گیره: *Silene morganae*

سیلین ساقه آغوش، سیلین گهری. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای ژیاراز از توابع هورامان و تا و گه لین از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. ساقه های این گیاه تقریباً سفید، شبیه گوی به رخیله است و فاصله بین بندهای ساقه این گیاه حالت چسبندگی دارد و اگر دست بزنید می چسبد. محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گه رده نه ی مامۆخ، عه والان، سیلین، بلهر، شاری هورامان، ژیار، که ماله، هه شه میز، گه لین، کۆسالان، کالی سه، سولتان نه حمده، زه نان، بۆزیده. (مو)

مه شه گیره - میشه گیره: *Salvia*

گونه سالویا است که در بلچه سوور به این نام خوانده می شود و ساقه هایش حالت چسبندگی دارد و در اغلب کوهها و ارتفاعات کسردستان رویش دارد و آن را مشاهده نموده ام. (مو)

مه عده نووس: گیاهی است پرورش داده شده از خانواده کرفس یا شبیه کرفس. هه ژار، آن را نوعی کرفس می نامد. (رو، کۆ، هه)

مه فتوول: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان، در میانه رویش دارد و با این نام خوانده می شود. ۲- ته رزی داری زه. (مو، هه) مه ففره: نوعی انگور است. (هه، رو)

مه ففهره: نوعی انگور است. نگا: مه ففره. (رو، که)

روستای گهلین، آن را «مه لّهم» گویند.
 محل رویش - در گهلین و خانه گای گهلین و
 زه نسان و قهله بهرد، شیان و هه شه میز آن را
 مشاهده نمودم. (مو، مظفریان)
 مه لّهم: محلب. درختی است از رستنی های
 کردستان که در روستای قولقوله ی میره دی از
 توابع سقز و در روستای شیان از توابع
 سنندج و بعضی جاهای دیگر آن را «مه لّهم»
 گویند و در جاهای دیگر «دار میله و، میله و،
 مه لّهم» نامند * در طب سنتی: میوه این
 درخت برای برطرف کردن ناراحتیهای معده
 مصرف ستنی دارد. نگا: دار میله و. (مو، سیما)
 مه له وینچه: گیاهی است که در روستای کوّل
 به این نام خوانده می شود. (مو). نگا: مالوچ
 مه له وینچه: گیاهی است که در روستای
 مدولاناوا از توابع خورخوزه ی سه قز، به این
 نام خوانده می شود. نگا: مالوچ
 مه لیم: گیاهی است. در گوریش له کی نیز، این
 واژه به کار می رود. نگا: به له ک
 مه لیم: (له ک): شیرین بیان. نگا: به له ک
 مه مکه مژ: گیاهی است که در روستای زه نسان به
 این نام خوانده می شود. نگا: گوله گواره. (مو)
 مه مؤله: شقایق. (مو)
 مه نجکی: نوعی گندم است. (هه)
 مه نند: نگا: به نا. (مو، هه)
 مه نندک: نگا: به نا. (مو، هه)
 مه نندوک: نگا: به نا. (مو، هه)
 مه نندلی: نوعی انگور است. (هه)
 مه نندی: گیاهی است که در بعضی از
 روستاهای بانه به این نام خوانده می شود.
 نگا: به نا
 مه ننگ: نگا: به نا

مه قده نوّس: *Petroselinum hortense*

= *Petroselinum crsipum*

= *Petroselinum sativum*

جعفری. این جنس در ایران، یک گونه گیاه
 زراعی دارد که به صورت سبزی خورشتی و
 پلویی مصرف می گردد و در اغلب نقاط ایران
 و کردستان کاشته می شود. (مو، مظ)

مه کووک: شیرین بیان. نگا: به له ک

مه کیك: شیرین بیان. نگا: به له ک

مه لاثی: نوعی گلابی. نوعی امرود پاییزی
 بزرگ است. (هه، رو)

مه لتیک - مه لتیک: سیب ترش پاییزرس،
 نوعی سیب پاییزی است. (رو، هه، که)

مه لّخم - مه لّخم: محلب. درختی است از
 رستنی های کردستان که در رواندوز و
 سلیمانیه در کردستان عراق می روید. نگا:
 دار میله و. (رو)

مه لو شویته: *Crambe orientalis*

= *Crambe persica*

سپیده. گیاهی است از رستنی های کردستان
 که غالباً در کنار جاده ها و داخل گندم زارها و
 دشتهای می روید و دارای شاخه های زیاد و
 گلهای ریز و سفید رنگ فراوان است. این گیاه
 را در خورخوزه ی سقز «مه لوشی وینته» گویند.
 (مو)

مه له تیک: نوعی سیب پاییزی. (هه)

مه له سی: نوعی انار ملس (ترش و شیرین). (هه)

مه له گه وه: نگا: مالوچ

مه له گه وی: نگا: مالوچ

مه لّهم: *Valeriana sisymbriifolia*

والرین کوهستانی، سنبل الطیب کوهستانی.
 گیاهی است از رستنی های کردستان که در

مه‌ننی: نگا: به‌نا

مه‌نه: نگا: به‌نا. (مو، هه)

مه‌نه‌وشه: بنفشه. نگا: وه‌نوشه

مه‌ننی: گیاهی است که در قولقوله‌ی میره‌دی،
 دهره‌ویان فازس، کۆل، دهره‌ویان خواروو،
 کینه‌شین و که‌ه‌وسان به این نام خوانده
 می‌شود. نگا: به‌نا

مه‌ننی: نگا: به‌نا

مه‌نیجه گه‌وُن: نوعی از گون است که در
 روستای زۆنج به این نام خوانده می‌شود. از
 این نسوع گون کتیرای مرغوب «جه‌وی
 جه‌باری» تهیه می‌شود. (مو)
 مه‌وژۆك: گیاهی است که پیازه‌اش خوردنی
 است. (هه)

مه‌ویژه گورگانه: گیاهی است که در
 حسن‌آباد سندرچ به این نام خوانده می‌شود. (مو)
 مه‌یان: نوعی انگور است. (هه)
 مه‌یب: تاک، مو. نگا: میو

مه‌یدنۆز: جعفری، سبزی جعفری. (هه)

مه‌یشی: مو، تاک. نگا: میو

مه‌یوه: ۱- مو، تاک. نگا: میو ۲- میوه. (هه)

میتك: نگا: مۆرد

می‌تک: نگا: مۆرد

می‌خۆز: Rhmnus cornifolia

سیاه تنگرس صخره روی، گردوی کوهی.
 درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که
 در بعضی از روستاهای هه‌ورامان به این نام
 خوانده می‌شود.

محل رویش و مشاهده: مله‌ی ته‌ته. (مو)

می‌خۆز: گیاهی است که در هه‌ورامان به
 این نام خوانده می‌شود. (مو)

میخه‌ك: نام درخت و گیاهی است که در

کردستان آنها را با نام‌های زیر می‌نامند:
 «میخه‌ك، میخه‌کی، خه‌ناوکه، قه‌نه‌فل، گول
 میخه‌ك، گورزه میخه‌ك». (هه، دا، من مو)

میخه‌کی: گل میخک. (هه)

میخه‌کی کیفی: *Dianthus orientalis*
 میخک کوهی، میخک شرقی. گیاهی است از
 رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را
 مشاهده نمودم: کوچکه سوور، ره‌شنه‌ش،
 کۆسالان، شیان، سه‌رشییوی سه‌قز، سه‌رشییوی
 مه‌ریوان. (مو)

میخه‌کیله: گیاهی است از رستنی‌های
 کردستان که در روستای میانه از توابع
 سنندج، به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - کوزه میانه. (مو)

میرانی - مییرانی: نوعی انگور است.
 «جۆری هه‌نگووره». (هه، رو)

میرت: نگا: مۆرد

میرج: نوعی گندم است. (هه)

میرم نیخود: (دیل): گیاهی است دارویی که
 آن را در آب می‌جوشانند و بچه را با آن
 استحمام می‌کنند و برای اسهال و استفراغ
 نوزادان مفید است. (علیرضایی)

میژۆان: گیاهی است آشی. (هه)

میژه‌ری فه‌قی: گیاهی است از رستنی‌های
 کردستان که آن را «میژه‌ری مه‌لا» هم گویند.
 این گیاه تا حدود ۱/۵ متر کشیده می‌شود
 یعنی طول آن که رونده است و روی زمین
 کشیده می‌شود، حدود ۱/۵ متر است.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده
 نمودم: میانه، ره‌شنه‌ش، چم دهره‌زه‌نجیر،
 دامنه‌های کۆسالان. (مو)

تازه‌آباد آصف از توابع سارال بنام «من گه‌ون» خوانده می‌شود.

محل رویش - در بیجار و سارال این گیاه را مشاهده نمودم. (مو)

میلاق: ۱- نوعی انگور است ۲- نگا: هه‌لا‌هه برمه. (رو) ۳- نوعی گل لاله کوچک. (ابرا)

میلاق: لاله. نگا: ره‌به‌نۆك. (هه)

میلاق: لاله، نوعی گل سرخ است. نگا: ره‌به‌نۆك. (هه، رو، که)

میلوکلدان: گیاهی است که در سنج به این نام خوانده می‌شود. نگا: میله‌گورگانه. (مو).

میلوکه‌لان: گیاهی است که در روستای حسن‌آباد سنج به این نام خوانده می‌شود.

نگا: میله‌گورگانه. (مو)

میلوکلده‌دان: نگا: میله‌گورگانه

میله‌خووانه: گیاهی است که در روستای زه‌شنه‌ش، به این نام خوانده می‌شود. نگا:

میله‌گورگانه

میله‌گورگانه: نگا: میله‌گورگانه

میله‌گورگانه: *Eminium heterophyllum*

بهارآمد کردستانی، بهارآمد حلبی. گیاهی

است از رستنی‌های کردستان که در مناطق

مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و

می‌شناسند: «میله‌گورگانه»، میله‌خووانه، میله

گورگانه، میل و کلدان» گیاهی است که از

وسط آن ساقه‌ای بالا می‌رود قهوه‌ای متمایل

به قرمز رنگ که شبیه میلی است که خانها

به داخل چشم می‌کشند ولی کمی کلفت‌تر از

آن و بهمین جهت آن را «میله‌گورگانه» گویند.

این گیاه را در روستای نیاباد واقع بر سر جاده

سنجد - مریوان «میله‌گورگانه» و در روستای

زه‌شنه‌ش از توابع سنج، آن را «میله‌گورگانه

میژه‌ره‌ی مه‌لا: گیاهی است که در

روستا‌های میانه و زه‌شنه‌ش، به این نام

خوانده می‌شود. نگا: میژه‌ره‌ی فقه

میژه‌ره‌ی: گیاهی است که در روستای کۆل

به این نام خوانده می‌شود. (مو)

میژه‌ره‌ی: نگا: میژه‌ره

میژه‌ره‌ی: نگا: میژه‌ره

میژه‌ره‌ی: نگا: میژه‌ره

میژه‌ره‌ی: نگا: میژه‌ره. (مو، هه)

میژه‌ره‌ی: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در روستای ژوار از توابع هورامان، به

این نام خوانده می‌شود. نگا: میژه‌ره

میژه‌ی - میژه‌ی: عدس. نگا: نیسک. (مو،

هه، ابرا، رو، که)

می‌ژی‌وه‌ی: نگا: میژه‌ره

می‌ژی‌وه‌ی: نگا: میژه‌ره

می‌ژی‌وه‌ی: نگا: میژه‌گیره

می‌ژی‌وه‌ی: زه‌رگۆ: درختچه‌ای است. (هه)

می‌ژی‌وه‌ی: زه‌رگۆن: نگا: می‌ژی‌وه‌ی

می‌ژی‌وه‌ی: زه‌رگۆن: گیاهی است کوهستانی.

(له‌ک، که)

می‌ژی‌وه‌ی: زه‌رگۆ: گیاهی است دارویی. (هه)

می‌ژی‌وه‌ی: گیاهی است که در روستای بست

به این نام خوانده می‌شود. نگا: می‌ژی‌وه‌ی

می‌ژی‌وه‌ی: نگا: می‌ژی‌وه‌ی

می‌ژی‌وه‌ی: عدس. نگا: نیسک. (هه، ابرا)

می‌ژی‌وه‌ی - می‌ژی‌وه‌ی: (له‌ک): مو، درخت انگور.

نگا: می‌ژی‌وه‌ی

می‌ژی‌وه‌ی: کدو حلوائی گردن دراز. (ابرا)

می‌ژی‌وه‌ی: شیرین بیان. نگا: به‌له‌ک

می‌ژی‌وه‌ی: شیرین بیان. نگا: به‌له‌ک

می‌ژی‌وه‌ی: گونه‌ای از گون است که در

و میله خوانه» گویند.

محل رویش - در بسیاری از کوه‌های کردستان - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: کوه‌های نیاباد «نیاو» روبه‌روی مازی‌بن، ره‌شنه‌ش، خورخوره‌ی سه‌قز، حه‌سه‌ناوای سنه، ریگه‌ی سنه - کامیاران، ریگه‌ی موچه‌ش - دپی‌گولان. (مو)

میله‌و: درختی است جنگلی که در روستای ژبوار از توابع هه‌ورامان و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: دار میله‌و

میله‌وه‌ز: گیاهی است علفی خوب.

محل رویش - چل‌چمه، ثاربه‌با. (مو)

میمووک: نگا: به‌له‌ک

میمووک: نگا: به‌له‌ک

میمووک: نگا: به‌له‌ک

میمووک: نگا: به‌له‌ک

مینا: مینا، گل مینا، گلی است. (هه، ابرا)

میننه: گلی است. (هه)

مینو: مو، تاک، رز، درخت انگور. در عربی

کرم و در کردی «مهو، وهز، میو، داره تری»

گویند، بعضی از گونه‌هایش ۱۰ تا ۱۵ متر از

درختان دیگر جنگلی بالا می‌رود، بعضی از

این نوع را در کردستان «زووه‌س» گویند.

انواع درخت مو در کردستان پرورش داده

شده است و در خیلی از مناطق کردنشین

باغ‌های انگور آبی و دیمی به چشم می‌خورد

* نه گرم شکوفه خشک مو که به کردی

«ووشکه ژیل» گویند مقوی معده و مانع

ترش شدن غذا در معده است. برگ درخت

مو دارای تانن بی‌تارتار دو پتاس، نشاسته،

اسید مالیک، و قند اکزالات، پتاس و غیره

می‌باشد. نگا: هه‌نگوور. (ابرا، مو، هه، جعفر

ص ۸۹، منه‌با، صا)

میوه خوره: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در بعضی جاها به این نام خوانده

می‌شود. گیاهی است که به دور گیاه یا

درختچه‌ها می‌پیچد و آنها را ضعیف یا

خشک می‌گرداند.

محل رویش - در اغلب مناطق - در محل‌های

زیر، آن را مشاهده نمودم: تاء، سه‌رچی،

هه‌نیمن، هه‌شه‌میز. (مو)

میوه خوره: نگا: میوه خوره

میوه مارانه: *Tamus communis*

تمیس. گیاهی است از رستنی‌های کردستان

که در روستای رشنش آن را «میوه مارانه»

گویند. این گیاه مثل انگور زودرس از

درختچه‌ها بالا می‌رود. میوه‌اش مثل انگور

ولی گرد و قرمز رنگ است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: بۆزیه‌ر، ره‌شنه‌ش، میانه،

زۆنج. (مو)

میوه مارانه: *Bryonia dioica*

فاشرا، گیاهی است از گیاهان دارویی ایران و

کردستان که در روستای زه‌شنه‌ش و بعضی

جاهای دیگر آن را «میوه مارانه» گویند و در

جاهای دیگر آن را با نام‌های زیر می‌نامند و

می‌شناسند: «میوه مارانی، تری مارانه، تماته

مارانه» این گیاه مانند نیلوفر به دور

درختچه‌ها و درختان می‌پیچد و تا حدود ۴

متر بالا می‌رود. میوه و ثمر آن خوشه‌ایست

مثل خوشه انگور و میوه‌ها مانند

گوجه‌فرنگی و قرمز رنگ ولی خیلی

کوچک‌تر از آن. به عبارت دیگر ثمرش مثل

ثمر زه‌ل‌ی کوتاه و معمولی است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کانی کله‌ی مل (بین رزاب و دگاگا)، میانه، زه‌شنه‌ش، بۆزیده‌ر، ته‌نگی‌وهر، پاوه. (مو، معر، گۆ، رو، دا)

میوه مارانی: *Ribes rubrum*

انگور فرنگی، گالش انگور، انگور مار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «ه‌نگوره‌مار» هم گویند. (دا، مظ)

میوه‌وهره: گیاهی است که در روستای تا به این نام خوانده می‌شود. نگا: میوه‌خوره

میخی: نوعی انگور است. (رو)

«ن»

ناجوو: صنوبر. Pine. آن را «سنه‌وهر، کاژ» هم گویند. (رو)

ناژ: ناژ. نگا: ه‌ناژ. (هه)

ناربه‌ند: درخت بید اخته شده. (هه)

ناردین: گیاه حصیریافی. (هه)

نارگیل: نارگیل، نارجیل. آن را با نام‌های زیر، می‌نامند: «نارگیل، دار نارگیل، که‌شکۆژ، نارجیل، گویتز هنده. کرماشانی: نه‌لگیر. (وشه، دا، با، من، رو، ابرا)

نارنج: نارنج، درخت نارنج، میوه نارنج. آن را «نارنگ، دارنارنج» هم گویند. (وشه، هه، دا، من له‌ک)

نارنج بۆ: گیاهی است که در باغ شیخ محمد سوورکه‌وژ رویش دارد و گویند برای سه‌ودا خوب است. گل نارنج بۆ سفید است. (مو)

نارنگ: نارنج

نارنگی: نارنگی. میوه و درختی است که آن را «نارهنگی» هم گویند. درخت نارنگی در دره‌شهر از توابع ایلام، پرورش داده می‌شود. (ابرا، هه، سیما)

نارۆك: نوعی انار کوچک و نامرغوب است. (هه) ناروه‌ند: نارون، درختی است. نگا: ناروه‌ن. (ابرا، هه)

ناره‌نگی: نارنگی. درختی است. نگا: نارنگی. (ابرا، رو)

ناره‌وهره: *Ulmus boissieri*

نارون برگ ریز، نارون گل پشه‌ای. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - آن را در کنار جاده مهریوان - سه‌قز مشاهده نمودم. (مؤلف، مظفریان)

ناره‌وهره: *Ulmus parvifolia*

نارۆن، درختی است از رستنی‌های کردستان. محل رویش - آن را در تکیه درکوهی واقع در پشت این روستا مشاهده نمودم. (مو، مظفریان، هه، ابرا، رو، من)

ناره‌وهره‌ند: درختی است. نگا: ناره‌وهره

نارینج: نارنج. (له‌ک)

ناژ: درخت صنوبر. آن را «ناژ، ناژو، داری سنۆبه‌ر» هم گویند. نگا: داری سنۆبه‌ر. (هه) ناژناژ: گل ناژناژ، گلی است دارای رنگهای زیاد. (رو، گۆ، هه)

نازه‌نین: گلی است. (رو، گۆ)

ناژ: سرو (Cyperus). آن را «سه‌روو» هم گویند. (رو، که)

ناژ: صنوبر، درخت صنوبر. آن را «ناژو، ناژ» هم گویند. (هه)

ناژو: صنوبر، درخت صنوبر. نگا: ناژ. (هه)

نانى حاجى له گ له گ: پنىرك. نگا:

په په چه وړه. (مو)

نانى شقانى: مویزك عسلى. نگا: ده مووكانه.

نانى شوانى: مویزك عسلى. نگا: ده مووكانه.

(هه)

نانى مینچكا: پنىرك. نگا: په په چه وړه. (هه)

ناؤك: تخمه. تخم آفتابگردان و خیار و غیره. (مو)

ناوه: نوعى برنج است. (هه)

ناهي: گیاهی است. (هه)

نخو: نخود. نگا: نؤك.

نخه: نخود. نگا: نؤك. (ابرا، مو، هه)

نخه كیفیله: نخود كوهی. نگا: نؤكه كیفیله.

(مو)

نخین: لاله سرنگون. نگا: هه لاله برمه.

نژی - نژیی: (با - كر): ۱ - عدس. نگا: نیسك

۲ - هر چیز بسیار اتدك. (ابرا، هه،

كرمانشاهی، كه)

نيسك: عدس. نگا: نیسك. (هه)

نقشتی لؤك: گیاهی است. (هه)

نقیشتیلوؤك: گیاهی است. (هه)

نوخوا: نخود. نگا: نؤك

نوخوت: نخود. نگا: نؤك

نوخه: نخود. دى لوزانى: نوخه. نگا: نؤك.

(مو، علیر، هه)

نوخه كیفیله: نخود كوهی. نگا: نؤكه كیفیله

(مو)

نوژی: عدس. در گویش کرمانشاهی و له کی

نیز «نوژی» گویند. نگا: نیسك. (هه، لهك،

كرمانشاهی)

نوژی: (كرماش): نگا: نیسكى كیفی

نوژی: عدس. نگا: نیسك

نوسنهك: گیاهی است از رستنی های

ناژین: درخت صنوبر. نگا: ناژ. (هه)

ناس: نوعى توتون است، ناس. (هه)

ناسكه رمى: نوعى گلابى است. (هه)

ناسكه هه رمى: نوعى گلابى است. (هه)

ناعنه: مرزه، گیاهی است. (هه)

نالېیر: درخت انار، نارېن. نگا: دار هه نار.

(هه)

نان حاجى له ق له ق: پنىرك. نگا:

په په چه وړه

نانكى چوچكا: پنىرك. نگا: په په چه وړه.

(هه)

نانكى چویكا: پنىرك. نگا: په په چه وړه.

(هه)

نان و دوېر: گیاهی است كه در روستای

ژیوار از توابع هه ورامان به این نام خوانده

مى شود. (مو)

نانه حاجیله: پنىرك. نگا: په په چه وړه. (هه،

مه)

نانه حاجى له ك له ك: پنىرك. نگا:

په په چه وړه. (مو)

نانه حاجى له گ له گ: پنىرك. نگا:

په په چه وړه. (مو، هه)

نانه شوانه: گیاهی است كوهی. (رو)

نانه مریچله: (هه ورام): گیاهی است از

رستنی های كردستان كه در كۆسالان و ژيوار

مى روید و در روستای ژيوار از توابع

هه ورامان به این نام خوانده مى شود. (مؤلف)

نانى چوك: پنىرك. نگا: په په چه وړه. (هه)

نانى چوچك: پنىرك. نگا: په په چه وړه.

(هه، مو)

نانى حاجى له ق له ق: پنىرك. نگا:

په په چه وړه. (مو)

کیتفيله، نوئی ده یمی، نۆکه کیویله، نۆکه کیفيله، نخه کیتفيله، نوخه کیتفيله».

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: کوزه میانه، خوزخوزهی سه تزی، هزارکانیان، قهله برد، بلچه سوور، چل چه مه، به ورو پویشان، شاره کی بیجار، رنگی بیجار - تیکاب، دۆله زهش مایین دۆل، گلیه. (مو، معر، مظ)

نۆکه کیفيله: نخود کومی، نخود وحشی. نگا: نۆکه کیتفيله
نۆکه کیویله: نخود کومی. نگا: نۆکه کیتفيله. (مر)

نۆکی که سئک: نخود فرنگی. آن را «پۆلکه، گاکۆز» نیز گویند. (هه)

نۆکیله: گیاهی است که در صلوات آباد ستنج به این نام خوانده می شود. نگا: دانۆکه. (مؤلف)

نوورسه گ: گیاهی است که خارش به لباس می پیچد. نگا: پرمیشک. (هه)

نوووسنه ک: نگا: نووسنه ک

نووسه ک: ۱- نگا: نووسنه ک ۲- روناس. نگا: رۆنیاس. (مو، هه)

نووسه که: نگا: نووسنه ک

نووسه نه ک: گیاهی از رستنی های کردستان. در سه هۆلان و عیسی کند آن را مشاهده نمودم. کرمانشاهی: نووسنه ک. نگا: نووسنه ک. (مو، کرمانشاهی)

نووسه نه که: گیاهی است. نگا: نووسنه ک

نووک: نخود. نگا: نۆک

نوهی - نووهی: نخود. نگا: نۆک. (هه، ابرا)

نۆهک - نوهک: نخود. نگا: نۆک. (هه، ابرا، که)

نوھو: نخود. نگا: نۆک. (هه)

کردستان. در کرمانشان، بیجار و بعضی جاهای دیگر آن را «نوسنه ک» گویند. این گیاه را در مناطق مختلف کردستان با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «نوسنه ک، پرمیشک، نووسه که، پهنیشک، نووسه نگ، کونجره، نووسه نه ک، پرنیشکه، پرنیشک، نوسه گ، مهرواله، نووسه که». گاهی این نامها را برای میوه گیاه که چسبنده است به کار می برند. گیاه هرزی است که در علفزارها می روید و پر از خار است و این خارها به پشم گوسفندان و لباس و کفش انسان می چسبد. نگا: پرمیشک. (مؤلف، کرمانشاهی، هه، رو)

نوسه نگ: نگا: پرمیشک

نۆک: نخود. در مناطق کردستان و گریشهای مسخلف کردی نخود را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «نخه، نه، نه ها، نوخه، نۆک، نووهی، نوخوت، نوھو، نخو، نوخو، نۆهک، نووک». (من، با، هه، مو، رو، ابرا)
نۆکه چه رمه له: نوعی نخود است. (مو)
نۆکه زه شکه: نخود سیاه. (هه، مو)
نۆکه زه شه: نخود سیاه، نوعی نخود است. (ابرا، مر)

نۆکه سپی: نوعی نخود که نخودچی شود. آن را «نۆکه سپیلکه، نۆکه سپیکه» هم گویند. (هه، مو)

نۆکه سپیلکه: نوعی نخود است. نگا: نۆکه سپی
نۆکه شوانه: نوعی نخود وحشی سیاه رنگ. (هه)

نۆکه کیتفيله: Cicer anatolicum

نخود کومی، نخود آناتولی. گیاهی است از رستنی های کردستان. در مناطق مختلف آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «نۆکه

نها: نخود. نگا: نوك. (هه)

نوی ده‌یمی: نخود وحشی. نگا: نۆكه كئیفيله.
(مو)

نوی هه‌رانه: گیاهی است که در روستای
گهلین به این نام خوانده می‌شود. نوعی
گاذمه است با شاخه‌های منشعب. (مو)

نه‌رگز: نرگس، نرجس. گیاهی است از
رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر
می‌نامند: «نه‌رگز، نه‌رگس، نیرگز، نیرگس».
گیاهی است بهاری که رنگ گلش سفید و
داخل گل زرد رنگ است و بسیار معطر و
خوشبو است. «گولینکی سپی ناو زه‌ردی بۆن
خۆشه‌بنکی هه‌یه و له‌سه‌ره به‌ه‌ارا ده‌زوی».

محل رویش - در مناطق کردستان بخصوص
در شهرزور زیاد می‌روید * بعضی بر این
باورند که بویدن گل نرگس سبب درازی و
طول عمر می‌شود و آدم و مغز او را تقویت
می‌کند و نشاط روحی و جسمی به انسان
می‌دهد. (گز، رو، هه، ابرا)

نه‌رمه‌له: گیاهی است که در ژیار به این نام
خوانده می‌شود. (مو)

نه‌رمه پووار: نوعی از گیاه پووار است. (مو)

نه‌رمه‌له: گیاهی است. (مو)

نه‌رمه وهن: *Pistacia khinjuk*

پسته کوهی. درختی است از رستنی‌های
کرمانشان که در محل‌های زیر، پراکندگی دارد:
گه‌رده‌ته‌ی قه‌لاج، گه‌رده‌ته‌ی پاتاق، په‌ینی پاوه
و نه‌وسو، سه‌لاسی ب‌اباجانی. (معص). در
استان کردستان هم می‌روید. (مو)

نه‌رمه هیلکه: گیاهی است که در بعضی
جاها به این نام خوانده می‌شود.

محل رویش - در آیدر بزرگ و کۆسالان آن را

مشاهده نمودم. (مو)

نه‌رمیله: گیاهی است خوردنی و از
رستنی‌های کردستان که در حسن‌آباد سنندج
به این نام خوانده می‌شود. آن را می‌پزند و
می‌خورند.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده
نمودم: هه‌ورامان، آیدر، رشنش، نایسر

سنندج، حسن‌آباد سنندج، آریز. (مو، رو)

نه‌رمیله: گیاهی است. نگا: نه‌رمیله

نه‌رمیلی - نه‌رمیلی: نگا: نه‌رمیله

نه‌رمیلی: نگا: نه‌رمیله. (مو)

نه‌روك: گیاهی است. این گیاه در کرمانشاه،
شیراز و کرمان می‌روید. (رو، گز، که)

نه‌ره: بلوط. درختی است که در روستای
ژی‌سوار از توابع هه‌ورامان، بعضی از
روستاهای پاوه و کردستان عراق، به این نام
خوانده می‌شود. هه‌ژار آن را به معنی درخت
تنومند بلوط ثبت نموده است. ابراهیم‌پور،
آن را به شیوه «نه‌زه» نوشته است. این درخت
را در مناطق مختلف با نام‌های زیر می‌نامند:
«به‌زوی، به‌روو، به‌ری، به‌لو، به‌لق، به‌لی». (مو،
هه، ابرا، که)

نه‌سته‌زن: گل نسترن. (هه)

نه‌سته‌ره‌ن: نسترن وحشی، نسترن. نگا:

شیلان. (رو، من ابرا)

نه‌س‌رین: نسترن. درختچه‌ای است که آن را
با نام‌های زیر، می‌نامند: «گوله شیلان،
نه‌س‌رین، نه‌سته‌ره‌ن، شیلان». هه‌ژار، معادل
فارسی آن را (گل نسرين) نوشته است. نگا:
شیلان. (رو، که ...)

نه‌عنا: نعناع، نعنا. گیاهی از رده دو لپه‌یهای
پیوسته گلبرگ، سرده‌تیره نعنائیان. هه‌ژار

هم گویند. (هه)

نه‌ی: نی. نگا: قامیش، زهل. (هه)

نه‌یجور: نی باریک، نوعی نی باریک و توپر است که با آن چیخ می‌سازند، نی باریک مخصوص ساختن حصیر، نی شنی. آن را با نام‌های زیر، می‌نامند: «نه‌یجور، نه‌یجول، نه‌یجه، نه‌یژه، تهرکه». (رو، ابرا، هه، دا)

نه‌یجول: نوعی نی است، نی شنی. نگا: نه‌یجور. (رو، دا)

نه‌یجه: نگا: نه‌یجور

نه‌یچک: نی باریک و کوتاه. نگا: نه‌یجور. (هه)

نه‌یچه: نی باریک و کوتاه. نگا: نه‌یجور. (هه)

نه‌یژه: نی باریک. نگا: نه‌یجور

نه‌یشه‌کر: نیشکر. آن را «قامیشی شه‌کر،

نه‌یشه‌کر» هم گویند. (هه، رو، ابرا)

نه‌ی شه‌کر: نگا: نه‌یشه‌کر

نیژ: ریواس ساقه‌دار. (هه)

نیژگز: نرگس. نگا: نهرگز

نیژگس: نرگس. نگا: نهرگز

نیژی: (دیل): عدس. نگا: نیسک. (علیر)

نیسک: *Lens*

عدس. عدس پرورشی، عدس وحشی. گیاهی است که هم پرورش می‌یابد و هم به طور وحشی و خودرو در کردستان موجود است. عدس را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند

و می‌شناسند: «نیسک، نوژی، نوژی، نوژی،

میژوی، نوپژی، میژوی». (هه، مو، با، رو، ابرا)

نیسک: *Lens culinaris*

عدس، عدس پرورشی.

نیسکی کیفی: *Lens orientalis*

عدس وحشی، عدس شرقی. گیاهی است از

معادل فارسی آن را (مرزه) نوشته است.

(مه، رو، مو، گز، ابرا)

نه‌عنا: *Mentha spicata*= *Mentha viridis*

پونه سنبله‌ای. مظفریان آن را پونه سنبله‌ای نامیده است * برای باز کردن اشتها و رفع شکم درد و نفخ شکم مفید است. (هیوا، مظ) نه‌عنا باخی: نعنای معمولی، نعنای پرورشی نه‌عنا کیفی: گیاهی است در ارتفاعات چهل چشمه می‌روید و با نام فوق در روستای بست معروف است. (مو)

نه‌عنا کیفی: *Salvia suffruticosa*

مریم‌گلی بوته‌ای. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در روستای گهلین آن را «نه‌عنا کیفی» می‌نامند. (مو، مظفریان)

نه‌عنا کیوی: گیاهی است که به این نام خوانده می‌شود. (مو)

نه‌عنای دیمی: گیاهی است که آن را «مه‌رزه‌گوش» هم گویند. (مه)

نه‌فهل: ۱- گیاهی است خوشبو ۲- علف سبز. (هه)

نه‌فش: بنفشه. نگا: بنه‌وشه. (هه)

نه‌گه‌نم نه‌جو: غله‌ایست. (هه)

نه‌لگیر: (کرماش): نارگیل. نگا: نارگیل

نه‌نا: (کرماشانی): نعنای. نگا: نه‌عنا

نه‌وروزه - نه‌وروز: گلی است شبیه «گوله‌گزیزه». (رو، هه)

نه‌وروزی: گلی است. نگا: نه‌وروزه

نه‌وژ: صنوبر. نگا: داری سنوبر. (هه)

نه‌ها: نخود. نگا: نؤک

نه‌هک: نخود. نگا: نؤک

نه‌هه: نخود. نگا: نؤک

نه‌هه‌ی سیا: نخود سیاه. آن را «نؤکی زه‌ش»

رستنی های کردستان.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گهرده نهی ماموڅ، ریگه ی سنه - کامیاران، ریگه ی موچه ش - دئی گولان، ریگه ی کامیاران - مریوان، ریگه ی کامیاران - روانسر. (مو). این گیاه در محل های زیر، از استان کرمانشاه نیز می روید: سونقوز، بیستون، سه حنه، کهنگاوهر، نیسلام ناوای غهرب، شاهق، کرتدی غهرب. (معص)

نیسکی کیوی: نگا: نیسکی کیفی

نی لۆز: گیاهی است که در بعضی از دهات هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: گونۆز. (مو)

نیلوفه ز - نیلووپه ز: نیلوفر. نگا: لیلوپه ز. (هه، ابر)

نی نۆز - نی نۆز: نگا: گونۆز

نی نۆکه: ناخنک، اکلیل الملک. (مو)

نینۆکی خانم: انگور ریش بابایی. «ریش بابا، جوژی تری سووری دهك باریکی در یۆکه». (هه)

« و »

وارنه: نگا: فاته باره

واشیژه: گیاهی است که در لۆن سادات به این نام خوانده می شود. نگا: واشیژه. (مو)
واشیژه: گیاهی است که در روستای زه نان از توابع سنندج، به این نام خوانده می شود. نگا: واشیژه. (مو)

Poa bulbosa

واشیژه: چمن پیازک دار. گیاهی است از رستنی های

کردستان که در بعضی جاها از جمله روستای کۆل از توابع دیواندره و روستای گلپه از توابع مریوان آن را «واشیژه» گویند و در روستای زه نان از توابع سنندج آن را «واشیژه»، در بعضی جاها «گیواو واشیژه» و در بعضی جاهای دیگر آن را «واشیژه» نامند. حدود ۷۵ سانتی متر ارتفاع دارد و ساقه اش شبیه گندم است ولی ریزتر و باریکتر * خوردن این گیاه برای دام و حیوان ضرر دارد و اگر از این گیاه زیاد بخورند دچار اسهال می شوند.

محل رویش - تقریباً در اغلب کوهها - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: کۆل و دۆزه غره، دهره ویان فازس، کهله کان، زه نان، مه لکشان، بلچه سوور، نه وپه نگ، وئی سهر، شیان، هه شه میژ، ته کیه، روانسر، پاوه، سهرشیوی سه قز، ریگه ی یانه - سهرده شت، ریگه ی سهرده شت - شتق، ریگه ی مه هاباد - بووکان، گلپه، نه که رۆز، خوزخوزه، شاهق. (مؤلف)

واشیلاش: گیاهی است که در روستای ته وریوهر از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: چه ق چه قه. (مو)

واشینله: نگا: واشیژه. (مو)

والوو: گیاهی است. (مو)

والهك: گیاهی است که در روستای نه وپه نگ به این نام خوانده می شود. و عده ای از اهالی روستای پالنگان از توابع کامیاران نیز، آن را «والهك» گویند. نگا: پسله کهوه له. (مو)

وام: (هه ورام): بادام تلخ. درختچه ای است که در روستای ژیار به این نام خوانده می شود. نگا: باذهم تاله ی کیفی. (مو)

تا یک متر ارتفاع می یابد * برای تقویت اشستها و تنظیم قاعدگی (یک قاشق غذاخوری از تمام گیاه در نیم لیتر آب جوشانده مصرف شود) در کردستان بویژه ناحیه اورامان و جوانرود و کرند و قلمخانی استفاده می کنند. (دا)

وردینه: قدومه. نگا: وه ردینه. (مو)

وروه توول: گیاهی است از رستنی های کردستان. (هه)

وهروینگ: نگا: وه ردینه

وزه: ۱- گیاهی است از رستنی های کردستان
۲- نگا: په موو. (مو)

وزه بۆزه: گیاهی است که در روستای گهلین به این نام نامیده می شود. نگا: گینۆ. (مو)

وزه بۆسقه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستاهای بلچه سور، گلپه و بست به این نام خوانده می شود. نگا: وۆ

وزه بۆسکه: گیاهی است که در ایرانخواه (ایران شاه سابق، مرکز تیلکو) به این نام خوانده می شود. در منابع (گز، هه) نیز نام این گیاه آمده است. نگا: وۆ. (مو)

وره بۆلکه: گیاهی است. (هه)

وزه بهلهك: تلخ بیان. (جغفر)

وزه توول: *Astragalus*

گیاهی است از رستنی های کردستان، نوعی گون علفی است. آن را «وزه توول، زه وه توول» هم گویند.

مسحل رویش - در محل های زیر، این گیاه رامشاهده نمود: سولتان شه حمده، هه والآن، ره شنش، سه لواتاوای سته، گلپه، کۆسالآن. (مو)

وزه توولی: نگا: وۆ توول. (مو)

وامی - وامی: بادام. نگا: باذم. (مو، ابرا)

وايم: (لهك): بادام، درخت بادام. نگا: باذم

وايم: (كرماش): بادام. نگا: باذم

واميم: *Amygdalus scoparia*

درختچه ای است از رستنی های کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد: کرماشان، تساقه وسان، گیلانغهرب، گهرده نهی پاتاق، نهوسو. (معص)

وتوونه گيا: *Sinapis arvensis*

خردل وحشی، خردل بری. گیاهی است که آن را «شاته زه دهیمی، گهرمه ژن» هم گویند. (دا)
ودم: درختچه ای است که در اطراف آب بل «ناوی بل» نزدیک روستای هه جیج می روید و عده ای آن را به این نام می نامیدند. (مو)

وۆ: گیاهی است از رستنی های کردستان، تقریباً شبیه «هه لامه» با ارتفاع حدود ۲/۵ متر که در روستاهای مهولاناوا، موسم ناوا از توابع خوزخوزی سه قز و شیخ شهربه تی از توابع مریوان، آن را «وۆ» گویند. و در بعضی جاها آن را «وزه بۆسقه» گویند.

محل رویش - در خیلی جاها - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمود: خوزخوزی سه قز، دامنه کوه سولتان شه حمده، دهره ویان خواروو، مهولاناوا، شیخ شهربه تی، ریگهی کهوله - کۆل، چل چه مه، ره شنش، پاوه، شیان، ریگهی کهله کان - بست، ایرانخواه (ایران شاه سابق - مرکز تیله کۆ)، ریگهی سه رده شت - شنۆ، ریگهی سه رده شت - مه هاباد، سرشیوی مریوان. (مو)

ورچ وستین: گیاهی است. (گز)

ورده گیواو: درمنه دشتی یا باغی - گیاهی پایا و کمی سرخ رنگ با برگهای شاخه ای که

وزم:

*Ulmus minor**= Ulmus carpinifolia*

اوجا، درخت اوجا. درختی است از رستنی‌های کردستان که آن را در کردستان و سه‌ده‌شت از توابع آذربایجان غربی و شیرین‌سوی قزوین «وزم» گویند. در فرهنگ ابراهیم‌پور و فرهنگ مه‌ژار، نام کردی این درخت ثبت گردیده ولی معادل فارسی آن اشتباه است.

محل رویش - روستای نی از توابع مریوان، کنوی میراجی در نزدیکیهای شهر مریوان، اطراف کۆسالان، ره‌شنه‌ش، سه‌ده‌شت، سیراوا، گلیسه، زونج، نهر، ته‌نگی‌سهر، ته‌وینه‌نگ، ته‌کیه. علاوه بر کردستان، در جنگلهای شمال ایران پراکندگی زیادی دارد و در جلگه‌های ساحلی دریای خزر و از ارسباران و آستارا تا گرگان دیده می‌شود و در اطراف خرم‌آباد و هرسین کرمانشاه نیز رویش دارد. (مو، مظ، معر، ثابتی، له‌ک)

وسمه - ووسمه: وسمه. به عربی کتم، بری و بستانی است، ساقه آن غیر مجوف است، خضاب آن قویتر از برگ نیل است. (منه) گیاهی است که برای سیاه کردن مو به کار می‌رود و آن را «گیای نیل» هم گویند. (رو) وش: کتف. آن را «گیا که ندر» هم گویند. (هه) وشرالوک: خار شتر، کسیمه. نگا: وشرخوار. (هه)

Alhagi persarum

وشر خوار:

خار شتر، خار شتر ایرانی، شترخار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «وشر خوار، وشرخۆر، وشرخار، ووشتر دزک،

حوشتر خۆره، وشر خۆرکه، وشر خوه‌رکه، وشر خۆره، یانداخ، کۆله‌وار، کۆله‌وار، دزکه ژال».

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: بیجار، کوزانی، ریگهی بیجار - زه‌ژان، قه‌م چوغه، سه‌لواتاوی بیجار، ریگهی سنه - کرماشان. (مؤلف)

Ononis spinosa

وشرخوار:

خارخار. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در بعضی جاها از جمله: دۆه‌سه، ره‌شنه‌ش، آن را «وشرخوار» گویند و حال اینکه این گیاه خار شتر نیست بلکه ظاهر آن شبیه خار شتر است.

محل رویش - در محل‌های زیر، آن را مشاهده نمودم: ریگهی بیجار - کوزانی، دۆه‌سه، ره‌شنه‌ش، بلچه سوور، هه‌شه‌میز، شیان، روانسر، جوانزۆ، پاوه، کیلان، کانی مشکان، داذه‌نه‌ی سنه، که‌رجۆ، هه‌شه‌میز، ریگهی سنه - قوروه، ریگهی مه‌هاباد - بۆکان، ته‌کیه، تا، سه‌رچی، هه‌نیم، ریگهی بیجار - کوزانی (حدود یک کیلومتر مانده به حسن‌آباد یاسوکند). این گیاه در بین کرمانشاه و کرد هم می‌روید. (مو، مظ، فلور ایران شماره ۱۰۶۹)

وشرخۆرکه: خار شتر. نگا: وشرخوار. (هه)

وشر خۆره: شترخار. نگا: وشرخوار. (مو، هه)

وشر خوه‌ره: خار شتر. نگا: وشرخوار. (مو)

وشر دانه: نوعی گندم است که آن را «وشر دانه، وشر دیانه» هم گویند. (هه، ابرا) وشر ددانه: نگا: وشر دانه. (هه)

وشر دیانه: نگا: وشر دانه

وشر گه‌ون:

Astragalus oleaeifolium

گونه‌ای گون است که در بسیاری از کوه‌های کردستان می‌روید و در روستای شیخ شربتی از توابع شهرستان مریوان و زه‌شنه‌ش از توابع سنندج آن را «وشر گه‌ون» گویند.

محل رویش - در اکثر کوه‌ها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمده، شیخ شهربتی، زه‌شنه‌ش، بلچه سور، شیان، ته‌کیه، ته‌ویور، هه‌شه‌میز، سه‌روهیه، کۆسالان، نه‌ویه‌نگ، کالی سر، ژیوار، که‌رجو. (مؤلف، مظفریان)

ول: ۱- گل ۲- غنچه ۳- خارینی است که به نسترن کوهی می‌ماند. (هه)

Rosa

درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که بعضی از آن دارای گل‌های سفید است که آن را «وله چه‌رموه» گویند و بعضی از آن دارای گل‌های زردرنگ و یا صورتی مایل به قرمز است که آن را «وله زهرده» - «وله سووره» گویند. گونه‌ای دیگر از این درختچه را «وله گلاو» - «وله گولاو» نامند که همان «گول‌باخی» - «گوله‌باغ» معروف است. (مو)

ولگرته: گیاهی است که در روستای ماسیه‌ر (ماسیده‌ر) از توابع خورخوزه‌ی سه‌قو، به این نام خوانده می‌شود. (مو)

وله تسنه: درختچه‌ای است. نگا: شیلان. (مو)
وله تسه - وله تسنه: درختچه‌ای است که در بعضی جاها از جمله روستاهای زه‌شنه‌ش و ناره‌نان از توابع سنندج به این نام خوانده می‌شود. نگا: دلیق. (مو)

وله توت: نگا: شیلان

وله تووتانه: گیاهی است. (مو)

وله تووتی: گل خار، ریشه اصلی گل سرخ که پیوند می‌شود. نگا: شیلان. (ابرا)

Rosa canina وله چه‌رمو:

نسترن وحشی، گل سگ. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان. نوعی از درختچه «ول» است که گل‌های صورتی مایل به سفید دارد. محل رویش - در محل‌های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: ناریز، دزیله، بنیه‌ر، ره‌شنه‌ش، باقلاوی شیخ حسین، زونج، گلیه، خواشت، چل چه‌مه، په‌نجه‌هلی، ته‌کیه، هه‌شه‌میز، شیان، پاوه، ناره‌نان، په‌نجه‌هلی قوروه. نگا: شیلان. (مو)

وله چه‌رموه: نگا: وله چه‌رمو. (مو)

وله چه‌رمه: نگا: وله چه‌رمو. (مو)

وله‌ره: خُلر. دانه‌های سیاه رنگ و تلخ مزه داخل غله. این گیاه را «پولکه، گاکوز، ولیره، ووله‌ره» نیز گویند. (هه، ابرا)

Rosa foetida وله زهرد:

= **Rosa lutea**

نسترن زرد، رز معطر. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان، گونه‌ای از درختچه «ول» است که دارای گل‌های زردرنگ است.

محل رویش - در محل‌های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: سولتان نه‌حمده، شیخ شهربتی، گلیه، خواشت، ریگه‌ی سنه - مریوان، ریگه‌ی سه‌ربناو - ته‌نگی‌سر، کۆله‌ساره، ره‌شنه‌ش، چل چه‌مه، په‌نجه‌هلی، زه‌نان، به‌ینی ناوایی نگل و به‌رقوزو، بلچه سور، گهلین، خانه‌گای گهلین، ناره‌نان، ناریز، هه‌شه‌میز، ریگه‌ی سه‌رده‌شت - شقو. (مؤلف)

وله زهرده: نگا: وله زهرده. (مر)

وله سه گانه: درختچه‌ای است که در روستای کهرج و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می‌شود. نگا: شیلان. (مو)

وله شیره: **Ficaria**

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در اوایل بهار در کنار برف‌های در حال ذوب شدن نشو و نما می‌کند. دارای برگ‌های آبی و گل‌های زرد است. در کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «وله شیره، خوله شیره، گسوله شیره، گوّل وله شیره، چاو که‌له شیره، چاو کتکه، چاو کوتکه». این گیاه را در لون سادات «خوله شیره» در اویه‌نگ «وه‌ره‌شینه» در باخان «چاو کتکه» در نی «چاو کوتکه» و در رشنش «وله شیره» گویند. این گیاه را در بهار و بهنگام جوانی می‌پزند و سرخ می‌کنند و می‌خورند.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: باخان، بوردی سپی، گازان، نه‌ویه‌نگ، زه‌شنه‌ش، شاهو، ده‌رویان فازس، کوّل و دوزه‌غره، لؤنی سه‌بیه‌کان، پالنگان، ته‌نگی‌ور، چل‌چمه، سولتان نه‌حمه، کو‌سالان، کوزه‌میانه، زونج، ثاویه‌ر، پاوه، زوانسر، مه‌لکشان، زه‌نان، کهرج، هه‌شه‌میز، ته‌وریور، شیان، گه‌لین، هویه، سه‌روهیه، داذه‌نه‌ی که‌مانگر، سه‌رشوی مه‌ریوان، در محل‌های زیر هم می‌روید: اکثر مناطق ایران، عراق، آناتولی و ماورای قفقاز. (مو، مظ، معر، رو، گز)

وله که‌چه‌له: در شهر اورامان این کلمه را برای درختچه‌های: وله‌زهرده، ووله‌چهرمه، بکار می‌برند. (مو)

وله گلاو: درختچه‌ای است که در بعضی جاها از جمله روستاهای شیان و نیه‌ر و می‌راو به این نام خوانده می‌شود. نگا: گولباخی. (مو)

وله گلاوی: درختچه‌ای است که در شاری هورامان و نیه‌ر و می‌راو به این نام خوانده می‌شود. نگا: گولباخی. (مو)

وله گولاو: نگا: گولباخی. (مو)

ولیره: **Lathyrus**

خُلَر. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که به عربی آن را (بسيله) گویند. این گیاه در گندم‌زارها می‌روید، دانه‌ای دارد گرد و سیاه رنگ. این گیاه دارای چند نوع است که حداقل سه نوع آن در کردستان رویش دارد. این گیاه را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «ولیره، ولییره، ووله‌ره، وولیره، وولییره، وله‌ره، خلیره، خولیره». که مال، دو نام «زریزانه، زیوان» هم اضافه نموده است.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: حه‌سه‌ناوای سنه، خواشت، کو‌له‌ساره، که‌وبگار، پالنگان، مه‌لکشان، زه‌نان، پیرخه‌یران، وزمان، هزارکاتیان، ژیوار، شاری هورامان، ریگه‌ی بووکان - مه‌هاباد * در طب سنتی: طبیح دانه‌های این گیاه را با عسل، مدر بول و حیض و پاک کننده امعاء و محلل اخلاط فاسد و ملین سینه دانسته‌اند. مقدار خوراکش تا ۵ مثقال است. (مو، رو، هه، منه)

ولیره: گاودانه. نگا: کزن. (هه)

ولیره دهم گه‌نکه: گیاهی است، در که‌وبگار به این نام خوانده می‌شود. نگا: ولیره. (مؤلف)

ولیره کیفی: خُلَر کومی. چند نوع از این گیاه

در کردستان می‌روید. دو نوع از آن در روستای باقلاوای حسین‌شاوا می‌روید، یکسی دانه‌هایش درشت مثل لوبیای خورشتی و دیگری ریز است. (مو)

ولیره مارانه: گیاهی است که در روستای مه‌لکشان، از توابع شهرستان سنندج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

وناو: درختی است جنگلی. «داریکی لیزه‌واره». نگا: بناوچ. (لهک، هه)

وناوچ: درختی است جنگلی. نگا: بناوچ. (مؤلف)

ونه‌وچ: درختی است. نگا: بناوچ. (مو)

وهول: درختی است جنگلی. نگا: ویول. (جنکر)

وهردینه: *Alyssum murale*

قدومه دیواری. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را «گیا وهردینه، وهردینه» هم می‌نامند. حدود ۲۵ سانتی‌متر ارتفاع دارد.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: آبدر، رشنش، میانه، سقز، بیجار، مریوان، صلوات‌آباد، زنان، مه‌لکشان، شیان، کۆسالان * خواص درمانی: تخم یا دانه انواع

این گیاه برای رفع سرفه، باز کردن صدا، باز کردن حنجره و سرماخوردگی مفید است.

یک قاشق چایخوری از آن داخل یک استکان آب جوش بریزید و پس از اینکه

کمی سرد شد از آن را بنوشید. در بعضی منابع، این گیاه را داروی چشم میدانند، علت آن، این است که در طب سنتی از

دمکرده این گیاه برای شستن چشم و رفع درد چشم استفاده می‌شده و هم اکنون هم از آن

استفاده می‌شود ولی خیلی کمتر از دوران گذشته. (مو، معر، سیما، گز، رو، هه)

وهردینه: نگا: وهردینه

وهردینه ک: نگا: وهردینه. (مو)

وهردینه کیفی: *Alyssum*

گونه‌ای قدومه کوهی است که در محل‌های سنگلاخی و لابلای سنگها در ارتفاعات بالای می‌روید.

محل رویش - در اغلب ارتفاعات بالا - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم:

نه‌که‌رۆز، چل‌چمه، قازی به‌کر، کۆسالان، سهرشیوی مەریوان، هه‌شه‌میز. (مؤلف)

وهرس: ورس. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

وهرکه‌مه‌ر: *Artemisia haussknechtii*

درمنه زاگرسی، درمنه صخره‌ای. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. رنگ برگ‌هایش

نقره‌ای است. بعضی‌ها این گیاه و گیاه «به‌رزه‌لنگ» را یکی میدانند. در بعضی جاها آن را «گیابه‌ند» گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: کۆسالان، شاهۆ، هه‌شه‌میز، ژیوار، هه‌ورامان. (مو، مظ، معر، رو)

وهرمز: گاوزبان. نگا: گوزروان. (مو)

وهرمزه: گل‌گاوزبان. نگا: گوزروان. (مه)

وهره‌شیل: گیاهی است که در روستاهای نه‌ویته‌نگ و سالیان، به این نام خوانده می‌شود. نگا: خوئه‌شیره

وهره‌شیل: گیاهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می‌شود. نگا: خوئه‌شیره. (مو)

وهره ق: *Rosa persica*

= *Hultemia persica*

وَرک، رز ابرانسی. درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان که در بیجار به این نام خوانده می‌شود. حدود ۵۰ سانتی‌متر ارتفاع

دارد. برای پوشانیدن سقف بام هم از آن

استفاده می کنند.

وهن:

Pistacia atlantica

. Subsp. kurdica

محل رویش - در محل های زیر، این درختچه را مشاهده نمودم: سه لواتاوای بیجار، حمزه ی عهرو، کوزانی، دامنۀ حمزه عرب نزدیک حسن آباد واقع در حومه بیجار، بین بیجار و کرانی. (مؤلف)

وهرق: خار بیابان. «دزکی دهشت». (هه)

وهرق: خارین بیابان. «پنجه دزکی دهشت». (هه)

وهرق: (کرماش): بوته ای به بلندی ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر با گل های ریز و زیبا که در کوهستان های مغرب ایران می روید. (کرمانشاهی)

وهز: گردو. نگا: گویز. (مو)

وهزله ون: گیاهی است. (رو)

وهز مه ژگلی: گیاهی است خوردنی که آن را «وهز مه ژگلی» هم گویند. (رو، هه)

وزه لگ: اسپند. نگا: خه ره لگ. (مو)

وهز مه ژگلی: نگا: وهز مه ژگلی.

وهزی: گردو. نگا: گویز. (مؤلف، ابرا، هه)

وهزیری: نوعی انجیر است. (هه، ابرا)

وهشه لاش: گیاهی است که در روستاهای

هه شه میز و شیان از توابع سنندج به این نام

خوانده می شود. نگا: کو کلا شک. (مو)

وه لایک: آلبالو. نگا: به لالووک. (هه)

وه لگه زنه: گیاهی است که در روستای

بست به این نام خوانده می شود. (مو)

وه لهک: گیاهی است که در روستای ژیار از

توابع هه ورامان به این نام خوانده می شود.

محل رویش - هه ورامان، سلین، بلهر، که ماله،

ژیار، شیان، سه رهویه، هویه. نگا:

پسله که وله. (مو)

بته، درخت بته. درختی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر می نامند و مسمی شناسند: «وهن، داره وهن، وهنی، دار قه زوان». در منابع (هه، ابرا) نیز به نام این درخت اشاره شده است. نگا: داره وهن. (مؤلف)

وهناو: (کرماش): زبان گنجشک. درختی

است که از چوب بعضی انواع آن عصاهای

محکم می سازند. نگا: بناوچ

وهناوشه: (کر): بنفشه. نگا: وهنه وشه.

وهناوشهک: (کرماش): میوه درختی

جنگلی به همین نام. نگا: وهنه تهق

وهنو له: «گیاه که». (هه)

وهنه تاق:

Pistacia atlantica, supsp. kurdica

نگا: داره وهن

وهنه تهق: نوعی درخت بته که ثمر ریز دارد،

چاتلانقوش. «چوره دار قه زوانیکه به ره که ی

ورده، پنهوشیله». به معنی میوه درخت بته نیز

آمده است. (هه، مو)

وهنه شامی: بادام زمینی، پسته شامی. (دا)

وهنه مشک: نوعی درخت بته است که ثمر ریزی

دارد و آن را «وهنه مشک، وهنه مشک، پنهوشیله،

وهنه شک، وهنه تهق» گویند. (هه، رو، مو)

وهنه مشک: نوعی از درخت بته است که

ثمر و میوه اش از گونه دیگر ریزتر است و

اهالی روستای ژیار، آن را به این نام

می نامند. نگا: وهنه مشک. (مو)

ونهوش: بنفشه. نگا: وهنه وشه. (مو، هه)

Pistacia mutica وونهوش:

بته، پسته وحشی، سقز. درختچه ای است به

تازه‌آباد آصف از توابع سارال نوعی «کاسه‌شور» می‌دانند و می‌نامند. (مو، مظ)
وَه‌نَه‌وَشَه‌ی عَه‌تَرِی: نگا: وَه‌نَه‌وَشَه

وَه‌نَه‌وَشَه‌ی کِیْفِی: بَشْفَشَه صَحْرائی گیاهی است که گل‌هایش شبیه گیاه سالمه است و به این نام خوانده می‌شود. (مو)

وَه‌نَه‌وَلَه: گیاهی است. نگا: بَه‌نَدَوَکَه. (رو، که)

وَه‌نِی: درختی است که در هه‌ورامان تَه‌ت و بعضی از روستاهای لوهُون و پاوه به این نام خوانده می‌شود. این درخت را «وَه‌ن، قَه‌زَوَانه» هم گویند. نگا: دَاوَه وَه‌ن. (مو، رو، ابرا)
وَه‌یَسْقُولِی: نوعی انگور است. (مو)
وِی: بید. آن را «دَاوَه بی، داری» نیز گویند. نگا: بی. در گویش له‌کی به معنی میوه به یا درخت به، نیز آمده است.

وِیژ: گیاهی است علفی، کوهستانی. نگا: بَوَژ وِیژینگه: گیاهی است علفی، گیاه گاوشیر که شیره آن خاصیت دارویی دارد. (رو، هه، گز)
وِیژینگه: نگا: وِیژینگه

وِیژ: (له‌ک): درختی است جنگلی

وِیژَه‌بَرَه: ریحان کوهی که آن را «رِیَحانَه کِیَوِله» هم گویند. (هه)

وِیژَه‌بَرَه: *Salvia multicaulis*

مریم‌گل ارغوانی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که آن را با نام‌های زیر، می‌نامند و می‌شناسند: «وِیژَه‌بَرَه، وِیژَه‌وَرَه».

محل رویش - حه‌سه‌ناوای سَه، چَل چَه‌مَه، هه‌زارکانیان، خَوَژخَوَژَه و سَه‌یفاوای سَه‌قَژ، بَست، رِیگَه‌ی کَه‌لَه‌کان - بَست، هَوِیه، سَه‌رَه‌وِیه. (مؤلف)

وِیژَه‌وَرَه: گیاهی است که در خَوَژخَوَژَه و سَه‌یفاوای سَه‌قَژ به این نام خوانده می‌شود.

ارتفاع ۲ تا ۴ متر و از رستنی‌های کرماشان. محل رویش - در محل‌های زیر، پراکندگی دارد: کرماشان، پاوه، ئیسلام‌ناوای خه‌رب، نه‌وسو، کردنی خه‌رب، گیتلان‌خه‌رب، کِیَوِی ماکوئی جوان‌ژ. این درختچه را «وَه‌نَه‌تاق، قِیَسَقَه‌وان» نیز گویند. (معص)

وَه‌نَه‌وَشَه: *Viola odorata*

بَشْفَه، بَشْفَه‌مَعطَر، به عربی بَشْفَج. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق و گُریش‌های مختلف آن را «وَه‌نَه‌وَشَه، وَه‌نَوش، بَه‌وَشَه، وَه‌نَوشَه، بَه‌نَوش، وَه‌ناوَشَه» گویند. مادی‌های طبرستان هنوز این گل را «وَه‌نَوشَه» نامند. در انگلیسی آن را (Sweet violet) گویند.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: حه‌سه‌ناوای سَه، ئه‌وِیَه‌تَگ، وِی‌سَه‌ر، رَه‌شَه‌ش، بَلچَه‌سور، شِیان، تَه‌کِیه، هه‌شَه‌مِیژ، هه‌ورامان، چَل چَه‌مَه، تَا، سَه‌رِچی، هه‌نِیَمَن، گَه‌لِیَن، خانَه‌گای گَه‌لِیَن، تَه‌وِریوَه ...
«شَمشاد و نَه‌رگس وَه‌نَه‌وَشَه‌ی چَه‌مَه‌ن سَه‌یَرشان ئازار بَینایی چَه‌مَه‌ن»
«وَه‌نَه‌وَشَه‌ی جَوانی خَوَشَبُق هَساته دهر له لی‌سوی جَـو دَار، دهری کوردوه چَـرَـو کَه‌رویشکَه‌ی کورد گَه‌نم و جَو»
«نَه‌وِیه‌ی بَه‌هاره برا حوکی خوی به کام ئه‌کا و گَه‌ردن که چه وَه‌نَه‌وَشَه له زَه‌نَبَق سَه‌لام ئه‌کا»
(مو، هه، دَا، مَن، رو، ابرا، مَدو، گولَآه)

وَه‌نَه‌وَشَه: *Phlomis pungens*

گوش بره بَشْفَش، گوش بره عراقی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. در بیجار و سارال آن را مشاهده نمودم. این گیاه را در بعضی از روستاهای بیجار «وَه‌نَه‌وَشَه» و در

Lotus gebella

وینجه کیفی:

نگا: کرمه کوژه. (مو)

وینجه کیفیله: گیاهی است که در روستاهای صلوات آباد و کوژکوژه از توابع سندج، به این نام خوانده می شود. نگا: وینجه کیفی

وینجه ی کیفی: نگا: وینجه کیفی

وینهو: (لهك): عناب، درخت عناب. نگا: هناو.

Quercus libani

ویؤل:

= Quercus. regia

= Quercus. carduchorum

= Quercus. ovicarpa

یسول، بلوط لبانی. درختی است از رستنی های کردستان، گونه ای از بلوط است به ارتفاع تا ۱۰ - ۱۵ متر. پیاله آن نیمی از میوه را می پوشاند و استکانی شکل است، میوه آن استوانه ای یا کمی بیضی شکل با انتهای فرورفته با موکرون کوتاه، ناف آن محذب پهن با حاشیه سیاه رنگ.

محل رویش - در محل های زیر، این درخت را مشاهده نمودم، کوه میراجی و ارتفاعات روستای ئ از توابع مریوان، ارتفاعات دهر بن دزئی. این درخت را «ویؤل، ویؤل» هم گویند. (مو، ثابتی، معر)

ویؤل - ویؤل: نگا: ویؤل

ویؤل: نگا: ویؤل

«۵»

هاجی بایف: نگا: حاجی بایف. (هه)

نگا: ویؤل، بژه

ویسار:

Arctium

گیاهی است. (که)

ویسر: درخت یسر. «داریکی زهشی بژن خوشه ده نکه ته زیجی لئ چن ده کهن». (هه) ویشن: اکبر ترکی، قصب الدیره. نگا: پیرگیا. (دا)

ویکؤل: نوعی درخت بید است که آن را در هورامان، به این نام می نامند و در جاهای دیگر آن را «بی کؤل، ویکؤل، کؤل بی، وی کؤل» گویند. نگا: بیکؤل. (مو، رو، هه، که)

وی کؤل: نوعی درخت بید است که در روستای ژیار، به این نام خوانده می شود. نگا: بیکؤل

ویلنگه: نگا: ویرینگه

ویلنگه: نگا: ویرینگه

Ferula orientalis

ویلنه:

کمای شرقی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای همرم دؤل از توابع سهرشیوی سهقر، شیخ سهرمته ای از توابع مریوان و خورخوزه و ماسیدر از توابع خورخوزه ی سهقر، آن را «ویلنه، ویلنه» می نامند. نگا: ویرینگه

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم. همرم دؤل، سولتان نه حمده، زمزیران، خورخوزه، ماسی دهر. (مو، مظ) ویؤلوو: درختی است کوهی. (رو، که) وینجه: یونجه. آن را «یونجه» هم گویند. (مو، هه)

وینجه بؤگه نه: گیاهی است از رستنی های کردستان که در قلقله میرده به این نام خوانده می شود. نگا: کرمه کوژه

هاری: گلابی. نگا: هه مرۆ

هاروو: خیار. نگا: ئارو

هاروی: ۱- خیار. نگا: ئارو ۲- لته که آن را

«پوک» هم گویند. (ابرا، هه)

هاز:

Arum

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «هاز، هاس، هازه، خاز، گوله‌خاز، کاردوو، کاردی». این گیاه دارای انواعی است از جمله: هازه خووگانه، هازه قوزه، هازه زه‌شه، هازه کوزه. پهنای برگهای بعضی از انواع این گیاه حدود ۱۹ سانتی‌متر و درازای برگها حدود ۲۹ سانتی‌متر است. پیازه بعضیها شبیه پیازه «پیشوک» است. ارتفاع ساقه بعضیها حدود یک متر است. بعضی از انواع این گیاه را می‌پزند و می‌خورند و گاهی آن را خشک می‌کنند و در زمستان مصرف می‌نمایند. از این گیاه غذایی درست می‌کنند و شلغم و باقلی و نخود در آن می‌ریزند و این غذا را «هازاو» گویند.

محل رویش - چند گونه از این گیاه را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: باخان، کوههای پشت سروآباد، کوههای نیاباد و برقرو، کۆسالان، ژیوار، که‌ماله، شاری هه‌ورامان، شاقو، زه‌شنه‌ش، به‌ورو پهریشان، چل‌چمه، گهلین، خانه‌گای گهلین، ته‌وریوه، کۆرکۆره، ده‌رویوان فازس، چه‌سناوای سنه، پالنگان، دۆله‌زه‌ش مایین دۆل، که‌وبگار، په‌نجه‌ه‌لی، کپله‌شین، خورخۆزه‌ی سه‌تۆ، نه‌که‌رۆز، پیرعومهران، وئی‌سه‌ر، وتوه‌زه‌وی، نه‌وێه‌نگ، به‌ر قۆز، بلچه‌سور، شیان، که‌رجۆ، هه‌شه‌میز، سه‌روهیه، هویه. (مو، رو، گۆ، هه، نادر)

هاز: گیاهی است وحشی شبیه پیاز و آن عبارت از «پیازه خووگانه» است. توضیح اینکه فقط در فرهنگ هه‌ژار، این کلمه به معنی «پیازه خووگانه» آمده است. (هه)

هازه: نگا: هاز

هازه بزکی: گیاهی است که در روستای حسن‌آباد سندیج به این نام خوانده می‌شود. (مو)

هازه به‌لک: نوعی گیاه «هاز» است. نگا: هاز. (مو)

هازه خووگانه: نوعی از گیاه «هاز» است که در بعضی جاها آن را «هازه زه‌شه و هازه مارانه» هم گویند. (رو، مو، هه)

هازه زه‌شه: نوعی از گیاه «هاز» است. نگا: هازه خووگانه

هازه قوزه: گیاهی است که برگهایش تقریباً شبیه برگ خوژه است با این تفاوت که برگهای خوژه دولایه است و توخالی و برگ آن از وسط تاشدگی دارد ولی هاز ندارد، در دامنه‌های شساقو بحد و فور در لابلاهی شله‌جافها رویش دارد. در لۆئی سادات به این نام خوانده می‌شود. (مو)

هازه کۆزانه: نوعی از گیاه «هاز» است. نگا: هاز. هازه کۆزه: نوعی از گیاه «هاز» است. نگا: هازه کۆزانه

هازه مارانه: نوعی از گیاه «هاز» است. در بعضی جاها آن را با «هازه خووگانه» یکی میدانند. (مو، رو)

هاس: گیاهی است. نگا: هاز. (مو، هه)

هافلیک: ۱- گیاه جارو. نگا: گیاهه‌سک ۲- جارو. (هه)

هالوبلاو: *Cerasus vulgaris*

آلبالو، آلبالوی پرورشی. درختی است که در

بسیاری از نواحی و روستاهای کردستان پرورش داده می شود. در ژاورود از جمله در روستاهای سهرویه، هویه و سالیان، به این نام نامیده می شود. (مؤلف). در جاهای دیگر، آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «هاله بلالووك، هالو بلالووك، هالوبه لالووك، هالوبه لالووك، هاله به لالووك». میوه این درخت را نیز با همین نامها، می نامند. (مو، هه، ابرا، رو)

هالوبلاووك: آلبالو، آلبالوی پرورشی. نگا: هالوبلاو.

هالوبلاووك: آلبالو. نگا: هالوبلاو.

هالوبه لالووك: آلبالو. نگا: هالوبلاو.

هالوبه لالووك: آلبالو، آلبالوی پرورشی. نگا: هالوبلاو.

هالوینی: زردالوی هسته شیرین. (هه)

هاله بلالووك: درختی است که در روستاهای کوله ساره و رهنش به این نام

خوانده می شود. نگا: هالوبلاو

هاله به لالووك: آلبالو، آلبالوی پرورشی. نگا: هالوبلاو

هاله كوك:

Scorzonera

شنگ اسبی. گیاهی است از رستنی های کردستان و شبیه شنگ ولی دارای برگهای پهن تر است. پوست ریشه این گیاه را بر می دارند و بقیه آن که سفید و شیرین است می خورند. برگهای آنهم قابل خوردن است. در میان مردم از این گیاه به نام ارمغان چوپان یاد می کنند. ضرب المثلی است معروف که می گویند: «سۆقات شوان، یا شنگه یا هاله كوك». این گیاه دارای گل زرد رنگ زیبایی است و بعضی از انواع آن دارای گل سفید

رنگ است. در کردستان، این گیاه را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «هاله كوك، هه لاکوك، هه لاکوك، هاله كوك، هاله كوك، هاله كوك، هه پلوك».

محل رویش - در اغلب کوهها و ارتفاعات - در محل های زیر، آن را مشاهده نمود: ژالان، که ماله، بلهر، شاری هه و امان، ژیار، ئارویه، ئاریز، ئاره نان، سلین، سولتان نه حمه، رهنش، کوزه میانه، نه که رز، پیر هومران، ئاربه، کامیاران، خورخوزه، سقز، سه یقاوا، موسم ئاوا، شیان، زوانسهر، پاوه، جوانزق، ریگهی میراوا - شنق، که رجق، هه شه میز، هویه، سهرویه. بعضی از انواع این گیاه حدود ۶۵ سانتی متر ارتفاع دارد. (مو، قا، هه، ماد، او، گز، رو)

هاله كوكی: گیاهی است که در هه و امان و گهلین به این نام خوانده می شود. نگا: هاله كوك. (مو)

هالی كوك: گیاهی است که در بعضی از روستاهای بانه به این نام خوانده می شود. نگا: هاله كوك. (مو)

هپلوك: ریشه گیاهی که مانند سیب زمینی است ولی پوست آن سیاه است و داخل آن مایعی سفید مانند شیر است و در زمین های دیم می روید. این گیاه را «هپلوك، هه پوليك» هم گویند. نگا: هاله كوك. (لهك)

هچهار: فلفل قرمز. نگا: بیباری سور هر می - هر می: امرو، گلای. نگا: هه مرق. (هه، ابرا)

هزار پاش: گیاهی است. (مو)

هزارگهز: گیاهی است دارویی، گیاه هزارگوشان. (هه)

- هزیران: خیزران. درختی است. هه ژار، آن را
 درخت خیزران نامیده و معادل کردی آن را
 «داری خه یزه ران» نامیده است.
- هژیر: (با): انجیر. نگا: هه تجیر. (ابرا، هه)
 هقرست: درختی است.
- هلاآه بره یممی: لاله سرنگون. گیاهی است
 که در روستای ژیوار به این نام خوانده
 می شود. نگا: هه لآه برمه. (مو)
- هلز: گیاهی است که مصرف دارویی دارد و
 علوفه خوبی برای دام است. نگا: هه لز. (هه)
- هلگۆ: آلوچه. نگا: هه لوچه. (رو)
- هللق: آلوچه. نگا: هه لوقه. (هه)
- هلوت: گیاه چوبک. آن را «که فکه فوگ، گیا
 نه سپۆن» نیز گویند. (هه)
- هلوره شك: آلو بخارا. نگا: نالو بخاره. (هه)
- هسله زره: (کولیایی - بیجاری):
 تاجریزی. گیاهی است که در سنقر و کلیایی و
 بیجار، به این نام خوانده می شود. نگا: ره زله
- هله گشه: بارهنگ. نگا: رکیشه. (مو)
- هلهلووک: آلبالوی کوهی. نگا: بلالووک
 کیشله. (هه)
- هلیره: (کرماش): نوعی بقولات غلافی
 شبیه گاودانه اما درشت تر
- هنار: انار. نگا: هه نار. (ابرا، هه)
- هناریز: درخت انار. نگا: هه نار. (هه)
- هنترش: گیاهی است تندمزه و دارویی. (هه)
- هندوبا: گیاهی است خوراکی که در آشن
 می ریزند. (هه)
- هندووی: نوعی انگور است. (هه)
- هنده کو: گیاهی است، گیاه شبدر. نگا:
 شه بدهر. (رو، هه)
- هنگشینو: گیاهی است که میوه و ثمرش
- شیرین است. (هه)
- هنگور: انگور. نگا: هه نگور. (هه)
- هنگه ریز: انگور. نگا: هه نگور
- هئله هه وانه: گیاهی است از رستنی های
 کردستان. در بعضی جاها به گیاه «گوآ هه نگ»
 می گویند. نگا: گوآ هه نگ. (مو)
- هنوانه: (کرماش): هندوانه. قه سری:
 شامی. نگا: هه نی
- هنه: حنا، گیاهی است. (هه)
- هو داخ: بوته مویزک. نگا: ده مو و کانه. (هه)
- هورما: خرما. نگا: خورما. (هه)
- هورمی: گلایی. نگا: هه مرو. (هه)
- هوزبی: گیاهی است. نگا: هه زیو
- هوزه زوو: گیاهی است آبی، دارای برگهای
 ریز. (رو، هه)
- هوزه لان: گیاهی است خوردنی. (هه، رو)
- هوزه لاو: گیاهی است. نگا: هوزه لان
- هوسه میل - هوسمل: (لهك): نوعی گیاه
 وحشی است که دارای پیاز است و این پیاز،
 خوراک گراز است.
- هوشتر الوك: خارشتر. نگا: وشرخوار. (هه)
- هوك: نخود. نگا: نوک. (هه)
- هول: گلی است زرد رنگ. (هه)
- هولو: هلو. نگا: هه شتالو. (هه)
- هولوو: هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو. (ابرا)
- هولتیر: چنار. تبریزی. نگا: سپیندار. (هه)
- هولیره: *Vicia hyrcanica***
- ماشک خزری. گیاهی است از رستنی های
 کرماشان که در محل های زیر، پراکندگی دارد:
 کرماشان، قه سری شیرین، نیسلام ناوای
 غرپ، تاقه و سان، سوتقوز، پاوه. (معص)
- هولیره: *Pisum sativum***

نخودفرنگی، گیاهی است از رستنی های کرمانشان که در اکثر نقاط پراکندگی دارد. (معص)
هوم: افیدرا، هوم. آن را «ریشه بزنه» هم گویند. (مه)

هونه: حنا. نگا: خونه.
هوویړك - هویرك: شاه توت. نگا: توهه سووره. (هه، ابرا)

هه بزه ش: سیاه دانه. نگا: سیاو له. (هه)
هه بزه شك: سیاه دانه. نگا: سیاو له. (هه)
هه بوسان: رازیانه. نگا: رازیانه. (هه)
هه بی: ۱- کنگر. نگا: قنگر ۲- پنبه. نگا: په موو. (رو، هه، که)

هه پلوك: گیاهی است که در بعضی از روستاها و مناطق کردستان از جمله روستای دوشان و نهران از توابع سنندج و بعضی از روستاهای کامیاران به این نام خوانده می شود. نگا: هاله كوك. (مو، رو، هه، که)

هه پلوك: Scorzonera pseudolanata شنگ اسبی نخجوانی. گیاهی است از رستنی های کرمانشان. در محل های زیر پراکندگی دارد: اسلام آباد غرب، کوه شاهو، کرد غرب، سرپل ذهاب، کوه پرو، تنگ کشت. (معص)

هه پلوك: (دیل): پیاز کومی. (علیر)
هه پلوك: (کر): ریشه ای غده ای مثل سیب زمینی با پوست سیاه و شیرهای سفید رنگ. هه تاو په زس: نگا: گوته به زووه
هه تاو په رست: گل آفتاب پرست. (رو)
هه رابی: گیاهی است. (رو، که)
هه راله: لاله. (ابرا)

هه ریزه: خریزه. نگا: کاله ك. (هه)
هه ریه نگ: نگا: خه ریه نگ

هه رجایی: ۱- گلی است شبیه بنفشه. (هه)
۲- نوعی بنفشه است. (رو)

هه رجن: Amygdalus بادام وحشی، بادام تلخ کومی. درختچه ای است که در بعضی جاها از جمله روستاهای زه نان، ره شنش و لونی سه بیه کان، به این نام خوانده می شود.

«خوزگم به هه رجن چنور هاوسایه گوزهرگای که لنگه له به فراو له پایه» نگا: باذم کیفیله. (مو)
هه رجنی: (هه ورام): درختچه ای است. نگا: هه رجن. (مو)

هه رزاله: نگا: ریژه له. (هه، رو)
هه رزه له: گیاهی است که آن را «ریژه له، هه رزاله، تووله زه زه» نیز گویند. نگا: ریژه له. (رو)

هه رزن: ارزن. گیاهی است که آن را «باچیک، گال» نیز گویند. (رو، هه، ابرا)

هه رزنه: ۱- خنچه شکوفه تاک ۲- گیاهی هرزه در کشتزار توتون. (هه، که)

هه رزنه تاله: ارزن تلخ، گال. نگا: گال. (هه)
هه رزنه کیویله: ارزن کومی. (هه)

هه رزنه گه وره: گاورس. نگا: گارس. (هه)
هه رزنه گیلوش: نوعی ارزن با دانه های بلال مانند. (هه)

هه رکه قانی: انجیر. نگا: هه نجیر
هه رکیشه: گیاهی است. نگا: رکیشه. (مو)
هه رملی: گیاهی است که در روستای ژوار به این نام خوانده می شود. نگا: هه لمه له
هه رمه له: اسپند. نگا: قانگ. (هه)

هه رمه له: ختمی، گل ختمی. آن را با نام های زیر، می نامند: «هیرق، هه لمه له، هه رمه له،

هه‌رمه‌لێ. (مو، هه، ابرا)

هه‌رمه‌لێ: گیاهی است که در بعضی جاها از جمله ناوایی ته‌کیه از توابع سهندج به این نام خوانده می‌شود. نگا: هه‌لمه‌له. (مو)
هه‌رمه‌لێ: ختمی. نگا: هه‌لمه‌له
هه‌رمی: گلابی، امروود. نگا: هه‌مرۆ
هه‌رمی: گلابی، امروود. نگا: هه‌مرۆ
هه‌رمی شینکه: گلابی کومی. (ابرا)

هه‌رمی کرۆوزی: نوعی گلابی است. (هه)
هه‌رمی کوژ: نوعی از امروود کومی است که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. (مو)
هه‌رمی کیوی: گلابی کومی. نگا: هه‌رمی کیویله. (مو)

هه‌رمی کیویله: **Pyrus**

گلابی وحشی، گلابی کومی، گلابی جنگلی، درخت و درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان. در منابع (هه، ابرا) هم به نام این درختچه اشاره شده است. در سالهای اخیر، گلابی معمولی را روی گلابی وحشی پیوند زده‌اند و میوه خوب و جالبی از آن بدست آمده است.

محل رویش - این درختان و درختچه‌ها را در محل‌های زیر مشاهده نمودم: کوزه میانه، زۆنج، ده‌ریشان، پالنگان، شاهۆی پالنگان، شاهۆی ته‌نگی‌وه‌ر، دۆژ ته‌نگی‌وه‌ر، نجی، سالیان، میراوا (له به‌ینی سه‌رده‌شت و شنۆیه)، ریگه‌ی بانه - سه‌رده‌شت، گه‌لین، هه‌شه‌میز، ره‌شنه‌ش، ریگه‌ی سه - که‌زه‌سی، نه‌که‌رۆژ، ریگه‌ی سه‌ربناو - ته‌نگی‌سه‌ر، کۆسالان، باخان، میراجی، خانه‌گای گه‌لین، شیان، روانه‌ر، جوانۆژ، پاوه، چل چه‌مه، کوچک چنار. (مو)

هه‌رمی گولآویی: نوعی گلابی معطر است. (هه، ابرا، مو)

هه‌رمی لاسووره: نوعی گلابی است. نگا: ئالیسوور. (هه)

هه‌رمی مام سارمه: نوعی گلابی است. (هه)
هه‌ره‌به‌نگ: نگا: خه‌ره‌نگ
هه‌زه‌زآله: نگا: ریزه‌له. (هه)

هه‌زه‌کیشه: گیاهی است که در روستای تاینه به این نام خوانده می‌شود. نگا: رکیشه
هه‌ریز: گیاهی است که در بیجار به این نام خوانده می‌شود. بعضی آن را (حلف هفت بند) می‌دانند. (مو)

هه‌ریز: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. بنا به نوشته کتاب زووه‌ک به عربی آن را (حشیشه برمودا) گویند.

محل رویش - در اغلب جاها - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: زه‌مان، مه‌لکشان، میانه، زه‌شنه‌ش * در طب سنتی: دم کرده ریشه این گیاه را برای مداوای مرض قند مفید می‌دانند و تصفیه‌کننده خون و دفع‌کننده سنگ کلیه و مثانه می‌دانند و شستن سر با این گیاه تقویت‌کننده مو بوده و چربی و شوره سر را از بین می‌برد. (مو، گۆ، رو)

هه‌زار گه‌ز: گیاه هزارگوشان. نگا: هزار گه‌ز
هه‌زار گه‌لآ: گیاهی است (Milfoil) بحرایی: آخیلیا، قیصوم. که مال، خواص در مانی این گیاه را چنین نوشته است: * «... دۆی زه‌حیری و ژانی گورچیله‌یه، یا ده‌ره‌که‌رو به‌هیزکه‌ره» له هه‌ولیر و موسل و که‌رکوک دا ده‌زویت. (رو، که)

هه‌زاوا: الو، صبر. نگا: نه‌زاوا. (هه)

هه‌زبۆ: ۱- هه‌زبی کیفیله ۲- هه‌زبی باخی ۳-

هه‌زبۆ باخى: *Origanum vulgare*

مرزنگوش وحشى، مرزنجوش، گياهى است از رستنى‌هاى كردستان كه آن را با نام‌هاى زير مى‌نامند و مى‌شناسند: «هه‌زبۆ باخى، هه‌زبۆ نجوش، هه‌زبۆ باخى، هه‌زبۆ باخيله، هه‌زبۆ باخى، هه‌زبۆ ناوى، هه‌زبۆ باخى، هه‌زبۆ باخى، هه‌زبۆ ناوى، هه‌زبۆ نجوش، گوى مشك، گوچكه مله». ارتفاع اين گياه از ۴۵ تا ۸۵ سانتى متر است.

محل رویش - در محل‌هاى زير، اين گياه را مشاهده نيمودم: سووركه‌ؤل، بلچه سوور، سولتان نه‌حمه‌د، كوئل و دوزه‌غره، هه‌شه‌ميژ، شيان، سه‌روهيه، ره‌شه‌ش، ته‌كيه، ته‌نگى سه‌ر، كوئه‌ساره، ميانه، زونج، خووخوژى سه‌قز، چل چه‌مه، پاوه، قولقوله‌ى ميره‌دئ، بين زميران و كانى زه‌ش. نگا: هه‌زبۆ نجوش. (مو). هه‌زبۆ باخى: گياهى است كه در روستاى قولقوله‌ى ميره‌دئ از توابع سقز به اين نام خوانده مى‌شود. نگا: هه‌زبۆ باخى. (مو). هه‌زبۆ كىفى: آويشن كوهى. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو).

هه‌زبۆ كىفيله: *Thymus kotschyanus. var*
آويشن كوهى. گياهى است به صورت بوته‌اى با شاخه‌هاى خوابيده و برگهاى معطر و نيزه‌اى تخم‌مرغى. شاخه‌هاى گلدار اين گياه حدود ۲۰ تا ۳۵ سانتى متر ارتفاع دارد. اين گياه را در مناطق و گويشهاى كردستان با نام‌هاى زير مى‌نامند و مى‌شناسند: «هه‌زبۆ كىفيله، هه‌زبۆ كىفيلن، هه‌زبۆ، هه‌زبۆ، هه‌زبۆ كوئلن، هه‌زبۆ كىفيله، هه‌زبۆ كىفى، جاتره، نه‌زبۆوه كىفيله، هه‌زبۆ كىفيله، نه‌زبۆوه. ترك زيانان شهرک بیجار، اين گياه را «كه هليك

مه‌رزه كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كىفيله: نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆه: آويشن كوهى. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كىفيلن: آويشن كوهى. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كوئله: گياهى است كه در هه‌ورمان به اين نام خوانده مى‌شود. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كوئلى: گياهى است كه در بعضى از روستاهاى كردستان از جمله روستاى كه‌لجى از توابع هه‌ورمان به اين نام خوانده مى‌شود. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كوئلى: گياهى است كه در بعضى از روستاهاى هه‌ورمان از جمله ژبور، به اين نام خوانده مى‌شود. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. هه‌زبۆ كىوئى: آويشن كوهى. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ كىوئيه: آويشن كوهى. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ: در بعضى از مناطق كردستان اين كلمه را به دو گياه زير مى‌گويند: ۱- هه‌زبۆ باخى كه در فارسى آن را مرزنگوش وحشى، مرزنگوش و مرزنجوش مى‌نامند و نام علمى آن *Origanum* مى‌باشد. نگاه كنيد به: هه‌زبۆ باخى ۲- هه‌زبۆ كىفيله كه در فارسى آن را آويشن كوهى و آذر به گويند و نام علمى جنس اين گياه *Thymus* مى‌باشد. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو)

هه‌زبۆ: گياهى است كه در پيرعومهران به اين نام خوانده مى‌شود. نگا: هه‌زبۆ كىفيله. (مو). هه‌زبۆ ناوى: نگا: هه‌زبۆ باخى. (مو)

ئوتى، كه كليك ئوتوتى، گويند. نكا: ئەزبۇو،
محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را
مشاهده نمودم: کوژە میانه، زونج، ئاویەر،
كەل ھەمەرق، سولتان ئەحمەد، پیرەمەرەن،
نەكەرۆز، تەنگى سەر، نىەر، كۆلەسارە،
سەرچى، نراز، تا، دۆلاو، ەوالان، تەكە،
هەشەمىز، ئاشقان، ساوو سەحى، وئى سەر،
سەرھویە، ھویە، ئەویەتەنگ، وتەرە زەوى،
رەشەش، شارەكى بیجار، دۆلەزەش مایین
دۆل، زەرەوان، كەرچۆ، سەلواتاوى سەنە،
ئىبرايم ئاوى سەنە، كۆركۆرە، سالیان، نەجى،
چەم دەره زەنجیر، خواشت، بۆزیدەر،
كالى سەر، دەگاگا، مازی بن، رینگى مەریوان -
كامیاران، رینگى کامیاران - زوانسەر، ژىوار،
كۆسالان، شاری ھەورامان، كەمالە، بلبەر،
سلین، ھەجیج، پەنجە ەلى قوروە، قوئوقلەى
میرەدى، گەلین، خانەگای گەلین، تەوریور،
دەرەویان فەزەس، كۆل و دوزەغەرە،
خوزخۆزەى سەقز، سەفاواى سەقز، چل
چەمە، كەكەوسان، دەرەویان خواروو، وزمان،
كانى سەبى، رینگى مەریوان - سەقز، بەورو
پەرىشان، بیجار، قەیسە، سارال (منطقه)، ھەزار
كانیان، بلجە سور، سەلواتاوى بیجار، تەم
چوغە، شیان، قازی بەكر، روانسەر، جوانرۆ،
پاوه، رینگى مەهاباد - بووكان، زمیران * در
طب سستی: ۱- جوشانده این گیاه را با ریزه
ماراته، و استفاده از آن به صورت حمام برای
دردهای رماتسمی مفید می دانند ۲- عدهای
از اهالی شهرک بیجار بر این باورند که اگر
آویشن کوهی را با تخم مرغ مخلوط کرده و با
کمی روغن، آن را کمی بپزید و بخورید از
اسهال جلوگیری می کند. (مؤلف)

هزبى كئوى: آویشن کوهی. در قلقله
میرەدە بە این نام خواندە مى شود. نكا:
هزبى كئیفیلە. (مو)
هزبى كئویله: آویشن کوهی. نكا: ھەزبى
كئیفیلە. (مو)
هزبى كئویله: آویشن کوهی. نكا: ھەزبى
كئیفیلە. (مو)
هزبى كئویله: آویشن کوهی. گیاهی است که در
شهرستان قروه با نام های «هزبیلە، ھەزبۇە،
ئەزۇە» آن را می نامند و می شناسند. در منابع
(رو، کشت) نیز این نام آمده است. نكا:
هزبى كئیفیلە. (مو)
هزبیه: ۱- در روستاهای گەلین و خانەگای
گەلین و ئەویەتەنگ بە گیاه «هزبى باخى»
می گویند ۲- در روستای تا بە گیاه «هزبۇە»
می گویند ۳- در روستای تەنگى سەر بە گیاه
«مەرزەى كئفى» گویند ۴- ادویه، چاشنی های
علقى داخل غذا و گیاه خوشبوی خشک
کرده برای خورش که آن را «هزویه» نیز
گویند ۵- مرزە. (مو، ابر، ھە)
هزبیه باخى: گیاهی است که در بعضی
جاها از جمله روستای ئەویەتەنگ، بە این نام
خوانده مى شود. نكا: ھەزبى باخى. (مو)
هزبیه باخیلە: گیاهی است. نكا: ھەزبى
باخى. (مو)
هزبیه كئفى: آویشن کوهی. نكا: ھەزبى
كئیفیلە. (مو)
هزبیه كئیفیلە: گیاهی است که در
روستاهای خانەگای گەلین و تووارمەلأ بە این
نام خوانده شود. نكا: ھەزبى كئیفیلە. (مو)
هزبیه کویله: گیاهی است که در ئەویەتەنگ
بە این نام خوانده مى شود و بعضی از اهالی

او بهنگ «هزیه کویلی» گویند. نگا: هزیه
کیفیه. (مو)

هه زیه کویلی: آویشن کوهی. نگا: هزیه
کیفیه. (مو)

هه زیه کیویه: گیاهی است. نگا: هزیه
کیفیه. (مو)

هه زوا: الواء. صبر. آن را با نام های زیر، می نامند:
«هه زوا، هه زوا، نه زوا، تالی شاری». (هه)

هه زوه: این کلمه، هم برای «هزیه کیفیه» و
هم برای «هزیه باخی» به کار می رود. (مو)

هه زوه ئاوی: نگا: هزیه باخی
هه زوه تاله: Thymus

گیاهی است که در روستای تازه آباد آصف از
توابع سارال به این نام خوانده می شود. نگا:
هزیه کیفیه. (مو)

هه زوه کیفی: آویشن کوهی. نگا: هزیه
کیفیه. (مو)

هه زوه کیفیه: گیاهی است که در بعضی از
روستاهای اطراف کوه پنجه علی قروه به این
نام خوانده می شود. نگا: هزیه کیفیه. (مو)

هه زوه کیفیه: ۱- نگا: هزیه کیفیه ۲- در
بعضی روستاها از جمله روستای خدرکه از
توابع سنندج، این نام علاوه بر «هزیه
کیفیه» برای «هه زوه کیفی» هم به کار
می رود. نگا: هه زوه کیفی. (مو)

هه زوه کیویه: آویشن کوهی. نگا: هزیه
کیفیه. (مو)

هه زوی: ۱- در روستاهای که کهوسان،
دهره ویان فازس و بعضی از روستاهای
مهربان، این نام را برای گیاه «هزیه کیفیه»
به کار می برند. نگا: هزیه کیفیه ۲- در
روستای وی سر از توابع سنندج برای گیاه

«هه زوه کیفی» به کار می رود. نگا: هه زوه
کیفی. (مو)

هه زوی ئاوی: گیاهی است که در بعضی جاها
از جمله روستای کوژ از توابع سارال به این
نام خوانده می شود. نگا: هزیه باخی. (مو)
هه زوی باخی: گیاهی است که در
خوزخوزی سه تزه به این نام خوانده می شود.
نگا: هزیه باخی. (مو)

هه زوی کیفیه: نگا: هزیه کیفیه. (مو)
هه زوی کیفیه: گیاهی است که در
خوزخوزی سه تزه، بست و کوژ و دوزه غره
به این نام خوانده می شود. نگا: هزیه کیفیه. (مو)
هه زویه باخی: گیاهی است که در روستای
بست به این نام خوانده می شود. نگا: هزیه
باخی. (مو)

هه زیران: چوب خیزران. (هه)
هه زیرانی: نوعی گلابی است. «جورئی
هه رمی به». (هه)

هه ژیر - هه ژیر: انجیر. نگا: هه نجیر.
(ابراهه)

هه ژیره: انجیر کوهی. آن را: «هه نجیره
کیویله» گویند. (هه)

هه سپزه: گیاهی است شبیه یونجه. «گیاه که
له و ینجه ده کا». (هه)

هه سپست: یونجه خودرو. آن را «وینجه
کیویله» هم گویند. (هه)

هه سپک: یونجه خودرو. نگا: هه سپست. (هه)
هه سووک: گیاهی است کوهی. (هه)

هه سه ن به گی: مهر گیاه. نگا: گیاه ناده مه.
(هه)

هه سه نی: نوعی انگور است. «جورئی
هه نگووره». (هه)

هه شتالو:

Persica vulgaris

هلو، شفتالو. درختی است که در بسیاری از نواحی کردستان پرورش می یابد و این درخت و میوه آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «هه شتالو، قوخ، خوخ، کوخ، هه شتایی». (مو، رو، ابراهه)

هه شتایی: هلو، شفتالو. نگا: هه شتالو
هه شت پهژ: نوعی جو که خوشه آن شش ردیف دانه دارد. (هه)

هه شت دان: نوعی جو است. نگا: هه شت پهژ. (هه)

هه فت گری: گیاهی است. نگا: خال له مل. (مو)

هه ثران: چنار، سپیدار، درخت تبریزی. نگا: نه سپیندار. (هه)

هه قزس: درختی است شبیه صنوبر. (هه)
هه قزست: (با): ۱- افرا. (ابرا) ۲- نگا: هه قزس. (هه)

هه قزسک: عرعر، درخت عرعر، ابله. آن را با نام های زیر می نامند: «هه قزسک، داری عرعر، هه وریس، هه قزست». (رو، هه، که)

هه قزست: نگا: هه قزسک

هه قزسک: نگا: هه قزسک

هه قزسکه سووره: عرعر احمر. (رو، که)
هه گز: گیاهی است که در روستای تکیه به این نام خوانده می شود. (مو)

هه لافی: گیاهی است برای دام سمی است.
«گیاه که بؤ مالان ژه هره». (هه)

هه لاکوک: نگا: هاله کوک. (گز، رو، که)

هه لاکومارانه: گیاهی است که در کوهستانها می روید. (رو، که)

هه لال: ۱- نوعی گل، نام گلی است. نگا:

گولی سمل ۲- گیاهی است که آن را «پیشوک، پیشوک، کیفوک» هم گویند. نگا: پیشوک. (هه)
هه لال: گلی است خوشه ای زرد رنگ و بسیار خوشبو. (هه)
هه لالک: آلبالوی کوهی. نگا: بلالوکه کیفیه. (هه)

هه لالووک: آلبالوی کوهی. نگا: بلالوکه کیفیه. (هه)

هه لاله: ۱- گلی است زرد رنگ و خوشبوی. نگا: هه لال ۲- لاله. نگا: میلاقه، ره به نۆک ۳- اسپیره، ملکه چمن، ریش بز. (مه) ۴- گلی است زیبا و خوشبو و زنبورعسل از گل آن استفاده می برد.

«لرگی گش و جوانی هه لاله له بهر چاوی من کزگای زوخاله بهفره ئاله کهای هه وهک هه لاله خه زانی زهره و لاله و ههم لاله»
«بسنی خوشی هه لاله پیاو مهست ده کانه واله وهک شه هیده گولاله له خویناوا شه لاله»

(چوارچرا، وهلی دیوانه، هه، صا، گرشه، ابرا)
هه لاله برامه: لاله سرنگون. گیاهی است که در خوزخوزه و قولقوله می رده ای از توابع سهقر و کردستان عراق، به این نام خوانده می شود. نگا: هه لاله برمه.

هه لاله برم: لاله سرنگون. گیاهی است که در روستای گه لنین و بعضی جاهای دیگر به این نام خوانده می شود. نگا: هه لاله برمه. (مو)

هه لاله برم برم: گیاهی است که در سنندج و بعضی از روستاهای تابعه آن از جمله (زه نان) به این نام خوانده می شود. نگا: هه لاله برمه. (مو)

Fritillaria imperialis هه لاله برمه:

لاله سرنگون، لاله واژگون، گل نگین. گیاهی است از رستنی های کردستان و گونه معروف و فراوان «هه لاله برمه» است که در گویشها و مناطق کردستان آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «هه لاله برمه، هه لاله برم برم، هه لاله برایمه، هه لاله بره یم، شلیر، شلیره، حه سه نو حه سین، تلتله بازی، ته قله بازی، گوله شلیره». در خوزخوزه و قوئلوهی میره دئی از توابع سه قز و کردستان عراق، آن را «هه لاله برایمه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: شاهوی لؤنی سادات، شاهوی پالنگان، شاهوی وی زیه، شاهوی تهنگی وهر، پالنگان، تهنگی وهر، دۆل تهنگی وهر، پاره، ریژاو، وه زهرا، دهره کس، دهره بن دزلی، هه ورامان، ژییوار، کۆسالان، خوزخوزهی سه قز، قوئلوهی میره دئی، ره شنهش، وی سه، کوزه میانه، گلپه، زه نان، هه والان، دهره ویان فازس، کۆل و دوزه وهره. این گیاه در کوههای صحنه و قصر شیرین و شهر سامان هم می روید. در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۶ هـ - ش که از ارتفاعات شاهق صعود نمودم این گیاه را اندازه گرفتم. حدود یک متر و ۵۰ سانتی متر ارتفاع داشت. پیازه ای بزرگ مانند پیاز، پیازه خووگانه دارد و اغلب ساقه ها حدود ۶ تا گل دارد. میان کردان، جملاتی در مورد این گیاه گفته می شود که از جمله: هه لاله برم برم، برم، حه سه نو حه سین کوزیاگن، تیغی له مل دریاگن، مهوچی له سهر پوشیاگن * در طب سنتی: ۱- ضماد پیاز این گیاه را برای از بین بردن تاول و ورمهای سخت مفاصل نافع و

مفید می دانند ۲- پیاز این گیاه را با دنبه (به نسبت مساوی) کوبیده و می جوشانند تا آب آن تمام شود و روغن بماند، مالیدن این روغن را جهت عرق النساء (سیاتیک) مفید و مؤثر می دانند. (فرهنگ عمید عرق النساء را (سیاتیک) نامیده است). (مو، مظ، فلور ایران، معر، هه، گز، من رو)

Fritillaria zagrica هه لاله برمه:

لاله واژگون زاگرسی. گیاهی است از رستنی های کردستان و از تیره لیلیاسه که در روستای باخان از توابع مریوان، آن را «هه لاله برمه» گویند. برگهایش تقریباً شبیه برگ سالمه است و یک یا دو گل سرنگون کوچک دارد.

محل رویش - در محل های زیر این گیاه را مشاهده نمودم: باخان، بهردی سپی، بهورو پهریشان، کۆسالان، ره شنهش، وی سه، سهرشیوی مریوان، پاره، ریگه ی سهردهشت - شنق، هه شه میژ، سهرهویه، قازی به کر. (مؤلف)

هه لاله بره یم: گیاهی است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. نگا: هه لاله برمه. (مو)
هه لاله زه رده: گیاهی است که در هه ورامان به این نام خوانده می شود. نوعی گیاه خشخاش است. (مو)

هه لاله و زه مزه مه: نگا: ریژه له. (مو)

هه لاله هه نان: ۱- در بعضی جاها آن را نوعی «پیژان» می دانند. نگا: هه لاله هه نان
۲- در بعضی جاها آن را به گیاه «گول هه لگ» گویند. نگا: گول هه لگ. (مو)

Achillea filipendula هه لاله هه نان:

بومادران زاگرسی. گیاهی است از رستنی های کردستان که در اکثر مناطق می روید و در

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نه که رۆز، پیرعومهران، چل چهمه، کیتلهشین، کوئ و دۆزه غه ره، سولتان نه حهمه، عه والآن، گلیه، ره شنهش، ته کیه، هه شه میژ، گهلین، خانه گای گهلین، ریگه ی خورخوزه - مه ریوان، شیان، پاوه، ریگه ی سه رده شت - شتق، سه رهویه، هویه. (مؤلف)
هه لاله گوئ زه رده: گیاهی است که در روستای هه شه میژ، به این نام خوانده می شود. این گیاه خوردنی نیست. (مو)
هه لاه: گیاهی است. نگا: هه لاله. (مو)

Anthriscus

هه لاه:

گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای بست واقع در دامنه کوه چهل چشمه و روستای کوئ از توابع سارال و روستای کیتلهشین واقع بر سر جاده سقر - بانه، و شهر بانه آن را «هه لاه» گویند. نگا: هه لاله. (مو، معر)

هه لاهل: اقونیطون، اقونیطون سمی، هه لاهل. گیاهی است که دارای آلکالوئیدهای سمی و خطرناک است و آن را «هه لای هه ل، گیازار» هم گویند. این کلمه گاهی به معنی شیرۀ این گیاه که کشنده است، نیز، به کار رفته است. (هه، ابراهیمینی)

هه لای هه ل: نگا: هه لاهل

هه لپاچان: گیاهی است دارویی. (هه، رو)
هه لپه لووک: گیاهی است که اهالی روستای حسن آباد سنندج آن را به این نام می نامند و می شناسند: نگا: هاله کوک. (مو)

هه لچ: قارج. نگا: قارچک. (ابراهیم)

هه لچه: آلوچه. نگا: ئالوچه. (هه)

هه لچه جنانی: نگا: کارگه شسته

خورخوزه سقر و پیرعومهران به این نام خوانده می شود.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: خورخوزه ی سه قز، سه رشیوی سه قز، سه رشیوی مه ریوان. در بعضی از روستاها، این نام را برای «گوئ هه نگه» هم به کار می برند. (مو، مظفریان)

هه لاله هه نانه: ۱- نگا: گوئله نگ ۲- نگا: هه لاله هه نان. (مو)

هه لاله هه ننگانه: ۱- گیاهی است که زنبور عسل در بین گلها بیشتر گل این گیاه را دوست دارد. نگا: گوئ هه نگ ۲- نگا: هه لاله هه نان. (رو، گۆ، مو)

هه لاله هه ننگه: ۱- نگا: گوئ هه نگ ۲- نگا: هه لاله هه نان. (مو)

هه لاله هه نه: ۱- نگا: هه لاله هه نان ۲- نگا: گوئ هه نگ. (مو)

هه لاله: **Anthriscus nemorosus**

جعفری وحشی. گیاهی است از رستنی های کردستان. در شهرستان سنندج آن را «هه لاله» و در روستاهای کیتلهشین، کوئ و دوزه غه ره و بست آن را «هه لاه» گویند. در جاهای دیگر، آن را با نام های زیر می نامند و می شناسند: «هه لاله، هه لاه» در منابع (هه، گۆ) نیز به نام این گیاه اشاره شده است. این گیاه خوردنی است و پخته شده آن، یکی از غذاهای بهاری کردستان است، این گیاه را می پزند و با کمی روغن و چند عدد تخم مرغ آن را سرخ می کنند و می خورند و در بعضی جاها آن را داخل آش می ریزند و پس از پخته شدن آش، آن را مصرف می کنند. این گیاه تا حدود یک متر ارتفاع دارد.

هه‌لچه گیواوی: غاریقون. آن را «کارگی دار»
هم گویند. (دا)

Prangos ferulacea

هه‌لژ:

= *Prangos macrocarpa*

جاشیر. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در پیرعومهران و قولقوله‌ی میره‌دئی، به این نام خوانده می‌شود. و در جاهای دیگر، آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «هه‌لژ، هه‌لژ، هه‌لیز، هه‌لس». این گیاه دارای ساقه‌های صورتی رنگ نزدیک به قرمز است که گاهی اندازه‌ی ساقه‌ها به اندازه‌ی یک میچ دست (یه‌ک مه‌چەک) می‌شود. این گیاه غذا و علوفه بسیار خوب و مقوی است برای دام و حیوانات و هر حیوانی آن را بخورد، شیرش چرب و شیرین خواهد بود. دارای مواد قندی است. محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: نه‌که‌رۆز، پیرعومهران، قولقوله‌ی میره‌دئی، ده‌رویان فازس، ته‌ته * در طب سنتی ریشه‌های این گیاه را می‌برند و شیرهای از آن خارج می‌گردد که برای کشتن کرم حیوانات مفید است و آن را روی محل کرم زدگی می‌مالند تا کرم‌ها را بکشد. بنظر می‌رسد این گیاه همان گیاهی است که در منطقه مهاباد (زم‌زیران به مهاباد) آن را «بۆز» گویند. (مؤلف، مظفریان، رو، گۆ، هه)

هه‌لژ: یونجه. (هه)

هه‌لس: گیاهی است. نگا: هه‌لژ

هه‌لقه تیز: گیاهی است دارای شیرۀ مسهل.

نگا: ئالقه تیز. (هه)

هه‌پلامه: گیاهی است خوردنی. نگا: هه‌لامه. (هه)

هه‌لمه‌له: *Althaea / Alcea*

خطمی، ختمی. گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که در مناطق مختلف آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «هه‌لمه‌له، هیرۆ، هه‌رمه‌له، هه‌رمه‌لی، هه‌رمه‌لێ، هه‌یرو، هیرو، گۆل هیرۆ». در منابع (هه، ابرا) نیز به نام این گیاه اشاره شده است.

محل رویش - گونه‌هایی از این گیاه در کردستان می‌روید و دو نوع آن که یکی دارای گل‌های سفید و دیگری دارای گل‌های صورتی است بیشتر دیده می‌شوند. در محل‌های زیر گونه‌هایی از این گیاه را مشاهده نمودم: تاه، سه‌رچی، هه‌نیم، می‌راو، نیه‌ر، ته‌نگی‌سه‌ر، کۆله‌ساره، بست، چل‌چه‌مه، کۆسالان، زه‌نان، مه‌لکشان، ژیروار، حه‌سه‌ئاوای سته، گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، کۆل و دۆزه‌غره، هه‌ورامان، که‌ماله، سلین، بلهر، پالنگان، شاهۆی پالنگان، شاهۆی ته‌نگی‌وه‌ر، دۆل ته‌نگی‌وه‌ر، کانی‌مشکان، کی‌لانه، داذه‌نه، که‌رجۆ، ناشقان، هه‌شه‌میز، ریگه‌ی سته - قوروه، په‌تجه‌ه‌لی قوروه، حه‌سیناوای که‌نگره، سه‌لواتاوای سته، عه‌والان، ئاریز، ره‌شنه‌ش، دۆلّه، بنیه‌ر، خانه‌گای جوجو، باقلاوای شیخ حه‌سین، میانه، زۆنج، پیرخه‌یران، گلیه، پیازه، ریگه‌ی سه‌ربناو - ته‌نگی‌سه‌ر، نزاز، سنان سه‌ر، دۆلی، ته‌کیه، شیان، شانشین، سه‌رهویه، وئی‌سه‌ر، هویه، ئه‌ویه‌نگ، وئی‌سه‌ر، ریگه‌ی سته - که‌زه‌سی - هه‌شه‌میز، زه‌رده‌وان، دۆله‌زه‌ش مابین دۆل، ریگه‌ی بیجار - کوزانی، ریگه‌ی که‌له‌کان - بست، دۆوه‌یسه، سه‌راوقامیش، تازه‌ئاوای چل‌گزی، سه‌رشوی سه‌قز، ئاره‌نان، ئاویره، کۆله‌ساره، نجف‌ئاوا، خواشت، چه‌م ده‌ره زه‌نجیر، ریگه‌ی سته - دئی‌گولان، گه‌رده‌نه‌ی مامۆخ، کۆرکۆره،

سندج پرورش میدهند. در مناطق و روستاهای دیگر کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «ئالۆ بخاره، هه‌لۆوژه زه‌شه، هه‌لۆوکه زه‌شه» * آلوی سیاه دارای ویتامین A و C بوده و برای تسکین حرارت قلب، تشنگی، تبهای حاد، خارش و صداع نافع است. نگا: ئالۆ بخاره. (مو، هه) هه‌لۆوچه قه‌یسی: شلیل. نگا: حه‌مشین. (هه)

هه‌لۆوژقه: گوجه، آلوجه. نگا: هه‌لۆوچه. هه‌لۆوژه: گوجه، آلوجه. آلو. نگا: هه‌لۆوچه. (هه، مو) هه‌لۆوژه زه‌شه: آلوجه سیاه، آلوی سیاه، گوجه سیاه، گاو‌آلو. نگا: هه‌لۆوچه زه‌شه. (مو، ابرا)

هه‌لۆوژه سیقه‌تۆره‌یی: نوعی از آلوجه است. (رو) هه‌لۆوژه کیویله: از رستنی‌های کردستان است. (مو)

هه‌لۆوشه: ۱- گلی است کوهستانی خوشبو ۲- گیاهی است که در خو‌خۆزه‌ی سقز به این نام خوانده می‌شود. (رو، هه، مو، که)

هه‌لۆنه: (دئی‌لۆزانی - له‌کی): درخت آلبالوی کوهی، آلبالوی وحشی. آن را «بلا‌لۆوکه کتیفله، برالیک، برالۆوک» هم‌گیرند. نگا: بلا‌لۆوکه کتیفله. (علیر، له‌ک)

هه‌لۆینی: ۱- زردالوی هسته‌شیرین ۲- هسته‌شیرین زردالو. (هه)

هه‌له: گلی است زیبا در چند رنگ. (هه)

هه‌له‌زه‌ش: گلی است بسیار زیبا. (هه)

هه‌له‌ریزه: **Solanum nigrum**

گیاهی است از رستنی‌های کرمانشان که در

رینگه‌ی سته - دئی‌گولان، رینگه‌ی بیجار - تیکاب، رینگه‌ی سهرده‌شت - شنۆ، رینگه‌ی مه‌هاباد - بووکان، قو‌لقسۆله‌ی میره‌دئی، روانسر، جوانۆ، پاوه، قوری قه‌لا، رینگه‌ی سهرده‌شت - مه‌هاباد، رینگه‌ی کامیاران - روانسر، رینگه‌ی کامیاران - مریوان. (مؤلف) هه‌لۆبلا‌لۆو: آلبالو. نگا: هالۆبلا‌لۆو. (مو) هه‌لۆو: نوعی هلوی بسیار نازک و لطیف است. (رو)

هه‌لۆو: گوجه سیاه، آلوجه سیاه، گاو‌آلو. نگا: هه‌لۆوچه‌زه‌شه. (ابرا) هه‌لۆوچه: گوجه، آلوجه. نگا: ئالۆچه. (ابرا، هه) هه‌لۆوچکه: آلۆبخاره، آلوجه سیاه، آلوی سیاه. نگا: ئالۆ بخاره. (رو، هه)

هه‌لۆوچه: **Prunus**

گوجه، آلوجه، گوجه سبز. آن را با نام‌های زیر می‌نامند: «هه‌لۆوژه، ئالۆچه، گۆگجه، حولوک، حه‌لۆوک، حه‌لو، حه‌لۆچک، هه‌لۆوچه، حه‌لۆکه، هه‌لۆوکه، هه‌لۆچه، هه‌لۆژقه، هه‌لۆوچه» * گوجه یا آلوجه در خواص شبیه آلو بخارا است لذا به آلو بخارا مراجعه فرمائید. (هه، مو، خواص، ابرا، رو) هه‌لۆوچه: گوجه، آلوجه. نگا: هه‌لۆوچه. (مو)

هه‌لۆوچه زه‌شه: آلو بخاره، آلوجه سیاه، آلو سیاه، آلوی سیاه. درخت و میوه درختی است که در بعضی جاها از جمله روستای زه‌شه‌ش از توابع سندج آن را «هه‌لۆوچه زه‌شه» گویند. (هم میوه و هم درخت را با این نام می‌نامند). این درخت را در بعضی از روستاهای کردستان از جمله روستاهای مریوان و در

Linaria همه میشه به هار:

کثانی. گیاهی است از رستنی های کردستان که آن را با نام های زیر، می نامند و می شناسند: «همه میشه به هار، همه میشه جوان، همه میشه به هاره، همه میشه گول، همه میشه وه هار، جوانه گیا».

محل رویش - گونه هایی از آن در کردستان می روید و در محل های زیر، آنها را مشاهده نمودیم: چل چه مه، کۆسالان، گهر دهنی زمزیران، گهلین، خانه گای گهلین، کوزه میانه، شیان، هه شه میژو، سه رهویه، هویه، نهویه لنگ، شاره کی بیجار، هه زارکانیان، دهره ویان فازس، دهره بن دزلی، ژالانه، ته ته، ره شنه ش، تولقوله ی میره دئی، سه رشیوی سه قز، سه رشیوی مهربان، ریگه ی سه رده شت - شنۆ. (مؤلف)

Linaria fastigiata همه میشه به هار:

کثانی منشعب، کثانی برافراشته. گیاهی است از رستنی های کردستان. اهالی روستای بست، آن را «همه میشه جوان» گویند. (مو)

Linaria grandiflora همه میشه به هار:

کثانی زیبا. گیاهی است از رستنی های کردستان. محل رویش - در محل های زیر، آن را مشاهده نمودیم: کۆسالان، دهره بن دزلی، ژالانه، ته ته. (مو، مظ)

Linaria lineolata همه میشه به هار:

کثانی برگ باریک. گیاهی است از رستنی های کردستان.

محل رویش - چل چه مه، تولقوله ی میره دئی، ره شنه ش، نهویه لنگ. (مو)

Linaria kurdica همه میشه به هار:

کثانی کُردی. گیاهی است از رستنی های کردستان. (مظ)

«همه مرو کینوله» است. (ثابتی، مو، معر)

همه مرو: (کرماش): گلابی، امروود. نگا: همه مرو

همه مرو پاییزه: نوعی از گلابی است. آن را گاهی «همه مرو زه ش» نیز گویند. (مو)

همه مرو تلیره: نوعی گلابی را گویند. (مو)

همه مرو زه رده له: نوعی گلابی و از رستنی های کردستان از جمله میانه. (مو)

همه مرو سووره: نوعی گلابی، از رستنی های کردستان از جمله میانه. (مو)

همه مرو شوته: نوعی گلابی است. (مو)

همه مرو شوخه: نوعی گلابی را گویند. (مو)

همه مرو کوچکینه: ۱- نوعی گلابی وحشی است ۲- گلابی وحشی. نگا: کرۆسک. (مو، هه)

همه مرو کۆل: نوعی امروود است. (مو)

همه مرو کووجه: نوعی از گلابی کوهی است.

همه مرو کوژه: نوعی گلابی کوهی است که به این نام خوانده می شود.

همه مرو کویژه: نوعی از امروود کوهی است که در خواشت و بعضی جاهای دیگر به این نام نامیده می شود. گفته می شود که تخم (دانه، هسته) های این نوع گلابی دارویی است. (مو)

همه مرو کیتفيله: گلابی وحشی، گلابی کوهی

همه مرو کینوی: نگا: همه مرو کیتفيله

همه مرو کینوله: نگا: همه مرو کیتفيله

همه مرو گلاوی: نوعی گلابی است. (مو)

همه مرو گولاوی: نوعی است از گلابی که در کردستان پرورش می یابد و به این نام خوانده می شود. (مو)

همه مرو ه: گلابی وحشی، امروود. (مو)

همه مزه به گی: نوعی مازوج است. (هه)

«هه‌نار، هنار، نار، نه‌نار». کرماشانی: هه‌نار. این جنس در ایران و در منطقه کردستان یک گونه درختچه‌ای خودروی دارد به نام:

P. granatum اما فرمهای اصلاح شده آن ارزش اقتصادی زیادی دارد، بطوریکه باغهای وسیعی از آن در مناطق مختلف کردستان به چشم می‌خورد، از جمله محل‌های زیر: سهریز، گواز، پالنگان، زوار، ناوایی گرویس از توابع سهردهشت که باغها و درختان انار زیادی در این روستا پرورش داده شده است.

«مه‌مکوله هه‌نار چناتکه سییوان سهرچاوه‌یی ئاوی ژین له لیوان» (مو، مظ، مدم، هه، ایرا)
هه‌نار خوارده‌مه‌نی:

Punica granatum. var. sativa

انار، انار خوراکی، انار خوردنی. (مو، مظ)

Punica granatum هه‌نار کیوی:

درختچه‌ای است از رستنی‌های کردستان. محل رویش - کوسالان، جنگلهای نوسود و پاوه، پیران سرپل ذهاب، ریجاب. (مو، معص)
هه‌ناره: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

هه‌ناره چۆله‌که: نوعی انار است که در سردهشت به این نام خوانده می‌شود. (مؤلف)
هه‌ناری: درخت انار. نگا: هه‌نار

Ficus هه‌نجیر:

انجیر. درختی است. درخت انجیر و میوه آن را در کردستان با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «هه‌نجیر، هه‌ژیر، هژیر، دره‌ی، هه‌رکه‌قانی، شنگالی، ته‌فاره، زه‌رک، نه‌نجیر». انجیر علاوه بر اینکه به طور خودرو در

همیشه بهار: *Linaria pyramidata*
کتانی هرمی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. محل رویش - به‌ینی سهردهشت و گهرده‌ئی زمزیران، ریگی مه‌هاباد - سهردهشت، ورمین. (فلور ایران)

همیشه بهار: *Linaria dalmatica*
کتانی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در سه‌حنه نیز می‌روید. (فلور ایران)

همیشه بهار: *Calendula officinalis*
همیشه بهار. گیاهی است که مظفریان نام فارسی آن را هم همیشه بهار ذکر کرده و نام انگلیسی آن Marigold می‌باشد. این گیاه پرورشی است و در کردستان به طور خودرو، وجود ندارد * گل‌های این گیاه حاوی ماده‌ی رزین و ساپونین است و در موارد زیر بکار می‌رود: ۱- محلول آن برای شستشوی زخمها. بکار می‌رود ۲- دمکرده گل‌هایش برای شکم درد استفاده می‌شود ۳- دمکرده آن برای زیاد کردن اشتها مصرف دارد. (هیا، مظ، رو)
همیشه بهار: *Linaria*

گیاهی است که در بعضی جاها به این نام خوانده می‌شود. نگا: همیشه بهار. (مو)

همیشه جوان: *Linaria*

گیاهی است که در روستای بست به این نام خوانده می‌شود. نگا: همیشه بهار. (مو)

همیشه گول: *Linaria*

گیاهی است. نگا: همیشه بهار. (مو)

همیشه وه‌ه‌ار: *Linaria*

گیاهی است. نگا: همیشه بهار. (مو)

هه‌نار: *Punica*

انار، درخت انار، میوه انار. در کردستان آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند:

هه‌نجیره شله: نوعی انجیر است در منطقه سردشت. (مو)

هه‌نجیره قیژه: نوعی انجیر است که در کوه‌های تنگی سر «ته‌نگی سه‌ر» می‌روید و در این روستا آن را «هه‌نجیره قیژه» گویند. (مو)
هه‌نجیره کیفیله: انجیر وحشی. درختی است از رستنی‌های کردستان.

محل رویش - در محل‌های زیر آن را مشاهده نمودم: کۆسالاڤ، ده‌به‌ن دزلی، ره‌شنه‌ش، ته‌نگی‌ور، پالنگان، شاه‌وی پالنگان، شاه‌وی ته‌نگی‌ور، چل چه‌مه، روان‌سه‌ر، جوان‌رۆ، قوری قه‌لا، پاوه. نام علمی آن را زیر عنوان «هه‌نجیر» ثبت نموده‌ام. (مو)

هه‌نجیره کیویله: انجیر وحشی، انجیر کوهی. آن را «توتسکه» هم گویند. نگا: هه‌نجیره کیفیله. (مو، رو)

هه‌نجیری حاجی هلی که‌ندی: نوعی انجیر است که در منطقه سردشت به این نام خوانده می‌شود. (مو)

هه‌ندری‌شن: گیاهی است دارویی. (هه)

هه‌ندری‌شه: گیاهی است بهاری و دارویی. نگا: هه‌ندری‌شن. (رو، هه، که)

هه‌نده‌قۆ: شیدر. نگا: شه‌به‌در. (هه)

هه‌نده‌کۆ: شیدر. نگا: شه‌به‌در. (هه)

هه‌ندی: هندوانه. نگا: شووتی. (هه)

هه‌نزه‌ل: نگا: کاله‌که مارانه. (هه)

هه‌نگشینۆک: گیاهی است. (هه)

هه‌نگوان: نگا: هه‌توان. (مو، رو)

هه‌نگوور: *Vitis*

انگور. این جنس در ایران یک گونه گیاه درختچه‌ای بالا رونده و خودرو به نام *V. sylvestris* دارد و حدود صد نوع انگور

کردستان وجود دارد، در بعضی مناطق و روستاها نیز پرورش داده می‌شود از جمله می‌توان محل‌های زیر را نام برد: هه‌ورامان، ریژاو، سه‌رۆتۆ، گواز، قه‌سری شیرین. نوعی انجیر خوراکی مرغوب در محل آثار باستانی قم چقا می‌روید و به‌نگام گردش علمی آن را مشاهده نمودم. (مو، ابراه، هه، با، من جفکر)
هه‌نجیر: *Ficus carica. sp. carica*

انجیر خوراکی. از رستنی‌های کردستان است. در کۆسالاڤ و ته‌نگی‌ور آن را مشاهده نمودم. (مو) در کرمانشان، سه‌ریتل زه‌هاو، کردندی غرب، ریژاو، نیسلام ناوای غرب، پاوه و گیلان‌غرب هم می‌روید. (معص)
توضیح: ۱- آنکه برگ‌هایش بریدگی زیاد دارد واریته جوانیس ۲- آنکه برگ‌هایش ۳ لب دارد واریته کاریکا ۳- آنکه برگ‌هایش دارای لب و بریدگی هستند واریته روپیسترس است. (مو، معر)

هه‌نجیر: *Ficus carica. sp. rupestris*

انجیر خوراکی صخره‌ای، درختی است از رستنی‌های کردستان. این درخت در لابلاي سنگ‌ها در منطقه باستانی قم چقا روییده است و به‌نگام گردش علمی آن را مشاهده نمودم و در کۆسالاڤ هم آن را مشاهده نمودم. (مو، مظ، معر)

هه‌نجیر باوا: مۆز. نگا: مۆز. (هه، ابراه)

هه‌نجیره تۆپه: نوعی انجیر است که در منطقه سردشت به این نام خوانده می‌شود. دارای دانه‌های بزرگتری است و معمولاً دیرتر می‌رسد، در پاییز می‌رسد. (مو)

هه‌نجیره سپی: نوعی انجیر است در منطقه سردشت. (مو)

در مناطق مختلف ایران از جمله کردستان بمنظور استفاده از میوه آن، کاشته می‌شود. در کردستان، انگور و میوه آن را با نام‌های زیر می‌نامند و می‌شناسند: «هه‌نگوړ»، هه‌نگوړ، هه‌نویر، هه‌نور، هه‌نور، هه‌نگیر، هنگور، هنگریر، تری، نه‌نگوړ، هه‌نگوړ، انگیر، نه‌نگیر، نه‌نویر، نه‌نیور، تری. (مو، رو، او، با، هه، ابرا، کرمانشاهی، علیر، له‌ک)

هه‌نگوړ: انگور. نگا: هه‌نگوړ. (ابرا)

هه‌نگون: نگا: گه‌ون. (ابرا)

هه‌نگوړه: انگور. نگا: هه‌نگوړ.

هه‌نگوړه تاله - تما‌ته مارانی: بلادون. (دا)

هه‌نگوړه زیوی: تاجریزی ایرانی. (دا)

هه‌نگه‌وانه: گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو)

هه‌نگه‌ون: گون. نگا: گه‌ون. (هه)

هه‌نگیر: انگور. نگا: هه‌نگوړ

هه‌نوان: *Ferula*

گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در روستاهای گه‌لین، ته‌نگی‌سر، نیر و بعضی جاهای دیگر آن را «هه‌نوان» گویند و در جاهای دیگر آن را «هه‌نگوان» می‌نامند. گیاهی است بلند و حدود تا دو متر ارتفاع دارد، دارای ساقه کلفتی است به اندازه کلفتی یک دسته بیل و گاهی بیشتر.

محل رویش - در محل‌های زیر، این گیاه را مشاهده نمودم: گه‌لین، خانه‌گای گه‌لین، هه‌شه‌میز، سه‌لواتاوای بیجار، ده‌رویان فازس، ته‌نگی‌سر، نیر، هه‌ورامان، ژیسوار، که‌ماله، کۆسالان، پالنگان، شاهوی پالنگان، ته‌وریوهر * در طب سنتی: ۱- شیره این گیاه را برای

التیام و بهبود زخم‌ها و بریدگی‌ها مفید می‌دانند. ۲- شیره این گیاه را با شیر دختر مخلوط نموده و صبح ناشتا آن را میل می‌نمایند و آن را برای رفع خارش، مفید می‌دانند. (مو)

هه‌نوان: *Ferula assa - foetida*

آقوزه. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مو، مظ، مصر)

هه‌نوان: *Ferula persica*

کمای ایرانی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مظ، مو)

هه‌نور: انگور. نگا: هه‌نگوړ. (مو)

هه‌نور: انگور. نگا: هه‌نگوړ. (مو)

هه‌نویر: انگور. نگا: هه‌نگوړ

هه‌نویر: انگور. نگا: هه‌نگوړ

هه‌نه: حنا. نگا: خه‌نه. (هه)

هه‌نه‌وانه: گیاهی است از رستنی‌های

کردستان که زنبورعسل آن را دوست دارد، برگ‌هایش شبیه برگ گیاه «زروانه» است،

ارتفاع آن حدود ۵۰ سانتی‌متر است. در

کالی‌سر و کۆسالان می‌روید. (مو)

هه‌نه‌که: شبدر. نگا: شه‌بدر. (هه)

هه‌نی - هه‌نیی: هندوانه. نگا: شو‌تی. (مو،

رو، هه، ابرا، با، من)

هه‌نیه کۆله: هندوانه کوچک نرسیده. (مو)

هه‌نیه مارانه: گیاهی از رستنی‌های

کردستان. (مو)

هه‌وادار: نگا: بتاو‌تۆم. (مو)

هه‌وجه: گیاهی است. (رو)

هه‌وجوده - هه‌وجوده: گیاهی است که

در ارتفاعات بسیار بالای کوهستان‌ها و در

سنگلاخ و سخت‌ترین جاها می‌روید، هر

بوته دارای حدود ۲۰ شاخه است * این گیاه

سرسشار از ویتامین ث می‌باشد، بهترین درمان برای شکم درد و کرمهای آسکاریس است. (گژ، رو)

هه‌وران: چنار، سپیدار. نگا: نه‌سپیندار. (هه)
هه‌ورس: درخت مرعر. (هه)

هه‌وریس: درخت مرعر. نگا: هه‌ورس
هه‌وشار: گیاه جارو. نگا: گیاه‌سک. (هه)

هه‌وشان: ۱- گیاهی است تلخ مزه ۲- گیاه جارو چزه‌ای. نگا: گیاه‌سک. (هه، رو، که)
هه‌وور: انگور. نگا: هه‌نگوور. (هه)

هه‌ویدار: *Arctium lappa*

باب‌آدم. گیاهی است از رستنی‌های کردستان که در مه‌باد و بسوکان آن را «هه‌ویدار، هه‌ویداره، جل‌گره، هه‌وادار» گویند و در جاهای دیگر آن را «بناوه‌تۆم، حه‌شه‌گیره، حه‌چه‌گیره، که‌ل‌بناوه‌تۆم» گویند * در طب سنتی: ۱- برگهای این گیاه را مسکن درد زانو و اعصاب می‌دانند ۲- برگهای تازه این گیاه را کمی می‌کوبند و روی محل مارگزیدگی می‌گذارند و آن را مفید می‌دانند. نگا: بناوه‌تۆم. (مؤلف)

هه‌ویداره: نگا: هه‌ویدار. (مو، هه)
هه‌ویدی: نوعی گندم زرد است. (هه)

هه‌ویشن: آویشن کوهی. نگا: هه‌زی کیفیه.
به معنی مطلق آویشن هم آمده است. (هه، مو)
هه‌یرو: (کر): ختمی. نگا: هه‌لمه‌له

هه‌ینی: هندوانه. نگا: شووتی. (ابرا، هه)
هیتوین: توتون. نگا: توتن. (ابرا)

هیتووین: توتون. نگا: توتن. (هه)
هیچهار: فلفل قرمز. نگا: بیباری سوور

هیرز - هییریز: (له‌ک): علفی است هرز که ریشه بلند دارد شبیه گندم، موجب جذب

مواد غذایی زمین بخود گشته و مانع رسیدن مواد غذایی کافی به گیاه اصلی می‌گردد. (له‌ک)
هیرسومل: گیاهی که دارای پیاز است و پیاز آن خوردنی است. نگا: قوز‌آله. (له‌ک)

هیرو: آلو بخارا. نگا: ئالو بخاره. (هه)
هیرو: ختمی، گل ختمی. نگا: هه‌لمه‌له. (مو، هه)

هیرو: ختمی، گل ختمی. نگا: هه‌لمه‌له. (هه، مو)

هیرو: ختمی. در سقز و مریوان به این نام خوانده می‌شود. نگا: هه‌لمه‌له. (مو، هه)

هیرو: *Alcea kurdica*

= *Althaea kurdica*

ختمی کردی. گیاهی است از رستنی‌های کردستان. (مظ)

هیرو: *Alcea lavateriflora* DC

= *Althaea lavateriflora* DC

ختمی لبثانی. گیاهی است از خانواده مالواسه، گل‌های آن به نام گل ختمی معروف است * ریشه و گل ختمی را به خاطر دارا بودن موسیلاژ به عنوان نرم کننده بکار می‌برند. گل ختمی را مخلوط با دانه گیاه می‌جوشانند و به عنوان مشمع به کار می‌برند و دم‌کرده دانه ختمی برای درمان سرفه و ناراحتی‌های ریوی مصرف می‌شود. (آئینه‌چی ص ۱۰۳۶، مظ)

هیرو: هه‌رنگی: ختمی فرنگی
هیرو: آلو سیاه، گوجه سیاه. نگا: ئالو بخاره. (ابرا)

هیروگ: زردآلو. نگا: شلانه
هیروگه: آلوچه. نگا: هه‌لوچه.

هیزا: گیاهی است خوشبواز تیره نعناع. (هه)

هیزا: نغنا: نگا: نه غنا: (ابرا)

هیزیر: انجیر: نگا: هه تجیر.

هیشه مازه: ۱- نگا: قایش توان ۲- نگا: لیفه

شزه ۳- گیاه دیگری است که دارای گلهای

سفید کوچک است. (مو)

هیشه مازی: نگا: لیفه شزه. (مو)

هیشه وژه: *Lathyrus bolssieri*

= *Lathyrus nervosus*

خلر زاگرسی: گیاهی است از رستنی های

کردستان که در روستاهای بست و

هه زارکانیان آن را «هیشه وژه» و «یژه وژه» گویند.

و در بعضی جاها «هیشه بزه» گویند.

محل رویش - در محل های زیر، این گیاه را

مشاهده نمودم: چل چه مه، هه زارکانیان،

خوزخوژه ی سه قز، هه شه میز، شیان، بلچه

سوور، ره شنه ش، کۆسالان، سه رهویه. (مو)

هیتقرست: (زا): ۱- تمشک. نگا: تووژک.

(ابرا) ۲- نگا: هه قزست. (هه)

هیل: (کرماش - دیل): هل. دانه ایست

خوشبو که کوبیده آن را در شکر و آرد و حلوا

می ریزند و گاه دانه ای از آن را در قوری چای

می اندازند. (کرمانشاهی، علیر)

هیل: ۱- هل، دانه ایست خوشبو. نگا: هیل

۲- درختی است جنگلی ۳- بیماری عمومی. (هه)

هیل پسینگ: گیاهی است. (هه)

هیلکه زیوی: گیاهی است که تخمش شبیه

تخم مرغ است. (هه)

هیلکه سه گانه: گیاهی است که در روستای

سوورکه وژل یا این نام خوانده می شود. نگا:

گونه سه گانه. (مو)

هیلکه کهو: ۱- گیاهی است که ثمر آن شبیه

تخم کبک است در کوژه ی میانه رویش دارد. (مو)

هیلو: (لهك): هلو. نگا: هه شتالو

هیلو: گیاهی است. نگا: نه سپۆن. (هه)

هیلیت: (لهك): گیاهی هرز است که در مزارع

ذرت می روید و به شدت قدرت زمین را می گیرد

و اگر گاو از آن بخورد پس از مدتی کوتاه می میرد.

هیندوی: نوعی هندوانه است. نگا: شووتی

«ی»

یارکۆك: هویج. نگا: گزهر. (هه)

یارو - یاروو: خیار. نگا: ئارو. (هه، ابرا)

یاره لماسی: سیب زمینی. نگا: سیقه زه مینه.

(هه، مو)

یاس: گل یاس، یاس. درختچه ای است. (هه،

ابرا، مو)

یاسه مه ن: یاسمن. درختچه ای است از تیره

زیتونیان. نگا: ئاسمین. (هه، ابرا)

یاسه مه نه: یاسمن. درختچه ای است. نگا:

ئاسمین. (هه)

یاسه مین: یاسمن. نگا: ئاسمین. (گۆ، ابرا،

رو، هه)

یاقووتی: انگور یاقووتی. نوعی انگور است،

نوعی انگور ریز و قرمز رنگ است، یاقووتی.

در گویش له کی نیز همین واژه به کار می رود.

(مو، لهك، هه، ابرا)

یانداخ: خارشتر. گیاهی است که در قه م

چوغه، کوزانی و بعضی از روستاهای بیجار

به این نام خوانده می شود. نگا: وشتروار

یاندۆز: گیاهی است از رستنی های کردستان که در

روستای بست به این نام خوانده می شود. (مو)

یاؤز: گیاهی است. نگا: پاکه ره شیله

سوزاک، جوشانده یولاف با تخم شلغم و خارخسک و کاکل ذرت است (از هر گیاه ۲۰ گرم) که کوبیده و مخلوط کرده و هر روز یک قاشق غذاخوری از مخلوط آنها را در ۲ لیوان آب جوشانده و مصرف می کنند. در کتاب صیدنه ابوریحان بیرونی برای دفع مرض قند از جوشانده جو وحشی و شنبلیله یاد می کند. در سقز و بانه از زمانهای قدیم از کوبیده یولاف و تخم شاهی (ترتیزک) برای دفع گواتر استفاده کرده اند. در حفاریهای اطراف زیویه سقز روی ظروف سفالی، شکل گیاه یولاف حک شده که این خود نشانه قدمت تاریخی استفاده از این گیاه در این مناطق است. (دا)

یهوه رومی: جو دوسر، یولاف. نگا: جو شامی. (دا)

یهوه لئه: گیاهی است که در روستای کژله ساره به این نام خوانده می شود. (مو)

یهوه نه زرده: *Mellilotus officinalis* یونجه زرد، اکلیل الملک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای شیان از توابع سنندج آن را «یهوه نه زرده» گویند. نگا: ریحانه گیا. (مو)

یهوی: جو. نگا: جو. (هه، مو)

یهی: جو. نگا: جو. (هه، ابرا)

بیرهق نه شکینه: ۱- نگا: لئه شه ۲- نگا: قایش قران. (مو)

بیرهق نه شکینه: نگا: بیرهق نه شکینه. (مو)

بیرهق شکین: *Salvia multicaulis* گیاهی است که در روستای که له کان از توابع سنندج به این نام خوانده می شود. نگا: لئه شه. (مؤلف)

یوسر: یسر. درختی است دارای دانه های سیاه و سخت و خوشبو است که از آن تسبیح درست کنند. نگا: یسر. (ابرا، هه، عمید) یوکالپتوس: نگا: نوکالیتوس. (رو)

یونجه: یونجه. گیاهی از تیره پروانه وارن. در گویش له کی «یونجه» گویند. نگا: وینجه. (ابرا، هه، مو)

یونجه در کینه: *medicago rigidula*

نوعی یونجه یکساله است که در کردستان می روید.

یونجه هه ردیلی: یونجه کوهی. (مو)

یونجه ی کیفی: یونجه کوهی. (مو)

یوول: درختی است. نگا: وول. (مو)

یهوه نه: یونجه. نگا: وینجه. (مو)

یهه حبابه گی: نوعی انجیر است. (هه)

یهه خه دادزاو: نوعی گندم است. (هه)

یهه رئه لماسی: سیب زمینی. نگا: سیفه زه مینه

یهه لنگه: گیاهی است. (هه)

یهو: جو. نگا: جو. (مو، ابرا، هه)

یهوشه: چوبک. گیاهی است از رستنی های کردستان که در روستای گهلین به این نام خوانده می شود. نگا: سه ونچک. (مو)

یهوه نه زرده: گیاهی است که در روستای گهلین از توابع شهرستان سنندج به این نام نامیده می شود. نگا: کر مه کوژه. (مو)

یهوه تالی: جو صحرائی، جو مرز. آن را «جو تاله» هم گویند. (دا)

یهوه دیوی: جو وحشی، یولاف. در کردی «جوی هورچ» هم گویند در هر نقطه کردستان دیده می شود و در میان باغات و بسوستانها بطور خودرو می روید * استفاده های دارویی زیادی از آن می گردد، بهترین درمان عفونت مثانه و مجاری ادرار و

نشانه‌های اختصاری / کورته نیشانه‌کان:

نشانه‌های اختصاری که در فرهنگ حاضر به کار رفته‌اند به شرح زیر می‌باشند. ضمناً نشانه‌های اختصاری منابع و مأخذ مربوط به هر مطلب را در پایان همان مطلب، بین پرانتز قرار داده‌ام و نشانه‌های اختصاری را به همراه معرفی کامل منابع، در فهرست زیر، ثبت نموده‌ام:

نشانه اختصاری	کتاب، مؤلف، ناشر، مفهوم
آئینه‌چی	مفردات پزشکی و گیاهان دارویی، تألیف دکتر یعقوب آئینه‌چی
ابراهیم‌پور	واژه‌نامه کردی - فارسی. تألیف دکتر محمدتقی ابراهیم‌پور
اسلامی	دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، از انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، سال ۱۳۶۹، تهران. به زبان فارسی
اسلامی ۲۳۲/۱	عدد کوچکتر نشانه مجلد و عدد بزرگتر نشانه صفحه دائرةالمعارف است
او، اورنگ	فرهنگ کردی. تألیف مراد اورنگ
نیلام	نیلامی (زاراوهی نیلامی)
با	بادینانی (در جاهائیکه بلافاصله بعد از عنوان ثبت گردیده است)
با	فرهنگ فارسی - کردی. تألیف شکراله بابان. سال ۱۳۶۱ (در جاهائیکه در پایان مطالب و در بین پرانتز قرار دارد)
باباطاهر	باباطاهر، شاعر معروف
برهان، بر	برهان قاطع. تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. به اهتمام دکتر محمدمعین چاپ دوم فروردین ۱۳۴۲. تهران
پرورش	پرورش گاو اصیل شیری. تألیف دکتر سیدعلی طباطبائی سال ۱۳۶۰
پزشک	پزشک خانواده. تألیف دکتر محمدحسین حاجبی. انتشارات اقبال. سال ۱۳۴۸
پنج	پنج هزار نسخه گیاهی. تألیف دکتر سیدعبدالمجید حیرت‌سجادی
پیرومیرد	دیوانی پیرومیرد. نویسنده محمدده‌سول (هاوار)
تکا	تہ ماشاکہ (نگاہ کن)
تور	تورکی (ترکی)
ثابتی	جنگلها، درختان و درختچه‌های ایران. تألیف دکتر حبیب‌اله ثابتی
جعفر	جغرافیای کردستان. تألیف سید یداله نجفی
جف	جافی

چوار، چوارچر	چوار چرای مه‌آباد. تالیف دلسوت جه‌ویزی. ۱۹۷۱
خال	فهره‌نگی خال. تألیف شیخ محمد خال
خواص	خواص میوه‌ها و سبزیها. ترجمه و گردآوری غلامحسین قره‌گزلو. چاپ سوم. ۱۳۷۰
خوردنیها	خوردنیها و آشامیدنیها از نظر پیشوایان علم و دین. تالیف سیدمحمد تقی حکیم
ده، امینی	فرهنگ گیاهان دارویی. تالیف امیر امینی
درک	کرد و کردستان. تألیف درک کینان. ترجمه ابراهیم یونسی که در سال ۱۳۷۲ انتشارات نگاه، آن را چاپ نموده است
درو	فرهنگ کردی کرمانشاهی. تالیف علی اشرف درویشیان
دیار	دیاریگری
رچ، ری، بچووک	راء کوچک (ری بچووک)
رو	رووهک و پزشکی میلی کوردی
زا	زازا، لهجه زازا (زازی)
سانت	سانتی متر
سرزمین	سرزمین و مردم ایران. تالیف عبدالحسین سعیدیان. انتشارات کلمه، ۱۳۶۰
سند	سنه‌یی (سندجی)
سه‌یدی	دیوانی سه‌یدی ۱۲۶۵/۱۱۹۹ی کوچی. جمع‌آوری و تشریح و تفسیر به وسیله محمدامین کاردوخی. ۱۹۷۱ زاینی
سیما	صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران
ص	صفحه
صا	صادرات استان کردستان. تالیف سیدیداله نجفی
صص	صفحات
طیب، طب	طیب خانواده
طرح	طرح شناسایی و جمع‌آوری توده بادام‌های حوزه سیروان
ع	عربی
عباسی	فرهنگ نام‌های ایرانی. تألیف محمد عباسی. تیرماه ۱۳۶۳. انتشارات بنیاد
علیر، علیرضایی	فرهنگ واژگان لری و کردی. تالیف کرم علیرضایی
عمید	فهره‌نگی عمید (فرهنگ عمید)

قا، قاموس	قاموسی زمانی کوردی. تالیف عه‌بدوره‌حمانی زه‌بیجی
فلور ایران	فلور ایران. تالیف دکتر احمد قهرمان
قه‌سه، قه‌سری	قصر شیرینی (زاراوه‌ی قه‌سری شیرین)
کو، کوماش، کرمانشانی	کرمانشاهی، گویش کرمانشاهی (زاراوه‌ی کرمانشانی)
کرمانشاهی، درو	فرهنگ کُردی کرمانشاهی. تالیف علی اشرف درویشیان
کشت	فهره‌نگی کشت و کال. تالیف معروف قه‌داغی مردوخی
کول، کولیایی	گویش کلیائی و سنقر (زاراوه‌ی سونقوز و کولیایی)
که، که‌مال	رووه‌ک و پزشکی میللی کوردی. وه‌رگیزان و ناماده‌ی کوردی که‌مال جه‌لال غریب. چاپخانه‌ی هه‌وال. ۱۹۹۹
گرشه	مجله‌های گرشه‌ی کوردستان / گو‌فاری گرشه‌ی کوردستان. تالیف محمد صالح ابراهیمی
گژ	گژ و گیاوو‌ناژهل. تالیف میرزا صدیق احمد جنگیانی سال ۱۹۹۰ م. چاپ سلیمانی، چاپخانه‌ی ناشتی
گولاله	گولاله‌ی مهربوان. تالیف ... قانع
لوز، لوزی	لوزی (لری)
له‌ک	۱- فرهنگ لکی. تالیف حمید ایزدپناه ۲- فهره‌نگی له‌ک و لوز. تالیف حمید یی‌زه‌دپناه. چاپخانه‌ی گۆزی زانیاری. به‌غدا. ۱۹۷۸
له‌یک	له‌یلاخی (زاراوه‌ی له‌یلاخی)
ماد	فرهنگ ماد. تالیف صدیق صفی‌زاده (بوره‌که‌یی)
مظفریان، مظ	فرهنگ نام‌های گیاهان ایران. تالیف دکتر ولی‌الله مظفریان
معر	معروفی، مهندس حسین معروفی، استادیار دانشگاه کردستان
معصه، معصومی	گیاهان خوراکی خودرو استان کرمانشاه. تالیف محمد معصومی
معین	فهره‌نگی مو‌عین (فرهنگ معین)
مف، منتخب	منتخب الخواص. تالیف آیت‌اله محمد مردوخ کردستانی. چاپخانه‌ی ارتش. سال ۱۳۳۰
مؤلف، مو	مؤلف و گردآورنده‌ی فرهنگ حاضر (سیدشهاب خضری)
مه-	جزوه‌ی ۵ صفحه‌ای در مورد نام محلی گیاهان مه‌باد که توسط آقایان سیدعبداله‌ی صمدی و ابوبکر سعیدیان تنظیم گردیده است

مه	فرهنگ مردوخ تألیف آیت‌اله شیخ محمد مردوخ کردستانی
مهم	مهم و زینی خانی هه‌ژار کردویه به موکریانی
مهو	دیوانی مه‌وله‌وی. تألیف سیدعبدالرحیم پسر ملاسعید نوّه ملایوسف جان پسر ملاابوبکر مصنف چوری
ف	در مواردی که این علامت - را روی حرف (ن) قرار داده‌ام، نشانه این است که حرف نون به صورت عادی تلفظ نمی‌شود بلکه به صورت نون بزرگ یا غلیظ یا با غنّه تلفظ می‌گردد مثلاً کلمه «به‌نه‌ن» در کردی سورانی همانطور که نوشته شده تلفظ می‌شود و حال اینکه تلفظ آن در گویش اورامی و ژاورود با صدای مخصوصی است که می‌توان آن را همان (غنّه) تجوید دانست و تلفظ آن در ژاورود و بعضی از روستاهای هه‌ورامان «به‌نه‌ن» است
فادر	چهاره‌سەر کردنی نه‌خۆشی به گۆل و گیا. تألیف فائق محمدنادر. سال ۱۹۹۹ز - ۱۴۱۹ک
تگا	نگاه کنید، مراجعه نمائید. (ته‌ماشا‌که)
وشه	فرهنگ وشه بۆیژ. تألیف محمود سجادی. ملقب به (کارا) (فرهنگ فارسی - کردی)
وه‌لی، وه‌لی دیوانه	دیوان وه‌لی دیوانه. چاپ کتابخانه (شانق) که کاک صابر رازی آن را از اورامی به سورانی ترجمه نموده است
هه‌ش	هجری شمسی
همه	روزنامه هم‌شهری
هه، هه‌ژار	هه‌نبانه بۆرینه، فرهنگ کردی - فارسی. تألیف عبدالرحمن شرف‌کنندی. هه‌ژار. ۱۳۶۹. تهران. سروش
هه‌ورام	هه‌ورامی (اورامی)
هه‌وله، هه‌ل	هه‌ولیری (هولیری)
هیوا	ده‌رمانگه‌ری کردی. نویسنی دکتۆر هیوا عومه‌ر نه‌حمه‌د
یو	یونانی
*	بعد از ستاره، خواص درمانی گیاه نوشته شده است.

منابع و مآخذ:

- علاوه بر پژوهش و تحقیقات میدانی و مستقیم خودم، از منابع زیر هم استفاده نموده‌ام:
- آئینه‌چی، یعقوب. (۱۳۷۰). مفردات پزشکی و گیاهان دارویی ایران. تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ابراهیم پور، محمد تقی. (۱۳۷۳). واژه‌نامه کردی - فارسی. تهران. انتشارات ققنوس
- امینی، امیر. (۱۳۷۸). فرهنگ گیاهان دارویی. کرمانشاه. انتشارات طاق بستان
- اورنگ، مراد. (۱۳۴۷، ۱۳۴۸). فرهنگ کردی (کردی - فارسی). تهران.
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۶۷). فرهنگ لکی. مؤسسه فرهنگی جهانگیری، چاپخانه گیلان
- ایزدپناه، حمید. (۱۹۷۸ م). فرهنگ لکی له‌ک و لولز (ترجمه محمود زامدان). به‌غدا. چاپخانه‌ی کۆزی زانیاری کورد
- بابان، شکراله. (۱۳۶۱). فرهنگ بابان (فارسی - کردی).
- ثابتی، حبیب‌اله. (۱۳۵۵). جنگلها، درختان و درختچه‌های ایران. انتشارات سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی
- چاره‌سهر کردنی نه‌خوشی به‌گول و گیا. تألیف فائق محمدنادر. سال ۱۹۹۰ ز، ۱۴۱۹ ک
- حاجبی، محمدحسین. (۱۳۴۸). پزشک خانواده. تهران. انتشارات اقبال
- حکیم، محمد. خوردنیها و آشامیدنی‌ها از نظر پیشوایان علم و دین. تهران. نشر فرهنگ اسلامی
- حیرت سجای، عبدالمجید. پنج هزار نسخه گیاهی. تهران. مرکز نشر فرهنگی رجاء
- خال، محمد. (۱۹۶۰ - ۱۹۷۴ م). فرهنگ لکی خال. سلیمانیه
- دانشگاه کردستان. (۱۳۷۹). طرح شناسایی فنوتیپی و جمع‌آوری توده بادام‌های حوزه سیروان. سنندج. مؤلف
- درویشیان، علی‌اشرف. (۱۳۷۵). فرهنگ کردی کرمانشاهی. تهران. چاپخانه مهدی
- ده‌رمانگه‌ری کوردی. نویسنی دکتر هیوا عومر نه‌حمده. به‌غدا ۱۹۸۵
- رووه‌ک و پزشکی میلی کوردی

زهبیحی، عهبدوره حمان. (۱۳۶۷). قامووسی زمانی کوردی. ورمی. ئیتشاراتی سه لاهه دینی

ئه ییوویی

شرفکندی، عبدالرحمن. مه ژار. (۱۳۶۹). هه نبانه بۆرینه، فرهنگ کوردی-فارسی. تهران. سروش

صفی زاده (بوره کهیی)، صدیق. فرهنگ ماد

طباطبائی، علی. (۱۳۶۰). پرورش گاو اصل شیر

علیرضایی، کرم. (۱۳۷۷). فرهنگ واژگان ئری و کوردی. تهران. انتشارات شیداسب

قره داغی مردوخ، معروف. (۱۹۷۲م). فرههنگی کشت و کال. بغداد. چاپخانه دارالسلام

قره گزلو، غلامحسین. (۱۳۷۰). خواص میوه ها و سبزیها. انتشارات عارف

گژوکیا و وئاژهل. تالیف میرزا صدیق احمد جنگیانی. سال ۱۹۹۰م. چاپ سلیمانیه

مردوخ، محمد. (۱۹۵۶). فرهنگ مردوخ. تهران

مظفریان، ولی الله. (۱۳۷۵). فرهنگ نام های گیاهان ایران. تهران. موسسه فرهنگ معاصر

معصومی، محمد. (۱۳۸۰). گیاهان خوراکی خودرو استان کرمانشاه. کرمانشاه. انتشارات مؤسسه

فرهنگی، هنری و سینمایی کوثر

مؤلف، مو: مؤلف و گردآورنده کتاب حاضر (سیدشهاب خضری)

۸

بزنه ریشه



بزنه ریشه - لوتو ته وانه ۹



بلا لوتو كه كيڤيله ۱۰



بناوه توّم - هه ويڊار ۱۱



۴

ئه سپه نده ر - قانگ



نه وليا كه ون ۵



باجان ۶



باده م كيڤيله ۷



۱

ئاخچه باش



ئاله ت (پنج انگشت) ۲



ئاميان په نير ۳



ئاميان په نير ۳/۲



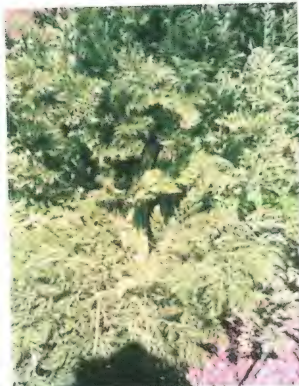
۱۸

پسل - لووشه



۱۵

به نا



۱۲

به زو



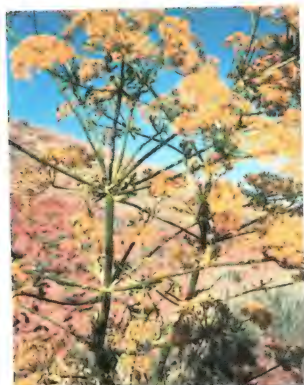
۱۹

پسله که وه له



۱۶

پنله هه ز



۱۳

به زه زا



۲۰

پووشه سووره



۱۷

بی مشک



۱۳/۲

به زه زا



۲۰/۲

پووشه سووره



۱۷/۲

بی مشک



۱۴

به له ک



۲۸ تاتۆلّه - گیابوگه نه



۲۴

پیاز



۲۱

په په چه وره



۲۸/۲

تا تو له



۲۵ پیازه خووغانه (تمشکین)



۲۱/۲

په په چه وره

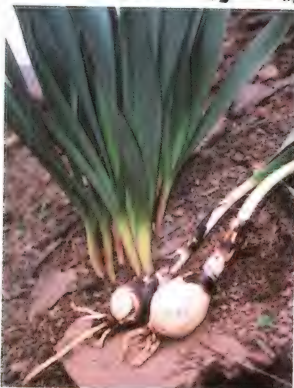


۲۹

تالگه تاله



۲۶ پیاز خووغانه (گرمینه)



۲۲

په له پسه



۳۰

تالی نوس



۲۷

پیتوکه



۲۳

په له شوانه



تورشكه (ترشك غده دار) ۳۶



تووزك (R. s) ۳۷



تووسی (زول مخروطی) ۳۸



تووسی ۳۸/۲



تنزه ره شه ۳۳/۲



توپلاخه ۳۴



توتیا ۳۵



توتیا ۳۵/۲



تالیشك (گل قاصد) ۳۱



تالیشك ۳۱/۲



تایله (درخت تا) ۳۲



تنزه ره شه ۳۳



۴۳/۲

تە تە ران



۴۴

تە زە و نە



تە ق تە قە - گول تە قە ۴۵



۴۶

تە ما کو



۴۱/۳

تووه فە رنگی



۴۲

تە پلە قو - تە ولە قو



تە پلە قو - تە ولە قو ۴۲/۲



۴۳

تە تە ران



۳۹

تۆ سپە کە رانە



۴۰

تووه سووره



۴۱

تووه فە رنگی



۴۱/۲

تووه فە رە نگی



۵۳/۲

چنوور



۵۴ چه ق چه قه



۵۵ چه کمه زه ش



۵۵/۲ چه کمه زه ش



۵۱

چاوکه له شیره



۵۲ چنوور



۵۲/۲ چنوور



۵۳ چنوور

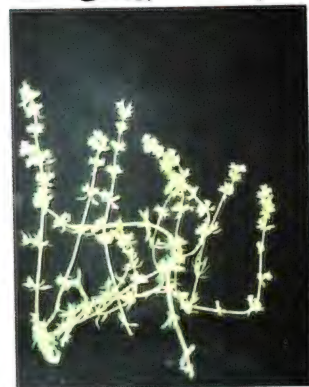


۴۷

ته نگس (تنگرس)



۴۸ جاتره (T. v. پرورشی)



۴۹ جوانه گیا



۵۰ جه ورته



۶۱

خه ربه ننگ



۶۱/۲

خه ربه ننگ

۵۹

خوژه



۵۹/۲

خوژه

۵۶

حه شه گیره (زردینه)



۵۷

خاشخاش



۶۲

خه رپونه



۵۹/۳

خوژه



۵۷/۲

خاشخاش



۶۳

خوین سیاوشان



خوله شیره - وله شیره ۶۰



۵۸

خورمالوو



۶۸/۲

داره وه ن



۶۹ دایکه و باوکه



۶۹/۲ دایکه و باوکه



۷۰ دز که که رانه - قاشاخ



۶۷

دار میله و



۶۷/۲ دار میله و



۶۷/۳ دار میله و



۶۸ داره وه ن



۶۴

دار ناسن



۶۵ دارنه رخه وان



۶۶ دارمازو - مازوودار



۶۶/۲ دارمازو - مازوودار



۷۷/۲

ره زله



ریحانه گیا - یه وه نجه زه رده ۷۸



۷۹ ریواس



۷۹/۲ ریواس



۷۴/۲ رکیشه ی گه لا پان



۷۵ رکیشه ی گه لا ته سک



۷۶ روژگار په رست



۷۷ ره زله



۷۱

دری خانی



۷۲ دوو سموره - دوو سموره



۷۳ رازیانه (F. v پرورشی)



۷۴ رکیشه ی گه لا پان



۸۴/۲

سالمه



۸۵

سپون



۸۶

سرینچک



۸۷

سماق



۸۲

زه رنجه - سورناتک



۸۳

ژاله (پرورشی)



۸۳/۲

ژاله (پرورشی)



۸۴

سالمه



۷۹/۳

ریواس (بازار ریواس فروشی بانه)



۷۹/۴

ریواس



۸۰

زریزانه



۸۱

زؤفا (H.O پرورشی)



۹۴

سیاولہ ی کیفی



۹۵

سی بنہ رد



۹۶

سی پہ رۛہ



۹۷

سیچک - سیچکی



سوورہ ھہ لآ لہ (اورامانی) ۹۱



۹۲

سہ وُل (تاج خروس)



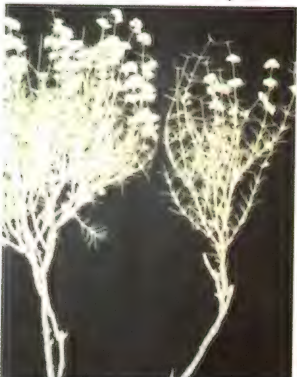
۹۲/۲

سہ وُل (تاج خروس)



۹۳

سہ ونچک



۸۸

سولان



۸۸/۲

سولان



سونبولہ تیف (۷.۵ پرورشی) ۸۹



۹۰

سوورہ چیو (بارانک)



۱۰۴

شملی کیئی



۱۰۵

شنگ



شہ و بو (شب بوی کردی) ۱۰۶



شہ و بو (شب بوی کردی) ۱۰۶/۲



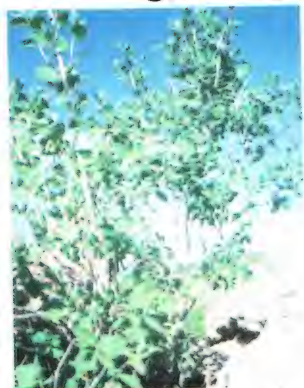
۱۰۲

شرو - شہ هیئ



۱۰۲/۲

شرو - شہ هیئ



۱۰۳

شلانہ



۱۰۳/۲

شلانہ



۹۸

سیف - سیو



۹۹

سی فوکہ



۱۰۰

سیقہ زہ مینہ



۱۰۱

شاتہ زہ



۱۱۲

قارچک



۱۱۳

قایش قران



۱۱۴

قنغر



قه مچی شه لاق (برگ کوتاه) ۱۱۵



۱۰۹

عه مروکه



۱۱۰

عه نا و



۱۱۰/۲

عه نا و



۱۱۱

قاخلی



شه و بو (گل اروانه اورامانی) ۱۰۷



شه و بو (گل اروانه اورامانی) ۱۰۷/۲



شی شاهری کینی - گولانه سووره ۱۰۷

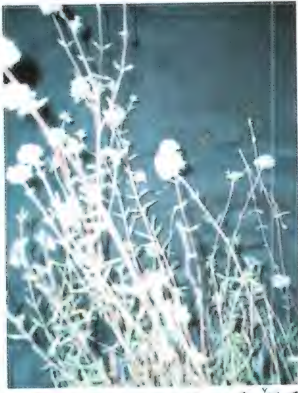


۱۰۸

شیلان - دلیق



کاکووتی - مه رزه ی کیفی ۱۲۳



کاردوو - هاز ۱۱۹



قه مچی شه لاق (برگ دراز) ۱۱۶



کاله که مارانه ۱۲۴



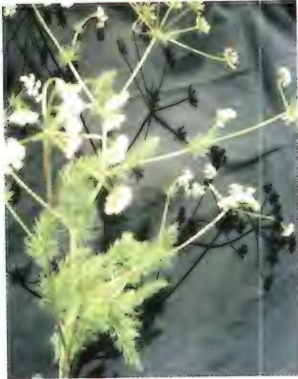
کاسه شور ۱۲۰



قه مچی شه لاق (گرمینه) ۱۱۷



کراویه ۱۲۵



کاسه شور گول فواره یی ۱۲۱



قه یته ران - بزگیله ۱۱۸



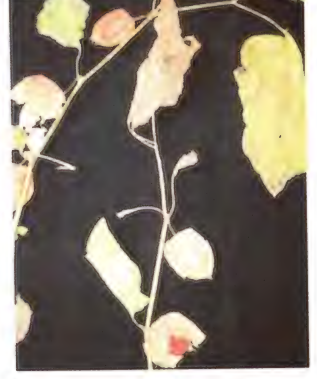
کر مه کوژه ۱۲۶



کاسه شور ۱۲۲



بزگیله - قه یته ران ۱۱۸/۲



۱۳۴/۲

که رته شی



۱۳۵

که رخنکینه



که رکول (خار پیره زن) ۱۳۶



۱۳۷

که ره پو



۱۳۱

کوله که



۱۳۲

که تان



۱۳۳

که تان



۱۳۴

که رته شی



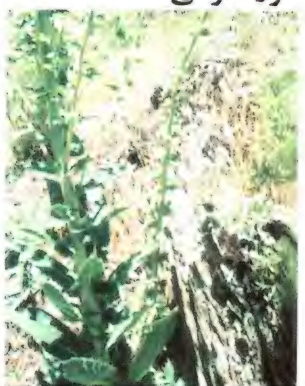
۱۲۷

کنیوال



۱۲۸

کوزه توسی



۱۲۹

کوز پیره زن



۱۳۰

کوکلاش



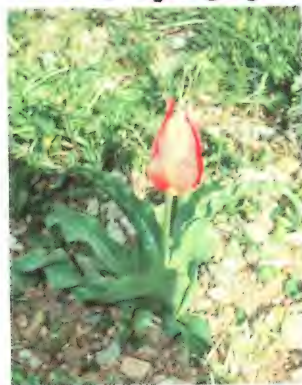
گاگلینکه (خشخاش استوانه ای) ۱۴۵



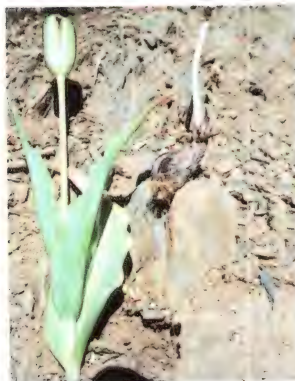
گاگلینکه ۱۴۵/۲



گاگلورال - گوله میلاقه ۱۴۶



گاگلورال ۱۴۶/۲



۱۴۲



گاگلورال ۱۴۳



گاگلورال ۱۴۳/۲



گاگلورال ۱۴۴



گاگلورال

که ره وز (رازیانه کوهی) ۱۳۸



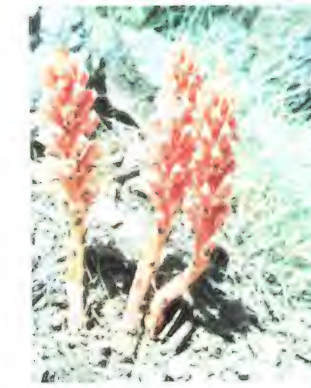
که ره - گیاه تاله ۱۳۹



که ما ۱۴۰



کیز که نه گا ۱۴۱



گول ماس- چناره كه له ۱۵۴



گول زه مه ق ۱۵۱



گوزروان (A. i) ۱۴۷



گول مه خمه ئی- گول ناشقانی ۱۵۵



گول سۆسه ن ۱۵۲



گۆشت به رخيله ۱۴۸



گوله به روژه ۱۵۶



گول سۆسه ن ۱۵۲/۲



گولا له نه وروژه ۱۴۹



گوله حاجيانه ی چه رمگ و نزم ۱۵۷



گول كه وو ۱۵۳

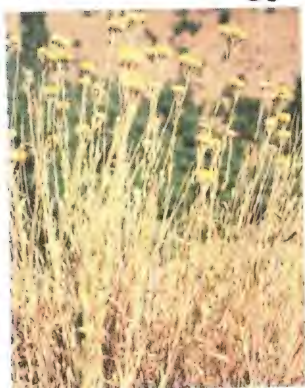


گول نه رخووان ۱۵۰



۱۶۲/۲

گول هه نك



م ۱۶۲

گون قه لا



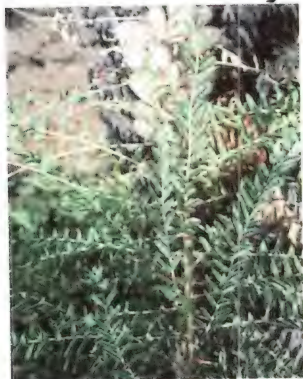
۱۶۳

گونور



۱۶۴

گونه سه گانه



گوله حاجيانه ی ناو به رد ۱۶۰



گوله حاجيانه ی ناو به رد ۱۶۰/۱



۱۶۱

گوله گواره



۱۶۲

گول هه نك



گوله حاجيانه ی چه رنگ و بالا به رز ۱۵۸



گوله حاجيانه ی چه رنگ و بالا به رز ۱۵۸/۲



گوله حاجيانه ی زه رد و بالا به رز ۱۵۹



گوله حاجيانه ی زه رد و بالا به رز ۱۵۹/۲



گه نم شامی - زوږات ۱۷۱



گه نم شامی - زوږات ۱۷۱/۲



گه وُن ۱۷۲



گه وُن ۱۷۳



۱۶۹



گه زنه ۱۶۹/۲



گه لا میران ۱۷۰



گه لا میران ۱۷۰/۲



گه زنه

۱۶۵



گوږه سووره - گوږه زه شه ۱۶۶



گوږه کورده کوږه ۱۶۷



گوږه زه رده ۱۶۸



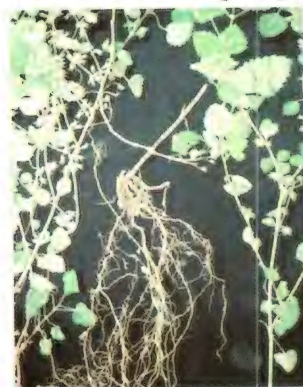
۱۸۱

گیاجگه ر



۱۸۲

گیاسه ودا



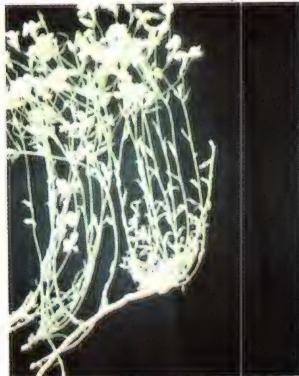
۱۸۳

گیاکام (گول سپی)



۱۸۴

گیاکام (گول زه رد)



۱۷۸

گه وُن جه باری



۱۷۹

گیا پلاو - گیابر نجه



۱۸۰

گیا پلاو



۱۸۰/۲

گیا پلاو



۱۷۴

گه وُن



۱۷۵

گه وُن



۱۷۶

گه وُن



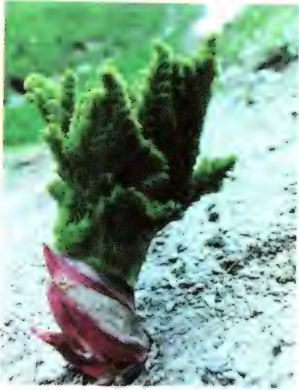
۱۷۷

گه وُن



۱۹۳

لو گه نه



۱۹۴

لو لو په ز



۱۹۵

ليفه شره



مارچيوه (مارچوبه پرورشی) ۱۹۶



۱۸۹

گيلاس



۱۹۰

گينو



۱۹۱

لاو لالو



۱۹۲

لو



گياقولوره-گه زنه کیوی ۱۸۵



۱۸۶

گيا ليلق



۱۸۷

گيا مایه سیری



۱۸۸

گیلاخه



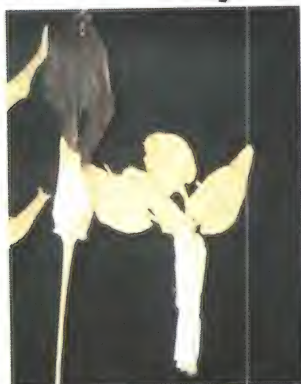
میخه کی کیفی ۲۰۴



میخه کی کیفی ۲۰۴/۲



میله گورگانه ۲۰۵



میوه ما رانه (تمیس) ۲۰۶



مه رزه (مه رزه بیجار) ۲۰۰



مه رزه ی کیفی ۲۰۱



مه لهه م (والرین) ۲۰۲



میخه ک (پروشی) ۲۰۳



۱۹۷



مژ ۱۹۷/۲



مژیه م مه توره ۱۹۸



مژمه (زنگوله ای) ۱۹۹



۲۱۴

وه ره ق



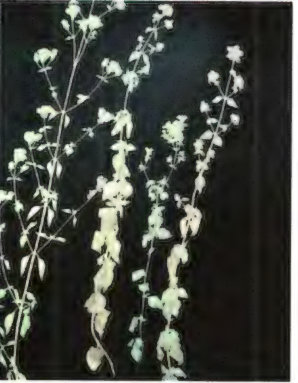
۲۱۵

هاز



۲۱۶

هه زبی باخی



۲۱۷

هه زبی کیفیه



۲۱۱

وله زهرد



۲۱۲

وه ردینه ی کیفی



۲۱۳

وه رکه مهر



۲۱۳/۲

وه رکه مهر



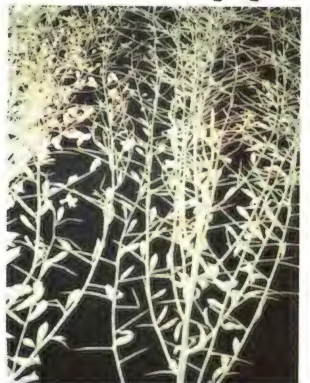
۲۰۷

وز



۲۰۸

وشترخوار (خارشتر)



۲۰۹

وشترخوار (خارخر)



۲۱۰

وشرگه ون



۲۲۶ هه ئمه له - هيرو



۲۲۲ هه لز



۲۱۸ هه شتالو



۲۲۷ هه ئمه له - هيرو



۲۲۳ هه ئمه له - هيرو



۲۱۹ هه لا له برمه



۲۲۸ هه ئمه له - هيرو



۲۲۴ هه ئمه له - هيرو



۲۲۰ هه لا له برمه



۲۲۹ هه ئمه له - هيرو (پرورشی)



۲۲۵ هه ئمه له - هيرو



۲۲۱ هه لامه



هه میسه به هار ۲۳۶



هه مرو گولوی ۲۳۲/۳



هه لمه له-هیرو (پورشی) ۲۳۰



هه میسه به هار ۲۳۷



هه مرو گولوی ۲۳۳



هه لووچه ۲۳۱



هه نار ۲۳۸



هه میسه به هار (لیناریا) ۲۳۴



هه لووچه ۲۳۱/۲



هه نجیره کیفیله ۲۳۹



هه میسه به هار ۲۳۵



هه مرو کیفیله ۲۳۲



مینای آذربایجانی (نام فارسی) ۲۴۷



۲۴۸



خواجه باشی (نام فارسی) ۲۴۹



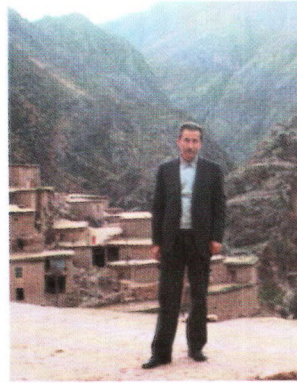
سر فیلی (نام فارسی) ۲۵۰



مؤلف در کوزه میانه ۲۴۳



مؤلف در پالنگان ۲۴۴



مؤلف در ته نگی و هر ۲۴۵



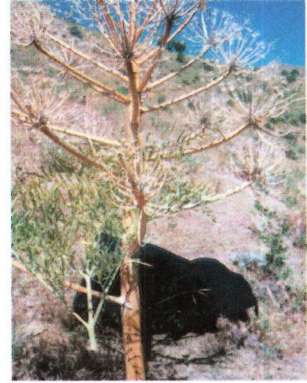
هی پی ریکوم ۲۴۶



هه نوان ۲۴۰



هه نوان ۲۴۰/۲



هیشه وزه ۲۴۱



یونجه در کینه ۲۴۲



۲۵۵



۲۵۱ برگ قلوه ای - گل مسی



۲۵۲



۲۵۳



۲۵۴

